



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون البیروني
معاونیت تحقیقات علمی

د افغانستان د دوامداره پرمختیا لپاره د صنعتي انقلاب ملي کنفرانس
کنفرانس ملي انقلاب صنعتي برای توسعه پایدار افغانستان

مجموعه مقالات
بخش علوم طبیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله علمی- تحقیقی البیرونی

صاحب امتیاز: پوهنتون البیرونی

مدیر مسؤول: پوهنوال دکتور محبوب الرحمن صافی

سر دبیر علوم طبیعی: پوهندوی دکتور گل افغان عادل

سر دبیر علوم اجتماعی: پوهنمل اسد الله آریا

آمر مجله علمی: پوهنمل دکتور حسیب الله جهش

مدیر عمومی مجله علمی: محمد شایق میرزاده

صفحه آرا: جواد رحیمی

نشانی الکترونیکی: journals@au.edu.af

vc.academic@au.edu.af

نوبت چاپ: دوم - 1404 هـ. ش

تلفون: ۰۷۹۷۱۰۰۸۹۶ - 0703082898

اعضای هیئت تحریر علوم طبیعی:

پوهندوی گل آقا انوری معاون تحقیقات علمی.

پوهنوال فضل الرب آریا، استاد پوهنځی زراعت.

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهندوی محمد هارون صابری، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهندوی عبدالقهار قرلق، استاد پوهنځی زراعت.

پوهندوی محمد ناصر طاهری، استاد پوهنځی زراعت.

پوهنمل عبید الله یوسفزی، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهنمل سیدعلی آقا سادات، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

اعضای هیئت تحریر علوم اجتماعی:

پوهنوال ذبیح الله قریشی، استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسی.

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی، استاد پوهنځی شرعیات.

پوهندوی احمد جاهد مشتاق، استاد پوهنځی ژورنالیزم.

پوهندوی دکتور احمد حنیف حنیف، استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسی.

پوهنمل دکتور عبدالمنیر رحیمی، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهنمل دکتور غلام محمد پیمان، استاد پوهنځی زبان و ادبیات.

پوهنمل عبدالقهار صمیم، استاد پوهنځی شرعیات.

یادداشت:

- مقاله‌های ارسالی به مجله علمی-تحقیقی الیرونی باید علمی، جدید و برابر با معیارهای اکادمیک باشد.
- مقاله‌های ارسال شده به این مجله باید در نشریه دیگر نشر نشده یا برای نشر فرستاده نشده باشد.
- مقاله ارسالی جهت مرور به مرورگران فرستاده می‌شود مرورگران مقاله را به صورت دقیق مطالعه نموده و در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌نمایند.
- هیأت تحریر مجله که متشکل از اعضای کادر علمی است، طبق پالیسی مجله، در مورد نشر مقاله تصمیم اتخاذ می‌نماید و مدیریت اجرایی مجله تصمیم هیأت تحریر را به آگاهی نویسنده می‌رساند.
- تمام مسئولیت محتوایی مقاله به عهده‌ی نویسنده/نویسنده‌ها و مرورگران (تقریظ دهندگان) می‌باشد.

تمامی حقوق این اثر برای پوهنتون الیرونی محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی	1
پیام معاون تحقیقات و مجله علمی پوهنتون البیرونی	3
مطالعه و بررسی ماهی پروری و نقش اقتصادی و محیط زیستی آن در ولایت کاپیسا	5
بررسی نقش و اهمیت زنبور عسل و تأثیرات آن بالای محیط زیست	25
چالش‌های پذیرش محصولین رشته ریاضی موانع سد راه انقلاب صنعتی جهت توسعه پایدار	43
بررسی کاربرد و استفاده از انرژی خورشیدی در خشک سازی محصولات زراعتی	63
بررسی اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد و محیط زیست (مطالعه‌ی موردی: شهر شیرغان)	79
تأثیر دولت الکترونیک بر رضایتمندی مراجعین و توسعه پایدار (مطالعه موردی: پوهنتون البیرونی)	105
بررسی رابطه میان نحوه‌ای مدیریت پسماند خانگی و رضایت شهروندان (مطالعه‌ای موردی: ناحیه 15 شهر کابل)	119
استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر به جای سوخت‌های فسیلی، به منظور کاهش آلودگی‌های محیط زیستی	133
عوامل کاهش فرش نباتی و اثرات تغییر اقلیمی آن از دید مردم محل (مطالعه موردی ولایت بدخشان)	155
د کورنیو اوبو د ضایع کیدو د سپما په موخه اغیزمنې لارې چارې	173
بررسی چالش‌ها و فرصت‌های صنعت تولید فولاد در افغانستان	189
په لبنیاتي صنعت کې د پروبیوتیکي محصولاتو تولید او روغتیايي اغیزې	207
د افغانستان په کلیوالي پراختیا او صنعتي کولو کې د چرگانو روزنې رول څېړنه	225
بررسی عملکرد لرزه‌ای سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن کانکریتی و نقش آن در رشد صنعت مصالح فولادی در افغانستان	239
بررسی مدیریت پایدار منابع آب و نقش آن در توسعه سکتور زراعت ولایت فاریاب	261
نقش صنعت و فناوری‌های نوین در بهبود عملکرد مالداري	281
بررسی تاثیر توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار (تحلیل موردی: مؤسسات تحصیلات عالی در ولایت نیمروز)	299

فکتورهای تاثیر گذار بر درک مردم محل از منابع اقتصادی و صنعتی: مطالعه موردی صنعت معادن ولایت پنجشیر.....	315
عوامل تأثیرگذار بر تغییر تمدنی در جهان اسلام.....	335
مدیریت منابع آب رودخانه‌ی کوکچه و ظرفیت تولید برق ناشی از آن در توسعه پایدار تخارستان ..	373
بررسی تأثیر هوش مصنوعی در تحول و توسعه زراعت صنعتی در افغانستان مطالعه موردی: (ولایت بلخ و فاریاب).....	395
بررسی نقش معدن آهن حاجی‌گک در توسعه صنایع فولادی و صنعتی‌سازی افغانستان: فرصت‌ها و چالش‌ها.....	411
د نوي کېدونکې انرژۍ په وسيله د صنعت چټکتيا او د مصرف مخنيوی.....	431
نگرش و رفتار شهروندان کابل نسبت به تکنالوژي‌های زیست‌محیطی نوین.....	451
نقش زراعت در تحول صنعتی شدن صفحات شمال افغانستان (مطالعه ای موردی بلخ، فاریاب و جوزجان).....	473

رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی

مقالات به زبان‌های رسمی کشور و شماره‌های ویژه به زبان‌های انگلیسی و عربی، به نشر می‌رسد. روش منبع نویسی درون متنی طبق روش APA صورت می‌گیرد (تخلص، سال نشر)، اما در مقالات شرعی و عربی (تخلص، سال نشر، نام کتاب: جلد و صفحه). و در فهرست منابع هر دو بخش: تخلص، نام مؤلف. (تاریخ نشر). عنوان کتاب. (شماره چاپ). مکان نشر: دارالنشر. نوع خط به دری B Zar، به پشتو خط Bahij Zar، برای زبان انگلیسی Times New Roman، و برای زبان عربی Traditional Arabic استفاده گردد.

اندازه خط متن مقاله (12)، عنوان اصلی مقاله (14)، عناوین فرعی (12) بولد می‌باشد. فاصله میان خط‌ها (1.15) و پاراگراف‌ها با (0.5) انچ فرورفتگی (indent) نوشته می‌شود. فاصله میان پاراگراف‌ها در نظر گرفته نمی‌شود.

ارقام به کاررفته در متن باید مطابق زبان متن عیار گردد.

تعداد صفحات مقاله بین 5 الی 15 صفحه معیاری (وزیری) = (طول: 24 سانتی متر و عرض: 17 سانتی متر) تنظیم می‌گردد.

مقاله دارای حد اقل 10 منبع باشد، 50 فیصد آن در علوم تجربی از 10 سال اخیر، و در علوم اجتماعی طبق لزوم دید تنظیم گردد.

جدول‌ها و شکل‌ها باید کیفیت خوب داشته باشند. اندازه خط برای عناوین شکل‌ها و جدول‌ها (11) در نظر گرفته شود.

هرگاه متن مقاله به زبان فارسی دری و یا پشتو باشد، چکیده باید به زبان انگلیسی ترجمه گردد. هرگاه مقاله به زبان‌های بین‌المللی باشد، ترجمه چکیده به زبان فارسی دری و یا پشتو تهیه گردد. نوت: ترجمه حاوی عنوان، نام نویسندگان، چکیده و کلید واژه‌های مقاله نیز باشد.

چکیده ضمناً دارای (بیان مسأله، اهداف، روش تحقیق، نتایج و پیشنهادات) به شکل فشرده باشد و از (250) کلمه بیش تر نباشد.

واژه‌های کلیدی بین 3-7 باشد.

مقدمه دارای حد اقل این موارد (بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف و فرضیه‌های تحقیق) بدون ذکر عنوان فرعی باشد.

بعد از مقدمه، پیشینه تحقیق و روش تحقیق در عناوین فرعی درج می‌گردد. بعداً موضوع تحقیق و در
 اخیر مناقشه (در صورت نیاز)، نتایج و فهرست منابع می‌آید.

نتیجه‌گیری که شامل چگونگی حل مسأله (یافته‌های پژوهش) مختص به علوم تجربی می‌باشد.
 معادل نام‌ها و اصطلاحات تخصصی که به زبان انگلیسی باشد در پاورقی به زبان ملی توضیح داده شود.
 آیات قرآن کریم داخل اقواس قرآنی: ﴿ ۱ ﴾ [نام سوره: شماره آیت]، احادیث شریف و نصوص علماء
 داخل اقواس « » درج می‌گردد.

آیات قرآن کریم، احادیث نبوی مبارک و نصوص عربی باید به فونت عربی مناسب تنظیم شود.
 آیات قرآن کریم طبق رسم عثمانی، احادیث نبوی مبارک و نصوص عربی باید طبق قواعد علامات
 ترقیم زبان عربی نوشته شود.

عنوان باید واضح و مختصر باشد. و زیر عنوان نام نویسنده/ نویسندگان و موقف علمی آن با ایمیل
 آدرس نویسنده مسؤول درج شده باشد.

مقاله‌های ارسالی در گام نخست توسط هیأت تحریر مجله که تطبیق‌کننده پالیسی نگارش مجله اند،
 بررسی می‌گردد. هیأت تحریر مجله متشکل از اعضای کادر علمی می‌باشد. مقاله‌ها پس از بررسی
 ابتدائی توسط هیأت تحریر به مرورگران رشته مربوطه (تقریظ دهنده) جهت مرور (Review) فرستاده
 می‌شود. مرورگران در مورد اعتبار علمی مقاله تصمیم اتخاذ می‌کنند و نتایج بررسی خود را به هیأت
 تحریر می‌نگارند. مسئولیت محتوای مقاله به عهده‌ی نویسنده/ نویسندگان و مرورگران (تقریظ
 دهندگان) مقاله می‌باشد.

هیأت تحریر بر مبنای تصمیم مرورگران و پالیسی نشراتی مجله، در خصوص نشر مقاله تصمیم نهائی
 اتخاذ می‌کنند. هیأت تحریر مجله ماه یک بار جلسه‌های منظم را برگزار نموده و بر علاوه جلسه‌های
 عادی، جلسه‌های ویژه نیز در صورت نیاز برگزار می‌گردد.

پیام معاون تحقیقات و مجله علمی پوهنتون البیرونی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد وعلى آله واصحابه اجمعين اما بعد:

خرسندم که انتشار کتاب مجموعه مقالات علوم طبیعی «کنفرانس ملی انقلاب صنعتی برای توسعه پایدار افغانستان» را که حاصل تلاش جمعی از استادان، محققان، کارمندان پوهنتون البیرونی، نهادهای علمی و وزارت تحصیلات عالی کشور است، به عنوان دستاوردی علمی و ملی، با افتخار تقدیم جامعه علمی و فرهیخته افغانستان می‌نمایم. این مجموعه نه تنها کتابی از مجموعه مقالات ارزشمند کوشش‌های علمی، بلکه نشانی روشن از اراده و باور ما به آینده‌ای خودکفا و آباد برای توسعه و پیشرفت وطن عزیز؛ افغانستان است.

جهان امروز در میانه موج چهارم انقلاب صنعتی قرار دارد؛ عصری که با هوش مصنوعی، روباتیک، انرژی‌های نو، استفاده خودکار تکنالوژی و ماشین‌آلات با دقت بیشتر و تحول بنیادین در شیوه‌های تولید شناخته می‌شود. اگر به گذشته بنگریم، چهار مرحله این انقلاب بزرگ چنین بوده است: مرحله نخست در قرن هجدهم با اختراع ماشین بخار و مکانیزه شدن تولید آغاز شد؛ مرحله دوم در اواخر قرن نوزدهم با برق، نصب ماشین‌آلات و تولید گسترده شکل گرفت؛ مرحله سوم در قرن بیستم با ورود کمپیوتر و تکنالوژی اطلاعات و ارتباطات، تولید را الکترونیکی ساخت؛ و مرحله چهارم در قرن بیست و یکم که امروز در آن هستیم، با هوشمندسازی، اینترنت اشیا، هوش مصنوعی و تلفیق فناوری‌های فیزیکی، الکترونیکی و محیط زیست شناخته می‌شود.

افغانستان نیز با وجود چالش‌ها، از ظرفیت‌هایی کم‌نظیر برخوردار است: منابع معدنی و طبیعی غنی، زمین‌های حاصل‌خیز، موقعیت جغرافیایی راهبردی، و نیروی انسانی جوان و بانگیزه. این فرصت‌ها، اگر با مدیریت هوشمندانه، پشتوانه علمی و بهره‌گیری از تجربه جهانی در انقلاب صنعتی، همراه شوند، می‌توانند کشور را به سمت خوداتکایی اقتصادی و صنعتی هدایت کنند.

تحقیقات علمی و نوآوری‌های پوهنتون‌ها، زمانی بیشترین اثرگذاری را خواهند داشت که در امر سیاست‌گذاری ملی و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نهادینه شوند. پیوند میان تحقیق و صنعت، و ارتباط میان نهادهای علمی و دولت، کلید استفاده مؤثر از ظرفیت‌های کشور است. یافته‌های علمی-تحقیقی باید راهنمای عملی برای توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد صنایع بومی، افزایش بهره‌وری و ورود به بازارهای منطقه‌ای و جهانی باشد.

مقالات این مجموعه، هر یک به گونه‌ای چشم‌اندازهای نوینی برای بهره‌برداری از فرصت‌های صنعتی و ارتقای سطح توسعه پایدار افغانستان ترسیم کرده‌اند. نتایج مقالات حاضر، علاوه بر تحلیل چالش‌ها، پیشنهادهای عملی برای سرمایه‌گذاری، ایجاد ارزش افزوده، و استفاده از منابع داخلی ارائه می‌نمایند. امید است که یافته‌های مقالات کنفرانس ملی انقلاب صنعتی برای توسعه پایدار افغانستان، الهام‌بخش برنامه‌های عملی و پروژه‌های ملی در مسیر پیشرفت و توسعه کشور باشد.

باور راسخ دارم که افغانستان، با تکیه بر دانش بومی، تحقیقات هدفمند و همگرایی نهادهای علمی، دولتی و خصوصی، می‌تواند نه تنها نیازهای داخلی را برآورده سازد، بلکه به صادرکننده محصولات صنعتی و فناوری‌های بومی نیز بدل شود. آینده روشن این سرزمین، در گرو اتحاد، دانش محوری و بهره‌گیری خردمندانه از فرصت‌های صنعتی است.

در پایان، از همه دست‌اندرکاران، برگزارکنندگان، نویسندگان، و حامیان علمی و تخنیکی این رویداد علمی که با تلاش صادقانه و روحیه ملی، این کنفرانس مهم را به ثمر رسانده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین از تمویل‌کنندگان مالی که با حمایت سخاوتمندانه خود، زمینه برگزاری این کنفرانس مهم و چاپ مجموعه مقالات آن را فراهم ساختند، به‌خصوص عالیقدر وزیرصاحب تحصیلات عالی، ریاست محترم تحقیق، تألیف و ترجمه، ریاست محترم مالی و اداری و همه‌ی رهبری ولایت کاپیسا و پوهنتون البیرونی قدردانی ویژه به عمل می‌آورم، بی‌تردید، پشتیبانی مالی آنان گامی مهم در حمایت از تحقیقات علمی و پیشرفت کشور است.

والسلام

پوهندوی گل آقا انوری

معاون تحقیقات و مجله علمی پوهنتون البیرونی

مطالعه و بررسی ماهی پروری و نقش اقتصادی و محیط زیستی آن در ولایت کاپیسا

پوهندوی دکتور گل افغان عادل^{۱*}، پوهندوی دکتور دادالله حلیم^۲

۱. دیپارتمنت علوم حیوانی، پوهنځی زراعت، پوهنتون الیبرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: afghanadell@gmail.com

چکیده

پرورش ماهی در ترکیب سکتور مالداري دارای مقام برجسته بوده و نقش مهمی را در توسعه اقتصادی یک منطقه ایفا می کند. با توجه به رشد جمعیت در کشور نیاز به پروتین نیز افزایش یافته بناءً تولید هرچه بیشتر پروتین حیوانی از اهمیت زیادی برخوردار است، پرورش ماهی می تواند تا اندازه ای نیاز های غذایی (پروتین حیوانی) جامعه ی در حال رشد را تأمین و به کاهش سؤ تغذی کمک کند. چون در ولایت کاپیسا پیرامون ماهی پروری و نقش اقتصادی آن فعالیت های بسیار اندکی صورت گرفته است. بنابر این، این مطالعه بررسی ماهی پروری و نقش اقتصادی و محیط زیستی آن در ولایت کاپیسا به هدف ایجاد اشتغال زایی و افزایش در آمد پایدار برای دهقانان و مردمان روستایی و توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست انجام یافته است. ارقام و معلومات شامل در این تحقیق با استفاده از نوع سروی با دیزاین پرسش نامه و شریک سازی آن به افراد اهل مسلک و با تجربه، جمع آوری گردیده و با استفاده از روش های احصائیوی تحلیل گردیده است. یافته های این مطالعه نشان می دهد که کمتر از 5 درصد مردم این ولایت مصروف شغل پرورش ماهی می باشند ولی به آنهم 92 درصد مردم محل به صنعت پرورش ماهی علاقه مندی نشان داده اند. پرورش ماهی 96 درصد بر اشتغال زایی مردم تاثیر داشته و در حدود 100 درصد بالای بهبود شرایط اقتصادی مردمان روستایی، کاهش فقر و سوء تغذی اطفال آنها کمک می کند. مصرف گوشت ماهی در رژیم غذایی در جایگاه بسیار پائین قرار داشته طوری که 72 درصد مردم این ولایت سالانه یک بار گوشت ماهی مصرف می نمایند و علت آن هم ندانستن ارزش غذایی گوشت ماهی و اقتصاد ضعیف بیان شده است. 20 درصد پاسخ دهندگان اثرات منفی در ماهی پروری را آلودگی آب ها دانسته و 80 درصد دیگر تغییر در چرخه مواد غذایی طبیعی می دانند. بزرگ ترین چالش ها و مشکلاتی که پرورش دهندگان ماهی در ولایت کاپیسا با آن مواجه اند نبود افراد فنی و مسلکی، هزینه های بالای تولید و اقتصاد ضعیف خانواده های می باشد یکتعداد از پاسخ دهندگان عدم رشد و انکشاف ماهی پروری را در سطح این ولایت عدم توجه دولت در عرصه انکشاف این صنعت و نبود مارکیت با ثبات وانمود نموده اند. بناءً بهترین راهکار ها جهت بهبود وضعیت ماهی پروری، آموزش و مشاوره های فنی و مسلکی، بهبود زیر ساخت های آبی، بازار مناسب فروش، انگیزه و آگاهی دهی می باشد.

واژه های کلیدی: ماهی، اقتصاد، شغل، محیط زیست، کاپیسا

Study and analysis of fish farming and its economic and environmental role in Kapisa Province

Associate Professor Dr. Gul Afghan Adel^{1*}, Associate Professor Dr. Dadullah Haleem²

1. Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: afghanadell@gmail.com

Abstract

Fish farming and its economic and environmental role in Kapisa Province, this study has been conducted to examine fish farming and its economic and environmental role in the region, aiming to create job opportunities, increase sustainable income for farmers and rural people, promote sustainable development, and protect the environment. The data and information used in this research were collected through a survey method using a designed questionnaire, shared with experts and experienced individuals, and analyzed using statistical methods. The findings of this study show that less than 5% of the people in this province are engaged in fish farming. However, 92% of the local population has shown interest in the fish farming industry. Fish farming has had a 96% impact on employment generation and has contributed nearly 100% to improving the economic conditions of rural people, reducing poverty, and alleviating child malnutrition. The major challenges faced by fish farmers in Kapisa Province include a lack of skilled and professional personnel, high production costs, and poor household economies. Some respondents attributed the lack of development in fish farming in this province to the government's negligence in developing the industry and the lack of a stable market. Therefore, the best strategies to improve fish farming include technical and professional training and consultations, improvement of water infrastructure, a suitable sales market, motivation, and public awareness.

Key words: Fish, Economy, Position, Environment, Kapisa.

مقدمه

ماهی پروری که به فرآیند پرورش ماهیان در محیط‌های کنترل شده اطلاق می‌شود، به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های تولید پروتین حیوانی در جهان شناخته می‌شود. این صنعت با توجه به مزایای متعدد خود، نقش به‌سزایی در تأمین امنیت غذایی، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند و تأثیرات ایکولوژیکی ماهیان آب شیرین نقش‌های حیاتی در زنجیره غذایی، چرخه مواد مغذی و حفظ کیفیت آب ایفا می‌کنند. از دست دادن آنها می‌تواند منجر به بی تعادلی در اکوسیستم‌های آب‌های شیرین شود که بر حیات گیاهی و جانوری تأثیر می‌گذارد (S.K.2004). نظر به اهمیت پروتین حیوانی به خصوص گوشت ماهی در سلامتی انسان و رونق آن در سبد غذایی خانواده‌ها، هر روز تولید و تقاضا برای این مواد غذایی با ارزش بیشتر می‌شود. در حال حاضر بخش ناچیز از پروتین حیوانی مورد نیاز کشور از طریق گوشت ماهی تأمین می‌گردد (و ثوقی، ۱۳۸۵). تکثیر و پرورش ماهیان به منظور تولید و تأمین بخشی از پروتین مورد نیاز جامعه و بازسازی ذخایر آب‌های داخلی، یکی از راه‌های مؤثر به سوی توسعه پرورش ماهیان منابع آبی داخل کشور می‌باشد و زمینه تکثیر و پرورش ماهیان وجود دارد که می‌توان با اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی، تعداد بیشتر روستائیان را در این صنعت مشغول بکار کرد. اما متأسفانه مرکز فعالیت تکثیر ماهیان سرد آبی و گرم آبی در حد نیاز در کشور وجود نداشته تا پاسخ‌گوی نیاز متقاضیان و پرورش دهندگان ماهی باشد (رحیمی، ۱۳۸۵).

در حال حاضر، تنها عده محدودی از پرورش دهندگان ماهی از این امکانات بالقوه استفاده ناچیزی می‌نمایند. یکی از علت اصلی آن عدم دسترسی به چوچه ماهی‌ها و اطلاع‌رسانی محدود در زمینه دانش فنی تکثیر و پرورش و ارزش غذایی گوشت ماهی می‌باشد، بدون شک تربیت نیروی انسانی ماهر و افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای دست اندرکاران، ارائه بسته‌های ترویجی و سرمایه‌گذاری در این صنعت یکی از عوامل مهم در ترویج و افزایش تولید واحد سطح و آگاهی در راه توسعه آبرزی پروری پایدار (Sustainable aquaculture) می‌باشد. به خصوص با احداث مراکز تکثیر و مزارع پرورشی ترویجی و آموزشی ماهی قزل‌آلا در مناطق مستعد کشور از جمله ولایت کاپیسا که بهترین محیط برای پرورش ماهی بوده است، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري با هم‌کاری دفتر هم‌کاری‌های دولت فرانسه در سال ۲۰۰۰ میلادی احداث و بازسازی مراکز تکثیری ماهی و مزارع ترویجی پرورشی ماهی گام‌های مؤثر و بستر مناسبی را جهت انکشاف پرورش ماهی مهیا نموده است تا فعلاً تعدادی از فارم‌های پرورش ماهیان سرد آبی در بعضی ولایات کشور احداث شده است از

جمله دو فارم پرورش ماهیان سرد آبی که یکی بنام فارم گلغندی و دیگری در منطقه علی خیل این ولایت تأسیس شده است، اما در این زمینه تلاش‌های مستمر را می‌طلبد. (رحیمی، ۱۳۹۲).

تحقیق هذا از این جهت حایز اهمیت است، تا تلاشی برای سطح آگاهی برای علاقه‌مندان و دهاقین در زمینه شناخت انواع ماهیان پرورشی و توافق آنها در محیط آبی، منابع آبی، ایجاد مساعد ساختن زمینه این صنعت و شرایط محیطی موجود انجام شود که در این رابطه مقاله تحقیقی تحت عنوان (مطالعه و بررسی انواع ماهیان پرورشی و نقش اقتصادی و محیطی زیستی آن در ولایت کاپیسا) انجام یافته است.

ماهی پروری یکی از شاخه‌های مهم زراعت، مالداري و صنایع غذایی بوده که در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای جهان مخصوصاً در مناطق دارای منابع آبی مناسب توجه خاص به آن شده است، و برعلاوه تأمین غذایی راهکار مناسب جهت رشد و پایداری اقتصادی جامعه روستایی محسوب می‌شود، با وجود داشتن مزایای اقتصادی ماهی پروری می‌توان اثرات قابل توجه در محیط زیست نیز داشته باشد که در صورت مدیریت نادرست و عدم دسترسی به فناوری‌های پیشرفته منجر به آلودگی‌های محیطی و آبی شود.

ولایت کاپیسا یکی از ولایات مرکزی افغانستان بوده به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و منابع آبی موجود می‌تواند پتانسیل بالائی برای توسعه صنعت ماهی پروری داشته باشد، با این حال پیشرفت این صنعت در این ولایت با چالش‌ها و موانع مختلف رو برو است که می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر وضعیت اقتصادی و اشتغال زایی مردم داشته باشد. این تحقیق برای تصمیم‌گیری‌های صحیح و درست در زمینه توسعه صنعت ماهی پروری اطلاعات دقیق و عملی در خصوص تأثیرات اقتصادی، محیطی و تفریحی پیشرفت این صنعت ضروری است، بناءً این تحقیق می‌تواند به عنوان مبنای علمی برای مسئولان، نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت حمایت از این صنعت و رفع چالش‌های موجود مورد استفاده قرار گیرد و در مجموع این تحقیق نه تنها که به وضعیت چگونگی ماهی پروری، بالای مزایا، مشکلات و محیطی آن می‌پردازد بلکه می‌تواند راهگشای بهتر جهت رشد اقتصاد پایدار ملی محسوب شود.

اگر چه نتایج کلی هنوز بدست نیامده است، اما فرضیه‌های که پرداخته می‌شود می‌تواند بالای وضعیت ماهی پروری در ولایت کاپیسا اثر مثبت بگذارد و یک راهکار خوب برای ایجاد اشتغال و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی عمل کند.

با توجه به موضوع مطالعه، فرضیه‌های تحقیق طور ذیل مطرح می‌گردد.

فرضیه اول: علاقه‌مندی در رشته ماهی‌پروری در ولایت کاپیسا می‌تواند تاثیر مثبت و قابل توجهی بر وضعیت تجارتي مردم داشته باشد. فرضیه دوم: پیش‌بینی می‌شود که دسترسی به آموزش ماهی‌پروری (مدیریت خوب، شناخت انواع ماهیان و راهکارهای تغذیوی) اثر مثبت بالایی کاهش فقر و تولید بیشتر گوشت ماهی در ولایت کاپیسا باشد.

فرضیه سوم: در صورت عدم همکاری‌های دولت و موسسات خصوصی در این راستا از واردات ماهیان بی‌کیفیت در این ولایت کاسته نخواهد شد.

سوال اول: وضعیت فعلی ماهی‌پروری را در ولایت کاپیسا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سوال دوم: بزرگترین چالش‌ها و مشکلاتی که پرورش‌دهندگان ماهی در کاپیسا با آن مواجه هستند کدام‌ها اند؟

سوال سوم: آیا میزان مصرف داخلی ماهی در ولایت کاپیسا از طریق تولید فارم

ها در این ولایت تأمین می‌شود؟

سوال چهارم: آیا پرورش ماهی می‌تواند به توسعه مناطق روستایی و بهبود شرایط اقتصادی

آنها کمک کند؟

سوال پنجم: به نظر شما ماهی‌پروری چه تاثیری بر محیط زیست دارد؟

هدف اصلی این تحقیق بررسی و تحلیل اثرات اقتصادی، محیط زیستی و وضعیت اشتغال‌زایی آن بالای مردم کاپیسا است، این تحقیق به دنبال شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های است تا بتواند مزایا و مشکلات این صنعت را تحلیل و تجزیه نموده و به سطح ملی و محلی تاثیرات چند جانبه آنرا مورد ارزیابی قرار دهد به این لحاظ چند اهداف خاص به شرح زیر تذکر یافته است.

✓ بررسی تاثیرات اقتصادی ماهی‌پروری بر سطح زندگی مردم و فارم داران .

✓ ارزیابی تاثیر ماهی‌پروری بر سطح بیکاری، اشتغال‌زایی و کاهش فقر بالای مردم کاپیسا.

✓ ارزیابی و بررسی اثرات محیطی ماهی‌پروری بالای منابع آبی این ولایت.

✓ تحلیل نقش این صنعت در بهبود امنیت غذایی و تأمین پروتین مورد نیاز جامعه.

پیشینه تحقیق

مطالعات و تحقیقات در رابطه به ماهی پروری و رشد و انکشاف این صنعت با توجه به رشد روز افزون جمعیت جهانی، بالا رفتن سطح زندگی در جامعه، تقاضا و نیاز جدی برای مواد غذایی انسان ها، تولید مواد غذایی به عنوان یک نیاز استراتژیک، نقش اهمیت اقتصادی ملی و بین المللی تا مرحله خود کفایی مهم و با ارزش تلقی می گردد. بر اساس گزارشات سازمان (F.A.O) مصرف سرانه (سالانه) آبزیان در جهان در سال ۲۰۱۱ به ۱۸.۸ کیلو گرام رسیده بود، با توجه به تداوم وضعیت موجوده پیش بینی می شود که در ایران نیز سقف سرانه مصرف گوشت ماهی از ۶.۷ کیلو گرام در سال ۱۳۸۱ به ۱۰.۰۷ کیلو گرام در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید (قریشی، ۱۳۸۶). قرار مطالعات از مهم ترین مباحثی که می تواند عملکرد مزارع پرورش ماهی و آبزیان را تحت تاثیر قرار دهد بکار گیری عوامل فنی مدیریتی است، مدیریت واحدهای کشاورزی یکی از اصول فنی است که همواره در استفاده از مفاهیم اقتصاد، تولید ابزارهای ارایه شده برای بیان کمی مفاهیم پیشرو بوده است. (عباسی، ۱۳۹۲). قرار تحقیقات ماهیان سرد آبی (قزل آلا) روش تغذیه آنها بستگی به محیط آبی آنها دارد، در جوی بارهای که دارای آب شفاف هستند از حیوانات بی مهره گان، ارگانسیم ها و ماهیان کوچک استفاده می کنند که این امر سبب بهبود اکوسیستم جوی بارها و جمعیت گونه های شکارگر می شوند (Ulfat، ۲۰۱۲). تحقیقات که در ایالت ادیگی کشور روسیه بالای ماهیان کارپ صورت گرفته است، وانمود ساخته است که پرورش ماهی به شکل مصنوعی و تغذیه دستی در ماهیان کارپ غیر اقتصادی بوده و این وضعیت به دو دلیل، اول اینکه قیمت بودن جیره مصرفی دوم دسترسی مردم این ایالت به ماهیان به شکل طبیعی مساعد بوده و همه روزه شکار ماهی در همه ساحات آبی امکان پذیر است (Адел، ۲۰۲۳). قرار تحقیقات، پرورش ماهی در سطح جهانی رو به افزایش است، به دلیل استفاده از فناوری های جدید که در دهه های اخیر رشد زیادی کرده و به طور قابل توجهی به بهبود امنیت غذایی و کاهش فقر در جهان کمک کرده است. پرورش ماهی به عنوان یک فعالیت امیدوار کننده برای تولید پروتئین با ارزش غذایی بالا شناخته می شود. شرکت های بزرگ ماهی پروری که پتانسیل این شیوه مهم را درک کرده اند، در زمینه مطالعه و تولید انواع مختلفی از گونه های ماهی سرمایه گذاری کرده اند و هم چنان بر وضعیت اقتصادی روستائی ها نقش اساسی دارد (G. S., Silva, ۲۰۱۲). قرار مطالعات انجام شده تأثیرات اکولوژیکی ماهیان آب شیرین نقش های حیاتی در زنجیره غذایی، چرخه مواد مغذی و حفظ کیفیت آب ایفا می کنند. از دست دادن آنها می تواند منجر به بی تعادلی در

اکوسیستم های آبی، شیرین شود که بر حیات گیاهی و جانوری تأثیر می گذارد (S.K.2004). پرورش ماهی در قفس های تور در اقیانوس ها، دریاچه ها و مخازن مختلف سراسر جهان رشد سریعی داشته است. هزینه و دسترسی به ورودی ها (مثل غذا و تجهیزات) و همچنین تقاضا و ارزش فروش ماهیان پرورشی، همگی نقش مهمی در موفقیت پرورش ماهی در قفس دارند. پژوهش گران به طور فرایند های بر مطالعات اقتصادی پرورش ماهی در قفس تأکید می کنند تا بتوانند امنیت غذایی را بهبود بخشیده و فقر را در منطقه دریاچه ویکتوریا کاهش دهند. برای تضمین موفقیت و افزایش سرمایه گذاری در این بخش، صنعت پرورش ماهی در قفس باید اصول اقتصادی را رعایت کند. در این مرور، جنبه های مهم اقتصادی شامل هزینه های سرمایه ای و عملیاتی، درآمد، بازاریابی و شاخص های سودآوری که بر تصمیم گیری های مدیریتی در پرورش ماهی در قفس تأثیر می گذارند، مورد بررسی قرار گرفته اند (Mboya, J. B, 2023). قرار تحقیقات بازاریابی ماهی یکی از فعالیت های اقتصادی پایه ای در نایجریا است این فعالیت ها شامل مناطق ساحلی و آبراه های داخلی می شود و از اهمیت اقتصادی فراوانی برای مردم نایجری در دوره پیش از استعمار برخوردار بوده است (Ehinmore, 2007). اگرچه گفته شده است که ماهی تازه به دلیل فساد پذیری بالا عمدتاً در مناطق نزدیک به محل صید بازاریابی می شود. ماهی منبع اصلی پروتئین حیوانی و یک غذای ضروری در رژیم غذایی بسیاری از نایجری ها است و نسبت به گوشت دیگر حیوانات قیمت نسبتاً ارزان تری دارد. بنابراین، تولید کشاورزی و بازاریابی ماهی باید هم زمان توسعه یابد زیرا آن ها در یک سیستم پیشرو شریک هستند Fintan, (2011). قرار مطالعات (F.A.O.) سامانه ها و فناوری های آبی پروری در بسیاری از کشورها به سرعت در حال رشد هستند و از مزایای زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردارند. افغانستان، کشوری بدون دسترسی به دریا در جنوب آسیا با ویژگی های جغرافیایی و اکولوژیکی متنوع، کمترین میزان مصرف ماهی را گزارش کرده است (فقط کمی بیش از ۲ کیلوگرم به ازای هر نفر). پس از دوره های درگیری و ناپایداری در افغانستان، بخش های آبی پروری و شیلات به آرامی احیا شدند و در چهار سال اخیر تولید و تقاضا به سرعت افزایش یافته است. با این حال، افغانستان سابقه طولانی در تولیدات شیلاتی و کشاورزی دارد، اما تلاش های پس از درگیری و برای برقراری ثبات هنوز کم رنگ است. بنابر این، بخش های آبی پروری و شیلات افغانستان به شیوه های سنتی اداره می شوند و نیازمند تلاش بیشتری برای مطالعه و ارائه راه حل های عملی منطبق با فناوری های روز و نیازهای پایداری هستند (Danish, 2021).

روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق ساحوی بوده که جمع آوری اطلاعات در آن، معطوف به بررسی مشکلات مربوط است و با استفاده از روش های مشاهده، مصاحبه و پرسش نامه به شکل هارد با در نظر داشت نوعیت سوالات و رده بندی به شکل فورم دیزاین و توسط اشتراک کنندگان جوابات ارایه و خانه پری گردیده است. این تحقیق به شکل حضوری به هدف جمع آوری اطلاعات در مورد آشنایی مردم با پرورش ماهی، انواع ماهیان، چگونگی پیشرفت این صنعت در این ولایت، مشکلات و چالش های ماهی پروری در ولایت کاپیسا، اثرات اقتصادی و کار آفرینی در این صنعت انجام یافته است. در این مطالعه جهت اعتبار و اطمینان سروی، از 25 تن افراد واجد شرایط در فارم های ماهی پروری گل غندی و علی خیل، بازار های محلی (جمال آغه، ده بابا علی) و منطقه صیاد ولایت کاپیسا که به گونه فیصدی در این سکتور دخیل بوده از روش نمونه گیری تصادفی پرسش به عمل آمده است. تجزیه و تحلیل داده های این مطالعه از طریق تحلیل های احصائیوی و روش SPSS انجام یافته است.

نتایج تحقیق

جدول 1: وضعیت فعلی ماهی پروری را در ولایت کاپیسا چگونه ارزیابی می کنید؟

شماره	وضعیت ماهی پروری	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	بسیار خوب	۰	۰	
2	خوب	۰	۰	
3	متوسط	۱۰	۴۰،۰	۴۰،۰
4	ضعیف	۱۵	۶۰،۰	۱۰۰،۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

تجزیه و تحلیل داده های جدول 1 نشان می دهد که از جمله پاسخ دهندگان (۴۰ درصد)، وضعیت فعلی ماهی پروری را در ولایت کاپیسا متوسط و (۶۰ درصد) ضعیف بیان نموده اند، در حالیکه گزینه های خوب و بسیار خوب از طرف هیچ یک از پاسخ دهندگان بیان نشده است، مطلب بسیار واضح است که در حال حاضر وضعیت ماهی پروری در ولایت کاپیسا چندان خوب نمی باشد،

پوهندوی دکتور گل افغان عادل

زیرا در این رشته موسسات دولتی و غیر دولتی چندین دهه است که به نسبت جنگ‌های تحمیلی توجه ندارند.

جدول 2: معمولاً چه نوع ماهی در ولایت کاپیسا پرورش داده می شود؟

شماره	انواع ماهی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	ماهی کپور	۱	۴،۰	۴،۰
۲	ماهی قزل آلا	۲۱	۸۴،۰	۸۸،۰
۳	ماهی گراس	۳	۱۲،۰	۱۰۰،۰
۴	ماهی بومی	۰	۰	
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

اطلاعات داده شده در جدول 2 نشان می دهد که (۴ درصد) نوع ماهی کپور، (۸۴ درصد) ماهی قزل آلا و (۱۲ درصد) ماهی گراس در ولایت کاپیسا پرورش داده می شود، دلیل عمده این امر به نسبت قیمت بودن ماهی قزل آلا و توافق آن به محیط آبی نسبت به ماهیان کارپ است و از طرفی ماهیان کارپ از کشورهای مانند ایران، پاکستان و هندوستان به قیمت پایین وارد می شوند.

جدول 3: آیا شما به صنعت پرورش ماهی علاقه مند هستید؟

شماره	علاقه مندی مردم محل به صنعت پرورش ماهی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	بلی	۲۳	۹۲،۰	۹۲،۰
۲	نخیر	۲	۸،۰	۱۰۰،۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

داده های جدول 3 نشان می دهد که (۹۲ درصد) مردم محل به صنعت پرورش ماهی علاقه مند بوده و تنها (۸ درصد) پاسخ دهنده گان عدم علاقه مندی خویش را بیان نموده اند،

جدول 4: منابع آبی پرورش ماهی از کجا تأمین می‌شود؟

شماره	منابع آبی برای پرورش ماهی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	کاریز	۰	۰	۰
۲	چشمه	۰	۰	۰
۳	دریا	۲	۸،۰	۸،۰
۴	چاه	۲۳	۹۲،۰	۱۰۰،۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

ارقام و معلومات جدول 4 نشان می‌دهد که منابع آب جهت پرورش ماهی (۹۲ درصد) از آب چاه و (۸ درصد) از آب دریا تأمین می‌شود، این درحالی است که از آب چشمه و کاریز اصلاً در تأمین منابع آبی برای پرورش ماهی استفاده صورت نمی‌گیرد، زیرا آب دریا و کاریز به نسبت سرازیر شدن سیلاب و احتمال بیشتر ملوث شدن آنها می‌رود که این امر سبب از بین رفتن تأسیسات فارم و ماهیان فارم می‌شود اما در جاهائیکه آب چشمه مطمئن است قابل استفاده بوده و اقتصادی می‌باشد.

جدول 5: چند فیصد مردم کاپیسا به پرورش ماهی مصروف هستند؟

شماره	مصروف به پرورش ماهی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	کمتر از ۵ فیصد	۲۳	۹۲،۰	۹۲،۰
۲	۵ فیصد	۲	۸،۰	۱۰۰،۰
۳	۱۰ فیصد	۰	۰	
۴	۲۰ فیصد	۰	۰	
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

داده های جدول 5 نشان می‌دهد که بسیار کم مردم ولایت کاپیسا مصروف شغل پرورش ماهی اند، طوریکه (۹۲ درصد) پاسخ دهندگان شغل پرورش ماهی را در بین مردم کمتر از ۵ درصد بیان

پوهندوی دکتور گل افغان عادل

نموده‌اند، در حالیکه (۸ درصد) پاسخ دهندگان مصروفیت مردم ولایت کاپیسا را به شغل پرورش ماهی ۵ فیصد بیان نموده‌اند، طوری‌که در جدول 3 مشاهده می‌شود که ۹۲ درصد مردم علاقه‌مندی خود را به پرورش ماهی نشان داده‌اند، اما اقتصاد ضعیف، نبود افراد مسلکی، عدم همکاری مؤسسات دولتی و غیر دولتی اشتغال مردم را در این مسلک محدود ساخته است.

جدول 6: بزرگترین چالش‌ها و مشکلاتی که پرورش دهندگان ماهی در کاپیسا با آن مواجه هستند چیست؟

شماره	چالش‌ها و مشکلات ماهی پروری	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	کمبود منابع آبی	۰	۰	
۲	بیماری‌های ماهیان	۰	۰	
۳	نبود بازار فروش مناسب	۰	۰	
۴	تغییرات اقلیمی	۳	۱۲.۰	۱۲.۰
۵	نبود افراد مسلکی	۱۹	۷۶.۰	۸۸.۰
۶	هزینه‌های بالای تولید	۳	۱۲.۰	۱۰۰.۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰.۰	

ارقام و معلومات جدول 6 نشان می‌دهد که بزرگترین چالش‌ها و مشکلات ماهی پروری در ولایت کاپیسا (۱۲ درصد) مربوط به تغییرات اقلیمی، (۷۶ درصد) نبود افراد مسلکی و (۱۲ درصد) مربوط به هزینه‌های بالای تولید می‌باشد.

جدول 7: چه چیز باعث شده که انواع ماهیان طبیعی از دریای پنجشیر در حالت انقراض رفته‌اند؟

شماره	عوامل انقراض ماهیان طبیعی در دریای پنجشیر	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent

پوهندوی دکتور گل افغان عادل

۱	شکار بی رویه	۱۷	۶۸	۶۸
۲	تغیر اقلیم و خشک سالی	۰	۰	۶۸
۳	سیلاب های موسومی	۸	۳۴	۱۰۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

ارقام و داده های جدول 7 نشان می دهد که عوامل چون شکار بی رویه (جنراتور و مواد انفجاریه (۶۸ درصد) و سیلاب های موسومی (۳۲ درصد) سبب انقراض ماهیان طبیعی در دریای پنجشیر و دریای غوربند که در ناحیه پل صیاد سرازیر می شود شده اند.

جدول 8: چند فیصد ماهیان مصرفی در ولایت کاپیسا وارداتی هستند؟

شماره	واردات ماهی در ولایت کاپیسا	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	۲۰ فیصد	۰	۰	
۲	۳۰ فیصد	۰	۰	
۳	۷۰ فیصد	۱	۴،۰	۴،۰
۴	۹۰ فیصد	۲۴	۹۶،۰	۱۰۰،۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

ارقام و داده های جدول 8 نشان می دهد که (۹۶ درصد) ماهیان مصرفی در ولایت کاپیسا وارداتی هستند، چون کاپیسا از ساحات تفریحی مناسب مانند صیاد، گلغندی و کنار دریا ها برخوردار است مصرف بیشتر گوشت ماهی احساس می شود، این درحالی است که تولید داخلی گوشت ماهی این ولایت برای این مصرف بسنده نبوده و از ماهیان وارداتی استفاده صورت می گیرد.

جدول 9: درحال حاضر مصرف گوشت ماهی چه جایگاهی در رژیم غذایی شما دارد؟

شماره	جایگاه مصرف گوشت ماهی در رژیم غذایی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
1	هفته یک بار	2	8.0	8.0
2	ماه یک بار	5	20.0	28.0
3	سال یک بار	18	72.0	100.0
	مجموعه	25	100.0	

ارقام و داده های جدول 9 نشان می دهد که (72 درصد) مردم ولایت کاپیسا سالانه یک بار ، (20 درصد) ماه یک بار و (8 درصد) هفته یک بار گوشت ماهی مصرف می کنند. واضح است که مصرف گوشت ماهی در بین مردم بسیار کم رنگ بوده و علت آن هم اقتصاد ضعیف و عدم آگاهی از ارزش غذایی گوشت ماهی وانمود شده است. در حالیکه گوشت ماهی نسبت به سایر گوشت ها از قبیل گوشت مرغ، گوشت گاو، گوسفند و غیره ارزان قیمت بوده است.

جدول 10: به نظر شما پرورش ماهی تأثیری بر کاهش فقر در جامعه خواهد داشت؟

شماره	پرورش ماهی و تاثیرات آن بر کاهش فقر	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	بلی	۲۵	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۲	نخیر	۰	۰	
	مجموعه	۲۵	۱۰۰.۰	

ارقام و داده های جدول 10 نشان می دهد که پرورش ماهی (۱۰۰ درصد) بر کاهش فقر تاثیر داشته بناءً تقاضا می گردد که دولت زمینه پرورش ماهی را برای مردم محل مساعد سازد، دلیل عمده آن موجودیت منابع آبی رایگان، مارکیت مناسب و علاقه مندی مصرف کنندگان به نوع ماهیان قزل آلا که نسبت به ماهیان وارداتی از اهمیت و ارزش غذایی خاص برخوردار است.

جدول 11: به نظر شما پرورش ماهی چه تأثیری بر اشتغال مردم کاپیسا دارد؟

شماره	پرورش ماهی و تاثیر آن بالای اشتغال زایی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	اشتغال زایی زیادی دارد	۲۴	۹۶،۰	۹۶،۰
۲	اشتغال زایی کمی دارد	۱	۴،۰	۱۰۰،۰
۳	تاثیر کمی دارد	۰	۰	
۴	هیچ تاثیر ندارد	۰	۰	
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

ارقام و داده های جدول 11 نشان می دهد که پرورش ماهی (۹۶ درصد) بر اشتغال زایی مردم تاثیر داشته بناءً تقاضا می گردد که دولت زمینه پرورش ماهی را برای مردم محل مساعد سازد.

جدول 12: آیا پرورش ماهی می تواند بر توسعه مناطق روستایی و بهبود شرایط اقتصادی آنها کمک کند؟

شماره	بهبود شرایط اقتصادی از طریق پرورش ماهی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	بلی	۲۵	۱۰۰،۰	۱۰۰،۰
۲	نخیر	۰	۰،۰	
	مجموعه	۲۵	۱۰۰،۰	

ارقام و داده های جدول ۱۲ نشان می دهد که پرورش ماهی (۱۰۰ درصد) بالای بهبود شرایط اقتصادی مردمان روستایی تاثیر داشته بناءً پیشنهاد می گردد که دولت زمینه پرورش ماهی را برای مردم محل مساعد سازد. این امر سبب می شود تا مردم روستا هم به شغل ماهی پروری دستیابی داشته و هم سبب امنیت غذایی آنها گردد.

جدول 13: چه اقداماتی باید انجام شود تا تأثیرات مثبت پرورش ماهی بر وضعیت اقتصادی جامعه بیشتر شود؟

شماره	اقدامات لازم برای توسعه ماهی پروری	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	آموزش برای دهقانان و علاقه‌مندان	۱۳	۵۲,۰	۵۲,۰
۲	حمایت های مالی دولت	۱۰	۴۰,۰	۹۲,۰
۳	بهبود زیر ساخت های آبی	۲	۸,۰	۱۰۰,۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰,۰	

معلومات جدول و نمو دار ۱۳ نشان می‌دهد که (۵۲ درصد) پاسخ‌دهندگان اقدامات لازم برای توسعه ماهی پروری و بهبود اقتصاد جامعه را، آموزش برای دهقانان و علاقه‌مندان بیان نموده‌اند و همچنان (۴۰ درصد) پاسخ‌دهندگان این مورد را حمایت های مالی دولت تذکر نموده‌اند.

جدول ۱۴: آیا پرورش ماهی بالای محیط زیست تاثیر دارد؟

شماره	اثرات پرورش ماهی بالای محیط زیست	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	بلی	۱۷	۶۸,۰	۶۸,۰
۲	نخیر	۸	۳۲,۰	۱۰۰,۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰,۰	

ارقام و داده‌های جدول ۱۴ نشان می‌دهد که (۶۸ درصد) پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که پرورش ماهی می‌تواند بالای محیط زیست تاثیر داشته باشد، در حالیکه (۳۲ درصد) پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که پرورش ماهی بالای محیط زیست تاثیر ندارد.

جدول ۱۵: کدام یک از موارد ذیل را به عنوان اثرات منفی ماهی پروری می‌شناسید؟

شماره	اثرات منفی در پرورش ماهی	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	آلودگی آب ها	۵	۲۰,۰	۲۰,۰
۲	تغیر در چرخه مواد غذایی طبیعی	۲۰	۸۰,۰	۱۰۰,۰
۳	کاهش تنوع زیستی	۰	۰,۰	
۴	تخریب اکوسیستم طبیعی	۰	۰,۰	
	مجموعه	۲۵	۱۰۰,۰	

معلومات جدول ۱۵ نشان می‌دهد که (۲۰ درصد) پاسخ دهندگان اثرات منفی در ماهی پروری را آلودگی آب‌ها دانسته و (۸۰ درصد) دیگر تغییر در چرخه مواد غذایی طبیعی بیان نموده‌اند، این در حالی است که هیچ یک از پاسخ دهندگان گزینه های کاهش تنوع زیستی و تخریب اکو سیستم طبیعی را منحنیث اثرات منفی در پرورش ماهی ندانسته‌اند،

جدول ۱۶: چه راهکارهای می‌تواند برای بهبود وضعیت ماهی پروری در ولایت کاپیسا موثر باشد؟

شماره	راهکار ها جهت بهبود وضعیت ماهی پروری	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	آموزش و مشاوره های فنی و مسلکی	۱۷	۶۸,۰	۶۸,۰
۲	بهبود زیر ساخت های آبی	۴	۱۶,۰	۸۴,۰
۳	بازار مناسب فروش و آگاهی دهی	۴	۱۶,۰	۱۰۰,۰

تأمین اعتبار و تسهیلات	۰	۰,۰
مالی		
مجموعه	۲۵	۱۰۰,۰

معلومات جدول 16 نشان می دهد که (۶۸ درصد) پاسخ دهندگان راهکارها جهت بهبود وضعیت ماهی پروری را در ولایت کاپیسا آموزش و مشوره های فنی و مسلکی تذکر داده ، (۱۶ درصد) بهبود زیرساخت های آبی و (۱۶ درصد) دیگر بازار فروش و آگاهی دهی بیان نموده اند ،
جدول 17: آیا دولت کدام حمایت مالی برای فارمداران این صنعت، نموده است؟

شماره	حمایت مالی دولت برای فارمداران	دفعات Frequency	فیصدی Percent	فیصدی تجمعی Cumulative Percent
۱	بلی	۰	۰	۰
۲	نخیر	۲۵	۱۰۰,۰	۱۰۰
	مجموعه	۲۵	۱۰۰,۰	

ارقام و داده های جدول 17 نشان می دهد که (۱۰۰ درصد) پاسخ دهندگان بیان نموده اند که دولت هیچ نوع همکاری و حمایت مالی با آنها نداشته است، این واضح است که جنگ های تحمیلی چند دهه زیر ساخت ها و تأسیسات صنعتی را مختل نموده و سبب بیکاری در روستاها گردیده است.

مناقشه

یافته ها و نتایج تحقیق هذا در رابطه به مصرف گوشت ماهی در فی نفر در سال در مردم ولایت کاپیسا با نتایج تحقیق F.A.O در ایران که سقف سرانه گوشت سفید یا ماهی از ۶,۷ کیلو گرام در سال ۱۳۸۱ به ۱۰,۰۷ کیلو گرام در سال ۱۴۰۰ خواهد بود در تطابق قرار ندارد، یافته ها این تحقیق در رابطه به اثرات صنعت ماهی پروری بالای مردم و جامعه ولایت کاپیسا که ۱۰۰ درصد اثر داشته با گزارشات (قریشی، ۱۳۷۵) که بیان نموده بالا رفتن سطح زندگی در جامعه، تقاضا و نیاز جدی برای مواد غذایی انسان ها، تولید مواد غذایی به عنوان یک نیاز استراتژیک، نقش اهمیت اقتصادی ملی و بین المللی متکی بر تولیدات مواد غذای محصولات حیوانی می شود در تطابق است.

طبق گزارشات F.A.O در سال‌های ۲۰۲۱ کشور های مدرن امروزی از فناوری های پیشرفته مانند، سیستم پرورشی مدار بسته، استفاده از حس گرهای دیجیتالی، ربات‌های زیر آبی جهت کنترل قفس های پرورشی، ماشین های توزیع جیره برخوردار هستند، در حالیکه سیستم پرورش ماهی در ولایت کاپیسا به شکل عنعنوی، سنتی و عقب مانده باقی مانده است و هیچ توجه در این راستا صورت نگرفته در تطابق نیست. تحقیقی که بالای یک نوع ماهی کارپ (گرم آبی) در کشور روسیه ایالت ادیگی در سال ۲۰۲۲ توسط عادل به شکل تغذیه مصنوعی صورت گرفت غیر اقتصادی بوده، زیرا دسترسی مردم به ماهیان به شکل طبیعی و شکار بیشتر بوده و از طرفی نسبت به قیمت بودن جیره و ارزان بودن گوشت ماهی کارپ و عدم علاقه مندی مردم به این نوع ماهی می‌باشد، این گزارش با تحقیق حاضر در تطابق نیست چون در ولایت کاپیسا اکثر فارم های تولیدی از نوع ماهیان سرد آبی بوده و تقاضای بیشتری در بین مصرف کنندگان دارد این در حالی است که (۴ درصد) نوع ماهی کپور، (۸۴ درصد) ماهی قزل آلا و (۱۲ درصد) ماهی گراس در ولایت کاپیسا پرورش داده می‌شود، دلیل عمده این امر به نسبت قیمت بودن ماهی قزل آلا، ارزش غذایی و توافق خوب آن با محیط آبی این ولایت می‌باشد. در تطابق نیست.

طبق گزارشات قریشی در سال ۱۳۸۶ در سطح افغانستان تقاضای مردم به گوشت ماهی قزل آلا نسبت به تولید، بیشتر بوده که البته تحقیق هذا که در ولایت کاپیسا انجام شد نظر به جمع آوری ارقام و تقاضای بیشتر مردم مخصوصا هتل ها در تطابق است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان‌دهنده پتانسیل‌های قابل توجه صنعت ماهی‌پروری در ولایت کاپیسا است، با توجه به منابع آبی موجود و علاقه مندی مردم، این صنعت می‌تواند نقشی مهم در بهبود وضعیت اقتصادی، اشتغال زایی و کاهش فقر در این منطقه ایفا کند. از سوی دیگر، با وجود علاقه زیاد مردم به ماهی‌پروری، مشکلات و چالش‌هایی چون کمبود افراد فنی و مسلکی، هزینه‌های بالای تولید و تغییرات اقلیمی وجود داشته که باید به آن‌ها از طرف مؤسسات زیربط توجه شود.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان علاقه مند به صنعت ماهی‌پروری هستند و این صنعت می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی و کاهش فقر کمک کند. هم‌چنین، بیشتر از ۹۵ درصد ماهیان مصرفی در این ولایت از خارج این ولایت وارد می‌شود که این امر نشان‌دهنده نیاز به تولید داخلی بیشتر است، با توجه به نتایج این تحقیق، می‌توان گفت که دولت و نهادهای مربوطه

پوهندوی دکتور گل افغان عادل

باید به تقویت زیرساخت‌ها و فراهم آوردن آموزش‌های فنی، هم‌چنین حمایت از پرورش‌دهندگان ماهی و ایجاد فارم‌های استاندارد توجه ویژه‌ای داشته باشند این اقدامات می‌تواند به پایداری و توسعه صنعت ماهی پروری کمک کند و به رشد اقتصادی و رفاه جامعه روستایی کاپیسا منجر شود. در نهایت صنعت ماهی پروری نه تنها به تأمین پروتئین حیوانی برای مردم کمک می‌کند بلکه می‌تواند به بهبود محیط‌زیست و حفظ منابع آبی نیز یاری رساند مشروط به آن‌که با مدیریت صحیح و توجه به مسائل زیست محیطی همراه باشد.

پیشنهادهات

1. تشویق سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در این سکتور جهت استفاده اعظمی از منابع کشور.
2. ترویج نژادهای اصیل مانند نوع ماهی قزل آلاى رنگین کمان و خال قرمز.
3. احداث فارم‌های پرورش ماهی مدرن با استفاده از تکنالوژی‌های عصر نوین.
4. ایجاد مراکز آموزشی برای دهقانان و مالداران جهت آموزش‌های فنی و مسلکی.

منابع

- نظری، ر. م. (1375). زیست شناسی و تکثیر کارپ نقره ای، خدمات نشر. رنگینه افروز.
- لازلوهורות، ک. کیزلا، ناصر، (1382). پرورش ماهیان کارپ و ماهیان استخری. تهران، نوربخش.
- جلالی، ب. خمیرانی، ر (1385). بهداشت و بیماری های استخرهای پرورش ماهیان گرمابی. انتشارات اداره کل آموزش و ترویج شیلات ایران.
- Diana, J. S. (2004). Aquaculture nutrition: A practical approach. Springer Science & Business Media.
- Wedemeyer, G. A. (1996). Physiological ecology of fish in aquaculture. Springer Science & Business Media.
- Timmons, M. B., & Ebeling, J. M. (2013). Aquaculture: Farming aquatic animals and plants. Wiley-Blackwell.
- Brett, J. R., & Groves, T. D. D. (1979). Physiological energetics of fish in relation to their environment*. Academic Press.
- Hargreaves, J. A., & Timmons, M. B. (2009). The evolution of aquaculture. Aquaculture Engineering, 40(1-2), 4-10.
- Popma, T. J., & Masser, M. P. (1999). Tilapia: Biology, culture, and nutrition. Food Products Press .
- Noble, C., & Coughlan, L. (2015). Coldwater fisheries management. Wiley-Blackwell.
- FAO Fisheries & Aquaculture Cyprinus carpio.htm
- Петухов, В. А., & Козлов, А. В. (2006). Рыбоводство: технологии, оборудование, экономика. М, Колос.
- Буряков, П. А., & Баранов, В. П. (2013). Основы аквакультуры и рыбоводства. М: ФГБОУ ВПО "ВГАВМ."
- Гаврилов, В. И. (2009). Рыбоводство и рыбное хозяйство России*. М. Всероссийский НИИ рыбного хозяйства и океанографии.

بررسی نقش و اهمیت زنبور عسل و تأثیرات آن بالای محیط زیست

پوهندوی دکتور آقای کلان حسینیار^{۱*}، پوهندوی نوراحمد اکبری^۲، پوهنمل مجیب الرحمن بهرام^۳

۱. دیپارتمنت علوم حیوانی، پوهنځی زراعت، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: hassanyar400gmail.com

چکیده

زنبور عسل نقش بسیار مهمی را از طریق گرده افشانی نباتات و تأثیرات مثبتی را بر محیط زیست و اقتصاد جهانی، تنوع زیستی، حفظ تعادل ایکوسیستم ها و بقای بسیاری از گونه های نباتات و حیوانات ایفا می کند، که ارزش آن بالغ بر میلیارد ها دالر می رسد. در افغانستان هنوز بسیاری از دهقانان و زنبورداران از مزایای این حشره مفید بی خبراند. به همین منظور این تحقیق با هدف ارائه نمای کلی از نقش و اهمیت زنبور عسل و تأثیر آن بر محیط زیست به اجرا گذاشته شد. بدین منظور براساس روش مقایس لیکرت پرسش نامه آنالین و حضوری برای تعدادی از واحدهای مربوط به صورت تصادفی توزیع گردید. تحقیق از نوع کمی و توصیفی بوده، در این تحقیق به تعداد 164 تن از طبقات مشخص جامعه اشتراک نمودند. اعتباردهی پرسش نامه با استفاده از فورمول الفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) مشخص گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از IBM SPSS Statistics 25 و اکسپل صورت گرفت، که در نتیجه $\alpha = 0.73$ بدست آمد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که، 70 درصد کاملاً موافق هستند که، زنبور عسل در گرده افشانی نباتات و ایکوسیستم رول عمده را بازی می کند. 84 درصد کاملاً موافق هستند، که آموزش دهقانان و زنبورداران می تواند باعث بلند رفتن سطح محصولات زراعتی گردد. 76 درصد موافق هستند که، زنبور عسل بخاطر گرده افشانی نباتات و حفظ محیط زیست حتمی و ضروری است. 87 درصد موافق هستند که فقدان دانش مسلکی در سطح دهقانان و زنبورداران راجع به نقش زنبور عسل در گرده افشانی نباتات و حفظ تنوع زیستی تأثیرگذار است. از جهت دیگر 26.8 درصد موافق هستند که، تغذیه زنبور عسل باعث تخریب گلهای نباتات می گردد، که نماینگر نهایت پایین بودن سطح دانش مسلکی دهقانان و زنبورداران می باشد. زنبورهای عسل به عنوان یک عنصر اساسی از طبیعت، نقش به سزایی در حفظ کیفیت و پایداری محیط زیست بازی می کنند.

واژه های کلیدی: زنبور عسل، تنوع زیستی، گرده افشانی، ایکوسیستم، نباتات

An Investigation of the Role and Significance of Honeybees and Their Impact on the Environment

Associate Professor Dr. Aqai Kalan Hassanyar^{1*}, Associate Professor Noor Ahmad Akbari², Seneor Teaching Assistant Mujibur Rahman Bahram³

1. Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: hassanyar400gmail.com

Abstract

The honeybee plays a crucial role in plant pollination and has positive impacts on the environment, the global economy, biodiversity, the balance of ecosystems, and the survival of many plant and animal species with its estimated value reaching billions of dollars. However, in Afghanistan, many farmers and beekeepers are still unaware of the benefits of this useful insect. Therefore, this research was conducted to provide an overview of the role and importance of honeybees and their impact on the environment. For this purpose, a questionnaire was distributed both online and in person using the Likert scale method, randomly targeting several relevant units. This was a quantitative and descriptive study in which 164 individuals from various social groups participated. The reliability of the questionnaire was assessed using Cronbach's Alpha formula, and data analysis was conducted using IBM SPSS Statistics 25 and Excel, resulting in a reliability score of $\alpha = 0.73$. The findings of this research indicate that 70% of respondents strongly agreed that honeybees play a major role in plant pollination and ecosystem maintenance. 84% strongly agreed that educating farmers and beekeepers could lead to increased agricultural yields. 76% agreed that honeybees are essential for pollination and environmental preservation. 87% agreed that the lack of professional knowledge among farmers and beekeepers about the role of honeybees in pollination and biodiversity preservation has a negative impact. On the other hand, 26.8% agreed that honeybee feeding leads to the destruction of plant flowers, reflecting a very low level of technical knowledge among some farmers and beekeepers. Overall, honeybees, as a vital component of nature, play a significant role in maintaining environmental quality and sustainability.

Keywords: honeybee, biodiversity, pollination, ecosystem, plants

1. مقدمه

زنبور عسل از جمله حشرات گرده افشان است که نقش اساسی در چرخه تولید نباتات حفظ تنوع زیستی، و پایداری اکولوژیکی ایفا می نماید. زنبورهای عسل به عنوان یکی از اجزای کلیدی در ایکوسیستم ها و محیط زیست به شمار می روند و تأثیرات بسیار زیادی بر کیفیت و پایداری محیط های طبیعی دارند. این موجودات نه تنها در گرده افشانی نباتات نقش مهمی دارند، بلکه به تجدید منابع غذایی و حفظ تنوع زیستی کمک می کنند (حسن یار، 1395). گرده افشانی زنبورهای عسل سبب می شود، که بسیاری از نباتات، از جمله نباتات زراعتی، قادر به تولید میوه و دانه باشند، که در نهایت منجر به تأمین غذای انسان ها و دیگر موجودات زنده می شود. زنبورهای عسل نقش مهمی در حفظ تنوع زیستی دارند (Goulson, 2015). آن ها با گرده افشانی گیاهان مختلف، به حفظ و گسترش گونه های گیاهی کمک می کنند. این امر به نوبه خود، زیستگاه های مختلف را تقویت کرده و ایکوسیستم های پایدار را حفظ می نماید. تنوع زیستی سالم نتیجه وجود زنبورهای عسل است که به چرخه زندگی ایکوسیستم ها کمک می کنند و کیفیت زندگی موجودات را بهبود می بخشد. زنبور عسل به عنوان نگهبان تنوع زیستی در مناطق جنگلی افغانستان، زنبورها عامل بقای بسیاری از گیاهان خودرو هستند (Goulson, 2015). تغییرات اقلیمی تأثیر قابل توجهی بر زنبورهای عسل و رفتار آن ها دارد (Gallai et al. 2009).

اهمیت و ضرورت تحقیق در این است که، زنبورهای عسل به عنوان یکی از مهم ترین حشرات گرده افشان در ایکوسیستم ها شناخته می شوند و نقش حیاتی را در پروسه گرده افشانی نباتات دارند. این روند نه تنها به تولید میوه ها و دانه ها کمک می کند، بلکه تنوع زیستی را نیز حفظ می نماید. از این رو، بررسی نقش و اهمیت زنبورهای عسل در محیط زیست، به ویژه در شرایطی که استفاده از آفت کش ها و دیگر مواد کیمیاوی آسیب زننده به این حشرات افزایش یافته است، از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل، توجه به حفظ و حمایت از زنبورهای عسل و محیط زیست آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. این تحقیقات می تواند به شناسایی و جلوگیری از عواملی که جمعیت زنبورهای عسل را تهدید می کند، کمک کند و در نهایت به حفظ تنوع زیستی و بهبود کیفیت زندگی انسان ها منجر شود.

فرض بر اینکه زنبورهای عسل به عنوان گرده افشان های اصلی در محیط زیست عمل می کنند و فعالیت آن ها در گرده افشانی می تواند به افزایش تنوع زیستی و بهبود کیفیت تولیدات زراعتی منجر

شود. فرض می‌شود که، کاهش جمعیت زنبورهای عسل موجب کاهش میزان گرده افشانی و در نتیجه کاهش نباتی و کیفیت محصولات زراعتی خواهد شد. فرض می‌شود که حذف زنبورهای عسل از ایکوسیستم می‌تواند منجر به اختلال در تعادل غذایی و کاهش میزان بقای دیگر موجودات زنده شود. زنبورهای عسل در بهبود کیفیت خاک و آب از طریق گرده افشانی و تولید میوه‌ها و سبزی‌ها می‌توانند تأثیرگذار باشند. فرض می‌شود که دفعات زنبورهای عسل می‌تواند روابط مثبت بین سلامت محیط زیست و حفظ منابع طبیعی ایجاد کند. تغییرات اقلیمی می‌تواند تأثیر زیادی بر جمعیت و رفتار زنبورهای عسل داشته باشد. فرض می‌شود که افزایش دما و تغییر در الگوهای بارندگی می‌تواند منجر به کاهش جمعیت زنبورهای عسل و در نتیجه کاهش تأثیرات مثبت آن‌ها بر محیط زیست شود. با توجه به این فرضیات، می‌توان تحقیقاتی در زمینه تأثیرات زنبورهای عسل بر محیط زیست و رابطه آن‌ها با تغییرات زیست‌محیطی و زراعتی انجام داد.

سطح آگاهی دهقانان و زنبورداران در مورد اهمیت زنبور عسل و تأثیر آن بر محیط زیست چقدر است؟ آیا آموزش دهقانان و زنبورداران می‌تواند باعث بلند رفتن سطح محصولات زراعتی گردد؟ آیا بهره برداری درست از منابع طبیعی افغانستان می‌تواند تنوع زیستی را افزایش دهد؟ آیا پرورش زنبور عسل بخاطر گرده افشانی نباتات و حفظ محیط زیست حتمی و ضروری است؟ آیا دسترسی محدود به ساحات پوشش گیاهی (جنگل و مزرعه) می‌تواند یک چالش بر صنعت زنبورداری باشد؟ آیا فقدان دانش مسلکی در سطح دهقانان و زنبورداران راجع به نقش زنبور عسل در گرده افشانی بالای حفظ تنوع زیستی تأثیر می‌گذارد؟

اهداف تحقیق در زمینه بررسی نقش اهمیت زنبور عسل و تأثیر آن بر محیط زیست می‌تواند به شناسایی و تحلیل ابعاد مختلف تأثیر زنبور عسل بر ایکوسیستم و محیط زیست مربوط باشد. ارزیابی تأثیر بر تنوع زیستی: شناسایی چگونگی تأثیر فعالیت‌های زنبور عسل بر تنوع زیستی نباتات و سایر موجودات زنده. این نقش می‌تواند به حفظ و تقویت تنوع ایکو سیستم‌ها کمک کند. بررسی تحولات زیست‌محیطی و اثرات آن بر زنبور عسل: تحلیل اینکه چگونه تغییرات زیست‌محیطی، از قبیل استفاده از آفت‌کش‌ها و تغییرات اقلیمی، می‌تواند بر جمعیت زنبور عسل و در نتیجه بر ایکوسیستم تأثیر بگذارد. این اهداف به شناخت بهتر نقش زنبور عسل در محیط زیست و راه‌های حفظ و تقویت جمعیت آن کمک می‌کند و پیامدهای مثبت و منفی مربوط به مدیریت منابع طبیعی را نیز دربر می‌گیرد.

2. پیشینه تحقیق

مطالعات جهانی در باره نقش زنبور عسل در محیط زیست تحقیقات سازمان ملل و سازمان خوراک و زراعت ملل متحد (FAO) و برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) در گزارش های متعدد تأکید کرده اند، که زنبور عسل به عنوان یکی از مهم ترین گرده افشان های طبیعی، نقش کلیدی در حفظ تنوع زیستی و امنیت غذایی دارد. هم چنان گزارشی (IPBES 2016) درباره کاهش جمعیت گرده افشان ها و تأثیر آن بر ایکوسیستم. مطالعه Klein et al. (2007) این تحقیق نشان می دهد، که حدود ۷۵ درصد از محصولات زراعتی جهان به گرده افشانی توسط زنبور عسل و سایر حشرات وابسته هستند. کاهش جمعیت زنبورها می تواند تأثیرات مخربی بر زراعت و محیط زیست داشته باشد. تحقیقات در مورد مطالعاتی مانند (VanEngelsdorp et al 2009). به بررسی عوامل کاهش جمعیت زنبورهای عسل (مانند آفت کش ها، تغییرات اقلیمی و بیماری ها) و پیامدهای آن بر محیط زیست پرداخته اند Colony Collapse Disorder (CCD) (2008). برخی پژوهش ها در پوهنتون های ایران (مانند دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد) به نقش زنبور عسل در گرده افشانی نباتات بومی و افزایش عملکرد محصولات زراعتی پرداخته اند. تحقیق "بررسی تأثیر گرده افشانی زنبور عسل بر افزایش عملکرد باغ-های پسته در ایران" (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). نقش زنبور عسل در ایکوسیستم و بحران های محیط زیستی ارتباط زنبور عسل و تغییرات اقلیمی: تحقیقات نشان می دهند که گرمایش جهانی و خشک سالی بر رفتار گرده افشانی زنبورها تأثیر منفی می گذارد (Potts et al., 2016). بررسی تأثیر زنبور عسل بر تنوع نباتات مطالعه ای در مناطق زاگرس نشان داد که حضور زنبور عسل باعث افزایش تنوع گل ها و گیاهان وحشی می شود (رنجبر و همکاران، ۱۴۰۰). تأثیر آفت کش ها بر زنبورها مطالعاتی مانند (Goulson et al. 2015) نشان داده اند، که استفاده از نئونیکوتینوئیدها باعث تلفات گسترده زنبورهای عسل و اختلال در چرخه ایکوسیستم می شود.

پیشینه تحقیق نشان می دهد که زنبور عسل نه تنها در تولید عسل، بلکه در حفظ تعادل ایکوسیستم، گرده افشانی گیاهان وحشی و زراعتی، و حمایت از تنوع زیستی نقش حیاتی دارد. تهدیداتی مانند آلودگی محیط زیست، استفاده از سموم زراعتی و تغییرات اقلیمی جمعیت زنبورها را کاهش داده و این مسئله یک چالش جهانی برای محیط زیست محسوب می شوند.

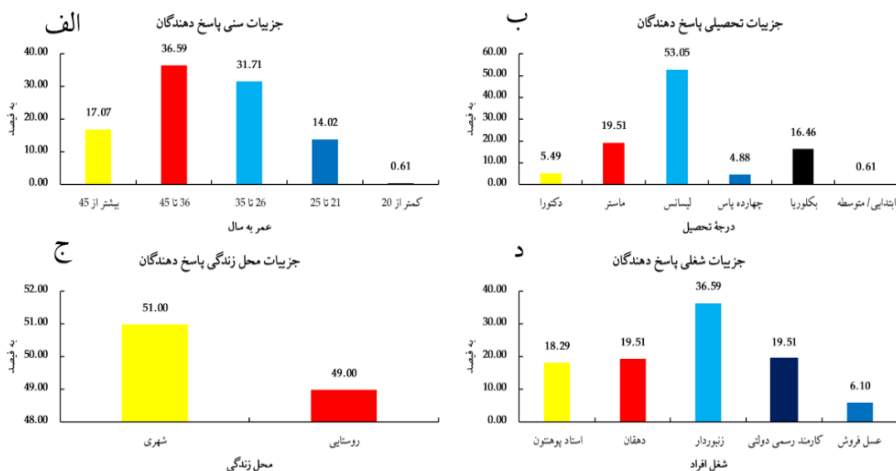
3. مواد و روش تحقیق

این تحقیق در قالب پرسش‌نامه آنلاین و هم‌چنان به شکل مصاحبه حضوری براساس روش مقایس لیکرت پنج‌گزینه‌ای برای تعدادی از واحدهای مربوط به صورت تصادفی توزیع گردید. سپس با مراجعه به محل واحدها و تکمیل پرسش‌نامه‌هایی که حاوی اطلاعات مربوط به شاخص‌های مهم این تحقیق بود مشخص گردید. تحقیق از نوع کمی و توصیفی بوده، در این تحقیق به تعداد 164 تن از طبقات مشخص جامعه که شامل (زنبورداران، دهقانان، استادان پوهنتون، شرکت‌های فروش محصولات زنبورداری و کارمندان وزارت محترم زراعت آبیاری و مالداري و اتحادیه‌های زنبورداران می‌شود اشتراک نمودند. با در نظر داشت نوعیت سوالات و رده‌بندی به شکل فورم دیزاین و توسط اشتراک کنندگان جوابات ارایه و خانه پری گردیده است. از نظر محتوی پرسش‌نامه این تحقیق دارای سه بخش عمده و اساسی بوده که بخش اول آن اطلاعات عمومی پاسخ دهندگان که شامل درجه تحصیل، سن، جنسیت، مصروفیت شغلی و محل زندگی آنها می‌شود می‌باشد، در بخش دوم نگرش و دیدگاهها به بررسی نقش و اهمیت زنبور عسل و تأثیر آن بر محیط زیست، مورد بررسی قرار گرفت. و در بخش سوم به پیشنهادات و نظریات اشتراک کنندگان را شامل می‌شود. اعتباردهی پرسش‌نامه با استفاده از فورمول الفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) مشخص گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از IBM SPSS Statistics 25 و اکسیل صورت گرفت.

4. نتایج

پس از جمع‌آوری اطلاعات و معلومات در مورد متغیرهای مطرح شده به وسیله پرسش‌نامه گردآوری شد و تحلیل داده آن با استفاده از آزمون معروف الفای کرونباخ تثبیت و مورد ارزیابی قرار گرفت. و نتایج آن طی اشکال و جداول مشخص ترتیب و بیان گردید.

پوهندوی دکتر آقای کلان حسنیار



شکل 1- معلومات دموگرافیک

الف: جزییات سنی پاسخ دهندگان نشان می دهد که 36.59 درصد بیشترین تعداد بین سنین 36 تا 45 سال بوده اند و کمترین تعداد 0.61 درصد کمتر از 20 سال بوده اند؛ ب: جزییات سطح تحصیلی پاسخ دهندگان نشان می دهد که بیشترین تعداد 53.05 درصد لیسانس بوده اند و کمترین تعداد 0.61 درصد ابتدایی و متوسطه بوده اند؛ ج: جزییات محل زندگی اشتراک کنندگان با تفاوت 2 درصد روستایی بیشتر بوده اند؛ د: جزییات شغلی پاسخ دهندگان نشان می دهد که بیشترین تعداد 36.59 درصد زنبورداران و کمترین تعداد 6.10 درصد شرکت های عسل فروشی بوده است (شکل 1). جدول 1. زنبور عسل حشره مفید و اقتصادی است، که در تمام جوامع انسانی پرورش داده می شود؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
نظری ندارم	3	1.8
موافقم	118	72
کاملاً موافقم	43	26.2
مجموع پاسخ دهندگان	164	100

جدول 1 نشان می دهد که 72 درصد از پاسخ دهندگان موافق هستند که زنبور عسل حشره مفید و اقتصادی است، که در تمام جوامع انسانی پرورش داده می شود.

جدول 2. آیا زنبور عسل در گرده افشانی نباتات و ایکوسیستم رول عمده را بازی می کند؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدي
کاملاً مخالفم	1	0.61
نظري ندارم	3	1.83
موافقم	44	26.83
کاملاً موافقم	116	70.73

جدول 2 نشان می‌دهد که، 70.73 درصد کاملاً موافق هستند که زنبور عسل در گرده افشانی نباتات و ایکوسیستم رول عمده را بازی می‌کند.

جدول 3. آیا زنبور عسل نقش عمده‌ی را در جوامع روستایی، کوهستانی و محیط زیست بازی می‌کند؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدي
نظري ندارم	1	0.61
موافقم	65	39.63
کاملاً موافقم	98	59.76

جدول 3 نشان می‌دهد که 59.76 درصد کاملاً موافقم که زنبور عسل نقش عمده‌ی را در جوامع روستایی، کوهستانی و محیط زیست بازی می‌کند.

جدول 4. منحيث گرده افشان‌ها این حشره به توليدات زراعتی، جنگلات، حفظ و نگهداری تنوع بیولوژیکی کمک می‌کند؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدي
نظري ندارم	7	4.27
موافقم	62	37.80
کاملاً موافقم	95	57.93

جدول 4 نشان می‌دهد که، 57.93 درصد کاملاً موافقم هستند که منحيث گرده افشان‌ها این حشره به توليدات زراعتی، جنگلات، حفظ و نگهداری تنوع بیولوژیکی کمک می‌کند.

جدول 5. آیا بهره برداری درست از منابع طبیعی افغانستان می‌تواند تنوع زیستی را افزایش دهد؟

پوهندوی دکتور آقای کلان حسنیار

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدي
مخالقم	1.00	0.61
نظري ندارم	9.00	5.49
موافقم	81.00	49.39
کاملاً موافقم	73.00	44.51

جدول 5 نشان می دهد که، 49.39 درصد موافقم و 44.51 درصد کاملاً موافق هستند که، بهره برداری درست از منابع طبیعی افغانستان می تواند تنوع زیستی را افزایش دهد.

جدول 6. آیا زنبور عسل در حفظ و تدام ایکوسیستم و جلوگیری از صحرایی شدن کشور جلوگیری می کند؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدي
کاملاً مخالفم	1	0.6
مخالقم	2	1.2
نظري ندارم	16	9.8
موافقم	83	50.6
کاملاً موافقم	62	37.8

جدول 5 نشان می دهد که، 50.6 درصد موافق و 37.8 درصد کاملاً موافق هستند که، زنبور عسل در حفظ و تدام ایکوسیستم و جلوگیری از صحرایی شدن کشور جلوگیری می کند.

جدول 7. آیا آموزش دهقانان و زنبورداران می تواند باعث بلند رفتن سطح محصولات زراعتی گردد؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدي
مخالقم	1	0.6
نظري ندارم	1	0.6
موافقم	78	47.6
کاملاً موافقم	84	51.2

جدول 7 نشان می دهد که، 51.2 درصد کاملاً موافق و 47.6 درصد کاملاً موافق هستند که، آموزش دهاقین و زنبورداران می تواند باعث بلند رفتن سطح محصولات زراعتی گردد.

پوهندوی دکتور آقای کلان حسنیار

جدول 8. آیا پرورش زنبور عسل بخاطر گرده افشانی نباتات و حفظ محیط زیست حتمی و ضروری است؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
کاملاً مخالفم	1	0.6
مخالفم	3	1.8
نظری ندارم	9	5.5
موافقم	76	46.3
کاملاً موافقم	75	45.7

46.3 درصد موافق و 45.7 درصد کاملاً موافق هستند که، پرورش زنبور عسل بخاطر گرده افشانی نباتات و حفظ محیط زیست حتمی و ضروری است.

جدول 9. آیا تغذیه زنبور عسل باعث تخریب گل های نباتات می گردد؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
کاملاً مخالفم	21	12.8
مخالفم	57	34.8
نظری ندارم	19	11.6
موافقم	44	26.8
کاملاً موافقم	23	14.0

26.8 درصد موافق، 34.8 درصد مخالف و 12.8 هستند که، تغذیه زنبور عسل باعث تخریب گل های نباتات می گردد (جدول 9).

جدول 10. فواید مستقیم زنبورداری در تولید محصولات آنها بوده، ولی فواید غیر مستقیم آن در گرده افشانی و بارور ساختن محصولات زراعتی می باشد.

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
کاملاً مخالفم	1	0.6
مخالفم	1	0.6
نظری ندارم	11	6.7

پوهندوی دکور آقای کلان حسنیار

43.9	72	موافقم
48.2	79	کاملاً موافقم

48.2 درصد کاملاً موافق و 43.9 موافق هستند که، فواید مستقیم زنبورداری در تولید محصولات آنها بوده، ولی فواید غیر مستقیم آن در گرده افشانی و بارور ساختن محصولات زراعتی می باشد (جدول 10).

جدول 11. آیا دسترسی محدود به ساحات پوشش گیاهی (جنگل و مزرعه) می تواند یک چالش بر صنعت زنبورداری باشد؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
کاملاً مخالفم	1	0.6
نظری ندارم	7	4.3
موافقم	94	57.3
کاملاً موافقم	62	37.8

57.3 درصد موافق هستند که دسترسی محدود به ساحات پوشش گیاهی (جنگل و مزرعه) می تواند یک چالش بر صنعت زنبورداری باشد (جدول 11).

جدول 12. آیا تخریب چراگاه ها، کاهش ساحات کشت علوفه، استفاده از گیاهان کوهی به حیث مواد سوخت، قطع بی رویه جنگلات و آتش سوزی چالش های عمده زنبورداری محسوب می شوند؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
مخالفم	1	0.6
نظری ندارم	7	4.3
موافقم	77	47
کاملاً موافقم	79	48.2

48.2 درصد کاملاً موافق هستند که تخریب چراگاه ها، کاهش ساحات کشت علوفه، استفاده از گیاهان کوهی به حیث مواد سوخت، قطع بی رویه جنگلات و آتش سوزی چالش های عمده زنبورداری محسوب می شوند (جدول 12).

پوهندوی دکتور آقای کلان حسنیار

جدول 13. آیا فقدان دانش مسلکی در سطح دهقانان و زنبورداران راجع به نقش زنبور عسل در گرده افشانی بالای حفظ تنوع زیستی تأثیر می‌گذارد؟

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
مخالقم	2	1.2
نظری ندارم	11	6.7
موافقم	87	53
کاملاً موافقم	64	39

53 درصد موافق هستند که فقدان دانش مسلکی در سطح دهقانان و زنبورداران راجع به نقش زنبور عسل در گرده افشانی بالای حفظ تنوع زیستی تأثیر می‌گذارد (جدول 13).

جدول 14. کمبود شریک سازی معلومات و تجربیات زنبورداران در سطح کشور و منطقه.

سطح نگرش افراد	دفعات	فیصدی
مخالقم	1	0.6
نظری ندارم	7	4.3
موافقم	102	62.2
کاملاً موافقم	54	32.9

و 62.2 درصد موافق هستند که کمبود شریک سازی معلومات و تجربیات زنبورداران در سطح کشور و منطقه می‌تواند به عنوان یکی از چالش‌های زنبورداری محسوب گردد (جدول 14).

5. مناقشه

این تحقیق نشان می‌دهد که، 70.73 فیصد کاملاً موافق هستند که، زنبور عسل در گرده افشانی نباتات و ایکوسیستم رول عمده را بازی می‌کند. 84 فیصد کاملاً موافق هستند، که آموزش دهقانان و زنبورداران می‌تواند باعث بلند رفتن سطح محصولات زراعتی گردد. 76 فیصد موافق هستند که، زنبور عسل بخاطر گرده افشانی نباتات و حفظ محیط زیست حتمی و ضروری است. 87 فیصد موافق هستند که، فقدان دانش مسلکی در سطح دهاقین و زنبورداران راجع به نقش زنبور عسل در گرده افشانی نباتات و حفظ تنوع زیستی تأثیرگذار است. از جهت دیگر 26.8 فیصد موافق هستند که، تغذیه زنبور عسل باعث تخریب گل‌های نباتات می‌گردد، که نماینگر نهایت پایین بودن سطح دانش مسلکی دهقانان

و زنبورداران می‌باشد. در این تحقیق زنبورهای عسل به دلیل توانایی فوق‌العاده خود در گرده افشانی، تقریباً در حدود 90 درصد از نباتات گلدار نقش دارند. این عمل موجب افزایش باردهی محصولات زراعتی و بهبود کیفیت میوه‌ها می‌شود (Klein et al., 2007). مطالعه (Klein et al., 2007) این تحقیق نشان می‌دهد، که حدود ۷۵ درصد از محصولات زراعتی جهان به گرده افشانی توسط زنبور عسل و سایر حشرات وابسته هستند نتایج این تحقیقات با تحقیق حاضر تقریباً همخوانی داشته و نگرش پاسخ دهندگان با تفاوت 5 درصد مشابه است.

مطالعات نشان می‌دهند که زنبور عسل به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل گرده افشانی، نقش حیاتی در تولید محصولات زراعتی و حفظ ایکوسیستم دارد (Klein et al., 2007). همچنین، برخی تحقیقات در ایران تأکید می‌کنند که زنبور عسل باعث افزایش عملکرد محصولات باغی مانند پسته و بادام می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). برخی پژوهش‌گران مانند (Ollerton et al., 2011) استدلال می‌کنند که تأکید بیش از حد بر زنبور عسل به عنوان تنها گرده افشان مهم، باعث نادیده گرفتن نقش سایر حشرات مانند پروانه‌ها، زنبورهای وحشی و سوسک‌ها می‌شود این مسئله می‌تواند منجر به سیاست گذاری نادرست در حفاظت از تنوع زیستی گردد. گزارش‌های (IPBES (2016 و (FAO (2018) هشدار می‌دهند که کاهش جمعیت زنبور عسل ناشی از آفتکش‌ها، تغییرات اقلیمی و از بین رفتن زیستگاه‌ها، تهدیدی برای امنیت غذایی و تنوع گیاهی است. برخی دانشمندان مانند (Carvell et al., 2017) معتقدند که عوامل محلی مانند مدیریت ضعیف کندوها و بیماری‌های خاص نقش مهم‌تری نسبت به عوامل جهانی مانند تغییرات اقلیمی دارند. مطالعاتی مانند (Gallai et al., 2009) نشان می‌دهند که ۳۵ درصد از تولیدات زراعتی جهان به گرده افشانی وابسته است و زنبور عسل سهم عمده‌ای در این فرآیند دارد. پژوهش‌گران اکولوژیک مانند (Tilman et al., 2002) استدلال می‌کنند که زراعت صنعتی و بدون متنوع باعث تخریب زیستگاه‌های طبیعی، خود عامل اصلی تهدید زنبورهاست، نه صرفاً کاهش جمعیت آنها. سازمانهای محیط زیستی مانند (Greenpeace (2013) پیشنهاد می‌کنند که کاهش استفاده از آفت کش‌های نئونیکوتینوئید و احیای گلزارهای وحشی می‌تواند به حفظ زنبورها کمک کند. برخی محققان مانند (Potts et al., 2016) هشدار می‌دهند که جایگزینی زنبورهای عسل با روش‌های مصنوعی گرده افشانی (مانند پهبادهای) نمیتواند جایگزین ایکوسیستم طبیعی شود. زنبور عسل یکی از مهم‌ترین گرده‌افشان‌ها برای زراعتی

پوهندوی دکتور آقای کلان حسنیار

و محیط زیست است عوامل انسانی مانند آلودگی، سموم زراعتی و تخریب زیستگاه‌ها تهدیدکننده جمعیت زنبورها هستند. این تحقیقات بر فرضیه‌های تحقیق هذا مهر تأیید می‌گردد. چالش‌های زنبورداری در افغانستان: شامل استفاده بی‌رویه از آفت‌کش‌ها، کمبود دانش، تغییرات اقلیمی و فقدان بازار مناسب. نقش زنبورداری در بازسازی محیط‌های تخریب‌شده احیای منابع طبیعی با ترویج زنبورداری اکولوژیک امکان‌پذیر است (Shah et al., 2021; Woodcock et al., 2017). توجه به این نکته ضروری است که هرگونه کاهش در جمعیت زنبوران عسل می‌تواند پیامدهای جدی برای ایکوسیستم‌ها و زنجیره غذایی به همراه داشته باشد. بنابراین، انجام مطالعات عمیق‌تر و جمع‌آوری داده‌های جدید می‌تواند به فهم بهتری از وضعیت زنبوران عسل و نیازهای آن‌ها منجر شود.

6. نتیجه‌گیری

ایجاد یک محیط مناسب برای زنبورهای عسل نه تنها به سلامتی این حشرات کمک می‌کند، بلکه به حفظ تنوع زیستی و افزایش سطح تولیدات زراعتی نیز منجر می‌شود. نقش زنبورهای عسل در ایکوسیستم و تأثیر آنها بر محیط زیست غیرقابل انکار است. به همین خاطر، توجه به حفاظت از این حشرات و اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش آسیب‌ها به آنها باید در اولویت قرار گیرد، تا بتوان از مزایای بی‌نظیر آنها بهره‌مند شد و به استمرار کارایی ایکوسیستم‌ها کمک کرد. زنبور عسل عنصری کلیدی در پایداری ایکوسیستم و توسعه روستایی افغانستان است. با رویکردی جامع، افغانستان می‌تواند به یکی از کشورهای پیشرو در تولید عسل ارگانیک تبدیل شود. برای درک بهتر تأثیرات زنبورهای عسل بر محیط زیست و شناسایی چالش‌هایی که این حشرات با آنها مواجه هستند، نیاز به تحقیقات بیشتر و دقیق‌تری دارد. این تحقیقات می‌توانند شامل بررسی تأثیرات مختلف آفت‌کش‌ها بر زنبورهای عسل و شیوه‌های مدیریت پایدار زراعتی باشند، تا از تأثیرات منفی روی این حشرات کاسته شود.

7. پیشنهادات

- 1- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای زنبورداران و دهقانان می‌تواند به آن‌ها کمک کند، تا مسلکی‌تر با زنبورهای عسل برخورد کنند و محیطی سالم برای آن‌ها ایجاد نمایند.
- 2- ایجاد یک محیط مناسب برای زنبورهای عسل نه تنها به سلامتی این موجودات کمک می‌کند، بلکه به حفظ تنوع زیستی و افزایش تولیدات زراعتی نیز منجر می‌شود.
- 3- تدوین سیاست ملی برای حفاظت از گرده‌افشان‌ها.

- 4- ترویج آموزش های فنی و تخصصی برای زنبورداران.
- 5- ایجاد مراکز تحقیقاتی و لابراتواری در حوزه زنبورداری.
- 6- تأمین حمایت های مالی و تجهیزات برای زنبورداران خرد و کلان.
- 7- توسعه زنبورداری اکولوژیک و پیوند با حفاظت محیط زیست.
- 8- تقویت زنجیره ارزش و بازاریابی محصولات زنبورداری.

منابع

- احمدی، ر.، محمدی، ع.، و رضوانی، م. (۱۳۹۸). (بررسی تأثیرگرده افشانی زنبور عسل بر افزایش عملکرد باغهای پسته در ایران. مجله تحقیقات علوم زراعتی، ۱۲(۳)، ۴۵-۵۶.
- حسن یار، آ. ک.، محمد نعیم، ش. (۱۳۹۵). نقش زنبور عسل در گرده افشانی نباتات. مجله علمی-تحقیقی البیرونی، ۶(۲) 23-26.
- رنجبر، ف.، نوروزی، ح.، و کریمی، س. (۱۴۰۰). نقش زنبور عسل در حفظ تنوع گیاهی مناطق زاگرس. فصلنامه محیط زیست طبیعی، ۱۵(۲)، ۱۱۲-۱۲۵.
- سازمان حفاظت محیط زیست ایران. (۱۳۹۹). گزارش ملی وضعیت گرده افشان ها در ایران. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- Benjamin, A., & McCallum, B. (2008). A world without bees. Guardian Books.
- Breeze, T. D., Bailey, A. P., Balcombe, K. G., & Potts, S. G. (2011). Pollination services in the UK: How important are honeybees?. Agriculture, Ecosystems & Environment, 142(3-4), 137-143.
- Carvell, C., et al. (2017). Bumblebee family lineage survival is enhanced in high-quality landscapes. Nature, 543 (7646), 547-549.
- Dadant & Sons. (2015). *The hive and the honey bee* (Revised ed.). Dadant & Sons.
- FAO. (2018). Why bees matter: The importance of bees and other pollinators for food and agriculture.
- FAO. (2022). The importance of pollinators in sustainable agriculture. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Free, J. B. (1993). Insect pollination of crops. Academic Press.
- Gallai, N., et al. (2009). Economic valuation of the vulnerability of world agriculture confronted with pollinator decline. Ecological Economics, 68 (3), 810-821.
- Goulson, D., Nicholls, E., Botías, C., & Rotheray, E. L. (2015). Bee declines driven by combined stress from parasites, pesticides, and lack of flowers. Science, 347(6229), 1255957.

- Greenpeace. (2013). Bees in decline: A review of factors that put pollinators and agriculture in Europe at risk.
- IPBES. (2016). *Thematic assessment of pollinators, pollination and food production*.
- Klein, A. M., et al. (2007). *Importance of pollinators in changing landscapes for world crops*. Proceedings of the Royal Society B, 274 (1608), 303-313.
- Ollerton, J., et al. (2011). Overplaying the role of honey bees as pollinators: A comment on Aebi and Neumann (2011). Trends in Ecology & Evolution, 26 (7), 141-142.
- Potts, S. G., Imperatriz-Fonseca, V., Ngo, H. T., Aizen, M. A., Biesmeijer, J. C., Breeze, T. D., & Vanbergen, A. J. (2016). *Safeguarding pollinators and their values to human well-being*. Nature, 540(7632), 220-229.
- Shah, M. A., Hussain, A., & Ahmad, T. (2021). *Beekeeping challenges in South and Central Asia*. Journal of Apiculture and Pollination, 45(3), 156-164.
- Tilman, D., et al. (2002). *Agricultural sustainability and intensive production practices*. Nature, 418 (6898), 671-677.
- UNEP. (2020). *Bees and their role in forest livelihoods: A guide to the services provided by bees and the sustainable harvesting, processing and marketing of their products*. United Nations Environment Programme.
- VanEngelsdorp, D., Evans, J. D., Saegerman, C., Mullin, C., Haubruge, E., Nguyen, B. K., ... & Pettis, J. S. (2009). *Colony collapse disorder: A descriptive study*. PLoS ONE, 4(8), e6481.
- Woodcock, B. A., et al. (2017). Country-specific effects of neonicotinoid pesticides on honey bees and wild bees. Science, 356(6345), 1393-1395.

چالش‌های پذیرش محصلین رشته ریاضی موانع سد راه انقلاب صنعتی جهت توسعه پایدار

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی^{۱*}، پوهنیار فاضل جهش^۲، پوهنیار عبدالهادی حیدری^۳

۱. دیپارتمنت ریاضی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: Mirhakimullah2440@gmail.com

چکیده

رشته ریاضی یکی از مهم‌ترین رشته‌ها در میان تمام رشته‌های تعلیمی به شمار می‌رود و یادگیری این درس مهم در تمام رشته‌ها ضروری و لازمی می‌باشد. هدف از تحقیق حاضر تبیین نمودن چالش‌های مهم رشته ریاضی و یادگیری آن است. که این درس مهم نقش کلیدی در شکل‌گیری زیرساخت‌های صنعتی و تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند. با این حال، در افغانستان جذب و رغبت محصلین به این رشته با چالش‌های متعددی مواجه است. که می‌تواند مانع پیشرفت علمی و صنعتی کشور گردد. درین مقاله شیوه ارزیابی و انتخاب داوطلبان جهت ورود به پوهنتون‌ها در رشته‌های مرتبط با ریاضی را با توجه به نمرات پذیرفته شدگان در رشته‌های مختلف از جمله دیپارتمنت ریاضی از طریق امتحان کانکور بررسی گردید. جامعه آماری این تحقیق، پذیرفته شدگان آزمون سراسری در هشت سال اخیر (سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰) مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی (جداول توزیع کثرت، اوسط، واریانس، انحراف معیار...) از نرم افزار SPSS صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل دیتاها نشان می‌دهد. چالش‌های که مانع یادگیری ریاضی می‌شوند نحوه انتخاب محصل برای رشته ریاضی از طریق امتحان کانکور، بدون علاقه و انتخاب خود محصل با پایین‌ترین نمره وارد رشته ریاضی می‌شود. نتایج بررسی در وضعیت حاضر نشان می‌دهد که نحوه پذیرش و انتخاب داوطلبان ورود به رشته‌های مذکور از آن جمله رشته ریاضی در پوهنتون‌ها یکی از عواملی است که به تضعیف قدرت یادگیری ریاضی می‌انجامد برای رفع این عملکرد نادرست مرتبط با پذیرش محصل در رشته ریاضی در این تحقیق تبیین شده است. و برای استفاده از مدل‌های ریاضی و کاربرد آن در صنعت جهت توسعه پایدار در کشور ایجاد همکاری‌های نزدیک‌ترین صنایع و پوهنتون‌ها برای انتقال دانش ریاضی و استفاده از آن در حل مسأله‌های صنعتی پیشنهاد می‌شود و دوم اینکه توجه ویژه به آینده معلمان شود تا شاگردان شایسته و با استعداد با میل و علاقه خود این شغل مقدس و مهم را خود انتخاب نمایند.

واژه‌های کلیدی: چالش‌ها، موانع، رشته ریاضی، صنعت و توسعه پایدار

Water security and its role in sustainable development from the perspective of Islam

Assistant Professor Dr. Mir Hakimullah Sidy^{1*}, Teaching Assistant Fazel Jahish², Teaching Assistant Abdulhdi Haidari³

1. Department of Mathematics, Faculty of Education, Alberoni University

* Corresponding Author Email: Mirhakimullah2440@gmail.com

Abstract

Mathematics is one of the most important disciplines among all educational disciplines, and learning this important lesson in all disciplines is necessary. The purpose of this study is to address the important challenges of the field of mathematics. This important lesson plays a key role in the formation of industrial infrastructure and the realization of sustainable development. However, the attraction of students to this field is faced with numerous challenges. This can hinder the scientific and industrial development of the country. and selection of volunteers to enter the university of – in the field of math-related – was examined according to the scores of those admitted to the field of –different, including the Department of Mathematics through the Kankor exam.. The statistical population of this research, the accepted test of Seri in the last eight years, 1393 until 1400. dari. Analysis of data at the level of descriptive statistics (distribution of plurality, subsistence, variance, reverse deviation...) The software has been done. Data analysis shows. The challenge of that hinder math learning is how to select students for math through the Kankor exam, without interest and self-selecting students with the lowest score enter the math field. The results of the current situation show that the acceptance and selection of volunteers to enter the field of including the field of mathematics at the University of is one of the factors that weakens the power of mathematical learning to fix this incorrect performance related to the admission of students to the field of mathematics in this research. and its application in the industry for sustainable development, in order to create closer co-operation between industries and universities to transfer math and use it in solving industrial problems, it is suggested to pay special attention to the future of teachers, so that competent and talented students with their own desire and interest in this sacred and important job elect.

Keywords: Challenges, Barriers, Mathematics, Industry and Sustainable Development

مقدمه

تربیت معلم، یکی از حوزه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار در نظام آموزشی و فرهنگی هر کشور است. یکی از عواملی که می‌تواند به پیشرفت نظام تربیت معلم کمک شایانی نماید، انجام مطالعات مناسب در ارتباط با دلایل موفقیت و افول نظام در بستر تاریخی بوده است. (ذاکری، 1400). امروزه نظام تعلیم و تربیت به عنوان عنصری کارآمد، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار یک جامعه در ابعاد مختلف دارد. نقش تعلیم و تربیت، به حرکت درآوردن فرآیند توسعه و تولید صنعت همه‌جانبه بشر است که در طول زندگانی انسان‌ها با هدف شکوفایی فکری، جسمی، احساسی، اخلاقی و معنوی صورت می‌گیرد (شریفی، 1397). به نقل (توران، عظیمه، & یوسف، 1399) معلم کارگزار اصلی و تربیت روح نهاد آموزشی هر کشور است که با سعی و تلاش آگاهانه او که اهداف متعالی نظام آموزشی کشور محقق می‌شود. آنچه کودکان، جوانان و نوجوانان در مکتب و در مدرسه کسب می‌کنند متأثر از خصوصیات، کیفیات، شایستگی‌های علمی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و معنوی معلمان است (صافی، 1382). حرفه‌ای تخصصی و حساس را بر عهده دارد. و انتخاب معلم باید با دقت انجام شود و در جذب و نگهداری او سرمایه‌گذاری مناسب صورت گیرد. به تناسب مسئولیت و تخصص حرفه‌ای، او از اختیارات لازم برای اجرای نصاب‌های آموزشی و تربیت شاگردان برخوردار باشد و امکان اظهار نظر و مشارکت فعال در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های تعلیم و تربیت و طراحی برنامه و محتوای درسی و مواد و وسایل آموزشی برای او فراهم شود (رضایی، 1396) بنابراین بسیاری معتقد هستند که اگر در برنامه‌های تدوین شده مراکز تربیت معلم، دقت کافی اعمال نشود، ملاک و معیارهای مناسب در نظر گرفته نشود، این مراکز نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه در تربیت معلمان کارآمد و ماهر باشند (Lew, 2013). نگاهی اجمالی به رویدادهای تربیت معلم در سده‌های گذشته که متأثر از موقعیت‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران‌های متفاوت بوده است، این امکان را به ما می‌دهد تا با دیدگاه‌ها و شیوه‌های تربیتی معلمان در سده‌های پیشین آگاهی یابیم. به گواه تاریخ تحول آموزش و پرورش در سده‌های گذشته، معلمان مهم‌ترین نقش را در تربیت نیروی انسانی و کارآمد و انتقال تمدن، فرهنگ و دانش گذشتگان به نسل‌های آینده بر عهده دارند. (Jankvist, Clar, & Mosvold, 2019) تربیت معلم به عنوان یک حوزه تحقیقی در همه کشورهای جهان مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا با فراهم ساختن رشد و توسعه معلمان و داوطلبان ورود به حرفه‌ی معلمی، زمینه رشد تعلیم و تربیت و ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری شاگردان فراهم شود. به عبارتی، بخش مهمی از رشد و موفقیت نسل

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

نوجوان و جوان هر جامعه را که در مکتب‌ها حاصل می‌شود، به رشد و ارتقای معلمان تازه کاری مربوط می‌دانند که قرار است بعد از آموزش، مسولیت اصلی تربیت آنان را بر عهده بگیرند (Naumann & Craig, 2012) به طور کلی، تربیت معلم عبارت است از فرآیند تربیت داوطلبانی که به قصد خدمت در شغل معلمی جذب پوهنتون شده و تحت آموزش‌های مورد نیاز قرار می‌گیرند و پس از فارغ-التحصیلی وارد آموزش و پرورش می‌شوند. بنابراین با توجه به اینکه نیروهای پرورش یافته شاکله اصلی نظام تعلیم و تربیت را شکل می‌دهند، بهبود تعلیم و تربیت هرکشوری مبتنی بر بهبود کیفیت تربیت معلم آن کشور است. پس لازم است برنامه‌های تربیت معلم پیش از خدمت و ورود به حرفه معلمی براساس فرایند آموزش مستمر پیگیری شود (موسی پور، 1391)

ریاضی یکی از مهم‌ترین مضامین در آموزش عمومی به شمار می‌رود و یادگیری آن در هر کشور ضروری به علاوه بر آنکه به عنوان دانش رسمی مهم‌ترین دانش ارتباط میان تمام علوم به شمار می‌رود، تاریخ ریاضیات که اغلب به عنوان تاریخ آموزش حوزه ریاضی شناخته می‌شود، می‌تواند با گذشته جالب و غنی و آینده درخشان و امیدوارکننده رامشخص کند (کریمی، شریف، 1393)

این تحقیق قصد دارد تغییرات تحول برنامه‌ریزی درسی و شیوه معرفی انتخاب داوطلبان ورود به پوهنتون در رشته‌های مرتبط با ریاضی را با توجه به نمرات پذیرفته شدگان (پایین‌ترین نمرات) در پوهنخی تعلیم و تربیه ازجمله دیپارتمنت ریاضی در کانکور سراسری مورد بررسی قرار دهد. جامعه آماری این تحقیق، پذیرفته شدگان امتحان سراسری در هشت سال اخیر (سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰) و داده‌های پژوهش میانگین نمرات هشت پوهنخی که در پوهنخی علوم پایه از آن جمله دیپارتمنت ریاضی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی در وضعیت حاضر نشان می‌دهد که نحوه پذیرش و انتخاب داوطلبان ورود به رشته‌های مذکور در پوهنتون‌ها یکی از عواملی است که به تضعیف قدرت یادگیری ریاضی می‌انجامد برای رفع این عملکرد نادرست مرتبط با پذیرش محصل در رشته ریاضی در این تحقیق نبین شده است.

یکی از نیازها و رغبت هر محصل راه‌یابی به پوهنتون و پذیرفته شدن در رشته‌های با پایگاه اجتماعی بالا از آرزوهای بیش‌تر و شاید همه‌ی جوانان افغانستان و خانواده‌های آنان است. خواست شدید ورود به پوهنتون، چنان شاگردان و خانواده‌های آن‌ها را به تلاش و تکاپو و می‌دارد که چه‌بسا ناکامی در آن می‌تواند مسائل و مشکلات روانی و اجتماعی شدیدی برایشان پدید آورد، سیل عظیم داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون‌های ورودی پوهنتون‌های دولتی، و پرداخت هزینه‌های سنگین برای

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی

صنځهای آماده کانکور، خرید جزوه‌های درسی و کتاب‌های آزمون، نشان‌دهنده از اهمیت ورود به پوهنتون برای خانواده‌ها است؛ بنابراین، اگر علی‌رغم این تلاش‌ها، ورود به پوهنتون مقدور نباشد خانواده‌ها به خطر می‌افتد و این ناکامی به طور کلی بر تمام جنبه‌های زندگی دانش‌آموز تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین، در جامعه کنونی یکی از دغدغه‌های اصلی زندگی هر نوجوانی، پذیرفته شدن در پوهنتون در رشته دلخواه خویش است و این باعث شده که خانواده‌ها نیز بر موفق شدن فرزندانشان در آزمون سراسری تأکید می‌کنند و هیچ کوششی را برای پذیرفته شدن فرزندشان فرو نمی‌گذارند. عقیده بر این است؛ که هر شاگرد میل و رغبت خاص در انتخاب پوهنځی موردنظر خود دارد. لهذا اگر به خواست خود هم نرسد آسیب‌های زیادی را دچار می‌شود مانند آسیب‌های روانی و شخصیتی، آسیب‌های آموزشی و یادگیری، آسیب‌های خانوادگی، آسیب‌های اقتصادی، و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی از آثار منفی کانکور است (سیدی & گویا، وضعیت ریاضی در پوهنتون‌های افغانستان، 1400).

در حال حاضر، پوهنتون‌های افغانستان در رابطه با یادگیری ریاضی محصلان مشکل دارند و بررسی این وضعیت از جهات گوناگون، یک ضرورت است. به‌ویژه در پوهنتون البیرونی که یکی از مأموریت‌ها و مسئولیت‌های اصلی دیپارتمنت ریاضی آن، تربیت معلم مکتب و مدرس پوهنتون است. در نتیجه، این پژوهش به منظور ارتقای آموزش ریاضی در پوهنتون‌های افغانستان، طراحی شده است. امتحانات پذیرش باید مطلوبیت تشخیص داشته باشند به جای تعداد یا رتبه درصدی، آزمون‌ها باید اطلاعات مرتبط با برنامه درسی درباره نقاط قوت و هم‌چنین مناطقی که نیاز به انجام مطالعات بیشتر دارند را به محصلان ارائه دهند (شریف، 1399). باینکه تعاریف در یادگیری مفاهیم ریاضی و حتی انجام اعمال ریاضی نقش مهمی دارند، اما شاگردان و محصلان برای درک و فهم تعاریف جدید و به کار بردن آن‌ها در جای مناسب با مشکلاتی روبرو هستند و از نقش تعاریف در فرآیند حل مسئله و اثبات‌های ریاضی آگاهی ندارند (رحیمی & آقابابا، 1384) یکی از نقاط قوت توسعه آموزش عالی، تربیت افرادی است که با حداقل‌هایی از دانش و مهارت‌های ریاضی آشنا باشند و بتوانند برای ارتقای فردی و شغلی خود جهت توسعه، رشد و شگوفایی کشور، از آن استفاده کنند که از اهداف عمومی یا مردمی کردن ریاضی است (بیژن & گویا، 1391) بدین سبب هدف اصلی این پژوهش، بررسی چالش‌های یادگیری ریاضی در پذیرش محصلان پوهنتون‌های افغانستان با تأکید بر پوهنتون البیرونی است که مسئولیت تربیت معلمان ریاضی را به عهده دارد. و زمینه بهتر جهت رسیدن برای توسعه پایدار در کشور کمک می‌کند.

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

پیشنه تحقیق

نظام آموزشی در افغانستان، متمرکز است و در سال 1385 برنامه‌های درسی آموزشی عالی افغانستان از کلاسیک به سیستم (کریدت) تبدیل شد و در سال 1392 نصاب درسی برخی رشته‌های پوهنتون‌های مرکزی مورد بازنگری قرار گرفت در سال 1396 کمیته‌های نصاب درسی در سطح پوهنتون ایجاد شدند و در زمستان سال 1399 نخستین رهنمود توسعه و بازنگری تدوین و تصویب شد بعد از برگزاری جلسات برنامه‌های درسی برخی رشته‌های پوهنتون از جمله پوهنځی تعلیم و تربیه مورد توسعه و بازنگری قرار گرفتند و بعد از تصویب به تمام پوهنتون‌ها جهت تطبیق ارسال گردید (نصاب، 1398) یک برنامه درسی حداقلی، به عنوان هسته اصلی برنامه «و بر اساس ضوابط و استانداردهای مشخص، برای تمام پوهنتون‌ها تهیه شد تا هر پوهنتونی، متناسب با اهداف آموزشی، پیشینه محصلان و توانایی اعضای کادری خود، بتواند با انعطاف‌پذیری بیشتری برنامه خود را مدون کند. در پوهنتون‌های کشور، آموزش و یادگیری ریاضی، هم برای کسانی که رشته آن‌ها ریاضی است و هم افراد سایر رشته‌های پوهنتونی که گذراندن درس ریاضی برایشان اجباری است، در وضعیت نامناسبی قرار دارد. عوامل اثرگذار در ایجاد این وضعیت، از یک سو بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی و مقاومت محصلان در برابر یادگیری ریاضی است و از سوی دیگر، نصاب درسی و روش تدریس کلاسیک و عدم آگاهی مدرسان از روش‌های نوین ریاضی است. ناسازگار بودن و نامرتب بودن محتوای درسی ریاضی با نیازهای محصلانی که در رشته ریاضی و غیر ریاضی تحصیل می‌کنند، یکی از دلایل اصلی بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی آنان و در نتیجه مقاومت شان در برابر درس ریاضی است. اکثر محصلان نحوه انتخاب محصل از طریق کانکور سراسری جبراً و یا نمرات پایین را به دست آوردند. بنابر چنین گسترش کمی، طبیعی است که ادامه تحصیل بسیاری از افراد در رشته ریاضی، الزاماً نه به دلیل ویژه علاقه به علم ریاضی و نه به دلیل انتخاب آینده شغلی بوده است (سیدی & گویا، وضعیت ریاضی در پوهنتون‌های افغانستان، 1400). بلکه ادامه تحصیل در رشته ریاضی، بیشتر یا بر اساس انتخاب در رشته دلخواه یا در کانکور سراسری و قبولی تصادفی در این رشته، یا صرف داشتن تحصیلات عالی بوده است. و از طرفی در پوهنځی‌های دیگر قابل قبول نبوده‌اند. برای دیپارتمنت ریاضی فرستاده شده‌اند که این دلیل کاملی برای موانع و چالش‌های یادگیری ریاضی در صنف ریاضی می‌گردد.

تحقیق حاضر در دو مرحله انجام شده است که اولی بررسی سیر تاریخی تربیت معلم و برنامه‌های درسی دیپارتمنت ریاضی در افغانستان و دیگری، شناسایی چالش‌های یادگیری ریاضی پذیرفته

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی

شدگان به رشته ریاضی در پوهنتون البیرونی است. بر اساس تحلیل آماری درس ریاضی در امتحان سراسری «میان نمره درس ریاضی پذیرفته شدگان کانکور سراسری با انتخاب رشته آنان ارتباطی معکوس وجود دارد؛ یعنی افرادی که بهترین نتایج رشته ریاضی را کسب کرده‌اند به انتخاب رشته‌هایی دست زده‌اند که کمترین ارتباط را با درس ریاضی داشته است و بالعکس؛ به این ترتیب نتیجه آن شده است که رشته‌هایی مثل (آموزش رشته ریاضی) یا آموزش رشته‌های مختلف تعلیم و تربیه اکثراً مورد توجه کسانی قرار گرفته که توانایی‌های ریاضی آنان در حد صفر است (سیدی & گویا، 1402)

نصاب‌های درسی دیپارتمنت ریاضی از نگاهی کلی یک سیر تاریخی را از ایجاد آموزش عالی افغانستان سپری کرده است. ابتدا سیستم کلاسیک بود و از سال 1385 سیستم کريدت رایج شد بعد از سال 1390 در برخی رشته‌ها تجدید و بازنگری نصاب درسی آغاز شد مدت دوره تحصیل، دوره لیسانس رشته ریاضی در نظام تحصیلات عالی کشور به طور عادی چهار سال تحصیلی و تعداد کريدت‌های که در جریان دوره لیسانس سپری می‌نماید حداقل بین 136 الی 152 کريدت درسی و در هرسمستر حداقل بین 17 الی 21 کريدت درسی که هر درس از دوره لیسانس به چهارنوع تقسیم بندی شده را در بر می‌گیرد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقاتی تاکنون درین زمینه‌ها به طور عام در داخل کشور انجام نشده بیشتر مورد توجه در برنامه درسی تربیت معلم ریاضی و سیر تاریخی ساختار و تشکیلات نظام تربیت محصل و محصل معلمان و مؤلفه‌های تاثیرگذار بر آن در افغانستان هیچ توجهی صورت نگرفته است. همان طوره که پیش از این ذکر شد تاکنون تحقیقات چندانی درخصوص بررسی گزینش چالش‌های پذیرش داوطلبان از ابعاد گوناگون صورت نگرفته است. و در مورد چالش‌های پذیرش محصلین ریاضی در پوهنتون‌های افغانستان به طور خاص، تعداد تحقیقات انجام شده در داخل این کشور اندک است و مقاله‌های تحقیقی منتشر شده در این حوزه نیز که بتوان از نتایج آن‌ها برای این تحقیق بهره برد، محدود است.

روش تحقیق

روش تحقیق جز اساسی هر تحقیق است، زیرا فرصتی را برای محققان دیگر فراهم می‌آورد تا مطالعه را تکرار کنند تا اطمینان حاصل شود که نتایج مشابهی به دست آمده است روش تحقیق به رویکرد گام به گام برای حل یک مسئله تحقیقاتی خاص اشاره دارد. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر چالش‌های پذیرش محصلین رشته ریاضی موانع سد راه انقلاب صنعتی جهت توسعه پایدار در پذیرش

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

محصلان و معلمان داخل خدمت در پوهنځی تعلیم و تربیه پوهنتون البیرونی است. این تحقیق درچارچوب رویکرد کیفی و بااستفاده از روش به کارگرفته شده در دو بخش تحلیلی مورد بررسی اسناد تاریخی و نتایج کانکور سراسری طی 8 سال و بخش دوم آن که مربوط به چالش های یادگیری ریاضی می باشد به اجرا درآمد.

برای بخش اول این تحقیق، از روش تحلیلی اسناد تاریخی استفاده گردیده که در آن به بررسی و طبقه بندی سیر تحولات تربیت معلم و روند پذیرش محصلان در پوهنځی تعلیم و تربیه در کشور می پردازد. مبنای اصلی در تقسیم بندی زمانی، بر اساس روند تغییرات تاریخی در نظام تعلیم و تربیه و هم چنین تحصیلات عالی کشور است؛ و با استفاده از روش تحقیق مطالعه موردی این تحقیق در چارچوب رویکرد کیفی با بررسی و تحلیل اسناد موجود و هم چنین پایگاه های اینترنتی و مقالات صاحب نظران و محققان صورت می گیرد و بر اساس آن تلاش می شود تا سیمای تحولات تربیت معلم در افغانستان ترسیم می شود.

برای بخش دوم این تحقیق شناسایی چالش های مهم یادگیری ریاضی را که می توان به طور واضح تبیین نمود که این چالش در جهت توسعه و ارتقای یادگیری محصلان و معلمان داخل خدمت تأثیر منفی گذاشته است مانند کانکور سراسری، و شیوه پذیرش محصل و معلم را به عهده دارد نام برد که این مقاله توانسته است شیوه پذیرش کانکور سراسری را طی 8 سال با استفاده از نتایج آزمون کانکور سراسری بررسی نموده است. و طی همین مدت محصلان که استعداد ریاضی آن ها در حد صفر می باشد به پوهنځی تعلیم و تربیه می فرستند و هیچ گونه تحقیقی در آن وجود ندارد که بتواند این چالش مهم و عمده را برطرف و محصلان ورزیده را که در ریاضی آشنایی کامل دارند برای این پوهنځی ارسال نماید، لذا روش مناسب برای بخش جمع آوری این تحقیق، مطالعه اسنادی/کتاب-خانه ای و تحلیلی جامعه آماری این تحقیق، نمرات پذیرش محصلان در پوهنتون و پوهنځی های مختلف درمقاطع تحصیلی لسانس ازجمله دیپارتمنت ریاضی پذیرفته شدگان پوهنتون های دولتی کشور، در بازه زمانی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰، در مقاطع لسانس است؛ و نمونه آماری منطبق با جمعیت آماری است. داده های تحقیق بر اساس اوسط نمرات پذیرش محصل پذیرفته شده طی هشت سال که از سایت وزارت تحصیلات عالی کشور جمع آوری گردیده است و برای تحلیل بخش دیگری از شناسایی چالش های یادگیری ریاضی درین قسمت قرار گرفته است، که شیوه آماری تحلیل داده های آن در این تحقیق به صورت آمار توصیفی و به طور نمونه از میان تمام پوهنځی ها نتایج آزمون هشت

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی

پوهنځی بررسی و تحلیل توصیفی آن با استفاده از میانگین‌ها، درصدها، فراوانی‌ها و نمودارهای مربوطه ارائه شده است. منظور از نمره اوسط، در مطالعه انجام شده بر اساس آن شکل گرفته جدول‌های نمره پذیرفته شدگان کانکور امتحان سراسری که رسماً از کمیته امتحانات وزارت تحصیلات عالی افغانستان دریافت شده است داده‌های حاصل از دامنه‌ای پذیرش محصلان بین 44 الی 100 را به خود اختصاص می‌دهد (سیدی، گویا (1400)).

هدف از تحقیق حاضرشناسایی چالش‌ها و مشخص کردن مسیر تحول تربیت معلم جهت رشد و توسعه‌ای تربیت نیروی انسانی در کشور می‌باشد که می‌توان مشکلات موجود که سر راه یادگیری ریاضی و مسیر تحول تربیت معلم در پوهنتون‌ها از جمله پوهنتون البیرونی قرار دارد را تبیین نمود و به دلیل ماهیت نیازمند استفاده از روش کیفی انجام شده است. روش تحلیلی داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد و روش مناسب برای بخش گردآوری این تحقیق، مطالعه اسنادی و تحلیلی جامعه آماری این تحقیق، نمرات پذیرش محصلان در پوهنتون پوهنځی‌های مختلف درمقاطع تحصیلی لیسانس از جمله دیپارتمنت ریاضی پذیرفته شدگان پوهنتون‌های دولتی کشور در هشت سال اخیر، در بازه زمانی سال‌های 1393 تا 1400، در مقاطع لیسانس است. نمونه آماری در بخش اول با استفاده از نتایج امتحان کانکور سراسری مورد بررسی قرار گرفته و مورد بررسی انجام شد که داده‌های تحقیق از آمار توصیفی، اوسط، کثرت و درصد بررسی شده است. برای بیرون رفت از این معضل پوهنتون و پوهنځی‌ها باید در زمینه مورد نظریه تحقیق انجام دهند که نشان می‌دهد چگونه و چه نمرات آزمون و هم چنین سایر معیارهای پذیرش، عملکرد محصلان در مؤسسات خود را پیش‌بینی کنند.

یافته‌های تحقیق

بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که تربیت معلم در افغانستان تحت عنوان‌های مختلف و هدف‌های گوناگون در بازه‌های زمانی مختلف دچار تغییرات، تحولات و چالش‌های گوناگونی بوده که می‌توان به صورت ذیل توضیح نمود تاریخ تربیت معلم در حدود صدسال قبل برمی‌گردد که از اوایل تأسیس آن توانسته است که معلمان را جهت رشد شکوفای کشور تربیت نموده تا از طریق تربیت نیروی انسانی آموزش دیده در جهت توسعه‌ای پایدار و پیشرفت جامعه و رفع چالش‌ها دست به اقدام نموده چالش‌ها را مرفوع نماید. لذا در این دو دهه 1390 و 1400 یک مقدار کار در جهت تربیه و توسعه آبادانی کشور از طریق دانش و فرهنگ سواد در کشورمان صورت گرفته که می‌توان به صورت مختصر یادآوری نمایم زیرا درین مدت وزارت تحصیلات عالی و آموزش پرورش توانسته

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

یک مقدار بالای معیاری سازی سیستم آموزشی کلاسیک تبدیل به سیستم انتخاب واحد با استفاده از نمونه روندهای آموزشی کشورهای همسایه استفاده نموده و یک مقدار مشکلات که سدره آموزش بود مرفوع گردید و در جهت تربیت نیروی انسانی ورزیده وزارت تحصیلات عالی کشور و وزارت معارف کشور با همکاری و کمک‌های بی‌شایبه همه کشورهای همسایه، با استفاده از فراهم سازی زمینه بهتر تحصیلی درمقطع ماستری و دکتری را مساعد نموده و تعدادی زیادی از تحصیل یافته گان را با کسب مدرک برای کشورمان تقدیم نموده اند درین بخش از تحقیق مربوط به چالش‌های یادگیری ریاضی که سد راه صنعت جهت توسعه پایدار می‌شود که از بررسی جدول نتایج امتحان کانکور سراسری محصلان و محصل معلمان نتیجه می‌شود که مقایسه‌ای میان اوسط نمرات ریاضی پذیرفته شدگان رشته ریاضی در پوهنتون‌های مختلف انجام شده و مهارت‌های ریاضی کسانی مقایسه شده که قرار است در برنامه شغلی خود با تدریس و آموزش در مکاتب و پوهنتون‌ها به انتقال مهارت‌های ریاضی به نسل آینده کشور بپردازند؛ اما نتایج حاصل به‌ویژه در مقایسه با سایر رشته‌های پوهنتونی خلاف آن را نشان می‌دهد؛ اما برخلاف رشته ریاضی در دیگر رشته‌ها پذیرفته شدگان آن‌ها بهترین اوسط را به خود اختصاص داده‌اند با توجه به اینکه نتایج حاضر، بر اساس اوسط نمرات تنظیم شده می‌توان دریافت که، نمراتی بالاتر و نمرات پایین‌تر از حد اوسط افرادی اند که در میان پذیرفته شدگان فعلی در پوهنتون مشغول به تحصیل در رشته ریاضی هستند افرادی نیز با نمرات درصد پایین قرار دارند

یافته‌های ذیل حاکی از آن است که سیر تربیت معلم ریاضی در افغانستان و با تمرکز به پوهنتون البیرونی مشکلاتی زیادی را مواجه اند که راهای بیرون رفت ازین موانع را می‌توان به‌واسطه نیروی انسانی کار فهم و تخصصی در بخش برنامه‌ریزی معیاری برای کانکور سراسری می‌توان این موانع را برطرف نمود. هدف از این مقاله ارائه خلاصه‌ای مختصر از تاریخچه امتحانات سراسری کانکور، چالش‌های آن در پذیرش محصلان به دوره لیسانس در رشته ریاضی و سیر تاریخ تربیت معلم و چالش‌های مواجه به آن در زمینه پذیرش محصل مورد بررسی قرار گرفته است.

پذیرش محصلان از طریق کانکور سراسری با این وجود شاگردان فارغ شده از مکتب به خاطر وارد شدن به پوهنتون‌ها از طریق امتحان کانکور سراسری امتحان اخذ می‌گردد؛ و طریقه مهیا نمودن سوالات از درس‌های صنف دهم مکتب و صنف یازدهم مکتب و صنف دوازدهم مکتب جمع‌آوری و در چهار بخش دسته‌بندی و به تعداد 160 سؤال آماده و ازدانش‌آموزن فارغ شده امتحان اخذ

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی

می‌گردد؛ که بخش اول سؤالات آن مربوط به ریاضی که دارای 43 سؤال که ضریب هر سؤال آن 2.85 نمره و مجموعه نمره آن 122.55 که مدت حل 66 دقیقه برای سؤال‌های ریاضی در نظر گرفته شده است. بخش دوم آن علوم طبعی که دارای 42 سؤال که ضریب هر سؤال آن 2.45 نمره که مجموعه نمره آن 102.9 و مدت زمان که برای آن در نظر گرفته اند 40 دقیقه می‌باشد، بخش سوم علوم اجتماعی که دارای 39 سؤال که ضریب هر سؤال آن 1.65 نمره که مجموعه نمره آن برابر به 64.35 که مدت زمانی که برای حل این بخش در نظر گرفته اند 28 دقیقه می‌باشد و در بخش چهارم آن السنه و جیولوژی که دارای 36 سؤال که ضریب هر سؤال آن 1.96 که مجموعه نمره آن برابر به 70.2 و مدت زمانی که برای این بخش در نظر گرفته اند 26 دقیقه می‌باشد که از طریق کانکور سراسری (کمیته سازمان سنجش) با تمام امکانات ترتیب و تهیه نموده و به دسترس محصلان در تایم، روز و تاریخ مشخص اعلام می‌شود امتحان اخذ می‌گردد.

جدول (1-1) دسته‌بندی مجموعه نمرات مضامین در کانکور سراسری از طریق کمیته کانکور وزارت تحصیلات عالی

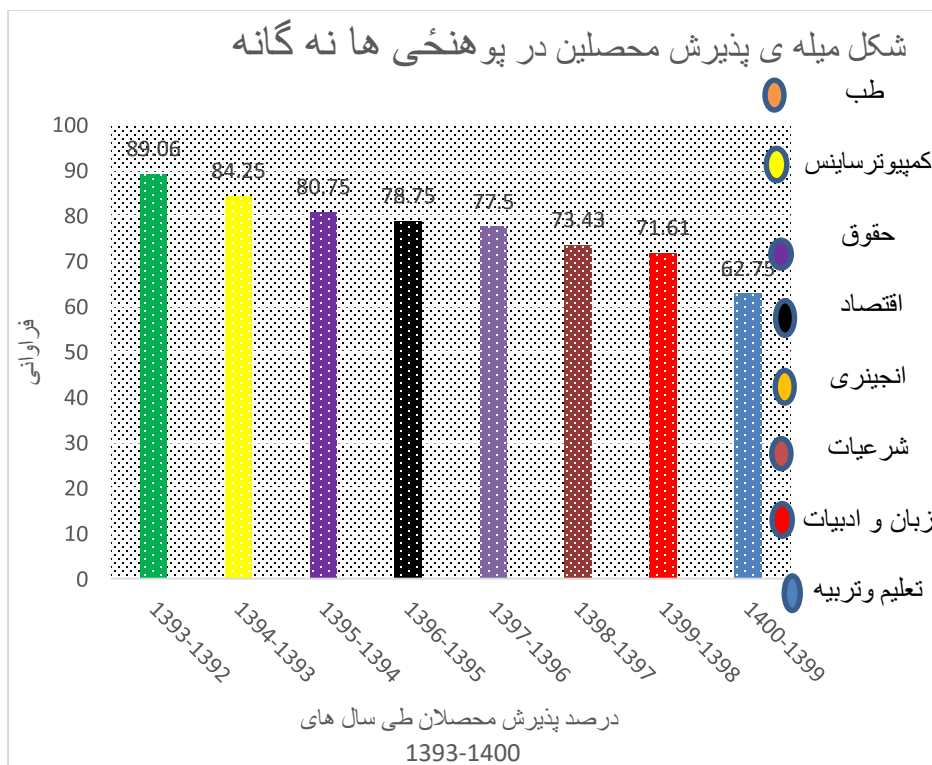
مضامین	کتگوری نمره	ضریب	مجموعه نمره
علوم طبیعی	42	2.45	102.5
علوم اجتماعی	39	1.65	64.35
السنه و جیولوژی	36	1.96	70.2
مجموعه سؤالات	160	360	360

نتایج یافته‌های کانکور سراسری بین سال‌های 1393-1400 نشان‌دهنده روند پذیرش محصلان از طریق کانکور سراسری طی یک جدول بررسی گردیده است و نشان‌دهنده آن است که بلندترین نمره محصل را طی همین سال‌ها برای پوهنخی طب، حقوق، کمپیوترساینس... و پایین‌ترین نمره محصل را کانکور سراسری به پوهنخی علوم پایه ارسال حتی بدون انتخاب و علاقه محصل در دیپارتمنت ریاضی فرستاده شده است.

جدول (1-2) آمار محصلان پذیرفته شده از طریق امتحان سراسری کانکور طی سال‌های 1393-1400

پوهنځی	پوهنځی	پوهنځی	پوهنځی	پوهنځی	پوهنځی	پوهنځی	پوهنځی	ټول
اقتصاد	ادبیات	تعلیم و تربیه	شرعیات	کمپیوټرس اینس	پوهنځی ځی انجی نری	پوهنځی ی حقوق	پوهنځی طب	
80.5	70.5	73	81	96.5	88.5	88	92	1393
86	82	68	87.5	87	86	86	90.5	1394
78	73.5	60	79.5	82	91.5	77	84	1395
78	68	59.5	77	79.5	80.5	78	92	1396
75.5	72	59.5	75	80.5	81	78	87	1397
72	66.5	55.5	69	82.5	78.5	74	88	1398
79	68.5	54	76	83	78	80.5	89	1399
81	72	64.5	75	83	81.5	79.5	90	1400
630	573	497	620	674	587.5	646	712.5	مجموع
78.75	71.61	62.75	77.5	84.25	73.43	80.75	89.06	میان گین

شکل زیر نشان می دهد که درصد نمره پذیرش محصلان پذیرفته شده در پوهنځی علوم پایه از جمله دیپارتمنت ریاضی از نظر بررسی آماری ضعیف ترین فرد می باشند محصلی که توانسته است بایک نمره پایین در دیپارتمنت ریاضی معرفی شود از همین لحاظ شکل زیر نشان دهنده این است.



شکل (1-1) روند پذیرفته شدن شاگردان از طریق کانکور سراسری به پوهنتون‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۴۰۰ از شکل فوق طبق بررسی آماری نتایج به دست آمده از یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان 234 پوهنخی‌ها به طور نمونه نتایج هشت پوهنخی در طی هشت سال کانکور که سپری شده مقایسه نموده و محقق توانسته است از میان نمرات شاگردان پذیرفته شده به پوهنخی‌های ذکر شده طبق محدوده زمانی که در فوق معین شده است بلندترین نمره پذیرفته شده در پوهنخی‌ها طب و پایین‌ترین نمره پذیرفته شده در پوهنخی تعلیم و تربیه می‌باشد و نشان می‌دهد که طی هشت سال نتایج جمع‌آوری و بررسی نموده و از میان نمرات ایشان اوسط گرفته و اوسط را به درصد تبدیل نموده و پس از آن به یک نتیجه مطلوب دست یافته است. و آشکار نمود که وجود چالش‌های پذیرش محصلان می‌تواند به عنوان یکی از چالش‌های مطرح در پیش روی تحصیلات عالی در کشور باشد.

شکل فوق نشان می‌دهد که درصد نمره پذیرش محصلان پذیرفته شده در پوهنخی تعلیم و تربیه از جمله دیپارتمنت ریاضی از نظر بررسی آماری ضعیف‌ترین فرد می‌باشد و محصلی وارد صنف ریاضی شده است که توانای نه چندان خوبی در ریاضی بلکه در دیگر درس هم ندارد. از همین لحاظ یافته

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

های فوق نشان می دهد. که افراد ضعیف چطور در صنف ریاضی وارد و از آنها انتظار و امید یادگیری ریاضی را داشت طوریکه در آینده نزدیک دست به شغل معلمی می زند و به گفته پولیا که در صورت که شاگرد کم استعداد خودش از ریاضی متنفر و بعد می آید به یک صنف تدریس نماید. تمام صنف را متنفر از ریاضی خواهد ساخت. و در اخیر می توان گفت که این محصلان فارغ شده پس از دریافت مدرک لیسانس به جامعه معلمین کشور افزوده می شود و می توانند سد را گسترش و توسعه در کشور شوند.

مناقشه

بارشد روزافزون فناوری های جدید و ورود به عصر چهارم انقلاب صنعتی، نیاز به نیروی انسانی متخصص درحوزه های علوم اساسی به ویژه ریاضیات بیش از پیش احساس می شود. درین میان چالش های مرتبط باپذیرش محصلین در رشته ریاضی، به یکی از موانع کلیدی در مسیر پیشرفت علمی و صنعتی کشور ها تبدیل شده است. ضعف سیستم های آموزشی در ارائه مفاهیم اساسی ترس از سختی مفاهیم ریاضی در ذهنیت عمومی، نبود انگیزه های شغلی روشن، و کم توجهی سیاست گذاران به اهمیت ریاضیات، همه عواملی هستند که از جذب نخبگان به این رشته جلوگیری می کنند این چالش ها زمانی نگران کننده تر می شوند که در نظر بگیریم بسیار از فناوری های جدید از هوش مصنوعی و دیتاهای بزرگ گرفته تا رمز نگاری و تحلیل سیستم های پیچیده به ریاضیات متکی هستند کشورهای پیشرفته با تقویت پایه های آموزشی ریاضی و سرمایه گذاری در تربیت معلمین متخصص، توانسته اند بستر مناسبی برای نوآوری و توسعه صنعتی فراهم کنند، کشورهای درحال توسعه، ضعف درآموزش ریاضی خود به عاملی برای عقب ماندگی فناورانه و صنعتی مبدل شده است. می توان گفت چطور باورهای منفی در ریاضی باعث دوری شاگردان از این رشته می شود و چه راه کار هایی برای تغیر این ذهنیت وجود دارد. نتیجه این تحقیق در بخش کمی نشان داد چالش های جذب محصلین در افغانستان از جهات بسیاری دارای کمبودها و نواقصی بی شماری می باشد اما در صنعت می تواند اثرگذار باشد و به عنوان یکی از عوامل گسترش ذهن برای ایجاد طرح های صنعتی می باشد. و هم چنین نتیجه کلی پرسش نامه نشان از نظر موافق قریب به اتفاق فارغ التحصیلان بر وجود کمبود در نصاب درسی ریاضی در افغانستان و لزوم اصلاح این نصاب درسی می باشد نتیجه ی این تحقیق با تحقیق های رجالی (1391)، شاهورانی (1393)، تیموری (1397)، شکورنیز و شهرابی (1377)، رضایی (1378)، توانا و طوسیان (1370)، شهریار (1372)، بزرگ نیا و کرایه چیان (1388)، زینی وند و همکاران (2010)،

دامال میان و همکاران (2020) و بنکووسکی (2024) در زمینه کاربرد ریاضیات در علوم دیگر و اشکالات موجود در یادگیری ریاضی در افغانستان به عنوان یکی از عوامل عدم پیشرفت صنعتی و لزوم اهمیت بیشتر به محتوای کتب درسی ریاضی و یادگیری آن، همراهی باشد. با توجه به عنصر حرفه‌ای و نیرومندی که همیشه در آموزش ریاضیات وجود داشته است، آموزش کاربردی آن نیز امروزه مورد توجه بسیار است. که هدفهای آن: بهبود بخشیدن است نگرش (شاگردان نسبت به ریاضیات از طریق نشان دادن سودمندی‌های عملی آن، تقویت درک و فهم ریاضی با استفاده از نمونه‌های واقعی -کسب توانایی کاربرد ریاضیات در زندگی واقعی و قدرت مدل‌سازی ریاضی در موارد مشخص است.

نتیجه‌گیری

برنامه تربیت معلم در پوهنخی تعلیم و تربیه در گذر تاریخ شاهد رویدادهای گوناگونی بوده... برای پاسخ به بخش اول پژوهش موفقیت پوهنتون‌ها و پوهنخی‌های تعلیم و تربیه که مسئولیت تربیت معلمان را به عهد دارند، جدا از انجام امور عادی و روزمره، داشتن خلاقیت و بهادادن به کیفیت امور، از یک سو، و انتصاب مدرسان باکیفیت و گزینش محصلان صاحب شایستگی‌های لازم حرفه معلمی، باید باجدیت مورد توجه قرار گیرد. برای میزان تحقق اهداف مورد نظر و تشخیص و رفع مسائل احتمالی، نیاز به ساختار نظارتی دقیق دارد که در این خصوص نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پوهنتون‌ها در تربیت معلم و در گزینش استادان و محصلان دقیق عمل نکرده، موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای نصیب مجموعه تربیت معلم نشده است. و از روی اخلاص در تربیت معلم که یک نهاد انسان ساز محسوب می‌شود، شرط موفقیت تربیت معلم در طول تاریخ شکل‌گیری آن بوده است که به ویژه در دوره حاضر که مرتب از طرف‌های مختلف، شاهد بی‌مهری‌های متعددی نسبت به پذیرش محصل در پوهنخی تعلیم و تربیه پوهنتون البیرونی هستیم، لازم است بیش از پیش مورد توجه واقع گردد. در پاسخ به پرسش دوم در خصوص دلایل افول نظام تربیت معلم در بستر تاریخی، در مورد ساختار تربیت معلم و برنامه درسی و تحولات و تغییرات که در آن تمرکز شده است. در تبیین یافته‌های پرسش دوم می‌توان گفت، در طول تاریخ تربیت معلم، به امر مهم تخصص‌گرایی بی‌توجهی شده و امور توسط افرادی که از دانش، مهارت و نگرش لازم و کافی برخوردار نبوده‌اند، اداره شده است. از جمله مصداق‌های این امر می‌توان به کمبود نیروی انسانی متخصص، نبود برنامه ریزی دقیق، نبود تمرکز کافی بر اصل تربیت معلم. جذب محصلان باپایین‌ترین ظرفیت و پردازش بیش از حد به مسائل حاشیه‌ای

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

اشاره شده است. و این یافته های پژوهش، همواره در تضعیف عملکرد مجموعه تربیت معلم تاثیرگذار بوده و مانع تحقق اهداف مورد نظر بوده است.

درخصوص پرسش ها پیشنهاد می شود که به تخصص گرایی در سطح نهاد تربیت محصل و محصل معلم در حوزه های مختلف توجه جدی شود و امور، توسط افرادی که اذانش، مهارت و نگرش لازم برخوردار هستند، اداره شود. درین راستا، نیروی انسانی متخصص برای پوهنتون تامین شود؛ برنامه ریزی دقیق آموزشی؛ منابع کتابخانه ای و تحقیقی به روز و استاندارد سازی شود؛ و تمرکز اصلی بر تربیت محصلان و محصل معلم و در قسمت جذب محصلان و محصل معلمان توجه لازم صورت گیرد. تا بتوانیم در جهت گسترش و توسعه جامعه از تمام ابعاد مشکلات را برطرف نموده و کشور را به ترقی سوق دهیم.

پیشنهادهات

بنابراین می توان گفت طوریکه از یافته های حاصل از تحقیق حاضر به موارد که می تواند پاسخ مناسب در مواجهه با این وضعیت پیشنهاداتی برای بهبود شرایط و ارتقای کیفیت آموزشی رشته های ریاضی مطرح می شود. نخستین گام در این مسیر عبارت است.

1- تقویت آموزش های کانکور و مکتب ها است. مکتب ها باید جدی به آموزش مفاهیم ابتدایه ریاضی توجه کنند تا متعلمین در آمادگی کامل برای ورود به مقاطع بالاتر قرار گیرند. به ویژه در مناطق محروم، تقویت سطح آموزشی و فراهم کردن منابع مناسب می تواند راه را برای شایسته سالاری باز کند. در کنار این، ضرورت ایجاد سیستم پذیرش مبتنی بر شایستگی و توانمندی های علمی به جای تنها تکیه بر نمرات امتحان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

2- سیستم پذیرش محصلان باید قادر باشد تا استعداد های واقعی را شناسایی کرده و فرصتی برابر برای همه داوطلبان فراهم آورد.

3- ارائه منابع آموزش رایگان و دسترسی برابر به همه داوطلبان، به ویژه از طریق دوره های آنلاین و منابع آموزشی دیجیتالی، می تواند به کاهش فاصله های آموزشی کمک کند. علاوه بر این، برقراری ارتباط مستمر و مؤثر میان پوهنتون و صنعت می تواند انگیزه شاگردان را برای ورود به رشته های علمی مانند ریاضی افزایش دهد و در نهایت موجب رشد و شکوفایی کشور گردد. اما تنها به اصلاحات آموزشی نمی توان بسنده کرد. برای حل چالش های پذیرش محصلین، باید تغییراتی در سیاست های آموزشی و هم چنین بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی داوطلبان نیز در کشورهای در حال توسعه که

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی

منابع محدودتری دارند. نیاز به هم‌افزایی و مشارکت همگانی دارد. در پایان می‌توان گفت که پذیرش محصلین در رشته‌های ریاضی به عنوان یکی از ارکان کلیدی در مسیر توسعه صنعتی و علمی کشورها، نیازمند بازنگری جدی و اصلاحات اساسی است. این اصلاحات نه تنها باید در چارچوب سیستم‌های آموزشی قرار گیرد، بلکه باید توجه به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و دسترسی به منابع را نیز در نظر بگیرد تا بتوان در نهایت به توسعه پایدار و علمی دست یافت.

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی

منابع

- بیژن، ظ.، & گویا، ز. (1391). سیر تحول دوره کارشناسی ریاضی در دانشگاه های ایران با تمرکز بر دانشگاه صنعتی شریف. تهران: ایران.
- توران، س.، عظیمه، م.، & یوسف، س. (1399). طراحی مدل مطلوب برای گزینش محصل در دانشگاه فرهنگیان. ایران.
- ذاکری، م. (1400). شناسایی دلایل اوج گیری وافول نظام تربیت معلم در بستر مطالعه موردی استان هرمزگان. هرمزگان: نشریه پژوهش در تربیت معلم.
- رحیمی، ح.، & آقابابا، ا. (1384). آشنایی بانظام جامع گزینش محصل درآزمون سراسری تهران. تهران: را دانشگاه.
- رضایی، م. (1396). تعیین شایستگی های تخصصی و حرفه ای معلمان متناسب باسند تحول بنیادین ومبانی نظری آن واعتبار بخشی شایستگی ها طرح پژوهش اجراشده. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش وپرورش.
- سیدی، م.، & گویا، ز. (1400). وضعیت ریاضی درپوهنتون های افغانستان. کرمان: پنجاه دومین کنفرانس کرمان.
- سیدی، م.، & گویا، ز. (1402). چالش های یادگیری ریاضی دانشگاه های افغانستان مطالعه موردی دانشگاه الیورونی. تهران: فصلنامه مطالعات برنامه ریزی درسی.
- شریف، ر. (1399). مقایسه تطبیقی برنامه های درسی تربیت معلم قدیم با دانشگاه فرهنگیان. تهران: رشد آموزش.
- شریفی، ر. (1397). مقایسه تطبیقی برنامه های درسی تربیت معلم قدیم با پوهنتون فرهنگیان. تهران: رشد آموزش جغرافیه.
- صافی، ا. (1382). تربیت وتأمین معلم درایران گذشته حال وآینده. تهران: فصلنامه تعلیم وتربیت ویژه نامه تربیت معلم سال های هجدهم ونوزدهم شماره 4 زمستان 1331.
- کریمی، ص.، & شریف، م. (1393). چالش های آموزش عالی درتدوین محتوای برنامه درسی بارویکرد جامعه یادگیری دانشکده علوم تربیتی وروانشناسی دانشگاه اصفهان. اصفهان: اصفهان شماره 1 بهار تابستان 1393 ص 104-107.

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی

موسی پور، ن. (1391). *روند تحولات ارزشیابی برنامه درسی در ایران* در اثر محمود مهر محمدی و همکاران. تهران: سمت.

نصاب، ک. ب. (1398). *برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی پوهنتون های کشور*. کابل: تحصیلات عالی.

Jankvist, U. T., Clar, K. M., & Mosvold, R. (2019). Developing mathematical knowledge for teaching teachers: Potentials of history of mathematics in teacher educator training. *Mathematics Teacher Education*.

Lew, L. Y. (2013). *National Science Education standards and preservice programs in the USA*. USA: Journal of Curriculum studies.

Naumann, N., & Craig, C. (2012). *Books, Bullets, and Burqas: Anatomy of a Crisi Educational Development, Society, and the State in Afghanistan*. Wien. Berlin: Berlin.

Jankvist, U. T., Clar, K. M. & Mosvold, R. (2019). *Developing mathematical knowledge for teaching teachers: Potentials of history of mathematics in teacher educator training*. Mathematics Teacher Education.

Lew, L. Y. (2013). *National Science Education standards and preservice programs in the USA*. USA: Journal of Curriculum studies.

Naumann, N & Craig, C. (2012). *Books, Bullets, and Burqas: Anatomy of a Crisi Educational Development, Society, and the State in Afghanistan*. Wien. Berlin: Berlin.

بررسی کاربرد و استفاده از انرژی خورشیدی در خشک سازی محصولات زراعتی

پوهندوی دوکتور عبدالوسیم نوری^{1*}، پوهنوال محمد عرفان عارف²، پوهندوی نفیسه روکی³، پوهنیار رومان احمدی¹، پوهنیار بصیره محمدی¹

1. دیپارتمنت انجنیری مواد غذایی، پوهنځی انجنیری صنایع کیمیاوی، پولی تخنیک کابل
2. دیپارتمنت هندسه و رسم تخنیک، پوهنځی ساختمانی، پولی تخنیک کابل
3. دیپارتمنت انجنیری صنایع کیمیاوی نفت و گاز، پوهنځی انجنیری صنایع کیمیاوی، پولی تخنیک کابل

* نویسنده مسئول- ایمیل: awnoori@kpu.edu.af

چکیده

امروزه توسعه پایدار وابسته به اقتصاد کشورها است. کشور های روبه انکشاف (مانند افغانستان)، که کمبود انرژی جهت تأمین نیاز های اجتماعی، و تجاری در شهر ها و روستاء ها عامل اساسی ناامیدی شان گردیده، بدیلی بهتر از منابع انرژی های تجدید پذیر نخواهند داشت. بناً تأمین انرژی مورد نیاز این کشور ها از منابع انرژی تجدید پذیر بخصوص خورشید گزینه مناسبی جهت توسعه پایدار پنداشته می شود. نظر به شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیائی افغانستان، انرژی خورشیدی از جمله منابع ارزان و قابل دسترس بوده که در جهات اجتماعی، تجاری و صنعتی می توان از آن استفاده مؤثر نمود. هدف این تحقیق استفاده از انرژی خورشیدی در خشک سازی محصولات زراعتی جهت بلند بردن زمان ماندگاری محصولات خشک شده، و درآمد دهاقین در روستاء ها، که در نهایت به افزایش تولید ناخالص داخلی کشور و توسعه پایدار می انجامد، می باشد. در این تحقیق بر مقایسه خشک سازی برش های پیاز به شیوه های، خشک سازی سنتی و خشک سازی در دستگاه خشک کن خورشیدی غرفه دار فعال غیر مستقیم در لابراتوار آنالیز مواد غذایی پوهنتون پولی تخنیک کابل پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که برش های نیمه دایروی پیاز های خشک شده با ضخامت 5 mm در دستگاه خشک کن تا 40% کاهش زمان خشک سازی، تا 0.374 کاهش فعالیت آبی، تا به 73% کاهش وزن و بلند بردن زمان ماندگاری تا 50% دارای عمل کرد بهتری نسبت به خشک سازی سنتی میباشد. مشخصه های نامبرده سطح تقاضاء محصولات خشک شده در شرایط استاندارد که دارای مرغوبیت منحصر به خود است را افزایش داده که این عمل میتواند سبب افزایش درآمد تمامی شاملین سکتور زراعت گردیده که بصورت اعم سبب توسعه پایدار کشور و بصورت اخص سبب انکشاف پایدار مناطق روستائی گردد.

واژه های کلیدی: انرژی خورشید، توسعه پایدار، خشک سازی، محصولات زراعتی.

Investigation on the Implementation and Utilization of Solar Energy for Drying Agricultural Products

Assistant Professor Dr. Abdul Wasim Noori^{1*}, Associate Professor Mohammad Erfan Arif², Assistant Professor Nafisa Rokay³, Teaching Assistant Roman Ahmadi¹, Teaching Assistant Basira Mohammadi¹

1. Food Engineering Department, Chemical industrial engineering Faculty, Kabul Polytechnic University, Kabul, Afghanistan.

2. Drawing and Geometry Department, Civil engineering Faculty, Kabul Polytechnic University, Kabul, Afghanistan.

3. Oil and Gas Industry Engineering Department, Chemical industrial engineering Faculty, Kabul Polytechnic University, Kabul, Afghanistan.

* Corresponding Author Email: awnoori@kpu.edu.af

Abstract

Today, sustainable development depends on the good economy of countries. Developing countries (such as Afghanistan), where the lack of energy to meet social, and commercial demands in urban and rural areas has become a key factor in despair, will not have a better alternative than renewable energy sources. Therefore, supplying the energy demands by these countries from renewable energy sources, especially the solar, is considered a good option for sustainable development. Due to the climatic conditions and geographical location of Afghanistan, solar energy is one of the cheapest and accessible sources that can be used in social, commercial, and industrial aspects. The purpose of this study is to use solar energy in drying agricultural products to increase the shelf life of dried crops, and per capita income of farmers in the rural area, which ultimately leads to increased GDP and sustainable development. In this study, open sun drying methods for onion slices were compared to indirect active solar dryers. The findings of this study indicate that semi-circular slices of dried onions, with a thickness of 5 mm, subjected to solar drying, achieved a reduction in drying time by 40%, a water activity decrease of 0.374, a weight loss of up to 73%, and improved shelf lives of dried products by up to 50%, demonstrating an efficiency that is significantly superior to open sun drying. The mentioned features have increased the demand for high-quality dried products, increased potentially the income of the agricultural sector employees, and this will facilitate the sustainable development of the nation overall and specifically enhance the sustainable development of rural regions.

Keywords: Solar energy, Drying, Agriculture products. Sustainable developmen

مقدمه

با آنکه اقتصاد جهان سیر صعودی پر شتاب خود را می پیماید، کمبود انرژی از مشکلات بزرگ اکثر کشور های دنیا بخصوص کشور های رو به انکشاف مانند افغانستان را تشکیل می دهد (Ahady et al., 2020). افغانستان کشوری در آسیای مرکزی با اقتصاد نچندان خوب است که برای فراهم سازی کامل نیازمندی های انرژی شهروندان خود از منابع داخلی نتوانسته است جواب مثبت ارائه نماید. در حالیکه این کشور با داشتن مناسب ترین شرایط اقلیمی برای استفاده از منبع انرژی خورشیدی با داشتن تقریباً 300 روز آفتابی و ظرفیت تولیدی انرژی از خورشید $4-6.5 \text{ kWh/m}^2/\text{day}$ در کشور می باشد که گزینه خوبی برای تامین انرژی مورد نیاز ساکنین این کشور بخصوص ده نیشینان محسوب می گردد (Noori et al., 2019). در حال حاضر استفاده از انرژی خورشیدی در افغانستان در مواردی چون تولید برق (Burns, 2011)، آب گرم کن های خورشیدی (Nazari, 2017)، واترپمپ های خورشیدی (Faqiryar, 2024)، برای پخت و پز (Naseri et al., 2024)، و خشک سازی محصولات زراعتی (Haydary et al., 2024)، دارای کاربرد عملی می باشد.

از آنجائی که اقتصاد افغانستان بر پایه زراعت استوار است و تقریباً بیشتر از 30% درآمد ناخالص سالانه این کشور توسط سکتور زراعت تأمین می گردد، بناً حمایت قاطع از سکتور زراعت، کلیدی برای توسعه پایدار کشور دانسته می شود (Khalik, & Boz., 2018). با آنکه، زراعت شغل اصلی بیش از 60% کل اتباع این کشور را که در روستاء ها ساکن اند تشکیل می دهد، و بیشتر از 80% ساکنین روستاء ها هم از مردان، زنان و اطفال از همین طریق امرار معاش می نمایند، که از مقدار درآمد کنونی خویش ناراضی اند. نبود بازار های مناسب برای محصولات تازه در سطوح ملی و بین المللی، عدم ارائه خدمات مناسب شهری، و نبود برق جهت ایجاد فابریکات برای پروسس محصولات شان از دلایل عدم علایق شاملین به این سکتور پنداشته می شود. همه میدانیم که برداشت محصولات زراعتی فصلی بوده و با در نظرداشت رشد سریع نفوس جهان و بیشتر شدن نیاز روز افزون انسان های نیازمندی برای مواد غذایی سالم و مصئون بیشتر از پیش گردیده است. بناً ضرورت پنداشته می شود تا زراعت توسعه داده شده و محصولات طبیعی برداشت شده را جهت فراهم ساختن نیاز های انسان ها در فصول غیر برداشت باید پروسس نموده، تا زمان ماندگاری این محصولات تا حد ممکن افزایش یابد (Bolton, 2019).

پوهندوی دکتور عبدالوسیم نوری

در چنین شرایط، تنها عملیه که می توان توسط آن زمان ماندگاری محصولات را بیشتر ساخت، همانا خشک سازی محصولات نامبرده است. انسان ها از قرن های با این روش آشنائی کامل دارند. دهاقین در افغانستان از طریق خشک سازی سنتی با قرار دادن محصولات شان در معرض نور خورشید محصولات زراعتی اضافه تولید از نیاز فصل برداشت خود و مارکیت را خشک نموده تا از فاسد شدن زود هنگام این محصولات جلوگیری نموده و زمان ماندگاری آنها را افزایش بخشند. محصولات خشک شده به شیوه خشک سازی سنتی دارای کیفیت خوبی نبوده بناً از فروش محصولات خشک شده به این شیوه نیز عایدی قابل قبولی نصیب دهاقین و باغداران نمی گردد. شیوه های متعددی دیگر خشک سازی محصولات زراعتی مانند خشک سازی همرفتی (Convective) برقی (Royen et al., 2020)، خشک سازی انجمادی (Coşkun et al., 2024)، خشک سازی پاششی (Homayoonfal et al., 2024)، خشک سازی میکروویوی (Hernández et al., 2024)، خشک سازی ذریعه امواج ماورای صوت (Llavata et al., 2024) و تکنالوژی های دیگر در جهان امروزی مروج است که اکثر این تکنالوژی ها نیازمند انرژی برق اند که متاسفانه در شرایط کنونی در مناطق روستائی افغانستان استفاده از چنین تکنالوژی های قابل صرفه دانسته نمی شود. تنها خشک سازی در دستگاه های خشک کن خورشیدی که با سرمایه ابتدایی اندک می توان آن را تهیه نمود و استفاده از آن نیز خیلی ساده است، بدیل مناسب برای پروسس محصولات دانسته می شود. دستگاه خشک کن خورشیدی که دارای انواع و اقسام مختلف اند کارکرد بسیار عالی در مقابل خشک سازی سنتی دارد. تمام نواقصی که خشک سازی سنتی (مانند تاثیرات مستقیم نور خورشید بالای کیفیت محصولات خشک شده، آلوده شدن محصولات توسط گرد و خاک، باران، حشرات، پرنده ها، حیوانات خانگی و انسان ها) در امر تولید محصولات خشک با کیفیت دارند را برطرف می سازند (نوری، و همکاران، 1404).

پیشینه تحقیق

پیاز از خانواده نباتات (*Allium cepa* L) با ارزش بالای غذایی و اثرات مثبت بالای صحت انسان ها می باشد که یکی از محصولات بسیار مهم زراعتی در بخش پخت و پز در جهان می باشد (عظیمی نژادیان، و همکاران، 2020). دهاقین افغانستان در شرایط کنونی که همه ساله بیشترین قسمت برداشت شده این محصولات با ارزش را در زمان برداشت به اثر نبود بازار مناسب و تکنالوژی های تبدیل به محصولات با ماندگاری بالا با بهای اندک به فروش رسانده و بعضاً قسمت بیشتر این محصولات فاسد گردیده و آن را از مسیر استفاده خارج می سازد (احمدزی، و همکاران، 1403). خشک سازی استاندارد

و معیاری خورشیدی تنها گزینه مناسب برای جلوگیری از بحران های موجوده و زمینه ساز تقویت بونیه اقتصادی روستانشینان و دهاقین که خود عامل توسعه پایه دار در کشور است، می باشد. تحقیقات متعددی در زمینه صورت گرفته که عباسی و همکاران شان از مقایسه ارقام تجربی با 11 مدل ریاضیکی تجربی و 72 مدل ریگراسیونی در خشک سازی برش های پیاز خشک شده در هوای گرم در درجات حرارت 60، 70، 80، و 90 درجه سانتی گراد، بهترین مدل ریاضیکی میدیلی کوک، بهترین مدل ریگراسیونی مدل چند جمله ای درجه 10 را معرفی نموده اند (عباسی، و همکاران، 2010). در خشک سازی برش های پیاز با نل های حرارتی که یکی دیگر از شیوه های خشک سازی است در این شیوه برای اولین بار درجه حرارت خشک سازی، زمان خشک سازی و ضخامت برش های نازک پیاز توسط روش تجربی فکتوریل کامل مورد بررسی قرار گرفته است (Kholikov et al., 2021). قزاق اووف در خشک سازی بودر پیاز کاربرد منابع انرژی های تجدید پذیر را مورد مطالعه قرار داده که وی استفاده از منابع نامبرده را موثر و اقتصادی دریافته است (Qazoqov, 2025). خشک کن های خورشیدی حجره دار از لحاظ میخانیکیت کاری به دستگاه های خشک کن فعال (Boonthum et al., 2024) و غیر فعال (Jarjusey et al., 2024) و از نظر قرار گرفتن در معرض نور خورشید به دستگاه خشک کن مستقیم (Vigneswaran et al., 2024)، غیر مستقیم (Majeed et al., 2024) و مختلط (Afzal et al., 2023) صنف بندی می گردند. کدم و همکاران شان خشک سازی برش های پیاز را در دستگاه های خشک کن گلخانه ای که از نوع خشک کن های مستقیم اند را مورد مطالعه قرار داده است. ایشان برش های پیاز به ضخامت 3 mm را با معالجه در محلول های سودیم کلوراید و پوتاشیم میتابای سلفاید در مدت زمان 19 ساعت خشک سازی نموده اند. هم چنان ایشاد دریافتند که نمونه های معالجه شده با پوتاشیم میتابای سلفاید دارای کیفیت و زمان ماندگاری بهتری نسبت به محلول سودیم کلوراید داشته است (Kadam et al., 2011). طراحی و توسعه خشک کن گلخانه ای همرا با ارزیابی اقتصادی این خشک کن ها در خشک سازی پیاز توسط، موکیش کمار و همکاران شان صورت گرفته است که ایشان در این تحقیق موفق شدند تا رطوبت پیاز تازه را از 85.9% به 7% کاهش دهند. که این کاهش رطوبت با در نظر داشت ارزیابی های اقتصادی موثریت 36.5% این نوع خشک کن ها را در برابر خشک کن های برقی نشان می دهد (Kumar, & Bhale, 2025). سیر و پیاز در خشک کن های خورشیدی غیر مستقیم در سه شرایط: عادی، با استفاده از جاذب های مختلف رطوبت مانند سیلیکاژل، و نمک نترات مورد خشک سازی قرار گرفته است که در نتیجه در طی 24 ساعت رطوبت

پیاز در موجودیت نمک نیترات از 85% به 15% و در شرایط عادی و موجودیت سیلیکاژل این رقمی بالای 25 و 18% را به در زمان مساوی به ثبت رساند است. همچنان ایشان در یافتند که برای خشک سازی برش های پیاز و سیر مدل ریاضیکی لوگارتمی مناسب ترین مدل می باشد. جهت اثبات این یافته از محاسبات آماری چون ریشه میانگین مربعات خطا، مجذور کای و ضرایب همبستگی نیز استفاده صورت گرفته است (Kokate et al., 2022).

ما در این تحقیق به مقایسه کارکرد دستگاه های خشک کن خورشید غرغه دار فعال غیر مستقیم در برابر خشک سازی سنتی برای خشک سازی برش های پیاز پرداخته ایم. پیاز که از جمله پیدوار زراعتی این کشور بوده که تقریباً در تمام ولایات این کشور قابل زرع اند. این محصول با ارزش که در فصل برداشت بر اساس نبود مدیریت منظم کشت و برداشت در کشور و سیاست های نادرست کشور های همسایه با بستن مرز های شان در زمان برداشت به قیمت بسیار نازل به بازار عرضه گردیده و یا هم بر اثر نبود بازار کافی و سرد خانه های معیاری از اثر کمبود انرژی بیشترین قسمت آن فاسد می گردند. هم چنان در این تحقیق بر ارزیابی تاثیر پارامتر های خشک سازی در دستگاه های خشک کن، پارامتر های محیطی، زمان ماندگاری محصولات خشک شده به دو شیوه پرداخته شده است. تولید محصولات خشک با کیفیت در مطابقت با استاندارد های ملی و بین المللی می تواند سبب افزایش درآمد دهاقین گردد، که با بهتر شدن اقتصاد روستا نشینان زمینه ثبات توسعه پایدار در قرا و قصبات کشور فراهم خواهد شد.

مواد و روش ها

تهیه نمودن نمونه ها

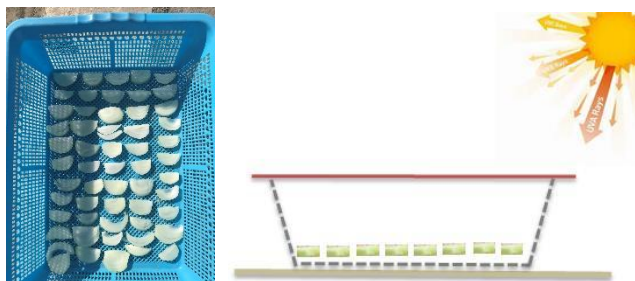
پیاز از جمله محصولات زراعتی خیلی مهم در افغانستان بشمار می رود، که به گونه های مختلف (تازه، خشک، و بریان) مورد استفاده قرار می گیرد. نمونه های تازه که از مارکیت کابل تهیه گردیده، البته در هنگام تهیه نمونه ها بیشتر دقت روی تشابه نمونه هم از لحاظ نوعیت و هم از لحاظ اندازه صورت گرفته است. پیاز پس از خرید به لابراتوار انتقال داده شده و به مدت دو ساعت در محیطی تحت شرایط مشابه نگهداری گردیده تا پیاز ها وضعیت همگون را بخود اختیار نمایند. پس از دو ساعت نگهداری پوست پیاز ها گرفته شده و نمونه ها توسط قطع کننده ضد زنگ، به شکل نیمه دایروی با ضخامت 5 mm برش گردیده و پس از وزن نمودن توسط ترازوی بسیار دقیق دیجیتلی نمونه ها در سبد پلاستیکی برای خشک سازی سنتی و در جالی های دستگاه خشک کن (روک های جالی دار)

پوهندوی دکتور عبدالوسیم نوری

پاک و تمیز جابجا گردیده بعداً جهت خشک سازی به دستگاه و قرار دادن در معرض نور خورشید برای خشک سازی سنتی در موقعیت از قبل تعیین شده در کنار دستگاه خشک کن انتقال داده شده است. قابل ذکر است که این تحقیق در میزان سال 1401 ه- ش در پوهتون پولی تخنیک کابل، انجام یافته است.

خشک سازی سنتی

نمونه های آماده شده پیاز (برش های نیمه دایروی با ضخامت 5 mm) در سبد های مخصوص پلاستیکی با ابعاد 50 x 35 x 10 Cm جا داده شده و در معرض نور آفتاب در کنار دستگاه خشک کن خورشیدی در یک زمان واحد در فضای باز قرار داده شده است (شکل 1).



شکل 1- نمایشی از شیوه خشک سازی سنتی

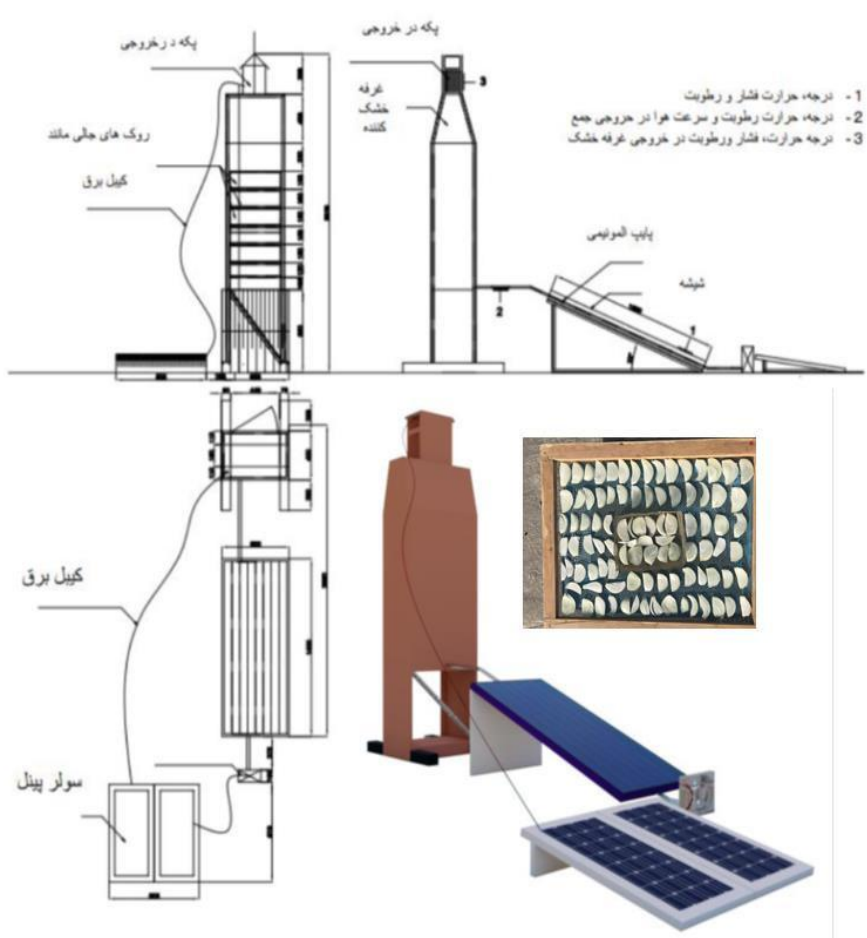
هنگام اجراء تجربه در جریان تحقیق که دقیقاً در فصل خزان صورت گرفته است، پارامتر های محیطی مانند، درجه حرارت محیط، بین ساعات 8:00 صبح الی 4:00 عصر در جریان دو روز کاری بین 14 الی 29 °C، رطوبت محیط بین 12 الی 33 % و شدت تابش نور خورشید 130 الی 1060 W/m^2 در نوسان بود انجام پذیرفته است.

خشک کن خورشیدی غرفه دار فعال غیر مستقیم

شکل 2 نمایشی از دستگاه مدرن و مجهز خشک کن غرفه دار فعال غیر مستقیم است که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، بصورت کل شامل سه بخش اساسی مانند: حجره خشک کن (ساختمان غرفه مانند)، جمع کننده انرژی خورشید (گرم کننده هوا)، و بخش تولید انرژی مورد نیاز مکمل سیستم (پنل های PV جهت تأمین انرژی برق DC) می باشد. قسمت اول دستگاه غرفه تجهیز شده با چهار روک جالی دار است که به فاصله 15 Cm بصورت عمودی روی هم در دستگاه قرار داده شده است، می باشد، که جهت بارگیری نمونه ها مورد استفاده قرار می گیرد. غرفه خشک کن که شکل مستطیلی دارد، با ابعاد 40 x 60 x 120 Cm از چوب ساخته شده است. قسمت دوم دستگاه، یعنی جمع کننده

پوهندوی دکتور عبدالوسیم نوری

انرژی خورشیدی نیز از نوع نل دار است که از نل های المونیمی با مقطع مستطیلی با ابعاد $3.5 \text{ Cm} \times 5.5$ به طول 1050 Cm بشکل مارپیچ و با پوشش از رنگ سیاه بدون جلاء پوشانیده شده و در صندوقچه چوبی با ابعاد $150 \times 60 \times 10 \text{ Cm}$ نصب گردیده است. قسمت بالایی صندوق چوبی که دارای مساحت 0.9 m^2 است، توسط شیشه با ضخامت 3 mm پوشانیده شده است. جهت اخذ معلومات بیشتر در مورد دستگاه خشک کن خورشیدی به منابع (Haydary et al., 2024 و Noori et al., 2021a) مراجعه شود.



شکل 2- نمایش دستگاه خشک کن خورشیدی غرفدار فعال غیر مستقیم

پوهندوی دکتور عبدالوسیم نوری

قسمت سوم دستگاه که تأمین کننده انرژی برق تمام سیستم است عبارت از دو تخته سولر برقی (PV) 120 W می باشد. این سولر ها انرژی برق DC مورد نیاز پکه هایی که در دهنه مجرای دخولی جمع کننده (جهت ایجاد جریان اجباری هوا برای گرم ساختن) و در خروجی غرفه خشک کن (جهت تنظیم سرعت هوا در خروج دستگاه جهت تخلیه هوا مرطوب از داخل غرفه و همچنان جهت کمک نمودن برای بلند بردن سرعت جریان هوا از نل های مارپیچ المونیمی داخل جمع کننده) نصب گردیده است را تأمین می نمایند.

روش کار در جریان تحقیق

در قدم نخست قبل از انتقال نمونه جهت تحقیق و قبل از بارگیری دستگاه و سبد های خشک کن سنتی فعالیت آبی برش های پیاز کاملاً تازه را در دستگاه (LABTOUCH - aw SETADVANCED, Novasina AG, Switzerland) و مقدار رطوبت آنها را در دستگاه (VWR MBT160 moisture analyzer, VWR International, Italy capacity: 0.001-160g) تعیین نموده ایم. قبل از بارگیری نمونه جهت تمیز نمودن محیط بارگیری نمونه ها و سطح جمع کننده جهت انتقال حرارت بهتر انرژی نور خورشید به هوای مورد نظر در بخش خشک سازی، روک های جالی دار دستگاه، سبد های را با آب نل شسته و بعد از آن نمونه های آماده شده را در آنها جابجا نمودیم. پس از تعیین زمان بندی برای نمونه برداری از دستگاه (بصورت عموم زمان نمونه برداری در سایه و خشک سازی سنتی) خشک سازی نموده و ایشان زمان ماندگاری محصولات خشک در بارگیری دو باره رطوبت به مقایسه گرفته اند، ایشان در یافتند که ظرفیت آب گیری دو باره محصولات خشک شده در دستگاه کوره خشک کن (صنعتی) و دستگاه خشک کن خورشیدی بیشتر از خشک سازی به شیوه های خشک سازی در سایه و خشک سازی سنتی می باشد که خود بیان گر کیفیت خوب و زمان ماندگاری بالا را نشان می دهد (Mahari, & Mohamed, 2025).

نقش خشک سازی خورشیدی در توسعه پایدار

از آنجائی که خشک سازی خورشیدی با هر سه اصل توسعه پایدار که عبارت است از پایداری محیط زیست، پایداری اقتصادی، و در نهایت پایداری اجتماعی در ارتباط مستقیم است. با استفاده از انرژی های خورشیدی در صنعت خشک سازی برای کشور های جهان سوم مانند افغانستان که با کمبود انرژی برق مواجه بوده، و مجبور اند تا انرژی مورد نیاز خود را از منابع مواد سوختی فوسیلی تأمین نمایند. بناً

پوهندوی دکتور عبدالوسیم نوری

سوختاندن مواد فوسیلی می تواند سبب ایجاد آلودگی و تخریب محیط زیست گردد. استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر برای ماکمک خواهد نمود تا محیط زیست سالم و پایدار داشته باشیم. با خشک ساختن استاندارد محصولات زراعتی، می توان بازارهای این محصولات را در سطوح ملی و بین المللی توسعه بخشید و محصولات نامبرده را با قیمت مناسب بفروش رساند و از این طریق می توان درآمد دهاقین و روستا نشینان را افزایش بخشید و اقتصاد پایدار را در کشور تامین نمود. در نهایت با ایجاد محیط سالم، شغل با درآمد خوب و اقتصاد پایدار می توان یک اجتماع نظام مند و پایدار را بناء نهاد (علی زاده، & مبهوت، 2015).

نتیجه گیری

پایداری محیط زیست، اقتصاد، و اجتماع در پرتو توسعه پایدار امکان پذیر است. با توسعه زراعت و ایجاد بازار برای محصولات تازه و پروسس شده زراعتی می توان اقتصاد روستائی را تقویت نموده و شرایط زندگی اجتماعی را در روستاء ها بهبود بخشید. خشک سازی خورشیدی یکی از روش های پروسس موثر و خوب در مطابقت با امکانات موجوده و شرایط اقتصادی کشور های جهان سوم بشمار می رود. خشک سازی سنتی و خشک سازی در دستگاه های خشک کن خورشیدی عرفه دار فعال غیر مستقیم دارای مزایا و معایب اند. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهد که خشک سازی در دستگاه خشک کن خورشید محصولات زراعتی را تا 40% زمان کمتر، از زمان خشک سازی به شیوه سنتی خشک می نماید. کاهش فعالیت آبی برش های خشک شده پیاز با ضخامت 5 mm در این دستگاه ها تا 0.374، کاهش 73% وزن نمونه ها توانسته زمان ماندگاری این محصولات خشک در برابر محصولات تازه را از ماه به سال و در برابر محصولات خشک شده به روش سنتی تا 50% توسعه بخشد. هم چنان خشک سازی محصولات خشک شده در دستگاه خشک کن خورشیدی در محیط کاملاً مصئون و سالم، بدور از تاثیرات مخرب شدت تابش نور خورشید، به محصولات خشک رنگ براق و شفافی بخشیده که این مشخصه، محصولات خشک شده را در محراق توجه خریداران قرار داده و زمینه انتخاب این محصولات را توسط مصرف کننده به بالا ترین حد ممکن می رساند. با کسب بیشترین سهم در بازار های ملی و بین المللی توسط محصولات خشک شده در دستگاه های خشک کن خورشیدی می توان کشور را به سمت توسعه پایدار رهبری و هدایت نمود.

پوهندوی دکتور عبدالوسیم نوری

سپاس و تقدیر: در این زمینه جا دارد تا از کشور دوست سلواکیا، پوهنتون تخنیکي سلواک، نمایندگی موسسه تحقیق و انکشاف که با همکاری موسسه سلواک اید در چوکات پروژه های APVV-19-0170 ، SAMRS/AFG/2013/01/04 و SAMRS/AFG/2016/01/0 اکثريت مطلق لابراتوار های پوهنځی انجنیر صنایع کیمیاوی، پوهنتون پولی تخنیک کابل، بخصوص لابراتور های دیپارتمنت انجنیری مواد غذایی را تمویل و تجهیز نموده اند، که بیشترین قسمت این تحقیقات ذریعه دستگاه های تهیه شده در چارچوب این پروژه ها صورت گرفته است، ثانیاً از مسئولین پوهنځی و دیپارتمنت نامبرده از بابت ایجاد فضای مناسب جهت اجرای این کار تحقیقی، و در نهایت از تمامی همکاران که در این تحقیق سهم فعال داشته اظهار سپاس و قدردانی نمایم.

مأخذ

- عباسی، موسوی، محبی، & محبت. (2010). *مدلسازی ریاضی فرآیند خشک کردن پیاز به کمک خشک کن هوای داغ*. مجله پژوهشهای علوم و صنایع غذایی ایران، 6(3).
- احمدزی، ع. ب. فضلی، ق.، رحیمی، ا.، رحمانی، س.، صمدی، خ.، ر.، & محمودی، و.، ا. (1403). *په کابل ولایت کې د پیازو اقتصادي تحلیل*. علم او فن - علمي څېړنیزه مجله. پوهنتون کابل، 3 (62).
- نوری، ع. و.، ثناء، ث.، بارکزی، ر.، احمدی، ر.، & محمدی. (1404). *خشک کن های خورشیدی محصولات زراعتی و نقش آن در توسعه زراعت و رشد اقتصاد روستائی افغانستان*. مجله طبیعت. اکادمی علوم افغانستان، 3 (72).
- علی زاده، ق. ن.، & مبهوت، م. ر. (2015). *بررسی اصول توسعه پایدار در تبیین جایگاه شهر پایدار*. عظیمی نژادیان. ه.، خوشنام. ف. & بلاتیان. ح. (2020). *تأثیر دمای خشک کردن بر مصرف انرژی فرآیند و شاخص های کیفی پیاز*. *Technology (2008-8787 & Journal of Food Science*, 17(99).
- Afzal, A., Iqbal, T., Ikram, K., Anjum, M. N., Umair, M., Azam, M., ... & Majeed, F. (2023). Development of a hybrid mixed-mode solar dryer for product drying. *Heliyon*, 9(3).
- Ahady, S., Dev, N., & Mandal, A. (2020). *An overview of the opportunities and challenges in sustaining the energy industry in Afghanistan*. In E3S Web of Conferences (Vol. 173, p. 03006). EDP Sciences.
- Bolton, L. (2019). *Agriculture in Afghanistan—economic sustainability and sub-sector viability*.
- Burns, R. K. (2011). *Afghanistan: Solar assets, electricity production, and rural energy factors*. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 15(4), 2144-2148.
- Boonthum, E., Sirichana, S., Namkhet, A., & Teeboonma, U. (2024). *Comparative Study on Performance of Passive and Active Solar Dryer*. *Key Engineering Materials*, 978, 97-103.
- Coşkun, N., Sarıtaş, S., Jaouhari, Y., Bordiga, M., & Karav, S. (2024). *The impact of freeze drying on bioactivity and physical properties of food products*. *Applied Sciences*, 14(20), 9183.

- Elwakeel, A. E., Oraith, A. A. T., Gameh, M. A., Eissa, A. S., Mahmoud, S. F., Eid, M. H., ... & Tantawy, A. A. (2025). *Quality evaluation of dried tomato fruit and optimization of drying conditions using a modified solar dryer integrated with an automatic solar collector tracker*. Scientific Reports, 15(1), 7659.
- Faqiryar, J. N. (2024). *Food-Climae Nexus in the North River Basin of Afghanistan: A Case Study of the Qush Tepa National Irrigation Canal*. MISC.
- Haydary, J., Royen, M. J., & Noori, A. W. (2024). *Process conditions sensitive (PCS) thin-layer mathematical model of hot air convective drying*. Chemical Engineering Communications, 211(1), 133-145.
- Hernández, A., González-Moya, M., Márquez, A., & Acevedo, L. E. (2024). *Review Microalgae Drying: A Comprehensive Exploration from Conventional Air Drying to Microwave Drying Methods*. Future Foods, 100420.
- Homayoonfal, M., Malekjani, N., Baeghbali, V., Ansarifar, E., Hedayati, S., & Jafari, S. M. (2024). *Optimization of spray drying process parameters for the food bioactive ingredients*. Critical Reviews in Food Science and Nutrition, 64(17), 5631-5671.
- Hussein, J. B., Hassan, M. A., Kareem, S. A., & Filli, K. B. (2017). *Design, construction and testing of a hybrid photovoltaic (PV) solar dryer. environment*, 1(5), 1-14.
- Jarjusey, M. L., Saidykhan, Y. B., Baldeh, T., & Mia, M. M. (2024). *Design and Fabrication of a Domestic Passive Solar Food Dryer for Household Use*. Department of Technical and Vocational Education (TVE), Islamic University of Technology (IUT), Board Bazar, Gazipur-1704, Bangladesh.
- Kadam, D. M., Nangare, D. D., Singh, R., & Kumar, S. (2011). *Low-cost greenhouse technology for drying onion (Allium Cepa l.) slices*. Journal of Food Process Engineering, 34(1), 67-82.
- Khaliq, A. J. A., & Boz, İ. (2018). *The role of agriculture in the economy of Afghanistan*.
- Kholikov, A., Jumaev, J., Hikmatov, D., & Kuvvatov, K. (2021, September). *Optimization of onion drying process parameters using*

- the full factorial experiment method*. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science (Vol. 848, No. 1, p. 012010). IOP Publishing.
- Kokate, Y. D., Baviskar, P. R., & Nukulwar, M. R. (2022). *Mathematical Modelling and drying kinetics of onion and garlic in indirect solar dryer*. Applied Solar Energy, 58(5), 643-660.
- Kumar, M., & Bhale, P. V. (2025). *Experimental investigation on dual-shaped solar greenhouse dryer: Performance and technoeconomic analysis*. Journal of Stored Products Research, 112, 102621.
- Llavata, B., Collazos-Escobar, G. A., García-Pérez, J. V., & Cárcel, J. A. (2024). *PEF pre-treatment and ultrasound-assisted drying at different temperatures as a stabilizing method for the up-cycling of kiwifruit: Effect on drying kinetics and final quality*. Innovative Food Science & Emerging Technologies, 92, 103591.
- Mahari, H. T., & Mohamed, J. N. (2025). *Shelf-life Determination of Dried Onion (Allium cepa) and Tomato (Lycopersicon esculentum) Products*. Journal of Food Engineering and Technology, 14(1), 12-20.
- Majeed, A. H., Faraj, J. J., & Hussien, F. M. (2024). *Enhancing Solar Drying Efficiency Through Indirect Solar Dryers Integrated with Phase Change Materials*. International Journal of Heat & Technology, 42(1).
- Nasari, E., Altan, B. D., & Güngör, A. (2024). *Investigating Solar Energy Potential in Afghanistan under Certain Climatic and Geometrical Parameters of Cities and Buildings*. International Journal of Engineering and Applied Sciences, 16(4), 179-194.
- Nazari, S. (2017). *Renewable energy in Afghanistan* (Doctoral dissertation, Department of Mechanical and Production Engineering (MPE), Islamic University of Technology (IUT), Board Bazar, Gazipur, Bangladesh).
- Noori, A. W., Royen, M. J., Medved'ová, A., & Haydary, J. (2022). *Drying of food waste for potential use as animal feed*. Sustainability, 14(10), 5849.

- Noori, A. W., Royen, M. J., & Haydary, J. (2021a). *Effect of ambient parameters change on mint leaves solar drying*. Acta Chimica Slovaca, 14(1), 14-24.
- Noori, A. W., Royen, M. J., & Haydary, J. (2021b). *Thin-layer mathematical modeling of apple slices drying, using open sun and cabinet solar drying methods*. International
- Noori, A. W., Royen, M. J., & Haydary, J. (2019). *An active indirect solar system for food products drying*. Acta Chimica Slovaca, 12(1), 142-149.
- Pita-Garcia, J., Reinoso-Tigre, J., Palacios-Ponce, S., Delgado-Plaza, E., Coello-Montoya, D., Salazar, R., ... & Cornejo, F. (2025). *Impact of combined sun and hybrid drying technologies on cocoa drying process and quality*. Heliyon, 11(4).
- Qazoqov, J. (2025). *Enhancing the Drying Process for Onion Powder with the Influence of Non-Conventional Energy Sources*. Journal of Applied Science and Social Science, 1(2), 266-270.
- Royen, M. J., Noori, A. W., & Haydary, J. (2020). *Experimental study and mathematical modeling of convective thin-layer drying of apple slices*. Processes, 8(12), 1562.
- Saikia, D., Nayak, P. K., Krishnan, K. R., Kondareddy, R., & Lakshmi, D. V. N. (2024). *Experimental investigation of modified indirect solar dryer with integrated thermal storage material for drying of dhekia (Diplazium esculentum) fern*. Environmental Science and Pollution Research, 31(12), 18143-18156.
- Singh, P., Vyas, S., & Yadav, A. (2019). *Experimental comparison of open sun drying and solar drying based on evacuated tube collector*. International Journal of Sustainable Energy, 38(4), 348-367.
- Singh, S., Gill, R. S., Hans, V. S., & Singh, M. (2021). *A novel active-mode indirect solar dryer for agricultural products: Experimental evaluation and economic feasibility*. Energy, 222, 119956.
- Singh, S., & Kumar, S. (2012). *Testing method for thermal performance based rating of various solar dryer designs*. Solar energy, 86(1), 87-98.

- Vigneswaran, V. S., Ajithkumar, A., GaneshKumar, P., Sudhakar, P., Meikandan, M., Kumaresan, G., & Shanmugam, M. (2024). *Comparative assessment of indirect cabinet solar dryers in various operating modes versus direct cabinet dryers: A techno-economic analysis*. Solar Energy, 268, 112266.
- Younis, O. S., Oraiath, A. A. T., Metwally, K. A., Dessoky, E. S., Mahmoud, S. F., Rashed, M. N., ... & Elwakeel, A. E. (2025). *Drying characteristics, environmental and economic analysis of a solar dryer with evacuated tube solar collector for drying Nile Tilapia slices*. Scientific Reports, 15(1), 9822.

بررسی اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد و محیط‌زیست (مطالعه‌ی موردی: شهر شبرغان)

پوهندوی ابوریحان انتظار^{۱*}، نامزد پوهنیار غلام سرور عارفی^۲، پوهنمل حمیدالله عبادی^۳

۱. دیپارتمنت منجمت و اداره تثبثات، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون جوزجان

* نویسنده مسئول- ایمیل: inteazaraburairhan@gmail.com

چکیده

اهمیت استواری زیرساخت‌های اقتصادی و نقش توسعه‌ی صنعت در کاهش بیکاری، افزایش صادرات و هم‌چنین پیامدهای زیست‌محیطی صنعتی شدن در مطالعات تأکید شده است. هدف این تحقیق بررسی اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد و محیط‌زیست (مطالعه‌ی موردی: شهر شبرغان) است. در این تحقیق، به بررسی تأثیر توسعه‌ی صنعت بر شاخص‌های اقتصادی و زیست‌محیطی شهر شبرغان پرداخته شده است. روش کاری تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از پرسش‌نامه از شهروندان شبرغان انجام شده است، و تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS V24 و آزمون T تک‌گروهی صورت گرفته است. برای اثبات فرضیات برای 100 تن از باشندگان شهر شبرغان به صورت غیر تصادفی پرسش‌نامه توزیع گردیده، پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها اطلاعات مرتبط به موضوع با استفاده از برنامه تجزیه و تحلیل شد. طبق خروجی آزمون‌ها، صنعتی شدن بالای وضعیت اقتصادی مردم، نرخ رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری در جامعه، تأثیرگذار بوده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که توسعه‌ی صنعت باعث بهبود وضعیت اقتصادی مردم و جامعه می‌گردد، هم‌چنان به صورت مؤثر در رشد اقتصادی جامعه نقش دارد، افزایش صادرات و کاهش واردات کالاهای خارجی، افزایش کمیت و بهبود کیفیت محصولات از دیگر اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد کشور می‌باشد. از سوی دیگر افزایش کارخانه‌های صنعتی باعث افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در شهر می‌گردد که لازم به توجه جدی دولت در این عرصه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: استراتیژی صنعتی، بیکاری، توسعه صنعت، رشد اقتصادی، محیط‌زیست، صادرات، واردات.

Examining the Impacts of Industrialization on the Economy and the Environment(case study: Sheberghan city)

Associate Professor Aburaihan INTEZAR^{1*}, Teaching Assistant Ghulam Sarwar ARIFI², Seneor Teaching Assistant Hameedullah Ebadi³

1. Department of Management and Business Administration, Faculty of Economics, Jawzjan University.

* Corresponding Author Email: intezaraburaihan@gmail.com

Abstract

The importance of industrial strategies and their role in economic development, reducing unemployment, increasing exports, and minimizing the environmental consequences of industrialization have been addressed in various studies. This research aims to examine the industrialization of sheberghan city and its economic and environmental impacts. The research methodology is descriptive-analytical, and the applied research was carried out using field methods and a questionnaire distributed among citizens of Sheberghan. The data were analyzed using SPSS24 software and a one-sample test. A sample of 100 Sheberghan citizens was surveyed to collect data and determine the level of satisfaction. After collecting the information and analyzing the data based on the research output, it was found that industrialization of Sheberghan has led to an improved economic status of the people, increased employment rate, and reduced unemployment in the community. The results show that industrial development has had a positive effect on people's livelihoods and society at large, and has contributed to the economic growth of the region by increasing exports and reducing the imports of foreign goods, improving product quality, and enhancing competitiveness. It is concluded that, considering the government's support for industrialization, further development of industrial factories will result in increased economic growth in Sheberghan city.

Keywords: industrial development, economic growth, industrial strategy, environment, unemployment, exports.

مقدمه

امروزه دستیابی به رشد و توسعه‌ی پایدار یکی از مباحث عمده‌ی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. کشورهای در حال توسعه جهت جبران عقب‌ماندگی، فرار از فقر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و غیره و برای رسیدن به توسعه‌ی معتدل و همه جانبه که بتواند به بهبود وضع زندگی همه‌ی مردم منجر گردد، نیازمند شناخت صحیح از پتانسیل‌ها و محدودیت‌ها در تمامی زمینه‌ها و مناطق خود است. طوری که می‌دانیم پیشرفت صنعت تغییرات وسیعی را در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره به وجود آورده است. پیشرفت تکنالوژی و صنعت باعث شده بعضی از کشورها به نام پیشرفته و بعضی دیگر به نام عقب‌مانده یاد شوند، این بدان معنی است که بعضی از کشورها به تکنالوژی و صنعت پیشرفته دست یافته‌اند و به نام کشورهای پیشرفته صنعتی یاد می‌شوند و برعکس کشورهای که به تکنالوژی پیشرفته دست نیافته‌اند بنام کشورهای عقب‌مانده یاد می‌شوند. شاید بتوان گفت که از انقلاب صنعتی انگلیس به بعد، صنعتی شدن عمیق‌ترین تغییر منحصر به فرد در بافت اقتصادی و اجتماعی جوامع بوده است. رژیم‌های اروپای شرقی و اتحاد شوروی با عزم راسخ در معرض این پروسه قرار گرفتند.

جاپان با سرعتی اعجاب‌انگیز و با پیامدهای مهم برای اقتصاد جهانی صنعتی شده است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه با سرعتی بسیار در حال صنعتی شدن‌اند. این‌ها رخداد‌های جداگانه نیستند. صنعتی شدن یک جامعه پیامدهای بسیاری برای جوامع دیگر دارد. این رشد صنعت در سراسر جهان ممکن است تصورات متضاد بسیاری را ایجاد کند. نگاهی گذرا به چگونگی توزیع صنایع جهان، بی‌درنگ شکاف بین جهان توسعه یافته و جهان سوم را آشکار می‌سازد. کشورهای سرمایه‌داری توسعه یافته جمعیت جهان بوجود آورنده 64 فیصد از صنایع کارخانه‌ای جهان‌اند و بیش از نیمی از انرژی جهان را مصرف می‌کنند. جهان سوم با توجه به جمعیت جهان تنها 14 فیصد از کالاهای صنعتی جهان را تولید و تنها انرژی جهان را مصرف می‌کنند. امروز تکنالوژی یا صنعت مورد توجه اکثر کشورهای جهان قرار گرفته است و هر کشور می‌خواهد به خاطر صنعتی شدن به تکنالوژی پیشرفته دسترسی پیدا کند بعضی از ممالک جهان در جهت صنعتی شدن شان به تکنالوژی پیشرفته دست پیدا کرده‌اند و بعضی دیگر بنابر عوامل گوناگون به این پدیده دسترسی پیدا نکرده‌اند. بنابر این تکنالوژی پدیده‌ای است که باعث می‌شود تا کشورهای پیشرفته صنعتی از طریق تکنالوژی خود در کشورهای عقب‌مانده استعمار را پیاده کنند و کشورهای عقب‌مانده را تحت سلطه خود قرار دهند. تحقیق هذا به منظور

پوهندوی ابوریحان انتظار

بررسی اثرات صنعتی شدن کشورها و تأثیر آن بالای اقتصاد و محیط زیست در شهر شیرگان انجام شده است.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

صنعتی شدن چه تأثیر بالای اقتصاد و محیط زیست دارد ؟

سؤالات فرعی

1. صنعتی شدن چیست و دارای چه ویژگی ها است؟
2. اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد کشورها چه می باشد ؟
3. آیا صنعتی شدن بالای نرخ رشد اقتصادی تأثیر می گذارد ؟

فرضیات تحقیق

فرضیه عبارت از یک حلقه ی اتصال بین بخش علمی و عملی تحقیق می باشد و یا هم می توان فرضیه را پاسخ فرضی به سؤالات تحقیق بر شمرد.

فرضیه ی اول

H_0 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای وضعیت اقتصادی مردم و اجتماع تأثیر مستقیم و معنی دار ندارد.

H_1 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای وضعیت اقتصادی مردم و اجتماع تأثیر معنی دار دارد.

فرضیه ی دوم :

H_0 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای نرخ رشد اقتصادی تأثیر مستقیم و معنی دار ندارد.

H_1 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای نرخ رشد اقتصادی تأثیر مستقیم و معنی دار دارد.

فرضیه ی سوم :

H_0 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای آلوده گی محیط زیست تأثیر مستقیم و معنی دار ندارد.

H_1 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای آلوده گی محیط زیست تأثیر مستقیم و معنی دار دارد.

فرضیه ی چهارم:

H_0 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای نرخ بیکاری در جامعه تأثیر مستقیم و معنی دار ندارد.

H_1 . به نظر می رسد صنعتی شدن بالای نرخ بیکاری در جامعه تأثیر مستقیم و معنی دار دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

- بررسی تأثیر صنعتی شدن و رشد فعالیت‌های اقتصادی، بالای اقتصاد و محیط‌زیست در افغانستان (مطالعه‌ی موردی: شهر شبرغان)

اهداف فرعی

- آشنایی با ماهیت و مفهوم صنعتی شدن.
➤ بررسی رابطه میان صنعتی شدن و سطح رفاه در جامعه.
➤ بررسی تأثیر صنعتی شدن بالای آلوده‌گی محیط‌زیست.

بیان روش کاری در تحقیق

پرسش‌نامه‌ها برای 100 تن از باشندگان شهر شبرغان (صنعت‌کاران، کارمندان، و دانش‌جویان و مردم عادی) توزیع گردیده است. که آمار هر یک به صورت جداگانه با استفاده از برنامه‌ی آماری (SPSS V24) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پرسش‌نامه مربوطه که حاوی 22 سؤال می‌باشد به افرادی که به حیث نمونه انتخاب شده بودند توزیع و پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها گردآوری شده، در نخست پرسش‌نامه‌ها کدگذاری و بعداً از طریق نرم افزار (SPSS V24) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر مبنای هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

جامعه‌ی آماری

جامعه گروهی از افراد است که حد اقل دارای یک صفت مشترک باشند. جامعه‌ی آماری که در این تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد شامل باشندگان شهر شبرغان (صنعت‌کاران، کارمندان، دانش‌جویان، و مردم عادی) که به صورت غیر تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

روش نمونه‌گیری

در بخش نمونه‌گیری به تعداد 100 نفر بصورت غیر تصادفی ساده انتخاب گردیده و برای شان پرسش‌نامه توزیع شده است.

روش ها و ابزارهای جمع آوری اطلاعات

ابزارهایی که محققان علوم انسانی برای گردآوری اطلاعات تاکنون توانسته اند ابداع نمایند عبارت است از پرسش نامه، کارت مصاحبه، کارت مشاهده، آزمون، فرم ها و نظایر آن ها این ابزارها مناسب با نوع تحقیق و روش کار آن برگزیده و طراحی می شود. در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت تحقیق، محقق از پرسش نامه (استاندارد) به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده نموده است. این ابزار به صورت مجموعه سؤالاتی مکتوب که حول متغیرهای یک مسأله تحقیق تنظیم شده ساخته می شود و پاسخ-گویی آنرا تکمیل می نماید. یکی از روش های بسیار متداول در گردآوری اطلاعات در روش میدانی استفاده از پرسش نامه است که گردآوری اطلاعات را در سطح وسیعی امکان پذیر می سازد. پرسش نامه ای که برای تحقیق حاضر مورد استفاده قرار می گیرد در سه بخش اول آن دیموگرافی، بخش دوم آن پرسش های دوگزینه ای و بخش سوم آن پرسش های پنج گزینه ای می باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون T تست نمونه استفاده شده است که یکی از پُرکاربرترین آزمون های آماری بررسی دیدگاه یک گروه پیرامون یک موضوع یا بررسی یک صفت متغیر در یک گروه خاص است. در این آزمون بررسی می شود آیا میانگین دیدگاه یا امتیازات یک گروه از عدد معینی (که معمولاً برابر میانگین امتیازات است)، بیش تر است یا خیر؟، دقت کنید در SPSS V24 آزمون فرضیه ها دو سویه است یعنی هم ادعا و هم خلاف ادعا آزمون می شود بنابراین فرضیه های آماری به صورت زیر است:

فرضیه صفری (H_0): میانگین امتیازات بدست آمده از میانگین فرضی آزمون کم تر است.

فرضیه بدیل (H_1): میانگین امتیازات بدست آمده از میانگین فرضی آزمون بیش تر است.

بیان آماری فرضیه ها به صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq X \\ H_A: \mu > X \end{cases}$$

اما فقط اتکا به مقدار میانگین از نظر آماری صحیح نیست. باید بررسی شود آیا میانگین مشاهده شده معنی دار است یا خیر؟ آزمون فرضیه در سطح خطای 5% انجام می شود. اگر سطح خطای دیگری استفاده شود نیز اساس تحلیل فرقی نخواهد داشت. برای تفسیر نتایج می توان از مقدار معنی داری، آماره t و فاصله اطمینان استفاده کرد. مقدار معنی داری با سطح خطا مقایسه می شود. اگر مقدار معنی

داری از سطح خطا کوچک‌تر باشد در این صورت میانگین مورد مشاهده مورد تایید است (رد H_0 و قبولی H_1) اما اگر بزرگ‌تر باشد هیچ‌گونه ادعایی در مورد میانگین نمی‌توان مطرح کرد. آماره t با مقدار بحرانی $t_{0.05}$ یعنی 96/1 مقایسه می‌شود. اگر آمار آزمون از مقدار بحرانی 1.96 کوچک‌تر باشد خلاف ادعای آزمون پذیرفته می‌شود (قبولی H_0 و رد H_1). اما اگر آماره آزمون در باره $[1.96 \text{ و } 1.96]$ باشد هیچ‌گونه ادعایی در مورد میانگین نمی‌توان مطرح کرد.

پیشینه‌ی تحقیق

نورزاده، موغلی و خرم بخت (1400) در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر زیست‌محیطی و اجتماعی توسعه صنعتی" بیان داشتند که راهبرد صنعتی‌سازی نقش مهمی در دستیابی به اهداف توسعه ملی ایفا می‌کند و اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی خاص خود را بر جای می‌گذارد. هدف اصلی این تحقیق تعیین تأثیر توسعه صنعتی بر شاخص‌های زیست‌محیطی و اجتماعی است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه معنی داری بین توسعه صنعت و آلودگی‌های محیط‌زیستی وجود دارد، اما رابطه‌ای معنی دار با نابرابری اجتماعی، از جمله تضاد طبقاتی و نابرابری فرصت‌ها، نشان داده نشده است. هم‌چنین، با ورود فناوری‌های جدید و توسعه صنعت، پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی بر منطقه اثر می‌پذیرد، و کشورهای در حال توسعه با توجه به فقدان زیرساخت‌های مناسب، شاهد اثرات منفی بر تنوع زیستی و محیط‌زیست هستند در مطالعه تحت عنوان نقش فعالیت‌های صنعتی در توسعه اقتصادی) بیان داشتند که، بدون شک رشد و توسعه پایدار مناطق شهری که بخش قابل توجه از جمعیت با سطوح مختلف درآمدی را در خود جای داده از مهم‌ترین مد نظر سیاست‌گذاران کشور است.

در این راستا بخش صنعت با عنایت به گسترده و تنوع فعالیت می‌تواند ابزار مناسبی در جهت توسعه‌ی متعادل اقتصادی و به تبع آن توسعه سایر ابعاد باشد. بنابراین در پژوهش حاضر جهت بررسی جایگاه و نقش صنعت در اقتصاد مناطق شهری کشور از تحلیل‌های جدول داده-ستانده بر مبنای مدل متعارف داده-ستانده ایستا استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله بالترتیب ضریب تواید با مقدار 2/07 مربوط به بخش صنعت ساخت است. نتایج مرتبط با شاخص‌های قدرت و حساسیت انتشار نیز حاکی از آنست که بخش صنعت با توجه به ارتباطات خود با سایر بخش‌ها هم از نظر خرید واسطه‌های دیگر بخش‌ها و هم به لحاظ فروش محصول به آن‌ها یا به عبارتی دیگر برآورده نمودن تقاضای واسطه

های آنها تحرک بیش‌تری در مقایسه با میانگین سایر بخش‌ها در کل سیستم اقتصادی مناطق شهری ایجاد می‌نماید.

فلاحی، خانزادی، یاسمی (1398) یکی از مشکلات اصلی اقتصاد ایران، نرخ بیکاری بالا است. به همین دلیل شناخت عوامل موثر بر بیکاری گامی موثر برای کاهش اثرات نامطلوب اجتماعی ناشی از بیکاری است. مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های استانی -- برای دوره زمانی 1385 تا 1394 و رهیافت اقتصادسنجی فضایی به بررسی اثرات سرریز صنعتی شدن بر بیکاری استان‌ها می‌پردازد. شواهد حاصل از برآورد الگو نشان می‌دهد که توسعه صنعت و رشد اقتصادی اثر منفی و معنی داری بر بیکاری دارد. اما اثر جمعیت بر بیکاری مثبت و معنی دار است، به طوری که یک فیصد افزایش در صنعتی شدن و تولید باعث کاهش نرخ بیکاری به اندازه 0/089 و 0/098 فیصد می‌شود. اثرات سرریز صنعتی شدن بی معنی است و این ناشی از عدم توسعه بنیادی و زنجیره‌ای صنعت در استان‌های ایران است. بنابراین توسعه صنعت در هر استان براساس مزیت نسبی و سیاست آمایش سرزمین، بهبود کیفیت سیستم آموزشی برای توانمند ساختن نیروی کار از جمله سیاست‌های موثر برای کاهش بیکاری است. پور احمد، باباخانی، مهدی (1381). باگذشت بیش از نیم قرن و تجربه انبوهی از الگوهای نظری و تجربی در کشورهای در حال توسعه، بی تردید صنعتی شدن به عنوان رویکرد غالب دهه‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در این راستا ارتباط بین صنعتی شدن و توسعه روستایی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی تصریح شده است. صنعتی شدن روستاها در قالب ایجاد نواحی صنعتی به هدف دستیابی به توسعه پایدار روستایی در دهه اخیر مورد توجه برنامه ریزان توسعه روستایی کشور بوده است. به منظور ارزیابی اثرات و پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی، با مطالعه موردی ناحیه صنعتی لاسجرد در استان سمنان، شاغلین این ناحیه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستاییان موفقیت آمیز نبوده، چرا که 66.7 فیصد شاغلین را ساکنین شهرها به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه مهاجرت در شاغلین کاهشی در بر نداشته است.

پرک، صالحی، توکلی (1397). حرکت جهان به سمت صنعتی شده موجب تغییر در منظر شهرها و اراضی برون شهری گردیده است و دخالت صنعت در سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی، ساختار و کارکرد آنها را دگرگون ساخته است. این پدیده، توسعه جوامع صنعتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما باید توجه داشت که توسعه صنعت و صنعتی شدن در قالب رهنمودهای توسعه پایدار به انجام رسد.

بنابراین لازم است جهت دستیابی به توسعه پایدار همراه با رشد صنعتی جوامع، تأثیرات منفی حاصل از این پدیده به حداقل برسد و به جهت کاهش این آثار در ابتدا لازم است این تأثیرات شناسایی گردند لذا در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی تهیه گردیده است پس از بررسی آثار صنعت بر شهر، به بررسی نظریه‌های ارایه شده در زمینه صنعت و شهر پرداخته شده است. سپس مسایل و مشکلات صنعت پس از انقلاب صنعتی و به خصوص آثار و پیامدهای زیست محیطی مورد تحلیل قرار گرفته است.

مفهوم صنعت

معمولاً صنعت و توسعه مترادف با یکدیگر بکار برده می‌شوند. ولی از نظر تاریخی مفهوم صنعت از مفهوم توسعه پیش‌تر است. یعنی کشورها اولاً صنعتی شدند سپس از پیامدهای صنعتی شدن ویژه‌گی خاصی یافته و از نظر اجتماعی و اقتصادی از کشورهای جهان خود را متمایز و متفاوت ساختند. آنچه را که قابل تذکر می‌دانیم این است که، صنعت جنبه‌ی تاریخی پیش‌تر از زراعت را دارا است. زیرا صنعت از زمانی آغاز شد که انسان برای شکار، سنگهای عادی را تراش و کنده کاری نموده و به صورت ابزار شکاردرآوردند. انسان‌های اولیه تا پیش از آن زمان از سنگ‌های کاملاً طبیعی که آنها را مساعد برای ابزار شکار می‌افتند و شکل طبیعی مورد نیاز را داشتند، بهره می‌گرفتند. بنابراین چنین می‌توان نوشت، اقتصاد صنایع شاخه‌ی از علم اقتصاد است که با مسایل اقتصادی تصدی‌ها و صنایع و رابطه آنها با جامعه سروکار دارد. در ادبیات اقتصادی مبحث این بخش از علم اقتصاد را در تحت عناوین چون اقتصاد صنعتی، صنعت و تجارت، سازماندهی و سیاست‌گذاری صنعتی می‌توان پیدا نمود. عنوان اقتصاد صنایع در اوایل دهه 1550 به احتمال قوی از طریق آثر اندروز p.w.s.Andrews مطرح شده است. اگر چه این عنوان روز به روز رایج‌تر و مشهورتر شده روان است، اما برخی از نویسندگان عنوان سازماندهی صنعتی را برای این موضوع ترجیح می‌دهند. این اختلاف نشان می‌دهد که هنوز توافق روشنی بر سر نام این بخش اقتصاد وجود ندارد. از نظر تاریخی در اثر ظهور تصدی‌های صنعتی جدید در حدود اوایل قرن حاضر اقتصاد صنایع به عنوان حوزه مجزا از علم اقتصاد مطرح شد. نویسندگان ابتدایی کلمه‌ی صنعتی و کارخانه را معادل یکدیگر می‌گفتند. ولی امروز محققان اقتصاد صنایع را تنها به بخش کارخانه محدود نمی‌کنند. گرچه آدم اسمیت 200 سال قبل در کتاب خود بنام ثروت ملل از تصدی یا کارخانه نام برده است. اما صرف می‌توان آنرا یک تیوری به مفهوم ابتدایی تلقی نمود. روش و فعالیت‌های اقتصاد صنایع دو بخش اصلی دارد.

اول: بنام بخش توصیفی یاد شده و به محتوای اطلاعاتی موضوع مربوط می‌گردد. هدف این بخش فراهم آوردن معلومات کافی در باره صنعت‌گران و تجار همراه با سازمان‌های صنعتی و تجارتی کشور مورد بحث و کشورهای دیگر می‌باشد.

دوم: بخش دوم اقتصاد صنایع به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تجارتی مربوط می‌شود. درین بخش موضوعات تحلیل بازار، قیمت‌گذاری، انتخاب شیوه تولید، پیدا نمودن مکان تصدی، پلان سرمایه‌گذاری، تصامیم مربوط مالی و غیره مطرح می‌شود.

بطور خلاصه می‌توان گفت که اقتصاد صنایع در مورد جنبه‌های اقتصادی صنعت، بازارها و تصدی‌ها بحث می‌کند. (سروری، 1391)

مفهوم صنعتی شدن

ماشینی شدن فعالیت‌های انسانی در همه زمینه‌ها نیروی محرك فوق العاده پویایی برای ایجاد اشتغال، ارتقای سطح زنده گی، تحول تشکیلات اقتصادی، اجتماعی و سرانجام تمام شئون جامعه است و در صورتی که بتوان به این کار سازمان بخشید و آن را مورد استفاده قرار داد، منبع اعتلا و تحول و ترقی قابل توجه به نفع انسان خواهد بود هیچ چیز به ما اجازه نمی‌دهد بگوئیم که آینده کشورهای رو به انکشاف باید مطابق با وضع موجود کشورهای پیشرفته باشد این يك هدف غلط است نه امری است ثابت و نه هدفی است نهایی و مشخص که بتوان به آن رسید. به هر اندازه که این کشورها بیش‌تر سعی برای دستیابی به وضع حاضر کشورهای متری نمایند از لحاظ سرعت پیشرفت علمی، تخنیکی که کشورهای صنعتی دارند بیش‌تر از آن دور می‌شوند. اما امکاناتی که کشورهای درحال توسعه دارند و هم چنین شرایطی که در آن بسر می‌برند. به هیچ وجه قابل مقایسه با آنچه که کشورهای متری در زمان صنعتی شدن داشتند نیست. بدون آنکه مزایای صنعتی شدن را انکار نمائیم باید امکاناتی که ما را به این مرحله از تولید می‌رساند مشخص کنیم. این امر خود نیازمند آن است که هر کشور روش مناسب با اوضاع و احوال خاصی خود را آماده و تعقیب نماید. یعنی سیاست خاص و مطابق به شرایط اقتصادی و اجتماعی خود را اتخاذ نماید. زیرا صنعتی شدن یکی از کلیدهای رشد از طریق عمومیت یافتن کاربرد ماشین در همه زمینه‌ها محسوب می‌شود. در نتیجه انباشت سرمایه‌ی از اطلاعات و تجهیزات وسیله‌ی بسیار نیرومند برای افزایش بازدهی توسعه و در نتیجه ازدیاد ثروت و درآمد ملی می‌باشد. در مقابل صنعتی شدن موجب آلوده‌گی و انحطاط محیط طبیعی و ازدیاد درجه تراکم شهر نشینی خارج از حد مجاز می‌شود که ممکن است حتی عوامل مولد و ذی قیمتی را که بدین منظور

اختصاص داده شده اند را به خطر اندازد. باید متذکر شد که سکتور صنعت از سکتورهای دیگر جدا نبوده و بدون داشتن يك سکتور زراعت قدرتمند، صنعتی شدن امکان ناپذیر نیست. صنعت حامل تحول دائمی است، چه در زمینه اقتصاد، و اجتماع و چه در زمینه مسائل فرهنگ، مسلماً هیچ کدام نمی‌تواند خود را از آن رها نمایند، اگر کشورهای رو به انکشاف خود را برای صنعتی شدن آماده نکرده باشند و رأس اقدام نمایند تا این عملیه را در جهت مناسب خود هدایت کنند. دیر یا زود شرایط اقتصادی جهانی این را به نحوی غیر قابل کنترل و با نتایجی زیان بار بر آنان تحمیل خواهد کرد. (سروری، 1391)

تاریخ‌چه‌ی صنعت و صنعتی شدن

صنایع در گذشته به صورت تولید محلی بوده و تخصص خودی در صنایع دستی اساس تولید را تشکیل می‌داد. این مرحله قبل از میکانیزه شدن صنعت بود و فروش محصولات نیز جنبه محلی داشته در مرحله بعدی دسته‌های تخصصی در شهرها بوجود آمدند. ایجاد گروه‌ها در شهر تحولی بوجود آورد و باعث گردید که بعضی از شهرها برای تولید بعضی از محصولات خاصی که تابع تخصص گروه‌های مربوط بود معروفیت پیدا کند و به این وسیله قرون شانزدهم و هفدهم تا اوایل قرن هجدهم به علت توسعه‌ی گروه‌های تخصص شاهد ایجاد کارگاه‌ها و تصدی‌های صنعتی شد. این تصدی‌ها فقط جنبه اجتماعی گروه‌های تخصصی را داشت و هنوز بصورت میکانیزه در نیامده بود. در این سیستم صنایع، عملیه فروش بوسیله سازنده انجام می‌گرفت و حال آنکه در سیستم تولید گروه دسته جمعی، تا حدودی وظایف فروشنده از وظایف سازنده جدا شد و کارگاه‌ها محصولات خود را به تجار فروشنده واگذار کردند. اولین باریکه ماشین در صنعت تولیدی بکار رفت يك ماشین ریسندگی بود که در سال 1770 بوسیله James Haryreawes در انگلستان اختراع شد. از این تاریخ به بعد صنعت به تدریج متوجه تولید ماشین گردیده و با تحولاتی که در این قسمت بوجود آمده در سال 1775 اولین ماشین بافندگی با موتور محرك بوسیله Edward Gartwright در انگلستان اختراع شد و پس از مراحل معمول گردید و پس از مراحل فوق، ماشین بخار بوسیله James Watt در حدود سال‌های 1700 اختراع شد. پس از اختراع ماشین بخار تا مدتی بهره برداری از آن میسر نبود. زیرا ماشین‌های ابزار کافی و دقیق برای ساختن پیستون و استوانه و سایر قسمت‌های ماشین هنوز به دسترس نبود. از این عصر به بعد انقلاب صنعتی شروع شد. قبل از این عصر اغلب موسسات بصورت کشاورزی بود. و اولین کارگاه ریسندگی و بافندگی مکانیکی در سال 1750 تاسیس گردید.

پیدایش ماشین‌های صنعتی باعث ایجاد دو مسئله گردید:

اول: بعضی از صنایع دقیق دستی که بوسیله کارگران انجام می‌شود جزء وظایف ماشین‌ها قرار گرفت و انجام عملیات صنعتی از انسان به ماشین منتقل شد.

ثانیا: احتیاج به پیشرفت بیش‌تری در مسائل فنی بوجود آمد و باعث شد که ایجاد ماشین‌های جدید میسر گردد. وجود این دو مسئله موجب شد که از يك طرف اهمیت کارهای دستی و تخصص کارگران تقلیل یابد و کارگر فقط امور بکار انداختن ماشین را به عهده بگیرد و از طرف دیگر برای ساختن ماشین آلات جدید احتیاج به اشخاص متخصص و فنی بیش‌تر پیش آمد. به تدریج که ساختن ماشین‌ها توسعه یافت، این موضوع اهمیت بیش‌تری کسب نمود و در نتیجه تحولی بوجود آمد که بموجب آن کارگران به دو دسته تقسیم شدند: یک‌دسته کارگران ساده که روی ماشین‌های ساخته شده کار می‌کردند و يك دسته کارگران متخصص که برای ساختن ماشین‌های جدید ایجاد تحول عظیمی نمودند.

این وضع جدید اولین تضادی بود که در اجتماع بوقوع پیوست. این اختلاف طبقاتی که به علت توسعه صنعتی بوجود آمد در ابتدا مواجه با مقاومت شدید کارگران ساده شد. به‌عنوان مثال می‌توان شکستن ماشین آلات را در تصدی‌های تولید و خراب کردن خطوط راه آهن را برای جلوگیری از توسعه صنعتی، بوسیله کارگران ساده یادآوری کرد. این عملیات از این فکر سرچشمه گرفت که کارگران بکار بردن ماشین را وسیله کم شدن ارزش خویش تلقی می‌کردند. توسعه صنعتی در دوران قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم سرعت بیش‌تری یافت و این دوره را «دوره انقلاب صنعتی» می‌نامند این تحول ابتدا در کشورهای اروپایی شروع شد و سپس به آمریکا منتقل گردید. صنعتی شدن آمریکا بوسیله انتقال ماشین آلات ساخته شده از اروپا به آن قاره صورت گرفت و گاهی اوقات نیز کارگران ساده و حتی مدیران کارخانه‌جات از اروپا به آمریکا وارد شدند ولی چون آمریکا يك منطقه پرجمعیت‌تر و دارای بازار وسیع‌تر بود بعدها توسعه انقلاب صنعتی در آنجا با سرعت بیش‌تری پیشرفت کرد.

اولین عامل که ایجاد صنعت را روی مقیاس بزرگ مشخص کرد ساختمان قطعات و استاندارد نمودن آنها از صورت اصلی تولید صنعتی بر روی مقیاس بزرگ است. يك شکل کردن بعدها برای بعضی از فرآورده‌های کشاورزی نیز توسعه یافت. اولین بار طبقه بندی انواع مختلف پنبه برای کارخانجات نساجی در آمریکا بوسیله Eli-Whitney انجام گردید .

این طبقه‌بندی بر آن بود که تصدی‌های نساجی بطور مشابه کار کنند. توسعه صنعتی در رشته‌های مختلف به تدریج تحول عمیق‌تری پیدا کرد و باعث شد که بعضی از اصول علمی در روش‌های صنعتی مورد استفاده قرار گیرد و در اوایل قرن بیستم در مدیریت صنایع رشته‌ای بنام «میتودولوژی علمی» بوجود آمد بعداً بتدریج تصدی‌های بزرگ متوجه مطالب اقتصادی و صرفه‌جویی در روش‌های تولید شدند و برای اولین بار روش‌های دقیق علمی برای محاسبه قیمت تمام شد ابداع گردید و صاحبان صنایع به روش‌های مختلف بهره‌برداری در تصدی‌های تولیدی متوجه شدند و روش‌های علمی برای محاسبه قیمت فروش مورد نظر قرار گرفت و صنعت بر روی اصول علمی مستقر شد و بطور کلی شرایط تولید تغییر نمود و شرایط جدید احداث گردید. مسائلی پیش آمد که موجب شد بهترین روش در بهره‌برداری از تصدی‌ها مشخص گردد. و سیاست و روش علمی در تصدی‌ها بکار برده شود.

از سال 1525 به بعد مسائل مذکور در فوق مورد توجه بیش‌تری قرار گرفت و اگر چه مسائل علمی و فنی در توسعه صنعت موثر بود. ولی از این دوره به بعد «توسعه صنعتی بیش‌تر متمرکز بر روی یافتن روش‌های علمی کار و بهره‌برداری گردید» و در طول قرن بیستم مطالعه این روش‌ها وارد یک نوع رشته تخصص جدید گردید. و مطالب عمده به‌صورت مدیریت علمی و صنعتی درآمد در تصدی‌های بزرگ، روش علمی کار به چنان درجه تحول و تخصص رسید که طبقه جدیدی از متخصص بنام «مدیر» بوجود آمد و صاحبان سرمایه‌ای که در اصول فوق چیرگی نداشتند اجباراً برای اولین بار اداره تصدی‌ها خود را در اختیار مدیران و اداره‌کننده‌گان استخدام شده قرار دادند و در همین دوره بود که مدیریت صرفه‌ای بوجود آمد.

این دو موضوع زائیده صنعت در مقیاس بزرگ است.

قبل از جنگ جهانی اول موضوع مدیریت بیش‌تر موجه بهره‌برداری صحیح از قدرت فزیکتی تصدی‌های تولیدی بود ولی بعد از آن علاوه بر موضوع فوق عامل انسان نیز در بهره‌برداری و اداره علمی صنایع وارد شد و جنگ جهانی دوم به عامل انسانی اهمیت بیش‌تری داد. به این ترتیب می‌توان گفت که در حال حاضر موضوع مدیریت علمی متوجه حل مسائل علمی از نظر فزیکتی و از نظر انسانی شده است. علت ایجاد عامل انسانی تسریع توسعه تصدی‌ها در زمان جنگ بوده است و در موقع نصب و بهره‌برداری تسریع از این کارخانه‌جات مسائل عمده عبارت بود از:

- زیربنای تشکیلات.
- کارآموزی برای مدیریت رؤسا و کارگران.

- روش قرار دادن ماشین آلات در تصدی‌ها، حمل و نقل مصالح، بکار بردن ماشین‌های خاص در مقابل ماشین‌هایی که کارهای مختلف انجام می‌دهند.
- کنترل تولید.
- کنترل مصالح و مواد اولیه و گددام داری.
- خرید.
- بسته‌بندی و توزیع و ارسال.
- مطالعه حرکت و زمان برای انجام يك کار خاص.
- اداره نمودن افراد و مدیریت تصدی‌ها.

با ملاحظه نکات فوق کلیه مسائل فیزیکی و انسانی با بکار بردن روش‌های علمی در بهره‌برداری کارخانه حمل شده است و تنها مسئله‌ای که هنوز به حد کافی حل نشده موضوع روابط کارگری است ولی پیشرفت‌های شایانی در این زمینه نیز به عمل آمده است. (گریفن، 1375)

دلایل اصلی صنعتی شدن در ممالک رو به انکشاف

صنعتی شدن استراتیژی اصلی برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی سریع‌تر و استندردهای بالاتر زندگی در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته تلقی می‌شود. برای توجیه چنین استراتیژی دلایل زیادی وجود دارد.

اول: کشورهای پیشرفته از لحاظ اقتصادی معمولاً صنعتی‌تر از کشورهای هستند که از لحاظ اقتصادی فقیرترند. قدرت این استدلال از درس‌های تاریخ اقتصادی کشورهای توسعه نیافته مشتق شده است.

دوم: صنعتی شدن در بسیاری موارد به عنوان راه مهم جهت حل مشکل بیکاری و انتقال نامکمل در کشورهای رو به انکشاف تلقی می‌شود.

سوم: طبیعت تجارت بسیاری از کشورهای رو به انکشاف آنها را وادار می‌سازد که صنعتی شدن را به عنوان چاره حل مشکلات بی ثباتی، دریافتی‌های صادراتی که اکثر آن را مواد اولیه تشکیل می‌دهد در نظر بگیرند. کشور مذکور از کسری بیلانس تادیات شان رنج می‌برند. (گریفن، 1375)

صنعت و استراتیژی‌های انکشاف صنعتی در جهان

بررسی سیر تحولات صنعتی در جهان، تجزیه صنعتی شدن در کشورهای مختلف، تقسیم کار بین المللی، سهم کشورها در تولیدات صنعتی و بطور کلی مطالعه‌ی وضعیت صنعت در جهان از مهم ترین

مطالعات پیش نیاز در پلان‌گذاری صنعتی در هر کشور است که متاسفانه در کشورهای جهان سوم کمتر توجه می‌شود.

تحولات صنعت و تکنالوژی هر روز سرعت بیش‌تری به خود می‌گیرد و با توسعه روز افزون صنعت الکترونیک که به صنعت مادر تکنالوژی نامیده می‌شود که کمپیوتر نیز بخشی از آن است امروزه تمامی رشته‌های صنعت را تحت الشعاع و تأثیر خود قرار داده و موجب تغییرات اساسی در روش و سیستم تولید گردیده است. پلان‌گذاری صنعتی در کشورهای جهان سوم باید کاملاً هماهنگ با این تحولات بوده و آگاهانه عمل نماید. (گریفن، 1375)

مسائل زیست محیطی ناشی از وجود صنایع و ماشینیزم

افزایش آلودگی هوا مرتبط با ماشینیزم و صنایع در دوران انقلاب صنعتی صنایع سنگین و مجتمع‌های صنعتی اغلب در درون فضاهای شهری تأسیس می‌شدند ولی با افزایش آلودگی هوا و وضع قوانین مربوط به کنترل آن‌ها، بسیاری از صنایع و نیروگاه‌ها را اجباراً به محیط‌های خارج از شهرها و حتی روستاها منتقل کردند ولی با وجود آن برخی صنایع سبک‌تر و نیروگاه‌ها در داخل و حومه اکثر شهرها باقی ماندند و اثرات سوء بر کیفیت هوای مناطق شهری موجود می‌باشد.

مطالعات در انگلستان بیانگر این امر است که آلودگی ناشی از دود عبارت است از حضور دانه‌های کم‌تر از 15 میلی متر در قطر که حاصل احتراق ناقص سوخت می‌باشند و از طرفی در سال 1555 مطالعات دیگری صورت گرفت. این مطالعات نشان می‌دهد 5 فیصد آلودگی‌ها دودی در آن کشور از جانب نیروگاه‌ها و 3 فیصد ناشی از وجود سایر صنایع می‌باشد، ولی آلودگی دود ناشی از ماشینیزم و شریان‌های حرکتی عظیم‌ترین و خطر آورترین آلودگی‌های 47% را به خود اختصاص می‌دهد. ولی نباید فراموش کنیم که سلفر دای اکسید (SO_2) که از صنایع و نیروگاه‌ها خارج می‌گردد و در جریان باد به مناطق شهری منتقل می‌گردد، یکی از منابع آلودگی هوا می‌باشد. این ماده هنگامی که با باران مخلوط می‌شود در اتمسفر باران اسیدی را تولید می‌کند. (پرمِن & گیل ری، 1392)

تأثیرات صنایع بر محیط‌زیست

در تجارب صنعتی و هویت شهری و مطالعات و آماری که بخصوص در آغاز قرن بیست و یکم از طرف مؤسسات بین‌المللی در زمینه مخاطرات عمده‌ای که محیط‌زیست جهانی را مورد تهاجم و تهدید قرار داده، صورت گرفته، بسیار بوده است. مثلاً معضلاتی که در زمینه صنایع چرم‌سازی و کاغذ سازی که دو صنعت همگیر و در سطوح بین‌المللی و ملی مشاهده می‌شود، را عنوان می‌کنیم. می‌دانیم این

دو صنعت بالاترین آلودگی و تأثیرات مخرب را در محیط زیست و طبیعت به وجود آورده و می آورد . این مورد به چند عامل وابسته و پیوسته است.

1. هر دو صنعت دارای طیف وسیع مصرف مواد کیمیاوی قدرتمند و مهلک هستند .
2. هر دو صنعت میزان بازده تولیداتشان بسیار بوده و از شدت فرایند بالایی برخوردار می باشند .

3. نیاز مبرمی که هر دو صنعت به آب در فرایند تولید دارند و علاوه بر آن نیازی که هر دو صنعت به آب شست شو دهنده و خروج پس آب های آلوده و سمی ناشی از این دو صنعت موجود است ، غیر قابل تصور می باشد .

پس آب های آلوده فرایند تولید برای محیط زیست به علت وجود فلزات سنگین مانند سرب ، جیوه و کادمیوم و مس بسیار خطرناک بوده و برای حیات سمی و مرگ آور است . ضمناً روغن سرازیر شده در آب فرایند فتوسنتز را تقلیل می دهد و کیفیت عایق پرها و پوست پرندگان و حیوانات را از بین می برد .

مقدار کمی از این گونه حلال های صنعتی (هیدروکربن های کلر دار) می توانند آن چنان آلودگی در آب به وجود آورند که به مراتب بالاتر از هر استاندارد تعیین شده می باشد . مثلاً صنعت چرم سازی از حلال تتراکلروایتیلین tetrachloroethylene استفاده می نماید .

به منظور اجتناب از اطلاع کلام ، از تجارب کارخانه های کاغذ سازی کانادا و اثرات مخرب و هولناک شان بر محیط زیست ، بر رودخانه ها و تأثیرات کشنده آن بر حیات وحش می گذریم . ولی توضیح این مطلب ضروری است که چرخه تولید مجدد کاغذ از کاغذ های دور ریخته شده نیز بهتر نمی باشد .

1. در چرم سازی نیز کار روی پوست فرایند تولید پیچیده ای را تشکیل می دهد .
2. استفاده از نمک های آمونیاک ، نمک های ارگانیکی ، آنزیم ها و عوامل ضد چربی معمول می باشد .

3. در تولید چرم سولفات کرم و بای کربونات س دیتم به کار می رود و در آخرین مراحل کار ، انواع واکس ها ، چسب های رزین دار و رنگ اضافه می گردد که همگی از جمله سموم خطرناک در محیط زیست می باشد که بایستی مدیران و حکومت هر چه سریع تر راهکارهای محو و یا تقلیل این سمومات نابود کننده را با هم کاری پژوهش گران و اندیشمندان بیابند . (پرمن & گیل ری، 1392)

تهاجم و اثرات منفی صنایع بر آب‌ها

صنایع مختلف در جهان ، هر کدام بنا بر وسعت و کاربردش ، منبع آلوده‌گی آب می‌باشد . این آلوده‌گی طبق آمار بیش از 50% حجم کل آلوده‌کننده‌ها و مواد سمی ناشی از وجود صنایع می‌باشد . حدود 370 هزار مجتمع تولیدی در ایالات متحده مقادیر عظیمی از آب تازه را برای شستن و زدودن مواد پس مانده فرآیندهای تولید به کار می‌برند . این آب حاوی مواد آلوده سمی را effluent می‌نامند که در رودخانه‌ها ، دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها رها می‌شود . مؤسسه حفاظت از محیط‌زیست در سال 1551 به کنگره گزارشی را اعلان کرد بدین مضمون که تقریباً 40% از دریاچه‌ها ، رودخانه‌ها که تحت مطالعه قرار گرفتند .

1. برای مصارف عادی آب مانند آشامیدن ، شنا کردن و یا ماهی گیری بیش از حد آلوده می‌باشند .
2. هزاران واحد تولیدی مواد جامد و حل نشده خود را که اکثراً شدیداً سمی می‌باشند ، در رودخانه ، دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها ، رها می‌کنند .
3. صنایع ساختمان نیز محلول‌هایی از گچ و سیمنت را در جریان های آبی رها می‌کنند رودخانه های تهران و حومه تهران شاهی است بر این مدعا .
4. آب داغ رها شده توسط نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها نیز مورد دیگری است که سبب افزایش درجه حرارت آب‌ها شده که این امر باعث تغییر سطح اکسیجن جذب شده توسط آب می‌شود و تعادل اکوزیستی آب را به هم زده ، باعث مرگ یک سری گیاه و جانوران شده و ضمناً سبب رشد بی رویه دسته دیگری از گیاهان و جانوران می‌گردد
5. ترکیبات مواد روغنی چون گریس ، بسته بندی‌های پلاستیکی و چسب‌ها آخرین موادی هستند که در این گزارش ذکر شده‌اند . (پرمن & گیل ری، 1392)

یافته‌های تحقیق

این بخش بحث مفصل را در مورد تجزیه تحلیل و تفسیر اطلاعات حاصل از تحقیق میدانی ، ارایه می‌دهد . به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از جدول فراوانی و گراف‌های دایروی و ستونی کار گرفته شده است . پرسش‌نامه‌ها برای 100 تن از باشندگان شهر شیرگان (صنعت‌کاران ، کارمندان ، و دانشجویان و مردم عادی) توزیع گردیده است . که آمار هر یک به صورت جداگانه با استفاده از برنامه آماری (SPSS V24) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است .

پرسش نامه مربوطه که حاوی 22 سؤال می باشد به افرادی که به حیث نمونه انتخاب شده بودند توزیع و پس از جمع آوری پرسش نامه ها گردآوری شده، در نخست پرسش نامه ها کدگذاری و بعداً از طریق نرم افزار (SPSS V24) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، که در ذیل اکثریت از این سؤالات که با فرضیه اصلی و فرعی مرتبط است. برای ثبوت فرضیه ها تحت بررسی قرار می گیرند.

دیموگرافی پاسخ دهنده گان

جنسیت پاسخ دهنده گان					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
62.0	62.0	62.0	62	مرد	Valid
100.0	38.0	38.0	38	زن	
	100.0	100.0	100	Total	

منبع : اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده های تحقیق.

با توجه به جدول فوق که نشان دهنده ی فریکونسی فیصدی و فریکونسی تجمعی متغیر جنسیت می باشد. در بین پاسخ دهنده گان 62 تن از آنان که 62.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند مردان بوده و 38 تن دیگر که 38.0 از مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهد زنان می باشند.

حالت مدنی پاسخ دهنده گان					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
62.0	62.0	62.0	62	مجرد	Valid
38.0	38.0	38.0	۳۸	متاهل	
100.0	100.0	100.0	100	Total	

منبع : اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده‌های تحقیق .

با توجه به جدول فوق از نظر حالت مدنی 62 تن از پاسخ دهنده‌گان که 62.0 فیصد کل پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند مجرد بوده و 38 تن آنان که 38.0 فیصد پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند متأهل هستند .

درجه‌ی تحصیلی پاسخ‌دهنده‌گان					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
14.0	14.0	14.0	14	فارغ دوازده	Valid
85.0	71.0	71.0	71	لیسانس	
100.0	15.0	15.0	15	ماستر	
	100.0	100.0	100	Total	

منبع : اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده‌های تحقیق .

با در نظر داشت جدول فوق که بیان‌گر درجه‌ی تحصیلی پاسخ دهنده‌گان می‌باشد 14 تن از پاسخ دهنده‌گان که 14.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند فارغ دوازده بوده و 71 تن آنان که 71.0 فیصد پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند لیسانس و 15 تن دیگر آن که 15.0 کل پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند ماستر می‌باشند .

وظیفه‌ی پاسخ‌دهنده‌گان					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
40.0	40.0	40.0	40	شاغل	Valid
100.0	60.0	60.0	60	غیر شاغل	
	100.0	100.0	100	Total	

پوهندوی ابوریحان انتظار

منبع: اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده های تحقیق.

با توجه به جدول فوق 40 تن از پاسخ دهنده گان که 40.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند دارای شغل و متباقی 60 تن دیگر که 60.0 فیصد پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند بیکار هستند.

سن پاسخ دهنده گان					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
71.0	71.0	71.0	71	18-25	Valid
84.0	13.0	13.0	13	25-30	
96.0	12.0	12.0	12	30-35	
100.0	4.0	4.0	4	35-40	
	100.0	100.0	100	Total	

منبع: اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده های تحقیق.

با در نظر داشت جدول فوق که بیانگر سن پاسخ دهنده گان است 71 تن از پاسخ دهنده گان که 71.0 در صد نمونه را تشکیل می دهند بین سنین 18-25 سال می باشند، 13 تن آن ها که 13.0 در صد پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند بین سنین 25-30 سال هستند، 12 تن آن ها که 12.0 فیصد پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند بین سنین 30-35 سال و 4 تن متباقی که 4.0 فیصد کل نمونه را تشکیل می دهند بین سنین 35-40 سال می باشند.

آمار توصیفی

جمع آوری، تلخیص، تنظیم و ارائه اطلاعات به صورت روشن و قابل درک و در صورت لزوم تعیین روابط موجود بین اطلاعات جمع آوری شده این بخش از آمار را که بیش تر به مشخص کردن داده ها، تنظیم و ارائه ی آن ها به صورت جدول بندی یا ترسیمی، محاسبه ی آمارها و تعیین ارتباط بین اطلاعات می پردازد، آمار توصیفی می نامند.

صنعتی شدن فعالیت‌های اقتصادی تا چه حد بالای نرخ رشد اقتصادی تأثیرگذار است؟					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
43.0	43.0	43.0	43	خیلی زیاد	Valid
86.0	43.0	43.0	43	زیاد	
96.0	10.0	10.0	10	متوسط	
100.0	4.0	4.0	4	کم	
	100.0	100.0	100	Total	

منبع : اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده‌های تحقیق.

با توجه به جدول فوق طبق جوابات ارائه شده توسط پاسخ دهنده گان 43 تن از پاسخ دهنده گان که 43.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند خیلی زیاد را انتخاب نموده اند، 43 تن دیگر که 43.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند زیاد را انتخاب نموده اند، 10 تن آنان که 10.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند گزینه متوسط را انتخاب نموده اند، 4 تن از پاسخ دهنده گان که 4.0 فیصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند گزینه کم را انتخاب نموده اند.

صنعتی شدن تا چه حدی بالای اقتصاد جامعه اثرگذار است؟					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
51.0	51.0	51.0	51	خیلی زیاد	Valid
83.0	32.0	32.0	32	زیاد	
97.0	14.0	14.0	14	متوسط	
100.0	3.0	3.0	3	کم	
	100.0	100.0	100	Total	

منبع: اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده‌های تحقیق.

با توجه به جوابات به دست آمده توسط پرسش‌نامه 51 تن از پاسخ‌دهنده‌گان که 51.0 فیصد مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند، 32.0 فیصد از پاسخ‌دهنده‌گان زیاد را انتخاب نموده‌اند، 14.0 از پاسخ‌دهنده‌گان گزینه متوسط و 3.0 فیصد متباقی گزینه کم را انتخاب کرده‌اند.

صنعتی شدن تا چه حد در اشتغال زایی کمک میکند؟					
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency		
43.0	43.0	43.0	43	خیلی زیاد	Valid
85.0	42.0	42.0	42	زیاد	
89.0	4.0	4.0	4	متوسط	
100.0	11.0	11.0	11	کم	
	100.0	100.0	100	Total	

منبع: اطلاعات بدست آمده از خروجی SPSS V24 داده‌های تحقیق.

طبق جوابات بدست آمده توسط پرسش‌نامه 43 تن از پاسخ‌دهنده‌گان که 43.0 فیصد مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهند گزینه خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند، 42.0 فیصد پاسخ‌دهنده‌گان گزینه زیاد را انتخاب نموده‌اند، 4.0 فیصد از آنها گزینه متوسط و 11.0 فیصد متباقی گزینه کم را انتخاب نموده‌اند.

آمار تحلیلی

در بیش‌تر فعالیت‌های آماری جمع‌آوری، تنظیم و ارائه‌ی یافته‌ها و یا تعیین آماره‌ها کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است بر اساس این اطلاعات جمع‌آوری و تنظیم شده، تجزیه و تحلیل و استنباط‌هایی برای تبیین و تصمیم‌گیری صورت گیرد. این بخش از آمار که به تحلیل، تفسیر و تعمیم نتایج حاصل از

پوهندوی ابوریحان انتظار

تنظیم و محاسبه‌ی مقدماتی آماری تکیه دارد، آمار استنباطی خوانده می‌شود. با استفاده از روش‌های آمار استنباطی می‌توان مشخصات جامعه‌ی آماری را از روی نمونه‌ها استنباط کرد.

آزمون کرونباخ

پایایی ابزاری که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری نیز تعبیر می‌شود، عبارت است از این که اگر یک وسیله‌ی اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود؛ به عبارت دیگر، ابزار پایا یا معتبر ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری نتایج یک‌سان برخوردار باشد. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه مورد استفاده در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است

جدول (4-23): Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items ^a	N of Items
.881	.881	22

قسمی که در جدول فوق نشان داده شده است، میانگین آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار آماری SPSS V24 بدست آمده است که برای تمامی متغیرهای تحقیق 0.88 بالاتر از (0.7) است، که نشان دهنده‌ی پایایی مطلوب پرسش‌نامه است. لازم به ذکر است که طیف ضریب آلفای کرونباخ بین 0 تا 1 است و هر چه این ضریب به یک نزدیک تر باشد، نشان دهنده‌ی پایا تر بودن گویه‌های پرسش‌نامه است. جدول فوق این را بیان می‌کند که تعداد نمونه 100 نفر بوده و میانگین 1.17 هم‌چنان خطای استاندارد یا انحراف از معیار 0.038 می‌باشد.

خروجی آزمون معنی داری T تست نمونه

One-Sample Test						
Test Value = 0						
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	Df	T	
Upper	Lower					
1.24	1.10	1.170	.021	99	30.991	آیا صنعتی شدن در کاهش نرخ بیکاری در جامعه اثرگذار است؟

در جدول اول آمارهای توصیفی ارائه شده است. مشخص است تعداد 100 نفر نمونه وجود داشته است. انحراف معیاری 0.038 بوده است و میانگین نیز 1.17 بدست آمده است که از حد وسط طیف لیکرت بزرگتر است. یعنی ظاهراً صنعتی شدن بالای نرخ بیکاری در جامعه اثرگذار است.

برای بررسی معناداری نتایج با خطای 5% از خروجی آزمون در جدول دوم استفاده می شود. بر اساس نتایج مندرج در جدول دوم:

- ✓ مقدار معناداری 0.021 بدست آمده است که از سطح خطا (0.05) کوچک تر است.
- ✓ آماری آزمون 30.99 بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی $t_{0.05}$ یعنی 1.96 است.
- ✓ حد بالا و پایین فاصله اطمینان مقداری بزرگتر از صفر بوده مثبت است.

بنابراین با اطمینان 95% فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 قبول می شود و می توان گفت که صنعتی شدن باعث کاهش نرخ بیکاری در جامعه می گردد. و این فرضیه قبول می شود.

نتیجه گیری

بدون شک در عصر امروزی صنعت یک اصل اساسی و پیش نیاز توسعه پایدار و رقابت جهانی می باشد. کشورهای صنعتی چه از نگاه اقتصادی و چه از نگاه سیاسی حرف اول را می زنند. با در نظر داشت اهمیت موضوع، تحقیق حاضر را جهت بررسی اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد و محیط زیست

در شهر شبرغان انجام دادیم. ابتدا یک مدل مفهومی برای تأثیرات صنعتی شدن پیشنهاد و پس از تایید اعتبار مدل اولیه، فرضیات تحقیق با توجه به مدل ساخته شد. این که صنعتی شدن چه تأثیری بالای اقتصاد جامعه دارد. برای اثبات فرضیات فوق برای 100 تن از باشندگان شهر شبرغان بصورت غیر تصادفی پرسش نامه توزیع گردید، بعد از جمع آوری پرسش نامه ها اطلاعات مرتبط به موضوع با استفاده از برنامه آماری کامپیوتری SPSS V24 و آزمون One-Sample Test تجزیه و تحلیل شد. طبق خروجی آزمون T تک گروهی و مقادیر معنی داری (sig) صنعتی شدن بالای وضعیت اقتصادی مردم، نرخ رشد اقتصادی، اشتغال زایی و کاهش نرخ بیکاری در جامعه، آلوده گی های زیست محیطی که مقدار sig شان کوچک تر از 0.05 بود تأثیر معنی دار دارد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که توسعه صنعت باعث بهبود وضعیت اقتصادی مردم و جامعه می گردد هم چنان به صورت مؤثر در رشد اقتصادی جامعه نقش دارد، افزایش صادرات و کاهش واردات کالاهای خارجی، افزایش کمیت و بهبود کیفیت محصولات از دیگر اثرات صنعتی شدن بالای اقتصاد کشور می باشد. از سوی دیگر افزایش کارخانه های صنعتی باعث افزایش آلوده گی های زیست محیطی در شهر می گردد که لازم به توجه جدی دولت در این عرصه می باشد.

منابع

- 1- پرمن، راجر و گیل ری جیمز مک (1392). اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، مترجم: حمید رضا ارباب. تهران، انتشارات نشر نی.
- 2- روز بهان، محمود (1371). مبانی توسعه اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی. تهران، انتشارات تابان.
- 3- سروری، عبدالرحمن (1391). اقتصاد صنعتی، معینیت تعلیمات تخیلی و مسلکی.
- 4- گیلیس، مالکوم (1379). اقتصاد توسعه، مترجم: غلام رضا ارمکی. تهران، نشر نی.
- 5- گریفین، کیت (1375). راهبرد های توسعه اقتصادی. مترجم: حسین راغفر و محمد حسین هاشمی. تهران، نشر نی.
- 6- بختیاری، صادق و دهقانی زاده، مجید (1393). نقش فعالیت های صنعتی در توسعه اقتصادی. فصلنامه برنامه ریزی و بودیجه. شماره 2 صفحه 59-79.
- 7- پرک، مهین. صالحی، اسماعیل و توکلی، مرتضی (1397). بررسی مفاهیم صنعت و صنعتی شدن و پیامدهای ناشی از آن، کنفرانس بین المللی جامعه و محیط زیست.
- 8- پوراحمد، احمد. طاهرخانی، مهدی و باباخانی، رحمان (1381). نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت های روستایی، نشریه: پژوهش های جغرافیایی، دوره 34، شماره 43، صفحه 56-43.
- 9- فلاحتی، علی. خانزادی، آزاد و یاسمی، کژال (1398). بررسی اثرات سرریز صنعتی شدن بر بیکاری، فصلنامه اقتصاد و الگو سازی، شماره 37، صفحه 187-209.
- 10- نوروززاده، عباس. موغلی، مرضیه و خرم بخت، علی (1400). بررسی تأثیر زیست محیطی و اجتماعی توسعه صنعتی، فصلنامه علوم و تکنالوژی محیط زیست تهران. شماره 5.

تأثیر دولت الکترونیک بر رضایت‌مندی مراجعین و توسعه پایدار (مطالعه موردی:

پوهنتون البیرونی)

پوهنوال محمد هارون صابری^{۱*}، پوهنمل سیدعلی آقا سادات^۲

۱. دیپارتمنت ریاضی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

2. دیپارتمنت کیمیا، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: haroon. sabiri786@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر با هدف نقش تأثیر دولت الکترونیک بر رضایت‌مندی مراجعین و توسعه پایدار انجام شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق، مراجعه‌کنندگان به پوهنتون البیرونی ولایت کاپیسا طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۳ می‌باشند. با توجه به اینکه تعداد دقیق مراجعه‌کنندگان به پوهنتون البیرونی مشخص نیست، با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود در مجموع، تعداد 384 پرسش‌نامه، یک ملاک مطلوب برای تعیین حجم نمونه در این مطالعه انتخاب گردید. لذا با توجه به پیش‌بینی عدم بازگشت تعدادی از پرسش‌نامه‌ها تعداد 400 پرسش‌نامه توزیع گردید که از این میان ۳۹۰ پرسش‌نامه قابل استفاده بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای با ۳۰ سؤال با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» تنظیم شده بود. پس از اطمینان از اعتبار و قابلیت اعتماد، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS صورت گرفت و نتایج نشان داد دولت الکترونیک بر رضایت مراجعین و توسعه پایدار همچون (بهینه‌سازی مصارف ادارات بر پایه‌ی کاهش مصرف منابع، بهبود کارآمدی شهری و محوری، حفظ محیط زیست و شفافیت) تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، خدمات آنلاین، دولت الکترونیک، رضایت مراجعین، کارمند.

The Impact of E-Government on Client Satisfaction and Sustainable Development (Case Study of Alberoni University)

Associate Professor Mohammad Haroon Saberi^{1*}, Seneor Teaching Assistant Seyed Ali Aqa sadat²

1. Department of Mathematics, Faculty of Education, Alberoni University

2. Department of Chemistry, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: haroon. sabiri786@gmail.com

Abstract

The present study was conducted with the aim of determining the role of e-government on Client satisfaction and sustainable development. The statistical population of this study is the visitors to Alberoni University in Kapisa province during the years 1400-1403. Given that the exact number of visitors to Alberoni University is not known, using the Cochran formula for an unlimited population, a total of 384 questionnaires was selected as a desirable criterion for determining the sample size in this study. Therefore, considering the prediction of non-return of a number of questionnaires, 400 questionnaires were distributed, of which 390 questionnaires were usable. The data collection tool was a questionnaire with 30 questions with a five-option Likert scale from "completely disagree" to "completely agree". After ensuring validity and reliability, data analysis was performed using SPSS software and the results showed that e-government has a positive and significant impact on customer satisfaction and sustainable development such as (optimization of administrative costs based on reducing resource consumption, improving administrative efficiency, citizen-centeredness, environmental protection, and transparency).

Key words: Sustainable development, online services, e-government, customer satisfaction, employee.

دولت الکترونیک به استفاده دولت از تکنالوژی و علوم فناوری، بخصوص کاربردهای اینترنتی مبتنی بر وب برای افزایش دسترسی و ارائه خدمات و اطلاعات دولت به شهروندان مؤسسات، کارکنان و سازمان‌ها و نهادهای دیگر اطلاق می‌شود (حسن‌زاده، و دیگران، 1393) در دنیای معاصر، نهادهای عمومی به منظور پاسخ به تقاضای شهروندان در پی ایجاد روابط دو سویه به جای روابط تک سویه متداول هستند تا با ایجاد دیدگاه مشارکت جویانه و فراهم‌سازی بسترهای شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی و در مجموع پیاده‌سازی حکمرانی الکترونیک به عنوان رویکردی نوین، حداکثر رضایت مردم را جلب نماید (آذری و همکاران، 1395) گسترش سیستم الکترونیکی در ادارات از رویکردهای اصلی و جدی که احساس می‌شود که این روند، سیر شتابان و امیدوارکننده دارد (قریشی، 2014). دولت الکترونیک در افغانستان سابقه چندان ندارد و از سال 1394 تا زمان سقوط جمهوریت به طور مصمم در تلاش بود تا از تکنالوژی دیجیتال در ادارات حکومتی استفاده کند و آن را تقویت ببخشد. هرچند که سیستم حکومت داری الکترونیک که بر پایه ی تکنالوژی معلوماتی استوار است، امیدها را برای تامین حکومت داری بهتر در افغانستان نوید می‌دهد. توسعه دولت الکترونیک نیز یکی از کارهایی است که می‌تواند در میزان رضایتمندی مردم از دستگاه‌های اداری مؤثر باشد (جمشیدی و دیگران، 1392). زیرا در زمان و هزینه مراجعین کاهش قابل ملاحظه‌ای صورت خواهد گرفت. توسعه دولت الکترونیک یکی از راهکارهایی بوده است که بسیاری از کشورها به منظور مبارزه با فساد در دنیای امروز بدان روی آورده‌اند و استفاده از فناوری‌های نوین به خصوص در بخش دولتی در کاهش فساد اداری و مالی جهت توسعه پایدار ضرورتی اجتناب ناپذیر است. به همین منظور این پژوهش به بررسی دولت الکترونیک و تأثیر آن بر کاهش و بهینه سازی اداری و توسعه پایدار و رضایت مراجعین پرداخته است و سوال اصلی که محقق را بر آن داشت تا این تحقیق را انجام دهد این بود که " آیا دولت الکترونیک بر رضایت مراجعین و توسعه پایدار یک اداره تأثیر معنی دار دارد؟

دولت الکترونیک نمونه‌ی الگویی می‌باشند که با سرعتی فزاینده جایگزین الگوهای سنتی می‌شوند (شاهکوه، و دیگران ۱۳۸۶). در چنین شرایطی، مدیریت بخش عمومی چاره‌ای جز همگام شدن با تحولات فزاینده ندارد (زاهدی و یعقوبی، 1383). بر این اساس، دولت الکترونیک، اندیشه‌ای است که زمان تحقق آن فرا رسیده و در بسیاری از کشورها توجه به مفهوم دولت الکترونیک و تلاش برای پیاده‌سازی آن اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (نرگسیان، ۱۳۹۷) تعجب آور نیست که اقدامات

دولت الکترونیک می‌تواند هزاران نفر از شهروندان و ادارات را در تعامل مستقیم با کارمندان دولتی در محیطی با قدرت صلاحیت و اختیار غیرمتمرکز قرار دهد. به گونه‌ای که برخلاف دهه‌های گذشته اکنون مردم انتظار دارند که به موجب دولت الکترونیک، فعالیت‌های تخصصی خود را به صورت برخط انجام داده و از پاسخ‌گویی سریع برخوردار شوند (رز و گرانت¹، 2010). از این رو در سال‌های اخیر دولت الکترونیک به عنوان ابزاری که می‌تواند مدیریت دولتی را بهبود بخشیده، اعتماد شهروندان به دولت را افزایش داده و آن‌ها را هر چه بیش‌تر به دولت نزدیک نماید، مورد توجه قرار گرفته است (سو و همکاران²، 2009؛ گالگوآلوارز و همکاران³، 2010). تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و به این دلیل که زمینه موجود و نحوه ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه را تبیین می‌کند، لذا این پژوهش از نوع پیمایشی - تحلیلی می‌باشد. که به صورت توزیع پرسش‌نامه و تحلیل آن با الگو برداری از مدلی بدست آمده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و به این دلیل که زمینه موجود و نحوه ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه را تبیین می‌کند، لذا این پژوهش از نوع پیمایشی - تحلیلی می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از روش‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد که از جمله می‌توان به فرمول کوکران، جدول مورگان و روش معادلات ساختاری اشاره نمود. لذا با توجه به اینکه تعداد دقیق مراجعه‌کنندگان به پوهنتون البیرونی مشخص نیست، با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود در مجموع، تعداد 384 پرسش‌نامه، یک ملاک مطلوب برای تعیین حجم نمونه در این مطالعه انتخاب گردید. لذا با توجه به پیش‌بینی عدم بازگشت تعدادی از پرسشنامه‌ها، تعداد 400 پرسشنامه توزیع گردید که از این بین 390 پرسشنامه قابل استفاده بود.

اعتماد و اعتبار پرسش‌نامه استفاده از ابزار دقیق‌تر و بهتر، کیفیت داده‌ها و در نتیجه نتایج دقیق‌تر را تضمین خواهد نمود که این امر خود، کیفیت علمی پژوهش را افزایش خواهد داد. دو معیار عمده برای آزمون درستی سنج‌ها، اعتبار و اعتماد است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

1. Rose and Grant

2. Hsu

3. Gallego-Álvarez

جدول (۱) ضريب آلفاي كرونباخ متغيرها

آلفای کرونباخ کل پرسشنامه	آلفای کرونباخ متغيرها	آلفای کرونباخ ابعاد	نام متغير	
0/964	0/939	0/867	حريم خصوصى و امنيت	دولت الکترونيک
		0/776	اعتماد	
		0/872	قابليت دسترسى	
		0/860	آگاهى از خدمات عمومى	
		0/875	کيفيت خدمات عمومى	
	0/830	۰,۷۹۰	سرعت پاسخگويى	رضاييت مراجعين
		۰,۸۱۰	شفافيت روند کارى ادارى	
		۰,۸۲۰	رقتار کارمند مربوطه	
		۰,۸۰۰	رضاييت کلى	
		۰,۷۹۰	کنترول فساد ادارى	
	0/744	0.720	صرفه جويى در مصارف ادارات	توسعه پايدار
		0.750	بهبود کارآمدى ادارى	
		0.730	شهروندمحورى	
		0.710	حفظ محيط زيست	

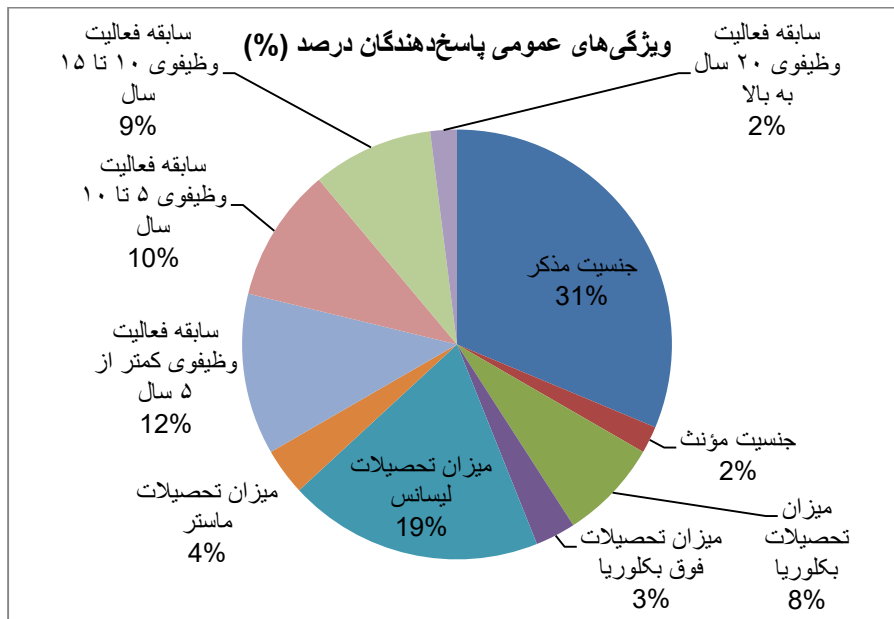
۱- تجزيه و تحليل هاى توصيفي

اين بخش، به توصيف وضعيت موجود در نمونه تحقيق اختصاص دارد که در آن ويژگي هاى جمعيت شناختى پاسخ دهندگان مورد بررسى قرار گرفته و نتايج آنها در ادامه بحث قابل ملاحظه است.

جدول ۲: سن، تحصيلات و سابقه وظيفوى پاسخ دهندگان

ويژگي هاى عمومى پاسخ دهندگان		
ويژگي عمومى		(%) درصد
جنسيت	مذکر	93.9%
	مؤنث	6.1%
ميزان تحصيلات	بکلوريا	22.7%

	فوق بکلوریا	9.1%
	لیسانس	57.6%
	ماسټر	10.6%
سابقه فعالیت وظيفوی	کمتر از ۵ سال	۳۶.۴%
	۵ تا ۱۰ سال	۳۰.۳%
	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۷.۳%
	۲۰ سال به بالا	۶.۰%



نمودار (۱) ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان

نظر به جدول (۲) و نمودار (۱) جنسیت پاسخ‌دهندگان ۹۳،۹ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۶،۱ درصد پاسخ‌گویان زن هستند. این نسبت نشان می‌دهد که عمده آزمودنی‌ها را مردان تشکیل می‌دهند. که نتایج نشان دهنده این است که ، بیشترین مراجعین مردان بوده است. همچنان بیشترین مراجعه کنندگان با درجه سند لیسانس که به احتمال تازه فارغ شده‌ها باشد و کم‌ترینش با درجه سند ماستری به بالاست و از این مجموع بیشتر شان کمتر از پنج سال سابقه وظیفه داشتند و یا بدون وظیفه بودند.

۴-۱) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

جدول (۳): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
دولت الکترونیک	3/90	0/025
رضایت راجعین	3/81	0/028
توسعه پایدار	۳/۷۵	۰/۰۱۹

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مورد بررسی در سطح مطلوبی قرار دارند. میانگین نمرات متغیرها بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌گانه به این شرح است: دولت الکترونیک با میانگین ۳,۹۰ (انحراف معیار ۰,۰۲۵)، رضایت مراجعین با میانگین ۳,۸۱ (انحراف معیار ۰,۰۲۸) و توسعه پایدار با میانگین ۳,۷۵ (انحراف معیار ۰,۰۱۹).

مقادیر انحراف معیار که همگی کمتر از ۰,۰۳ هستند، نشان‌دهنده توافق بالا و همگنی قابل توجه در نظرات پاسخ‌دهندگان می‌باشد. ترتیب میانگین متغیرها بیانگر آن است که دولت الکترونیک بالاترین سطح مطلوبیت و توسعه پایدار کمترین سطح مطلوبیت را در بین متغیرهای پژوهش به خود اختصاص داده‌اند، اگرچه تفاوت بین آنها ناچیز است.

۲) یافته‌های تحقیق

۱-۲. دولت الکترونیک و رضایت مراجعین بر اساس جنسیت

جدول (۴) - اختلاف میانگین متغیرها بر اساس جنسیت

متغیر	جنس	تعداد	درصد	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
دولت الکترونیک	مرد	361	93.9%	3.90	0.507	0.788
	زن	23	6.1%	3.89	0.520	-
رضایت مراجعین	مرد	361	93.9%	3.91	0.542	0.900
	زن	23	6.1%	3.90	0.552	

پوهنوال محمد هارون صابری

نتایج جدول فوق بیانگر این است که در آزمون Tتک نمونه‌ای P-value به دست آمده کمتر از 5% بوده لذا تفاوت معنی داری بین میانگین براساس جنسیت در دولت الکترونیک و رضایت مراجعین وجود ندارد.

۲-۲) دولت الکترونیک و رضایت مراجعین بر اساس مدرک تحصیلی

جدول (۵) اختلاف میانگین متغیرهای اصلی تحقیق بر اساس تحصیلات

متغیر	آماره F	سطح معنی داری
دولت الکترونیک	1/666	0/174
رضایت مراجعین	1/138	0/333

نتایج جدول فوق تفاوت معناداری بین متغیر دولت الکترونیک و رضایت مراجعین بر اساس مدرک تحصیلی را نشان نداد ($p>0.05$).

۳-۲) دولت الکترونیک و توسعه پایدار بر اساس مدرک تحصیلی

جدول (۶) اختلاف میانگین متغیرهای اصلی تحقیق بر اساس تحصیلات

شاخص/مدرک تحصیلی	بکلوریا (22.7%)	فوق بکلوریا (9.1%)	لیسانس (57.6%)	ماستر (10.6%)
دولت الکترونیک	3.65 (± 0.42)	3.78 (± 0.38)	3.89 (± 0.35)	4.02 (± 0.28)
حریم خصوصی -	3.55	3.68	3.85	4.00
کیفیت خدمات -	3.70	3.82	3.92	4.05
توسعه پایدار	3.40 (± 0.45)	3.58 (± 0.40)	3.75 (± 0.38)	3.95 (± 0.32)
بهینه سازی مصارف ادارات	3.45	3.60	3.77	3.97
بهبود کارایی اداری	3.30	3.45	3.70	3.90
شهروندمحوری	3.50	3.65	3.80	4.00
حفظ محیط زیست	3.45	3.60	3.77	3.97

پوهنوال محمد هارون صابری

نتایج بررسی حاضر نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین سطح تحصیلات کاربران و میزان رضایت از خدمات دولت الکترونیک و هم‌چنین درک مزایای توسعه پایدار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش درجه تحصیلات، رضایت از این خدمات به طور چشم‌گیری بهبود می‌یابد. به طوری که میانگین رضایت از دولت الکترونیک از 3.65 در بخش دارای سند دوازده پاس به 4.02 در بخش دارای سند ماستر افزایش یافته است. این روند صعودی در تمامی ابعاد مورد بررسی مشهود بوده و بیشترین تفاوت در شاخص شهروندمحوری (با اختلاف 0.50 امتیاز) مشاهده شده است.

تحلیل مؤلفه‌های دولت الکترونیک نشان می‌دهد که کیفیت خدمات با میانگین 4.05 در گروه ماستر، بالاترین امتیاز را در بین تمامی شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. این در حالی است که حریم خصوصی با بیشترین اختلاف سطحی (0.45 امتیاز) بین گروه‌های تحصیلی، حساسیت بیشتر افراد تحصیل کرده به مسائل امنیتی را نشان می‌دهد. در حوزه توسعه پایدار، شاخص بهبود کارامدی اداری با پایین‌ترین امتیاز در تمام سطوح تحصیلی، نیاز به بازنگری و توجه جدی دارد.

کاهش تدریجی انحراف معیار از $0.45-0.42 \pm$ در گروه بکلوریا به $0.32-0.28 \pm$ در گروه ماستر، نشان‌دهنده هم‌گرایی بیشتر نظرات در سطوح تحصیلی بالاتر است. این یافته‌ها با توجه به توزیع نمونه‌ای که 57.6% آن را دارندگان مدرک لیسانس تشکیل می‌دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این مطالعه نشان می‌دهد که سطح تحصیلات می‌تواند به عنوان شاخص کلیدی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با توسعه خدمات دولت الکترونیک و تحقق اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود در کنار بهبود مستمر خدمات، برنامه‌های ترویجی ویژه‌ای برای گروه‌های با سطح تحصیلات پایین‌تر طراحی و اجرا گردد.

4-2. تأثیر دولت الکترونیک بر رضایت مراجعین و توسعه پایدار

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که استقرار دولت الکترونیک تأثیرات معناداری بر بهبود شاخص‌های رضایت مراجعین و تحقق اهداف توسعه پایدار داشته است. با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ قابل قبول برای تمامی ابعاد (بالتر از 0.7)، می‌توان به قابلیت اعتماد یافته‌ها اطمینان داشت.

در حوزه رضایت مراجعین، دولت الکترونیک با ضریب قابل اعتماد 0.830 منجر به ارتقای معنادار

تمامی ابعاد شده است:

- افزایش سرعت پاسخ‌گویی ($\alpha=0.790$) از طریق سیستم‌سازی الکترونیکی

پوهنوال محمد هارون صابری

- بهبود شفافیت اداری ($\alpha=0.810$) با ثبت کمپیوتری تمام مراحل اداری
 - ارتقای رفتار کارکنان ($\alpha=0.820$) به واسطه کاهش تعاملات مستقیم
 - کنترل مؤثرتر فساد اداری ($\alpha=0.790$) از طریق حذف واسطه‌ها
- در بعد توسعه پایدار با قابل اعتماد کلی 0.744، دولت الکترونیک تأثیرات مثبتی بر ابعاد مختلف داشته است:

- صرفه‌جویی در مصرف منابع ($\alpha=0.720$) با کاهش چشمگیر مصرف کاغذ
- ارتقای کارآمدی اداری ($\alpha=0.750$) از طریق کاهش مصارف عملیاتی
- تقویت شهروندمحوری ($\alpha=0.730$) با افزایش مشارکت الکترونیک یا برقی سازی سیستم‌های اداری

- حفظ محیط زیست ($\alpha=0.710$) از طریق کاهش تردهای غیرضروری

تحلیل روابط متقابل نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های دولت الکترونیک با ضریب قابل اعتماد 0.939، همبستگی مثبت و معناداری (0.68) با افزایش رضایت مراجعین داشته و به صورت غیرمستقیم (با سهم 45 درصدی) در تحقق اهداف توسعه پایدار مؤثر بوده است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی، توصیف متغیرهای تحقیق، بررسی نرمال بودن داده‌ها پرداخته شد.

نتایج ویژگی‌های جمعیت شناختی نشان داد که ۹۳/۹ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۶/۱ درصد پاسخ‌گویان زن هستند. همچنین نشان داده شد که از نظر مقطع تحصیلی در چهار کتگوری تقسیم شده اند نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق، به ترتیب رضایت مراجعین، دولت الکترونیک بیشترین میانگین را داشتند.

یافته‌های این مطالعه به وضوح نشان می‌دهد که سطح تحصیلات کاربران نقش تعیین‌کننده‌ای در درک مزایا و رضایت از خدمات دولت الکترونیک و همچنین تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند. نتایج حاکی از آن است که:

پوهنوال محمد هارون صابری

رابطه مستقیم تحصیلات و رضایتمندی با افزایش سطح تحصیلات، میزان رضایت از خدمات دولت الکترونیک و درک مزایای توسعه پایدار به طور معناداری بهبود می‌یابد. این امر به ویژه در شاخص‌های کیفیت خدمات و شهروندمحوری بیشترین نمود را دارد.

اختلاف قابل توجه بین گروه‌های تحصیلی مختلف، لزوم طراحی و ارائه خدمات متناسب با سطح سواد دیجیتال کاربران را آشکار می‌سازد. این امر مستلزم توسعه راهکارهای آموزشی و رابطه‌های کاربری متفاوت برای سطوح تحصیلی گوناگون است.

شاخص بهبود کارایی اداری به عنوان نقطه ضعف اصلی سیستم‌های فعلی شناسایی شده است که نیازمند بازنگری و توجه فوری می‌باشد.

با توجه به سهم قابل توجه گروه‌های با تحصیلات پایین‌تر در جامعه، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی هدفمند ضروری به نظر می‌رسد.

این مطالعه نشان می‌دهد که تحقق کامل مزایای دولت الکترونیک و توسعه پایدار مستلزم در نظر گرفتن تنوع سطح تحصیلات کاربران و طراحی سیاست‌های متناسب با این تنوع است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، تأثیر ترکیبی سطح تحصیلات و سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهادهای

در عصر حاضر، دولت الکترونیک نه تنها یک گزینه، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای بهبود کیفیت خدمات عمومی، افزایش رضایت مراجعین و دستیابی به توسعه پایدار است. در این راستا، بررسی موضوعاتی مانند:

می‌تواند برای دولت و ادارات بسیار سودمند باشد. این مطالعات نه تنها به بهینه‌سازی فرآیندهای اداری کمک می‌کند، بلکه کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی در زمان و منابع طبیعی را نیز به همراه دارد. پیشنهادها کاربردی برای تحقق این تحقیق: جایگزینی مکتوب‌های کاغذی با سیستم‌های الکترونیکی باعث می‌شود تا مکاتبات اداری بین ادارات و نهادهای دولتی باید به صورت الکترونیکی انجام شود تا از مصرف بی‌رویه کاغذ جلوگیری شود. این کار باعث می‌شود کاهش استفاده از پرینتر و مواد شیمیایی مضر (مانند تونر و رنگ‌های مختلف پرینتر) که برای محیط‌زیست خطرناک هستند. استفاده از احکام و فرم‌های پیش‌آماده به جای نوشتن دستی. اجرایی کردن پرداخت‌های الکترونیکی در پوهنتون‌ها و ادارات انجام شود.

اگر دولت و ادارات به صورت جدی به سمت دیجیتالی سازی حرکت کنند، نه تنها خدمات عمومی بهبود می یابد، بلکه گام بزرگی در جهت توسعه پایدار برداشته خواهد شد. این تغییر، نیازمند عزم ملی و برنامه ریزی دقیق است تا به درستی انجام شود.

منابع

اذری، ع. (1398). "بررسی تأثیر دولت الکترونیک بر توسعه پایدار". فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی، 10(3)، 45-62.

جمشیدی، محمدجواد.، جمشیدی، محمدجعفر. و مولودیان، رزگار. (1392). بررسی نقش دولت الکترونیک در سلامت نظام اداری و ارائه ی مدلی مبتنی بر کارکردهای دولت الکترونیک جهت مقابله با فساد اداری، دومین همایش ملی علوم مدیریت نوین، استان گلستان، گرگان، چهاردهم شهریور 1392.

حسن زاده، مهدی. و شهبازی کوتنائی، ایمان. (1393). ارائه الگویی از تأثیر دولت الکترونیک بر کنترل فساد اداری و مالی شهرداری ها، اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر، ساری، مرکز همایشهای توسعه ایران.

زاهدی، شمس السادات. و یعقوبی، نور محمد. (1383). بازآفرینی دولت در عصر اطلاعات، فصلنامه مدیریت صنعتی، 6، 45-64.

سرمد، ز.، بازرگان، ع. و حجازی، ا. (1377). "روش های تحقیق در علوم رفتاری". تهران: نشر آگه. شاهکوه، عباسی، کلثوم.، عبدالهی، علی؛ و ثقفی، فاطمه. (1386). نقش دولت الکترونیک در کاهش فساد اداری در ایران، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.

ملک محمد، حمیدرضا. (1393). بازمهندسی دولت در قالب دولت الکترونیکی: راهی نو به سوی تولید و اجرای سیاست ها، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، 65(0)، 154-145.

نرگسیان، عباس.، جمالی، قاسمعلی.، هراتی، مسعود. و آذری، حسین. (1397). بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان، فصلنامه مدیریت دولتی، 10(2)، 289-310. هومن، ح.ع. (1391). "مدیریت فناوری اطلاعات در سازمان های دولتی". تهران: انتشارات سمت.

- Alawneh, A., Al-Refai, H., & Batiha, K. (2013). "Measuring user satisfaction from e-Government services". *Education and Information Technologies*, 18(4), 725-738.
- Bernhard, I., Grundén, K., & Haglund, L. (2018). "E-democracy and inclusion". *International Journal of Public Information Systems*, 14(1), 1-26.
- Burn, J., & Robins, G. (2008). "E-government". *Journal of Information Technology*, 23(3), 147-161.
- Cho, Y.H., & Choi, B. (2004). "E-government to combat corruption". *International Public Management Journal*, 7(3), 295-318.
- Galgo-Alvarez, I., Garcia-Sanchez, I.M., & Rodriguez-Dominguez, L. (2010). "E-government and accountability". *Government Information Quarterly*, 27(4), 343-351.
- Osman, I.H., Anouze, A.L., & Irani, Z. (2014). "COBRA framework to evaluate e-government services". *Government Information Quarterly*, 31(2), 243-256.
- Park, H., & Blenkinsopp, J. (2011). "The roles of transparency and trust". *Public Management Review*, 13(4), 487-500.
- Pathak, R.D., Naz, R., & Rahman, M.H. (2007). "E-governance and corruption". *International Journal of Public Administration*, 30(12-14), 1237-1255.
- Qureshi, I. (2018). "Digital government and sustainable development". *Information Systems Journal*, 28(4), 755-774.
- Rose, W.R., & Grant, G.G. (2010). "Critical issues pertaining to e-government". *International Journal of Electronic Government Research*, 6(1), 1-15.
- Siau, K., & Long, Y. (2009). "Factors impacting e-government development". *Journal of Database Management*, 20(4), 1-18.

بررسی رابطه میان نحوه‌ای مدیریت پسماند خانگی و رضایت شهروندان (مطالعه‌ای موردی: ناحیه 15 شهر کابل)

پوهندوی عبدالولی هژیر^{*1}

۱. دیپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات ، پوهنځی اقتصاد ، پوهنتون پروان

* نویسنده مسئول- ایمیل: wali hazheer@gmail.com

چکیده

مدیریت پسماند شهری جزئی از وظایف تعریف شده‌ای شاروالی‌ها، است. شهروندان در چوکات قانون مکلف‌اند مبلغی به حساب شاروالی‌ها واریز نمایند. پسماند یکی از مهم‌ترین منابع اقتصاد چرخشی و در عین حال یکی از مهم‌ترین منابع آلودگی و مؤلد امراض گوناگون به شمار می‌رود. ساخت و ساز غیرمعیاری، افزایش شهرنشینی، نبود سیستم منظم شهری، نبود سهولت پرداخت صفائی و عدم توانائی شاروالی در مدیریت پسماند، سبب کاهش میزان رضایت شهروندان شده است. چگونگی بررسی رضایتمندی شهروندان از نحوه‌ای مدیریت این روند موضوع تحقیق را شکل می‌دهد. هدف تحقیق حاضر درک و دریافت میزان رضایت مردم از نحوه‌ای مدیریت پسماند خانگی شهر کابل است. تحقیق هذا از بعد هدف کاربردی، از منظر گردآوری اطلاعات پیمایشی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را اهالی ناحیه‌ای پانزدهم شهر کابل تشکیل می‌دهد، جهت حصول هدف مطروحه از 365 تن طی پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت به روش نمونه‌گیری تصادفی معلومات لازم گردآوری و جهت درک اعتماد پرسشنامه از از متغیرهای مطروحه آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای تثبیت میزان و شدت رابطه میان متغیرها از آزمون اسپیرمن کارگرفته شده است. نتایج آزمون اسپیرمن 0.72 و نیز سطح معنی داری 0.002 بوده و نشان می‌دهد که میان کیفیت مدیریت پسمان شهری و میزان رضایت مردم رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: پسماند خانگی، توسعه شهری، مدیریت پسماند خانگی.

Investigating the relationship between household waste management practices and citizen satisfaction (Case study: District 15 of Kabul City)

Assistant professor Abdul Wali Hazheer^{1*}

1. Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics, Parwan University

* Corresponding Author Email: walihazheer@gmail.com

Abstract

A key responsibility defined for municipalities is the management of urban waste. Kabul Citizens, within the framework of the law, are obligated to pay a certain amount to municipalities. Waste is considered one of the most important sources of a circular economy, while simultaneously being a major source of pollution and a contributor to various diseases. Non-standard construction, rapid urbanization, the absence of an organized urban system, lack of payment facilitation for sanitation services, and the inability of municipalities to manage waste effectively have led to a decline in citizen satisfaction. The research focuses on evaluating citizen satisfaction with the management of this process. The purpose of the present study is to assess and understand the level of public satisfaction with the management of household waste in Kabul city. This research is applied in terms of purpose, survey-based in terms of data collection methodology, and correlational. The statistical population of this study includes the residents of the 15th district of Kabul city. To achieve the stated objective, data were collected from 365 participants through a questionnaire using the Likert scale and a random sampling method. Cronbach's alpha was employed to evaluate the reliability of the questionnaire. The Spearman correlation test was utilized to determine the degree and intensity of the relationship between the variables. The spearman test results (correlation coefficient of 0.72 with a significance level of 0.002) indicate a positive and significant relationship between the quality of urban waste management and public satisfaction.

Key words: Household waste, household waste management, urban development.

مقدمه

مطابق به ماده‌ای 155 قانون شاروالی‌ها، مدیریت پسماند شهری یکی از مهم‌ترین وظایف و تکالیف این اداره به شمار می‌رود. همچنان مطابق به ماده 152 همان قانون، مدیریت پسماند شهری شامل: (تخلیه‌ای فاضلاب، بازیابی، گردآوری و انتقال پسماند، فراهم‌آوری تسهیلات محو، تنظیف جاده‌ها، و غیره) می‌باشد (قانون، 1397) اداره‌ای متذکره ملزم به ارایه‌ای خدمات چون: قیرریزی جاده‌ها، احداث مکان‌های عامه، تخلیه پسماندها، تنظیف راهروها، اعمارسایه بان‌ها، تزئین پارک و ایجاد پارک‌نگ، دفن اجساد، انتقالات کثافات، تخلیه پیاده‌روها، و غیره می‌باشد. هم‌چنان به تاسی از ماده 16 مقررده محصول خدمات شهری، در برابر خدمات تعریف شده تحت شرایط معین، اشخاص حقیقی و حکمی مبلغی را به حساب شاروالی‌ها واریز می‌نمایند که اعم شرایط آن عبارت از: محصول به اندازه کفایت و رفع حاجت و مطابق به توان خانواده‌ها باشد که سبب اذیت شهروندان نشده و این مبلغ صرف خدمات شهری گردد (مقررده، 1379). مهم‌ترین ویژگی مدیریت پسماند‌خانگی شامل: دفن، سوزاندن و بازیافت می‌باشد (حسینی، 1400) دفن زباله در کنار اینکه بخش بزرگی از طبیعت را اشغال می‌نماید، سبب آلودگی و تخریب منابع طبیعی می‌گردد که تحت شرایط توسعه‌ای پایدار خیلی‌ها به آن اتکا نمی‌گردد (عنابستانی، 1396).

با این حال اهمیت مدیریت پسماند خانگی مطابق به سیستم اقتصاد چرخشی این است که گزینه‌های متذکره سبب افزایش میزان آلودگی و کاهش منابع طبیعی شده، لذا جهت توسعه‌ای و پایداری اقتصاد، اساس علمی این است که پسماند در چرخه‌ای تولید به حیث منبع مهم مجدداً مورد استفاده قرار گیرد (حسینی، 1400) و اما در صورت عدم توجه به مدیریت پسماند شهری، ضمن برهم زدن تعادل منابع طبیعی جامعه، سبب شیوع امراض گوناگون، افزایش میزان آلودگی آب‌وهوا، خاک، کاهش منابع تولیدی، افزایش میزان بوی و تعفن، تخریب زیست بوم، و غیره می‌گردد (میرترابی، 1392). بعضاً فقدان ارایه اطلاعات لازم علمی در مورد موارد متذکره به شهروندان سبب کاهش میزان موثریت مدیریت پسماند شهری می‌گردد (میرترابی، 1392) با توجه به اهمیت پدیده متذکره هذا، جهت کنترل و غلبه بر این مسئله الزاماً نیاز به طرح و ایجاد سیستم‌های کلان با هزینه‌های بلند است، با طرح و ایجاد نهادهای تولیدی می‌توان پسماندها را مجدداً وارد خرچ‌های تولید نمود و تغیر در سیستم اقتصادی کشور ایجاد کرد (نسیمی، 1399)

پوهندوی عبدالولی هژیر

پس مهم‌ترین مسئله در راستای مدیریت پسماند این است که تولید روزافزون پسماند خانگی در سراسر شهر کابل به یک معضل بزرگی تبدیل شده است (حسینی، 1400). تثبیت ارزش اقتصادی پسماند خانواده‌ها یکی از شاخص‌های مهم و حیاتی است که تا هنوز شکل دوامدار از طرف ادارات ذیربط سنجش و تخمین نشده است (قنبری، 1394) هم‌چنان بنظر می‌رسد پرداخت هزینه‌های صفایی شهری بواسطه خانواده‌ها سبب نارضایتی مردم شده است (www.km.gov.af/1547, 1403). واضح است که در کشورهای عقب‌مانده از جمله افغانستان به دلیل نبود سیستم منظم شهری، مصرف‌گرایی تولید پسماند شهری یکی از مهم‌ترین موانع توسعه‌ای اقتصاد چرخشی به شمار می‌رود (طلیعه، 1402). به باور اسکوردیلیس، مباحثی پسماند خیلی وقت‌ها دارای یک ویژگی مشترک است و آن اینکه اساس و منبع آلودگی بشمار می‌رود (بابایی تیرکلایی، 1398). نشر و بخش پسماند خانواده‌ها در محیط اطراف از جمله پارک‌ها و راه‌روها عامل بوی مشمئزکننده، تخریب مناظر و زیبایی‌های شهری و ناقل امراض گوناگون است (خیری، 1393). طبق گزارش سازمان ملل در صورت عدم مدیریت صحیح پسمان خیلی وقت‌ها 23 مشکل زیست محیطی به میان خواهد آمد که مقابله با آن به سادگی امکان پذیر نخواهد بود (سرائی، 1401)

هدف این تحقیق توضیح مفاهیم و چگونگی مدیریت پسماند خانگی در شهر کابل؛ و اینکه به چی میزان مردم از نحوه‌ای مدیریت آن رضایت دارند، می‌باشد. با توجه به این که مقوله‌ای پسماند چند وجهی و مرتبط به عوامل گوناگون است، جهت مدیریت بهتر این پدیده‌ای مهم و حیاتی لازم است تا ابتدا عوامل داخلی و خارجی تاثیرگذار بر عوامل عملکرد سیستم مدیریت پسماند، نقاط قوت و ضعف، پتانسیل‌ها و فرصت‌ها به شکل واقع بینانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد (عمرانی ق. ه.، 1389). یکی از بخش‌های مهم تضمین حقوق شهروندان، مدیریت درست پسماند شهری است که در این زمینه عملکرد صحیح شاروالی به عنوان نهاد مسئول مطابق به قوانین و مقررات تعریف شده می‌باشد (نوروزی، 1399). در واقع حفاظت از محیط زیست هم‌تراز با صحت بشر بوده و یکی از ارکان مهم حال و آینده بشری بشمار می‌رود، مدیریت پسماند خانواده‌ها به عنوان پدیده‌ای ملموس سبب استفاده‌ای موثر منابع نسل امروز و آینده‌گان است (صفاری، 1392). جهت حفظ توازن میان انسان و محیط زیست طوری که باید میزان آلودگی ناشی از پسماند الزاماً نباید از میزان ضرر آن در جامعه گردد، باید منشأ و مبانی تولید پسمان خانواده‌ها و روش‌های گوناگون مدیریت آن درک و شناسایی شود (سرائی، 1401). تجربه‌ای جهانی در پیوند به مدیریت پسماند نشان می‌دهد که دولت و مسئولین به

تنهایی توان مدیریت پسمان را ندارد، همچنان یکی از مهم‌ترین ضعف‌های مدیریت پسماند شهری فقدان چارچوب مشخص در حصه‌ای مشارکت مردم است. در این راستا نیاز مبرم است تا مردم در طرح و تطبیق برنامه‌های شهری علی‌الخصوص پسماندهای خانواده‌ها مشارکت فعال داشته در تحول خدمات اجتماعی سهیم شوند (خواج‌شاه‌کوهی، 1393). اداره‌ای تنظیم پسماند شهری توانایی مدیریت کامل پسماند خانواده‌ها را نداشته و در امر تولید مجدد آن شرکت‌ها و سازمان‌های تولیدی در داخل کشور اندک است، این منابع حیاتی به خارج از کشور به شکل قاچاق ارسال می‌گردد (هژیر، 1403).

چگونگی مدیریت پسماند در منطقه مورد مطالعه و درک رابطه میان نحوه‌ای مدیریت پسماند خانگی و رضایت مردم، مهم‌ترین سوالات تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. در واقع ارزیابی چگونگی نحوه‌ای گردآوری و مدیریت بهینه‌ای پسماندهای خانواده‌ها سبب توجه بیشتری مؤظفین و مسئولین در زمینه شده تا تلاش نمایند با طرح قوانین و مقررات در حصه رفع این نقیسه‌ای اجتماعی گام‌های موثری را بردارند (طلیعه، 1402) یکی از مهم‌ترین فرآیندهای مدیریت بهتر پسماند خانواده‌ها آموزش کارکنان و مدیران است که چگونه فضای حاکم شهروندان و نا رضایتی آنان را تبدیل به مشارکتی نموده و با تحلیل نقاط قوت و ضعف مدیریت بهتری داشته باشد (مظاهری، 1392) هم‌چنان در تقویت مدیریت و بهتر ساختن اجزایی مدیریت پسماند گام‌های عملی و مطابق به شرایط اقتصاد جهانی برداشت (رفیعی، 1388) کشورهای توسعه یافته سیستم‌های را جهت استفاده مجدد از پسماند تدوین و بکار برده‌اند و بیشتر تمرکز روی تفکیک از مبدا نموده‌اند، طوری‌که کشور سوئیس و آلمان حدود 50 تا 80 % و امریکا 56 % از پسماند جوامع خود را بازیافت می‌نمایند و اما کشورهای درحال توسعه در تلاش اند تا از این سیستم‌ها الگو برداری کرده در جهت توسعه‌ای پایدار اقتصادی و زیست محیطی کار بگیرند (ترکاشوند، 1397). توسعه‌ای پایدار یعنی اینکه از لحاظ اقتصادی غیرمخرب، از نظر اجتماعی عادلانه و از منظر فناوری مناسب به زمان باشد چگونگی حصول رضایت مردم و افزایش میزان مشارکت آنها در واقع اساس فرضیه‌ای کنکاش حاضر را شکل می‌دهد (خواج‌شاه‌کوهی، 1393).

ادبیات و پیشینه تحقیق

محیط زیست به همه‌ای محیط‌های که در آن زندگی موجودات جریان دارد، اطلاق می‌شود. در اواسط قرن هجدهم همزمان با آغاز انقلاب صنعتی تحولات محیطی اندک‌اندک جامعه‌ای جهانی را به این فکر فروبرد تا در مورد محیط زندگی بشریت توجه‌ای نماید، در این راستا عملاً نخستین گام با تصویب

قوانین محیطی طی 1972 در مورد مدیریت پسماند برداشته شد (خداوردی ازغندی, 1398). مفاهیم پسماند از طرف ادارات و سازمان‌های مختلف تعریف و ارایه شده است که اینک به برخی از آنها اشاره می‌شود: در واقع پسماند خانگی عبارت از تمامی مواد غیر قابل استفاده‌ای حاصل از فعالیت‌های انسان و حیوان است که قابل استفاده نباشد (نسیمی, 1399). طبق برنامه‌ای محیط زیست سازمان ملل، پسماند اشیایی اند که صاحبش آنرا نمی‌خواهد، نیازی به آن ندارد، یا از آن‌ها استفاده نمی‌کند و ضرورت به پردازش و دفع دارد (خداوردی ازغندی, 1398). و در نهایت پسماند حاصلی از فعالیت‌های اداری، آشپزخانه و محوطه‌ای بود و باش می‌باشد (فرهانی, 1395). و اما مدیریت پسماند موضوعی نیست که امروزه به آن توجه شده باشد، بلکه این پدیده‌ای حیاتی طی قرن‌ها فکر بشر را به خود مشغول ساخته است (عبدلی, 1390). مدیریت پسماند به مجموعه‌ای اقدامات اصولی گفته می‌شود که به شکل منظم و سیستماتیک به کنترل، ذخیره، گردآوری، انتقال، تجزیه و بازیافت مواد زاید بپردازد (صیدایی, 1395). مدیریت پسماند شهری شامل سه بخش مهم است که عبارت: 1- زیربناها (وسایل و ابزارها، تکنولوژی پیشرفته، شرایط مالی و اقتصادی، برنامه و پلان جامع، قانون و شرایط فرهنگی جوامع). 2- عناصر سیستم (کاهش میزان تولید پسماند، تنظیم و ذخیره‌سازی، گردآوری، حمل و نقل بازیافت و استفاده مجدد از پسماندهای خانگی). 3- متولیان امور (دولت، شاروالی‌ها، نهادهای اجتماعی، شهروندان) (خواجه‌شاهکوهی, 1393) از آنجایی که مصارف حمل و نقل پسماند حدود 70 % از کل هزینه‌ای عملیاتی مدیریت را تشکیل می‌دهد، یکی از مباحث و جزء عمده‌ای مدیریت به‌بمشار می‌رود. گفته‌اند که در جهان از میان کل پسماند تولید شده 47 % آن دفن، 31 % بازیافت و 22 % حریق می‌گردد، کشور آلمان با 80 % بازیافت جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است. پس به‌نظر می‌رسد که حدود 70 % از پسماندها به صورت درست مدیریت نمی‌شود و حجم عظیمی از منابع کره زمین هدر رفته و سبب آلودگی و گرم شدن زمین می‌شود. کاربرد توسعه‌ای پایدار در مدیریت پسماند مقوله‌ای که اقتصاد مدرن جهان دنبال می‌گردد (حاضری, 1398). پدیده‌ای پسماند توسط سازمان‌ها، کشورها و محققین به شکل جامع مورد کنکاش قرار گرفته است که به شکل فشرده چند نمونه‌ای آنرا تذکر می‌دهیم: مطالعه‌ای در مورد بررسی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند خانگی توسط خواجه‌شاهکوهی انجام یافته است، موصوف به این نتیجه رسیده که میان سطح تحصیل، جنسیت، نوع مالکیت، میزان هزینه خانوار و مدیریت پسماند رابطه معنی داری وجود دارد (خواجه‌شاهکوهی, 1393) همچنان به اساس مطالعه‌ای تحقیقاتی کنیثا گارنت طی سال 2017 در

کشور انگلستان، که توانایی‌های فنی در مدیریت مناسب پسماند به تنهایی کافی نیست، افزایش میزان مشارکت مردم در این مورد اهمیتی به‌سزایی دارد (رهنما، 1401). شقایق خیری (1393)، در مورد شناسایی عوامل موثر مدیریت پسماند تحقیق کرده تثبیت نموده که میزان تحصیلات شهروندان تاثیر معنی‌داری روی مدیریت پسماند شهری دارد (خیری، 1393). نتیجه‌ای تحقیق صالحی (1397) در مورد عوامل موثر بر تولید پسمان خانگی، واضح می‌سازد که تخصیص بودجه فرهنگ‌سازی، تبلیغات و آموزش جهت تفکیک در منزل به شهروندان از جمله گزینه‌های پیش‌تاز مدیریت پسماند بشمار می‌رود (صالحی، 1397). همین‌سان نتایج یک پژوهش علمی در کشور برازیل تحت عنوان ارزیابی جرخه‌ای زندگی جهت حمایت از استراتژی‌های پایدار مدیریت پسماند نشان می‌دهد که با ثبات‌ترین راهبرد در مدیریت پسماند تمرکز روی تفکیک بازیافت پسماند است (سرائی، 1401). غضبان (1391) در مقاله‌ای وضعیت مدیریت پسماند شهری را بررسی نموده و اظهار می‌دارد که به ترتیب دفع با وزن 0.32% به عنوان بهترین گزینه، زباله سوز با وزن 0.24% دومین و همچنان گزینه‌های کمپوست و دفن با وزن‌های 0.23% و 0.19% می‌باشد (غضبان، 1392). مطالعه‌ای در پیوند به نگرش و قضاوت مردم بر مدیریت پسماند شهرداری‌ها به واسطه‌ای محسن (1397) انجام یافته است، وی از طریق پرسش‌نامه ضریب پیرسن را با میزان 0.77 برای ارزیابی متغیرها تثبیت نموده است. موصوف بیان داشته است که دو مؤلفه‌ای مهم در حصه‌ای مدیریت پسماند خانواده‌ها شامل: (آگاهی و نگرش تولیدکنندگان). وجود دارد (انصاری، 1397). و در نهایت سینگ و باساک مطالعه‌ای در پیوند به ارزیابی اقتصادی و زیست محیطی سیستم مدیریت پسماند جامد شهری در کشور هند (حسینی، 1400). خانجانی (1396) در مورد مدیریت پسماند تحقیقات را را در ایران انجام داده اند (خانجانی، 1396). و در نهایت در مورد تحلیل جامع مدیریت پسماند، آگاهی عمومی و مدیریت پسماند و تولید خانوادگی پسماند از مهم‌ترین تحقیقات داخلی است که نشان می‌دهد مدیریت پسماند ضعیف است.

مواد و روش تحقیق

ناحیه‌ای پانزدهم شهر کابل دارای 73000.33 خانواده و 459000.20 نفوس است که از این میان 232000.14 تن آن‌ها را قشر ذکور و متباقی 227000.05 تن آنرا قشر اناث، تشکیل می‌دهد (nsia, 1401) میزان مشارکت مردم در امر گردآوری پسماند حدود 3% تخمین زده شده است و روزانه هر فرد طور اوسط 400 گرام کثافات (پسماند) تولید می‌کند و با این جمعیت روزانه بالغ بر 1800 تن که معادل 1700 متر مکعب می‌گردد، اما از این میان صرف 400 الی 500 متر مکعب آن به محلات تعیین

پوهندوی عبدالولی هژیر

شده انتقال و متباقی حدود 1200 مترمکعب آن در سطح شهر انباشه می شود (شفاهی, 1390) شاروالی کابل تلاش می نماید تا میزان انتقال زباله ها به بیرون از شهر افزایش دهد (, 1547/ www.km.gov.af/1403). این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. معلومات در خصوص آن از دو منبع شامل: (کتابخانه ای و میدانی) گردآوری شده است که در روش میدانی آن از پرسش نامه ای با طیف لیکارت پنج تایی به روش نمونه گیری تصادفی کار گرفته شده است. جامعه ای آماری این تحقیق (ناحیه 15 شهر کابل) است و از 365 تن که از میان آنها 73 % آقایان و متباقی خانم ها می باشد، در تحقیق هذا اشتراک نموده اند (عظیمی, 1396). جهت تثبیت صحت پرسش نامه تحقیق از روش ضریب آلفای کرونباخ کار گرفته شده است. با این حال پس از بررسی روائی، شدت رابطه میان متغیرهای مطروحه به واسطه آزمون اسپیرمن (کریمی, 1394) با اقتباس از روش علمی محسن انجام یافته است (انصاری, 1397).

$$A = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum l^k = 1s_l^2}{s^2} \right) \text{ ضریب آلفایی کرونباخ.}$$

$$p_s = 1 - \frac{6 \sum d^2}{n(n^2-1)} \text{ فورمول اسپیرمن.}$$

$$t = 1 - \frac{r\sqrt{n-1}}{\sqrt{1-r^2}} \text{ فورمول تعیین سطح داری معنی.}$$

یافته های تحقیق

احصایه توصیفی مطابق به اطلاعات جدول شماره (1)، نشان می دهد که از مجموع 365 تن پاسخ دهندگان 266 تن آنها را آقایان و 99 تن آنها را خانم ها با سنین متفاوت تشکیل می دهد. جدول (1): احصایه توصیفی.

سن				جنسیت	
سال 50-بالاتر	سال 40-50	سال 30-40	سال 20-30	آقایان	خانم ها
28%	17%	32%	23%	73%	27%

از آنجایی که اطلاعات و معلومات در مورد متغیرهای مطروحه به وسیله ای پرسش نامه گردآوری شده است احصایه و تحلیل آن توسط آزمون معروف کرونباخ تثبیت و مورد ارزیابی قرار گرفت. در واقع

مقیاس ضریب آلفای کرونباخ با ارقام (مدیریت پسماند خانگی 0.77 و رضایت شهروندان 0.71) طی جدول شماره (2) مشخص و استخراج شده است.
جدول (2): ضریب الفایی کرونباخ

رضایت شهروندان	مدیریت پسماند خانگی
آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ
0.71	0.77

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنان به ادامه‌ای مسیر قبلی، جهت تحلیل داده‌های استخراج شده با توجه به جدول (3) از اطلاعات و معلومات گردآوری شده‌ای پرسش‌نامه در مورد نحوه‌ای مدیریت پسماند خانواده‌ها و میزان رضایت شهروندان به وسیله‌ای آزمون همبستگی اسپیرمن مورد ارزیابی قرار گرفته و شدت رابطه میان متغیرهای متذکره قرار رقم 0.72 و نیز سطح معنی داری آزمون متذکره 0.002 بوده که کمتر از سطح 0.05 % می‌باشد.

جدول (3): ضریب همبستگی اسپیرمن

رضایت شهروندان	مدیریت پسماند خانگی	
0.72	1.000	correlation coefficient
0.002	0	Sig. (2-tailed)
365	365	N
1.000	0.72	correlation coefficient
0	0.002	Sig. (2-tailed)
365	365	N

مناقشه

پسماندها جزئی از سرمایه‌ای ملی هرکشور است، در حصه مدیریت پسماند شهری فعالیت‌های از طرف اداره شاروالی کابل انجام شده که مطابق به اطلاعات منشره آن اداره بسنده نمی‌باشد. از آنجائیکه در مورد پدیده‌ای پسماند از زوایای مختلف مطالعات زیادی به واسطه محققین و سازمان‌ها انجام یافته است. توجه بیشتر کشورها از جمله آمریکا، سویس، آلمان و انگلستان که پیش‌تاز مدیریت پسماند اند،

روی مدیریت پسماند در مبدایی تولید است (ترکاشوند، 1397). با توجه به معلومات بدست آمده در تحقیق حاضر، به نظر می‌رسد جامعه شهری ما (افغانستان) به دلیل عدم آگاهی و اطلاع رسانی توسط مسئولین، نبود قوانین و مقررات تفکیک پسماند در منزل، عدم حاکمیت قانون و عدم ارایه مشوق‌ها جهت تفکیک پسماند در منزل، درک کاملی از مفاد و ضرر این پدیده ندارند. هم‌چنان نتایج یک پژوهش علمی در کشور برازیل نشان می‌دهد که با ثبات‌ترین روش مدیریت پسماند تفکیک در منزل است (سرائی، 1401). هم‌چنان پژوهشی به واسطه خواجه شاهکوهی (1393) در پیوند به مشارکت مردم در مدیریت پسماند انجام شده که در واقع سطح تحصیل، جنسیت، نوع مالکیت و میزان هزینه خانوادها در نوعیت مدیریت پسماند رابطه معنی داری دارد. از اطلاعات مستخرجه پرسش‌نامه تحقیق هذا به وضوح معلوم است که به دلیل فقر زیاد، نبود سیستم منظم شهری، سطح بلند بیسوادی در در شهر کابل میزان مشارکت مردم در مدیریت پسماند خیلی اندک است و از نحوه‌ای مدیریت پسماند و گردآوری منابع آن مردم رضایت کامل ندارند. محسن (1397) طی مطالعه‌ای میزان قضاوت مردم در مورد مدیریت پسماند را با آزمون پیرسن با ضریب 0.77 استخراج نموده و نشان می‌دهد که در مدیریت بهتر پسماند تامین رضایت مردم شرط مهم و حیاتی است (انصاری، 1397). نبود اطلاعات کافی و آمار رسمی در خصوص مدیریت پسماند خانگی و عدم آگاهی مردم از نحوه‌ای مدیریت آن از مهم‌ترین موانع تحقیق به شمار می‌رود. برای توسعه و تحول اجتماعی، استفاده مجدد از منابع و کاهش هزینه‌ها الزاماً دولت و مردم در مدیریت پسماند خانگی توجه بیشتری نمایند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق رقم مستخرجه‌ای پیرسن 0.72 با سطح معنی داری 0.002 درصد نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی دار میان نحوه‌ای مدیریت پسماند شهری و رضایت شهروندان وجود دارد ($r_s=0.72$ and $p=0.002<0.05$ and $n=365$). نبود سیستم منظم شهری، نبود سیستم منظم اطلاع رسانی، نبود سیستم منظم ارایه‌ای مشوق به شهروندان، نبود برنامه جامع تفکیک پسماند در منزل، نبود قوانین و مقررات الزامی تفکیک پسماند، عدم توجه مردم در مشارکت مدیریت پسماند شهری از مهم‌ترین موانع و مشکلات ساختار محیط اجتماعی شهر کابل به شمار می‌رود. از لابلائی اطلاعات و معلومات پرسش‌نامه و مطالعات کتاب‌خانه‌ای ظاهراً مشخص گردید که درک و شناخت پدیده‌ای پسماند نه تنها به دولت که به تمامی شهروندان مهم و حیاتی است. در صورت که این روند به شکل درست مدیریت شود میزان اشتغال‌زایی در کشور بیشتر شده و از سرمایه (پسماند) به شکل مجدد استفاده صورت

می‌گیرد؛ و اما برعکس عدم توجه به این پدیده سبب بروز انواع امراض، از بین رفتن منابع و سرمایه، آلودگی محیط و مناظر طبیعی و ده‌ها مشکل دیگر در جامعه می‌گردد.

پیشنهادات

در راستای توسعه و بهبود روند مدیریت پسماند خانوادگی قرار آتی پیشنهادات ارایه می‌گردد:

1. به نظر می‌رسد میزان تحقیقات در خصوص پدیده‌ای پسماند در مقایسه با کشورهای همسایه و هم‌ردیف افغانستان به واسطه محققین و نهادهای مسئول اندک است، بهتر است این پدیده مهم و حیاتی از زوایای مختلف به واسطه‌ای مؤظفین و محققین مورد ارزیابی قرار گیرد.
2. جهت مدیریت بهتر پسماندها مشوق‌های به شهروندان در نظر گرفته شود تا میزان رضایت‌مندی و اشتراک آنها به تفکیک آن بیشتر گردد.
3. نحوه‌ای مدیریت پسماند خانوادگی از طریق رسانه‌ها و نصاب تعلیمی و تحصیلی به مردم و شهروندان اطلاع‌رسانی شود، تا درکی بیشتری در جهت استفاده مجدد این سرمایه رایگان و حیاتی داشته باشند.
4. برای بیشتر ساختن میزان رضایت مردم از نحوه‌ای مدیریت پسماندها دولت باید در زیرساخت‌های شهری سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد.
5. دولت از طریق تشویق سرمایه‌گذاران نهادهای تولیدی و خدماتی را تأسیس و بکار گیرد تا اقتصاد چرخشی تقویت و زمینه کار به شهروندان بیشتر گردد.

مآخذ

- انصاری م. و. (1397). طراحی و روایی سنجی پرسشنامه ارزیابی کننده آگهی نگرش و قضاوت مردم بر مدیریت پسماند شهرداری ها. *مجله سلامت و محیط زیست*، فصلنامه علمی پژوهشی/انجمن علمی بهداشت محیط ایران. 307-320،
- بابایی تیرکلایی ع. و. (1398). حل مسئله مسیریابی وسایل نقلیه با در نظر گرفتن سفرهای چندگانه و پنجره های زمانی در مدیریت پسماند شهری با استفاده از الگوریتم بهینه سازی گرگ خاکستری. *مجله مدل سازی در مهندسی*. 94-116،
- ترکاشوند ج. و. (1397). میزان تفکیک از مبدا در مدیریت پسماند و مروری بر عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر آن در چند شهر ایران. (1396) *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*. 71-86،
- حاضری م. م. (1398). ارزیابی شاخص های موثر بر ارتقای کارایی سیستم مدیریت پسماند مطالعه موردی: شهر یزد. *فصلنامه شهر پایدار*. 19-33،
- حسینی س. (1400). مدل سازی و بهینه سازی در سیستم مدیریت پسماند جامد شهری با رویکرد کاهش انتشارات-مطالعه موردی: شهر تهران. *فصلنامه پژوهش در بهداشت محیط*- 227، (3)، 238.
- خانجانی م. و. (1396). بررسی چالش های شغلی آموزشگران مدیریت پسماند شهرداری تهران. *مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست*. 157-1171،
- خداوردی ازغندی ز. و. (1398). افق پشروی سیاستگذاری و مدیریت پسماند. *مجله رهیافت*- 55، 68.
- خواجه شاهکوهی، ع. ر. (1393). بررسی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند خانگی مورد شناسی: شهر مشهد. *جغرافیه و آمایش شهری-منطقه ای*، 215-233.
- خیری ش. و. (1393). عوامل موثر بر پذیرش مدیریت پسمان توسط شهروندان تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*. 67-79،
- رفیعی ر. و. (1388). ارزیابی محیط زیستی چرخه حیات سامانه مدیریت پسماند شهری (مطالعه موردی شهر مشهد). (مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی Retrieved from 12-24،
- www.jasnr.info
- رهنما م. و. (1401). ارایه سناریوهای مدیریت یکپارچه پسماند شهر مشهد. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای* 149-178. doi:http://dx.doi.org/ 10.22111/GAIJ.2022.38404.2913
- سرائی م. و. (1401). فرایینی وضعیت پسماند شهر یزد با استفاده از مدل D.P.S.R و تدوین راهبردهای مدیریت پسماند. *فصلنامه انسان و محیط زیست*. 129-143،

- شفاهی، ن. (1390). *زباله ها به موقع گردآوری گردد*. کابل: هشت صبح.
- صالحی، م. و. (1397). مدل سازی تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر مدیریت پسماند خانگی با رویکرد پویایی شناسی سیستم ها: مطالعه موردی شهر تهران. *مجله مهندسی صنایع و مدیریت شریف*. 147-159.
- صفاری، ا. (1392). تحلیل مخاطرات زیست محیطی و راهبردهای مدیریت پسماند در نواحی روستایی مطالعه موردی: اجارود مرکزی، شهرستان گرمی. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*. 71-91، 2(1).
- صیدایی، س. و. (1395). مکان یابی دفن پسماند در ناحیه ای اردل برای کاهش مخاطرات. *مجله دانش مخاطرات*. 109=123.
- طلیعه، ع. و. (1402). مدیریت ریسک محل دفن پسماند مرحله بهره برداری با تکنیک bow-tie مطالعه موردی: شهر سرواوان رشت. *فصلنامه پژوهش در بهداشت محیط*. 92-107.
- عبدلی، م. و. (1390). مدیریت پسماند ویژه، راهکاری جهت حفظ طبیعت و محیط زیست شهری. *چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)*. 88-101.
- عظیمی، م. (1396). *روش تحقیق اقتصاد و تجارت*. کابل: انتشارات سعی.
- عمرانی، ر. (1389). تدوین استراتژی های بهینه سیستم مدیریت پسماند شهری با استفاده از مدل QSPM مطالعه موردی: شهرساری. *مجله مدیریت شهری*. 41-62.
- عمرانی، ر. و. (1389). تدوین استراتژی های بهینه سیستم مدیریت پسماند شهری با استفاده از روش swot و qspm مطالعه موردی: شهرساری. *مدیریت شهری*. 51-62.
- عنابستانی، ع. و. (1396). نقش مدیریت پسماند بر بهبود شرایط توسعه در سکونتگاه های روستایی (مطالعه موردی: بخش ساربوک، شهرستان قصرقند). *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*-93، 112.
- غضمان، ف. و. (1392). بررسی وضعیت مدیریت پسماند در شهرک صنعتی چرمشهر و سالاریه با دیدگاه توسعه پایدار TBL و تحلیل سلسله مراتبی. *نشریه علمی-پژوهشی/امیکبیر/مهندسی عمران و محیط زیست*. 77-90.
- فرهانی، پ. و. (1395). *ارایه برنامه مدیریت راهبردی امحای پسماند های بیسمارستانی با استفاده از روش های space مطالعه موردی: بیمارستان دکتر شریعتی*. *مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست*، 116-130.
- قانون. (1397). سیستم تخلیه فاضلاب In. و. عدلیه، *قانون شاروالی ها*. (pp. 230-281) کابل: جریده رسمی.

پوهندوی عبدالولی هژیر

- قنبری، ق. و. (1394). عوامل راهبردی مدیریت پسماند آگاهی و مشارکت شهروندان منطقه سه شهرداری تهران. *مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت*. 149-164 ,
- کریمی، ر. (1394). *راهنمایی آسان تحلیل آماری با spss*. تهران: هنگام.
- مظاهری، م. و. (1392). بررسی میزان تاثیر آموزش چهره به چهره عوامل شهرداری تهران بر رفتار شهروندان در مبحث مدیریت پسماند شهری. *مطالعه موردی منطقه 18 تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*. 49-63 ,
- مقرره. (1379). *محصول صفائی In* ف. ا. اسلامی، *مقرره محصول صفائی*. (pp. 68-75) کابل: وزارت عدلیه امارت اسلامی.
- میرترابی، م. و. (1392). به کارگیری منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی در فرآیند پذیرش مدیریت جامع پسماند روستایی. *مجله منابع طبیعی ایران*. 329=339 ,
- نسیمی، ح. ح. (1399). ارزیابی نقش عوامل موثر بر رفتارهای مدیریت پسماند در جهت توسعه محیط. *مطالعه موردی روستا-شهر تنگ کتویه شهرستان دراب. فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*. 152-133 ,
- نوروزی، ق. و. (1399). نقش شهرداریها در تضمین حق بر محیط زیست سلام در مدیریت پسمان شهری: *مطالعه موردی سازمان مدیریت پسماند شهرداری اصفهان. فصلنامه تحقیقاتی حقوقی* , 295-311.
- هژیر، ع. و. (1403). بررسی مدیریت بازیافت زباله شهری ولایت کابل. *مجله مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست* 739-747. doi:dx.doi.org/10.29244/jpsl.13.4.739-747 ,
- nsia. (1401). *برآورد نفوس*. کابل: اداره ملی احصایه و ملومات.
- www.km.gov.af/1547. (1403).

استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر به جای سوخت‌های فسیلی، به منظور کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی

پوهنمل دکتور علی‌احمد محمدی^{۱*}، پوهنیار سید ابوالقاسم حسینی^۲، پوهنمل صفی‌الله فطرت^۳،
پوهنیار سید مسعود هاشمی^۴

۱. ۳. دیپارتمنت کیمیا، پوهنځی ساینس، پوهنتون هرات

۲. دیپارتمنت فیزیک، پوهنځی ساینس، پوهنتون هرات

۴. دیپارتمنت بیولوژی، پوهنځی ساینس، پوهنتون هرات

* نویسنده مسئول- ایمیل: aa_heravi@hu.edu.af

چکیده

با کاهش مستمر منابع فسیلی هم‌چون نفت، گاز و زغال سنگ و افزایش آلودگی‌های ناشی از مصرف آن‌ها، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به یک ضرورت جهانی تبدیل شده است. افغانستان نیز برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و دستیابی به توسعه پایدار، به گسترش انرژی‌های نو توجه دارد. این پژوهش با روش تحلیلی-کمی، میزان آگاهی، نگرش و تمایل افراد به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر را بررسی کرده است. جامعه آماری شامل ۴۰۰ نفر از استادان، محصلان و کارمندان پوهنتون هرات، جامی، غالب و خانواده‌های شان بوده که به صورت تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۴۳،۷۵٪ از شرکت‌کنندگان در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار دارند و بیش‌ترین میزان آگاهی نسبت به انرژی‌های تجدیدپذیر در این گروه مشاهده شده است. هم‌چنین، ۳۸٪ از پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات لیسانس و ۶۱،۲۵٪ متأهل بودند که این گروه تمایل بیشتری به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر داشتند. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که "استفاده از وسایل حمل‌ونقل برقی" با ضریب ۰،۲۲۳ بیشترین تأثیر مثبت را در پذیرش انرژی‌های تجدیدپذیر داشته، درحالی‌که "کمبود فرهنگ‌سازی" با ضریب ۰،۱۸۴- مانع اصلی توسعه این انرژی‌ها است. هم‌چنین، ۷۸،۶٪ از شرکت‌کنندگان بر تأثیر مثبت انرژی‌های تجدیدپذیر بر کاهش آلودگی محیط‌زیست تأکید دارند. در نهایت، توسعه زیرساخت‌های لازم، حمایت دولتی، کاهش هزینه‌های اولیه و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های نوین می‌تواند روند جایگزینی این منابع انرژی را تسریع کند. تحلیل داده‌های به‌دست آمده، شناخت بهتری از موانع و فرصت‌های موجود در مسیر توسعه این انرژی‌ها فراهم می‌آورد و در نهایت، راه‌کارهای مناسبی برای گسترش استفاده از منابع تجدیدپذیر در افغانستان پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: آلودگی محیط‌زیست، انرژی‌های تجدیدپذیر، افغانستان، توسعه پایدار، سوخت‌های فسیلی.

Using renewable energy sources instead of fossil fuels to reduce environmental pollution

Senior Teaching Assistant Dr. Ali Ahmad Mohammadi^{1*}, Teaching Assistant Seid Aboulghasem Hosseini², Senior Teaching Assistant Safiullah Fetrat³, Teaching Assistant Said Masoud Hashimi⁴

1.3. Department of Chemistry, Faculty of Science, Herat University

2. Department of Physics, Faculty of Science, Herat University

4. Department of Biology, Faculty of Science, Herat University

* Corresponding Author Email: aa_heravi@hu.edu.af

Abstract

With the continuous decline of fossil resources such as oil, gas, and coal and the increase in pollution caused by their consumption, the use of renewable energies has become a global necessity. Afghanistan is also focusing on developing new energies to reduce dependence on fossil fuels and achieve sustainable development. This study, using a quantitative-analytical method, examined the level of awareness, attitude, and willingness of individuals to use renewable energies. The statistical population included 400 professors, students, and employees of Herat, Jami, and Ghalib universities and their families, who were randomly selected using the Cochran formula. Data analysis shows that 43.75% of the participants were in the age group of 26 to 35 years and the highest level of awareness of renewable energies was observed in this group. Also, 38% of the respondents had a bachelor's degree, and 61.25% were married, which made this group more inclined to use renewable energies. The regression results show that "use of electric vehicles" with a coefficient of 0.223 has the greatest positive impact on the acceptance of renewable energies, while "lack of culture" with a coefficient of -0.184 is the main obstacle to the development of these energies. Also, 78.6% of the participants emphasize the positive impact of renewable energies on reducing environmental pollution. Finally, the development of necessary infrastructure, government support, reducing initial costs, and investment in new technologies can accelerate the process of replacing these energy sources. Analysis of the data obtained provides a better understanding of the obstacles and opportunities in the development of these energies, and finally, appropriate solutions are proposed to expand the use of renewable resources in Afghanistan.

Keyword: Environmental pollution, renewable energies, Afghanistan, sustainable development, fossil fuels

مقدمه

بعد از انقلاب صنعتی در سال 1670 میلادی در کشور انگلستان، سیل مهاجرت به شهر رو به ازدیاد نمود. این باعث شد، انسان‌ها تغییر الگوی زندگی بدهند. سیستم گرمایش و سرمایش‌شان را تغییر دادند. نیازهای افراد به امکانات زندگی جدید موجب شد تا انسان‌ها به مصرف منابع فسیلی که در طول سالیان متوالی تحت تأثیر عوامل محیطی به وجود آمده بودند، روی آورند. با افزایش مصرف منابع فسیلی میزان تولید گازهای گل‌خانه‌ای افزایش یافت (Hanaki. 2008). تولید فزاینده گازهای گل‌خانه‌ای باعث تغییر الگوی آب‌وهوایی در سطح کره زمین شده است. هم‌چنین، پس از انقلاب صنعتی، توسعه جوامع بشری با استفاده گسترده‌تر از سوخت‌های فسیلی امکان‌پذیر شد. بدین ترتیب، انسان‌ها برای دستیابی به رشد و توسعه، ویژگی‌های فیزیکی، کیمیاوی، بیولوژیکی، اجتماعی و سنتی محیط‌زیست خود را دگرگون می‌سازد (Mikhaylov et al. 2020). تولید، انتقال و مصرف انرژی اثرات مہلک محیط‌زیستی بسیار مهمی در اکوسیستم و تنوع زیستی موجودات زنده زمین برجای می‌گذارد. امروزه سیاست‌های تولید و به کارگیری انرژی در مسایل محیط‌زیست محلی و منطقه‌ای، نقش محوری را بر عهده دارند تا جایی که دغدغه اکثر کشورهای جهان مبارزه با گازهای گل‌خانه‌ای و گرمایش زمین می‌باشد (Chang et al. 2021). بنابراین ضرورت تعیین رابطه پیچیده مسایل محیط‌زیست با انرژی بیش از پیش ملموس شده است. به‌طور کلی چهار چوب تصمیم‌گیری در این مورد را می‌توان در چهار مرحله خلاصه نمود: الف) تعیین ارتباط متقابل انرژی و محیط‌زیست، ب) تعیین پتانسیل‌های مقابله با بحران انرژی، یعنی استفاده از انرژی‌های جایگزین، ج) تعیین و برآورد پتانسیل ابزاری نظیر مقررات، اطلاعات، ج) توسعه و گسترش انرژی نظیر استراتژی‌های سیاست‌گذاری شده. در قرن بیستم که با جهش علمی در حوزه‌های مختلف مواجه می‌باشیم، نمونه‌ی آشکار از پیشرفت و ترقی در حوزه تکنولوژی قابل مشاهده می‌باشد (Gołaś et al. 2019). زیرا پیشرفت‌های علمی فعالیت‌های بشری را تحت پوشش قرار داده است، و بار فراوانی را بر دوش انسان‌ها و محیط‌زیست تحمیل نموده است. اگر راه‌کار مناسبی برای مقابله با آسیب‌های محیط‌زیستی اتخاذ نشود، جبران نمودن این مشکلات غیر ممکن می‌باشد. به همین دلیل انسان‌ها برای اینکه به توسعه پایدار دست یابند باید از انرژی‌های تجدیدپذیر بیشتر استفاده نمایند، تا محیط‌زیست پاک‌تر و سالم‌تری را دارا باشند. براساس برآوردهای سازمان‌های مربوط به محیط‌زیست، سالانه حدود پنج میلیون نفر بر اثر آلودگی‌های محیط‌زیست جان خود را از دست

پوهنمل دکتور علی احمد محمدی

می‌دهند که بیشتر این افراد بر اثر مصرف سوخت‌های فسیلی و انتشار گازهای گل‌خانه‌ای می‌باشد (Arora, 2018). لیست آلوده‌ترین شهرهای جهان در سال 2024 عبارتند از: دهلی، لاهور، قاهره، کراچی، بغداد، کلکته، سارایو، اولان‌باتور، اسکوپیه و داکار می‌باشد، که بیشتر این کشورها در محدوده‌ی قاره آسیا هستند. بخش اعظم انرژی مصرفی در جهان به وسیله سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود (Jorquera et al. 2019). این سوخت‌ها دارای انواع آلاینده‌های سمی و خطرناک هستند که از طریق‌های مختلف به محیط‌زیست و در نهایت زنجیره غذایی انسان‌ها وارد می‌شوند. گرچه اثرات محیط‌زیستی استفاده از سوخت‌های فسیلی بر آب‌های دریاها و اقیانوس‌ها، رودخانه‌ها، آب‌های زیرزمینی، خاک‌ها، هوا، پوشش‌های گیاهی و غیره بی‌شمار است. اما مبحث آلودگی هوا، اثرات گازهای گل‌خانه‌ای و ذرات معلق و اثر خنک‌کنندگی آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد (Al-Rubaye et al. 2023). احتراق سوخت‌های فسیلی باعث ورود حجم عظیمی از اکسیدهای سلفر، نایتروجن، کاربن مونواکساید و کاربن دای اکساید در اتمسفر زمین می‌شود. هرگاه این گازها با رطوبت هوا مرکب شوند، تولید باران‌های تیزابی را به دنبال دارند، که موجب آسیب جدی به محیط‌زیست و ساختمان‌های مسکونی می‌شود. میزان انتشار این گازها در اتمسفر به مرکبات، نوع سوخت و هم‌چنین به مکانیسم‌های به کارگرفته شده بستگی دارد (Abdullah, 2021). گرم شدن کره زمین به دلیل ظرفیت زیاد برخی از گازهای گل‌خانه‌ای نظیر کاربن دای اکساید، کلورو فلورو کاربن‌ها، گاز میتان، ازون تروپوسفر و اکسیدهای نایتروجن در جذب حرارت می‌باشد. از میان گازهای گل‌خانه‌ای کاربن دای اکساید نه تنها امکان عبور اشعه ماوراءالبنفش را از اتمسفر زمین مهیا می‌سازد، بلکه از خارج شدن اشعه مادون قرمز از اتمسفر زمین جلوگیری می‌کند (Kulkarni. 2017). از سوی دیگر گرد و غبار و دیگر ذرات معلق در هوا که وزن کم‌تری دارند، در هوا برای مدت معینی باقی می‌مانند، باعث تغییرات آب و هوایی در سطح زمین می‌شوند. به دلیل افزایش روزافزون مصرف سوخت‌های فسیلی و تولید گازهای گل‌خانه‌ای و برای کنترل میزان انتشار گازهای گل‌خانه‌ای انسان‌ها مجبور به استفاده از سوخت‌های تجدیدپذیر شدند (Wang et al. 2017). با افزایش نگرانی‌ها درباره تغییرات اقلیمی و آلودگی‌های محیط‌زیستی، توجه جهانیان به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر افزایش یافته است. این منابع انرژی، برخلاف سوخت‌های فسیلی، پایدار، پاک و کم‌ضرر برای محیط‌زیست هستند (Halkos. 2020). تأثیرات انرژی‌های تجدیدپذیر بر کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی بسیار زیاد می‌باشد. انرژی‌های تجدیدپذیر دارای ویژگی‌های

زیر می‌باشد: الف) همیشگی‌اند، ب) آلودگی محیط‌زیستی کمتری تولید می‌کنند، ج) در اکثر کشورها زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر وجود دارد مانند کوه‌ها، دره‌ها و.... هم‌چنین کمبود منابع سوخت‌های فسیلی باعث روی آوردن انسان‌ها به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر شده‌است (Kucaj et al. 2017). جهان امروز با سرعت سرسام‌آوری در جهت تولید علم و تکنولوژی سازگار با محیط‌زیست گام بر می‌دارد. تأثیرات تکنولوژی تجدیدپذیر در زندگی روزمره انسان‌ها قابل مشاهده است، مثل استفاده از وسایل نقلیه برقی، پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی و بندها یا سدهای آبی که در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر نقش به‌سزایی را ایفاء می‌کنند. با توجه به مطالب ارایه شده کشور افغانستان به دلیل دارا بودن طبیعت دست نخورده و موجودیت زیرساخت‌های طبیعی در ولایت‌های مختلف افغانستان بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری در مورد انرژی‌های تجدیدپذیر موجود می‌باشد. ولایت هرات، به دلیل برخورداری از بادهای موسمی، شرایط مناسبی برای احداث نیروگاه‌های بادی دارد. ولایت فراه به دلیل دارا بودن، انرژی خورشیدی بیشتر در طول سال می‌تواند کانون نیروگاه‌های خورشیدی، در سطح افغانستان باشد و نقش به‌سزایی را در این زمینه ایفاء کند. همچنین بقیه ولایت‌های افغانستان به دلیل شرایط جغرافیایی منحصر به فرد خود، می‌توانند در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر بستر مناسبی را فراهم نمایند، که این کار نیاز به سروی بیشتر در مورد ایجاد پایگاه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر مورد نیاز می‌باشد. کشور افغانستان به دلیل کوهستانی بودن آن، می‌تواند مکان مناسبی برای ایجاد نیروگاه‌های تجدیدپذیر باشد. گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر یکی از مؤثرترین راهکارها برای کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی و مقابله با تغییرات آب و هوایی است. سرمایه‌گذاری در این تکنولوژی‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت هوا، حفظ منابع طبیعی، حفظ گونه‌های حیوانی و ایجاد یک محیط‌زیست پایدارتر و سالم‌تر برای نسل‌های آینده به ارمغان آورد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحلیلی- کمی است که به بررسی تأثیر جایگزینی منابع انرژی‌های تجدیدپذیر به جای سوخت‌های فسیلی در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی می‌پردازد. روش تحقیق به صورت میدانی بوده و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق شامل استادان، محصلان و کارمندان پوهنتون هرات، پوهنتون‌های خصوصی جامی و غالب، و خانواده‌های آن‌ها می‌باشد. از میان این جامعه، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند که صحت

پوهنمل دکتور علی احمد محمدی

این کار توسط فرمول کوکران مورد ارزیابی قرار گرفت. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده تا داده‌های به‌دست آمده نماینده‌ای دقیق از کل جامعه آماری باشد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه لیکرت است که شامل سؤالاتی درباره: سطح آگاهی و نگرش افراد نسبت به انرژی‌های تجدیدپذیر، میزان استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در مقایسه با سوخت‌های فسیلی، نقش انرژی‌های تجدیدپذیر در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیست، چالش‌ها و موانع موجود در مسیر استفاده از این منابع را شامل می‌شود. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 27 تجزیه و تحلیل شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی داشته باشد و سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی کمک کند.

یافته‌های تحقیق

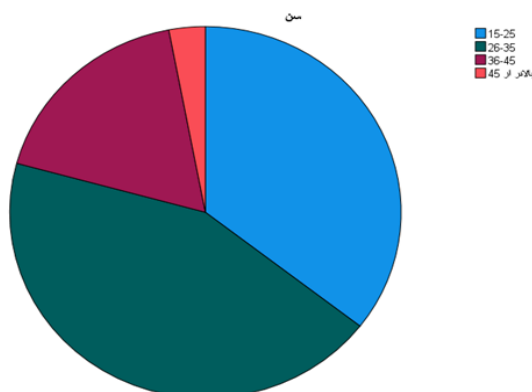
تعداد پرسش‌نامه‌هایی که بین شرکت‌کنندگان در این تحقیق همکاری نمودند، بیش از چهارصد عدد بود که از این تعداد چهارصد عدد آن از میان پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری شد. صحت پرسش‌نامه ابتدا بوسیله افراد نخبه مورد ارزیابی قرار گرفت، سپس بوسیله نرم‌افزار SPSS نسخه 27 پایایی آن مورد ارزیابی قرار داده شد. پایایی پرسش‌نامه بوسیله آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و عدد 0.842 به‌دست آمد که از لحاظ عددی جهت پایایی پرسش‌نامه عدد خوب و قابل قبولی می‌باشد. نتایجی که از پرسش‌نامه لیکرت که توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، به شرح زیر می‌باشد. محدوده سنی مورد مطالعه از ۱۵ تا بالاتر از ۴۵ سال بوده است که بیشترین شرکت‌کنندگان در محدوده سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار داشتند. این امر نشان‌دهنده حضور طیف جوانی است که به فعالیت‌های تحقیقاتی علاقه‌مند بودند و کمترین افراد شرکت‌کننده در تحقیق افراد بالای 45 سال هستند. اطلاعات مورد نیاز افراد شرکت‌کننده در تحقیق از لحاظ سنی در جدول شماره (1) درج شده است.

جدول شماره (1) سن افراد شرکت‌کننده در تحقیق

کثرت	کثرت نسبی	فیصد کثرت نسبی
142	0.3550	35.5
175	0.4375	43.75
15-25		
26-35		

17.75	0.1775	71	36-45
3	0.030	12	بالتر از 45
100	1	400	مجموع

هم چنین اطلاعات مربوط به سن افراد شرکت کننده در تحقیق در شکل (1) زیر نمایش داده شده است.



شکل شماره (1) مربوط به سن افراد شرکت کننده در تحقیق

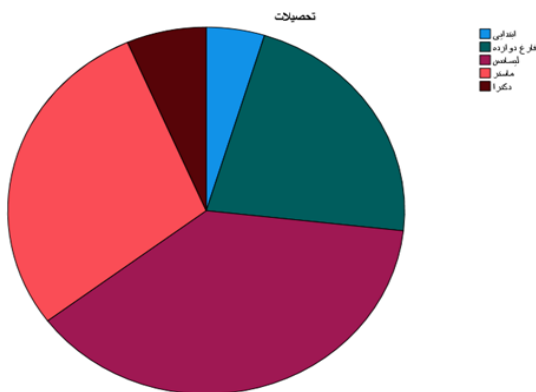
طیف جمعیتی شرکت کننده گان در تحقیق از لحاظ سطح علمی به دسته های مختلفی تقسیم می شدند، که عبارتند از: مقطع ابتدایی تا سطح دکتورا را شامل می شود، بیشترین تعداد افراد شرکت کننده در تحقیق از مقطع کارشناسی یا لیسانس فارغ التحصیل شده با 38% و کمترین شرکت کننده ها از مقطع دکتورا با 6.5% بوده اند. مشخصات کامل افراد شرکت کننده از لحاظ سطح تحصیلات در جدول شماره (2) زیر ارائه شده است.

جدول شماره (2) مربوط به سطح تحصیلات افراد شرکت کننده در تحقیق

کثرت	کثرت نسبی	فیصد کثرت نسبی	اعتبار
19	0.0475	4.75	ابتدایی
88	0.22	22	فارغ دوازده
152	0.38	38	لیسانس
115	0.2875	28.75	ماستر
26	0.065	6.50	دکترا
400	1	100	مجموع

پوهنمل دکتور علی احمد محمدی

هم چنین شکل شماره (2) مربوط به سطح تحصیلات افراد شرکت کننده در تحقیق به صورت زیر می باشد.



شکل شماره (2) مربوط به سطح تحصیلات افراد شرکت کننده در تحقیق 61.25% افراد شرکت کننده در تحقیق متأهل بودند و بقیه افراد مجرد، که این نشان دهنده علاقه بیشتر افرادی را می رساند، که ازدواج نموده اند و علاقه به کارهای تحقیقاتی دارند. که مشخصات کامل این افراد در جدول شماره (3) نشان داده شده است.

جدول شماره (3) مربوط به وضعیت تأهل افراد شرکت کننده در تحقیق

کثرت	کثرت نسبی	فیصد کثرت نسبی		
متاهل	245	0.6125	61.25	اعتبار
مجرد	155	0.3875	38.75	
مجموع	4	1	100	

با توجه با جواب های پاسخ دهنده گان به سوالات پرسش نامه و جدول توزیع استیودنت، نشان می دهد که قیمت اوسط جواب های شرکت کننده های در تحقیق بزرگتر از سه می باشد، که نشان می دهد اکثر پاسخ دهنده ها دیدگاه مثبتی نسبت به انرژی های تجدیدپذیر دارند. متغیرهایی با قیمت اوسط بالای چهار مانند ("کاهش آلودگی هوا" و استفاده از وسایل حمل و نقل برقی ") نشان دهنده تأیید قوی افراد شرکت کننده در تحقیق می باشد. متغیرهایی با اوسط نزدیک به 2.5 مانند " فرهنگ سازی کافی برای استفاده از انرژی های تجدیدپذیر " و " زیرساخت های لازم موجود می باشد "، نشان دهنده

پوهنمل دكتور على احمد محمدى

دیدگاه انتقادى تر پاسخ دهنده ها در تحقیق است. با توجه به اطلاعات استخراج شده نتایجى که به دست مى آید عبارتند از: نگرش مثبت کلى نسبت به استفاده از انرژی های تجدیدپذیر، نیاز به فرهنگ سازی و زیرساخت های بیشتر احساس مى شود، پاسخ دهندگان تأکید زیادى بر ضرورت حمایت های تحقیقاتى و سیاست گذاری های مرتبط با انرژی های تجدیدپذیر دارند. که این اطلاعات در جدول شماره (4) آمده است.

جدول شماره (4) مربوط به ضرایب بیتا، توزیع استیودنت و فاصله اطمینان

مدل	B	خطای استندرد	ضرایب غیر استندرد شده	استندرد ضرایب	t - توزیع	معنادار بودن	فاصله اطمینان 95% برای B	
							حد پایین	حد بالا
(ثابت)	2.412	0.441			5.469	0.000	1.545	3.279
از انواع منابع انرژی تجدیدپذیر مانند خورشیدی، بادی، آبی و زیست توده آگاهی دارم	0.009	0.068	0.009		0.137	0.891	-0.124	0.142
استفاده از انرژی- های تجدیدپذیر مى تواند به کاهش آلودگی هوا کمک کند	0.047	0.086	0.045		0.554	0.580	-0.121	0.216

0.237	0.010	0.033	2.137	0.125	0.058	0.124	اطلاعات كافي درباره تأثيرات منفي سوخت‌هاى فسيلي بر محيط‌زيست دارم
0.121	-0.182	0.693	-0.395	-0.027	0.077	-0.030	آموزش و اطلاع رسانى انرژى‌هاى تجديدپذير ضرورى مى‌باشد
0.216	-0.048	0.210	1.255	0.077	0.067	0.084	هزينه اوليه نصب و راه‌اندازى انرژى- هاى تجديدپذير بالا مى‌باشد
0.032	-0.165	0.187	-1.321	-0.070	0.050	-0.066	زيرساخت‌هاى لازم براى استفاده گسترده از انرژى- هاى تجديدپذير موجود مى‌باشد
-0.063	-0.306	0.003	-2.982	-0.181	0.062	-0.184	فرهنگ‌سازى كافي براى استفاده از انرژى‌هاى تجديدپذير در جامعه وجود دارد

0.163	-0.017	0.111	1.598	0.084	0.046	0.073	سياست‌هاى حمائتي كافي برائى توسعه انرژي‌هاى تجديدپذير وجود ندارد
0.306	0.041	0.010	2.581	0.163	0.067	-0.174	تمايل مصرف انرژي به سمت منابع تجديدپذير در جامعه موجود مى- باشد
0.040	-0.163	0.233	-1.193	-0.069	0.051	-0.061	روش‌هاى صرفه- جويى در مصرف انرژي (استفاده از لامپ‌هاى كم مصرف) در جامعه رايج مى‌باشد
0.073	-0.138	0.547	-0.604	-0.037	0.054	-0.032	نصب پنل خورشيدى روى ساختمان‌ها به عنوان يك سياست ملي ترويج مى‌شود

0.053	-0.125	0.429	-0.792	-0.048	0.045	-0.036	جهت کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی، به چه پیمانہ از وسایل حمل و نقل مانند بایسکل استفاده می‌شود
-0.067	-0.361	0.005	-2.854	-0.198	0.075	-0.214	استفاده از انرژی-های تجدیدپذیر می‌تواند به کاهش گرمایش جهانی کمک کند
0.078	-0.167	0.472	-0.720	-0.046	0.062	-0.045	آلودگی ناشی از سوخت‌های فسیلی یکی از مهم‌ترین مشکلات زیستمحیطی می‌باشد
0.156	-0.112	0.751	0.318	0.022	0.068	0.022	افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود

0.080	-0.199	0.402	-0.840	-0.059	0.071	-0.060	توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر می- تواند موجب کاهش استفاده از منابع طبیعی تجدیدناپذیر شود
0.209	-0.061	0.279	1.084	0.074	0.069	0.074	من از اهمیت حفاظت از محیط زیست آگاهی دارم و به استفاده از انرژی‌های پاک علاقه مند
0.166	-0.159	0.965	0.044	0.003	0.083	0.004	فناوری‌های جدید می‌توانند بهره‌وری انرژی‌های تجدیدپذیر را افزایش دهند
0.073	-0.220	0.326	-0.983	- 0.063	0.075	-0.073	استفاده از هوش مصنوعی و داده- های بزرگ می‌تواند به بهینه‌سازی مصرف انرژی کمک کند

0.243	-0.059	0.231	1.200	0.089	0.077	0.092	تحقيقات در زمينه انرژى هاى تجديدپذير بايد بيشتر مورد حمايت قرار گيرد
0.197	-0.060	0.293	1.053	0.065	0.065	0.069	آينده انرژى جهانى به سمت استفاده از منابع تجديدپذير حرکت خواهد کرد
0.114	-0.142	0.831	-0.214	-0.014	0.065	-0.014	من در زندگى روزمره سعى مى کنم ميزان مصرف انرژى خود را کاهش دهم
0.381	0.064	0.006	2.766	0.174	0.081	0.223	استفاده از خودروهاى برقى يا دوچرخه مى تواند جاىگزين مناسبى براي وسايل نقليه بنزىنى باشد
0.118	-0.196	0.627	-0.487	-0.038	0.081	-0.039	من ترجيح ميدهم خانه اى داشته باشم که از پنل هاى خورشيدى استفاده مى کند

من مايلم در دوره-	-0.044	0.064	-0.048	-0.684	0.494	-0.171	0.083
هاى آموزشى مرتبط با انرژى هاى تجديدپذير شرکت کنم							

همچنين تحليل جدول شماره (4) به شرح زير مى باشد: قيمت ضريب همبستگى از روى جدول برابر 0.377، قيمت مثبت ضريب همبستگى نشان دهنده رابطه مستقيم بين دو متغير را بيان مى کند، يعنى با افزايش يک متغير، متغير ديگر نيز افزايش پيدا مى کند. و قيمت ريگراسيون برابر 0.142، که اين عدد نشان دهنده رابطه خطى ضعيف بين متغيرها مى باشد. بررسى کلى مدل نشان مى دهد، مقدار عرض از مبدأ 2.412، با سطح معنادارى برابر 0.005 نشان مى دهد که مقدار پايه متغير وابسته بدون تأثير متغيرهاى مستقل، معنادار است. برخى متغيرهاى مستقل تأثير معنادارى دارند و برخى ديگر تأثير ضعيف يا نامعنا دارند. "اطلاعات درباره تأثيرات منفى سوخت هاى فسيلى" تأثير مثبت 0.124 دارد، يعنى آگاهى بيشتر از مشکلات سوخت هاى فسيلى، تأثير مثبتى بر متغير وابسته دارد. "تمايل مصرف انرژى به سمت منابع تجديدپذير" تأثير 0.174 دارد، يعنى جامعه هرچه بيشتر به انرژى هاى تجديدپذير گرايش پيدا کند، متغير وابسته نيز رشد مى کند. "استفاده از وسايل حمل و نقل برقى" بيشترين تأثير مثبت 0.223 را دارد، که نشان مى دهد اين عامل يکى از مهم ترين محرک ها در مدل است. "فرهنگ سازى براى انرژى هاى تجديدپذير" داراى مقدار -0.184 است، يعنى اگر جامعه احساس کند که فرهنگ سازى در اين زمينه کافى نيست، احتمالاً اثر منفى بر متغير وابسته دارد. "استفاده از انرژى هاى تجديدپذير براى کاهش گرمائش جهانى" مقدار -0.214 دارد که ممکن است نشان دهنده اين باشد که نگرانى هاى محيط زيستى به تنهاى تأثير مثبتى بر تغيير رفتار ندارد. به صورت کلى هر چه ضريب بيتا مثبت تر باشد نشان دهنده اهميت و تاثيرگذارى بيشتر متغيرها بر روى يکديگر مى باشند، و هر چه قيمت ضريب بيتا کمتر باشد نشان دهنده تأثير کمتر متغيرها بر روى يکديگر است که مى تواند باعث کاهش اثر يک متغير بر روى ديگرى شود، اگر ضريب بيتا صفر باشد نشان دهنده دو متغير مستقل از هم مى باشند. در مجموع براى توسعه انرژى هاى تجديدپذير، بايد روى افزايش فرهنگ سازى کار شود، چون نبود فرهنگ سازى تأثير منفى دارد. بهبود

پوهنمل دکتور علی احمد محمدی

سیاست‌های حمایتی و کاهش هزینه‌های اولیه می‌تواند موجب افزایش پذیرش انرژی‌های تجدیدپذیر شود. توسعه وسایل حمل‌ونقل برقی و دوجرخه بیشترین تأثیر مثبت را دارد، پس سرمایه‌گذاری روی این بخش مؤثر است.

بحث و مناقشه

بحران انرژی در قرن حاضر، انسان‌ها را به فکر استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر وا داشت. زیرا با افزایش جمعیت زمین و ازدیاد مصرف سوخت‌های فسیلی، میزان آلودگی‌های محیط‌زیستی و تولید گازهای گلخانه‌ای افزایش یافت. به همین دلیل دانشمندان حوزه‌های مختلف مخصوصاً حوزه انرژی به فکر استفاده از منابع انرژی جایگزین افتادند. یکی از این منابع بسیار کارآمد، استفاده از منابع تجدیدپذیر مثل انرژی‌های خورشیدی، آبی، بادی و غیره می‌باشد. انرژی حرارتی به عنوان یکی از مهمترین تکنولوژی‌ها جهت استفاده از منابع تجدیدپذیر و صرفه‌جویی انرژی شناخته شده است (Babapoor et al. 2016). یکی از بارزترین مصداق‌های استفاده از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر، استفاده از نور در طول شبانه روز به عنوان منبع روشن‌کننده شناخته می‌شود. از انرژی‌های خورشیدی در نماهای شیشه‌ای به عنوان پنل‌های خورشیدی در صنعت ساخت و ساز به شدت مورد استفاده قرار گرفته است (Poirazis et al. 2004). در یکی از تحقیقات انجام شده در سطح نهادهای آکادمیک که توسط دی گارسیا و همکارانش مورد تحقیق و تفحص قرار گرفت، استفاده از مواد شفاف‌تر در ساختار شیشه‌ها تا زمینه بیشترین جذب نور خورشید بوسیله پنل‌های شیشه‌ای فراهم شود (Gracia et al. 2012). کشورهای پیشرو در صنعت استفاده از منابع تجدیدپذیر عبارتند از: آلمان، چین، آمریکا، کانادا، ناروی می‌باشد. به طوری که کشور آلمان به عنوان بزرگ‌ترین کشور پیشرو در صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر در اروپا شناخته می‌شود. کشور آلمان متعهد شد تا سال 2050 بیش از 80% مصرف برق خود را از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر تامین کند (Faraji. 2023). کشور چین در سال 2013 میلادی با ظرفیت 378 گیگاوات به اولین کشور از لحاظ میزان تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا شناخته می‌شد. سهم عمده این انرژی‌ها از انرژی برق - آبی و انرژی بادی گرفته می‌شود (Zhang. 2023). طبق پلان استراتژیک کشور چین پیش‌بینی شده بود که تا سال 2020 این مقدار انرژی برقی را به 350 گیگاوات رساند (Liu et al. 2022). و دولت چین برنامه‌ریزی نمود که در آینده نه‌چندان دور بیشتر مصرف برق این کشور از انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شود. ایالت متحده آمریکا از نصب و راه‌اندازی توربین‌های بادی، بیش از 60000

مگاوات برق تولید می‌کند، که در این زمینه رتبه دوم دنیا بعد از چین را کسب نموده است. شش ایالت جنوب غربی ایالت متحده آمریکا شامل آریزونا، کالیفرنیا، کلرادو، نوادا، نیومکزیکو و یوتا پتانسیل استفاده از انرژی خورشیدی را به مقدار زیادی دارا می‌باشند. به عنوان مثال یک مرکز در ایالت نوادا 64 مگاوات برق تولید می‌کند، هم‌چنین مرکز انرژی دیگری در ایالت کالیفرنیا 392 مگاوات برق تولید می‌کند (Mufson et al. 2010). ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر در کشور ایران تاکنون به ۱۵۳۰ مگاوات رسیده که از این میزان، سهم انرژی خورشیدی ۷۸۱،۷۶ مگاوات و سهم انرژی‌های بادی ۳۷۶،۳ مگاوات است. به‌گزارش ایسنا، جهان با شتابی بی‌سابقه به سوی برقی‌سازی مصرف انرژی تجدیدپذیر حرکت می‌کند و برآوردها نشان می‌دهند تا سال ۲۰۵۰ بیش از نیمی از انرژی مصرفی به صورت مستقیم از برق تأمین خواهد شد. این تحول جهانی با هدف کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و افزایش پایداری محیط‌زیست، به اولویتی اساسی تبدیل شده است. ۸۶ درصد از نیروگاه‌های جدید جهان از نوع تجدیدپذیر بوده‌اند ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر از ۶۰۰ گیگاوات در سال ۲۰۱۴ به ۴۵۰۰ گیگاوات در سال 2020 رسیده و پیش‌بینی می‌شود این ظرفیت تا سال ۲۰۳۰ به ۱۱ هزار گیگاوات افزایش یابد (Najafi et al. 2015). با توجه به صنعت رو به رشد انرژی‌های تجدیدپذیر، که همه کشورهای جهان به فکر استفاده از آن هستند. کشور افغانستان به داشتن طبیعت بسیار مناسب جهت استفاده از انرژی‌های پاک دارای شرایط مناسب اقلیمی می‌باشد. افغانستان از جمله کشورهایی است، که بیش از 75% از مساحت آن را نواحی کوهستانی تشکیل می‌دهد. این نواحی مستعد جهت تولید برق - آبی است، زیرا ایجاد سد یا بند در نواحی کوهستانی برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر مناسب می‌باشد. هم‌چنین نواحی جنوب غربی افغانستان مانند ولایت فراه به دلیل داشتن بیشترین مقدار نورخورشید در سال منطقه مناسب جهت احداث نیروگاه‌های برق خورشیدی است. ولایت هرات به دلیل داشتن بادهای موسمی منطقه منحصر به فرد جهت ایجاد نیروگاه‌های بادی است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین معضلات جهانی که زمینه‌ساز استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر شده است، تولید گازهای گلخانه‌ای است که موجب آلودگی محیط‌زیست و گرمایش زمین گردیده است. انرژی‌های تجدیدپذیر با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییرات آب‌وهوایی را محدود کرده، آلودگی هوا را کاهش داده و به بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کنند. هم‌چنین، این منابع انرژی وابستگی انسان‌ها

پوهنمل دکتور علی احمد محمدی

به سوخت‌های فسیلی را کاهش داده و از تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی جلوگیری می‌کنند. از بعد اقتصادی نیز هزینه‌های زندگی را کاهش می‌دهد. فرصت‌های شغلی جدید را ایجاد می‌کند، ضریب امنیت انرژی را نسبت به سوخت‌های فسیلی افزایش می‌دهد. در مجموع، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر نه تنها به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کند، بلکه از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز فواید بسیاری دارد و نقش مهمی در دستیابی به توسعه پایدار ایفا می‌کند.

پیشنهادهات

برای توسعه و گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشنهادات زیر می‌توانند مفید باشند:

(1) سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، (2) یکی از مهم‌ترین گام‌ها، (3) افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه تکنولوژی‌های انرژی تجدیدپذیر است تا بهره‌وری، (4) کارایی و کاهش هزینه‌ها بهبود یابد. این شامل توسعه پنل‌های خورشیدی کارآمدتر، توربین‌های بادی با بازدهی بالاتر و ذخیره‌سازی بهتر انرژی می‌شود.

حمایت از سیاست‌های دولتی:

(1) دولت‌ها باید سیاست‌هایی را وضع کنند که از تولید و استفاده انرژی‌های تجدیدپذیر حمایت کند.

(2) این شامل کاهش مالیات، ارائه تسهیلات مناسب برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و وضع قوانین حمایت‌کننده از این منابع است. (3) تشویق به استفاده از انرژی خورشیدی در خانه‌ها و صنایع، ترویج نصب پنل‌های خورشیدی در خانه‌ها و شرکت‌ها می‌تواند به کاهش وابستگی به انرژی‌های فسیلی و بهبود بهره‌وری انرژی کمک کند. برای این کار می‌توان به مالکان کمک‌های مالی یا تسهیلات ویژه ارائه داد.

توسعه انرژی باد و جئوترمال:

استفاده از توربین‌های بادی در نواحی با سرعت باد بالا و هم‌چنین توسعه منابع ژئوترمال در مناطقی که پتانسیل بالا دارند، می‌تواند به تنوع منابع انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کمک کند.

تشویق به استفاده از وسایل نقلیه برقی:

استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در شبکه‌های برق برای چارج وسایل حمل و نقل برقی می‌تواند کاهش آلودگی هوا را تسریع کند و تقاضا برای نفت و گاز را کاهش دهد.

پوهنمل دکتور علی احمد محمدی

ایجاد شبکه‌های هوشمند انرژی:

توسعه شبکه‌های برق هوشمند که بتوانند به طور بهینه منابع تجدیدپذیر را مدیریت کنند، بسیار مهم است. این شبکه‌ها می‌توانند انرژی‌های تولید شده در زمان‌های اوج، مصرف برق را ذخیره کرده و در مواقع نیاز به صورت بهینه توزیع کنند.

آموزش و آگاهی عمومی:

آموزش مردم در مورد اهمیت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و نحوه کاهش مصرف انرژی می‌تواند باعث تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و افزایش استقبال از این نوع انرژی‌ها شود.

ارتقای تکنولوژی ذخیره‌سازی انرژی:

انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی متغیر هستند و برای استفاده مؤثر به سیستم‌های ذخیره‌سازی کارآمد نیاز دارند. توسعه فناوری‌های باتری و سیستم‌های ذخیره‌سازی دیگر به افزایش بهره‌وری انرژی‌های تجدیدپذیر کمک خواهد کرد. این پیشنهادات می‌توانند به تسریع روند گذار به انرژی‌های پاک‌تر و کاهش تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی کمک کنند.

تقدیر و تشکر

این تحقیق در نتیجه تلاش‌های گروهی و حمایت‌های معنوی بسیاری از افراد به ثمر رسید. بدین وسیله از تمامی افرادی که در مراحل مختلف این تحقیق ما را یاری کرده‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنم. همچنین از معاونیت تحقیقات پوهنتون هرات و سایر نهادهای آکادمیک که در این تحقیق مساعدت نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

- Abdullah, A. A. (2021). Atmospheric emissions effects and mechanism. *NeuroQuantology*, 19(5), 25.
- Al-Rubaye, A. H., Jasim, D. J., Ameen, H. F. M., Al-Robai, H. A., & Al-Assal, J. R. (2023, April). The impacts of petroleum on environment. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 1158, No. 3, p. 032014). IOP Publishing.
- Arora, N. K. (2018). Environmental Sustainability—necessary for survival. *Environmental Sustainability*, 1(1), 1-2.
- Babapoor, A., Karimi, G., & Khorram, M. (2016). Fabrication and characterization of nanofiber-nanoparticle-composites with phase change materials by electrospinning. *Applied Thermal Engineering*, 99, 1225-1235.
- Chang, G., Jianguo, D., Adu, D., Boamah, K. B., tianfeng, P., & Darko, R. (2021). Energy production and its emission generation impact on the environment. *Current Science*, 121(2), 316-322.
- De Gracia, A., Navarro, L., Castell, A., Ruiz-Pardo, Á. Álvarez, S., & Cabeza, L. F. (2012). Solar absorption in a ventilated facade with PCM. Experimental results. *Energy Procedia*, 30, 986-994.
- Faraji Abdolmaleki, S., Esfandiary Abdolmaleki, D., & Bello Bugallo, P. M. (2023). Finding sustainable countries in renewable energy sector: a case study for an EU energy system. *Sustainability*, 15(13), 10084.
- Gołaś, J., Zarębska, K., Nosek, K., Szramowiat-Sala, K., & Marczak, M. (2019). Energy and environment as the foundations for sustainable development. *Environmental Science and Pollution Research*, 26(9), 8359-8361.
- Halkos, G. E., & Gkampoura, E. C. (2020). Reviewing usage, potentials, and limitations of renewable energy sources. *Energies*, 13(11), 2906.
- Hanaki, K. (2008). Global Climate Change and Cities. In *Urban Environmental Management and Technology* (pp. 175-194). Tokyo: Springer Japan.

- Jorquera, H., Montoya, L. D., & Rojas, N. Y. (2019). Urban air pollution. In *Urban Climates in Latin America* (pp. 137-165). Cham: Springer International Publishing.
- Kucaj, E., Susaj, E., & Qaja, B. (2017). Renewable energy-a great energizing potential that eliminates environmental pollution. *European Journal of Economics and Business Studies*, 3(3), 40-45.
- Kulkarni, S. J. (2017). Greenhouse Gases-a Brief Review. *Int. J. Res. Rev.*, 4, 18.
- Liu, C. J., Lü, J. Y., Zhao, W. C., Xu, Q., & Jin, Y. J. (2022). Development scenarios and environmental benefits analysis of future power generation industry under two modes in China. *Huan Jing ke Xue= Huanjing Kexue*, 43(7), 3375-3385.
- Mikhaylov, A., Moiseev, N., Aleshin, K., & Burkhardt, T. (2020). Global climate change and greenhouse effect. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(4), 2897.
- Najafi, G., Ghobadian, B., Mamat, R., Yusaf, T., & Azmi, W. H. (2015). Solar energy in Iran: Current state and outlook. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 49, 931-942.
- Poirazis, H. (2004). Double skin façades for office buildings (pp. 1-192). Report EBD.
- Wang, F., Zhao, X., Gerlein-Safdi, C., Mu, Y., Wang, D., & Lu, Q. (2017). Global sources, emissions, transport and deposition of dust and sand and their effects on the climate and environment: a review. *Frontiers of Environmental Science & Engineering*, 11(1), 13.
- Zhang, H. (2023). Key technologies and development challenges of high-proportion renewable energy power systems. *Highlights in Science, Engineering and Technology*, 29, 137-142.

عوامل کاهش فرش نباتی و اثرات تغییر اقلیمی آن از دید مردم محل (مطالعه موردی ولایت بدخشان)

پوهنمل عبدالمعروف یعقوبی^{1*}، نامزد پوهنیار عبدالرحمن صمدی²، شمس علی شمس³

1. دیپارتمنت باغداری پوهنځی زراعت، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان

3. محصل صنف چهارم دیپارتمنت باغداری پوهنځی زراعت، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان

* نویسنده مسئول- ایمیل: yaqubymaruf64@gmail.com

چکیده

منابع طبیعی (فرش نباتی) با ارزش ترین منبع طبیعی است که وجود آن به شکل مستقیم و غیرمستقیم؛ برای تداوم و بقای موجودات، کاهش خطرات زیست محیطی و توسعه پایدار افغانستان، یک نیاز اصلی است. به منظور شناسایی عوامل کاهش فرش نباتی و پیامدهای منفی آن، معلومات مورد نیاز در سال 1403 با توزیع پرسشنامه از مردم ولسوالی های مختلف ولایت بدخشان به روش تصادفی ساده به دست آمد. نتایج نشان داد که 39.4 و 37.5% مردم به ترتیب در قسمت کاهش فرش نباتی گزینه های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب نمودند. 53.3% و 25.7% مردم به ترتیب استفاده بیش از حد مردم و تبدیل به زمین های زراعتی را عوامل عمده کاهش فرش نباتی می دانند. 62.5% مردم تهیه چوب سوخت، ساخت و ساز مسکن، چرانیدن مواشی و فروش در بازار را هدف استفاده می دانند. 44.8% و 30.9% مردم به ترتیب افراد فقیر؛ اربابان، زورمندان و واسطه داران را، گروه های مخرب فرش نباتی بیان نمودند. 41.6 و 31.9% مردم راجع به وقوع سیلاب به ترتیب گزینه های زیاد و بسیار زیاد را انتخاب نموده و 97.5% مردم گفتند که سیلاب ها در نقاط عاری از فرش نباتی اتفاق می افتد و از سوی دیگر 85.6% پاسخ دهندگان بیان داشتند که در سال های آخر، آب تعدادی از چشمه ها در منطقه خشک شده و یا هم کاهش پیدا کرده است. فقر، استفاده بیش از حد مردم، ارباب سالاری و توجه کم دولت از عوامل عمده کاهش فرش نباتی بوده و پیامدهای منفی تغییر اقلیمی را در پی داشته و از جمله موانع بزرگ توسعه پایدار کشور محسوب می گردد. اگر جلو تخریب فرش نباتی گرفته شده و برای احیای آن اقدام گردد، ابتکار خوبی برای توسعه پایدار افغانستان خواهد بود.

واژه های کلیدی: جنگلات، چشمه، سیلاب، فرش نباتی و ولایت بدخشان

Factors of Vegetation Cover Reduction and Its Climate Change Effects from the Perspective of Local People (Case Study: Badakhshan Province)

Senior Teaching Assistant Abdulmaroof Yaqubi^{1*}, Teaching Assistant Abdulrahman Samadi², Shams Ali Shams³

1.2. Department of Horticulture, Faculty of Agriculture, Samangan Institute of Higher Education.

3. Fourth-year student, Department of Horticulture, Faculty of Agriculture, Samangan Institute of Higher Education.

* Corresponding Author Email: yaqubymaruf64@gmail.com

Abstract

Natural resources (natural vegetation) are considered the most valuable natural asset, as their existence—both directly and indirectly—ensures the survival of living beings, reduces environmental hazards, and is a fundamental necessity for the sustainable development of Afghanistan. In order to identify the causes of vegetation degradation and its negative consequences, the required data were collected in 2024 (1403 Hijri Shamsi) through the random distribution of questionnaires among residents of various districts of Badakhshan province.

The results indicated that 39.4% and 37.5% of respondents selected “very high” and “high” options, respectively, regarding the reduction of natural vegetation. Moreover, 53.3% and 25.7% of respondents identified “overuse by people” and “conversion to agricultural land” as the main causes of vegetation loss. Around 62.5% reported that the primary purposes of vegetation use include firewood collection, house construction, livestock grazing, and selling in the market. Additionally, 44.8% and 30.9% of respondents considered “poor people” and “landlords, powerful individuals, and those with influence,” respectively, as the main groups responsible for the destruction of vegetation. Regarding the occurrence of floods, 41.6% and 31.9% of respondents chose the options “high” and “very high,” respectively, while 97.5% stated that floods usually occur in areas devoid of vegetation. Furthermore, 85.6% of respondents mentioned that in recent years the water of several springs in the region has either dried up or significantly decreased. Poverty, excessive use by people, feudal practices, and lack of government attention were identified as the main factors contributing to vegetation degradation, which in turn have led to negative climate change consequences and are regarded as major obstacles to the country’s sustainable development. Preventing vegetation destruction and taking measures for its restoration can serve as an effective initiative toward the sustainable development of Afghanistan.

Keywords: Badakhshan Province, Floods, Forests, Springs and Vegetative Cover

مقدمه

جنگلات و جوامع محلی در افغانستان از جنگ متأثر گشته‌اند که به نظر می‌رسد چالش‌های محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ به‌زودی حل و فصل نخواهند شد. جنگ، فقر، بیکاری، تراکم جمعیت خانواده‌ها، فقدان و کمبود مواد سوخت، دور بودن قریه نشینان از شهرها و عدم دسترسی به امکانات اولیه زندگی، از عوامل مهم استفاده بی‌رویه مردم از منابع طبیعی و جنگل‌ها محسوب می‌گردد؛ در افغانستان مشاهده می‌شود که مردم آزادانه و اغلب به‌صورت غیرمجاز از منابع طبیعی و جنگل‌ها استفاده می‌کنند که اکثراً به این منابع صدمه می‌رسانند. در سال‌های آخر، به دلیل استفاده بی‌رویه مردم، مساحت مناطق جنگلی در افغانستان تا حدود 1.15 فیصد کاهش پیدا کرده است (Zurmoti, 2017). برنامه‌ریزی و سیاست‌های مدیریتی جنگل‌ها در افغانستان به سبب جنگ چهل ساله به دلیل عدم اجرای قوانین و مقررات و همچنین طرح‌های جنگلداری، مؤثر نبوده است (Ngang, et al., 2018). وزارت زراعت افغانستان گزارش نموده است که ساحه پوشش جنگلی افغانستان به بیش ۱،۹ میلیون هکتار می‌رسد. فعلاً سالان ۱۰ هکتار جنگلات به بیابان تبدیل می‌شود. به‌استثنای کوه‌های غربی تمام کوه‌های افغانستان کم‌وبیش جنگل دار است (پوپل، 2019). مهم‌ترین دلایل تخریب جنگل‌های کشور، آتش‌سوزی، فقر و مشکلات معیشتی جنگل نشینان و روستاییان کنار جنگل، چرای مواشی، تغییر استفاده زمین‌ها و توسعه زیرساخت‌ها، عنوان شده است (بیرانوند، 1396). جوامع محلی ساکن در داخل یا حاشیه جنگل محدوده شهرستان جاجی آریوب ولایت پکتیا افغانستان با توجه به محدودیت‌های محیطی، ویژگی‌های فردی، فقدان امکانات رفاهی (مواد سوخت عضوی، مواد ساختمانی)، کمبود فرصت‌های شغلی و درآمد، وابستگی نسبتاً زیادی به منابع جنگلی (فرآورده‌های چوبی و غیرچوبی) جهت رفع معیشت‌های تغذیه‌ای و صحتی، حمایتی و مسکن و اشتغال و درآمد، سبب تخریب جنگلات شدند؛ بنابراین معیشت کلی مردم محلی تا حدود زیادی به بهره‌برداری از منابع و محصولات جنگل گره‌خورده است. مصارف مواد سوخت با اوسط 3.94% بیشترین میزان استفاده را در بین جوامع محلی جنگل نشین داشته است. معیشت خانواده‌های روستایی در ابعاد سه‌گانه تغذیه و صحت، حمایتی و مسکن، اشتغال و درآمد در حد متوسط (حدود 3 از 5) به استفاده از فرآورده‌های چوبی و غیرچوبی جنگل وابسته است. بین میزان استفاده از منابع جنگلی با زندگی کلی مردم محلی در سطح 99 فیصد اطمینان، همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد (لاروی و همکاران، 1399). از نتیجه تحقیقی بالای جنگل‌های گلوگاه، چنین نتیجه به‌دست آمده است که

76.6% از مردم جنگل نشین از درختان و درختچه‌های جنگلی برای ساخت‌وساز و نیز تأمین سوخت استفاده نموده‌اند (Moayeri, 2013). با افزایش میزان درآمد خانواده‌ها، وابستگی جنگل نشینان به جنگل کمتر شده است (Feurer, 2018). جهت کاهش وابستگی معیشت جوامع محلی به منابع جنگلی و حفظ پایداری جنگل‌های با ارزش ولسوالی جاجی آریوب، لازم است ارگان‌های مسئول ولایت و کشور با همکاری سازمان‌های بین‌المللی برنامه‌های توسعهٔ حیاتی و اجرای جنگلداری مشارکتی را جهت تأمین انرژی‌های نو (خورشیدی، بادی و فسیلی)، آموزش و توانمندسازی مردم محلی در بهبود کسب‌وکار و تنوع اشتغال، تولیدات و درآمد، توسعهٔ بازارهای محلی و منطقه‌ای، برنامه‌ریزی و اجرا نمایند (لاروی و همکاران، 1399). خروج مواشی از جنگل، واگذاری مدیریت جنگل به مالداران، ایجاد اشتغال برای مالداران و تأمین علوفه مواشی مؤثرترین عوامل حفاظت از جنگلات و فرش نباتی می‌باشد. بر اساس محاسبه‌های انجام‌شده، در صورت خروج مواشی از جنگل، درآمد سالانه به‌دست‌آمده از جنگل به‌تنهایی 1.6 برابر درآمد سالانه به‌دست‌آمده از مالدار است (رضوانی و هاشم زاده، 1392). از دیدگاه جوامع محلی راهکارهای حفاظت از جنگل شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، نهادی و محیطی می‌باشد (سواری، 1400). برقراری ارتباط مستمر و کارآمد با کارشناسان و متخصصان منابع طبیعی و زراعت، قرق بندی چراگاه، کمک به روستاییان، فراهم نمودن شغل‌های جایگزین مانند زنبورداری، کشت گیاهان دارویی و...، افزایش سطح آگاهی و دانش بهره‌برداری، قرار دادن تخم لازم در اختیار مالکین چراگاه برای مشارکت آن‌ها در احیای چراگاه‌ها توسط مدیریت جنگل‌ها و چراگاه، از راهکارهای مناسب برای کاهش تخریب چراگاه و فرش نباتی می‌باشد (وندی، 1400). اگر قرار است جنگل‌های استوایی به توسعهٔ پایدار کمک کنند و به‌عنوان حافظ تنوع زیستی به حیات خود ادامه دهند، اقدامات برای رسیدگی به حفاظت از آن‌ها باید به‌طور چشمگیری افزایش یابد (Hamilton, 1991).

بیابان سازی در افغانستان بیشتر از 75% مجموع ساحه زمین را در مناطق غربی و جنوبی کشور به سبب چرای مفرط و جنگل زدایی و قطع جنگلات از قبل متضرر ساخته است (اداره ملی حفاظت محیط زیست، 2014). نزدیک به 45% سطح خشکی‌های جهان، زیر تأثیر پروسه‌های بیابان‌زایی قرار دارند و تقریباً 10 تا 20% این مناطق تاکنون به‌طور کامل تخریب‌شده‌اند. بیش از 250 میلیون نفر از جمعیت جهان زیر تأثیر پیامدهای زیان‌بار بیابان‌زایی قرار دارند (جعفریان و همکاران، 1390). افزایش جهانی انقراض انواع و تأثیرات اجتناب‌ناپذیر انسان بر تنوع زیستی، اهمیت توجه به حفظ، احیا و استفادهٔ

پایدار از اکوسیستم‌ها را افزایش داده است (Oeetl and lapin, 2021). احتمال وقوع خشک‌سالی در اوایل و اواخر فصل بارندگی در مناطق با جنگل‌زدایی بیشتر افزایش پیدا می‌کند. خطر آب‌وهوا را برای زراعت در منطقه افزایش می‌دهد که بخش از موانع برای توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود (Leite-Filho, et al., 2019). بر اساس تحقیقات مختلف از تأثیرات مختلف بسیار مفید جنگلات و فرش نباتی در حفظ آب و جلوگیری از هدر رفتن آن به صورت سیلاب‌های عظیم، پر آب شدن رودخانه‌ها در زمان خشک‌سالی است که گفته می‌شود «جنگل‌ها مادر رودخانه‌ها هستند» زیرا فرش نباتی با نفوذ دادن باران و برف در زمین و به وجود آمدن چشمه‌سارها از نوسان شدید آب رودخانه‌ها جلوگیری می‌کند و امکان جاری بودن آب در طول سال را فراهم می‌کند (کردوانی، 1374). تخریب جنگل‌ها میزان فرسایش و روان آب را به ترتیب 63.4 و 32 فیصد افزایش داده و نهال کاری این میزان را 46.6 و 50.7 فیصد کاهش داد (نوروزی مهبیاری و همکاران، 1394). یکی از مهمترین عامل خشکی و کاهش سطح جنگلات زاگراس، تغییر عوامل اقلیمی است و تغییر تبخیر و تفرق در طول زمان است (عطارد و همکاران، 1394). کشور ما همواره در معرض بلاهای طبیعی بسیاری قرار دارد. از جمع آن‌ها، سیلاب در رتبه نخست قرار گرفته و یکی از خطرناک‌ترین بلاهای طبیعی می‌باشد. فعالیت‌های انسانی مانند تخریب جنگل‌ها و چراگاه، چرای بی رویه مواشی، مدیریت نادرست منابع طبیعی، آثار و شدت سیل را چند برابر می‌کند (حسن زاده مطیعی و همکاران، 1402). تخریب فرش نباتی (درختان، بته‌ها و علف‌ها) سبب کاهش باران، گسترش سیل و رواناب، ازدیاد گرد و غبار، کاهش سفره‌های آب زیر زمینی، افزایش درجه حرارت، کاهش نسل حشرات، پرندگان و حیوانات، ازدیاد افسردگی، افزایش بیکاری، کویرزایی، مهاجرت روستائیان به کلان‌شهرها، کاهش گرده افشانی دربین درختان، کاهش نباتات دارویی، افزایش امراض نباتی و حیوانی، افزایش گاز کاربن دای اکساید و کاهش اکسیجن می‌گردد (حیدری، 1392). چراگاه سرمایه ملی و با ارزشی هستند و از عوامل مهم در فرایند توسعه به شمار می‌آیند (عوض پور و همکاران، 1397). برای مقابله با کمبود آب، احیا و حراست از چراگاه باید به یکی از فعالیت‌های بنیادی جامعه امروزی تبدیل شود. همانگونه که آب ناجی چراگاه است، چراگاه نیز ناجی و مامنی برای آب است. اقدام به حفظ چراگاه و استفاده بهتر، گام بزرگی در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار می‌باشد (خاتونی و کلاهی، 1400).

منابع طبیعی (فرش نباتی) افغانستان طی چند دهه آخر به طور چشمگیری کاهش پیدا کرده که در این اواخر منجر به پیامدهای تغییر اقلیم و خشک‌سالی گردیده است. این امر سد راه توسعه پایدار درکشور

پوهنمل عبدالمعروف یعقوبی

ما محسوب می‌شود. هنوز هم تحقیقات گسترده‌ای راجع به عوامل تخریب و کاهش سطح جنگلات و فرش نباتی، پیامدهای زیست‌محیطی و راه‌حل‌های مناسبی برای این مشکل در افغانستان صورت نگرفته است. این تحقیق سوالات همچون میزان کاهش فرش نباتی، علل و عوامل کاهش و پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از کاهش فرش نباتی را پاسخ خواهد داد.

هدف این تحقیق شناسایی عوامل تخریب فرش نباتی، پیامدهای زیست‌محیطی و راه‌حل‌های مناسب برای این مشکل از نظر مردم محل در ولایت بدخشان می‌باشد. امید است که نتیجه این تحقیق به دسترس مسئولین قرار گیرد تا در مطابقت با خواست‌های مردم، جلو تخریب فرش نباتی گرفته شده، تغییرات اقلیمی و اثرات مخرب زیست‌محیطی کمتر گردد که این امر به توسعه پایدار کشور کمک خواهد نمود.

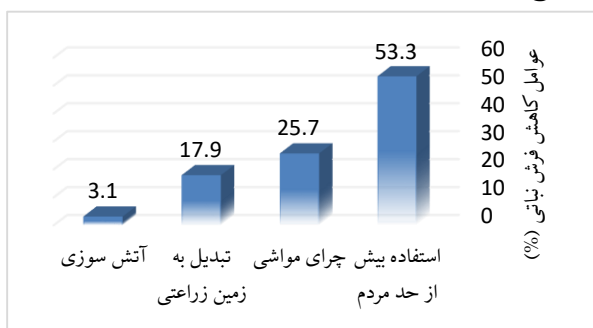
مواد و روش تحقیق

این تحقیق در سال 1403 در ولایت بدخشان برای بررسی عوامل تخریب منابع طبیعی (جنگلات و فرش نباتی)، پیامدهای زیست‌محیطی و راه‌حل‌ها از نظر مردم محل، انجام شده است. معلومات و داده‌های موردنیاز با توزیع 320 پرسش‌نامه به شکل تصادفی، از اهالی ولسوالی‌های مختلف ولایت متذکره جمع‌آوری گردید که در جمع‌آوری معلومات این تحقیق، یکی از محصلین دیپارتنمنت باغداری پوهنچی زراعت مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان، سهم فعال داشت. پرسش‌نامه شامل تعدادی از سوالات در سه بخش (مشخصات پاسخ‌دهنده، عوامل تخریب منابع طبیعی و پیامدهای آن و راه‌حل‌های مناسب حفاظت از منابع طبیعی) بود. معلومات جمع‌آوری شده با نرم افزار SPSS₂₆ تجزیه و تحلیل گردید و شکل‌ها با استفاده از پروگرام اکسیل ترسیم شد.

یافته‌های تحقیق

عوامل تخریب جنگلات و فرش نباتی منطقه

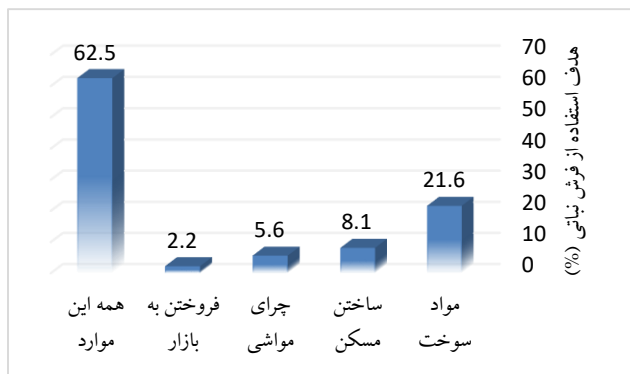
تحلیل و تجزیه معلومات به دست آمده نشان می‌دهد که 53.3% مردم به این نظرند که استفاده بیش از حد مردم عامل اصلی تخریب و کاهش جنگلات و فرش نباتی منطقه می‌باشد، 25.7% گفتند که عامل تخریب، تبدیل جنگلات و بته زارها به زمین‌های زراعتی و هم چنان 17.9% مردم چرانیدن مواشی در ساحه را، عامل کاهش سطح جنگلات و فرش نباتی می‌دانند (شکل 1)



شکل 1. عوامل تخریب جنگلات و فرش نباتی در ولایت بدخشان و تخار.

هدف استفاده از جنگلات و بته زارها

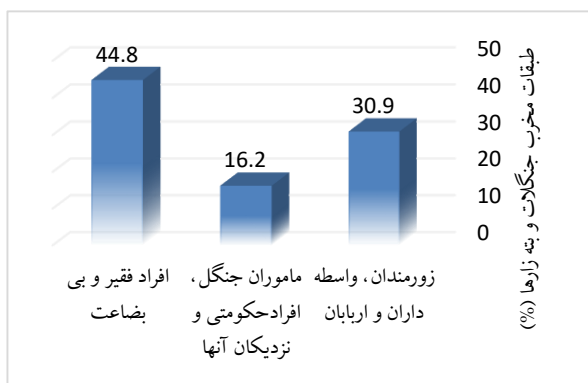
نتایج تجزیه و تحلیل معلومات نشان می‌دهد که 21.3% پاسخ‌دهندگان گفتند که از فرش نباتی جهت تهیه مواد سوخت و پخت‌وپز، استفاده می‌نمایند و 62.5% مردم به این نظرند که از جنگلات نه تنها برای تهیه چوب سوخت بلکه برای ساخت و ساز مسکن، چرانیدن مواشی و فروش در بازار و استفاده می‌نمایند (شکل 2).



شکل 2. هدف استفاده از جنگلات فرش نباتی منطقه مورد مطالعه.

گروه‌های سهم در تخریب جنگلات

نتایج تجزیه و تحلیل معلومات نشان داد 44.8% پاسخ‌دهندگان گفتند که گروه‌های مخرب جنگلات و فرش نباتی افراد فقیر و بی بضاعت اند، 30.9% مردم به این نظرند که گروه‌های سهم در تخریب بیشتر اربابان، زورمندان و واسطه داران‌اند و 16.2% نظر دادند که گروه‌های مخرب، ماموران جنگل و افراد حکومتی و وابسته‌گان آن‌ها می‌باشند (شکل 3).

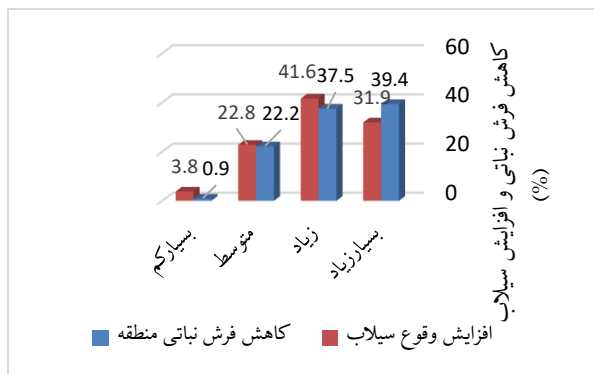


شکل 3. گروه‌های مخرب جنگلات و فرش نباتی منطقه مورد مطالعه.

کاهش سطح فرش نباتی و افزایش سیلاب در منطقه

تجزیه معلومات جمع آوری شده نشان داد که فرش نباتی و بته زارها نسبت به گذشته آسیب دیده، طوری که 39.4 و 37.5% مردم به ترتیب در قسمت کاهش فرش نباتی گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب نمودند و درعین حال بیان داشتند که با کاهش فرش نباتی میزان سیلاب‌ها هم افزایش پیدا کرده

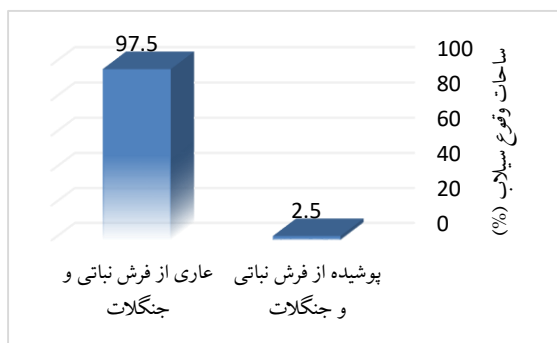
طوری که در این باره 41.6 و 31.9 % مردم به ترتیب گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد را انتخاب نموده اند (شکل 4).



شکل 4. کاهش فرش نباتی و افزایش سیلاب در منطقه مورد مطالعه.

ساحات وقوع سیلاب‌ها

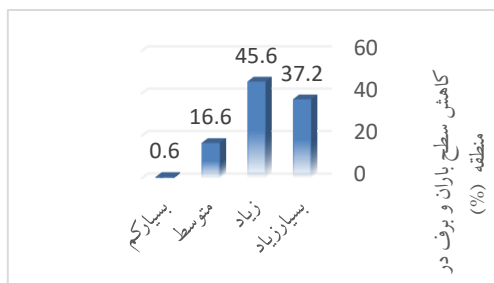
مردم محل تجربه ای این را دارند که در کدام نقاط سیلاب‌ها بیشتر اتفاق می افتد طوری که 97.5 % ایشان بیان داشتند که سیلاب‌ها در نقاط عاری از فرش نباتی و جنگلات اتفاق می افتد (شکل 5).



شکل 5. ساحات وقوع سیلاب در منطقه.

میزان کاهش باران و برف

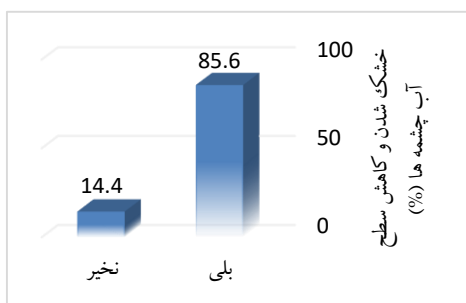
نتایج بدست آمده نشان داد که 45.6 و 37.2 % مردم به ترتیب گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد را در رابطه به میزان کاهش باران و برف در منطقه انتخاب نمودند و گفتند که در این اواخر میزان برف و باران بسیار زیاد کاهش پیدا کرده است (شکل 6).



شکل 6. میزان کاهش برف و باران در منطقه مورد مطالعه

میزان خشک شدن و کاهش آب چشمه‌ها در منطقه

معلومات بدست آمده نشان داد که 85.6% مردم محل به این باور اند که در سال‌های آخر، آب تعدادی از چشمه‌ها خشک شده و یا هم میزان آب در چشمه‌ها کاهش پیدا کرده است (شکل 7).



شکل 7. میزان خشک شدن و کاهش آب چشمه‌ها در منطقه.

مناقشه

کاهش فرش نباتی و تخریب جنگلات عوامل زیادی را در پی دارد طوری که در این تحقیق 53.3% مردم به این نظرند که استفاده بیش از حد مردم سبب تخریب و کاهش جنگلات و فرش نباتی منطقه گردیده است، 25.7% گفتند که عامل تخریب، تبدیل جنگلات و بته زارها به زمین‌های زراعتی و هم چنان 17.9% مردم چرانیدن مواشی در ساحه را، عامل کاهش سطح جنگلات و فرش نباتی می‌دانند. طوری که محققین دیگر بیان داشتند؛ به دلیل استفاده بی‌رویه مردم، مساحت مناطق جنگلی در کشور افغانستان تا حدود 1.15 فیصد کاهش پیدا کرده است (Zurmoti, 2017)، وابستگی مردم محلی جنگل نشین به محصولات درختان، درختچه‌ها و گیاهان بوته‌ای و علفی، عامل کاهش این منابع محسوب می‌شوند (Ngang, et al., 2018)، چرای مواشی، تغییر استفاده زمین‌ها و توسعه زیرساخت‌ها عوامل تخریب فرش نباتی اند (بیرانوند، 1396). نتیجه این تحقیق با نتایج محققین فوق هم خوانی دارد.

استفاده بی رویه و بیشتر مردم از فرش نباتی برای اهداف و مقاصد مختلفی صورت می گیرد، قسمی که در این مطالعه واضح گردید 62.5% مردم به این نظرند که از جنگلات نه تنها برای تهیه چوب سوخت بلکه برای ساخت وساز مسکن، چرانیدن مواشی و فروش در بازار و استفاده می نمایند. فقدان و کمبود مواد سوخت، دور بودن قریه نشینان از شهرها و عدم دسترسی به امکانات اولیه زندگی (Zurmoti, 2017)، تهیه امکانات رفاهی (مواد سوخت، مواد ساختمانی)، رفع معیشت های تغذیه ای و صحتی، حمایتی و مسکن (لاروی و همکاران، 1399)، وابستگی 76.6% از مردم جنگل نشین جنگل گلوگاه، به درختان و درختچه های جنگلی برای ساخت وساز و نیز تأمین سوخت (Moayeri, 2013) از اهداف عمده استفاده از جنگلات و فرش نباتی می باشند که نتیجه این تحقیق با نتایج محققین بالا هم خوانی دارد. همه ای مردم در کاهش فرش نباتی به شکل مساوی نقش ندارند، بلکه در جوامع مختلف نظر به وضعیت اقتصادی، چگونگی اجرای قانون و سطح آگاهی مردم استفاده از منابع طبیعی در بین اقشار مختلف جامعه متفاوت است، از جمله اقتصاد ضعیف مردم نقش خیلی زیادی در تخریب فرش نباتی منطقه دارد طوری که در این تحقیق واضح گردید 44.8%، 30.9% و 16.2% مردم به ترتیب افراد فقیر و بی بضاعت، اربابان، زورمندان و واسطه داران و ماموران جنگل و افراد حکومتی و نزدیکان آنها را گروه های مخرب فرش نباتی دانستند. با افزایش میزان درآمد خانواده ها، وابستگی جنگل نشینان به جنگل کمتر شده است (Feurer, 2018) و راه کارهای حفاظت از جنگل شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، نهادی و محیطی می باشد (سواری، 1400)، که نتیجه این مطالعه با نتایج علمای فوق هم خوانی دارد. خشک شدن آب چشمه ها و کاهش آن من حیث منبع آب دریاها و دریاچه ها، از جمله تاثیرات تغییر اقلیمی و عامل اساسی برای توسعه پایدار کشورها می باشد، هم چنان این کاهش رابطه ای معنی داری با کاهش برف و باران و پوشش نباتی در منطقه دارد. طوری که در این تحقیق 39.4 و 37.5% مردم به ترتیب در قسمت کاهش فرش نباتی گزینه های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب نمودند و بیان داشتند که با کاهش فرش نباتی میزان سیلاب ها هم افزایش پیدا کرده است، چون با کاهش فرش نباتی میزان جذب آب توسط سطوح کم گردیده و باعث رخ داد سیلاب ها در منطقه می شود قسمی که 41.6 و 31.9% مردم راجع به افزایش سیلاب به ترتیب گزینه های زیاد و بسیار زیاد را انتخاب نموده اند. در حقیقت در صورت فقدان پوشش نباتی، آب باران جذب زمین نگردیده و به شکل رواناب روی زمین جریان پیدا می کند که نتیجه این تحقیق با تحقیق رحیمی و آسمانه، 1393؛ جعفریان و همکاران، 1390؛ Leite-Filho, et al., 2019 و کردوانی، 1374، هم خوانی دارد. هم چنان

میزان باران و برف رابطه مستقیم با پوشش نباتی منطقه دارد، چون کاهش فرش نباتی منطقه سبب کاهش میزان بارندگی و برف خواهد شد، چنانچه در این تحقیق، مردم بیان داشتند که با کاهش فرش نباتی میزان بارندگی و برف هم در این مناطق، کاهش پیدا کرده طوری که راجع به این موضوع 47 و 31.5 % مردم به ترتیب گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد را انتخاب نموده‌اند. نزدیک به 45% سطح خشکی‌های جهان، زیر تأثیر پروسه‌های بیابان‌زایی قرار دارند (جعفریان و همکاران، 1390) تخریب فرش نباتی، سبب کاهش باران می‌گردد (حیدری، 1392) که نتیجه این تحقیق با یافته‌های محققین فوق هم‌خوانی دارد. میزان آب‌های زیرزمینی و چشمه‌ها رابطه مستقیم با میزان باران و برف منطقه دارد، منبع تغذیه آب‌های زیرزمینی و چشمه‌ها عبارت از آب باران و برف اند. زمانی که میزان بارندگی و برف هم کاهش پیدا کند، میزان آب‌های زیرزمینی و چشمه‌ها هم چنان کاهش پیدا می‌کند، طوری که در این تحقیق 85.6 % مردم محل به این باوراند که در سال‌های آخر، آب تعدادی از چشمه‌ها خشک شده و یا هم میزان آب در چشمه‌ها کاهش پیدا کرده است. «جنگل‌ها مادر رودخانه‌ها هستند» زیرا فرش نباتی با نفوذ دادن باران و برف در زمین و به وجود آمدن چشمه‌سارها، از نوسان شدید آب رودخانه‌ها جلوگیری می‌کند و امکان جاری بودن آب در طول سال را فراهم می‌کند (کردوانی، 1374)، تخریب فرش نباتی سبب کاهش سفره‌های آب زیرزمینی می‌گردد (حیدری، 1392)، همان‌گونه که آب ناجی چراگاه است، چراگاه نیز ناجی و مأمنی برای آب است. اقدام به حفظ چراگاه و استفاده بهتر، گام بزرگی برای جلوگیری از رواناب و افزایش آب‌های زیرزمینی می‌باشد (خاتونی و کلاهی، 1400) نتیجه این مطالعه با مطالعات محققین بالا هم‌خوانی دارد. کاهش فرش نباتی اعم از جنگلات، بته زارها، چراگاه‌ها و غیره سبب کاهش برف و باران، آب چشمه‌ها، دریا و درچه‌ها، افزایش فرسایش خاک و فقر مواد غذایی آن، افزایش درجه حرارت و خشک سالی‌های متدوام گردید که این همه ازجمله تأثیرات تغییر اقلیمی بوده و توسعه پایدار کشور را به خطر انداخته و باعث کاهش تولید و درآمد خانواده‌ها و کشور می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که دلیل کاهش سطح فرش نباتی عبارت از استفاده بیش از حد مردم، تبدیل جنگلات به زمین‌های زراعتی، چرانیدن مواشی و گاهی هم آتش سوزی می‌باشد. اقتصاد ضعیف و نبود توان خرید مواد برای تأمین سهولت‌های زندگی چالش دیگری است که به شکل مستقیم ازجمله عوامل تخریب فرش نباتی بوده که اکثراً مردم به نسبت قیمت بالای ادویه‌جات در بازار و

نداشتن توان خرید دوا، از جنگلات و فرش نباتی به منظور دوا استفاده می نمایند. تعدادی مردم از جنگلات و فرش نباتی به حیث مواد ساختمانی استفاده می نمایند. آگاه ساختن مردم از اهمیت منابع طبیعی، توزیع مواد سوخت و تطبیق درست قوانین و برخورد قانونی با متخلفین برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی (جنگلات و فرش نباتی)، مهم پنداشته می شود. هم چنین نظر به باورهای مردم محل اکثراً زورمندان، واسطه داران، اربابان، خویشاوندان افراد حکومتی در تخریب فرش نباتی رول دارند که باید با آن ها برخورد قانونی صورت گیرد تا سبب تخریب جنگلات و فرش نباتی در بدخشان نگردند. آب چشمه ها منابع اصلی آب در ولایت بدخشان را تشکیل می دهد که نسبت به گذشته، خشک شده و یا هم کاهش پیدا کرده است. هم چنان میزان باران و برف نسبت به سال های قبل افزایش و میزان وقوع سیلاب نسبت به گذشته ها در ولایت مذکور، افزایش پیدا کرده است. میزان کاهش آب چشمه ها، برف و باران و هم چنان افزایش وقوع سیلاب ها در مناطق متذکره رابطه مستقیم با کاهش فرش نباتی دارد، چون از نظر مردم در این ولایات، میزان فرش نباتی و جنگلات بسیار زیاد کم شده است. آب باران و برف و آب چشمه ها منبع اصلی برای آب های کشور محسوب می شود و این ها رابطه مستقیم با افزایش پوشش نباتی منطقه دارد که در صورت حفاظت و احیای جنگلات، چراگاه ها و بته زارها، منبع اصلی آب در کشور تقویت شده، از فرسایش خاک و کاهش مواد غذایی آن حفاظت شده، تنوع حیات و موجودات زنده حفظ شده و برای کاهش خشک سالی کمک می گردد که همه این عوامل سبب توسعه پایدار و رشد اقتصاد خانواده ها و کشور خواهد شد.

پیشنهادها

- ✓ باید راجع به اهمیت فرش نباتی و جنگلات برای مردم خصوصاً قریه نشینان، آگاهی دهی صورت گیرد.
- ✓ دولت افراد متخصص، متعهد و صادق را منحیث ماموران حفاظت از جنگلات و چراگاه ها انتخاب نماید.
- ✓ زورمندان، اربابان، افراد حکومتی و واسطه داران نقش بیشتری را در تخریب جنگلات و فرش نباتی بازی می کنند که باید جلو این گروه ها گرفته شود.
- ✓ دولت سهولت های زندگی را برای ملت خصوصاً قریه نشینان، مهیا بسازد تا اتکای آن ها به منابع جنگلی و فرش نباتی کمتر شود.

پوهنمل عبدالمعروف یعقوبی

- ✓ ایجاد شغل که اقتصاد خانواده‌ها را بالا ببرد، راه مناسبی برای کاهش تخریب فرش نباتی می‌باشد، نیاز است که دولت در زمینه اقدام جدی نماید.
- ✓ ضرور است که قانون بالای افراد دخیل در تخریب منابع طبیعی (فرش نباتی و جنگلات)، تطبیق شود.
- ✓ وزارت محترم زراعت در همکاری با مؤسسات بین المللی یک سروی از میزان فرش نباتی (جنگلات و چراگاه‌های) کشور، انجام داده و برای حفاظت فرش نباتی باقیمانده اقدام جدی نماید.
- ✓ دولت (وزارت زراعت) و مؤسسات خارجی باید برای احیای جنگلات و چراگاه‌ها در مناطق آسیب پذیر، اقدام نماید.
- ✓ قوانین استفاده از منابع طبیعی کشور نظر به وضعیت منابع ساخته شده و هر چه عاجل تطبیق شود.
- ✓ وضعیت مالداری مناطق بررسی شده و روش‌های مالداری عصری برای مردم آگاهی‌دهی شده و جلو مالداری سنتی گرفته شود.

منابع

- اداره ملی حفاظت محیط زیست افغانستان. (2014). پنجمین گزارش ملی افغانستان به کنوانسیون تنوع بیولوژیکی ملل متحد. 51 صفحه.
- بیرانوند، سمیرا. (1396). بررسی برخی از مهم ترین عوامل مؤثر در تخریب جنگل ها. هفتمین همایش سراسری محیط زیست انرژی و منابع طبیعی پایدار، تهران.
- <https://civilica.com/doc/733160>
- پوپل، کریم. (2019). اهمیت جنگلات و چوب در اقتصاد و محیط زیست کشور. آنالین افغان جرمن. جعفریان، وحید و بهرامی فروزان، مجید. (1390). مهار بیابان زایی، آشنایی با اصول و اهداف کنوانسیون مقابله با بیابان زایی. سازمان جنگل ها، چراگاه و آبخیزداری کشور، دبیرخانه کارگروه ملی مقابله با بیابان زایی، 40 صفحه.
- حسن زاده مطیعی رومینا، احمدی احمد و بیگدلی بهناز. (1402). بررسی تاثیر کاربری اراضی و پوشش گیاهی بر روی سیلاب با استفاده از سنجش از دور. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف، اصفهان ایران.
- حیدری، دهقان. (1392). چکیده مقاله نقش پوشش گیاهی در افزایش بارندگی، کاهش سیلاب در محیط زیست و توسعه پایدار. دومین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست ایران. خاتونی، نگین و کلاهی، مهدی. (1400). بررسی نقش و کارکرد مراتع در زمینه آب. نشریه آب و توسعه پایدار، 8(2): 91-104.
- رحیمی، علی و آسمانه، طهماسب. (1393). بررسی توان پوشش های نباتی بر ذخیره آب در مناطق. اولین همایش الکترونیکی یافته های نوین در محیط زیست و اکوسیستم های کشاورزی ایران.
- رضوانی، محمد و هاشم زاده، فهیمه. (1392). بررسی عوامل مؤثر در تخریب جنگل و تأثیر خروج دام از حوزه 14 جنگل های شمال کشور (فومن). نشریه پژوهش های علوم و فناوری چوب و جنگل، 20(3): 125-138.
- سواری، مسلم؛ اسکندری دامنه، حامد و اسکندری دامنه، هادی. (1400). راهکارهای حفاظت از جنگل های مانگرو در شهرستان میناب از دیدگاه جوامع محلی و کارشناسان. نشریه علمی تحقیقات حمایت و حفاظت جنگل ها و چراگاه ایران، 19(2): 368-383.

پوهنمل عبدالمعروف یعقوبی

عطارد، پدram؛ صادقی، سید محمدمعین؛ طاهری، سرتشنیزی؛ ساروئی، سعید؛ عباسیان، پریسا؛ مسیح پور، مهرنوش؛ کردستمی، فرشته و دریکوندی، آرش. (1394). اثرگذاری عوامل اقلیمی و تبخیر و تعرق بر زوال جنگل های زاگراس مرکزی در استان لرستان. دو فصلنامه پژوهشی تحقیقات حمایت و حفاظت جنگلها و مراتع ایران، 13(2): 97-112.

عوض پور، لیلا؛ قربانی، مهدی و عرفانزاده، رضا. (1397). تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی بهره برداران در راستای استقرار مدیریت مشارکتی مرتع (منطقه مورد مطالعه: سامان عرفی نردین، شهرستان میامی، استان سمنان، نشریه علمی-پژوهشی مرتع، 2(4): 391-400.

کردوانی، پرویز. (1374). ژئوهیدرولوژی در جغرافیا. چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
 لاروی، محمد اسماعیل؛ معیری، محمدهادی؛ عابدی، سروستانی احمد و شهرکی، محمدرضا. (1390). بررسی نوع و میزان بهره برداری از جنگل و نقش آن بر معیشت جنگل نشینان جاجی آریوب (استان پکتیا- افغانستان). نشریه پژوهش های علوم و فناوری چوب و جنگل، 27 (2): 31-15.

وندی، آیدالدین. (1400). عوامل مؤثر بر تخریب چراگاه و شناسایی راهکارهای حفاظت از آن. فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی، 5 (4): 71 - 9.

Feurer, M., Gritten, D., and Then, M. (2018). Community forestry for livelihoods: Benefiting from Myanmar's mangroves. *Forests*. 9(3): 150-157.

Hamilton, L. S. (1991). Tropical forests: identifying and clarifying issues. *Unasylva*, 42(166): 19-27.

Leite-Filho, A. T., de Sousa Pontes, V. Y., and Costa, M. H. (2019). Effects of deforestation on the onset of the rainy season and the duration of dry spells in southern Amazonia. *Journal of Geophysical Research: Atmospheres*, 124(10): 5268-5281.

Moayeri, M.H., Barani, H., Shahraki, M.R., and Behmanesh, B. (2013). Investigating the type and amount of utilization of forest resources by rural people in marginal villages (case study: Hezarjerib region- Mazindaran province). *Iranian J. of Forest*. 5(2): 151-160. (In Persian)

Ngang, F.D., Azinwie, A.G., Tellen, A.V., and Nchang, C.L. (2018). Community forest use and dependence for livelihoods in fako division,

پوهنمل عبدالمعروف یعقوبی

South West region of Cameroon. Greener J. of Agronomy, Forestry and Horticulture. 5(1): 1-11.

Zurmoti, N.H. (2017). Usage of GIS, remote sensing and GPS technologies for study of forest area destruction and support of the forestry in Afganistan. Scientific J. 1(63): 1-8.

د کورنیو اوبو د ضایع کیدو د سپما په موخه اغیزمنې لارې چارې

پوهنمل محمدطاهر امید^{۱*}، پوهنمل سیدولی صدیقی^۲

۱. بیولوژي خانګه، ښوونې او روزنې پوهنځی، اروزګان د لوړو زده کړو مؤسسه

* نویسنده مسئول-ایمیل: Omidw1392@gmail.com

لنډیز

د اوبو د بې ځایه مصرف ستونزه په کورنۍ برخه کې جدي ننگونه ده، چې د اقلیمي بدلونونو او د اوبو د محدودو سرچینو د خرابوالي له امله نوره هم زیاته شوې. په دې مقاله کې د اوبو د ضایع کېدو د لاملونو، اغېزو او د مخنیوي لپاره د حل لارو وړاندې کولو او نوموړو اهدافو ته د رسیدو هر اړخیزه څېړنه شوې ده که په کورنیو کې د اوبو سپما وشي، نو په ټوله کې د اوبو د سرچینو د ساتنې او د راتلونکو نسلونو لپاره د اوبو د دوامداره شتون تضمین کېدای شي. په کورنۍ برخه کې د اوبو سپما لپاره د مؤثرو ټکنالوژیو لکه د اوبو د جریان د کنټرول وسایل، د بیا ځل کارونې سیستمونه او د عامه پوهاوي پروګرامونو پراختیا اړینه ګڼل کېږي. نړیوالې تجربې ښيي چې د قوانینو پلي کول، د ټکنالوژۍ ملاتړ او د عامه او خصوصي سکتور همکاري د اوبو د سپما لپاره بنسټیز رول لوبوي. په نتیجه کې ویلی شو چې پورته اقدامات نه یوازې د اوبو د ضایع کېدو د مخنیوي او سپما لپاره ګټور دي، بلکې د چاپېریال ساتنې، اقتصادي پرمختګ او ټولنیزې ښېګڼې په برخه کې هم حیاتي رول لوبوي. دڅېړنې کړنلاره توصیفي ده، پدې معنی چې ټول معلومات له نړیوالو علمي مقالو څخه راټول شوي دي او تر تحلیل وروسته په لنډ ډول پدې مقاله کې وړاندې شوي دي، تر څو د څېړنې جامع پوښښ او اعتبار تضمین کړي. دا سرچینې په دقت سره کتل شوې، څو د موضوع په اړه بشپړ پوهاوی چمتو کړي.

کلیدي اصطلاحات: د تصفیې ټکنالوژي، سپما، ضایع، کورنۍ اوبه او وسایل

Effective Strategies for Household Water Conservation

Senior Teaching Assistant Mohammad Tahir Omid¹*, Senior Teaching Assistant Sayed Wali Siddiqi²

1. Department of Biology, Faculty of Education, Urozgan Higher Education Institute

* Corresponding Author Email: Omidw1392@gmail.com

Abstract

Water wastage in households poses a growing challenge, intensified by climate change and the degradation of finite water resources. This study investigates the primary causes and consequences of domestic water loss while emphasizing the importance of sustainable management practices. Key solutions include the use of water flow control technologies, greywater reuse systems, and awareness-raising initiatives aimed at behavior change. International experiences highlight the critical role of policy enforcement, technological innovation, and collaboration between public and private sectors in promoting water efficiency. By preventing unnecessary water loss at the household level, not only can water sources be preserved, but long-term environmental, economic, and social benefits can also be achieved. The research adopts a descriptive methodology, based on a comprehensive review of scholarly literature, ensuring credibility and depth of understanding. The findings underscore the need for integrated efforts to conserve water as a vital resource for future generations.

Keywords: Water conservation, household usage, sustainable practices, technology, awareness.

سريزه

اوبه د ژوند د بنسټيزو اړتياوو څخه دي. له پيل نه تر نن ورځې، انسانانو د اوبو په مرسته د ژوند بيلابيل اړخونه لکه خوراک، پاکوالی، زراعت او صنعت په برياليتوب سره ترسره کړي دي. خو د عصري ټولنې په راتگ سره او د نفوس د زياتوالي، صنعتي پرمختگونو او اقليمې بدلونونو په وجه، اوبه اوس د يوې محدودې سرچينې په توگه گڼلکېږي. په ځانگړي ډول په کورنيو کې د اوبو ضايع کېدل يوه جدي ستونزه ده چې د کورنيو د اقتصادي بوج تر څنگ د چاپېريال لپاره هم ژورې ستونزې رامنځته کوي (Koop, Van Dorssen, & Brouwer, 2019).

اوبه چې د ځمکې ۸،۷۰ فيصده برخه يې پوښلې ۹۷ سلنه يې په بحرونو کې موجودې دي چې د مالگو د ذاتي اندازې له امله د انساني ضرورتونو لپاره مناسبې نه دي. خوږې اوبه چې د امسان په واسطه په مصرف رسېږي ۱٪ موجودې دي نو بايد يې د مصرف څخه ځان وساتو (مندوزی، ۱۳۹۲). د روغتيا نړيوال سازمان (WHO) او يونيسف د يوه راپور له مخې، چې په ۲۰۲۲ ميلادي کال کې خپور شوی د هرو درې کسانو څخه يو (يعنې ۲،۱ ميليارده خلک) د څښاک اوبو ته د کور دننه لاسرسی نه لري، او د هر لسو کسانو څخه شپږ (يعنې ۴،۴ ميليارده خلک) له مناسبې حفظ الصحې بې برخې دي. په پرمختللو هيوادونو کې، د هر فرد د اوبو اوسط مصرف په تېرو ۱۰۰ کلونو کې تقريباً ۱۰ چنده زيات شوی او په تېرو ۳۰ کلونو کې له ۲ چنده ډېر شوی دی. په عامه ځايونو کې د اوبو اوسط مصرف د استوگنيزو ودانيو په پرتله شاوخوا ۵۰٪ زيات دی، چې د هر کس لپاره نږدې ۲۰۰ ليتره اوبه په ورځني ډول مصرفېږي، چې په ځانگړو ودانيو لکه روغتونونو کې، دا مقدار د هر کس لپاره تر ۵۰۰ ليترو پورې رسېږي (Knapik, 2022).

د کورنيو اوبو مصرف نسبت غير کورنيو اوبو ته لوړ دی، ځکه چې د نفوس د زياتوالي له امله د اوبو غوښتنه زياته شوې او نوموړې غوښتنې د اوبو د مديریتي سيستم لپاره ننگونې رامنځته کړې دي. نو په همدې اساس د کورنيو اوبو د سرچينو سم مديریت اړين دی ترڅو د عرضې او تقاضا توازن يقيني شي او په پايله کې د کورنيو اوبو د اوسنيو او راتلونکو مصرف کوونکو اړتياوې پوره شي (Hasan, Razali, & Razali, 2021). د کورنيو د غړو د شمېر زياتوالی د اوبو په مصرف باندې اغيزه کوي، په دې کې هغه کورونه چې د کورنۍ غړي يې زيات او لوی کورونه لري د کورنيو اوبو مصرف يې زيات دی (Hasan et al., 2021). خو د اوبو کمښت ځينې ستونزې هم لري لکه د فاضله اوبو جريان کموي او د جامدو موادو انتقال ته زيان رسوي او په نتيجه کې د فاضله اوبو د سيستم په فعاليت

منفي اغېز کوي، چې دسیستم د بنديدو یا نورو خنډونو سره مخ کولی شي (Vahmani & Jones, 2017).

د اوبو اهمیت ته په کتلو باید د اوبو د سپما لپاره خپلې هڅې دوامداره وساتو د اوبو ککړتیا او کموالی مو د ډول ډول ناروغيو لامل ګرځي او د اوبو ښه کیفیت مو د ژوند د بقا لامل ګرځي (کوچي، ۱۳۹۴).

د اوبو د نشتوالي ستونزه چې په ځانګړې ډول په وچ اقلیم لرونکو هېوادونو کې یې اغېزې ډېرې څرګندې دي. افغانستان هم له دې ستونزې څخه مستثنا نه دی، که څه هم د اوبو سرچینې محدودې دي، خو د خلکو له خوا د اوبو بې ځایه مصرف، د نلونو لیکیدنه، د اوبو پر ارزښت نه پوهېدل او د سپما دکلتور نشتوالي دا ستونزه لا پسې جدي کړې ده. له همدې امله اړتیا ده چې د کورنیو په کچه د اوبو سپما ته پاملرنه وشي او داسې اغېزمنې لارې چارې وڅېړل شي چې د دې مهمې طبیعي سرچینې د دوامداره مدیریت لامل شي.

دا چې په ورځني ژوند کې اوبه څومره مهمې دي؟ څنګه کولای شو د اوبو سپما وکړو؟ او کوم عوامل دي چې د اوبو مصرف یې لوړ کړی دی؟ نوموړو پوښتنو ته په ځواب ویلو سره په دې مقاله کې هڅه کېږي چې د کورنیو اوبو د ضایع کېدو د مختلفو عواملو په اړوند بحث وکړو او د دې ستونزې د حل لپاره علمي او عملي لارې چارې وړاندې کړو.

په دې ترڅ کې به دې موخې ته ورسېږو چې د کورنیو په کچه د اوبو ضایع کېدو لاملونه، د هغې منفي اغېزې او د حل لارې څه دي. دغه راز به د عامه پوهاوي د زیاتولو، د نوې ټکنالوژۍ کارونې او د قوانینو او مقرراتو د پیاوړتیا ارزونه هم وشي.

د اوبو د سپما او د ضایع کېدو مخنیوی یوه ګډه هڅه ده چې په کې د هر فرد، کورنۍ، ټولنې او حکومت مسؤلیت شامل دی. یوازې په ګډه توګه کولای شو چې د اوبو محدودې سرچینې په موثره توګه وساتو او راتلونکو نسلونو ته د پاکو او خوندي اوبو تضمین ورکړو.

د نوموړې مقالې د لیکنې لپاره مې د توصیفې کړنلاره څخه ګټه اخستې ده. د توصیفې - کیفي میتود په نظر کې نیولو سره اکثریت معلومات د نړیوالو مقالو راټول شوي او تر تحلیل وروسته په لنډ ډول پدې مقاله کې وړاندې شوي دي، تر څو د څیړنې جامع پوښښ او اعتبار تضمین کړي. دا سرچینې په دقت سره کتل شوي، خو د موضوع په اړه بشپړ پوهاوی چمتو کړي او په کورنیو کې د اوبو د سپما په موخه د اړیکو ژور تحلیل اسانه کړي.

د مقالې اصلي متن

۱. د کورنيو اوبو د ضايع کېدو عوامل

د نړۍ مختلفې برخې د اوبو د کمبود د سختو فشارونو سره مخ دي، چې په عمده توګه دا فشار د انسانانو د نفوس د زياتوالي، د ځمکې لاندې اوبو کمۍ، د موجوده اوبو د سرچينو ناسم مدیریت، د اوبو د بيا کارونې نشتوالی، د اوبو د ضايع کېدو زياتوالی او د سیندونو د اوبو د ککړتيا له امله دی. دا چې د اوبو سرچينې وچپيري نو ډیر ژر به د نړۍ ډیری ښارونه د اوبو د صفر شرایطو سره مخ شي (Klosok-Bazan et al., 2021).

کورنۍ جوړښت هغه عامل دی چې ممکن د اوبو پر سپما باندې اغیزه وکړي. همدارنګه مختلف فاکتورونه پيژندل شوي چې د کورنيو اوبو پر مصرف باندې اغیزه کوي، لکه دیموګرافیکي ځانګړتیاوې، ټولنیز دیموګرافیکي عوامل لکه د کورنۍ عاید، د استوګنې ډول او اندازه، د کور مالکیت، د کورنۍ جوړښت او عمر ممکن په ورځنیو فعالیتونو اغیز وکړي چې دا عوامل د اوبو پر سپما پورې اړه لري او د کورنيو اوبو د مصرف اندازه، تکرار او موده اغیزمنوي (Hasan et al., 2021). ځینې مهم عوامل او فکتورونه په لاندې ډول بیانوو:

۱.۱. زاړه او ناکاره پایپونه او نلډوانی

یو له اساسي عواملو څخه چې په کورنيو کې د اوبو د ضايع کېدو سبب ګرځي، زاړه او ناکاره پایپونه او د اوبو د رسولو سیستمونه دي. په ډېرو کورنيو کې زاړه پایپونه، چې د ناسمو موادو څخه جوړ شوي د وخت په تیریدو سره خرابیږي. د دې پایپونو ماتېدل، درزونه او د اوبو بهېدل په منظم ډول د کورنو اوبه ضايع کوي. د اوبو رسولو سیستمونو غیر معیاري ډیزاینونه او ساتنې ته کمه توجه هم د اوبو د ضايع کېدو اساسي عوامل ګڼل کېږي (Mazumder, Salman, Li, & Yu, 2018).

د ۲۰۱۰ کال په اوږدو کې د اوبو سرچینو د ساتنې لپاره، د ملي اوبو مدیریت کمیسیون (SPAN) د اوبو رسولو نوي قوانین معرفي کړي چې د اوبو د مدیریت د ستراتیژۍ یوه برخه ده. د دې قوانینو له مخې د لوړ فشار لرونکي د اوبو پایپونو، شاورونو، واشرونو استعمال او د باران د اوبو ذخیره د اوبو د ضايع د مخنیوي مهمې لارې دي. ځکه د اوبو د سپما وسایل هم د اوبو د سرچینو د مدیریت یوه تګلاره ګڼل کیږي. په پرمختللو هیوادونو لکه سینګاپور کې د نوموړې ستراتیژۍ عملي کولو وکولی شول د اوبو د کارولو ناسم عادتونه بدل کړي (Hasan et al., 2021).

۱.۲. د ناسمو مصرفي عادتونو اغېزې

په کورونو کې د اوبو سپما د اوبو د تقاضا د مدیریت مهمه برخه ده، چې هدف یې د اوبو غوښتنې کمول دي، د دې لپاره چې د اوبو کاروونکو ته د اوبو د مصرف پایداری لارې وښودل شي. سیلوا-افونسو د اوبو سپما په اړه پنځه ټکي بیان کړي، چې په ځانګړې توګه په کورونو کې د اوبو د سپما اقداماتو ته پاملرنه کوي: (1) مصرف کمول؛ (2) ضایعات کمول؛ (3) د اوبو بیا کارول؛ (4) اوبه بیا پروسس کول؛ او (5) د بدیلو سرچینو استعمال (Hasan et al., 2021).

په کورنیو کې د اوبو ضایع کېدو بله مهمه وجه د ناسمو مصرفي عادتونو شتون دی. ډیری خلک په خپلو ورځنیو فعالیتونو کې اوبه په بې احتیاطه توګه کاروي (Addo, Thoms, & Parsons, 2018). د بې ځایه او اوږدمهاله اوبو بهېدو څخه تر اضافي وخت پورې د نلونو پرانستل، د حمام او استحمام پر مهال بې احتیاطه اوبه کارول د دې ستونزې اساسي عوامل دي (Addo, Thoms, & Parsons, 2019).

یو بل مهم اړخ چې د کورنیو اوبو د ضایع کېدو سره تړاو لري، د اوبو د سپما او ساتنې په اړه د عامو خلکو د پوهاوی کمښت دی. ډېر خلک د اوبو ارزښت او د هغې د محدودیت په اړه کافي معلومات نه لري. د دې په نتیجه کې، د اوبو سپما لپاره موجودې لارې چارې او ټکنالوژیکې حللارې په ښه توګه نه پیژندل کېږي او نه کارول کېږي (Fan et al., 2014).

۱.۳. د اوبو د ضایع کېدو پر وړاندې د عامه پوهاوي کموالی

عامه پوهاوی د طبیعي سرچینو د ساتنې او اغېزمنې کارونې لپاره حیاتي رول لري. د اوبو ضایع کېدل نه یوازې د فزیکي زیربناوو د خرابوالي له امله رامنځته کېږي، بلکې د خلکو د ناسمې استفادې، غیر مسؤله چلند، او د اوبو د ارزښت د نه درک کولو له امله هم ډېرېږي. که خلک د اوبو د ارزښت او کمښت په اړه لازم معلومات ونه لري، نو د اړتیا پرته یې مصرفوي. د بېلګې په توګه، د غاښو برش کولو، لوبو او جامو مینځلو پر مهال د نل نه بندول، د حویلي د سرسېزه ساتلو لپاره د اوبو غیر ضروري استعمال، او د سپړونو پاکولو لپاره د شپړکندو اوبو کارولو څخه یادونه کولای شو. په زراعتي برخو کې بزگران که د اوبو د سپمولو تخنیکونه ونه پیژني، نو د سیلابي اوبو لګولو پر ځای د څاڅکي (drip irrigation) اوبو لګولو سیستم ته ترجیح نه ورکوي، چې د اوبو ضایع کېدو سبب کېږي (Stranieri & Postel, 1999).



۱. شکل: د اوبو د ضايع کيدو مختلف لاملونه

که خلک د فاضله اوبو د تصفيې او بيا استعمال گټې ونه پيژني، نو د بيا کارونې پر ځای دا اوبه ضايع کېږي. دا مسله په ځانگړي ډول صنعتي، تجارتي او ښاري سيمو کې ډېره مهمه ده (P. Gleick & Miller, 2003). په ډېرو ټولنو کې خلک د باراني اوبو د راټولېدو سيستم نه کاروي، حال دا چې دا اوبه د کورني استعمال لپاره يو ارزښتناک بديل کېدای شي (Falkenmark & Rockström, 2013). په ځينو هېوادونو کې د اوبو مصرف ته قانوني محدوديتونه وضع شوي، خو خلک د دې قوانينو په اړه نه پوهېږي، يا ورته جدي توجه نه کوي، چې دا هم د اوبو ضايع کېدو ته لار هواروي (WWAP, 2019).

۲. د کورنيو اوبو د ضايع کېدو منفي اغېزې

د کورنيو اوبو ضايع کېدل په چاپيريالي، اقتصادي او ټولنيزو برخو کې جدي ستونزې رامنځته کوي:

۱.۲. اقتصادي اغېزې

د اوبو ضايع کېدل په کورنيو کې د اقتصادي ضايعاتو سبب کېږي. که په کورنۍ کې هره ورځ گڼ شمېر ليتره اوبه ضايع شي، نو د اوبو بيلونه به په دوامداره توگه لوړ شي. دا ستونزې په هغو سيمو کې چې اوبه يې د بېې له مخې گرانې دي، ډېره جدي ده. د اضافي مصرف له امله د کورنيو اقتصادي وضعيت خرابېږي او په ټولنه کې د اوبو د سرچينو د ناسم مديريت گډوډي رامنځته کېږي (Scherhauer, Moates, Hartikainen, Waldron, & Obersteiner, 2018). د اوبو د کمښت اقتصادي لگښتونه پر کرنې، صنعت او د انرژۍ په توليد باندې هم اغېزه کوي. د اوبو د ضايعاتو کمول د سالم نړيوال اقتصاد لپاره اړين دي په نړيواله سطحه د پاکو اوبو شاوخوا ۳۰٪ ضايع کېږي، چې تقريبا ۹.۵ تریلیون لیتره اوبو معادل دی. دا اوبه د ميلياردونو حوضونه د ډکولو لپاره کافي

دي! برسېره پر دې، تر ۵۰٪ پورې هغه اوبه چې په کورونو کې نه مصرفیږي د بهرني د بخار، باد او د ناسمو ډیزاین شوو سیستمونو له امله ضایع کېږي. دا یوه لویه ضایع ده، په ځانګړې توګه په هغه سیمو کې چې د وچکالۍ سره لاس او ګریوان دي (Koop & van Leeuwen, 2017).

د اوبو سپمولو ډیری وسایل/تجهیزات د اکثریت خلکو لپاره نسبتاً ګران دي. دا پدې معنی ده چې خلک د اوبو سپمولو وسایلو د پلي کولو او په دې توګه د اوبو د کارونې د عمومي کمولو له پاره د دې ټیکنالوژیو Subsidy ته اړتیا لري. حکومت باید مالي مرستې وکړي ترڅو پېښور کې د اوبو سپمولو ټیکنالوژي پلي شي. د ټیکنالوژۍ سیستم نصب کول د پام وړ لوړ لګښتونه لري. نو له همدې امله به دولتي مرستو د کورنیوسره په نوموړو ټیکنالوژیو نصبولو او د اوبو په کمولو کې لویه برخه اخستې وي (Hasan et al., 2021).

۲.۲. چاپیریالي اغېزې

ښارونه د خلکو د راتلونکي په برخه کې مهم رول لري او د چاپیریالي ستونزو اصلي مرکزونه ګرځیدلي دي. تر ۲۰۲۵ کال پورې، د نړۍ ۷۵٪ وګړي به په ښارونو کې ژوند کوي چې دا شمیر د ښاري پراختیا د چاپیریال لپاره منفي اغېزې لري. د نړۍ د نفوس د زیاتیدو سره د اقلیمي بدلون، طبیعي آفاتو، اوبو ککړتیا، اوبو کموالي او د کلیوالو سیمو څخه د وګړو د کډوالۍ له امله ښارونه زیانمن کېږي (Salman & Hasar, 2023). د اوبو ضایع کېدل یوازې د کورنیو په کچه اقتصادي تاوان نه رامنځته کوي، بلکې د چاپیریال لپاره هم ژورې اغېزې لري. د اوبو ضایع کېدو له امله د طبیعي اوبو سرچینې ژر خالي کېږي، د ځمکې د اوبو د ذخیرې کمښت رامنځته کېږي او په پایله کې د اقلیم بدلون او د طبیعي چاپیریال خرابېدل هم زیاتېږي. که چېرې اوبه په سم ډول مدیریت نه شي، نو د اوبو د نشتوالي له امله به د ځمکې د حاصلخیزۍ کمښت او د کرنې لپاره ستونزې راپیدا شي (Koop & van Leeuwen, 2017).

۳.۲. ټولنیز اغېزې

کله چې اوبه ضایع کېږي او د اوبو سرچینې کمېږي، نو په ټولنه کې د اوبو د عدالت او د بشري حقونو سرغړونه هم رامنځته کېږي. په هغو سیمو کې چې اوبه محدودې دي، د اوبو د نشتوالي له امله د ټولنې بېلابېلې طبقې له یو بل سره په رقابت کې ځي. دا کار کولای شي چې ټولنیز بې انډولتیاوې او د ژوند د کیفیت نابرابرۍ نور هم زیاتې کړي. په ځینو ټولنو کې د اوبو د مدیریت دودیزې لارې شتون لري، خو د نوې ټیکنالوژۍ او ښاري ژوند له امله دا دودونه له منځه ځي. که د اوبو کیفیت خراب وي

یا بېخایه مصرف شي، نو د ناروغیو لکه اسهال، کولرا او د پوستکي ناروغیو خطر زیاتېږي (P. H. Gleick, 1996).

۳. د کورنیو اوبو د ضایع کېدو د سپما په موخه غوره لارې چارې

د کورنیو اوبو د ضایع کېدو د مخنیوي او سپما لپاره بېلابېلې غوره لارې شته چې کولی شي د چاپېریالي پایداریتیا او اقتصادي لگښتونو په کمولو کې مرسته وکړي.

۱.۳. د پایپونو او اوبو رسولو شبکه نوي کول

د کورنیو په کچه د اوبو د ضایع کېدو د مخنیوي لپاره لومړنۍ گام د زړو پایپونو او اوبو رسولو سیستمونو عصري کول دي. د معیاري موادو څخه جوړ پایپونه، د درزونو او خرابي مخنیوی او منظمې ساتنه د اوبو د ضایع کېدو په کمولو کې اغېزناک رول لري. په عامه خدماتي ودانیو کې، د اوبو د ناسم جریان یا لیکیدو ستونزې تر استوگنیزو کورونو ډېرې په پام کې نه نیول کېږي، په داسې حال کې چې د استوگنې په کورونو کې هم دا ستونزه له پامه غورځول کېږي (Knapik, 2022).

دا چې خلک اوبه د یوې ارزانه منبع په توگه گڼي نو بې پایانه کارول کیږي. زیاتره خلک د خپلو اوبو کارونې ته پام نه کوي او یا یې نه محدودوي. دا طریقه یوه جدي ستونزه ده او باید بدله شي. د اوبو غوښتنه باید کنټرول شي او خلک باید اوبه په احتیاط سره وکاروي (Nkiaka, 2022). په کورنو کې د لیک په وخت د اوبو د ضایع د مخنیوي لپاره د لیک کشفولو عصري سیستمونه نصب کول ډېر گټور تمامېږي. دغه سیستمونه کولای شي په لومړیو پړاوونو کې د لیک ستونزه تشخیص او په اوتومات ډول خبرداری ورکړي، تر څو د هغې ستونزې حلولو لپاره ژر تر ژره اقدام وشي.

۲.۳. د اوبو سپما کوونکي وسایل او تجهیزات کارول

د اوبو ضایع کېدو د مخنیوي لپاره یوه بله مهمه لاره د اوبو سپما کوونکي وسایل نصب کول دي. دغه وسایل د اوبو جریان، د مصرف وختونه او د اوبو د ضایع کیدو سیمې په دقیقه توگه کنټرولوي. په دې ډول، که هر ډول غیر معمولي فعالیت پېښ شي، نو په اوتومات ډول د خبرداري سیستم له لارې څارنه کېږي او د ستونزې مخه نیول کېږي. اوس مهال په بازار کې داسې ځانگړي نلونه، شاورونه او فلش سیستمونه موجود دي چې د اوبو د مصرف په کمولو کې مرسته کوي. دغه وسایل د اوبو بهېدلو مخه نیسي او د مصرف په وخت کې د اوبو جریان کنټرولوي (Srinivasarao et al., 2022).

په عامه ودانیو لکه دفترونه، ستیشنونه، هوايي ډگرونه، سوداگريز مرکرونه، او د تېلو پمپ ستیشنونه کې هم Solenoid والونه د اوبو د ضایع کېدو د مخنیوي او د اوبو د سپما لپاره کارول کېږي، څو د

پوهنمل محمد طاهر امید

هغو کسانو له خوا چې د تشناب د کارولو پر مهال اوبه هېروي یا قصداً خلاصې پرېږدي، د اوبو جریان قطع کړي. سربېره پر دې، د اوبو د مصرف محدودونکي Electrical Fittings هم په یادو ودانیو کې کارول کېږي، چې د اوبو د مصرف موده لنډوي او د اړتیا وړ اوبو مصرف تنظیموي (Knapik, 2022).

معلوماتي او مخابراتي او سینسرونه په څیرک اوبو سیستمونو (SWS) کې کارول کېږي تر څو د اوبو د جریان، اوبو د کیفیت، رطوبت او نور معلومات ورکړي، او د اوبو د ضایعاتو او د اوبو د ککړتیا په هکله معلومات ورکړي. په کورنو کې د برقي ماشینونو لکه د کالیو مینځلو ماشینونو، Dishwashers (د لوبو مینځلو وسایل) او د کورنۍ د نورو تجهیزاتو انتخاب هم د اوبو د سپما لپاره ډېر مهم دي. نن سبا داسې ماشینونه موجود دي چې د اوبو مصرف کموي او په ورته وخت کې د پاکوالي کیفیت هم لوړ ساتي. د دې وسایلو کارونه د اوږدمهاله او اقتصادي ګټو په برخه کې مثبت اغېز لري (Addo et al., 2018).

۳.۳. عامه پوهاوی او ټولنیز پروګرامونه

د اوبو د ضایع کېدو د سپما لپاره د عامه پوهاوي زیاتول بنسټیز اهمیت لري. په کورنیو کې د اوبو سپما او سم مصرف په اړه پوهاوی د خلکو د چلند په بدلولو کې ډیره مرسته کوي. د پوهاوي کمپاینونه، عامه سیمینارونه، ورکشاپونه او د ټولنیزو رسنیو له لارې معلومات خپرول د دې هڅې یوه مهمه برخه ده. د کورنیو اوبو د مصرف سیمولو لومړني اقدامات د فردي پوهاوي څخه پیلېږي او دا په کورنۍ باندې اغیزه کوي. د پوهاوي لوړه کچه او د دوامدارو اصولو پلي کول د کورنیو تر منځ لوړ سلوک تضمینوي (Hasan et al., 2021).

د پوهاوي کمپاینونه، ښوونیز پروګرامونه، د ټولنیزو شبکو تبلیغات، او د خلکو عملي ښکېلتیا د اوبو د سیمولو لپاره مؤثرې لارې دي (WWAP, 2019). د ښوونځیو او پوهنتونونو په نصاب کې باید د اوبو د سیمولو، د هغې د ارزښت، او د بیا کارونې اړوند موضوعات تدریس شي (ONU-Eau, 2020). د څیرک اوبو لگولو سیستمونه، د اوبو تصفیه، او د باراني اوبو ذخیره کول باید عام شي، تر څو خلک د اوبو د ضایع کېدو مخه ونیسي (Thomas, 1994). دولتونه او محلي ادارې باید د اوبو د غیر ضروري مصرف لپاره جریمې وضع کړي، او د اوبو ساتنې هڅې پیاوړې کړي.

۴.۳. د اوبو د بيا کارونې او تصفيې ټکنالوژي

يو له نوښتگرو لارو چارو څخه چې د اوبو د ضايع کېدو په مخنيوي کې مرسته کوي، د اوبو د بيا کارونې سيستمونه دي. په کورونو کې د دوهم ځل لپاره د اوبو کارونې لپاره د تصفيې ټکنالوژۍ پراختيا کولای شي تر څو د پاکولو او بيا کارونې وسايل ولري. د دې ټکنالوژۍ په مرسته، هغه اوبه چې لومړی ځل استعمال شوې دي، په بېلابېلو فعاليتونو کې بيا کارول کيږي، لکه د باغونو په اوبه کولو يا د کورني پاکوالي لپاره د استعمال وړ گرځي.

په فاضله اوبو کې مختلف عضوي مواد لکه غوړي، پروټينونه، اسيدونه، کاربوهايډریتونه، او امينو اسيدونه شامل دي. علاوه پر دې يوه لويه اندازه غير عضوي مواد لکه سلفر، ارسنيک، کلورين، سوډيم، فاسفيټ، بايکاربونيټ، مگنيزيم، کلسيم، او امونيم مالګې هم لري. که چېرې دا فاضله اوبه په سمه توګه تصفيه نه شي، نو د چاپيريال تخریب او د انسان روغتيا لپاره جدي ګواښونه رامنځته کوي. د فاضله اوبو مدیریت د نړۍ په ډيرو برخو کې د اوبو د کيفيت او لاسرسي د خوندي کولو لپاره يو مهم پروګرام دی. مختلف هېوادونه د فاضله اوبو په ځانګړې توګه د فاسفورس (P) او نايټروجن (N) د کمولو لپاره د تصفيې ټکنالوژۍ ته وده ورکوي (Ahmed et al., 2022). د فاضله اوبو ککړونکو او زهرجنو موادو د کمولو لپاره د فاضله اوبو تصفيه يوه مهمه مرحله ده، په مختلفو مرحلو کې د عضوي کثافاتو د تخریب او د پاتو جنونو د کمولو لپاره فزيکي، بيولوژيکي يا کيمياوي تصفيوي ميتودونه کارول کيږي (Superio & Abreo, 2020).

Kern County د امريکا په کاليفورنيا ايالت کې يو ولسوالۍ ده چې د اوبو منابع يې کمې دي. دغه ولسوالۍ د "اوبو بانک" مفکوره پر مخ وړي، چې پکې باراني اوبه د سيلابونو په موسم کې تر ځمکې لاندې زيرمه کېږي، او بيا دا ځمکنۍ اوبه د وچو فصلونو په جريان کې د يوې سرچينې په توګه کارول کيږي. د اوبو بانک په ښکاره ډول د Kern County د اوبو د کمښت ستونزه حل کړې ده، او د ځمکې لاندې اوبو کچه يې لوړه کړې ده (Nkiaka, 2022).

مناقشه

د اوبو نشتوالی او بې ځايه لګښت د نړيوالې اندېښنې وړ مسايل دي. د ملګرو ملتونو د چاپيريال ساتنې پروګرام (UNEP) د ۲۰۲۳ راپور له مخې، د نړۍ د نفوس زياتوالی، ښاري پراختيا، او د اقليم بدلون د اوبو سرچينو ته جدي ګواښونه جوړ کړي دي. په کورنۍ کچه د اوبو سپما د پايدارې پراختيا يوه مهمه برخه ده (World Bank, 2023).

د اوبو د سم مدیریت نشتوالی د ضایع کېدو یو مهم عامل دی. د اوبو رسولو نلونو ماتیدل یا لیکیدل د اوبو د ضایع کېدو لامل کیږي نو هره ورځ یې شمېره لیتره اوبه ضایع کېدای شي. دا ستونزه په خاص ډول په هغو کورونو او ښارونو کې عامه ده، چې د اوبو رسولو زاړه سیستمونه لري. Knapik او همکارانو یې په خپله څېړنه کې نوموړې موضوع ته اشاره کړې چې د اړتیا پرته د اوږد مهال لپاره د اوبو بهول، لکه د غاښو برش کولو، لوبو مینځلو، د ناسم پایپ سیستم، زړې شبکې، او د چک والونو ناسمه کارونه، د کورنیو اوبو مصرف لوړوي (Knapik, 2022).

د ښوونیزو ادارو لکه ښوونځیو او پوهنتونونو په کچه د اوبو د ارزښت په اړه سمینارونه او ورکشاپونه تنظیمول هم د اوبو سپما او ضایع کېدو مخنیوي لپاره ډېر مهم دي. د دې ادارو له لارې راتلونکي نسلونه د اوبو د سم مصرف په اړه زده کړه کوي او په ټولنه کې د اوبو د ساتنې فرهنگ پیاوړی کېږي. Fan او ملګرو یې په خپله څېړنه کې څرګندوي، چې ډېری کورنۍ د اوبو سپما ته کافي پام نه کوي، ځکه چې دوی د اوبو د ضایع کېدو د اوږدمهاله اغېزو څخه خبر نه دي. د عامه پوهاوي کمپاینونه، تعلیمي پروګرامونه، او د ټولنیزو رسنیو کارول د اوبو د سپما فرهنگ رامنځته کولو لپاره مهم دي (Fan et al., 2014).

زموږ په ټولنه لکه افغانستان کې د اوبو سپمولو ډیری وسایل/تجهيزات د ډیرو خلکو لپاره قیمته تمامېږي. او د نه تطبیق په صورت کې په زیاته اندازه اوبه مصرفېږي دا پدې معنی چې خلکو ته د اوبو سپمولو د وسایلو او تجهيزاتو د پلي کولو او کارونې لپاره د دې ټیکنالوژیو په رانیولو کې حکومتي مرسته اړینه ده، چې کورنیو ته د اوبو د سپما د وسایلو لپاره لګښت ورکړي. یونیسکو هم د ۲۰۲۱ کال په راپور کې یاده موضوع یاده کړې او د اوبو د سپما تخنیکي وسایل لکه ټیټ مصرفي نلونه، د اوبو راټولولو سیستمونه، او د څیرک ټېکنالوژۍ نشتوالی د اوبو د ضایع کېدو سبب ګرځي (UNESCO, 2019). همدارنګه د اوبو د ضایع کېدو د مخنیوي لپاره د هوشیارې ټېکنالوژۍ لکه د سینسرونو، اوبو تصفیې، او د ټیټ فشار پایپونو کارول هم مهم یاد کړي او ټینګار یې کړی دی چې د اوبو د سپما لپاره هره اړینه لار باید په کار یوړل شي (UNESCO World Water, 2019).

پایله

د اوبو سپما یوازې د ټکنالوژۍ یا حکومتي پالیسیو پورې محدود نه ده، بلکې د ټولنې هر غړی باید په دې برخه کې خپله ونډه ولري. که چیرې په کورنیو کې د اوبو سپما ته جدي توجه وشي، نو نه یوازې د مالي سپما کچه لوړېږي، بلکې د چاپېریال ساتنه او د طبیعي سرچینو دوام هم تضمین کېږي. د کورنیو

اوبو د ضایع کېدو مخنیوی یوه تخنیکي، ټولنیزه، اقتصادي او چاپیریالي اړتیا ده. د اوبو ارزښت او د هغې محدودیت باید په هر کور کې د پام وړ موضوع وي. که چیرې موږ په خپلو کورنیو کې د اوبو سپما ته جدي توجه وکړو او له موجودو عصري ټکنالوژیو، تعلیمي پروگرامونو او حکومتي پالیسیو څخه ګټه واخلو، نو نه یوازې د اوبو ضایع کېدل به کمېږي، بلکې د طبیعي سرچینو ساتنه او د راتلونکي نسلونو لپاره د پاکو او خوندي اوبو تضمین هم یقیني کیږي. عامه پوهاوی د اوبو د ساتنې او مسئولانه کارونې لپاره حیاتي رول لري. که خلک د اوبو ارزښت درک نه کړي، نو د ضایع کېدو مخنیوی به ستونزمن وي. د اوبو سپمولو لپاره د پوهاوي کمپاینونه، قانوني اقدامات، ښوونیز نصاب، او د ټیکنالوژۍ کارول مهمې حل لارې دي. په نهایت کې، د اوبو سپما یو ګډ مسوولیت دی چې په کې د هر فرد، کورنۍ، ټولنې او حکومت ونډه شامله ده. د اوبو د دې محدودې سرچینې په سم مدیریت او د هغې د سپما په عملي ګامونو سره، موږ کولای شو د طبیعي سرچینو ساتنه، د کورنیو اقتصادي ثبات او د ټولنې د چاپیریالي سلامتۍ په برخه کې مهم پرمختګونه وویښو. یوازې په همدې توګه به د اوبو د نشتوالي له ګواښ څخه مخنیوی وشي او راتلونکي نسلونه به د یوې پایداره او سالمې چاپیریالي سیستم برخه وي.

سپارښتنې

1. زاړه پایپونه او د اوبو رسولو سیستمونه باید نوي او عصري شي.
2. د اوبو سپما کوونکي نلونه، شاورونه او نور سیستمونه په کورونو کې باید شي.
3. د اوبو د ارزښت په اړه د کورنیو، ښوونځیو او ټولنیزو ادارو له لارې پوهاوی زیات شي.
4. د اوبو ضایع کېدو د سپما لپاره قوانین او مقررات باید په جدي توګه پلي شي.

ماخذونه

- مندوزی، عارف الله. (۱۳۹۲ هـ ش). د ژوند چاپیریال (دوهم ټوک) ننگرهار: مومند خپرندویه ټولنه.
- کوچي، خدايداد. (۱۳۹۴ هـ ش). چاپیریال ساتنه. جلال اباد: سلام خپرندویه ټولنه.
- Addo, I. B., Thoms, M. C., & Parsons, M. (2018). Barriers and drivers of household water-conservation behavior: A profiling approach. *Water (Switzerland)*, 10(12). <https://doi.org/10.3390/w10121794>
- Addo, I. B., Thoms, M. C., & Parsons, M. (2019). The influence of water-conservation messages on reducing household water use. *Applied Water Science*. <https://doi.org/10.1007/s13201-019-1002-0>
- Ahmed, S. F., Mofijur, M., Parisa, T. A., Islam, N., Kusumo, F., Inayat, A., ... Ong, H. C. (2022). Progress and challenges of contaminate removal from wastewater using microalgae biomass. *Chemosphere*, 286. <https://doi.org/10.1016/j.chemosphere.2021.131656>
- Falkenmark, M., & Rockström, J. (2013). *Balancing water for humans and nature: The new approach in ecohydrology. Balancing Water for Humans and Nature: The New Approach in Ecohydrology*. <https://doi.org/10.4324/9781849770521>
- Fan, L., Wang, F., Liu, G., Yang, X., & Qin, W. (2014). Public perception of water consumption and its effects on water conservation behavior. *Water (Switzerland)*, 6(6), 1771–1784. <https://doi.org/10.3390/w6061771>
- Gleick, P. H. (1996). Basic water requirements for human activities: Meeting basic needs. *Water International*, 21(2), 83–92. <https://doi.org/10.1080/02508069608686494>
- Gleick, P., & Miller, R. W. (2003). *The World's Water: The biennial report on freshwater resources 2002-2003. Electronic Green Journal*. <https://doi.org/10.5070/g311810517>
- Hasan, H. H., Razali, S. F. M., & Razali, N. H. M. (2021). Does the household save water? Evidence from behavioral analysis. *Sustainability (Switzerland)*, 13(2), 1–20. <https://doi.org/10.3390/su13020641>
- Klosok-Bazan, I., Boguniewicz-Zablocka, J., Suda, A., Łukasiewicz, E., & Anders, D. (2021). Assessment of leakage management in small

water supplies using performance indicators. *Environmental Science and Pollution Research*. <https://doi.org/10.1007/s11356-021-13575-5>

Knapik, M. (2022). ANALYSIS OF THE COST OF LEAKS FROM THE WATER SUPPLY SYSTEM, INCLUDING METHODS TO REDUCE WATER CONSUMPTION. *Zeszyty Naukowe SGSP*. <https://doi.org/10.5604/01.3001.0016.1802>

Koop, S. H. A., Van Dorssen, A. J., & Brouwer, S. (2019). Enhancing domestic water conservation behaviour: A review of empirical studies on influencing tactics. *Journal of Environmental Management*. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2019.06.126>

Koop, S. H. A., & van Leeuwen, C. J. (2017). The challenges of water, waste and climate change in cities. *Environment, Development and Sustainability*. <https://doi.org/10.1007/s10668-016-9760-4>

Mazumder, R. K., Salman, A. M., Li, Y., & Yu, X. (2018). Performance Evaluation of Water Distribution Systems and Asset Management. *Journal of Infrastructure Systems*, 24(3). [https://doi.org/10.1061/\(asce\)is.1943-555x.0000426](https://doi.org/10.1061/(asce)is.1943-555x.0000426)

Nkiaka, E. (2022). Exploring the socioeconomic determinants of water security in developing regions. *Water Policy*, 24(4), 608–625. <https://doi.org/10.2166/wp.2022.149>

ONU-Eau. (2020). *UN-Water launch Analytical Brief on Unconventional Water Resources*. Genève, Suisse, ONU-Eau. Retrieved from www.unwater.org/un-waterlaunch-analytical-brief-on-unconventional-water-resources/

Salman, M. Y., & Hasar, H. (2023). Review on environmental aspects in smart city concept: Water, waste, air pollution and transportation smart applications using IoT techniques. *Sustainable Cities and Society*. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.104567>

Scherhauser, S., Moates, G., Hartikainen, H., Waldron, K., & Obersteiner, G. (2018). Environmental impacts of food waste in Europe. *Waste Management*, 77, 98–113. <https://doi.org/10.1016/j.wasman.2018.04.038>

Srinivasarao, C., Jasti, V. N. S. P., Kondru, V. R., Bathineni, V. S. K.,

- Mudigiri, R., Venati, G. V., ... Chaudhari, S. K. (2022). Land and water conservation technologies for building carbon positive villages in India. *Land Degradation and Development*. <https://doi.org/10.1002/ldr.4160>
- Stranieri, F. N., & Postel, S. (1999). Pillar of Sand: Can the Irrigation Miracle Last? *Geographical Review*, 89(3), 463. <https://doi.org/10.2307/216168>
- Superio, M. D. A., & Abreo, N. A. S. (2020). Plastic in Freshwater Ecosystems: A looming crisis in the Philippines. *Philippine Science Letters*, 13(1), 1–5.
- Thomas, C. (1994). *Water in crisis: a guide to the world's fresh water resources*. *International Affairs* (Vol. 70). <https://doi.org/10.2307/2623756>
- UNESCO World Water. (2019). The United Nations world water development report 2021: valuing water. *Water Politics*.
- Vahmani, P., & Jones, A. D. (2017). Water conservation benefits of urban heat mitigation. *Nature Communications*, 8(1). <https://doi.org/10.1038/s41467-017-01346-1>
- WWAP. (2019). *The United Nations world water development report 2019: leaving no one behind*. Unesco. Retrieved from <http://https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/367306eng.pdf>

بررسی چالش‌ها و فرصت‌های صنعت تولید فولاد در افغانستان

پوهنمل احمد ذاکر مدثر^۱، پوهنمل دکتور عین الله میرزازاده^۲، پوهنیار نوید احمد ربانی^۳

۱. دیپارتمنت انجیری سیول، پوهنځی انجیری، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول- ایمیل: ahmad.zaker333@gmail.com

چکیده

فولاد یک عنصر مهم بوده که می‌تواند نقش برآزنده را در رشد صنایع، بازسازی و توسعه کشور داشته باشد، از طرف دیگر مهم‌ترین ماده برای تولید و رشد این صنعت سنگ آهن می‌باشد، که معدن آهن حاجیگک در افغانستان یکی از بزرگترین معادن سنگ آهن در آسیا بوده و هم‌چنان این کشور دارای معادن بزرگ دیگر آهن مانند معدن آهن سیاه دره، معدن آهن خاک ریز، معدن آهن سیاه جر، معدن آهن فورمارخ، معدن آهن زیرک و غیره بوده که شناسایی گردیده اند. از طرف دیگر برای ذوب آهن و فولاد در فابریکه‌ها نیاز مبرم به زغال سنگ است، که افغانستان دارای معادن بزرگ زغال سنگ مانند معدن زغال سنگ دره صوف، معدن زغال سنگ کرکر، معدن زغال سنگ سبزک هرات، معدن زغال سنگ آتش پشته و غیره بوده که می‌تواند نقش عمده در انکشاف این صنعت ایفاء کند. با وجود این همه فرصت‌ها بعضی از چالش‌های نیز مانند عدم سرمایه گذاری وافر در سطح کشور، نبود انرژی کافی، عدم دسترسی به تکنالوژی جدید، نبود اشخاص مسلکی، واردات فولاد، عدم استخراج معادن آهن و عدم اکتشاف معادن جدید، وجود دارد، که در تحقیق هذا مورد بحث قرار خواهد گرفت. در این تحقیق از روش کمی با استفاده از پرسش‌نامه صحت‌سنجی شده به ۳۳۳ نفر پاسخ دهنده توزیع و دریافت گردید که حدود ۱۰۶ نفر یعنی ۳۱,۸۳٪ پاسخ دهنده گان، به این باور اند، افغانستان منابع کافی برای رشد صنعت تولید فولاد را در دسترس دارد. از طرف دیگر ۱۴۴ نفر یعنی ۴۳,۲۴٪ پاسخ دهنده گان، به این باور اند که صنعت تولید فولاد در افغانستان می‌تواند امکان خوب اشتغال زایی را فراهم نماید. هم‌چنان در این تحقیق تلاش گردیده ارزیابی و شناخت از فرصت‌های فراه راه صنعت تولید فولاد در افغانستان صورت گیرد، تا رشد این صنعت باعث توسعه یافتگی افغانستان در زمینه تولید فولاد گردد، از طرف دیگر چالش‌ها در برابر توسعه این صنعت بررسی گردیده و راه‌های حل برای آن پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: اشخاص مسلکی، معادن سنگ آهن، سرمایه گذاری، فابریکات تولید فولاد، معادن زغال سنگ.

Investigation of the Challenges and Opportunities of Steel Manufacturing Industry in Afghanistan

Seneor Teaching Assistant Ahmad Zaker Mudaser^{1*} Seneor Teaching Assistant Dr. Ainullah Mirzazadah², Teaching Assistant Naweed Ahmad Rabani³

1. Department of Civil, Faculty of Engineering, Alberoni University

* Corresponding Author Email: ahmad.zaker333@gmail.com

Abstract

Steel is an important element that can play an important role in the growth of industries, rebuilding and developing the country. The most important substance for the production and growth of this industry is the iron stone, the Hajigak iron mine, is one of the largest iron stone, mines in Asia and still has other large iron stone mines such as (Sya Dara iron stone mines, Khak Riz iron stone mines, Sya jar iron stone mines, Formargh iron stone mine, Zeerk iron stone mine and etc), the aforementioned iron stone mines have been investigated in Afghanistan. On the other hand, for the iron and steel smelting in the factory, it is necessary for coal, which Afghanistan has large coal mines, as the initial research has predicated the capacity of coal mines, such as (Dara Sof coal mine, Kar Kar coal mine, Sabzak Herat coal mine, Ashpasta coal mine and etc), that mines can play an effective role in the development of the steel industry. Despite all these opportunities, there are some challenges, such as (lack of investment, insufficient energy, lack of access to new technology, lack of professional individuals, steel imports, lack of extraction iron mines and lack of new mines exploration), which will be discussed in this research. In this research, a quantitative method was found using the questionnaire to 333 respondents, about 106 peoples hence 31.83% of respondents believe that Afghanistan has enough resources to grow the steel industry. On the other hand, 144 peoples, hence 43.24% respondents believe that the steel industry in Afghanistan can provide good job creation. The study has also attempted to evaluate the growth of the steel industry, so that the industry's growth in the field of steel, production will be expanded.

Keywords: professional individuals, iron stone mines, investment, steel production factory, coal mines

مقدمه

ارزیابی و شناخت از فرصت‌ها و چالش‌ها زمینه ساز توسعه پایدار و رشد صنایع در هر جامعه محسوب می‌شود، در حال حاضر یکی از اساسی‌ترین پایه‌های اقتصادی کشورهای جهان را صنایع آهن و فولاد تشکیل داده و از طرف دیگر تولید و مصرف فولاد یکی از شاخص‌های اصلی توسعه یافتگی کشورها به شمار می‌رود (جولزاده، ۱۳۸۹).

بررسی عرضه و تقاضا در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد، که مصرف فولاد نسبت به تولید آن بیشتر بوده بنابراین نیاز است تا در عرصه تولید و رشد این صنعت گام‌های مثمر از طرف سکتورهای خصوصی و دولتی با سرمایه‌گذاری‌های انگفت برداشته شود (سرتختی و همکاران، ۱۳۹۵).

با در نظر داشت این که منابع کافی برای رشد صنعت فولاد در اختیار بعضی از کشورها می‌باشد، بناءً استخراج معادن در رشد صنعت تولید فولاد گام مثمر تلقی می‌شود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۸).

تحقیقات اکتشافی معادن آهن جهت تولید فولاد، در افغانستان توسط محققان خارجی انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و روسی انجام شده است. تحقیقاتی که توسط روس‌ها در دهه ۱۹۸۰ انجام شد مراحل اکتشافی را تکمیل و پلان‌های استخراج را نیز طراحی نمود ولی به سبب ناامنی، مسایل سیاسی و نبود زیر ساخت‌ها معادن آهن به مرحله استخراج نرسید (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

تحقیقات نشان می‌دهد که فابریکات ذوب آهن در کشورهای عقب مانده، از معادن سنگ آهن استفاده نمی‌کنند جهت تولید عناصر فلزی از معادن سنگ آهن و ۹۸٪ مواد اولیه‌ای فابریکات بیشتر به ذوب و بازیابی آهن‌های کهنه استوار است (عدل پور، ۱۳۸۵).

هدف از این تحقیق بررسی چالش‌ها و فرصت‌های صنعت تولید فولاد در افغانستان و هم‌چنان دریافت راه حل برای چالش‌ها و بیان فرصت‌های رشد این صنعت به سکتور خصوصی و دولتی می‌باشد.

برای بدست آوردن هدف تحقیق از روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای، استفاده شده، که در مجموع ۳۳۳ تن به سوالات پرسش‌نامه، که شامل ۲۹ سوال می‌باشد جهت جمع‌آوری داده‌ها، پاسخ داده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق هذا یک روش مختلط بوده که در آن از شیوه تحقیق کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای، استفاده شده است.

پوهنمل احمد ذاکر مدثر

در مجموع ۳۳۳ تن به سوالات پرسش نامه، که شامل ۲۹ سوال می باشد جهت جمع آوری داده ها، پاسخ داده اند. انتخاب تعداد پاسخ دهندگان از مجموع ۲۵۰۰ نفر و با توجه به سطح اطمینان ۹۵ درصدی و خطای ۵ درصدی صورت گرفته است.

معدن آهن حاجیگک

معدن آهن حاجیگک، مشهور ترین و بزرگترین ذخایر اکسید آهن در افغانستان است که در نزدیکی گردنه حاجیگک، در امتداد کوه بابا بین ولایت میدان وردک و بامیان قرار گرفته و با ۳۲ طول و ۵۵۰ عمق و ۳۸۰ عرض به ۱۶ ناحیه مجزا تقسیم شده است، این معدن دارای ذخیره ۱,۸ میلیارد تن و ۶۲٪ آهن، در افغانستان، یکی بزرگترین معادن سنگ آهن در آسیا می باشد (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معدن آهن سیاه دره

معدن آهن سیاه دره، بعد از معدن آهن حاجیگک دومین معدن بزرگ آهن افغانستان به حساب می آید. این معدن بزرگ آهن در ولسوالی یکه ولنک ولایت بامیان قرار دارد. ارزیابی های صورت گرفته در این معدن نشان می دهد که میلیاردها تن آهن و زغال سنگ در این معدن وجود دارد، که در ترکیب سنگ آهن معدن سیاه دره ۶۲٪ آهن بوده، و هم چنان تخمین زده می شود که ساحه اصلی این معدن ۳۰ km را در بر می گیرد (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معدن آهن خاک ریز

معدن آهن خاک ریز، این معدن در ولسوالی خاک ریز ولایت کندهار موقعیت داشته و دارای ۳ میلیون تن سنگ آهن بوده، که سنگ آهن در این معدن دارای ۶۱٪ آهن می باشد (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معدن آهن سیاه جر

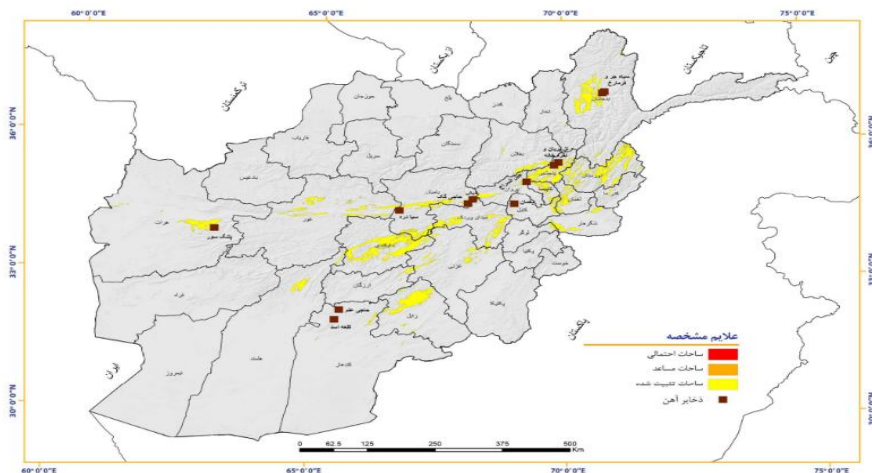
معدن آهن سیاه جر، این معدن در ولایت بدخشان موقعیت دارد، ذخایر آهن در این معدن بین ۴۰ الی ۴۵ میلیون تن برآورد شده است (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معدن آهن فورمارخ

معدن آهن فورمارخ، این معدن در ولایت بدخشان موقعیت داشته که دارای طول ۱۰۰۰ m و عمق ۳۵۰ m مشاهده گردیده است. ذخایر آهن در این معدن تا ۳۵ میلیون تن پیش بینی شده است (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معادن آهن زیرک

معادن آهن زیرک، یکی دیگر از معادن‌های شناسایی شده آهن در افغانستان بوده که در ولایت بغلان موقعیت دارد و برآوردهای ابتدایی ظرفیت آهن آن را ۲۰ میلیون تن تخمین زده است (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).



شکل ۱- موقعیت‌های معادن آهن در افغانستان (وب سایت وزارت معادن و پترولیم افغانستان)

معادن زغال سنگ در افغانستان

افغانستان دارای معادن بزرگ زغال سنگ بوده که می‌تواند یک فرصت مناسب دیگر در رشد صنعت تولید فولاد در افغانستان محسوب شود، این معادن در افغانستان به شکل کمر بند با طبقات مختلف در زیر تپه‌های خاکی رشته کوه‌های هندوکش قرار داشته که از ولایت بدخشان آغاز تا تخار، بغلان، سمنگان، بامیان و سرپل امتداد یافته و به معدن سبزک ولایت هرات منتهی می‌شود. ذخایر اثبات شده معادن زغال سنگ در افغانستان حدود ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تن پیش بینی شده، که در ۱۱ حوزه بزرگ قرار دارد، که بزرگترین معادن آن عبارت اند از:

معادن زغال سنگ دره صوف

معادن زغال سنگ دره صوف، این معدن در ۲۰۰ کیلومتری شهر مزار شریف واقع شده، که از لحاظ کیفیت و استخراج نسبت به مناطق دیگر مقام اول را داشته و قسمت اعظم زغال سنگ این معدن برای نیروگاه برق به مصرف می‌رسد. زغال سنگ این معدن به شکل جامد استخراج شده و یک کیلوگرام

پوهنمل احمد ذاکر مدرثر

آن ۸۰۰۰ الی ۸۵۰۰ کالوری حرارت تولید می‌کند. قرار سروی که توسط متخصصان روسی و آلمانی از این معدن صورت گرفته ظرفیت آن ۱۵۰ میلیون تن برآورد گردیده است (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معدن زغال سنگ کرکر

معدن زغال سنگ کرکر، یکی دیگر از معادن بزرگ زغال سنگ افغانستان است، که در ولایت بغلان موقعیت داشته و روزانه ۱۲۰ تن زغال سنگ از آن استخراج می‌شود (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

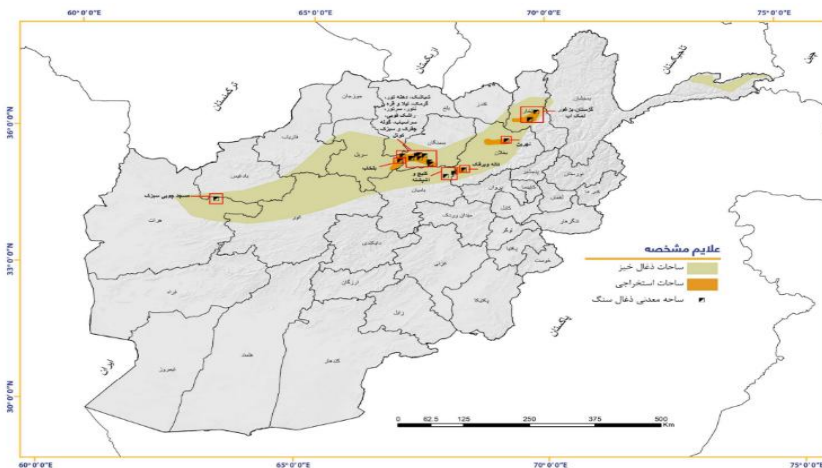
معدن زغال سنگ سبزک هرات

معدن زغال سنگ سبزک هرات، این معدن در ولسوالی کرخ ولایت هرات موقعیت دارد، که محققان ظرفیت آن را ۹ میلیون تن تخمین زده اند (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

معدن زغال سنگ آشپشته

معدن زغال سنگ آشپشته، یکی از معادن بزرگ زغال سنگ بوده که در دوآب میخ‌زرین موقعیت دارد، که در حال حاضر سالانه ۱۶۰۰۰۰ تن زغال سنگ از آن استخراج می‌گردد.

در حالی‌که عوامل متذکره می‌توانند نقش بسازای در راستای رشد صنعت تولید فولاد در افغانستان ایفاء کنند هم‌چنان چالش‌های نیز در برابر صنعت فولاد در افغانستان وجود دارد (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).



شکل ۲- موقعیت‌های معادن زغال سنگ در افغانستان (وب سایت وزارت معادن و پترولیم افغانستان)

پوهنمل احمد ذاکر مدثر

چالش‌های صنعت تولید فولاد در افغانستان

باوجود فرصت‌ها، در صنعت تولید فولاد، چالش‌های نیز وجود دارد که بگونه مختصر به بعضی از آنها می‌پردازیم:

نبود انرژی کافی

عدم تامین پایدار انرژی برق یکی از چالش‌های بزرگ صنعت تولید فولاد می‌باشد. چون کارخانه‌های فولاد نیاز شدیدی به انرژی برق دارند و قطعی‌های مکرر برق، موجب کاهش تولید و افزایش هزینه‌های عملیاتی می‌شود (Bell and Keith, 2006).

نبود اشخاص مسلکی

یکی از چالش‌های عمده راه صنعت تولید فولاد نبود کارگر ماهر برای این صنعت در بعضی از کشورهای رو به توسعه می‌باشد، که شرکت‌های تولیدی را به چالش کشیده است (lee and others, 2015).

عدم دسترسی به تکنالوژی

عدم دسترسی به تکنالوژی جدید یکی از چالش‌های صنعت تولید فولاد می‌باشد، چون تولید کنندگان فولاد از تکنالوژی قدیمی استفاده می‌کنند، که این موضوع باعث افزایش هزینه‌های تولید و کاهش کیفیت در محصولات می‌گردد (Ray, 2001).

زیر ساخت‌های ضعیف

یکی از معضلات صنعت تولید فولاد ضعف زیر ساخت‌ها در حوزه حمل و نقل، ماشینری و انرژی است که باعث افزایش هزینه در این صنعت گردیده است (Zain and others, 2005).

عدم استخراج معادن

یکی از چالش‌های عمده در صنعت تولید فولاد در بعضی از کشور عدم استخراج معادن می‌باشد، که این چالش باعث ضعف در کیفیت و بلند قیمت مواد می‌باشد (صفدری و همکاران، ۱۳۹۷).

عوامل عدم استخراج معادن در بعضی از کشورها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

❖ عدم تصویب قانون معادن؛

❖ عدم شفافیت در قراردادها؛

❖ عدم زیر ساخت‌های لازم (یزدان پناه و صادقی یازندی، ۱۳۷۷).

پوهنمل احمد ذاکر مدثر

واردات فولاد

افغانستان با وجود منابع بزرگ آهن هم چنان یک بخش از فولاد مورد نیاز را از کشورهای چون ایران، چین، پاکستان و کشورهای آسیای میانه وارد می کند که از جمله فولاد وارداتی ۲۵٪ مربوط واردات از ایران می باشد، واردات فولاد به افغانستان بدون شک باعث ایجاد چالش برای تولید کنندگان داخلی می گردد (دافغانستان کانی، ۱۳۸۴).

مناقشه

در صنعت تولید فولاد در افغانستان ۴۲ شرکت و ۲۲ هزار نفر به طور مستقیم فعالیت دارند، که در میان فعالیت کنندگان ۲۵۰۰ نفر آن را که، کارگر فنی تشکیل می دهد، به طور نمونه انتخاب گردیده و با توجه به سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد ۳۳۳ نفر به گونه زیر برای پاسخ دهی به پرسشنامه ای که در شکل ۱ نشان داده شده است، بگونه زیر انتخاب گردیده اند (وزارت صنعت و تجارت، ۱۴۰۳).

$$N = 2500$$

$$Z = 1.96$$

$$E = 0.05$$

$$P = 0.5$$

$$n = \frac{N \times Z^2 \times p \times (1 - p)}{E^2 \times (N - 1) + Z^2 \times p \times (1 - p)}$$

$$n = \frac{2500 \times 1.96^2 \times 0.5 \times (1 - 0.5)}{0.05^2 \times (2500 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times (1 - 0.5)} = 333$$

مشخصات فردی		حالت مدنی		حالت مدنی	
سن	حالت مدنی	مجرد	متاهل	مرد	زن
31	☒	☐	☒	☒	☐
سطح تحصیلات		سطح تحصیلات		سطح تحصیلات	
دکتورا	ماستر	لیسانس	فوق بکلوریا	بکلوریا	بکلوریا
☐	☐	☒	☐	☐	☐
خواننده و پاسخ دهنده گرامی باتشکر از همکاری تان، سوالات مربوط به چالش‌ها و فرصت‌های صنعت تولید فولاد در افغانستان می باشد. لطفا سوالات را با دقت پاسخ داده در مقابل هر سوال ۵ گزینه وجود دارد که شما یک گزینه آن را انتخاب می کنید.					
شماره	سوالات	خیلی زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	دسترسی به منابع معدنی مواد اولیه برای تولید فولاد کالی در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۲	موانع برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی صنعت فولاد در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۳	نیروی کار ماهر برای صنعت فولاد در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۴	رقابت با محصولات فولاد وارداتی در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۵	میزان وضعیت امنیتی بر فعالیت‌های صنعتی و تولید فولاد چگونه است؟	☒			
۶	قوانین و مقررات موجود تاجه حد در توسعه صنعت فولاد در افغانستان رول دارند؟	☒			
۷	منابع معدنی موجود فولاد در افغانستان تاجه حد می تواند در توسعه صنعت فولاد کمک کند؟	☒			
۸	همکاری‌های بین المللی در زمینه تولید فولاد در افغانستان تاجه حد است ؟		☒		
۹	امکان انتقال فن آوری‌های جدید تولید فولاد به افغانستان تاجه حد است؟	☒			
۱۰	توسعه صنعت تولید فولاد تاجه حد برای ایجاد اشتغال در افغانستان مناسب است؟	☒			
۱۱	برنامه‌های حمایت دولت از صنعت تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۱۲	تامین برق و انرژی مورد نیاز برای کارخانه‌های فولاد سازی در افغانستان تاجه حد است ؟		☒		
۱۳	چالش‌ها ناشی از سیاست‌های صنعتی فولاد در افغانستان چگونه است؟	☒			
۱۴	بازار داخلی در رشد محصولات فولادی در افغانستان تاجه حد موثر است؟		☒		
۱۵	میزان شراکت‌های عمومی و خصوصی برای توسعه پروژه‌های فولادی در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۱۶	میزان مراکز تحقیق و توسعه فولاد در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۱۷	تکنیک‌های ساخت‌های حمل و نقل (سرک‌ها و جاده‌ها) در توسعه صنعت فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۱۸	تأثیرات بازارهای صادراتی محصولات فولادی در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۱۹	همکاری کشورهای همسایه افغانستان در زمینه تولید فولاد به چه میزان است؟		☒		
۲۰	میزان توافق نامه‌های تجاری-صادراتی برای افزایش تولیدات فولاد در افغانستان تاجه حد است؟		☒		
۲۱	میزان استفاده از انرژی‌ها تجدید پذیر در پروژه‌های تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۲۲	تعداد فابریک‌های تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟	☒			
۲۳	نگرانی از آلودگی محیط زیستی فابریک‌های تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۲۴	دسترسی به مواد اولیه تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۲۵	میزان سرمایه گذاری روی معادن فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۲۶	قیمت‌های استخراج، حمل و نقل تاجه حد در افغانستان روی تولید فولاد تأثیر دارد؟	☒			
۲۷	میزان تجهیزات مدرن تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟		☒		
۲۸	استاندارد های ملی برای تولید فولاد با کیفیت در افغانستان به چه میزان است ؟		☒		
۲۹	اجزای کارخانه تولید فولاد (کوره ها، دستگاه‌های ذوب و تصفیه، سیستم‌های ریخته گیری، واحدهای نورد سازی، سیستم‌های کنترل کیفیت، سیستم‌های حمل و نقل) در افغانستان تاجه حد معیاری می باشد؟		☒		

شکل ۳- پرسش نامه

قرار شرح پرسش نامه از پاسخ دهنده گان در زمینه چالش ها و فرست های فراه راه صنعت تولید فولاد در افغانستان صورت گرفته که نظریات آن ها تحلیل و بررسی گردیده و در گراف های زیر به وضوح نشان داده شده است.

مشخصات فردی پاسخ دهنده گان

بر اساس نتایج جدول (۱) یافته های فردی در خصوص پاسخ دهنده گان، نشان می دهد که از میان ۳۳۳ مخاطب همه آن ها مرد بوده و به تعداد ۳۱۸ نفر متاهل می باشند.

جدول - ۱- جنسیت و حالت مدنی پاسخ دهنده گان

حالت مدنی			جنسیت		
درصدی	مقدار	حالت مدنی	درصدی	مقدار	جنس
۴,۵	۱۵	مجرد	۱۰۰٪	۳۳۳	مرد
۹۵,۵٪	۳۱۸	متاهل	۰٪	۰	زن

جدول زیر مشخصات سنی ۳۳۳ پاسخ دهنده گان و سطح تحصیل آن ها نشان داده که دیده می شود بیشتر آن ها بالاتر از سن ۳۰ می باشند.

جدول - ۲- سن پاسخ دهنده گان

سن پاسخ دهنده گان				
سن	زیر ۳۰ سال	۳۰ الی ۴۰ سال	۴۰ الی ۵۰ سال	بالاتر از ۵۰ سال
تعداد پاسخ دهنده	۳۰	۱۵۵	۱۳۸	۱۰
درصدی	۹٪	۴۶,۵۵٪	۴۱,۴۴٪	۳٪

جدول زیر نشان دهنده سطح تحصیل ۳۳۳ نفر از پاسخ دهنده گان را نشان داده که بیشتر آن ها دارای سطح تحصیل لیسانس می باشند.

جدول - ۳- سطح تحصیل پاسخ دهنده گان

سطح تحصیل پاسخ دهنده گان					
سطح تحصیل	بکلوریا	فوق بکلوریا	لیسانس	ماستر	دکتور
تعداد	۵۵	۱۱۲	۱۶۱	۵	۰
درصدی	۱۶,۵۲٪	۳۳,۶۳٪	۴۸,۳۵٪	۱,۵٪	۰٪

تحليل یافته‌های پرسش‌نامه در زمینه‌ی مولفه‌های تحقیق

پرسش‌نامه که در خصوص (بررسی فرصت‌ها و چالش‌های صنعت تولید فولاد در افغانستان) ترتیب شده بود شامل ۲۹ سوال که هر سوال شامل ۵ گزینه پاسخ بوده که پاسخ دهنده‌گان یکی از این ۵ گزینه را انتخاب کرده اند. در اینجا سوالاتی که بیشترین فیصدی را از طرف ۳۳۳ پاسخ‌دهنده دریافت کرده است مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است:

❖ دسترسی به منابع معدنی و مواد اولیه برای تولید فولاد کافی در افغانستان تاچه حد است؟ حدود ۱۴۴ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کردن که ۴۳,۲۴٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ موانع برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی صنعت فولاد در افغانستان تا چه حد است؟ حدود ۱۳۶ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کردن که ۴۰,۸۴٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ نیروی کار ماهر برای صنعت فولاد در افغانستان تاچه حد است؟ حدود ۱۲۹ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۸,۷۴٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ رقابت با محصولات فولاد وارداتی در افغانستان تاچه حد است؟ حدود ۱۲۱ پاسخ‌دهنده گزینه زیاد را انتخاب کرده که ۳۶,۳۴٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ میزان وضعیت امنیتی، برفعالیت‌های صنعتی و تولید فولاد چگونه است؟ حدود ۱۳۶ پاسخ‌دهنده گزینه زیاد را انتخاب کرده که ۴۰,۸۴٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ قوانین و مقررات موجود تاچه حد در توسعه صنعت فولاد در افغانستان رول دارند؟ حدود ۱۰۶ پاسخ‌دهنده گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده که ۳۱,۸۳٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ منابع معدنی موجود فولاد در افغانستان تاچه حد می‌تواند در توسعه صنعت فولاد کمک کند؟ حدود ۱۰۶ پاسخ‌دهنده گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده که ۳۱,۸۳٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ همکاری‌های بین المللی در زمینه تولید فولاد در افغانستان تاچه حد است؟ حدود ۹۸ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۲۹,۴۳٪ از مجموع پاسخ‌دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

- ❖ امکان انتقال فن آوری‌های جدید تولید فولاد به افغانستان تاجه حد است؟ حدود ۱۰۶ پاسخ‌دهنده گزینه زیاد را انتخاب کرده که ۳۱,۸۳٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ توسعه صنعت تولید فولاد تاجه حد برای ایجاد اشتغال در افغانستان مناسب است؟ حدود ۱۴۴ پاسخ‌دهنده گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده که ۴۳,۲۴٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ برنامه‌های حمایت دولت از صنعت تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۱۰۶ پاسخ‌دهنده گزینه کم را انتخاب کرده که ۳۱,۸۳٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ تامین برق و انرژی مورد نیاز برای کارخانه‌های فولاد سازی در افغانستان تاجه حد است؟ حدود ۱۱۴ پاسخ‌دهنده گزینه کم را انتخاب کرده که ۳۴,۸۳٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ چالش‌ها ناشی از پسماندهای صنعتی فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۱۲۱ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۶,۳۴٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ بازار داخلی در رشد محصولات فولادی در افغانستان تاجه حد موثر است؟ حدود ۱۲۱ پاسخ‌دهنده گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده که ۳۶,۳۶٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ میزان شراکت‌های عمومی و خصوصی برای توسعه پروژه‌های فولادی در افغانستان تاجه حد است؟ حدود ۱۲۹ پاسخ‌دهنده گزینه کم را انتخاب کرده که ۳۸,۷۴٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ میزان مراکز تحقیق و توسعه فولاد در افغانستان تاجه حد است؟ حدود ۱۱۴ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۸,۲۳٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ تاثیر زیرساخت‌های حمل و نقل (سرک‌ها و جاده‌ها) در توسعه صنعت فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۸۳ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۲۴,۹۲٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ تاثیرات بازارهای صادراتی محصولات فولادی در افغانستان تاجه حد است؟ حدود ۱۱۴ پاسخ‌دهنده گزینه زیاد را انتخاب کرده که ۳۴,۲۳٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.
- ❖ همکاری کشورهای همسایه افغانستان در زمینه تولید فولاد به چه میزان است؟ حدود ۱۲۱ پاسخ‌دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۶,۳۴٪ از مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد.

پوهنمل احمد ذاکر مدثر

❖ میزان توافق نامه‌های تجاری-صادراتی برای افزایش تولیدات فولاد در افغانستان تاجه حد است؟ حدود ۱۳۶ پاسخ دهنده گزینه کم را انتخاب کرده که ۴۰,۸۴٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ میزان استفاده از انرژی‌ها تجدید پذیر در پروسه‌های تولید فولاد در افغانستان چقدر است؟ حدود ۱۰۶ پاسخ دهنده گزینه کم را انتخاب کرده که ۳۱,۸۳٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ تعداد فابریکه‌های تولید فولاد در افغانستان به چه تعداد است؟ حدود ۱۲۹ پاسخ دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۸,۷۴٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ نگرانی از آلودگی محیط زیستی فابریکه‌های تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۱۲۱ پاسخ دهنده گزینه زیاد را انتخاب کرده که ۳۶,۳۴٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ دسترسی به مواد اولیه تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۱۲۱ پاسخ دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۶,۳۴٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

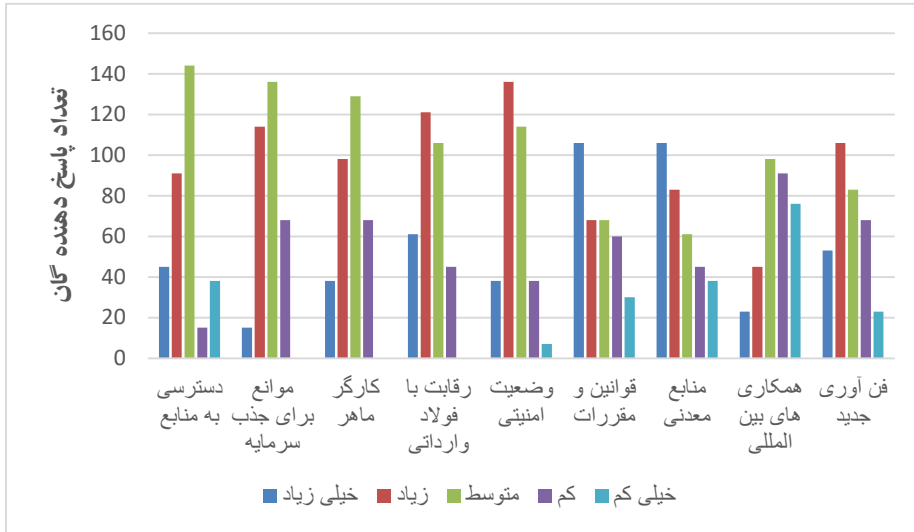
❖ میزان سرمایه‌گذاری روی معادن فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۹۸ پاسخ دهنده گزینه کم را انتخاب کرده که ۲۹,۴۳٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ قیمت‌های استخراج، حمل و نقل تاجه حد در افغانستان روی تولید فولاد تأثیر دارد؟ حدود ۱۱۴ پاسخ دهنده گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده که ۳۴,۸۳٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

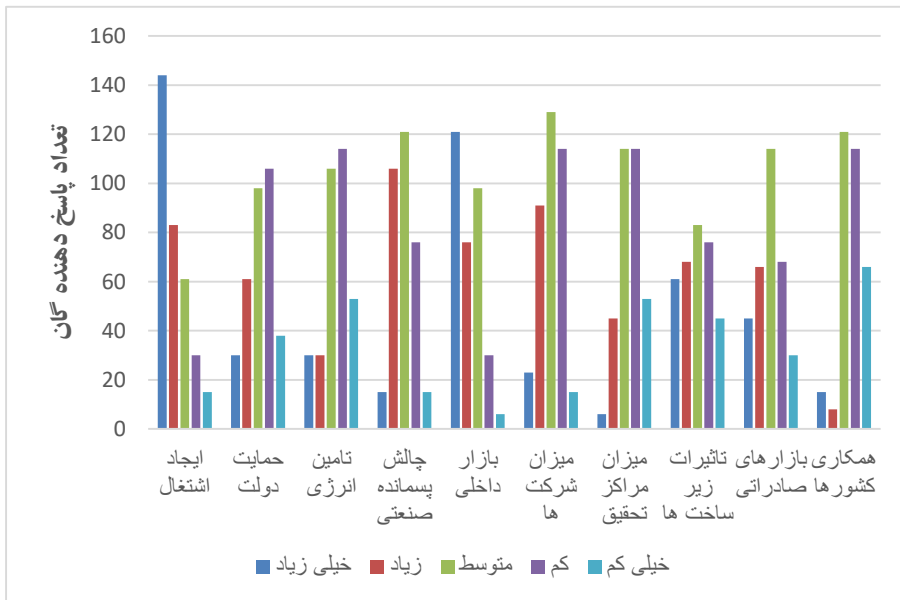
❖ میزان تجهیزات مدرن تولید فولاد در افغانستان چگونه است؟ حدود ۱۵۹ پاسخ دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۴۷,۷۴٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

❖ استانداردهای ملی برای تولید فولاد باکیفیت در افغانستان به چه میزان است؟ حدود ۱۸۹ پاسخ دهنده گزینه خیلی متوسط را انتخاب کرده که ۵۶,۷۵٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.

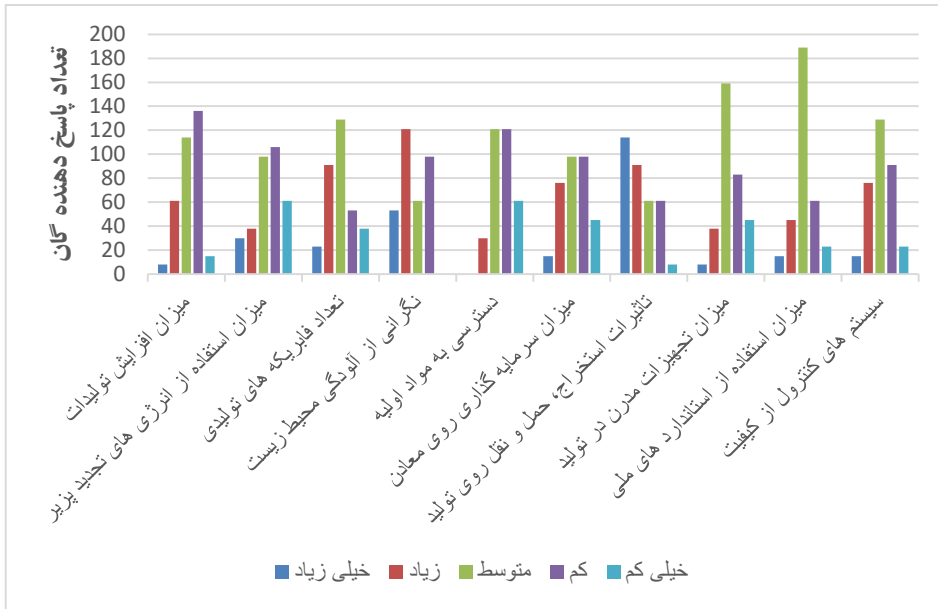
❖ اجزای کارخانه تولید فولاد (کوره‌ها، دستگاه‌های ذوب و تصفیه، سیستم‌های ریخته‌گیری، واحدهای نوردسازی، سیستم‌های کنترل کیفیت، سیستم‌های حمل و نقل) در افغانستان تاجه حد معیاری می‌باشد؟ حدود ۱۲۹ پاسخ دهنده گزینه متوسط را انتخاب کرده که ۳۸,۷۴٪ از مجموع پاسخ دهنده‌گان را تشکیل می‌دهد.



نمودار ۱- نشان دهنده پاسخ سوال ۱ الی ۹ پرسش نامه



نمودار ۲- نشان دهنده پاسخ سوال ۱۰ الی ۱۹ پرسش نامه



نمودار ۳- نشان دهنده پاسخ سوال ۲۰ الی ۲۹ پرسش نامه

نتیجه گیری

از محتوای تحقیق هذا نتایج ذیل را می توان ارایه نمود:

۱- افغانستان بستر مناسب برای رشد صنعت فولاد در منطقه می باشد، چون این کشور دارای منابع کافی بوده و هم چنان از مجموع ۳۳۳ نفر پاسخ دهنده گان حدود ۱۰۶ نفر که ۳۱,۸۳٪ می شود، به این باور اند که افغانستان منابع کافی برای رشد صنعت تولید فولاد را در دسترس دارد.

۲- صنعت تولید فولاد در افغانستان می تواند امکان خوب اشتغال زایی فراهم نماید که در این زمینه از مجموع ۳۳۳ پاسخ دهنده گان ۱۴۴ نفر که ۴۳,۲۴٪ می شود، به این باور هستند که صنعت تولید فولاد در افغانستان زمینه کاری خوبی را فراهم می کند.

۳- عدم دسترسی به تکنالوژی جدید، عدم موجودیت کارگر فنی و عدم موجودیت زیر بنا جهت حمل و نقل باعث چالش در قیمت و کیفیت صنعت تولید فولاد در افغانستان گردیده است.

پیش نهادها

با در نظر داشت این که افغانستان دارای فرصت مناسب جهت رشد صنعت تولید فولاد است، بناءً پیشنهادات ذیل ارایه می گردد:

پوهنمل احمد ذاکر مدثر

- ۱- معادن سنگ آهن و زغال سنگ شناسایی شده، استخراج گردد و جهت رشد صنعت تولید فولاد مورد استفاده قرار گیرد.
- ۲- جهت شناسایی، اکتشاف و استخراج معادن، جدید (سنگ آهن و زغال سنگ) سرمایه گذاری از طرف سکتور خصوصی و دولتی صورت گیرد.
- ۳- جهت بلند بردن کیفیت فولاد و رقابت با فولاد وارداتی برنامه‌های ارتقای ظرفیت جهت مسلکی شدن کارگران دایر گردد.
- ۴- جهت رقابت صنایع فولاد داخلی از نظر قیمت با فولاد وارداتی لازم است تا زیر بنای حمل و نقل به گونه معیاری ساخته شده و انرژی کافی جهت چرخش صنایع فولاد تهیه گردد.

پوهنمل احمد ذاکر مدثر

منابع

- جولازاده، محمد حسن. (۱۳۸۹). اهمیت و نقش صنایع فولاد در توسعه کشور، سمپوزیم فولاد ۸۹، شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان.
- خلیلی، ایمان، شیرازی، بابک، سلطان زاده، جواد. (۱۳۹۸). مطالعه تاریخی صنعت فولاد در ایران؛ کاربرد چارچوب همپایی فناورانه در محصولات و سامانه‌های پیچیده.
- سرتختی، ح، سعیدی، غ، علیا، روفرسنگی، م. (۱۳۹۵). انتخاب روش استخراج با استفاده از روش بهترین - بدترین با نگرش خاص به معدن زغال سنگ همکار.
- صفدری، رنجبر، رحمان سرشت، مصطفی، منطقی، حسین، قاضی نوری، منوچهر، و آگاو، سید سروش. (۱۳۹۷). پنجره‌های فرصت یادگیری فناورانه در صنایع با محصولات و سامانه‌های پیچیده در کشورهای متاخر.
- دهزاد، بهروز. (۱۳۸۲). انسان و محیط زیست، انتشارات موج سبز.
- عدل پور، محمد رضا، وثقی فر، حمید رضا. (۱۳۸۵ ه.ش). ارزیابی کیفی ساختمان‌های فولادی و بتنی: انتشارات مسکن.
- د افغانستان کانی. (۱۳۸۴). وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان.
- محسنی زنوزی، سید جمال الدین. اسماعیلی، سید میثم. (1393). تاثیر نقش دولت در رقابت پذیری. سیاست‌های راهبردی و کلان.
- وزارت صنعت و تجارت افغانستان (۱۴۰۳). <https://moci.gov.af>
- وزارت معادن و پترولیوم افغانستان. <https://momp.gov.af>
- یزدان پناه، احمد و صادقی یازندی، سیف‌الله. (۱۳۷۷). کشورهای در حال توسعه و سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- Bell, Martin, and Keith Pavitt. (2006). Technological accumulation and industrial growth: contrasts between developed and developing countries.
- Nambisan, Satish. (2013). Industry technical committees, technological distance, and innovation performance.
- Helle H, Helle M, Saxen H. (2011). Nolinear optimization of steel production using traditional and novel blast furnace operation strategies.

- Zain, M., Rose, R. C., Abdullah, I., & Masrom, M. (2005). The relationship between information technology acceptance and organizational agility in Malaysia.
- Ray, Amit S. (2001). technological learning in Indian industry: econometric estimation of the research production function.
- Lee, K, F. Malerba, and M. Bell. (2015). Toward a theory of catch-up cycles and changes in industrial leadership.

په لبنیاتي صنعت کې د پروبیوتیکي محصولاتو تولید او روغتیايي اغیزې

پوهنمل روح الله کمال^{*1}

۱. حیواني علومو څانګه، کرنې پوهنځی، غزني پوهنتون

* نویسنده مسئول-ایمیل: rohullahkamal9@gmail.com

لنډيز

په وروستيو لسيزو کې په نړيواله کچه د پروبیوتیکونو کارونه زیاته شوي، چې په خوړو، حیواني تغذیه او درملو کې د فعالو اجزاوو په توګه کارول کېږي. د شیدو د تخمیري محصولاتو مصرف په بېلابېلو هېوادونو کې په چټکۍ سره زیاتېږي، خو په افغانستان کې لا هم د دغو محصولاتو تولید، مصرف او روغتیايي ارزښت ته کافي پاملرنه نده شوې. ددغه څېړنه موخه هم داده چې د لبنیاتو په صنعت کې د پروبیوتیکي محصولاتو د تولید فرصتونه وڅېړي، د هغوی روغتیايي اغیزې تشریح کړي، او د خوړو د صنایعو پاملرنه دې برخې ته راجلب کړي. نوموړی څېړنه کتابتونۍ بڼه لری او له ګڼو نړیوالو مقالو، علمي کتابونو او احصائیوي سرچینو څخه معلومات راټول کړل شويدي، چې زیاتره یې مروړی بڼه لري. پایلې ښيي چې پروبیوتیکي لبنی محصولات د هضمي سیستم د ګڼو ناروغيو په درملنه کې اغېزناک رول لري. ډېر شمېر پروبیوتیکي باکتریاوې لاکټیک اسید تولیدوي، او دا باکتریاوې د تخمیري شیدو، مستو، پنیر، کفیر، آیسکریم او ماشومانو د خوړو په تولید کې کارول کېږي. د دغو محصولاتو نړیوال بازار د پراخېدو په حال کې دی، نو اړینه ده چې څېړنې او نوې ټکنالوژۍ ته وده ورکړل شي. د پروبیوتیکي محصولاتو تولید نه یوازې د لبنیاتو صنعت لپاره یو نوښت بلل کېږي، بلکې د مصرف کوونکو لپاره د غوره روغتیايي پایلو د ترلاسه کولو یوه مهمه لاره هم ده.

کلیدي ټکي: د لبنیاتو صنعت، پروبیوتیکي محصولات، تولید، روغتیايي اغیزې.

Production of Probiotic Products in Dairy Industry and Their Health Effects

Senior Teaching Assistant Rohullah Kamal^{1*}

1. Department of Animal science, Faculty of Agriculture, Ghazni University

* Corresponding Author Email: rohullahkamal9@gmail.com

Abstract

In recent decades, the global use of probiotics has increased significantly, with their application as active ingredients in food, animal feed, and pharmaceuticals. The consumption of fermented dairy products is rapidly growing in various countries; however, in Afghanistan, the production, consumption, and health benefits of these products have not yet received sufficient attention. The aim of this study is to explore the opportunities for the production of probiotic products within the dairy industry, to describe their health effects, and to attract the attention of the food industries to this sector. This research is primarily a literature review, gathering information from numerous international articles, scientific books, and statistical sources, most of which are secondary sources. The findings indicate that probiotic dairy products play a significant role in the treatment of various digestive system diseases. Many probiotic bacteria produce lactic acid, and these bacteria are used in the production of fermented milk, yogurt, cheese, kefir, ice cream, and infant foods. The global market for these products is expanding, highlighting the need to promote further research and new technologies. The production of probiotic products is considered not only an innovation for the dairy industry but also an important means for consumers to achieve improved health outcomes.

Keywords: dairy industry, probiotic products, production, health effects.

سریزه

لبنیات په یقیني ډول د نړیوالو خوړو په سیستم کې مهم رول لوبوي. د شیدو نړیوال تولید تر ۹۰۰ میلیاردو لیټرو پورې اټکل شوی، چې دا پخپله د اقتصاد پر وضعیت مثبت اغېز لري. د لبنیاتو صنعت د نږدې یو میلیون کاریګرو څلورمه برخه په کار ګماري، د نړیوالې کاري قوې ۷٪ جوړوي، او نږدې یو میلیارد یا ۱۲،۵٪ نړیوال نفوس د خپلې ورځنۍ اړتیاوو د پوره کولو لپاره پر دغه صنعت تکیه لري. د لبنیاتو نړیوال بازار په ۲۰۲۴ کال کې له ۸۶۰ میلیونه ډالرو څخه زیات ارزښت درلود، چې پکې نږدې ۲۴۰ میلیونه کسان بوخت وو، او له یو میلیاردو زیات خلک یې د معیشت له اړخه ملاتړ کول (Hill, J., 2024). په کلیوالي سطحه د حیواناتو روزنه د کلیوالي ټولنو د مهمو فعالیتونو څخه شمیرل کیږي، چې د حیوانی تولیداتو په لوړه کچه سلنه لدی جملی شیدی او د هغوی محصولات په بر کې نیسی چې علاوه د کورنی مصرف څخه د هغوی د خرڅلاو څخه یو څه اندازه عواید هم لاسته راوړی (Bouzarjomehri, & Masoumi, 2018). په حقیقت کې د حیواناتو روزنه او د لبنی محصولاتو تولید د عاید په لاسته راوړو او په کلیوالي کچه د کارموندنې په برخه او په ټولیز ډول د یو هیواد په ملی اقتصاد کې مهم رول لری. شیدي هغه حیوانی محصول دی چې په نړیواله کچه د مهم ترینو خوړو څخه ګڼل کیږی او په کلیوالي اقتصاد او پراختیا کې مهم رول لوبوی (فراهانی او همکاران، ۱۳۹۱). د شیدو مصرف د روغتیایی ګټو څخه برخمن دی، د شیدو څخه په ورځنې ډول ګټه اخیستنه کولای شي معدنی موادو (لکه کلسیم) ته لاسرسی پیدا کړی او پدی ډول په ماشومانو کې د وده او پرمختګ باعث ګرځی (Herber et al., 2020)، د افغانستان په شمول په نړیواله کچه په ډیری هیوادونو په ځانګړی ډول هند کې د شیدو محصولات په کورنی ډول استفاده کیږی چې پدی کې شیدی او د هغوی محصولات (کوچ، پنیر، مستی، قروت، چکه، شیدی او آیسکریم) شامل دی، د شیدو مصرف د یو هیواد، سیمې او په نړیواله کچه د خوړو په امنیت کې رڼنده رول لوبوی (Bowen et al., 2011).

په افغانستان کې د لبنیاتو په تولید کې د غواګانو برخه اخیستنه ۸۲ سلنه ده او د روزنکو غواګانو تعداد ۳،۷ میلیون راس راپور ورکړی شوی، او د شیدو غواګانو تعداد زموږ هیواد کې ۳،۷ میلیون راس راپور ورکړل شوی، په افغانستان کې د شیدو غواګانو روزنه په سنتی ډول ترسره کیږی نوڅکه د شیدو د تولید کچه نسبت د هغوی صنعتی روزنه ته ډیره کمه ده، علاوه لدی په افغانستان کې ۸۰ سلنه شیدی په کلیو، ۱۵ سلنه په نیمه ښاری او ۵ سلنه د ښارونو په څنډو کې تولیدیږی او د نوموړو شیدو

پوهنمل روح الله کمال

ډیره کچه د لیرد او پروسس امکاناتو نشتون له امله ۶۰ سلنه په کلیوالی سیمو په بازارونو او ۴۰ سلنه په ښاری بازارونو کې په مصرف رسیری (چرخۍ او همکاران، ۲۰۲۴).

پروبیوتیکي محصولات د لبنیاتو په صنعت کې د هضمي سیستم د روغتیا لپاره مهم رول لري، ځکه دوی د کولمو مایکروفلورا ته وده ورکوي او د بیلابیلو هضمي ناروغيو مخنیوی کوي. په افغانستان کې، که څه هم د پروبیوتیکي محصولاتو تولید لا هم محدود دی، خو د دې صنعت پراختیا او له پروبیوتیکي محصولاتو لکه ترشو شیدو، مستو او پنیر څخه ګټه اخیستنه کولای شي د خلکو پر روغتیا مثبت اغېز ولري. دغه محصولات د لاکتوباسیلوس او بیفیدوباکتیريوم په څېر ګټورې باکتریاوې لري، چې د هضمي سیستم د توازن په ساتلو او د نورو ناروغيو د مخنیوي لپاره مهمې ګڼل کېږي. د پروبیوتیکي لبنیاتو تولید په افغانستان کې د خوړو په صنعت کې یو نوی پرمختګ دی، او د خلکو د روغتیا د ښه والي لپاره یوه اغېزمنه لاره ګڼل کېدای شي.

پروبیوتیک ژوندی مایکروارګانیزمونه دی چې د خوړو په صنعت په ځانګړې ډول په لبنیاتو کې په زیاته کچه استفاده کېږي ولې په افغانستان کې خلک او د لبنیاتو صنعت د پروبیوتیکي لبنی محصولاتو د تولید په اړوند توجه نده کړې او نوموړی برخه د لبنی صنعت څخه پاتی دی. د نوموړی څېړنه موخه د لبنیاتو په صنعت کې د لبنی پروبیوتیکي محصولاتو تولید او د هغوی روغتیایی اغیزو پیژندل دی، چې پدی کې د مختلفو پروبیوتیکي لبنی محصولاتو پیژندنه، د پروبیوتیکي لبنی محصولاتو تولید کړنلاري، د پروبیوتیک او مضره مایکروارګانیزمونو اړیکې، د انسان په روغتیا د پروبیوتیکي محصولاتو د اغیزو پیژندنه او همدارنګه په افغانستان کې د لبنیاتو په صنعت کې د پروبیوتیکي لبنی محصولاتو د تولید په موخه د خصوصي او دولتي سکتور د پاملرنه جذبول او نوموړی ساحه کې کاري فرصتونه ته زمینه برابرویل دی.

د ژونديو مایکروارګانیزمونو کارونه، په ځانګړي ډول په خوړو کې د لاکتیک اسید تولیدوونکو باکتریاوو کارول، د انسان د سلامتیا لپاره له پخوا زمانو سره تړاو لري. د میلاد نه شاوخوا ۷۶ پېړۍ مخکې، رومي مورخ پلینیوس د تخمیري شیدو څخه د هضمي دستگاه د اختلالاتو په درملنه کې یادونه کړې ده. د میکروب پیژندنې د علماوو لکه تیسیر او میچنیکف څېړنو چې پر تخمیري شیدو ترسره شوې، دا وښودله چې یاد محصولات د انسان پر روغتیا مثبتې اغېزې لري او د کولمو د مایکروبي فلور ترمنځ تعادل ته وده ورکوي. په انسان او حیواناتو کې د هضمي سیستم مایکروفلورا د تغذیې او روغتیا

لپاره ډېر مهم رول لري. تخميري باکتریاوې د غذايي موادو د پروسس پر مهال موجود ترکیبات د غیر هوازي میتابولیزم له لارې وروستیو موادو ته بدلوي، چې د بدن د انرژۍ اړتیاوې پوره کوي. د انسان لوی کولمې له جوړښتي پلوه ډېرې فعاله دي، ځکه چې هلته فعاله او منظمه مایکروفلورا شتون لري (Rao, V & Rao, L, 2016).

لاکتیک اسید تولیدوونکې باکتریاوې ناروغۍ نه رامنځته کوي او د انسان لپاره خوندي ګڼل کېږي. هغه مایکروارګانیزمونه چې د شیدو په صنعت کې د پروبیوتیکي محصولاتو د تولید لپاره کارول کېږي، پدې جنسونو کې لاکتوباسیلوس، لاکتوکوکوس، انترکوکوس، سټریپتوکوکوس، باسیلوس، بیفیدوباکتریوم، ساکارومایسس او نور شامل دي. نن ورځ له ۸۰ څخه ډېر پروبیوتیکي محصولات چې بیفیدوباکتریوم لري، په نړیوالو بازارونو کې شتون لري، چې ډېری یې د شیدو په صنعت پورې اړه لري (لکه تازه مایع شیدې، تخميري شیدې، شیدو نوشابه، شیدیز پنیر، دهقاني پنیر او وچي شیدې). په نړیواله کچه تر ټولو مشهور پروبیوتیکي محصول چې بیفیدوباکتریوم لري، پروبیوتیکي مستې دي. دغه مستې سربېره پر لاکتوباسیلوس بولګاریکوس او سټریپتوکوکوس ترموفیلوس، چې د صفراوي اسیدونو پر وړاندې حساس دي او نشي کولای په هضمي سیستم کې اوږدمهاله بقا ولري، یوه یا څو نورې پروبیوتیکي باکتریاوې هم لري (Salminen & Von Wright, 2004).

یاده څېړنه کتابتوني بڼه لری او د یادۍ څیړنې اړوند ارقام د معتبرو نړیوالو ژورنالونو له خپرو شویو سرچینو څخه راټول شوي، چې پکې Science Direct، PubMed، Google Scholar، د لېنیاټو نړیوال ژورنالونه، او همدارنګه نړیوال راپورونه شامل دي. دا څېړنه تر ډېره کتابتون محوره مروړی بڼه لري، او د یادو سرچینو تر څنګ له باوري او ارزښتناکو احصائیوي معلوماتو څخه هم د موضوع اړوند اړین معلومات ترلاسه شوي او استفاده ترې شوې ده.

په افغانستان کې د پروبیوتیکي لېنۍ محصولاتو تولید او مصرف لا هم د پیل په پړاو کې دی، خو د خلکو د روغتیايي پوهاوي د لوړېدو سره، د دغو محصولاتو بازار د پراخېدو لپاره چمتو ښکاري. پروبیوتیکي لېنیاټ، لکه مستې او شیدې، چې له ژونديو ګټورو باکتریاوو څخه برخمن وي، کولای شي د هضمي سیستم پیاوړتیا ته وده ورکړي او د بدن دفاعي سیستم (معافیت) ته ګټه ورسوي. د دې لپاره چې یاد سکتور وده وکړي، اړینه ده چې د عامه پوهاوي د لوړولو لپاره تبلیغاتي کمپاینونه ترسره شي، د لېنیاټو تولیدوونکو ته تخنیکي روزنه ورکړل شي، او دولت یا خصوصي سکتور د کوچنیو

پوهنمل روح الله کمال

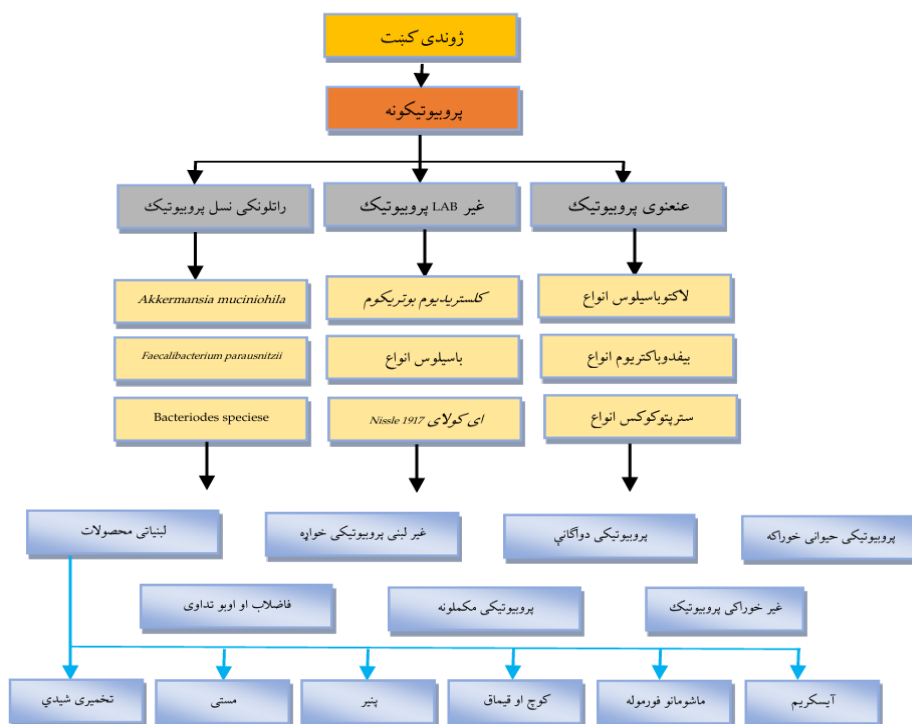
تولیدوونکو ملاتړ ته زمینه برابره کړي. همدارنګه، د لبنیاتو صنعت کارکوونکي باید د پروبیوتیکي لبنی محصولاتو تولید ته پراخوالی ورکړي.

موندنې

څېړنې ښيي چې د پروبیوتیکي محصولاتو مصرف د هضمي سیستم د اختلالاتو او بیلابیلو ناروغیو د مخنیوي لپاره یوه اغېزمنه لاره ده. سره له دې چې په افغانستان کې د پروبیوتیکي لبنیاتو په اړه عامه پوهاوی لا هم محدود دی، خو د دې صنعت د پراختیا له لارې خلک کولای شي له یادو روغتیايي ګټو څخه پوره برخمن شي (Vinderola et al., 2000).

پروبیوتیک

د «پروبیوتیک» کلیمه د یوناني ژبې څخه اخیستل شوې چې معنی یې «د ژوند لپاره» ده. دا اصطلاح لومړی ځل په ۱۹۶۵ کال کې د لیلی او ستیل ول لخوا داسې تعریف شوه: هغه مواد چې د یو مایکروارګانیزم له خوا ترشح کېږي ترڅو د نورو مایکروارګانیزمونو وده تشویق او هڅوي. د «پروبیوتیک» کلیمه د «انټی بیوتیک» کلیمې سره په تضاد کې کارول کېږي. ګولټ (Golt) په ۲۰۰۰ کال کې پروبیوتیک داسې تعریف کړ: پروبیوتیک هغه خوږه ییز مکملونه دي چې له ټاکلو مایکروارګانیزمونو جوړ شوي او په انسان او حیوان کې د ګټورو میتابولیکي او فزیولوژیکي اغېزو وړتیا لري (Pandey, K. et al., 2015).



شکل (۱): د پروبیوتیکونو طبقه بندي او په مختلفو صنعتونو کې د سوداګرۍ استفادې څرنگوالی، د خوړو صنعت پشمول، چې د پروبیوتیک پر اساس تخمیر شوي شیدې، مستي، د ماشومانو فورمولې، پنیر، کوچ، قیماق او آیسکریم ډیر مشهور دي (Gao J et al., 2021).

پری بیوتیک

پری بیوتیک د غیر قابل هضم غذايي موادو څخه جوړ شوی دی، چې په لویو کولمو کې د ټاکلو مایکروارګانیزمونو د انتخابي تحریک او هڅونې له لارې د یو یا څو مایکروارګانیزمونو وده او فعالیت زیاتوي، چې په پایله کې د کوربه د روغتیا لپاره ګټورې اغېزې رامنځته کوي (Pandey, K. et al., 2015).

سمبیوتیک

هغه وخت چې یو غذايي محصول هم پروبیوتیک او هم پری بیوتیک ولري، او د پروبیوتیکي مایکروارګانیزمونو وده د پری بیوتیک په شتون کې تشویق او تقویت شي، دې ته سمبیوتیک ویل کېږي. د بېلګې په توګه، که یو غذايي محصول اولیګوفروکتوز او بیفیدوباکتیریا ولري، نو دغه محصول

پوهنمل روح الله کمال

سمیوټیک گڼل کېږي، ځکه اولیگو فرکتوز د بیفیدوباکتیریا د ودې د زیاتوالي لامل کېږي (Pandey, K. et al., 2015).

د پروبیوټیک روغتیايي اغیزې

پروبیوټیک کوربه د تداوي د ځانگړتیاوو (مخنيوي کوونکې او تداوي) او همدارنگه د تغذیې څخه برخمن کوي. د پروبیوټیک روغتیايي ځانگړتیاوې د مختلفو لارو لکه په ټولنه کې د هغوی مستقیمه لیدنه (د انسان د بدن داخلي شرایط)، په حیواناتو کې د ازموینې (د حیوان د بدن داخلي شرایط) یا د ورته بیرونیو شرایطو په لیدنو سره په ثبوت رسېدلي دي. د یادونې وړ ده چې لومړنۍ کپنلاره نسبت نورو کپنلارو ته زیاته د اعتبار وړ ده. د پروبیوټیک روغتیايي گټې ممکن په هضمي سیستم کې د هغوی د ژوندي موجودیت او فعالیت، د مړو حجرو یا حتی د حجروي دیوال د ټوټو یا د سایټوپلازم د برخو موجودیت، په هضمي سیستم یا ټولو مواردو کې د هغوی ترشح شوي میتابولیتونه، او یا هم ټول ذکر شوي موارد وي. لکه څرنگه چې اشاره ورته شوې، د پروبیوټیک والي اساسي معیار د بدن په داخل کې د ژونديو حجرو فعالیت او کړنې دي (Muniandy, P et al., 2016).

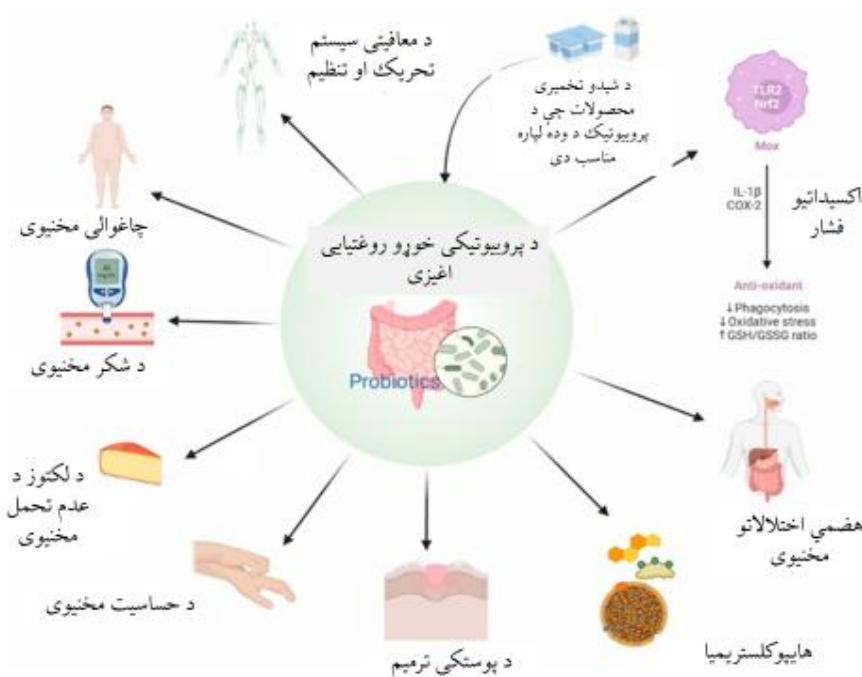
د پروبیوټیک د گټورو اغېزو څخه گټه اخیستنه په دریو کپنلارو سره امکان لري: د ژونديو حجرو په زیات شمېر سره لاسته راوړل د خوراکي مصرف یا موضوعي تطبیق (د درملیزو محصولاتو استفاده)، د هغو عواملو څخه پرېږد کول چې د دغو باکتریاوو شمېر په بدن کې کموي (لکه ناوړه خواړېز رژیم، رادیواکتیف وړانگې، ترینگلتیا، ناروغۍ او د انتی بیوټیک دواگانو استعمال)، او همدارنگه د پری بیوټیکونو مصرف، چې سربېره پر دې چې د پروبیوټیک تحریک، فعالیت او وده ورکوي، ممکن پخپله پری بیوټیک هم مستقیمې روغتیايي اغېزې ولري. د بېلگې په توگه راپور ورکړل شوی چې د نئوشوگر (فروکتو- الیگوسکراید) د مصرف په پایله کې، چې د بیفیدوباکتیریم باکتریاو شمېر په کولمو کې زیاتوي، د کولمو زیانرسوونکو انزایمونو فعالیت هم راکمېږي (Chandramouli, V et al., 2004). د دې ځانگړتیا پایله د سرطان د رامنځته کېدو د خطر کموالی گڼل کېږي.

د پروبیوټیک له لارې د ناروغیو درملنه د انتی بیوټیکونو په پرتله زیاتې گټې لري، چې په لاندې ډول لنډیز کېدای شي:

۱ - د انتی بیوټیک استعمال په بدن ناوړه جانبي عوارض لري؛ له هغې جملې څخه، د کولمو د گټورې میکروبي فلورا له منځه تگ، د بدن د معافیتي سیستم کمزورتیا، او د انتاني ناروغیو پر وړاندې د بدن زیات حساسیت.

۲- د کولمو د ناروغۍ لامل باکتریاوو له خوا د انتيبيوټیکونو پر وړاندې د مقاومت رامنځته کېدو خطر زیاتېږي.

پروبیوټیک په بدن کې ځینې روغتیايي اغېزې لري، لکه درملیزې او د سرطان مخنیوي ځانګړتیاوې، د معافیتي سیستم تحریک، پیاوړتیا او تنظیم، د انتان ضد ځانګړتیاوې، د وینې سیروم د کولېسترول کموالی، د لاکتوز د نه زغملو ښه والی، او همدارنګه د غذايي ارزښت زیاتوالی ((Nualkaekul, S et al., 2012.



شکل (۱): د شیدو د تخمیري محصولاتو روغتیايي ګټې

پروبیوټیکي محصولات

نن ورځ د پروبیوټیک محصولاتو مصرف او غوره والی د نړۍ په اکثره هېوادونو، په ځانګړې توګه په اروپا، د امریکا متحده ایالاتو او جاپان کې په کافي اندازه زیاتوالی موندلی دی. تر ۹۰ سلنه زیات پروبیوټیکي محصولات، چې د لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس او بیفیدوباکتریوم باکتریايي کورنیو لرونکي دي، په نړیواله کچه تولیدېږي (Vinderola & Reinheimer, 2000). تر ۵۳ زیات لښي پروبیوټیکي

پوهنمل روح الله کمال

محصولات په جاپان کې مصرفېږي (Jurkiewicz, C et al., 2011). د ۱۹۷۰ لسیزې وروسته، اکثره هغه مستې چې په امریکا کې تولید شوي دي، د لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس باکتریا لري (Gomes et al., 1998). په اروپايي هېوادونو لکه فرانسه، آلمان او سویډن کې پروبیوتیکي تخمیري محصولات د ۲۵٪ په شاوخوا کې د ټولو پروبیوتیکي محصولاتو برخه جوړوي. په اروپا کې تر ۴۵ زیاتې لښتاتو کارخانې یواځې د بیفیدوباکتریا او لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس پروبیوتیکي محصولات تولیدوي (Vinderola & Reinheimer, 2000). نږدې ۴۳٪ پروبیوتیکي محصولات په انگلستان کې مصرفېږي (Gomes & Malkata, 1999). یوه زیاته اندازه پروبیوتیکي محصولات لکه تخمیري شیدې، نرم پیرونه، د سویا بنسټ لرونکي لبنی محصولات، او تغلیظ شوې میکروبي سوسپنشن، د انگلستان په بازارونو کې شتون لري (De Vrese & Schrezenmier, 2008). په ډېرو اروپايي، شمالي افریقایي او آسیایي هېوادونو کې بېلابېل ډوله پروبیوتیکي محصولات، لکه تخمیري شیدې، تازه شیدې، مستې او پنیر هم تولیدېږي او هم مصرفېږي (Marth & Steele, 1998). په تېرو دوو-دریو لسیزو کې، یو زیات شمېر سوداګریز پروبیوتیکي محصولات بازار ته وړاندې شوي، چې د پام وړ ودې څخه برخمن شوي دي (Molan et al., 2009). د لبنی پروبیوتیکي محصولاتو پراختیا تر دې ځایه رسېدلې چې معمولاً پروبیوتیکي محصولات په دوو ډلو: لبنی پروبیوتیکي محصولات او غیر لبنی پروبیوتیکي محصولات باندې وېشل کېږي. د لومړۍ ډلې څخه کولای شو په لومړي سر کې د مستو، پنیر، ترش قیماق، کوچو، شرومبي، آیسکریم، شیدو پوډر (وچې شیدې)، د پنیر د اوبو څښاک، خوړو شیدو، تغلیظ شویو شیدو، طعم لرونکو شیدو او لبنی څښاک یادونه وکړو. او په دویمه ډله پروبیوتیکي محصولاتو کې د غلوجاتو پروبیوتیکي محصولات، شیریني پزي (قنادي)، شیرینو ډولونه، ماشومانو خواړه، او غوښن محصولات شامل دي (Jurkiewicz et al., 2011).

علاوه له خواړزو محصولاتو څخه، مختلف پروبیوتیکي درملیز محصولات چې د تابلیت یا کپسول په بڼه دي، د بېلابېلو ناروغيو لکه د کولمو انتانات، د نس ناستې بېلابېل ډولونه، په ښځینه جنس کې د تناسلي سیستم انتانات، قبض، د لاکتوز د نه زغملو، او نورو لپاره شتون لري (Adams, M. R et al., 2024). د غذايي پروبیوتیکي محصولاتو په منځ کې، پروبیوتیکي مستې د ډېرو غوره محصولاتو له ډلې شمېرل کېږي، او مختلف ډولونه یې د کولمو د انتاناتو، په ځانګړې توګه د نس ناستې، باکتریايي انتاناتو، او د تناسلي سیستم د خمیرمایې لپاره تولید شوي دي (Muniandy, P et al., 2016).

د پروبیوتیک په اړه ډېرې څېړنې د جاپان، آلمان، امریکا، انگلستان، هند، ارجنټاین او روسیې په هېوادونو کې ترسره شوې دي. راتلونکې څېړنې کولای شي د پروبیوتیک د جوړښت، ډولونو، جنیټیکي اصلاح، او د هغوی د پروبیوتیکي صنعتي تولیداتو د طرحې (ډیزاین) لپاره ترسره شي، خو روغتیايي، حسي او اقتصادي اړخونه یې مطلوب وي، او همدارنګه د متنوع او ځانګړو محصولاتو د تولید زمینه برابره شي. په اوسني وخت کې پروبیوتیکي لښې محصولات، چې په ډېرو بازارونو کې شتون لري، د لښاتو له ډلې څخه دي. له همدې امله، د لښې محصولاتو حسي (ذائقه یي) ځانګړتیاوې، او همدارنګه د هغوی ټولنیز-تاریخي برداشتونه، د هغوی د ځانګړو روغتیايي ګټو په ځانګړې توګه د تخمیري لښې محصولاتو لپاره ځانګړې اهمیت لري. په اوسني وخت کې، تخمیري محصولات ژوندي مایکروارګانیزمونه لري، چې دا ځانګړتیا د دوی په اړه یو مثبت لید لوری رامنځته کوي. مچنیکوف لومړي ځل لپاره د تخمیري پروبیوتیکي محصولاتو روغتیايي اغېزو ته، په عمومي روغتیا او د عمر د اوږدوالي په برخه کې، اشاره کړې وه. نن ورځ، لښې پروبیوتیکي محصولات لکه تخمیري شیدې (لکه مستې)، تازه شیدې، پنیر، قیماق، ترش قیماق، شرومبی، آیسکریم، شیدو پوډر، د پنیر د اوبو سرچینه لرونکې پنیر، خوږې شیدې، غلیظ شوې شیدې، خوند لرونکې شیدې، او همدارنګه لښې څښاک د نړۍ په ډېرو اروپایي، آسیایي هېوادونو او امریکا کې تولید او مصرفیږي (Alander, M et al., 1999).

لښې پروبیوتیکي محصولات

پروبیوتیک د فعالو خواړهزو اجزاوو په توګه کارول کېږي. راپور ورکړل شوی چې دا باکټریاوې د سرطان ضد، جنیټیکي زیان ضد، وقایوي، اکسېدیشن ضد، التهاب ضد، د هېوکو سوري کېدو ضد، لوړ فشار ضد، او د شکر ناروغۍ ضد وړتیاوې لري (Gao J et al., 2021).

د شیدو په صنایعو کې ځینې مهم پروبیوتیکي محصولات لاسته راځي چې دلته یې یادونه کوو:

۱- تخمیري شیدې

تخمیري شیدې د لښاتو په صنعت کې د پروبیوتیک د لېږد لپاره تر ټولو لوړ ظرفیت لري. د پروبیوتیک مختلف کارول شوي ډولونه، د خوشو حسي او جوړښتي ځانګړتیاوو ترڅنګ، روغتیايي اغېزې رامنځته کړې دي. د پروبیوتیک په بنسټ تولید شوي تخمیري شیدو سوداګریز محصولات، لکه کفیر او کومیس، په نړیواله کچه په پراخه کچه کارول کېږي (Gao et al., 2019).

۲- پروبیوتیکي مستې

لبنې محصولات د پروبیوتیک د غوره لېږدونکي عوامل په توګه پېژندل شوي، چې تر منځ یې مستې د پروبیوتیک د ساتنې لوړ ظرفیت لري (د بیفیدوباکتیريوم لاکتیس او لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس له امله)، او همدارنګه د ځانګړو حسي خواصو له مخې بدن ته د پروبیوتیک د لېږد لپاره مناسب چاپېریال برابروي (Ningegowda Madhu, A et al., 2012).

۳- پروبیوتیکي پنیر

پنیر د شیدو له نورو محصولاتو سره پرتله، د پروبیوتیک د لېږد لپاره غوره لېږدونکي ګڼل کېږي. د دې علتونه عبارت دي له: د اوبو د فعالیت کموالی، د ساتنې ټیټه حرارت درجه (۴-۸ سانتي ګراډه)، د تخمیري شیدو او مستو په پرتله لوړ pH، او جوړښتي ځانګړتیاوې (د شحمو د کچې لوړوالی، چې پروبیوتیک په هضمي سیستم کې ساتي). پنیر د تغذیې ارزښت لوړوي او د مصرف کوونکو پاملرنه ورته ډېره وي (Castro et al., 2015).

۴- پروبیوتیکي کوچ او قیماق

د پروبیوتیک کارونه یواځې په تخمیري شیدو، مستو او پنیر پورې محدود نه دي، بلکې نورو محصولاتو ته هم اضافه کېږي او پراخې روغتیايي ګټې لري. کوچ هم د ډېرو روغتیايي ګټو څخه برخمن دی. څېړنې ښيي چې کوچ، د مشوع شحمي اسیدونو د لوړې کچې له امله، له زړه ناروغیو او شکر سره تړاو لري. پروبیوتیک په غیر لبنې کوچو کې هم پراخه کارول کېږي، لکه د بادامو غوړي، لمرګلي غوړي، نارګیل تېل او د کتان تخم تېل (Pimpin et al., 2016).

۵- پروبیوتیکي آیسکریم

آیسکریم هم د پروبیوتیک یو غوره او مهم لېږدونکی دی. پروبیوتیک آیسکریم، یو غوره او فعال روغتیايي خوړو ته بدلېږي. د پروبیوتیک دوام، د تولید او ذخیرې پر مهال، د بقا له اړخه مهم اغېز لري. بېلابېل فکتورونه لکه د تخمیر پروسه، یخ کول، د مخلوط کولو پروسه، د پروسې سختوالی، د یخ ذخیره موده، او د محصول تړل/ډوبول مهم رول لري (Mohammadi et al., 2011).

۶- پروبیوتیکي پوډري شیدې او د ماشومانو فرمولې

د ماشومانو فرمولې ته د پروبیوتیک د اضافه کولو هدف، د ماشومانو د هضمي مایکروفلور توازن ساتل دي، چې دا د مؤثر معافیتي سیستم د ودې لپاره مهم رول لري. د ماشومانو فرمولې په زیاتېدونکي ډول د پروبیوتیکونو او پری بیوتیکونو سره تکمیلېږي. د اروپايي ټولنې څېړنې ښيي چې پروبیوتیک/

پری بیوتیک تکمیل شوې ماشومانو فرمولې، د ماشومانو پر وده هېڅ ډول روغتیايي اندېښنه نه لري (Braegger et al., 2011).

بحث

په هر هېواد کې د شیدو صنعت بنسټ ایښودنه په درېیو اصلي عواملو پورې تړلې ده: د شیدو او لبنی محصولاتو لپاره مناسب بازار، د شیدو د ټولولو لپاره مسلکي انساني قوه او وسایل، د لبنیاتو پروسس، توزیع او د مطلوب کیفیت لرونکو شیدو دوامداره او پایښت لرونکی شتون (Odero-Waitituh, 2017). په افغانستان کې د پروبیوتیکي لبنی محصولاتو د تولید او مصرف په اړه تر اوسه کومه ځانګړې څېړنه نه ده ترسره شوې. خو هغه څېړنه چې د Chukwu او همکارانو له خوا په ۲۰۱۵ کال کې ترسره شوې، ښيي چې ۷۳٪ خلک په بازار کې له موجودو پروبیوتیکي محصولاتو سره آشنا نه وو او همدارنګه یې هېڅ ډول پروبیوتیکي محصولات د طبی درملو په توګه نه و تجویز کړي. همداراز، د Pyahoo او همکارانو په ۲۰۲۳ کال کې څېړنه ښيي چې یوازې ۱۶٪ کسان د پروبیوتیک په برخه کې له څېړنو سره آشنایي لري. په لبنی صنعت کې د پروبیوتیکي محصولاتو تولید په تېرو څو کلونو کې د پام وړ زیات شوی دی. د دغو محصولاتو تولید د مصرف کوونکو د روغتیا لپاره مهم بلل کېږي، په ځانګړې توګه د هغو کسانو لپاره چې د کولمو ستونزې یا د لاکتوز د نه تحمل ستونزه لري. پروبیوتیکونه د ګټورو مایکروارګانیزمونو په توګه پېژندل شوي، چې د کولمو د روغتیا ساتنه، د معافیتي سیستم پیاوړتیا، او د بیلابیلو روغتیايي ستونزو – لکه پړسوب، حساسیت، او ځینې سرطاني خطرونه – په کمولو کې مهم رول لري (Sen, M. 2019). د پروبیوتیکي لبنیاتو صنعت د مصرف کوونکو ترمنځ زیاتېدونکې شهرت پیدا کړی، خو د دې محصولاتو تولید ته لازمه پاملرنه او علمي څېړنه اړینه ده. د ټکنالوژۍ او نوښتونو پراختیا د پروبیوتیکي لبنیاتو د تولید کیفیت ته وده ورکوي او د روغتیايي ګټو لپاره نوې لارې چارې وړاندې کوي (Hill, J. et al., 2024). که څه هم د پروبیوتیکي لبنیاتو اغېزې د نړۍ په بیلابیلو برخو کې مطالعه شوې دي، خو لا هم بشپړه پوهه د هغوی د دقیقو ګټو او د مصرف پر وړاندې د روغتیايي اغېزو په اړه اړتیا لري.

پایله

د پروبیوتیکي محصولاتو تولید په لبنیاتي صنعت کې د پام وړ زیاتوالی موندلی دی. پروبیوتیکونه هغه ګټور مایکروارګانیزمونه دي چې د کولمو د روغتیا ساتنې، د معافیتي سیستم تقویت، او د مختلفو روغتیايي ستونزو لکه د لاکتوز نه تحمل، حساسیتونو، او ځینو سرطاني خطرونو په کمولو کې مهم رول

پوهنمل روح الله کمال

لوبوي. د لبنیاتو پروبیوتیکي محصولات، لکه مستې او تخمیر شوې شیدې، د لاکتیک اسید باکتریاوو له لارې په طبعي توګه د دغو اغېزو ترلاسه کولو لپاره یوه مناسبه سرچینه بلل کېږي. څېړنې ښيي چې پروبیوتیکي لبنیاتي محصولات د کولمو د pH سطحې د کمولو، د ناروغۍ لامل جوړوونکو باکتریاوو د ودې د مخنیوي، او د معافیتي سیستم د فعالولو له لارې په عمومي روغتیا کې ښه والی راوستلی شي. همدارنګه، د دغو محصولاتو مصرف د کولمو په توازن کې مرسته کوي او د بدن د مایکروبیوم په متوازن کولو کې مهم تاثیر لري. پروبیوتیکي لبنیاتي محصولات د روغتیايي ګټو ترڅنګ، د بازار د تقاضا په زیاتېدو سره، د مصرف کوونکو ترمنځ د شهرت لوړولو لپاره د لبنیاتو صنعت ته نوي فرصتونه برابروي. د دغو محصولاتو د تولید او پراختیا لپاره څېړنې او نوې ټکنالوژۍ باید دوام ومومي، ترڅو له دغو ګټو څخه هر څومره چې ممکنه وي ګټه واخیستل شي. د پروبیوتیکي لبنیاتو تولید د لبنیاتي صنعت لپاره نه یوازې یو نوښت، بلکې د مصرف کوونکو لپاره د غوره روغتیايي ګټو ترلاسه کولو لپاره هم یو مهم فرصت دی.

وړاندیزونه

د لبنیاتو صنعت د پیاوړتیا لپاره باید دولت او مؤسسات په کلیوالو سیمو کې د پرمختګ لپاره ګړندي او کولتي ګامونه پورته کړي، ځکه لبنیات په کلیوالو سیمو کې تولیدیږي او د ډېرو کلیوالو وګړو ژوند ورسره تړلی دی.

د دې صنعت د پرمختګ لپاره ځینې وړاندیزونه دولت، مؤسساتو، خصوصي سکتور او د لبنیاتو د صنعت کارخانو ته وړاندې کوم:

۱ - په کلیوالو سیمو کې باید د شیدو ټولولو مرکزونه (Milk Collection Centers - MCC) او همدارنګه د شیدو د پروسس کلیوالي پلانتونه (Rural Dairy Processing Plant - RDPP) جوړ او ملاتړ شي.

۲ - دولت باید خپل داخلي لښي تولیدات حمایت کړي او د بهرنیو هیوادونو د لښي محصولاتو په واردولو کې کموالی رامنځته کړي.

۳ - خصوصي سکتور او په ځانګړي ډول د شیدو د پروسس کارخاني باید د معیارونو سره سم لښي پروبیوتیکي محصولات تولید کړي او د خلکو په لاس کې یې ورکړي.

۴ - د لښي پروبیوتیکي محصولاتو د مصرف او د هغو د ګټو په اړه باید عامه پوهاوی ترسره شي.

د منابعو فهرست

چرخي, وحيدالله, جويان, احمدالله, احمدی, محمد سردار, ... & هژير. (2024). بررسی وضعیت تولید و بازاریابی شیر و فرآورده‌های لبنی گاوهای شیری در استان لوگر-افغانستان. نشریه پژوهش در نشخوارکنندگان, 12(3), 39-56.

فراهانی, حسین, کولایی, محمد حسین و اصدقی سراسکانرود, زهرا (۱۳۹۱). ارزیابی کارایی شبکه منطقه ای تولید و جمع آوری شیر در بخش مرکزی شهرستان هشتروند با استفاده از GIS, فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی, سال ۱۷, شماره ۴۶, تبریز, ۱۹۸-۱۷۱.

Adams, M. R., McClure, P. J., & Moss, M. O. (2024). *Food microbiology*. Royal society of chemistry.

Alander, M., De Smet, I., Nollet, L., Verstraete, W., von Wright, A., & Mattila-Sandholm, T. (1999). The effect of probiotic strains on the microbiota of the Simulator of the Human Intestinal Microbial Ecosystem (SHIME). *International journal of food microbiology*, 46(1), 71-79.

Ballini, A., Charitos, I. A., Cantore, S., Topi, S., Bottalico, L., & Santacroce, L. (2023). About functional foods: The probiotics and prebiotics state of art. *Antibiotics*, 12(4), 635.

Braegger, C., Chmielewska, A., Decsi, T., Kolacek, S., Mihatsch, W., Moreno, L., Pieścik, M., Puntis, J., Shamir, R., Szajewska, H., Turck, D., van Goudoever, J., & ESPGHAN Committee on Nutrition. (2011). Supplementation of infant formula with probiotics and/or prebiotics: A systematic review and comment by the ESPGHANcommitteeonnutrition. *Journal of Pediatric Gastroenterology and Nutrition*, 52(2), 238–250. <https://doi.org/10.1097/MPG.0b013e3181fb9e80>

Bowen L, Ebrahim S, de Stavola B, Ness A, Kinra S, Bharathi AV, Prabhakaran D, Reddy KS. Dietary intake and rural-urban migration in India: a cross-sectional study. *PLoS ONE*. 2011;6(6):1–8.

- Bouzarjomehri, K., & Masoumi, M. (2018). Surveying the barriers and challenges faced by women in the marketing of dairy products (Case study: Sarchehan vill, Bavanat county). *Spatial planning*, 8(3), 1-18.
- Castro, J. M., Tornadijo, M. E., Fresno, J. M., & Sandoval, H. (2015). Biocheese: A food probiotic carrier. *Biomed Research International*, 2015,723056.<https://doi.org/10.1155/2015/723056>
- Chandramouli, V., Kalaspathy, K., Peiris, P., & Jones, M. (2004). An improved method of microencapsulation and its evaluation to protect *Lactobacillus* spp. in simulated gastric conditions. *Journal of Microbiological Methods*, 56(1), 27-35.
- Chukwu, E. E., Nwaokorie, F. O., Yisau, J. I., & Coker, A. O. (2015). Assessment of the knowledge and perception of probiotics among medical science students and practitioners in Lagos state. *British Journal of Medicine and Medical Research*, 5(10), 1239.
- De Vrese, M., & Schrezenmier, J. (2008). Probiotics, prebiotics, and synbiotics. *Advanced Biochemistry Engineering/ Biotechnology*, 111, 1-66.
- Gomes, A.M.P., & Malkata, F.X. (1999). *Bifidobacterium* spp. and *Lactobacillus acidophilus*: biological, biochemical, technological and therapeutical properties relevant for use as probiotics. *Trends in Food Science and Technology*, 10(4-5), 139-157.
- Gao, J., Li, X., Zhang, G., Sadiq, F. A., Simal-Gandara, J., Xiao, J., & Sang, Y. (2021). Probiotics in the dairy industry—Advances and opportunities. *Comprehensive Reviews in Food Science and Food Safety*, 20(4), 3937-3982.
- Gao, J., Ding, G., Li, Q., Gong, L., Huang, J., & Sang, Y. (2019). Tibet kefir milk decreases fat deposition by regulating the gut micro biota and gene expression of Lpl and Angptl4 in high fat diet-fed rats. *Food Research International*, 121,278–287.<https://doi.org/10.1016/j.foodres.2019.03.029>
- Gomes, A.M.P., Malcata, F.X. & Klaver, F.A.M. (1998). Growth enhancement of *Bifidobacterium lactis* bo and *Lactobacillus*

acidophilus ki by milk hydrolyzates. *Journal of Dairy Science*, 81(11), 2817-2825.

Herber C, Bogler L, Subramanian SV, Vollmer S. Association between milk consumption and child growth for children aged 6–59 months. *Sci Rep*. 2020;10(1):2–10.

Hill, J. (2024). Science, technology, and innovation in the dairy sector. *International Journal of Food Science and Technology*, 59(9), 6717-6723.

Jurkiewicz, C., Boscariolia, M.P., Ferreira, R.G., Ribeiro, E.P., Prieto, W.H., & Kunigka, L. (2011). Microencapsulation of probiotic bacteria with alginate and prebiotic and evaluation of survival in ice cream. 11th International Congress on Engineering of Food, Athens, Greece, 3.

Marth, E.H., & Steele, J.L. (1998). *Applied Dairy Microbiology*: Marcel Dekker Publishing. New York.

Molan, A.L., Flanagan, J., Wei, W., & Moughan, P.J. (2009). Selenium-containing green tea has higher antioxidant and prebiotic activities than regular green tea. *Food Chemistry*, 114(3), 829-835.

Mohammadi, R., Mortazavian, A. M., Khosrokhavar, R., & da Cruz, A. G. (2011). Probiotic ice cream: Viability of probiotic bacteria and sensory properties. *Annals of Microbiology*, 61(3), 411–424. <https://doi.org/10.1007/s13213-010-0188-z>

Muniandy, P., Shori, A.B., & Baba, A.S. (2016). Influence of green, white and black tea addition on the antioxidant activity of probiotic yogurt during refrigerated storage. *Food Packaging and Shelf Life*, 8, 1-8.

Ningegowda Madhu, A., Amrutha, N., Gurudutt Prapulla, S.(2012). Characterization and Antioxidant Property of Probiotic and Synbiotic Yogurts. *Probiotics and Antimicrobial Proteins*, 4(2), 90–97.

Nuallakul, S., Lenton, D., Cook, M. T., Khutoryanskiy, V. V., & Charalampopoulos, D. (2012). Chitosan coated alginate beads for the survival of microencapsulated *Lactobacillus plantarum* in pomegranate juice. *Carbohydrate polymers*, 90(3), 1281-1287.

Odero-Waititu, J. A. (2017). Smallholder dairy production in Kenya; a review. *Livestock Research for Rural Development*, 29(7), 139.

- Pandey, K. R., Naik, S. R., & Vakil, B. V. (2015). Probiotics, prebiotics and synbiotics-a review. *Journal of food science and technology*, 52, 7577-7587.
- Pimpin, L., Wu, J. H. Y., Haskelberg, H., Del Gobbo, L., & Mozaf farian, D. (2016). Is butter back? A systematic review and meta analysis of butter consumption and risk of cardiovascular disease, diabetes, and total mortality. *PLoS One*, 11(6), e0158118. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0158118>
- Pyahoo, L., Amouie, M. J., Bagherzadeh, H., Askari, S., & Khajebishak, Y. (2023). Assessment of the probiotic products usage barriers and the status of knowledge, attitude, practice in nurses and medical sciences students: A descriptive-analytical study. *The Journal of Toloobehdasht*.
- Rao, V., & Rao, L. (Eds.). (2016). *Probiotics and prebiotics in human nutrition and health*. BoD–Books on Demand.
- Sen, M. (2019). Role of probiotics in health and disease–A review. *International Journal of Advancement in Life Sciences Research*, 1-11.
- Salminen, S., & Von Wright, A. (2004). *Lactic acid bacteria: microbiological and functional aspects*. CRC press.
- Vinderola, C.G., & Reinheimer, J.A. (2000). Enumeration of *Lactobacillus casei* in the presence of *L. acidophilus*, bifidobacteria and lactic starter bacteria in fermented dairy products. *International Dairy Journal*, 10(4), 271-275.

د افغانستان په کليوالي پراختيا او صنعتي کولو کې د چرگانو روزنې رول څېړنه

پوهنمل ضياء الدين ضياء^{1*}، پوهنيار عنايت الله جنتي²

1. حيواني علومو خانگه، کرنې پوهنځی، سيدجمال الدين افغاني پوهنتون

* نویسنده مسئول-ایمیل: Zia.sjau@gmail.com

لنډيز

د دې څېړنې موخه دا ده چې د افغانستان د کليوالو سيمو اقتصادي وده او صنعتي کېدل کې د چرگانو د روزنې سکتور ونډه وارزوي. څېړنه همداراز هڅه کوي چې هغه اړينې پاليسي اصلاحات او زیربنايي پانگونې وپېژني چې د دې سکتور د پياوړتيا او دوامدار اقتصادي پرمختگ لپاره مهمې دي. د تشریحي او تحلیلي میتودونو په کارولو سره، څېړنه د چرگانو د روزنې اقتصادي اغېزې، له سکتور سره تړلې ننگونې، او د ګاونډيو هېوادونو له تجربو څخه اخیستل شوي معلومات ارزوي. پایلې ښيي چې د چرگانو روزنه کولی شي د کار فرصتونه رامنځته کړي، د خوړو خوندیتوب ښه کړي او د محلي صنعتونو لکه د خوړو د تولید او پروسس پراختیا ته وده ورکړي. سره له دې، دا سکتور د زیربناوو د کمښت، محدودو مالي سرچینو، او د حیواني روغتیا د خدماتو د نشتوالي له ستونزو سره مخ دی. د دغو خنډونو د لرې کولو لپاره، اړینه ده چې د یخچالي خونو جوړول، د ترانسپورت شبکو پراخول، او د کوچنیو فارمدارانو لپاره مالي ملاتړ برابر شي. څېړنه سپارښتنه کوي چې حکومت باید داسې پاليسی پلي کړي چې د خصوصي سکتور پانگونه وهڅوي او د چرگانو د روزونکو لپاره د سرچینو لاسرسی زیات کړي. که دا ستونزې حل شي، نو د چرگانو روزنه به د افغانستان د صنعتي کېدو او پایدار اقتصادي پرمختگ لپاره مهم رول ولوبوي.

کلیدي کلمې: افغانستان، پاليسي اصلاحات، چرگانو روزنه، زیربنايي پانگونه، صنعتي کولو او کليوالي اقتصادي وده.

A Study on the Role of Poultry Farming in Afghanistan's Rural Development and Industrialization

Senior Teaching Assistant Ziauddin Zia^{1*}, Teaching Assistant Anayatullah Janati²

1. Department of Animal science, Faculty of Agriculture, Sayed Jamaluddin Afghan University

* Corresponding Author Email: Zia.sjau@gmail.com

Abstract

This research investigates the contribution of the poultry farming sector to rural economic development and industrialization in Afghanistan. The study aims to identify essential policy reforms and infrastructural investments needed to enhance sectoral performance and promote sustainable economic growth. Employing descriptive and analytical methods, the study evaluates the economic impact of poultry production, highlights key challenges within the sector, and draws comparative insights from neighboring countries. Results indicate that poultry farming holds significant potential to generate employment, strengthen food security, and support the development of local agro-industries such as food processing. Despite this potential, the sector is constrained by inadequate infrastructure, limited financial access, and insufficient veterinary health services. The study underscores the need for cold storage infrastructure, expanded transportation networks, and targeted financial support for small-scale producers. It recommends that government policy should actively facilitate private sector investment and improve access to resources for poultry farmers. Addressing these gaps will enable the poultry sector to play a vital role in Afghanistan's industrialization and long-term economic sustainability.

Keywords: Afghanistan, industrialization, infrastructural investments, policy reforms, poultry farming, rural economic development.

سريزه

د افغانستان د کليوالي پراختيا او صنعتي کېدو موضوعات د هېواد د اوږدمهاله اقتصادي او ټولنيزو بدلونونو له بنسټيزو لومړيتوبونو څخه شمېرل کېږي. د دې حقيقت په پام کې نيولو سره چې د هېواد اقتصاد په اساسي ډول پر کرنه ولاړ دی، مالداري د خلکو د ژوند د وسايلو د خونديتوب، د خوړو د خونديتوب د يقيني کولو، او د اقتصادي ودې په برخه کې مهم رول لوبوي (Azizi, 2024). د مالدارۍ د بېلابېلو برخو له جملې څخه، د چرگانو روزنه د کليوالي اقتصادي پراختيا لپاره يوه مؤثره لاره بلل کېږي، ځکه چې دا سکتور لږې پانگونې ته اړتيا لري، د توليد چټک دوران لري، او د کار د فرصتونو د ايجاد وړتيا لري (Jawhar et al., 2024).

د کرنې، اوبو لگولو، او مالدارۍ وزارت په ۲۰۲۵ کال کې راپور ورکړی چې په افغانستان کې د چرگانو د توليد په سکتور کې له يو ميليارډ ډالرو څخه زياته پانگونه شوې ده. اوس مهال، په ټول افغانستان کې شاوخوا ۱۵۰۰۰ فارمونه فعال دي چې مجموعي ارزښت يې له يو ميليارډ ډالرو څخه زيات دی. که څه هم په دې سکتور کې دومره زياته پانگونه شوې، خو د کرنې او مالدارۍ خونه وايي چې افغانستان لا هم د چرگانو په توليد کې ځانښايښ ته نه دی رسېدل (Tolonews, 2025).

د چرگانو روزنه د افغانستان په کليوالي اقتصاد کې د خوړو د خونديتوب او د تغذيې د ښه والي لپاره يو مهم او اړين رول لري. د چرگانو محصولات، په ځانگړې توگه هگۍ او غوښه، د پروتين يوه ارزانه او لاسرسۍ وړ سرچينه گڼل کېږي چې د کليوالو او ښاري ټولنو د خوړو اړتياوې پوره کوي (Ahmadzai, 2014). تر دې سربېره، دا سکتور د کوچنيو فارمدارانو، په ځانگړې ډول ښځو، لپاره د کار فرصتونه رامنځته کوي، چې له دې لارې د اقتصادي شموليت د پراخېدو او د کليوالو ټولنو د مقاومت د پياوړتيا لامل گرځي. (Zhu et al., 2024) د لويې کچې مالدارۍ برعکس، د چرگانو روزنه لږې ځمکې او پانگونې ته اړتيا لري، چې دا چاره کليوالي کورنيو ته د عايد يوه زړه راښکونکې او عملي سرچينه برابروي (Miani et al., 2022). سره له دې ټولو گټو، دا سکتور لا هم د وترنري خدماتو د محدود لاسرسي، له بازارونو سره د کم ربط، او د کمزورو تنظيمي چوکاټونو له امله له پراختيا وروسته پاتې دی (Azizi, 2024).

د افغانستان د چرگانو د روزنې سکتور د دې وړتيا لري چې د يو خپلواکه، کورني تأمينونکي زنځير له لارې د صنعتي پراختيا نوې پړاو ته ننوځي، چې له مخې به د هېواد پر وارداتو تکیه کمه شي. په اوسني حالت کې، د چرگانو د محصولاتو يوه لويه برخه چې په افغانستان کې مصرفېږي، له نورو

هېوادونو، په ځانګړي ډول له ګاونډیو لکه پاکستان او ایران څخه واردېږي (Fishstein & Amiryar, 2015). د کورني تولید ظرفیت لوړول، د عصري روزنیزو تخنیکونو پلي کول، او د خوړو د تولید او پروسس لپاره تسهیلاتو ته پانګونه نه یوازې د وارداتو اړتیا راکموي، بلکې د هېواد دننه نوي اقتصادي فرصتونه هم رامنځته کوي (Horst & Watkins, 2022). تر څنګ یې، د صنعتي چرګانو د روزنې پراخېدل د اړوندو سکتورونو لکه د خوړو تولید، وترنري خدماتو، او یخچالي نقلیه وسایلو او یخچالي خونو ته وده ورکوي، چې دا ټول د افغانستان د عمومي اقتصادي پراختیا لپاره مثبت اغېز لري (Bhatty & Berouti, 1980). همداراز، د چرګانو پر بنسټ د کرنیزو سوداګریزو فعالیتونو پراختیا کولی شي د کلیوالي کارآفرینۍ زمینه برابره کړي، د ځوانانو لپاره د کار فرصتونه زیات کړي، او د هېواد د کرنیز اقتصاد بنسټونه نور هم پیاوړي کړي (Pingault et al., 2016).

د افغانستان د چرګانو د روزنې سکتور د ودې پر وړاندې له ګڼو خنډونو سره مخ دی، چې پکې د کیفیت لرونکو خوړو ته محدود لاسرسی، د ناروغيو پراخوالی، د ماهر و کارکوونکو نشتوالی، او د زیربنايي اسانتیاوو کمښت شامل دي (Miani et al., 2023). د پالیسي یو قوي او منظم چوکاټ نه شتون دې ستونزو ته لا شدت ورکړی، او د کوچنیو فارمدارانو لپاره یې دا امکان محدود کړی چې له لویو تسهیلاتي زنځیرونو سره یوځای شي (Kamrava et al., 2012). سربېره پر دې، امنیتي ستونزې او سیاسي بې ثباتي له تاریخي پلوه د کلیوالي پراختیا پر پروژو منفي اغېز کړی، چې له امله یې په دې سکتور کې دوامداره پانګونه ستونزمنه شوې ده (Dwivedi, 2017). د دې ننگونو د حل لپاره د حکومت، خصوصي سکتور، او نړیوالو پرمختیايي بنسټونو تر منځ همغږي هڅې اړینې دي، تر څو داسې پالیسي اقدامات عملي شي چې د زیربناوو پراختیا، مالي هڅونې، او د ظرفیت لوړونې پروګرامونه پکې شامل وي (Su et al., 2022). سربېره پر دې، د چرګانو د روزونکو تر منځ د همغږۍ جوړښت او د فارمدارانو اتحادیو رامنځته کول کولی شي د کوچنیو تولیدونکو مخابراتي ځواک پیاوړی کړي او هغوی ته د منابعو او بازارونو ته د آسانه لاسرسي زمینه برابره کړي (Sherman, 2008).

سره له دې چې دا سکتور له بېلابېلو ننگونو سره مخ دی، خو بیا هم د چرګانو روزنه د افغانستان د کلیوالي پراختیا لپاره د یوه مهم محرک په توګه پېژندل شوې ده. د جنوبي آسیا د ګاونډیو هېوادونو پرتله ییزو مطالعاتو ښودلې چې د چرګانو د روزنې صنعت د فقر کمولو، د خوړو خونديتوب لوړولو، او د صنعت ودې په برخه کې بریالی پایلې ورکړي دي (Sohaib & Jamil, 2017). د پاکستان د تجربو له مخې، څېړنو ثابته کړې چې کله کوچني فارمداران د لوړ ارزښت لرونکو بازارونو سره وصل شي، نو

د دوی عایدات په پام وړ توګه لوړېږي او دا کار د دوامدار کلیوالي ژوند ملاتړ کوي (Horst & Watkins, 2022). افغانستان هم کولای شي ورته ستراتیژۍ غوره کړي، د ارزښت زنجیرونو د یوځای کولو لپاره پانګونه وکړي، د پورونو لاسرسي ته وده ورکړي، او د چرګانو د روزنې په تخنیکونو کې څېړنه او نوښتونه رامنځته کړي (Sherman, 2008). برسېره پر دې، د چرګانو د جینیټیک کیفیت د ښه کولو، د ناروغیو د مؤثر مدیریت، او د نوې ټکنالوژۍ د پلي کولو لپاره ځانګړي پروګرامونه کولی شي د دغه سکتور اوږدمهاله پایداری تضمین کړي (Lawler, 2016).

د څېړنې ستونزې دا دي چې د افغانستان د چرګانو سکتور د کلیوالي پراختیا او صنعتي ودې لپاره پراخ امکانات لري، خو د خوراک، وترنري خدماتو، عصري تخنیکونو، مالي محدودیتونو، او کمزورو زیربناوو له امله وده محدوده ده. د وارداتو تکیه، د قوي پالیسي او تنظیمي چوکاټ نشتوالی، او د ناروغیو خپرېدل د سکتور پرمختګ محدودوي. سیاسي بې ثباتي او د تخنیکي پوهې کمښت هم د سوداګریزې پانګونې او پایښت خنډ ګرځېدلی دی (Azizi, 2024; Miani et al., 2023).

د څېړنې اهمیت په دې کې دی چې د چرګانو سکتور د افغانستان د کلیوالي پراختیا او صنعتي ودې لپاره مهم اقتصادي فرصتونه او د خوړو خوندیتوب برابروي. د صنعت پیاوړتیا د وارداتو تکیه کموي، اړوند سکتورونه وده کوي، او د عاید او بازار لاسرسي فرصتونه زیاتوي. د عصري تخنیکونو او زیربناوو پانګونه د تولید او پایښت لوړوي، کوچني فارمداران په سوداګریز زنجیرو کې شاملوي، او د سکتور اوږدمهاله دوام تضمینوي (Sherman, 2008; Horst & Watkins, 2022).

سره له ننگونو، د چرګانو روزنه د افغانستان د کلیوالي پراختیا او صنعتي کېدو لپاره مؤثره لاره ده. د سکتور پراختیا د کورني تولید، اقتصادي فرصتونو، د ځوانانو د ګډون زیاتولو، او د خوړو امنیت د پیاوړتیا سبب کېږي. د نوې ټکنالوژۍ، عصري روزنیزو تخنیکونو، او همغږو پالیسو پلي کول د سکتور اوږدمهاله پایښت تضمینوي (Lawler, 2016; Su et al., 2022).

د څېړنې موخې

۱- د افغانستان په کلیوالو سیمو کې د چرګانو روزنې د اقتصادي ودې پیاوړتیا او د صنعتي پرمختګ ملاتړ ارزونه.

۲- د قانوني او بنسټیزو اصلاحاتو له لارې د چرګانو سکتور پیاوړتیا او د اقتصادي پرمختګ دوام.

تیرو اثارو تهکننه:

د چرگانو د روزنې سکتور د افغانستان د کلیوالي پراختیا او صنعتي کولو په پرمختګ کې د پام وړ وړتیا لري، ځکه چې دا د کاري فرصتونو د رامنځته کولو، د خوړو د خونديتوب د پیاوړتیا او د اقتصادي ودې د هڅولو لامل ګرځي. د خوړو خونديتوب په افغانستان کې یوه ستره ننګونه ده او د چرگانو روزنه کولی شي په دې برخه کې مهم رول ولوبوي، ځکه چې دا د پروتین یوه ارزانه سرچینه برابروي (Ahmadzai, 2014). په ورته ډول، سره له دې چې د مالدارۍ سکتور پراخه وړتیا لري، د کافي پانګونې او کمزورې زیربنا له امله د دې اقتصادي ونډه محدوده پاتې ده، چې دا عوامل د چرگانو د روزنې د ودې خنډ ګرځي. د دې سکتور د پیاوړتیا لپاره اړینه ده چې د پالیسۍ، مالي ملاتړ، او ظرفیت جوړونې په برخو کې پرمختګ وشي ترڅو د چرگانو روزنه د پراخو اقتصادي پراختیایي ستراتیژیو برخه وګرځي (Azizi, 2024).

د چرگانو روزنې اقتصادي اهمیت په کلیوالي افغانستان کې څرګند دی، په ځانګړې توګه د هغو کاري فرصتونو له لارې چې دا د کوچنیو فارمدارانو او ښځو لپاره رامنځته کوي. د مالدارۍ روزنه، چې چرگانو روزنه هم په کې شامله ده، د ډېرو افغان کورنیو لپاره د اصلي عاید سرچینه ده، کوم چې اقتصادي ثبات او د خوړو خونديتوب لامل ګرځي (Jawhar et al., 2024). د ښځو رول په چرگانو روزنه کې د پام وړ دی، ځکه چې ښځې په چرگانو تولید کې د کار کولو او د کورنۍ د خوړو خونديتوب تر منځ یوه قوي اړیکه لري. په هر حال، فرهنګي او مالي خنډونه د دوی ګډون محدودوي، چې هدفمندې مداخلې ته اړتیا لري ترڅو ښځینه فارمدارانو ته ځواک ورکړل شي (Zhu et al., 2024).

د زیربناوو پراختیا د چرگانو روزنې د افغانستان د صنعتي کولو په پروسه کې د یوځای کولو لپاره اړینه ده. د صنعتي کولو هڅې باید د زراعتي او مالدارۍ سکتورونو ته لومړیتوب ورکړل شي ترڅو پایداره اقتصادي وده ترلاسه شي (Bhatty & Berouti, 1980). ضعیفه اداره او ناسمې پالیسۍ د کرنې سوداګرۍ، په شمول د چرگانو روزنې، پراختیا ته زیان رسولی دی. د عرضه کوونکي ځنځیر لوژستیک، یخچالي ذخیره کولو تسهیلات، او د ترانسپورتي شبکو ښه کول کولی شي د چرگانو تولید او د بازار یوځای کولو کې مرسته وکړي (Fishstein & Amiryar, 2015).

د سیمه ییزو تجربو څخه د افغانستان د چرگانو روزنې د سکتور د پراختیا لپاره ارزښتناکه پوهه ترلاسه کیږي. په هند او پاکستان کې، د چرگانو روزنه په کلیوالي اقتصادونو کې د پام وړ ونډه لرلې ده،

په ځانگړې توگه د کوچنيو فارمدارانو لپاره چې دوی د لوړ ارزښت لرونکو بازارونو سره يوځای کوي (Horst & Watkins, 2022). د پاکستان د چرگانو صنعت د هدفمندې پاليسي مداخلې، د خوړو د توليد ښه کولو، او د ټيکنالوژۍ پرمختگ له امله وده کړې ده. په افغانستان کې د ورته ستراتيژيو پلي کول کولی شي د چرگانو د توليد او سيالي وړتيا ته وده ورکړي (Sohaib & Jamil, 2017).

د پاليسي چوکاټونو او د حکومت د مداخلې رول د چرگانو روزنې په ترويج کې ښه مستند شوی دی. د جنوبي آسيا په کليوالي ژوند باندې د سيمه ييز امنيت او اقتصادي پاليسيو اغېزه روښانه شوې ده (Dwivedi, 2017). همدارنگه، د خوړو د حاکميت او خونديتوب پاليسي بايد د مالدارۍ او چرگانو روزنې ته لومړيتوب ورکړي ترڅو د وارداتو تکيه کمه شي. د موسساتو چوکاټونو پياوړتيا او د پاليسيو پلي کول، چې د محلي چرگانو توليدونکو ملاتړ وکړي، کولی شي د افغانستان د اقتصادي ځان بسيا والي په لوړولو کې مرسته وکړي (Kamrava et al., 2012).

سره له دې چې د چرگانو روزنې صنعت په افغانستان کې د پراختيا وړتيا لري، خو دا سکتور څو محدوديتونه هم لري. د مالدارۍ په سکتور کې د فکري ملکيت د ساتنې نشتوالی او د نظارتي سيستم کمزوري د بازار بې نظمۍ لامل گرځي (Nasseri, 2021). سربېره پر دې، د افغانستان د کرنې پراختيايي سيستم لاهم ضعيف دی، چې د فارمدارانو لپاره د تخنیکي پوهې او د چرگانو روزنې غوره طريقو ته د لاسرسي محدوديت رامنځته کوي. د دې ستونزو د حل لپاره هدفې اصلاحات، په تعليم او روزنيزو پروگرامونو کې پانگونه کولی شي د توليد وړتيا او دوامدارۍ ته وده ورکړي (Wesa, 2002).

میتود او کړنلاره

دا مروري څېړنه د چرگانو روزنې د کليوالي پراختيا او صنعتي کولو په برخه کې د رول د ارزونې لپاره تشریحي-تحليلي میتود څخه کار اخیستل شوی دی. په دې څېړنه کې د نړيوالو علمي ژورنالونو، کتابونو، راپورونو او مهمو ويب سايټونو لکه Google Scholar، Web of Science او نورو له لارې اړوند علمي منابع راټول او تحليل شوي دي. د دغو منابعو له ارزونې وروسته، هغه موندنې او پایلې په گوته شوي چې د چرگانو روزنې د سکتور رول په کليوالي پراختيا او صنعتي ودې کې روښانه کوي.

مهمې موندنې

۱: د افغانستان په کليوالو سيمو کې د چرگانو روزنې د اقتصادي ودې پياوړتيا او د صنعتي پرمختگ ملاتړ ارزونه.

• د کليوالو د ژوند او د خوړو د خونديتوب په ښه کولو کې ونډه

د چرگانو روزنه د کليوالو کورنيو لپاره يوه ثابت عايد برابروي، چې هغوی ته د ورځنيو اړتياوو د پوره کولو او د اقتصادي زيانمنتيا د کمولو زمينه برابروي (Ahmadzai, 2014). دا د کورنيو په خوړو کې مهم رول لري، ځکه د پروتين يوه ارزانه او لوړ کيفيت لرونکې سرچينه ده، په ځانگړي توگه په هغو سيمو کې چې د خوړو کمښت موجود وي (Jawhar et al., 2024). په توليد کې د خلکو فعاله برخه د کورنيو په خوړو کې د خونديتوب او تغذيې په ښه والي کې مرسته کوي، چې د دې سکتور ټولنيز او اقتصادي اهميت څرگندوي (Zhu et al., 2024). دغه فعاليتونه ښيي چې چرگانو روزنه نه يوازې د عايد د زياتوالي لپاره مهمه ده، بلکې د کليوالو ټولنو د غذايي وضعيت د ښه کولو په برخه کې مستقيمه ونډه لري (Azizi, 2024).

• کاري فرصتونه جوړول او اقتصادي گډون

د چرگانو روزنه په کليوالو سيمو کې د جزوي (part-time)، موسمي او بشپړ وخت دندو فرصتونه برابروي، چې کورنيو ته د اضافي عايد ترلاسه کولو زمينه برابروي (Jawhar et al., 2024). دا سکتور په ځانگړي توگه هغو کمزورو کسانو ته گټور دی چې د ځمکې يا پانگې د محدوديت له امله لوی فارمونه نه شي جوړولی، ځکه کوچني فارمونه لږه ځمکه او لږه پانگه غواړي (Miani et al., 2022). د ښځو او ځوانانو گډون د عايد توزيع متوازن کوي او د کليوالو کورنيو اقتصادي مقاومت پياوړی کوي (Zhu et al., 2024).

• د صنعتي کولو او ارزښت ځنځير پراختيا

صنعتي کچې چرگانو روزنه کولی شي يو ځان بساينې کورنی عرضه کوونکی ځنځير رامنځته کړي او د افغانستان په وارداتو باندې اتکا راکمه کړي (Fishstein & Amiryar, 2015). پانگونه په پروسس کولو، د خوراکي موادو توليد، او پخپالي لوجيستيک کې د سکتور موثريت زياتوي او په اړوند صنعتونو کې نوي دندې رامنځته کوي (Bhatti & Berouti, 1980). کوچنی فارمداران د لوړ ارزښت لرونکو بازارونو سره وصول د کورنيو عايد زياتوي او صنعتي وده هڅوي، لکه څنگه چې د پاکستان د تجربو څخه څرگنديږي (Horst & Watkins, 2022). د عصري ټکنالوژۍ، د خوراکي

موادو د کیفیت ښه کولو، او د فارم مدیریت غوره کړنو کارول د تولید موثریت او د سکتور رقابت نور هم زیاتوي (Sohaib & Jamil, 2017).

• د کرنې سکتور پیاوړتیا او صنعتي ودې هڅول

د چرګانو پر بنسټ کرنیز سوداګریز فعالیت د سوداګرۍ وده هڅوي، ځوانان په تولیدي دندو بوختوي او اقتصادي تنوع ته وده ورکوي (Pingault et al., 2016). د چرګانو روزنه اړوند سکتورونه لکه وترنري خدمتونه، خوراکي موادو تولید او د خوړو پروسس ملاتړ کوي، چې د اقتصادي ودې سبب کېږي (Lawler, 2016). د محلي تولید پیاوړتیا د ارزښت زیاتولو فرصتونه رامنځته کوي، لکه د چرګانو د غوښې پروسس او د هګیو بسته بندۍ، چې د صنعتي چوکاټونو او ملي اقتصادي ستراتیژیو سره د سکتور یوځای کول یقیني کوي (Horst & Watkins, 2022; Azizi, 2024).

• دندې رامنځته کول، د فقر کمول او د بازار فرصتونه

د چرګانو روزنه په تولید، پروسس، بازارموندنه او توزیع کې دندې رامنځته کوي، د کلیوالي وګړو فقر کموي او کورنیو ته دوامداره عاید برابروي (Jawhar et al., 2024). د سیمه ایزو او ملي بازارونو لاسرسی اقتصادي یوځای کول هڅوي، او د مناسب پانګونې سره نړیوال بازار ته د ننوتلو فرصتونه رامنځته کولی شي (Fishstein & Amiryar, 2015). صنعتي پروسس د خامو محصولاتو ارزښت زیاتوي، صنعتي دندې رامنځته کوي، او د کلیوالي اقتصاد تنوع پراخوي (Pingault et al., 2016).

۲: د قانوني او بنسټیزو اصلاحاتو له لارې د چرګانو سکتور پیاوړتیا او د اقتصادي پرمختګ دوام

• د پالیسۍ او اداري اصلاحاتو اړتیا

کمزوري اداري چوکاټونه، نا همغږه پالیسۍ او د حکومت محدود ملاتړ د سکتور وده محدوده کړې (Azizi, 2024). ملي پالیسۍ چې د مالدارۍ او چرګانو روزنې ته لومړیتوب ورکوي، د وارداتو اتکا کمه او ځان بساینه لوړه کولی شي (Kamrava et al., 2012). سیاسي بې ثباتي او امنیتي ستونزې اوږدمهاله پانګونې محدودوي، د ثابت حکومتدارۍ او واضح مقرراتو اړتیا څرګندوي (Dwivedi, 2017).

• د زیربناوو او عرضه کوونکي ځنځیر پرمختګ

د یخچالونو کمښت، خرابې لارې او د پروسس محدودې اسانتیاوې د تولید او بازار لاسرسي محدودوي (Bhatty & Berouti, 1980). د کلیوالو بنسټیزو جوړښتونو پیاوړتیا او د لوجیسټیک

پوهنمل ضیاءالدین ضیاء

سیستمونه کولی شي کوچني تولیدونکي په سوداگریزو عرضه کوونکي ځنځیرونو کې یوځای او موثریت یې زیات کړي، او د حاصل وروسته ضایعات راکم کړي (Su et al., 2022; Fishstein & Amiryar, 2015).

• ظرفیت لوړونه او تخنیکي ملاتړ

وترنري خدمتونو، پراختیایي پروگرامونو او عصري ټکنالوژۍ ته محدود لاسرسی د تولید کمښت او د چرگانو د مرګ ژوبلې زیاتوالی رامنځته کوي (Wesa, 2002; Nasseri, 2021). د فارم مدیریت، بایوسیکورتي، د خوړو امنیت او د ناروغیو مخنیوي په اړه روزنیز پروگرامونه د تولید، حیواني روغتیا او عامه روغتیا ښه والي سبب کېږي (Sherman, 2008; Miani et al., 2023; Kamal & Nasiri, 2021).

• قانوني او مقرراتي چوکاټونه

د فکري ملکیت کمزوري ساتنه، د خوړو د امنیت ضعیف مقررات، او د بازار کمزوری څار د سکتور موثریت کموي (Nasseri, 2021). د قوانینو پیاوړتیا د بازار موثریت زیاتوي، پانگونه هڅوي او عصري فارم داری هڅونې برابروي (Mollik et al., 2016; Azizi, 2024).

• خپلواکي او ټولنیز ګډونه

کلتوري خنډونه او د ملاتړ نشتوالی د کمزورو ګروپونو او وګړو ګډون محدودوي، سره له دې چې د کورنیو تغذیه او عاید ښه کولو توان لري (Zhu et al., 2024). د چرګانو اتحادیې، د فارمدارانو ټولنې او شمولیت لرونکي پروگرامونه تولیدوونکو ته ځواک ورکوي، د بازار لاسرسی او منابع زیاتوي او ټولنیز عدالت او اقتصادي مقاومت پیاوړی کوي (Sherman, 2008; Azizi, 2024).

• چاپیریالي پایښت او بایوسیکورتي

پایدارې طریقې، لکه د ناروغیو مدیریت، بایوسیکورتي او د کثافاتو مناسب سیستمونه د چاپیریال اغیز کموي او د سکتور اوږدمهاله پایښت یقیني کوي (Pingault et al., 2016; Lawler, 2016). چاپیریال دوستانه فارمونه د چرګانو مرګ ژوبله کموي، د zoonotic ناروغیو خطر کموي، او د کلیوالو ژوند دوامداره ملاتړ کوي (Pingault et al., 2016).

• مالي سرچېنو ته لاسرسی، څېړنې او بازار اړیکې

د مالي منابعو محدود لاسرسی د کوچنیو فارمونو عصري طریقو ته وده ورکولو ته خنډ دی؛ میکروفايننس او ارزانه پوړونه کولی شي د تولید پراختیا او موثریت لوړ کړي (Azizi, 2024).

Kamrava et al., 2012). څېړنې او پرمختګ د ناروغيو کنټرول، د خوراکي موادو اصلاح، او نسل غوره کولو په برخه کې مرسته کوي، چې د سکتور رقابت او پايښت زياتوي (Pingault et al., 2016; Sohaib & Jamil, 2017). د بازار اړيکو پياوړتيا او د سوداګرۍ اسانول د کليوالي توليدوونکو لپاره لوی بازارونه پرانيزي، عايد زياتوي او صنعتي وده هڅوي (Horst & Watkins, 2022; Fishstein & Amiryar, 2015).

پايښ

د افغانستان په کليوالو سيمو کې د چرګانو روزنه د اقتصادي ودې او صنعتي پرمختګ لپاره يوه مهمه سرچينه ګڼل کېږي. دا سکتور د کورنيو د عايد لوړولو، د خوړو د خونديتوب او پروټين ته د لاسرسي په ښه کولو کې کليدي رول لوبوي. په ځانګړې توګه، د کوچنيو فارمدارانو او ښځو لپاره د کار فرصتونه برابروي چې د کورنيو اقتصادي مقاومت او ټولنيز شموليت زياتوي. د صنعتي کچې چرګانو روزنه کولی شي د کورني عرضه کوونکو زنجير جوړ کړي، د وارداتو پر تکيه کمښت رامنځته کړي، او اړوند سکتورونه لکه وترنري خدمتونه، خوراکي توليد، يخچالي لوجيستيک او پروسس ته وده ورکړي. دا ټول د کليوالو سيمو د اقتصادي پراختيا او د صنعتي ودې په برخه کې مثبت اغيز لري. د ښځو او ځوانانو ګډون د عايد توزيع متوازن کوي او د ټولنې د اقتصادي ثبات او د خوړو د خونديتوب په برخه کې مستقيمه ونډه لري.

سره له دې چې د چرګانو روزنې سکتور په افغانستان کې د پراختيا وړتيا لري، خو د پرمختګ مخه ځينې ننگونې نيسي. د زيربناوو کمزوري، د معياري خوراکو محدود لاسرسي، د ناروغيو خپرېدل، د مالي سرچينو محدوديت او د قانوني چوکاټ ضعف د سکتور د وده کولو خنډونه دي. د دې ستونزو د حل لپاره د ظرفيت لوړونه، عصري روزنيز او تخنيکي لارې، د بازار اړيکو پراخول، د مالی ملاتړ او د ښځو او ځوانانو ګډون خورا مهم دي. همدارنګه، د کورني توليد پياوړتيا، د عرضه کوونکي زنجيرونو ښه کول او د پروسس او يخچالي تسهيلاتو ته پانګونه کولی شي د سکتور اوږدمهاله دوام او اقتصادي اغيز زيات کړي. په ټوله کې، د چرګانو روزنه د کورني توليد، اقتصادي فرصتونو، د ځوانانو د ګډون، د فقر کمولو او د خوړو د خونديتوب د پياوړتيا لپاره يوه مؤثره او عملي لار ده چې د کليوالو سيمو د اقتصادي او صنعتي پرمختګ لپاره بنسټيزه ونډه لري.

سپارښتې

1. د چرگانو روزنه باید د دوامداره ژوند معیارونو د رامنځته کولو، د فقر د کمولو، او په کلیوالي افغانستان کې د کاري فرصتونو د زیاتولو لپاره وکارول شي.
2. د چرگانو پروسس کولو فابریکې او عصري ذبح خانې جوړې کړئ ترڅو د صنعتي ظرفیت لوړولو او د چرگانو محصولاتو ته ارزښت زیاتولو لپاره مرسته وکړي.
3. د کلیوالي بنسټیزو خدماتو لکه ترانسپورتي شبکو او سړې زیرمو خدماتو پیاوړتیا وکړئ ترڅو د حاصل وروسته ضایع کمې کړي او د بازار ته لاسرسی ښه کړي.
4. د چرگانو روزنه د کلیوالي پراختیا پراخو پروگرامونو برخه وگرځوئ چې د کرنې، ښوونې او روغتیا برخې هم پکې شاملې وي.
5. د حکومت سبسیایۍ او مالي ملاتړ د وړو چرگانو بزگرانو لپاره معرفي کړئ ترڅو د تولید ظرفیت لوړولو او فارم پراختیا کې مرسته وکړي.
6. په خپرېنه او نوښت کې پانگونه وکړئ ترڅو د چرگانو د غوره نسلونو، ناروغیو د کنټرول او د خوراک ټیکنالوژیو په برخه کې پرمختګ رامنځته شي.
7. د وترنري خدماتو او روزنې پیاوړتیا وکړئ ترڅو د چرگانو فارمونو کې د ناروغیو د مخنیوي او مدیریت لپاره مؤثرې لارې چارې شتون ولري.
8. داسې پالیسي جوړې کړئ او عملي کړئ چې د چرگانو په سکتور کې د خصوصي سکتور پانگونه تشویق کړي، ترڅو صنعتي پراختیا ته وده ورکړي.
9. د ښوونې پروگرامونه او پراختیايي خدمات رامنځته کړئ ترڅو بزگران د عصري چرگانو روزنې لپاره اړین مهارتونه او پوهه ترلاسه کړي.
10. د ارزانه چرگانو خوراک ته لاسرسی اسانه کړئ او د محلي خوراک تولیدي فابریکې جوړې کړئ ترڅو لګښتونه کم کړي او د فارم پایداری زیات کړي.

مأخذونه

- Ahmadzai, K. M. (2014). Food security and rural poverty in Afghanistan.
- Azizi, M. N. (2024). Constraints of Livestock Sector Development and Low Economic Contribution to The Economy of Afghanistan. *Journal of Natural Science Review*, 2(Special. Issue), 593-606.
- Bhatty, I. Z., & Berouti, L. (1980). A development strategy for Afghanistan: Lessons of an employment policy mission. *The Pakistan Development Review*, 337-352.
- Dwivedi, S. S. (2017). Understanding South Asian vulnerability: Perspectives of regional security. *Archeology & Anthropology Open Access*, 1(3), 1-10.
- Fishstein, P., & Amiryar, M. E. (2015). *Afghan economic policy, institutions, and society since 2001*. United States Institute of Peace..
- Horst, A., & Watkins, S. (2022). *Enhancing Smallholder Incomes by Linking to High Value Markets in Pakistan's Punjab and Sindh Provinces* (p. 20220569846). Washington, DC, USA: World Bank.
- Jawhar, S., Akif, C., Habibi, E., & Yılmaz, Ö. (2024). Livestock Sector's Economic Significance and Livelihood Support in Afghanistan: A Focus on Small Ruminants. *Nangahar University, International Journal of Biosciences*, 3(2).
- Kamrava, Mehran, Zahra Babar, Eckert Woertz, Jane Harrigan, Raymond Bush, Habibollah Salami, Toktam Mohtashami et al. "Food security and food sovereignty in the Middle East." (2012).
- Miani, a. M., & darwish, m. O. Sustainable rural livelihood challenges in afghanistan's ghazni province: using atlas. Ti software.
- Miani, A. M., Dehkordi, M. K., Siamian, N., Lassois, L., Tan, R., & Azadi, H. (2023). Toward sustainable rural livelihoods approach: Application of grounded theory in Ghazni province, Afghanistan. *Applied Geography*, 154, 102915.
- Miani, A. M., Hamayoun, H., & Hemat, M. (2022). Qualitative Analysis of Strategies Affecting Sustainable Livelihoods in the Northern Villages of Andar District, Gazni Province,

- Afghanistan. *International Journal of Food and Agricultural Economics (IJFAEC)*, 10(2), 143-157.
- Nasseri, S. A. S. (2021, December 26). *An overview of protection the life forms and plant varieties under intellectual property laws: A comparative study between India and Afghanistan*. Legal Service India. Retrieved August 20, 2025, from <https://www.legalserviceindia.com/legal/article-7471-an-overview-of-protection-the-life-forms-and-plant-varieties-under-intellectual-property-laws-a-comparative-study-between-india-and-afghanistan.html>
- Sherman, D. M. (2008). *Tending animals in the global village: a guide to international veterinary medicine*. John Wiley & Sons.
- Sohaib, M., & Jamil, F. (2017). An insight of meat industry in Pakistan with special reference to halal meat: a comprehensive review. *Korean journal for food science of animal resources*, 37(3), 329.
- Su, F., Chang, J., Shang, H., & Fahad, S. (2022). A simulation-based study on the coupling coordination of farmers' livelihood efficiency and land use: a pathway towards promoting and implementing the rural development and rural revitalization strategy. *Land*, 12(1), 124.
- Tolonews. (2025). *Investment in Afghanistan's poultry sector exceeds \$1 billion*. Retrieved from: <https://tolonews.com/business-192591>
- Wesa, T. (2002). *The Afghan agricultural extension system: impact of the Soviet occupation and prospects for the future* (Doctoral dissertation, University of British Columbia).
- Zhu, Y., Azami, M. R., Fazal, M., Khuram, D., Iannotti, L., Babulal, G., & Trani, J. F. (2024). The Association Between Women's Education and Employment and Household Food Security in Afghanistan. *The European Journal of Development Research*, 36(4), 841-867.

بررسی عمل‌کرد لرزه‌ای سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی

آهن‌کانکریتی و نقش آن در رشد صنعت مصالح فولادی در افغانستان

پوهنمل دکتور محمداکرم فیضی^{*1}، پوهنمل دکتور حسیب‌الله جهش²، پوهنمل عبدالسمیع کوهستانی³

1. دیپارتمنت سیول، پوهنځی انجینری، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: m.akram.faizy@au.edu.af

چکیده

افغانستان سالانه نیاز به مقادیر زیادی آهن و فولاد دارد که بخش عمده‌ای آن از کشورهای خارجی تأمین می‌شود. با توسعه صنعت مصالح فولادی و استفاده از آن در ساختمان‌سازی، این وابستگی کاهش یافته و کشور به مرحله خودکفایی می‌رسد که در نتیجه فرصت‌های شغلی جدید ایجاد شده و به کاهش بیکاری در افغانستان کمک می‌نماید. این امر زمانی تحقق می‌یابد که فرهنگ ساختمان‌سازی از مصالح فولادی در کشور ترویج گردد. یکی از دلایل اصلی عدم استفاده از ساختمان‌های فولادی در افغانستان، کمبود دانش در مورد عمل‌کرد این نوع ساختمان‌ها در برابر نیروی ناشی از زلزله است. در این تحقیق به هدف معرفی یک سیستم مقاوم و پایدار در ساختمان‌سازی که منجر به رشد صنعت مصالح فولادی و صنعتی شدن کشور نیز می‌شود، عمل‌کرد یک ساختمان 5 طبقه با ویژگی‌های لرزه‌ای در شهر کابل در دو حالت متفاوت (سیستم باربر جانبی فولادی و سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی) بر اساس روش کمی به وسیله نرم‌افزار تخصصی SAP2000 که برای تحلیل و طراحی ساختمان‌ها استفاده می‌شود، با استفاده از تحلیل استاتیکی غیرخطی و تحلیل تاریخچه زمانی خطی بررسی شده است. نتایجی که از تحلیل استاتیکی غیرخطی به دست آمد، نشان داد که در صورت استفاده از سیستم باربر جانبی فولادی، سختی و مقاومت سیستم کاهش یافته، در حالیکه ظرفیت جذب انرژی زلزله در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. از طرفی برش پایه سیستم باربر جانبی فولادی با استفاده از تحلیل تاریخچه زمانی خطی تحت اثر رکورد زلزله حوزه دور به اندازه 45% نیز کاهش یافت. این نتایج مزایای استفاده از سیستم‌های باربر جانبی فولادی را برای بهبود تاب‌آوری لرزه‌ای و پیشرفت صنعت فولاد افغانستان و توسعه پایدار تأکید می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: عمل‌کرد لرزه‌ای، سیستم باربر جانبی، تحلیل استاتیکی غیرخطی، تحلیل تاریخچه زمانی خطی، ظرفیت جذب انرژی، فولاد

Investigation of the seismic performance of the steel lateral load-resisting system in comparison to the reinforced concrete lateral load-resisting system and its role in the development of the steel materials industry in Afghanistan

Senior Teaching Assistant Dr. Mohammad Akram Faizy^{1*}, Senior Teaching Assistant Dr. Hasibullah Jahish², Senior Teaching Assistant Abdul Sami Kohistani³

1. Department of Civil, Faculty of Engineering, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: m.akram.faizy@au.edu.af

Abstract

Afghanistan annually requires significant quantities of iron and steel, most of which are imported from foreign countries. By developing the steel materials industry and utilizing them in construction, this dependency can be reduced, leading the country toward self-sufficiency. Consequently, new job opportunities will be created, contributing to a reduction in unemployment. Achieving this goal depends on promoting the culture of using steel materials in construction within the country. One major obstacle to adopting steel structures in Afghanistan is the lack of knowledge about their performance against seismic forces. This study aims to introduce a resilient and sustainable lateral load resistance system that fosters the growth of the steel materials industry and industrialization in Afghanistan. Using specialized software SAP2000, the seismic performance of a five-story building in Kabul city was investigated under two different lateral load-resisting systems: steel and reinforced concrete frames. Nonlinear static analysis results revealed that while stiffness and resistance decreased with the steel system, its energy dissipation capacity during earthquakes significantly improved compared to the reinforced concrete system. Furthermore, linear time-history analysis under far-field earthquake records showed a 45% reduction in base shear. These findings highlight the advantages of steel lateral load-resisting systems in enhancing seismic resilience, improving Afghanistan's steel industry, and promoting sustainable development.

Keywords: Seismic performance, lateral load-resisting system, nonlinear static analysis, time-history analysis, energy dissipation capacity, steel

مقدمه

سیستم‌های باربر جانبی¹ به بخشی از ساختمان اطلاق می‌شود که وظیفه آن‌ها مقاومت در برابر نیروهای جانبی است. این نیروها شامل نیروی باد و نیروی زلزله هستند. عمل‌کرد این سیستم‌ها باعث افزایش پایداری و ایمنی در ساختمان‌ها می‌شود. بر اساس استاندارد بارگذاری آمریکا (American Society of Civil Engineering, 2022)، سیستم‌های باربر جانبی به چند دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام ویژگی‌ها و کاربردهای متفاوت دارند. به دلیل عدم رشد صنعت مصالح فولادی در افغانستان، همواره در این کشور از سیستم‌های باربر جانبی آهن‌کانکریتی در ساختمان‌سازی استفاده شده و هیچ‌گاهی به مزیت‌های سیستم‌های باربر جانبی فولادی توجه نشده است. درحالی‌که عملکرد لرزهای ساختمان‌های فولادی به مراتب بالاتر از عملکرد ساختمان‌های آهن‌کانکریتی می‌باشد (Lacki et al., 2018).

رفتار سیستم‌های باربر جانبی فولادی به گونه‌ای است که با جذب و توزیع نیروهای برشی، از آسیب‌های ناشی از زلزله یا باد جلوگیری می‌شود (Hajjar, 2002). طراحی مناسب این سیستم‌ها می‌تواند تأثیرات مخرب نیروهای دینامیکی² را کاهش داده و پایداری کلی ساختمان را افزایش دهد. استفاده درست از سیستم‌های باربر جانبی نه تنها مقاومت، سختی و ظرفیت جذب انرژی ساختمان‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر برای رشد صنعت و توسعه پایدار زیرساخت‌ها در یک کشور در نظر گرفته شود.

سیستم‌های باربر جانبی فولادی به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد، از جمله استحکام، دوام و قابلیت انعطاف‌پذیری، می‌توانند جایگاه ویژه‌ای در پروژه‌های ساختمانی پیدا کنند (Wang et al., 2013). چنانچه از شکل 1 مشاهده می‌شود، افغانستان در میان صفحات تکتونیکي فعال اوراسیا³، هند⁴ و عربستان⁵ واقع شده و به همین دلیل در معرض خطر زلزله‌های شدید قرار دارد (Boyd et al., 2007). بخش‌های شمال شرقی کشور، به‌ویژه نواحی مرزی با تاجیکستان و پاکستان، بیشتر از سایر مناطق، آسیب‌پذیرتر هستند. زمین‌لرزه‌های مکرر، از جمله زلزله‌های بزرگ در سال‌های اخیر، جان هزاران نفر را گرفته و خسارات مالی و زیرساختی قابل‌توجهی را به این کشور به بار آورده است.

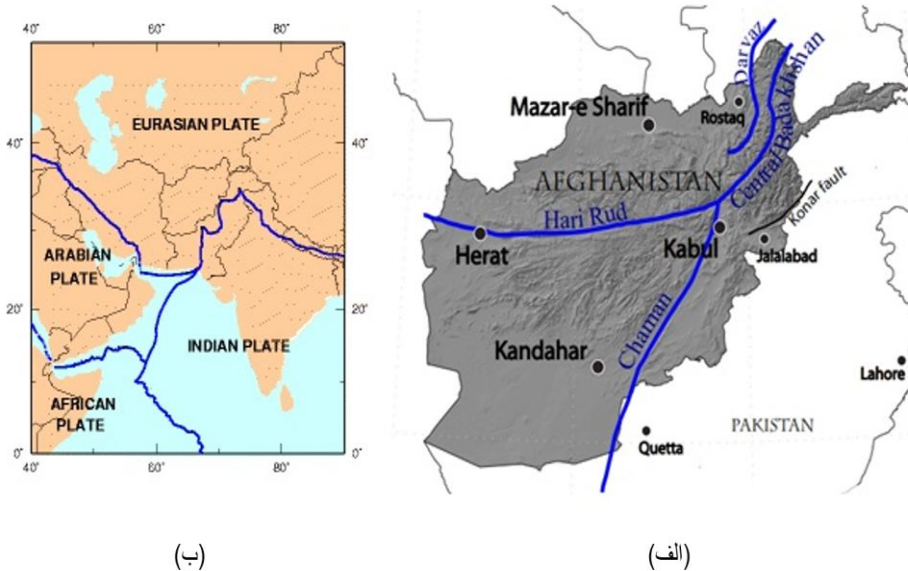
¹- Lateral Load Resisting Systems

²- Dynamic Loads

³- Eurasian Plate

⁴- Hindian Plate

⁵- Arabian Plate



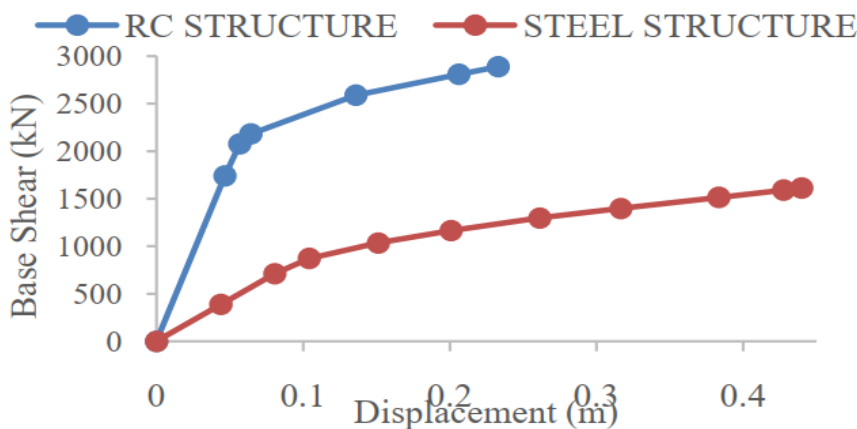
شکل 1: الف) گسل‌های فعال افغانستان، ب) موقعیت لرزه‌خیزی افغانستان (Boyd et al., 2007)

سیستم باربر جانبی فولادی به عنوان یکی از مقاوم‌ترین سیستم‌ها می‌تواند نیروهای بیشتری را تحمل کند (Sharafi et al., 2018). این ویژگی به خصوص در مناطق زلزله‌خیز مانند افغانستان اهمیت زیاد دارد. از طرفی، استفاده از سیستم باربر جانبی فولادی امکان ساخت سریع‌تر را در ساختمان‌سازی فراهم می‌کند که این ویژگی می‌تواند تأثیر زیادی بر تسریع پروژه‌های ساختمانی در افغانستان داشته باشد. علاوه بر این، سیستم‌های باربر جانبی فولادی امکان ساخت ساختمان‌های چندطبقه و آسمان‌خراش‌ها را فراهم کرده که برای توسعه شهری در افغانستان ضروری است.

پیشینه تحقیق

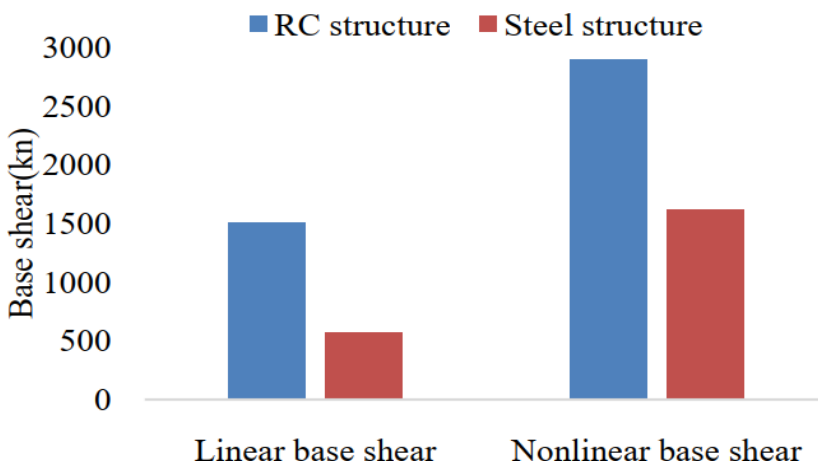
افغانستان سالانه نیاز به مقادیر زیادی آهن و فولاد دارد که بخش عمده‌ای از آن از کشورهای خارجی تأمین می‌شود. با توسعه صنعت فولاد داخلی و استفاده از آن در زیرساخت‌های افغانستان، این وابستگی کاهش یافته و کشور به سمت خودکفایی حرکت خواهد کرد که در نتیجه فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد شده و به کاهش بیکاری در افغانستان کمک می‌نماید. رفتار لرزهای سیستم‌های باربر جانبی فولادی و آهن‌کانکریتی و تأثیر آن‌ها بر رشد توسعه شهری توسط بسیاری از محققان مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

Khatavkar و همکاران در سال 2015 عوامل کاهش عمل کرد لرزه‌ای ساختمان‌ها را در برابر بارهای جانبی تحت شرایط متفاوت با استفاده از روش کمی بررسی کردند. این پژوهش‌گران یک تحلیل استاتیکی غیرخطی پوش‌آور روی سیستم باربر جانبی قاب 8 طبقه در دو حالت متفاوت، استفاده از مصالح فولادی و مصالح آهن‌کانکرتی انجام دادند. از نتایج تحقیق آن‌ها که در شکل 2 و 3 نشان داده شده است، به وضاحت دیده می‌شود که در صورت استفاده از مصالح فولادی برش پایه کاهش یافته و ظرفیت جذب انرژی زلزله به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند.



شکل 2: منحنی نیرو-تغییر مکان قاب 8 طبقه در دو حالت متفاوت مصالح ساختمانی (Khatavkar

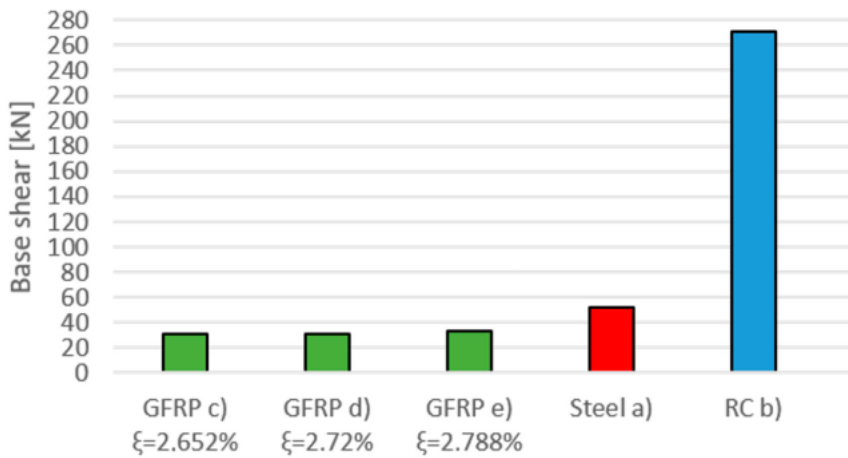
et al., 2015)



شکل 3: مقایسه برش پایه قاب 8 طبقه در دو حالت متفاوت مصالح ساختمانی (Khatavkar et al., 2015)

(Celik & Kamali., 2018)، مقایسه‌ای روی عمل‌کرد ساختمان‌های فولادی و آهن‌کانکریتی انجام دادند. بر اساس بررسی آن‌ها، ساختمان‌های آهن‌کانکریتی به‌طور گسترده‌ای در عده‌ای از کشورها استفاده می‌شوند و به همین دلیل بیشتر مطالعات علمی بر روی سیستم‌های باربر جانبی آهن‌کانکریتی متمرکز شده است. یکی از دلایل اصلی عدم استفاده گسترده از سیستم‌های باربر جانبی فولادی، کمبود دانش در مورد این نوع سیستم‌ها است. تحقیق این دانشمندان به منظور افزایش آگاهی درباره ویژگی‌های فنی اعضای فولادی و همچنین مزایای ساختار فولاد در مقایسه با سیستم‌های باربر جانبی آهن‌کانکریتی انجام شد. برای این هدف، آن‌ها یک مطالعه موردی روی یک ساختمان دو طبقه ویلایی انجام دادند تا ساختمان فولادی را با ساختمان آهن‌کانکریتی از جنبه‌های مختلف به‌طور دقیق مقایسه کنند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که جرم کلی ساختمان مورد ارزیابی در صورت استفاده از مصالح آهن‌کانکریتی حدود 9 برابر بیشتر از جرم ساختمان فولادی است. برعلاوه، هزینه و زمان ساخت ساختمان آهن‌کانکریتی نسبت به ساختمان فولادی به ترتیب 17.7 و 70.9 برابر بیشتر می‌باشد. Mincigrucci و همکاران در سال 2023، تحقیقی را جهت مقایسه رفتار سیستم باربر جانبی 6 طبقه با استفاده از سه نوع مصالح متفاوت آهن‌کانکریت، فولاد و مصالح کامپوزیتی انجام دادند. هدف اصلی آن‌ها ارزیابی پاسخ سیستم باربر جانبی تحت شرایط دینامیکی به‌ویژه تحت نیروهای زلزله و مقایسه عملکرد مصالح متفاوت بود. برای این منظور، آن‌ها یک قاب دو بعدی شش طبقه که با مصالح فولادی، مصالح آهن‌کانکریت و مصالح کامپوزیتی از الیاف شیشه تشکیل شده بود، را با استفاده از نرم افزار آباکوس⁶ مدل‌سازی نموده و به‌وسیله روش تحلیل غیرخطی تاریخچه‌زمانی مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها (شکل 4) نشان داد که بیشترین برش پایه در ساختمان ساخته شده از مصالح آهن‌کانکریت تشکیل می‌شود.

⁶ - Abaqus

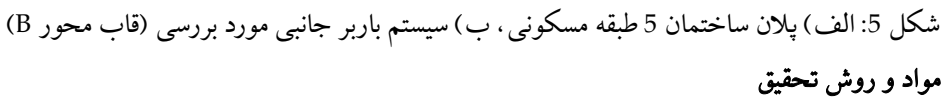


شکل 4: برش پایه سیستم باربر جانبی شش طبقه تحت شرایط مصالح ساختمانی متفاوت (Mincigrucci et al., 2023)

در این مقاله عملکرد لرزه‌ای سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن‌کانکرتی و نقش ساختمان‌های فولادی در رشد صنعت مصالح فولادی و ساختمان‌سازی در افغانستان بررسی شده است. برای این هدف، یک ساختمان 5 طبقه مطابق شکل 5 تحت شرایط لرزه‌خیزی شهر کابل-افغانستان در نظر گرفته شده است. سیستم باربر جانبی این ساختمان در دو راستا متفاوت است. در راستای عرضی از نوع سیستم ترکیبی (قاب خمشی و دیوار برشی) و در راستای طولی از نوع صرفاً قاب خمشی می‌باشد. عملکرد سیستم باربر جانبی این ساختمان در راستای طولی در دو حالت متفاوت، استفاده از مصالح آهن‌کانکرتی و مصالح فولادی با استفاده از تحلیل استاتیکی غیرخطی (تحلیل پوش‌آور⁷) و تحلیل تاریخچه زمانی خطی⁸ مقایسه شده و نقش سیستم‌های باربر جانبی فولادی در رشد صنعت مصالح فولادی و ساختمان‌سازی در افغانستان، بررسی شده است.

⁷- Non-Linear Static Analysis (Pushover)

⁸- Linear Time History Analysis



سیستم‌های باربر جانبی اجزای کلیدی یک ساختمان هستند که برای مقاومت در برابر باد و یا نیروی ناشی از زلزله طراحی می‌شوند (Papageorgiou & Lin, 1989). این سیستم‌ها شامل دیوارهای باربر⁹، قاب‌های ساختمانی¹⁰، قاب‌های خمشی¹¹ و سیستم‌های ترکیبی¹² می‌باشند. در این مقاله به دلیل بیشتر مروج بودن سیستم قاب خمشی در افغانستان، تحقیق صرفاً روی این نوع سیستم انجام شده است.

سیستم قاب خمشی یکی از سیستم‌های باربر جانبی است که به دلیل داشتن شکل‌پذیری بالا و عدم کنترل دریف‌های بیشتر، اغلب در ساختمان‌های کوتاه و متوسط مورد استفاده قرار می‌گیرد (Dong et al., 2018). این سیستم از تیرها و ستون‌ها تشکیل شده که بارهای ثقلی و جانبی را به تهاب‌ها منتقل می‌نماید. اتصال تیر به ستون در این سیستم به‌صورت صلب بوده و از لحاظ تحمل

12- Dual Systems

تغییر شکل‌ها، به قاب خمشی معمولی¹³، قاب خمشی متوسط¹⁴ و قاب خمشی ویژه¹⁵ تقسیم‌بندی شده است.

قاب خمشی معمولی

قاب خمشی معمولی به قابی اطلاق می‌شود که از آن انتظار تغییر شکل‌های فرا ارتجاعی در برابر نیروی جانبی زلزله نمی‌رود (Siva Prasad & Adishesu, 2013) و به این علت در طراحی ساختمان‌های کوتاه در مناطق با لرزه‌خیزی کم از این نوع سیستم باربر جانبی استفاده می‌شود. برای طراحی اعضا و اتصالات سیستم قاب خمشی معمولی مقررات تکمیلی محدودی در نظر گرفته شده است. در قاب خمشی معمولی، تشکیل مفصل پلاستیک در محل اتصال تیر به ستون در نظر گرفته شده و مقاومت خمشی مورد نیاز (Mu) اتصال تیر به ستون از رابطه (1) تعیین می‌شود (National Building Regulations of Iran, 1392).

$$M_u = 1/1 R_y M_p \dots \dots \dots (1)$$

در رابطه (1)، پارامتر R_y ، نسبت تنش تسلیم مورد انتظار به حداقل تنش تسلیم تعیین شده مصالح بوده و پارامتر M_p ، مومنت پلاستیک مقطع تیر در محل اتصال تیر به ستون می‌باشد.

قاب خمشی متوسط

قاب خمشی متوسط به قابی اطلاق می‌شود که در برابر نیروی جانبی زلزله بتواند تغییر شکل‌های فرا ارتجاعی محدودی را تحمل کند. در طراحی اعضا و اتصالات این نوع قاب سعی می‌شود که در نزدیکی دو انتهای تیر مفصل‌های پلاستیک تشکیل شوند و ظرفیت دورانی آن‌ها به حدی باشد که دوران نظیر تغییر مکان جانبی نسبی طبقه حداقل به 0.02 رادیان برسد. به همین دلیل، از این نوع سیستم در ساخت ساختمان‌های کوتاه و میان‌مرتبه در مناطق با لرزه‌خیزی متوسط استفاده می‌شود (Alavi & Krawinkler, 2004). در طراحی اعضا و اتصالات این نوع قاب‌ها، الزامات تکمیلی سخت-گیرانه‌تری نسبت به قاب‌های خمشی معمولی منظور می‌شود. به همین دلیل در طراحی اعضا و اتصالات این نوع قاب‌ها علاوه بر الزامات متعارف، الزامات لرزه‌ای نیز رعایت می‌شوند. اتصال تیر به ستون در قاب خمشی متوسط به گونه‌ای طراحی می‌شود که شرایط ایجاد مفصل پلاستیک را در داخل تیر فراهم نماید. انجام این امر می‌تواند از طریق ضعیف کردن مقطع تیر در فاصله‌ای محدود از بر

13- OMRF

14- IMRF

15- SMRF

پوهنمل دکتور محمد اکرم فیضی

ستون صورت گیرد. در تیرهای با اتصالات تیر با مقطع کاهش یافته، مقاومت خمشی مورد نیاز تیر از رابطه (2) تعیین می شود.

$$M_u = R_y M_{po} \dots \dots \dots (2)$$

در رابطه (2)، پارامتر M_{po} ، مومنت پلاستیک مقطع تیرهای با مقطع کاهش یافته در ابتدا و انتهای تیر می باشد.

قاب خمشی ویژه

قاب خمشی ویژه به قابی اطلاق می شود که در برابر نیروی جانبی زلزله تغییرشکل های فراررتجاعی قابل ملاحظه ای را تحمل کند. در طراحی اعضا و اتصالات این نوع قاب ها سعی می شود که در نزدیکی دو انتهای تیر مفصل های پلاستیک تشکیل شوند و ظرفیت دورانی آن ها به حدی باشد که دوران نظیر تغییرمکان جانبی نسبی طبقه حداقل به 0.04 رادیان برسد. برای طراحی اعضا و اتصالات این نوع قاب ها الزامات تکمیلی سخت گیرانه تری نسبت به قاب های خمشی متوسط در نظر گرفته می شود. به همین منظور در طراحی اعضا و اتصالات این نوع قاب ها علاوه بر الزامات متعارف، الزامات لرزه ای نیز لحاظ می شوند. با توجه به توانایی تحمل تغییرشکل های بالا در قاب خمشی ویژه، از آن ها در ساخت ساختمان ها در مناطق با لرزه خیزی زیاد استفاده می شود (Özhendekci & Özhendekci, 2012).

تحلیل عددی

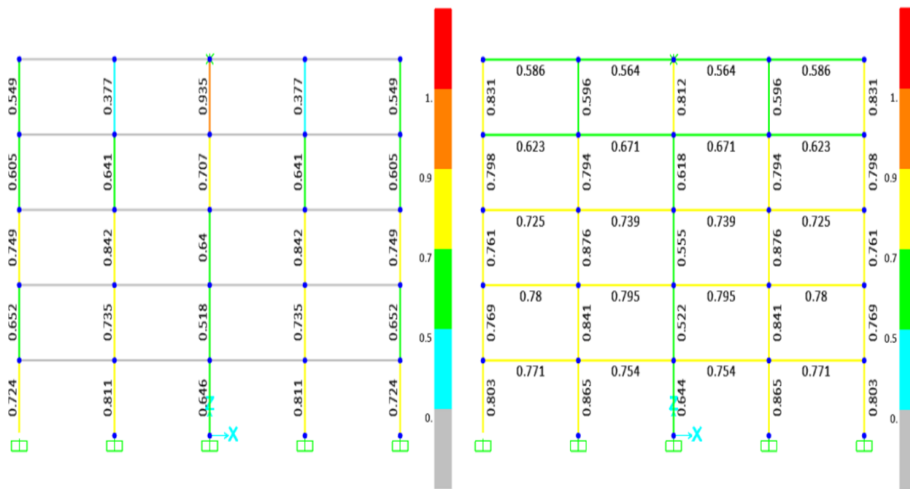
دیزاین

بخاطر بررسی عملکرد لرزه ای سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن کانکریتی و نقش آن در رشد صنعت و ساختمان سازی در افغانستان، قاب محور B ساختمان شکل 5 انتخاب شده است. پلان این ساختمان در راستای طولی 20.4m و در راستای عرضی 15.4m می باشد. ساختمان مذکور دارای 5 طبقه بوده و ارتفاع هر طبقه 3m است. این ساختمان دارای دو نوع سیستم باربر جانبی است؛ در راستای عرضی از نوع سیستم ترکیبی (قاب خمشی و دیوار برشی) و در راستای طولی از نوع صرفا قاب خمشی می باشد.

جدول 1-2- مشخصات مکانیکی مصالح

نام مصالح	مشخصه مصالح	حداقل مقاومت تسلیم (MPa)	حداقل مقاومت نهایی (MPa)	نسبت پائسون	وزن حجمی مصالح (kN/m ³)	مدول الاستیسیته (MPa)
کانکریت	C25	-	25	0.2	23.0	23500
میلگرد طولی	S400	400	600	0.3	78.5	200000
میلگرد عرضی	S350	350	500	0.3	78.5	200000
فولاد	ST37	240	370	0.3	78.5	200000

در این تحقیق سیستم باربر جانبی راستای طولی ساختمان 5 طبقه مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. طراحی مقاطع تیرها و ستون‌ها برای تحمل بارهای ثقلی و بار جانبی زلزله با استفاده از نرم‌افزار SAP2000 بر اساس استانداردهای بین‌المللی (American Concrete Institute, 2019) و (American Institute of Steel Construction, 2022) انجام شده است. مشخصات مصالح آهن‌کانکریتی و مصالح فولادی مطابق جدول 1-2 وارد شده است. وزن مرده طبقات میانی 4.65 kN/m^2 و برای طبقه بام 5.15 kN/m^2 محاسبه شده است. وزن زنده طبقات میانی 5.79 kN/m^2 و از طبقه بام 2.0 kN/m^2 در نظر گرفته شده است. بارگذاری ثقلی و جانبی برای هر دو سیستم فولادی و آهن‌کانکریتی مطابق استاندارد (American Society of Civil Engineering, 2022) لحاظ شده است. ساختمان هم در پلان و هم در ارتفاع منظم بوده و به هدف مسکونی طراحی شده است؛ بنابراین این در هنگام مدل‌سازی و طراحی، پیچش اتفاقی معادل 5 درصد لحاظ شده است. اتصال تیرها به ستون‌ها به صورت صلب بوده و پای ستون‌ها گیردار مدل شده است. ضرایب ترک‌خوردگی برای مقاطع آهن‌کانکریتی برای تیرها 0.35 و برای ستون‌ها 0.7 وارد شده است. نتایج طراحی هر دو سیستم باربر جانبی، در شکل 6 نشان داده شده است. ظرفیت باربری تیرها و ستون‌ها به صورت عددی و گرافیکی نمایش داده شده است. شکل 6 نشان می‌دهد، اگر نیرو در تیرها و ستون‌ها بیشتر از ظرفیت مقطع باشد، این اعداد بزرگتر از 1 می‌شوند و در صورتی که مقطع غیراقتصادی باشد، این اعداد به طرف صفر نزدیک می‌شوند. بنابراین، جهت بررسی عمل‌کرد این سیستم‌ها، ظرفیت فشاری تیرها و ستون‌ها تقریباً یکسان در نظر گرفته شده است.



(ب) سیستم باربر جانبی آهن کاکریتی

(الف) سیستم باربر جانبی فولادی

شکل 6: ظرفیت فشاری مقاطع اجزای سیستم‌های باربر جانبی

تحلیل استاتیکی غیرخطی

تحلیل استاتیکی غیرخطی یک روش پیشرفته برای ارزیابی رفتار سیستم‌های باربر تحت بارهای استاتیکی به صورت افزایشده است. این تحلیل به کاربران این امکان را می‌دهد که عملکرد یک ساختمان را به طور دقیق و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مواد در شرایط واقعی بررسی کنند. نرم‌افزارهای متفاوتی اند که می‌توان با استفاده از آنها این تحلیل را انجام داد.

نرم‌افزار SAP2000 یکی از پیشرفته‌ترین و پرکاربردترین ابزارهای تحلیل و طراحی در رشته انجینیری است که به عنوان یک نرم‌افزار استاندارد در تحلیل‌های پیچیده شناخته می‌شود. این نرم‌افزار قابلیت‌های گسترده‌ای را برای مدل‌سازی، تحلیل و شبیه‌سازی رفتار مواد و سیستم‌های تحت بارهای مختلف، از جمله بارهای استاتیکی و دینامیکی، فراهم می‌سازد.

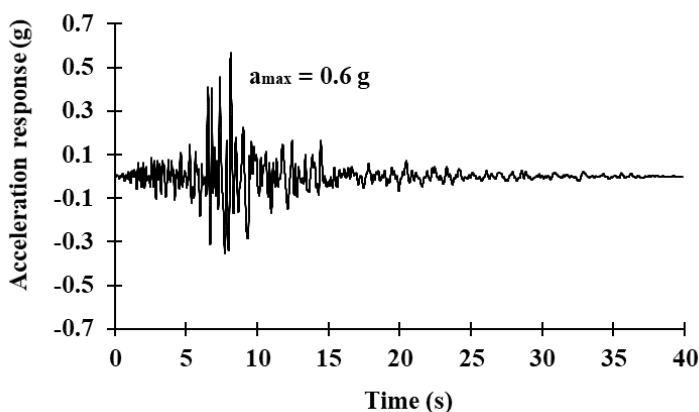
تحلیل تاریخچه زمانی خطی

تحلیل تاریخچه زمانی خطی یک روش مناسب برای ارزیابی رفتار ساختمان‌ها در برابر بارهای دینامیکی است. در این روش، رفتار سیستم به صورت خطی فرض می‌شود، یعنی رابطه بین نیروها و تغییرشکل‌ها مستقیم و بدون تغییر در مدول الاستیسیته است. این تحلیل با استفاده از رکوردهای شتاب زمین به عنوان ورودی، نیروهای داخلی و تغییرشکل‌های ساختمان را در طول زمان متفاوت محاسبه می‌کند. تحلیل تاریخچه زمانی خطی در نرم‌افزارهای مختلف مانند SAP2000 و ETABS قابل انجام

است. این روش به انجیران کمک می‌کند تا با درک بهتر از رفتار ساختمان‌ها، طراحی‌های ایمن‌تر و بهینه‌تری ارائه دهند.

مدل‌سازی

جهت بررسی مقایسه‌وی عمل‌کرد سیستم‌های باربر جانبی فولادی و آهن‌کانکریتی با استفاده از نرم‌افزار SAP2000، ابتدا مدل‌سازی هر دو نوع سیستم به صورت مجزا انجام شده است. مدل‌سازی هر دو سیستم با استفاده از گزینه قاب دوبعدی بوده و مشخصات مصالح فولادی و آهن‌کانکریتی بر اساس الزامات و استانداردهای بین‌المللی (American Concrete Institute, 2019) و (American Institute of Steel Construction, 2022) تعریف شده است. اتصال تیرها به ستون‌ها به صورت صلب و پای ستون‌ها گیردار مدل شده است. بارگذاری ثقلی و جانبی مطابق به استاندارد (American Society of Civil Engineering, 2022) انجام شده است. به‌منظور مشاهده برش پایه قاب محور B در برابر اثرات زلزله حوزه دور، رکورد شکل 7 برای هر دو سیستم باربر جانبی استفاده شده است. تنظیمات تحلیل و تعیین آیین‌نامه‌های طراحی به صورت دقیق در نظر گرفته شده است. پس از تحلیل، تمامی کنترل‌های لازم بررسی شده و سپس مقاطع مناسب برای اجزای ساختمان طراحی شده است. در مرحله دوم پس از اعمال تغییرمکان هدف و تنظیمات نرم‌افزار، رفتار غیرخطی سیستم‌ها در مراحل متفاوت بررسی و مقایسه شده است. در نهایت خروجی‌های مورد نیاز در قالب نمودارها و جداول از نرم‌افزار استخراج شده است.



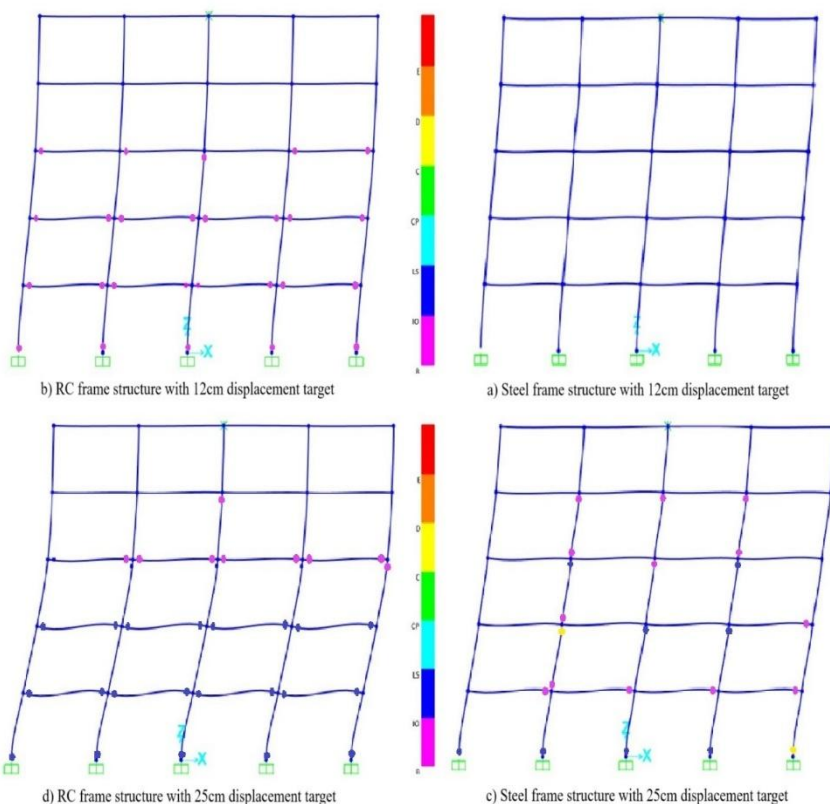
شکل 7: رکورد زلزله حوزه دور

يافته‌های تحقیق

تحلیل استاتیکی غیرخطی روشی است که در آن ساختمان تحت یک بارگذاری استاتیکی، معمولاً بر اساس شکل مود اول، تا رسیدن به یک تغییر مکان مشخص (تغییر مکان هدف) پوش داده می‌شود. این تحلیل که در نرم‌افزار SAP2000 انجام شده است، کمک می‌کند تا منحنی‌های ظرفیت سیستم باربر جانبی ساختمان را به درستی تحلیل کرد. با استفاده از منحنی‌های ظرفیت و مدهای خرابی، مقاومت، سختی و شکل‌پذیری سیستم باربر جانبی فولادی و سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی مقایسه شده است.

مدهای خرابی

نتایج تحلیل استاتیکی غیرخطی که به صورت مقایسه‌ای بین قاب خمشی فولادی و قاب خمشی آهن‌کانکریتی انجام شد، نشان می‌دهد که تفاوت‌های قابل توجهی در رفتار این دو نوع سیستم وجود دارد. تصاویر مدهای خرابی هر دو سیستم که در شکل 8 نشان داده شده، حاکی از آن است که سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی نسبت به سیستم باربر جانبی فولادی به طور قابل ملاحظه‌ای زودتر به وضعیت تسلیم رسیده و ظرفیت تحمل تغییر شکل‌های بیشتری را ندارد. چنانچه دیده می‌شود، تحت تغییر مکان هدف 12cm، هیچ عضوی از قاب فولادی به وضعیت تسلیم نرسیده، در حالیکه به تعداد 26 اجزای قاب آهن‌کانکریتی تحت همین تغییر مکان هدف به وضعیت تسلیم رسیده و وارد ناحیه غیرخطی شده‌اند.

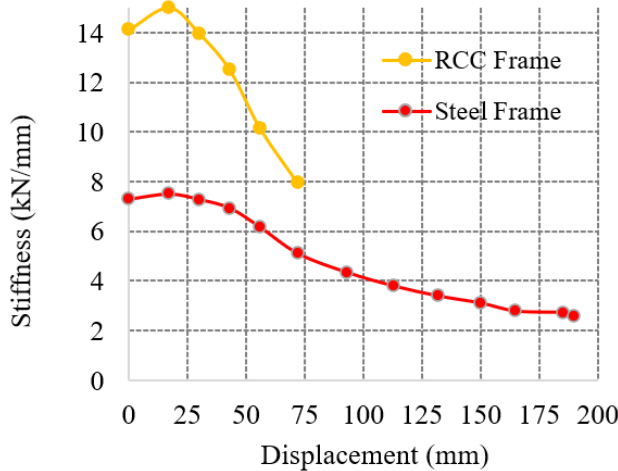


شکل 8: مدهای خرابی

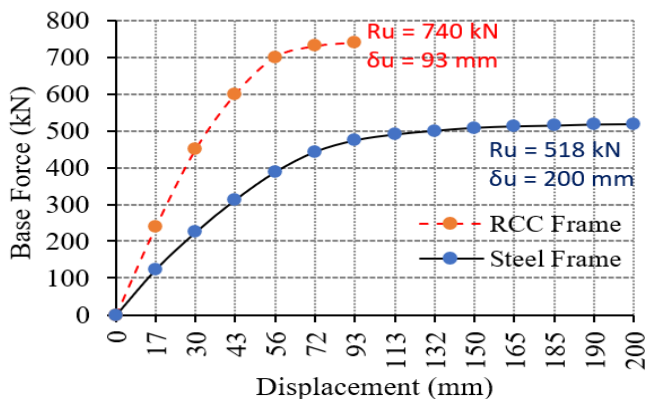
زمانیکه تغییر مکان هدف به 25cm رسید، به تعداد 68 اجزای قاب فولادی در محدوده الاستیک، به تعداد 13 اجزا در وضعیت تسلیم، به تعداد 7 اجزا کاملاً به وضعیت پلاستیک و صرفاً به تعداد 2 اجزا در آستانه فرو ریزش قرار گرفتند که مستلزم مقاوم سازی می باشند. در حالی که تحت همین تغییر مکان هدف، به تعداد 96 اجزای قاب آهن کانکریتی در محدوده الاستیک، به تعداد 9 اجزا در وضعیت تسلیم، به تعداد 25 اجزا کاملاً در وضعیت پلاستیک قرار می گیرند و سیستم باربر جانبی آهن کانکریتی ظرفیت تحمل تغییر شکل های بیشتری را نشان نمی دهد. این امر به ویژه به دلیل خصوصیات ذاتی مصالح کانکریتی، نظیر شکنندگی و محدودیت در شکل پذیری و هم چنین رفتار الاستو-پلاستیک نسبت به مصالح فولادی می باشد. بنابراین، کدهای لرزه ای تاکید می نمایند که انتخاب نوع سیستم باربر جانبی باید با توجه به الزامات عمل کردی و نیازهای طراحی لرزه ای انجام شود تا از ایمنی و پایداری ساختمان در برابر نیروهای ناشی از زلزله اطمینان حاصل گردد.

مقاومت، سختی و شکل پذیری

سیستم باربر جانبی ساختمان 5 طبقه در دو حالت قاب خمشی فولادی و قاب خمشی آهن کانکریتی با استفاده از تحلیل استاتیکی غیرخطی و تحلیل تاریخچه زمانی خطی به وسیله نرم افزار SAP2000 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل نشان داد که مقاومت و سختی سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن کانکریتی به مراتب کاهش یافته و برعکس شکل پذیری و ظرفیت جذب انرژی آن افزایش پیدا می کند. شکل 9 نشان می دهد که در صورت استفاده از سیستم باربر جانبی فولادی سختی قاب به اندازه 50% کاهش پیدا کرده، در حالیکه از شکل 10 مشاهده می شود که شکل پذیری قاب فولادی بیشتر بوده و ظرفیت جذب انرژی به اندازه 67.3% افزایش یافته است. این ویژگی ها موجب می شود که قاب های خمشی فولادی به عنوان گزینه ای مناسب تر برای طراحی ساختمان های با بارهای جانبی بالا، نظیر زلزله، در نظر گرفته شوند. لذا، انتخاب نوع قاب مناسب می تواند تاثیر قابل توجهی بر عملکرد و ایمنی ساختمان داشته باشد.



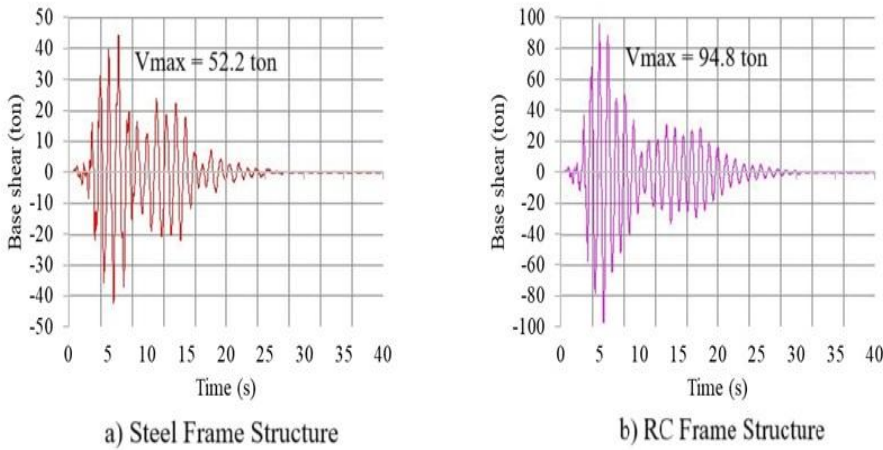
شکل 9: منحنی سختی تغییر مکان



شکل 10: منحنی نیرو-تغییر مکان

برش پایه

نتایج به دست آمده از تحلیل تاریخچه زمانی خطی (شکل 11) در ساختمان ۵ طبقه واقع در شهر کابل نشان دهنده کاهش ۴۵ درصدی برش پایه در سیستم باربر جانبی فولادی نسبت به سیستم آهن کانکریتی است. این کاهش چشم گیر عمدتاً ناشی از شکل پذیری و ظرفیت استهلاک انرژی بهتر در سیستم های فولادی است که طبق مطالعات، تغییر مکان های جانبی را به طور مؤثرتری محدود می کنند. از طرفی، وزن کمتر ساختمان های فولادی موجب کاهش جرم مؤثر ساختمان و در نتیجه کاهش نیروهای اینرسی ناشی از زلزله می شود. رفتار شکل پذیر سیستم های فولادی در مقایسه با سیستم های آهن کانکریتی، امکان توزیع یک نواخت تر تنش ها و کاهش تمرکز آسیب در اجزای ساختمان را فراهم می کند. این یافته ها با اصول طراحی لرزه ای مبتنی بر کاهش جرم و افزایش ظرفیت جذب انرژی ساختمان ها که در استانداردها مورد تأکید قرار گرفته، هم خوانی دارد.



شکل 11: برش پایه تحت اثر رکورد زلزله حوزه دور

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، عمل‌کرد لرزه‌ای سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی و نقش آن در رشد صنعت مصالح فولادی در افغانستان بررسی شده است. برای این هدف، یک ساختمان 5 طبقه با ویژگی‌های لرزه‌ای شهر کابل انتخاب و سیستم باربر جانبی آن در دو حالت قاب خمشی فولادی و قاب خمشی آهن‌کانکریتی با استفاده از تحلیل استاتیکی غیرخطی و تحلیل تاریخچه زمانی خطی به وسیله نرم‌افزار SAP2000 مقایسه گردید. نتایج تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- در صورت استفاده از قاب آهن‌کانکریتی، سیستم باربر جانبی ساختمان 5 طبقه در مقایسه با قاب فولادی، زودتر به وضعیت تسلیم رسید و نتوانست تغییرشکل‌های بیشتر را تحمل نماید.
- سختی قاب فولادی نسبت به قاب آهن‌کانکریتی به اندازه 50% کاهش یافت که این ویژگی نرمی و شکل‌پذیری ساختمان‌های فولادی را در برابر زلزله نشان می‌دهد.
- ظرفیت جذب انرژی زلزله در صورت استفاده از سیستم باربر جانبی فولادی به اندازه 67.3% در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی افزایش یافت که این ویژگی به بهبود عملکرد سیستم باربر جانبی در شرایط زلزله کمک کرده و ایمنی آن را تامین می‌کند.

- برش پایه تحلیل تاریخچه‌زمانی خطی در صورت استفاده از سیستم باربر جانبی فولادی در مقایسه با سیستم باربر جانبی آهن‌کانکریتی تحت اثر رکورد زلزله حوزه دور به اندازه 45% کاهش پیدا کرد.

نتایج این تحقیق اهمیت انتخاب نوع سیستم باربر جانبی مناسب را در طراحی ساختمان‌های مقاوم در برابر زلزله نشان می‌دهد و تأکید می‌شود که استفاده از سیستم باربر جانبی فولادی می‌تواند به کاهش خطرات ناشی از زلزله و افزایش ایمنی ساختمان‌ها منجر شود. بنابراین، نقش سیستم‌های باربر جانبی فولادی در رشد صنعت مصالح فولادی در افغانستان بسیار حایز اهمیت است. استفاده از سیستم‌های باربر جانبی فولادی نه تنها به افزایش کیفیت و ایمنی ساختمان‌ها کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش تقاضا برای مصالح فولادی و توسعه صنایع مرتبط به آن می‌شود. این امر می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و تقویت اقتصاد کشور منجر گردد. از طرفی، با توجه به مزایای سیستم‌های باربر جانبی فولادی، ترویج ساختمان‌های فولادی می‌تواند به نوسازی زیرساخت‌ها و توسعه پایدار در افغانستان کمک کند. لذا، سرمایه‌گذاری در صنعت فولاد و تشویق به استفاده از ساختمان‌های فولادی می‌تواند به رشد اقتصادی و پیشرفت صنعت مصالح ساختمانی در کشور کمک شایانی نماید.

منابع

- Alavi, B., & Krawinkler, H. (2004). Behavior of moment-resisting frame structures subjected to near-fault ground motions. *Earthquake engineering & structural dynamics*, 33(6), 687-706 .
- American Concrete Institue. (2019). American Concrete Institute . (2019)Building code requirements for structural concrete (ACI 318-19). American Concrete Institute. In.
- American Institute of Steel Construction. (2022). American Institute of Steel Construction. (2022). Specification for structural steel buildings (ANSI/AISC 360 .(22-American Institute of Steel Construction. In.
- American Society of Civil Engineering. (2022). Minimum design loads and associated criteria for buildings and other structures (ASCE/SEI 7-22). American Society of Civil Engineers. In.
- Boydetal. (2007). Boyd, O.S., Mueller, C.S., and Rukstales, K.S., Preliminary probabilistic seismic hazard map for Afghanistan: U.S. Geological Survey Open-File Report 2007-1137. In.
- Celik, T., & Kamali, S. (2018). Multidimensional comparison of lightweight steel and reinforced concrete structures: a case study. *Tehnički vjesnik*, 25(4), 1234-1242 .
- Dong, B., Sause, R., & Ricles, J. M. (2018). Seismic response and damage of reduced-strength steel MRF structures with nonlinear viscous dampers. *Journal of Structural Engineering*, 144. 04018221, (12).
- Hajjar, J. F. (2002). Composite steel and concrete structural systems for seismic engineering. *Journal of constructional steel research*, 58(5-8), 703-723 .
- Khatavkar, A., Ghadi, A., & Barbude, P. (2015). Comparative study of response reduction factor for reinforced concrete and steel frame. *International Journal of Computer Applications*, 975, 8887 .
- Lacki, P., Derlatka, A., & Kasza, P. (2018). Comparison of steel-concrete composite column and steel column. *Composite Structures*, 202, 82-88 .

- Mincigrucci, L., Civera, M., Lenticchia, E., Ceravolo, R., Rosano, M., & Russo, S. (2023). Comparative structural analysis of GFRP, reinforced concrete, and steel frames under seismic loads. *Materials*, 16(14), 4908 .
- National Building Regulations of Iran, (1392). Ministry of Roads and Urban Development. (1392). National Building Regulations of Iran, Chapter 10: Design and Execution of Steel Buildings. In.
- Özhendekci, D., & Özhendekci, N. (2012). Seismic performance of steel special moment resisting frames with different span arrangements. *Journal of constructional steel research*, 72, 51-60 .
- Papageorgiou, A. S., & Lin, B. C. (1989). Influence of lateral-load-resisting system on the earthquake response of structures—a system identification study. *Earthquake engineering & structural dynamics*, 18(6), 799-814 .
- Sharafi, P., Mortazavi, M., Usefi, N., Kildashti, K., Ronagh, H., & Samali, B. (2018). Lateral force resisting systems in lightweight steel frames: Recent research advances. *Thin-Walled Structures*, 130, 231-253.
- Siva Prasad, G., & Adishesu, S. (2013). A Comparative Study Of OMRF & SMRF Structural System for Tall & High Rise Buildings Subjected to Seismic Load. *Int J Res Eng Techol*, 2(9), 239-250 .
- Wang, Y.-h., Nie, J.-g., & Cai, C. (2013). Numerical modeling on concrete structures and steel–concrete composite frame structures. *Composites Part B: Engineering*, 51, 58-67.

بررسی مدیریت پایدار منابع آب و نقش آن در توسعه سکتور زراعت ولایت فاریاب

پوهنمل محمد رسول مجیدی^{*1}

۱. دیپارتمنت اقتصاد و توسعه زراعتی، پوهنځی زراعت، پوهنتون فاریاب

* نویسنده مسئول-ایمیل: mohammadrasool.majidi2018@gmail.com

چکیده

مدیریت پایدار منابع آب در سکتور زراعت یکی از ارکان اساسی در توسعه متوازن و اقتصادی جوامع به شمار می‌رود. اقلیم خشک و نیمه خشک، کاهش بارندگی و افت سطح منابع آبی زیرزمینی، این مسئله را به یک ضرورت حیاتی تبدیل کرده است. این مقاله به بررسی مدیریت منابع آب سکتور زراعت در ولایت فاریاب می‌پردازد. بیش از ۷۰٪ از آب شیرین جهان، بیش از ۹۰٪ از آب مصرفی افغانستان و بیش از ۹۲٪ از آب مورد استفاده در ولایت فاریاب به بخش زراعت اختصاص دارد. با توجه به اینکه فاریاب یکی از خشک‌ترین ولایات افغانستان به شمار می‌رود، کمبود آب و ضعف مدیریت منابع آبی از مهم‌ترین موانع توسعه زراعت محسوب می‌شود. از سوی دیگر دوران دسترسی آسان به منابع آبی فراوان و ارزان به پایان رسیده و پتانسیل آبی موجود دیگر پاسخگوی نیازهای رو به رشد این بخش نیست. بنابراین مدیریت مؤثر منابع آبی در زراعت یک ضرورت انکارناپذیر است. مدیریت پایدار منابع آب نه تنها برای بهبود تولیدات زراعت بلکه برای توسعه پایدار و سازگاری با چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی ضروری است. در عصر پس از انقلاب صنعتی، استفاده نادرست از منابع طبیعی و افزایش فشار بر منابع آبی باعث بحران‌های محیط‌زیست شده است. توسعه پایدار نیازمند اتخاذ راهکارهایی نوین در مدیریت آب است که بتواند نیازهای حال و آینده را متوازن سازد. این تحقیق با رویکرد تحلیلی و استفاده از روش‌های مستقیم به بررسی و تحلیل مدیریت منابع آب در بخش زراعت ولایت فاریاب پرداخته و ارتباط آن را با مفاهیم توسعه پایدار و پیامدهای ناشی از انقلاب صنعتی مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: آب، توسعه، پایدار، کنترل آب، مدیریت، منابع آب، ولایت فاریاب

A Study on Sustainable Water Resources Management and Its Role in the Development of the Agricultural Sector in Faryab Province

Senior Teaching Assistant Mohammad Rasool Majidi^{1*}

1. Department of Economics and Agricultural Extension, Faculty of Agriculture, Faryab University

* Corresponding Author Email: mohammadrasool.majidi2018@gmail.com

Abstract

Sustainable management of water resources in the agricultural sector is one of the fundamental pillars in the balanced and economic development of societies. The arid and semi-arid climate, reduced rainfall, and declining groundwater levels have made this issue a vital necessity. This article examines the management of water resources in the agricultural sector in Faryab Province. More than 70% of the world's freshwater, over 90% of Afghanistan's water consumption, and more than 92% of the water used in Faryab province are allocated to agriculture. Given that Faryab is one of the driest provinces in Afghanistan, water scarcity and poor resource management are among the most significant barriers to agricultural development. Moreover, the era of easy access to abundant and inexpensive water resources has ended, and the existing water potential can no longer meet the growing demands of this sector. Therefore, effective water resource management in agriculture is an undeniable necessity. Sustainable water resource management is essential or not only improving agricultural production but also for achieving sustainable development and adapting to challenges posed by climate change. In the post-industrial revolution era, the mismanagement of natural resources and increasing pressure on water sources have led to environmental crises. Sustainable development requires the adoption of innovative water management strategies that balance present and future needs. This study, using an analytical approach and direct methods, examines and analyzes water resource management in the agricultural sector of Faryab province, exploring its relationship with sustainable development concepts and the consequences of the industrial revolution.

Keywords: Water, Sustainable Development, Water Control, Management, Water Resources, Faryab Province

مقدمه

منابع آب یکی از حیاتی ترین عناصر برای توسعه سکتور زراعت در افغانستان به شمار می رود. ولایت فاریاب با داشتن ظرفیت های قابل توجه زراعتی، به شدت وابسته به مدیریت مؤثر و پایدار منابع آبی است. در سال های اخیر، کاهش سطح آب های زیرزمینی، خشک سالی ها، استفاده غیرمعیاری از منابع آبی و نبود زیرساخت های مدرن آبیاری، سکتور زراعت فاریاب را با چالش های جدی مواجه ساخته است، آب یک ماده معدنی خاص و شگفت انگیز طبیعت است که رایج ترین آن در سیاره کره زمین است و وجود آن موجودات زنده را در کره زمین تضمین می کند. در حقیقت آب ناجی بشریت در کره زمین است.

و همچنان آب یکی از مهم ترین منابع طبیعی است که 97.2% آن شور و تنها 2.8% شیرین است که بیشتر آن به صورت یخ وجود دارد. تنها 0.65% از کل آب زمین برای استفاده بشر مناسب است. در جهان، حدود 70% از منابع آبی در زراعت مصرف می شود. ولایت فاریاب با مساحت 20797.6 کیلومتر مربع و جمعیت حدود 1703600 نفر، از مناطق زراعتی مهم افغانستان است، این ولایت دارای 296 میلیون مترمکعب منابع آبی بوده که از دریاها، چشمه ها و بارندگی تأمین می شود. میانگین بارندگی سالانه آن بین 240 تا 700 میلی متر متغیر است. از 357400 هکتار زمین قابل کشت در فاریاب، 192800 هکتار به کشت للمی و 164600 هکتار به کشت آبی اختصاص دارد. حدود 50 درصد آب های زیرزمینی ولایت فاریاب از طریق چاه های عمیق حفر شده در این ولایت تأمین گردیده و 30 درصد از میزان آب استحصال از منابع آب های زیرزمینی از طریق کاریزها یا (قنات ها) بوده است و چاه های نیمه عمیق و چشمه ها نیز به ترتیب 10 و 20 درصد آب های استحصال از منابع زیرزمینی را به خود اختصاص داده شده است، باوجود ظرفیت بالای زراعتی، توسعه ناکافی فناوری های آبیاری باعث کاهش زمین های قابل کشت شده است.

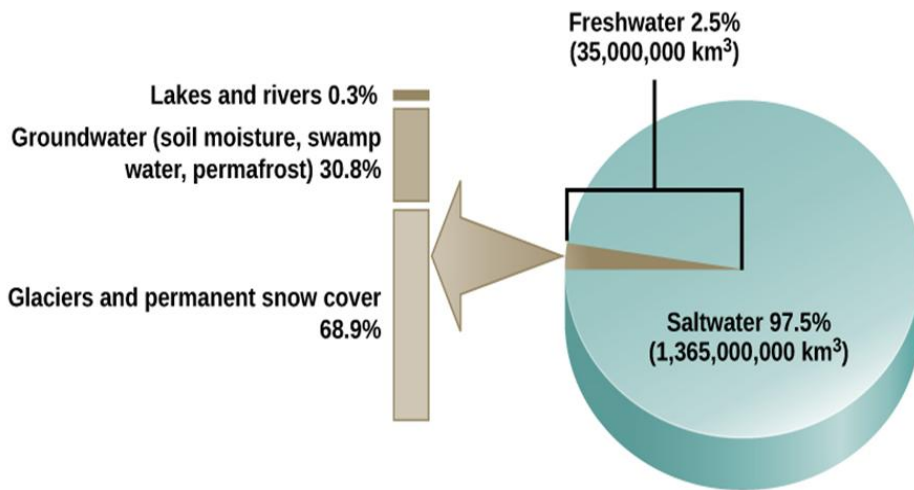
تحقیق حاضر با هدف بررسی مدیریت منابع آب در بخش زراعت ولایت فاریاب، به شناسایی چالش ها و ارائه راهکارهای مصرف آب می پردازد. نتایج آن می تواند به زراعت در بهبود بهره وری زراعت، افزایش تولیدات و کاهش هدررفت منابع آبی کمک کند. همچنین، این تحقیق به عنوان یک منبع علمی معتبر، در توسعه پایدار و خودکفایی زراعت در افغانستان و خصوصاً در ولایت فاریاب نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

منابع آب موجود در ولایت فاریاب برای تأمین نیاز آبی مردم و اراضی زراعتی کافی نبوده و موجب تنش آبی و کاهش محصولات زراعتی می‌شود. بنابراین، مدیریت و بهره‌برداری مؤثر از منابع آبی در زراعت این ولایت ضروری است. این تحقیق به بررسی وضعیت توزیع آب، شناسایی ظرفیت منابع آبی، مشکلات و راهکارهای مدیریت آب در زراعت فاریاب می‌پردازد. هدف اصلی مطالعه، تدوین راهکارهای مناسب برای استفاده پایدار از منابع آب و توسعه سکتور زراعت در این ولایت است.

تحقیق حال حاضر نیز می‌تواند در این راستا در پاسخ به سوالات زیر ارایه کند. وضعیت منابع آب در بخش زراعت در ولایت فاریاب چگونه است و از کدام روش‌ها استفاده می‌شود؟ کدام عوامل بر بهبود مدیریت آب در بخش زراعت در ولایت فاریاب مؤثر می‌باشد؟

مشکلات اصلی در مدیریت و مصرف منابع آب در بخش زراعت ولایت فاریاب چیست؟

گراف (1) نشان دهنده فیصدی آب‌های شور و شیرین در کره زمین



گراف بالا نشان می‌دهد که 97.5٪ از آب‌های کره زمین شور است (1365000000 کیلومتر مکعب) و تنها 2.5٪ آب شیرین (350000000 کیلومتر مکعب) وجود دارد. از این مقدار محدود آب شیرین 68.9٪ در یخچال‌ها و برف دائمی 30.8٪ به صورت آب زیرزمینی و تنها 0.3٪ در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها یافت می‌شود.

پیشینه تحقیق

(عمانی و تونونچی 1389)، در باره مدیریت مصرف آب بیان می‌دارند که مدیریت مصرف آب زراعت راهبردی‌های مهم در زمینه استفاده بهتر از منابع آب، حفاظت از آن و انتقال به نسل‌های آتی مدنظر دارد که مهم‌ترین این راهبرد ها عبارت انداز: در نظر گرفتن اصل پایداری در زراعت و استفاده متعادل از کودها و سموم کیمیاوی، توجه به مدیریت تغذیه خاک جهت افزایش قابلیت نگهداری آب توسط خاک، اصلاح فیزیکی اراضی و تسطیح آن، استفاده از روش‌های نوین آبیاری نظیر آبیاری بارانی و قطره ای، احداث کانال‌های سمنتی در مسیر انتقال آب به مزارع و احداث استخرهای ذخیره آب که از بین این عوامل شبکه‌های آبیاری مدرن نقش مهمی در کاهش تلفات استفاده بهتر از آب می‌تواند ایفا نمایند. (عمانی & تونونچی، 1389).

سلحشور دلیوند 1388 چنین بیان می‌کند که استفاده صحیح از آبی که در اختیار زراعت قرار می‌گیرد، اهمیت فراوانی دارد زیرا اگر چه ممکن است تاثیر آن در فعالیت‌هایی که باعث بهبود کارایی مصرف آب می‌شوند ناچیز باشد، اما در سطح کلان حجم آب حاصل از این صرفه جویی قابل توجه خواهد بود. (سلحشور دلیوند، 1388).

جنوبی و همکاران در سال 1391، در بخش مدیریت آب چنین اظهار نظر کردند که مسله کلیدی در توسعه پایدار منابع آب زیرزمینی مدیریت علمی آن است این امر نیازمند ارزیابی مناسب منابع موجود و فهم رفتار سیستم و ارتباط متقابل آب سطحی و زیرزمینی است. (جنوبی، بهمنش، & رضایی، 1391).

روحانی و همکاران در سال 1386، در باره مدیریت منابع آب چنین اظهار نظر می‌کنند، یکی از چالش‌های عمده برای جمعیت در حال رشد کشور مسله آب و مدیریت استفاده از آن است اهمیت بخش زراعت در این موارد به عنوان بالاترین مصرف کننده منابع آبی کشور در مقایسه با سایر بخش های اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد. (روحانی، پیکانی، & تقدیری، 1386).

(پورزند و زیبای 1390)، در رابطه به قابل دسترس منابع آب اظهار نظر کردند که در حال حاضر منابع آب قابل دسترس از توزیع کاملاً تصادفی برخوردار است و با توجه به ماهیت تصادفی بودن آن قابل دسترسی تصمیم‌گیری در منابع آب از پیچیده‌های خاصی برخوردار بوده و مورد توجه مدیران و سیاست‌گذاران طرح‌های مدیریتی منابع آب قرار گرفته است. (پورزند & زیبای، 1390).

پوهنمل محمد رسول مجیدی

بوس ورث و همکاران در سال 2002، در مطالعه ای با استفاده از هزینه تامین آب به تعیین قیمت آب در دره اردن پرداختند و قیمت آب را تا سال 1990 معادل 0/0042 دالر و در سال 1999 برابر با 0/021 دالر به ازای هر متر مکعب برآورد کردند (Boswrth, Cornish, perry, & Steenburgen, 2002).

محمد انجد (2000)، درباره موضوع چنین بیان می کنند که یکی از روش های مدیریتی افزایش بهره وری آب در بخش تقاضا که در واقع ارزش کمیابی آب را مشخص می سازد و ماهیتی غیر سازه ای دارد ایجاد تصویری از قیمت واقعی آب در هر دو بخش عرضه و تقاضا است (Mohammadinejad, 2000).

غفاری (1998)، در باره چنین اظهار نظر می کند که منابع آبی با توجه به تقاضای رو به افزایش حجم و استفاده های گوناگون از آن به شدت تحت فشار است و تخصیص آن میان بهره برداران مختلف که از وظایف مدیریت منابع آب به شمار می آید روز به روز پیچیده تر می گردد. (Ghafari, 1998).

روش تحقیق

در این تحقیق تحت عنوان (بررسی مدیریت منابع آب در بخش زراعت در ولایت فاریاب) از روش های ساحوی و کتابخانه ای استفاده شده است. روش های ساحوی و کتابخانه ای در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می گیرد. موضوع این تحقیق از نظر روش، از آغاز تا انتها متکی بر یافته های تحقیقات ساحوی و کتابخانه ای است. بنده به استناد منابع در خصوص موضوع به مطالعه پرداختم، این تحقیق دارای پرسش نامه ها بوده و پژوهش ساحوی و کتابخانه ای به شمار می رود. به بیان دیگر پرسش نامه های این تحقیق در واقع همان سوالاتی می باشد که مطابق اهداف تحقیق طرح و در انتهای پژوهش به آن ها پاسخ داده شده است.

تعریف مدیریت

مدیریت یکی از ارکان اساسی در جهت پیشرفت و توسعه روستایی می باشد و گامی جهت رسیدن به سطحی از توسعه پایدار است. امروزه جایگاه مدیریت در امور شهری و روستایی برای همگان روشن شده است و مدیریت در شهرها و روستاها به عنوان کلید توسعه یکپارچه معرفی شده است. با توجه به این مطالب، تعریفی که از مدیریت می توان ارائه داد، عبارت است از: فرایند برنامه ریزی، رهبری و کنترل در يك سازمان به منظور دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده را مدیریت گویند. (مهدوی & کانی نجفی، 1384).

تعریف آب

بناءً در مورد آب چنین می‌توان گفت که آب از نخستین نیازمندی‌های زندگی انسان و یکی از عناصر مهم طبیعت است که نقش کلیدی را در حیات و پیشرفت زندگی انسان‌ها دارد و از عوامل اصلی در پیشرفت صحت، سلامت، اقتصاد، و حفظ محیط زیست جوامع انسانی است. اهمیت این ثروت خدادادی چنان زیاد است که نمی‌توان آن را در قالب چند جمله بیان کرد.

بنا می‌توان آب را چنین تعریف نمود.

Water is life .. آب زندگی است.

Water is politics . آب سیاست است.

Water is foot .. آب غذا است.

Water is economic .. آب اقتصاد است.

Water is power . آب قدرت است.

Water is wealth .. آب ثروت است.

Water is shelter . آب خانه کاشانه است.

Water is regulating the remains of animals . آب تنظیم بقایای حیوانات و نبات است.
and plants

Water is health . آب صحت و سلامتی است.

Water is the preservation of the environment. آب حفظ محیط زیست است.

Water is Agriculture and greenness (اقرار، 1399). آب زراعت و سر سبزی است.

1- تأثیر انقلاب صنعتی بر منابع آبی

انقلاب صنعتی که در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی رخ داد که باعث تغییرات اساسی در نحوه استفاده از منابع طبیعی از جمله آب شد. برخی از مهم‌ترین تأثیرات آن بر مدیریت منابع آب عبارت‌اند از:

✓ افزایش مصرف آب: با توسعه صنایع و افزایش جمعیت شهرها، مصرف آب به میزان قابل توجهی افزایش یافت. صنایع جدید مانند تولیدات نساجی، معدن‌کاری و نیروگاه‌های بخار، به حجم عظیمی از آب نیاز داشتند.

✓ آلودگی منابع آبی: فعالیت‌های صنعتی منجر به ورود آلاینده‌ها مانند فلزات سنگین، مواد شیمیایی و فاضلاب صنعتی به رودخانه‌ها و منابع زیرزمینی شده که کیفیت آب را کاهش داد.

پوهنمل محمد رسول مجیدی

✓ تغییر در الگوهای مصرف: توسعه سیستم‌های آبیاری پیشرفته‌تر و سدهای بزرگ نحوه استفاده از منابع آبی در بخش زراعت را تغییر داد و در برخی مناطق باعث کم‌آبی شد.

2- نقش مدیریت آب در توسعه پایدار

با توجه به چالش‌های ایجادشده پس از انقلاب صنعتی، مدیریت پایدار منابع آب یکی از اصول اساسی توسعه پایدار محسوب می‌شود. توسعه پایدار به معنای استفاده از منابع به گونه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را تأمین کند، بدون اینکه منابع برای نسل‌های آینده به خطر بیفتد. برخی از جنبه‌های کلیدی مدیریت پایدار آب عبارت‌اند از:

✓ حفاظت از منابع آبی: اجرای سیاست‌هایی برای جلوگیری از هدررفت آب، کاهش آلودگی و استفاده بهینه از منابع.

✓ توسعه فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند: سیستم‌های آبیاری قطره‌ای، بازیافت آب و تصفیه فاضلاب برای کاهش مصرف و افزایش بهره‌وری.

✓ سازگاری با تغییرات اقلیمی: تغییرات آب و هوا باعث کاهش بارندگی و افزایش خشکسالی در بسیاری از مناطق جهان از جمله افغانستان شده است. مدیریت پایدار منابع آب می‌تواند از بحران‌های آبی آینده جلوگیری کند.

3- مدیریت آب در ولایت فاریاب و اهمیت آن

ولایت فاریاب یکی از خشک‌ترین مناطق افغانستان است که بیش از ۹۲٪ آب مصرفی آن در بخش زراعت استفاده می‌شود. با توجه به رشد تقاضای آب و کاهش منابع اتخاذ روش‌های علمی برای مدیریت منابع آب ضروری است. راهکارهایی مانند:

- ✓ استفاده از روش‌های نوین آبیاری (مانند آبیاری تحت فشار و قطره‌ای)،
- ✓ ذخیره‌سازی و بازچرخانی آب (مانند ساخت سدهای کوچک و حوضچه‌های ذخیره آب):
- ✓ اصلاح سیاست‌های مصرف آب برای جلوگیری از هدر رفت می‌تواند به توسعه پایدار این منطقه کمک کند.

مدیریت آب در سکتور زراعت

مدیریت مناسب آب یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی است. مدیریت آب در زراعت يك رهیافت سیستمی برای کنترل آب در مزرعه است به صورتی که باعث مدیریت مناسب آب در

جهت تامین نیازهای آبیاری و زهکشی گیاه زراعتی می‌گردد. در شرایطی که مشکلاتی در ابعاد فیزیکی، اجتماعی، دولتی و در زمینه سیستم های تولیدی وجود دارد که جهت مدیریت آب زراعت باید به تك تك این سیستم ها توجه شود و مدیریت منبع آب، مدیریت سیستم های انتقال، مدیریت مزرعه و زهکشی باید به عمل آید. (محمدی، 1388).

مفهوم مدیریت پایدار منابع آب

مدیریت پایدار منابع آب به معنای استفاده درست و مؤثر از منابع آبی برای رفع نیازهای فعلی زراعت، بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده است.

اصول اساسی آن عبارت اند از:

- ✓ استفاده مؤثر و اقتصادی از آب در آبیاری (مانند آبیاری قطره ای و بارانی).
 - ✓ حفاظت از منابع طبیعی آب (رودخانه ها، چشمه ها و آب های زیرزمینی).
 - ✓ جلوگیری از آلودگی آب توسط کودها و مواد کیمیاوی.
 - ✓ مشارکت دهی دهقانان و جوامع محلی در تصمیم گیری های مربوط به آب.
- و همچنان مدیریت پایدار آب عبارت از کنترل، اداره کردن جریان های سطحی و زیرزمینی، برنامه ریزی و محافظت از حیات انسان و محیط زیست می باشد. (Bouhaia, 1998).

نقش مدیریت پایدار منابع آب در توسعه زراعت

- ✓ افزایش تولیدات: استفاده از روش های نوین آبیاری باعث صرفه جویی در مصرف آب و افزایش حاصل خیزی زمین می شود.
- ✓ کاهش آسیب پذیری: ذخیره و مدیریت درست آب، اثرات خشک سالی را کاهش می دهد.
- ✓ بهبود معیشت: افزایش تولیدات زراعتی باعث رشد اقتصادی و درآمد بیشتر دهقانان می گردد.
- ✓ حفاظت محیط زیست: جلوگیری از فرسایش خاک، بیابانزایی و کاهش سطح آب های زیرزمینی.

بر علاوه آب سرمایه پر ارزش است و باید از آن بطور مؤثر استفاده به عمل آید. هیچ کس حق ندارد که آنرا بیجا و بی مورد استعمال نموده ضایع سازند. دراثانی آبیاری، استعمال بی مورد آن نه تنها به دهقان مفید تمام نمی شود. بلکه اکثراً به خود دهقان و جامعه نیز به طور مستقیم و یا غیر مستقیم ضرر می رساند. در وقت آبیاری به استعمال موثر آب باید توجه خاص صورت گیرد و کوشش شود که تا حد ممکن از ضایعات آب جلوگیری به عمل آید. در آبیاری در وقت انتقال، توزیع و استعمال آب

یک مقدار آن به اشکال مختلف ضایع می‌شود. مهم‌ترین اشکال ضایعات آب عبارت از جاری شدن آب بر روی زمین (رن آف)، تراوش از کانال‌ها و جوی‌ها، نفوذ عمیق آب و تبخیر، ترانسپاریشن، سرازیر شدن آب از کناره‌های کانال‌ها و جوی‌ها می‌باشند. (ایوبی، 1394).



شکل (1) نشان دهنده مدیریت آب در سکتور زراعت به شکل سنتی در ولسوالی گرژیوان ولایت فاریاب

منابع آب در ولایت فاریاب

آب‌های که در ولایت فاریاب برای مصارف خانواده‌ها و زراعت اختصاص داده شده از طریق آب-های سطحی و زیرزمینی تامین می‌گردد. منابع آبی ولایت فاریاب از اثر بارندگی‌ها بخصوص برف باری‌ها در ارتفاعات بیشتر از 2000 متر صورت می‌گیرد 80 فیصد منابع آبی را تشکیل می‌دهد (به استثنا آب‌های زیرزمینی) به مثانه ذخایر آب طبیعی از اهمیت شایانی برخوردار است. عمدتاً خشکسالی‌های شدید در اثر سطح پایین بارندگی در زمستان در دو سال پی‌هم بوجود می‌آید اسناد تاریخی نشان می‌دهد که سطح پایین بارندگی در زمستان دو سال متوالی حداقل بعد از (15 الی 10) سال بوقوع می‌پیوندد. در صورتیکه این خشکسالی‌ها بخاطر تغیر اقلیم باشد می‌تواند باعث ایجاد مشکلات دراز مدت گردد.

منابع آب و آبیاری در ولایت فاریاب

منابع آب زراعت در ولایت فاریاب شامل موارد زیر می‌شود:

1- نزولات آسمانی: شامل برف و باران

2- آب‌های سطحی: شامل رودخانه‌ها، بندها، مخازن‌های آب، دریاها، یخچال‌ها

3- آب‌های زیرزمینی: شامل چاه‌ها، کاریزها، چشمه‌ها

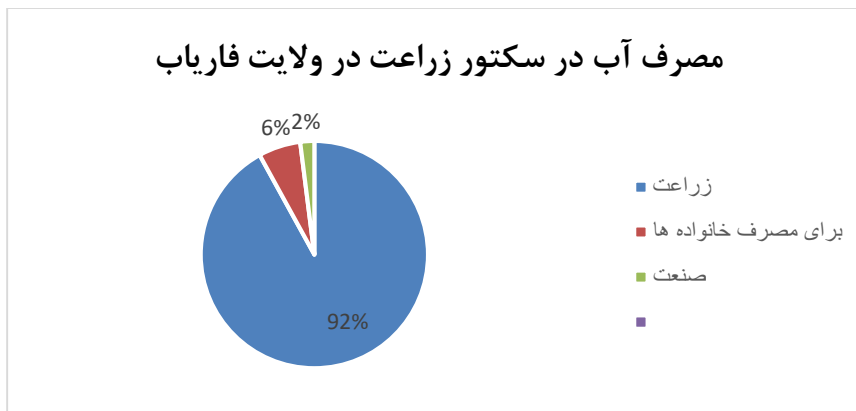
مصرف آب در سکتور زراعت در ولایت فاریاب

مصرف بهتر آب می‌تواند در تمام مناطق قابل کشت ولایت فاریاب بهترین محصولات زراعتی را تولید کند، اما مصرف آب در بخش سکتور زراعت در ولایت فاریاب با کمبود دانش فنی روبه‌رو است و دستگاه‌های اجرایی برنامه‌های عملیاتی برای مصرف و مدیریت آب نداشته و همچنین آموزش لازم برای استفاده از وسایل‌های نوین آبیاری به زراعین داده نشده است. و زراعین ولایت فاریاب نمی‌توانند به شکل فنی از آب موجود استفاده اعظمی کنند که محصولات با کیفیت را تولید کنند از همین لحاظ است محصولات تولید شده ولایت فاریاب با محصولات خارجی رقابت کرده نمی‌تواند. آمارهای جهانی نشان می‌دهد که 70 درصد آب شیرین در سطح جهان در بخش سکتور زراعت مصرف می‌شود.

طبق گزارش وزارت انرژی آب و برق و وزارت زراعت افغانستان سالانه حدود 90 درصد منابع آب تجدید پذیر افغانستان در بخش زراعت مصرف می‌شود. کل مصرف آب در بخش خانگی و صنعت 10 درصد است. و همچنان در ولایت فاریاب در حدود 92 درصد آب داخلی این ولایت در بخش سکتور زراعت و 6 درصد آب این ولایت در نوشیدن و 2 درصد آن در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بخش زراعت بیش از همه فعالیت‌های انسان به آب نیاز دارد. تولید تمامی محصولات زراعتی و مالداري به آب وابسته است. اگر در منطقه‌ای باران کافی بیارد دهاقین نیازی به آبیاری محصولات خود ندارند اما اگر بارندگی کافی نباشد به آبیاری محصولات شان ضروری دارند. پس باید روش کار دهاقین متناسب با شرایط اقلیمی مناطق باشد. مثلاً بهتر است در مناطق کم آب گیاهانی که در مقابل خشکی مقاومت بیشتری دارند کاشته شوند زیرا به دلیل نیاز نداشتن گیاه به آب فراوان هم مقرون به صرفه است و هم مانع شوری زمین در اثر آبیاری با آب کم می‌شود.

با وجود هشدارها نسبت به مصرف بالای آب در مصارف شهری آمارها نشان می‌دهد که بیش از 90 درصد از منابع آب در بخش زراعت مصرف می‌شود که در صورت مدیریت بهتر در این حوزه می‌توان تا اندازه‌ی زیادی از ابعاد بحران کم آبی کاست.

گراف (2) نشان دهنده مصرف آب در بخش‌های مختلف در ولایت فاریاب می‌باشد



این گراف نشان می‌دهد که 92٪ از منابع آب در ولایت فاریاب در بخش زراعت مصرف می‌شود، در حالی که 6٪ برای مصارف خانگی و تنها 2٪ در صنعت استفاده می‌شود. این آمار بیانگر وابستگی شدید منطقه به منابع آبی برای زراعت و لزوم مدیریت درست آن است.

مدیریت آب‌های زیرزمینی در ولایت فاریاب

آب‌های زیرزمینی یک منبع مطمئن و با ارزش آب است که می‌توان از آن به مقاصد زراعتی و یا آشامیدنی استفاده کرد. در صورتی که منابع آب‌های سطحی و تحت الارضی باهم در ارتباط باشند این منبع بصورت مستمر تجدید شده می‌رود در غیر آن آب زیرزمینی ممکن به شکل یک ذخیره غیر قابل تجدید وجود داشته باشد که در نتیجه استفاده دوامدار تمام شود. مدیریت بهتر منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی باعث بهبود مولدیت سیستم می‌شود، زیرا آب‌های زیرزمینی به ضایعات از ناحیه تبخیر مواجه نیست.

با اساس نظریات متخصصین منابع آب مقدار آبی که از زیر زمین استخراج می‌شود باید معادل اوسط مقدار آبی باشد که دوباره بصورت طبیعی وارد منبع آب تحت الارضی می‌شود. در این صورت ذخیره آبی (Aquifer) تحت الارضی تمام نمی‌شود و سطح آب زیرزمینی پایین نمی‌رود و استفاده پایدار از منبع آب تضمین می‌گردد. ولایت فاریاب تقریباً (۱۳۴) حلقه چشمه زراعتی و آب آشامیدنی موجود می‌باشد. در ولایت فاریاب از آب کاریز، چشمه و چاه به مقصد زراعت و آشامیدنی بسیار معمول است استفاده می‌کنند به طور مثال در ولایت فاریاب در حدود 20٪ زمین‌های زراعتی از طریق آب‌های زیرزمینی آبیاری می‌شود.

از این جمله 10٪ زمین‌های زراعتی ولایت فاریاب از طریق کاریزهای آبیاری می‌شود. یک تعداد محدود کاریزها، چشمه‌ها و چاه‌های سطحی در ولایت فاریاب در نتیجه جنگ‌ها و

خشکسالی‌های متواتر و استفاده بی رویه از آب‌های زیرزمینی به وسیله حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق خشک و یا در کل تخریب گردیده است که می‌توان با طرح یک برنامه جدید منظم و سیستماتیک و با استفاده از تکنالوژی‌های مدرن جدید استفاده از منابع آب کاریزهای این منطقه را دوباره احیا و به بهره‌برداری سپرده شود.

چون آبهای آشامیدنی مردم شهر میمنه و اکثر شهرها از منابع آب‌های زیرزمینی تامین و تهیه می‌گردد باید از آلوده‌گی آنها جلوگیری گردد. همچنان در ساحاتی که چشمه‌ها و کاریزها منبع اساسی آب آشامیدنی و آبیاری است، از حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و استفاده آب‌های زیرزمینی به مقصد زراعت اجتناب گردد، زیرا استفاده زیاد و بی رویه از این منابع باعث خشک شدن چشمه‌ها و کاریزهای این ولایت می‌گردد.

روش‌های استفاده موثر آب در سکتور زراعت در ولایت فاریاب

به صورت عموم فیصدی بیشتر آب در سکتور زراعت به مصرف می‌رسد و در ولایت فاریاب 92 فیصد آب به مقصد آبیاری استفاده می‌شود که از طریق شبکه‌های سنتی و عصری به مزرعه می‌رسد. اما موثریت استفاده از آب در سطح بسیار پایین یعنی 25 فیصد قرار دارد که دلیل عمده آن ضایعات آب بین منبع آب و مزرعه استفاده از روش‌های عنعنوی آبیاری، تخریب شبکه‌های آبیاری و عدم حفظ و مراقبت آن‌ها، منجمت ضعیف سیستم آبیاری و سطح پایین آگاهی دهاقین در مورد مدیریت بهتر آب در مزرعه می‌باشد.

چون آب از منابع اقتصادی کمیاب است و باگذشت زمان کمیاب تر شده می‌رود، استفاده موثر از آن یک امر مهم می‌باشد. برای تحقیق این هدف لازم است تا دهاقین ولایت فاریاب مقدار آب مورد ضرورت نبات را طول فصل نمویی آن بدانند و دفعات آبیاری را مطابق ضرورت نبات تنظیم کنند، از نباتاتی استفاده کنند که به آب کمتر ضرورت دارند و مقاومت آن‌ها در مقابل کم آبی بیشتر است. استفاده از روش‌های صرفه جویانه آبیاری مانند آبیاری قطره‌ای و آبیاری بارانی به موثریت استفاده از آب کمک می‌کند. هم‌چنان باید از روش‌های بهتر منجمت آب در مورد حوزه دریایی سیستم آبیاری و مزرعه استفاده شود. تفاهم بین دهاقین سر آب و پایین آب در مورد انتخاب نباتات قابل کشت و جیره بندی آب به موثریت استفاده از آب کمک می‌کند تحلیل اقتصادی عواید حاصله ناشی از استفاده هر واحد آب قابل مصرف و تعیین عواید فرصتی آب به استفاده موثر آب کمک می‌کند.

آب یک عامل عمده افزایش حاصلات است. آبی که به مقصد آبیاری استعمال می‌گردد، یک مقدار آن توسط نبات به استفاده گرفته می‌شود که بنام (Capillary Water) یاد می‌شود و قسمت دیگری آن در خاک نفوذ می‌کند و یا از مزرعه تبخیر می‌گردد بهبود بخشید (تغییر دادن) نسبت تعریق (Transpiration) و تبخیر آب (Evaporation) در مزرعه به موثریت استفاده از آب و افزایش حاصل کمک می‌کند.

سیستم های آبیاری در افغانستان عموماً به دوگروپ اصلی تقسیم می‌شود.

1 - سیستم های آبیاری سنتی (عننوی) 2 - سیستم های آبیاری عصری (مدرن)

سیستم های آبیاری سنتی (عننوی)

سیستم های سنتی آبیاری در افغانستان و در ولایت فاریاب که بسیاری از آن ها سال ها است که ایجاد شده اند که توسط مردم روستاها تنظیم شده است. مراقبت و بازسازی سیستم های آبیاری سنتی عموماً بر اساس یک نظم روستایی سنتی غیر رسمی اجتماعی تنظیم شده است. و سهم هرکس از آب موجود مشخص و ثابت است. دانش و روش های علمی بدین ترتیب به ساختارهای سنتی جمعی متکی است. و در ذهن اشخاص باقی می ماند. تقریباً 90% زمین های زراعتی کشور شامل این کتگوری است. این سیستم ها توسط جوامع محلی و مطابق به معیارهای قبول شده ای اجتماعی تنظیم می شود. این سیستم شامل اشکال ذیل است.

سیستم ارهد

ارهد به معنی شخص یا شی کامل و ارزشمند است. این روش آبیاری بسیار قدیمی است و برای استخراج آب از حیوانات استفاده می شود. قطر این چاه تا پنج متر است و عمق اعظمی آن نیز ده متر می باشد. ارهد معمولاً خصوصی است. و حدود سه هکتار زمین را به وسیله بالا کشیدن آب از چاه های سطحی با کمک چرخ تحت آبیاری قرار می دهد.

سیستم کاریز

کاریز یک نوع از سیستم آبیاری سنتی است، که برای تامین آب برای آشامیدن و آبیاری زمین های زراعتی در مناطق گرم، خشک نیمه خشک مورد استفاده قرار می گیرد. تصور می شود که این تکنالوژی در آریانا انکشاف یافته است. و سپس به ساحات دیگری خصوصاً در مسیر جاده ابریشم گسترش یافته است. در این سیستم آب از ذخایر زیرزمینی توسط جریان آزاد از طریق کانال های حفر شده زیرزمینی بیرون آورده می شود. و معمولاً 10 تا 20 هکتار زمین را آبیاری می کند.

سیستم‌های سطحی کوچک

این سیستم‌های آبیاری سنتی دارای ساحه تحت آبیاری حدود 100 هکتار زمین با سر بندهای موقت که از ترکیب چوب درخت و بته یا از سنگ ساخته شده است. و جریان آب دریا منحرف می‌کند. شامل این کتگوری می‌باشد. در این سیستم آب دریاها و رود خانه‌ها منبع اصلی است.

سیستم‌های سطحی متوسط

این سیستم‌های آبیاری مشابه به سیستم‌های سطحی کوچک می‌باشد. اما ساحه تحت آبیاری آن در حدود 100-2000 هکتار می‌باشد. بسیاری این سیستم‌ها در حال حاضر توسط وزارت انرژی و آب تحت بازسازی و یا نوسازی می‌باشد. جامعه بین‌المللی (بانک جهانی، بانک انکشاف آسیایی، USAID، کمیسیون اروپا) از نظر مالی و تکنیکی سهم عمده‌یی در بازسازی این سیستم‌ها دارا می‌باشد.

سیستم‌های سطحی بزرگ

این سیستم‌های آبیاری معمولاً در دشت‌ها و دره‌ها قرار دارند. و زمین‌های به وسعت حداکثر 200000 هکتار را تحت پوشش قرار می‌دهد. این سیستم‌های آبیاری منبع اصلی تامین آب هر ولایت و ولسوالی‌های افغانستان می‌باشد. معمولاً هر ولسوالی دارای یک کانال است که از دریاها منشأ می‌گیرد. این کانال‌ها سپس به کانال‌های متوسط و سرانجام به کانال‌های فرعی که وارد مزارع می‌شوند تقسیم می‌شود.



شکل (3) نشان دهنده نوعی از سیستم‌های آبیاری سنتی ولسوالی قیصار، ولایت فاریاب

سیستم آبیاری عصری (مدرن)

سیستم آبیاری زیرزمینی: این سیستم از نظر تکنیکی مدرن است. و سنتی نیست. اما بیشتر توسط افراد مدیریت می شود. این سیستم آب را توسط چاه های تیوبی از زمین استخراج می نماید. که این چاه ها می تواند با توجه به خصوصیات ذخایر آب عمیق یا کم عمق باشد. چاه های تیوبی کم عمق معمولاً کمتر از 20 متر عمق دارد. آبدهی شان از 4 الی 20 لیتر در ثانیه فرق می کند. در حالی که چاه های تیوبی عمیق مولد تر بوده و معمولاً بیش از 60 متر عمق دارد. آبیاری با استفاده از آب های زیرزمینی خصوصاً در سطح فردی یا اجتماع های کوچک در سال های اخیر افزایش یافته است (همت، 1394).

و هم چنان سکتور زراعت در افغانستان عمدتاً به آبیاری وابسته است. و حدود 85% محصولات زراعتی کشور از زمین های آبی بدست می آید. زمین های آبی براساس منبع آب مورد استفاده. به چهار گروه عمده تقسیم می شود که عبارت از :

- ✓ زمین های که آب خود را از دریاها دریافت می نمایند 74.6%
- ✓ زمین های که آب خود را از چشمه ها دریافت می نمایند. 7.9%
- ✓ زمین های که آب خود را از کاریزها دریافت می نمایند. 7%
- ✓ زمین های که آب خود را از ارهد دریافت می نمایند 0.5%

یافته ها

بررسی ها نشان می دهد که افزایش جمعیت و برنامه ریزی های نادرست در بخش مدیریت آب، کاهش جدی منابع آبی را به دنبال داشته است. تغییر در عادات غذایی و افزایش تقاضا برای محصولات حیوانی، مصرف آب را تشدید کرده و فشار بیشتری بر منابع محدود آبی وارد ساخته است. آب نه تنها در تولید محصولات زراعتی نقش حیاتی دارد، بلکه در تأمین انرژی و حتی بروز منازعات محلی و منطقه ای نیز اهمیت ویژه ای ایفا می کند.

بر اساس آمار، ولایت فاریاب با داشتن ۳۵۷'۴۰۰ هکتار زمین زیر کشت، ظرفیت بالقوه ای برای رشد و صرفه جویی در مصرف انرژی از طریق مدیریت درست منابع آب دارد. با این حال، کم آبی و افزایش عمق چاه ها از چالش های مهم در تأمین آب به شمار می رود.

در حال حاضر، منابع آبی فاریاب از راه های زیر تأمین می شود: ۵۰٪ از چاه های عمیق ۳۰٪ از کاریزها ۲۰٪ از چشمه ها و چاه های نیمه عمیق این یافته ها بیانگر آن است که بدون مدیریت پایدار منابع آب، سکتور زراعت فاریاب با خطر کاهش تولیدات و تهدید امنیت غذایی روبه رو خواهد شد.

مناقشه

در شرایط فعلی آب ارزشمندترین ماده حیاتیست که بعنوان عامل تولید محصولات زراعتی مطرح می‌باشد. و در شرایط بحرانی قرار گرفته و محور اکثر طرح های سیاسی، اجتماعی، صنعتی و زراعتی شده است. طی چند دهه گذشته بدلیل مجموع تغییر و تحولات در جمعیت، اقلیم، افزایش رفاه سنجی و میزان سرانه تجدید پذیر آب کاهش و همچنین بحران آب افزایش یافته است.

ویژگی های فرهنگی ما و نگاه قدسی به آب به عنوان عامل اصلی پاکی و پاکیزگی تصور آن را به عنوان یک کالای اقتصادی دشوار می‌سازد ولی در جهان کنونی عدم توجه کنونی عدم توجه به مدیریت صحیح آب، هدر رفتن منابعی را در پی خواهد داشت که جایگزینی آن شاید با صرف هزینه های گزاف نیز میسر نباشد.

توجه به امر پایدار و مدیریت منابع آب به عنوان یک منبع بسیار حیاتی در سال اخیر از موضوعی فرعی به مساله ای محوری و پر اهمیت تبدیل شده است. این تحول حاصل آگاهی و باور محافل ملی و بین المللی به واقعیت های زمان است. واقعیت آنست که منابع طبیعی چون آب، هوا، انرژی، خاک و گونه های زیستی واقعا محدودند و تولید دوباره و احیای این منابع بسیار پر هزینه تر و طولانی تر و از حفاظت آنها است. مدیریت تامین و توسعه منابع آب به عنوان یک عامل پویا و موثر در جهت سیاست گذاری، برنامه ریزی و ایجاد امکانات لازم برای بهره گیری از منابع آب از سال ها پیش شکل گرفته و توجه عمده خود را به توسعه منابع آب موضوعات محیط زیست، سیاسی، حقوقی و سازمانی معطوف کرده است.

در این بخش زراعت به عنوان بزرگترین مصرف کننده آب نقش ویژه ای در این برنامه ریزی و سیاست گذاری دارد. برای رسیدن به توسعه زراعت ایجاد تحول و نوسازی در آن از ضروریات می- باشد. عواملی همچون بازار، تکنالوژی با فناوری روزآمد دسترسی به مواد و وسایل لازم در بخش زراعت باید دچار تحول و نوسازی شوند. لیکن با تغییر نگرش از عوامل فرابخشی به درون بخشی مشخص می شود که فاکتورهای از دورن بخش زراعت تاثیرات مهمی بر روند تحول و نوسازی بخش و مخصوصا توسعه زراعت خواهند داشت. آب و خاک به عنوان دو مقوله عمده از جمله این عوامل می باشند.

یافته های تحقیق حاضر در باره مدیریت مصرف آب با اساس گزارش عمانی و تونونچی 1389 مطابقت داشته و چنین بیان می شود.

مصرف بهتر آب می‌تواند در تمام مناطق قابل کشت ولایت فاریاب بهترین محصولات زراعتی را تولید کند، اما مصرف آب در بخش سکتور زراعت در ولایت فاریاب با کمبود دانش فنی روبه‌رو است و دستگاه‌های اجرایی برنامه‌های عملیاتی برای مصرف و مدیریت آب نداشته و همچنین آموزش لازم برای استفاده از وسایل‌های نوین آبیاری به زراعین داده نشده است.

یافته‌های در مورد مدیریت آب به اساس گزارش جنوبی و همکاران 1391 کاملاً مشابهت دارد که چنین بیان می‌شود. مدیریت مناسب آب یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی است. مدیریت آب در زراعت يك رهیافت سیستمی برای کنترل آب در مزرعه است به صورتی که باعث مدیریت مناسب آب در جهت تامین نیازهای آبیاری و زهکشی گیاه زراعتی می‌گردد. در شرایطی که مشکلاتی در ابعاد فیزیکی، اجتماعی، دولتی و در زمینه سیستم‌های تولیدی وجود دارد که جهت مدیریت آب زراعت باید به تك تك این سیستم‌ها توجه شود و مدیریت منبع آب، مدیریت سیستم‌های انتقال، مدیریت مزرعه و زهکشی باید به عمل آید.

نتیجه‌گیری

مدیریت منابع آب، پس از انقلاب صنعتی، به یکی از چالش‌های اساسی در سراسر جهان تبدیل شده است. در مناطقی مانند ولایت فاریاب، که با کمبود آب روبه‌رو هستند، مدیریت صحیح منابع آبی نه تنها برای بهره‌وری زراعت، بلکه برای توسعه پایدار و جلوگیری از بحران‌های آبی آینده ضروری است. اتخاذ فناوری‌های نوین و سیاست‌های پایدار می‌تواند به بهبود وضعیت منابع آبی کمک کند و از تبعات تغییرات اقلیمی بکاهد.

علی‌رغم محدودیت منابع آبی، مدیریت مصرف آب در سکتور زراعت همچنان با مشکلات پایداری مواجه است، و خشکسالی‌های اخیر تولید محصولات زراعتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. مناطق خشک و نیمه‌خشک سهم قابل توجهی از اراضی جهانی را شامل می‌شوند، درحالی‌که آب نقش اساسی در بقای موجودات زنده و تولیدات زراعتی دارد. ولایت فاریاب با دارا بودن منابع آبی متعدد یکی از ولایات مهم زراعتی افغانستان است، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی و بی‌توجهی دولت، توسعه‌یافتگی کمتری داشته و مردم آن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو هستند. منابع آبی این ولایت شامل دریاها، چشمه‌ها، چاه‌ها و بارندگی است که مقدار آن سالانه متغیر بوده و تأثیر مستقیمی بر کشاورزی منطقه دارد. همچنین، فاریاب ظرفیت بالایی برای صرفه‌جویی در

مصرف انرژی زراعتی دارد، اما کم آبی و عمق زیاد چاه‌ها، تأمین آب را دشوار ساخته و ۵۰ درصد آب‌های زیرزمینی آن از چاه‌های عمیق و ۳۰ درصد از کاریزها تأمین می‌شود.

پیشنهادهای

با توجه به اینکه برداشت‌های غیر اصولی و بی رویه در سطح زیاد برآورده شده است و نیز آگاهی آنان از وضعیت کیفی آب‌های سطحی مانند شوری و آلودگی در سطح متوسط می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌شود با آموزش‌های بیشتر در باره نحوه بهتر آبیاری و افزایش آن و بهره‌وری آب و در نتیجه افزایش محصول کمک شایانی را در سکتور زراعت و هم بهبود مدیریت منابع آب در بخش زراعت ارایه نمود.

با توجه به نتایج مطالعه، پیشنهادات زیر به منظور استفاده بهتر از منابع آب و رسیدن به هدف زراعت پایدار و مدرن در منطقه ارایه استفاده از تکنالوژی‌های نوین: به‌کارگیری روش‌های مدرن آبیاری و فناوری‌های جدید کشاورزی برای کاهش مصرف آب و هزینه‌های تولید.

1. بهبود مدیریت منابع آب: ایجاد سیستم اطلاعاتی برای پایش منابع آبی، اصلاح سربندها، مدیریت شبکه‌های آبیاری و انتقال آن به سکتور خصوصی جهت افزایش بهره‌وری.
2. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آبی: افزایش بودجه برای حفاظت، توسعه و مدیریت بهتر منابع آب، از جمله ترمیم شبکه‌های آبیاری آسیب‌دیده در دوران جنگ.
3. آموزش و آگاهی‌دهی: برگزاری کورس‌های آموزشی برای کشاورزان در مورد اهمیت مدیریت منابع آب و بهینه‌سازی مصرف آن.
4. مدیریت پایدار آب‌های زیرزمینی و سطحی: جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه، تنظیم جریان آب‌های سطحی، کاهش ضایعات آب در مسیر انتقال و مزرعه، و رسیدگی به تأثیرات تغییرات اقلیمی بر ذخایر آبی.

منابع

- B Boswrth ،G Cornish ،C perry و FV Steenburgen .(2002). Water changing in irrigated agriculture . *HR Wallingford*.145 ،
- H Bouhaia .(1998). Water in the economy: integrating water resources into natianl economic planning .*Harvard University*.125 ،
- J Ghafari .(1998). Review of natural water in iran .*Conferece of water* ،
- 2O Mohammadinejad .(2000). Value of water in saveh .*Theran*.87 ،
- ر جنوبی، ج بهمنش، و رضایی. (1391). تاثیر احداث شبکه های آبیاری و زهکشی مدرن بر منابع آب زیرزمینی دشت ارومیه . *نشریه پژوهش های حفاظت آب و خاک* ، 251- 241.
- س روحانی، غ پیکانی، و ب تقدیری. (1386). تعیین الگوی زراعی بهینه با تاکید بر پایداری منابع آب مطالعه موردی دشت بهار- همدان. *پژوهش کشاورزی: آب خاک و گیاه در کشاورزی*، 85 - 96.
- عمانی، و م توتونچی. (1389). شناسایی عوامل موثر بر مشارکت گندم کاران شهرستان دزفولدر مدیریت شبکه های آبیاری و زهکشی. *نشریه پژوهش های تروج و آموزش کشاورزی*، 37 - 47.
- عبدالغنی ایوبی. (1394). اساسات آبیاری و زهکشی. *انتشارات مطبعه عازم*، 89-87.
- ف پورزند، و م زیبایی. (1390). کاربردی برنامه ریزی تصادفی در مدیریت مصرف منابع آب . *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی*، 42 - 427.
- ف سلحشور دیوند. (1388). بهبود مدیریت توزیع آب در اراضی شالیزاری . *مجموعه مقالات دوازدهمین همایش کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران*، 334-319.
- م مهدوی، و ع کانی نجفی. (1384). دهبارهای تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران. *پژوهش های جغرافیای* ، 21 - 39.
- محمدامین کاظمی. (1382). جغرافیه عمومی فاریاب. *مطبعه کابل افغان مسلک* ، 25.
- محمدنعیم اقرار. (1399). منابع و ساختارهای منابعی افغانستان. کابل: نویسا.
- نجیب الله همت. (1394). اساسات آبیاری عمومی. *دانشگاه کابل*، 2-12.
- یاسر محمدی. (1388). بررسی میزان مهارت کشاورزان در بکارگیری فناوری های مدیریت آب کشاورزی در شهر ستان زرین دشت . *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، 97 - 107.

نقش صنعت و فناوری‌های نوین در بهبود عملکرد مالداری

پوهنمل عبدالمومن عظیمی^{1*}، نامزد پوهنیار عبدالقاسم خادم²، پوهنمل محمد فواد فرزام³

1. دیپارتمنت علوم حیوانی پوهنځی زراعت موسسه تحصیلات عالی بادغیس
2. دیپارتمنت جنگلات و منابع طبیعی پوهنځی زراعت موسسه تحصیلات عالی بادغیس
3. دیپارتمنت علوم حیوانی پوهنځی زراعت پوهنتون تخار

* نویسنده مسئول-ایمیل: abdulmominazimi2017@gmail.com

چکیده

مالداری به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های زراعتی، نقش حیاتی در تأمین مواد غذایی و اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. با پیشرفت صنعت و فناوری‌های نوین، بهبود عملکرد مالداری از طریق افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت تولیدات حیوانی امکان‌پذیر شده است. این مقاله به بررسی نقش صنعت و فناوری‌های نوین در بهبود عملکرد مالداری پرداخته و به چالش‌ها، فرصت‌ها و اثرات این فناوری‌ها بر مالداری مدرن می‌پردازد. مقاله حاضر با توجه به هدف و اهمیت موضوع، از نوع مطالعات مهم و کاربردی بوده، معیارها و قواعد عمومی و متعارف علمی رعایت شده است؛ تسلسل در مطالب، تخریج و بیان کردن دقیق مسائل مربوط به این مقاله، مراجعه به کتاب‌های معتبر و مقاله-های علمی با دقت تمام در نقل، با توجه به تعبیر ساده روش کار این مقاله می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که صنایع و فناوری باعث بهبود در خوراک حیوانات، ادویه و واکسن‌سازی، فرآوری محصولات حیوانی، اتوماتیک و رباتیک شدن مدیریت حیوانات فارم، بیوتکنولوژی و اصلاح نژاد، هوش مصنوعی (AI)، تغذیه هوشمند و پایدار، کاهش اثرات زیست‌محیطی، افزایش رفاه حیوانات و بهبود کیفیت و ایمنی مواد غذایی می‌شود. و پیاده‌سازی صنایع و فناوری‌های نوین در حوزه مالداری با چالش‌های مانند هزینه‌های بالا، نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه، آموزش و آگاهی دهی مالداران در استفاده از فناوری‌ها به همراه داشته که این امر می‌تواند به افزایش بهره‌وری و مدیریت بهتر منابع در صنعت مالداری منجر شده و توسعه پایدار این حوزه را تسهیل و به دنبال داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: بهره‌وری، توسعه پایدار صنعت، فناوری نوین، مالداری.

The Role of Industry and Modern Technologies in Improving Livestock Performance

Senior Teaching Assistant Abdul Momin Azimi^{1*}, Teaching Assistant Abdul Qasim Khadim², Senior Teaching Assistant Mohammad Fawad Farzam³

1. Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Badghis Higher Education Institute

2. Department of Forestry, Faculty of Agriculture, Badghis Higher Education Institute

3. Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Takhar University

* Corresponding Author Email: abdulmominazimi2017@gmail.com

Abstract

Livestock farming, as one of the most important sectors of agriculture, plays a vital role in providing food and economic sustenance to communities. With the advancement of industry and modern technologies, it has become possible to improve livestock farming performance through increased productivity, reduced costs, and enhanced quality of animal products. This article examines the role of industry and modern technologies in improving livestock farming performance and addresses the challenges, opportunities, and impacts of these technologies on modern livestock farming. Considering the objective and significance of the topic, this article is an important and practical study, adhering to general and conventional scientific criteria and rules. The article maintains coherence in its content, thoroughly elaborating and expressing issues related to the topic, and relies on reputable books and scientific articles with meticulous attention to detail in citations, reflecting a simple interpretation of research methods. The results indicate that industries and technologies lead to improvements in animal feed, spice and vaccine production, animal product processing, automation and robotics in farm animal management, biotechnology and breeding, artificial intelligence (AI), smart and sustainable nutrition, reduced environmental impact, increased animal welfare, and improved food quality and safety. The implementation of modern industries and technologies in the field of livestock farming comes with challenges such as high costs, the need for initial investment, and the education and awareness of livestock farmers in the use of technologies. Overcoming these challenges can lead to increased productivity and better resource management in the livestock industry, facilitating and pursuing the sustainable development of this sector.

Keywords: Industry, Livestock Farming, Modern Technology, Productivity, Sustainable Development.

مقدمه

مالداری به عنوان یکی از ارکان مهم تأمین غذای بشر و توسعه اقتصادی، با چالش‌های متعددی روبرو است. افزایش تقاضا برای محصولات دامی، لزوم به‌کارگیری فناوری‌های نوین و صنعتی را در این حوزه ضروری ساخته است. این مقاله به بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر مالداری و بهبود عملکرد آن می‌پردازد. یکی از پیشرفت‌های مهم در این زمینه، استفاده از فناوری‌های زراعتی دقیق است که با بهره‌گیری از داده‌کاوی و سیستم‌های GPS، به بهینه‌سازی استفاده از منابع کمک می‌کند. با نظارت بر الگوهای چرا و شاخص‌های سلامت حیوانات، مالداران می‌توانند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند که منجر به افزایش بهره‌وری و کاهش ضایعات می‌شود (ولفرت و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، استفاده از سیستم‌های تغذیه خودکار باعث می‌شود دام‌ها در زمان مناسب و با مقدار مناسب مواد مغذی تغذیه شوند که این امر به بهبود سلامت دام‌ها و افزایش تولید منجر می‌شود. علاوه بر این، بیوتکنولوژی تحولی در روش‌های پرورش حیوانیجاد کرده است. انتخاب ژنتیکی و تلقیح مصنوعی به مالداران این امکان را می‌دهد که دام‌هایی مقاوم‌تر به بیماری‌ها و با نرخ رشد بالاتر پرورش دهند (گارسیا و همکاران، ۲۰۱۹). این اقیوانه‌تنها به بهبود بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کند، بلکه با کاهش نیاز به آنتی‌بیوتیک‌ها و دیگر مداخلات، به پایداری زیست‌محیطی نیز می‌انجامد.

فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی نیز به بهبود ردیابی در زنجیره تأمین محصولات دامی کمک کرده‌اند. با ارائه سوابق شفاف از مزرعه تا مصرف‌کننده، این فناوری‌ها به تضمین ایمنی غذایی و افزایش اعتماد مصرف‌کنندگان کمک می‌کنند (کوادیو و همکاران، ۲۰۲۰). ردیابی بهبود یافته همچنین مدیریت بهتری بر سلامت دام‌ها فراهم می‌آورد، چرا که مالداران می‌توانند به سرعت به شیوع بیماری‌ها واکنش نشان دهند. در نهایت، ظهور برنامه‌های موبایل به مالداران این امکان را داده است که به اطلاعات لحظه‌ای در مورد قیمت‌های بازار، شرایط آب و هوایی و بهترین شیوه‌های مالداری دسترسی داشته باشند. این دسترسی به اطلاعات می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری داشته باشد و به نتایج اقتصادی بهتری برای تولیدکنندگان حیوانمنجر شود (راجرز و همکاران، ۲۰۲۱). در مجموع، ادغام صنعت و فناوری‌های نوین در مالداری فرصت‌های قابل توجهی برای بهبود عملکرد و پایداری فراهم می‌آورد. با استفاده از فناوری‌های کشاورزی دقیق، بیوتکنولوژی و نوآوری‌های دیجیتال، مالداران می‌توانند به افزایش بهره‌وری، تضمین رفاه دام‌ها و ایجاد یک سیستم غذایی پایدار کمک کنند.

مالداری به عنوان یکی از مهم ترین بخش های کشاورزی و تأمین کننده منابع غذایی، نقش اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع ایفا می کند. با توجه به افزایش جمعیت جهانی و تغییرات اقلیمی، تقاضا برای محصولات دامی در حال افزایش است. به همین دلیل، بهبود عملکرد مالداری و افزایش بهره وری در این حوزه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از سوی دیگر، چالش های متعددی مانند بیماری های دامی، تغییرات محیطی، و محدودیت های منابع طبیعی، ضرورت استفاده از فناوری های نوین را دوجندان کرده است. فناوری هایی مانند کشاورزی دقیق، بیوتکنولوژی، و سیستم های اطلاعاتی، می توانند به بهبود وضعیت مالداری کمک کنند و به مالداران این امکان را بدهند که با بهره وری بالاتر و هزینه های کمتر، به تأمین نیازهای روزافزون بازار بپردازند.

با وجود پیشرفت های چشمگیر در فناوری های مالداری، بسیاری از مالداران هنوز با چالش های اساسی مانند عدم دسترسی به اطلاعات به روز، کمبود تجهیزات مدرن، و عدم آگاهی از بهترین شیوه های مدیریت حیوانمواجه هستند. این مشکلات می تواند منجر به کاهش تولید، افزایش هزینه ها، و در نهایت، ناکارآمدی در تأمین نیازهای غذایی جامعه شود. به علاوه، عدم هماهنگی بین فناوری های موجود و نیازهای واقعی مالداران، مانع از دستیابی به نتایج مطلوب می شود. لذا، شناسایی و تحلیل نقش صنعت و فناوری های نوین در بهبود عملکرد مالداری ضروری به نظر می رسد. این مرور به بررسی تأثیرات این فناوری ها بر مالداری و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود عملکرد و افزایش بهره وری در این حوزه می پردازد.

مرور اثار

صنعت و فناوری های نوین نقشی کلیدی در بهبود عملکرد مالداری ایفا می کنند. از طریق اتوماسیون، بیوتکنولوژی، اینترنت اشیا و بهینه سازی تغذیه، بهره وری افزایش یافته و هزینه های تولید کاهش می یابد. با این حال، چالش هایی نظیر هزینه های بالا و نیاز به آموزش، از جمله موانع پیاده سازی این فناوری ها هستند. با برنامه ریزی مناسب و سرمایه گذاری در آموزش و تحقیق، می توان از پتانسیل این فناوری ها برای توسعه پایدار مالداری بهره برد. صنعت مالداری در دهه های اخیر به دلیل افزایش تقاضای جهانی برای محصولات دامی، نیازمند تغییرات اساسی بوده است. صنعت مالداری در دهه های اخیر، تحت تأثیر افزایش تقاضای جهانی برای محصولات دامی، نیازمند تحولات اساسی بوده است. در این میان، صنعت و فناوری های نوین نقشی کلیدی در بهبود عملکرد و افزایش بهره وری این بخش ایفا می کنند (FAO, 2020). استفاده از اتوماسیون در فرآیندهای مختلف مالداری، از جمله

شیردوشی و تغذیه، می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت و دقت عملیات منجر شود (Sharma et al., 2018). بیوتکنولوژی نیز با ارائه راهکارهایی برای بهبود نژاد دام و افزایش مقاومت آن‌ها در برابر بیماری‌ها، نقش مهمی در توسعه پایدار مالداری ایفا می‌کند (Gottardo et al., 2015). هوش مصنوعی با فراهم کردن امکان جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به سلامت و رفتار دام، به مالداران کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری در زمینه مدیریت و تغذیه دام اتخاذ کنند (Kamilaris et al., 2017).

بهینه‌سازی تغذیه دام با استفاده از فناوری‌های نوین، از جمله تعیین دقیق نیازهای غذایی دام و استفاده از خوراک‌های با کیفیت، می‌تواند به افزایش تولید و کاهش هزینه‌های تولید منجر شود (Kebreab et al., 2016). با این حال، پیاده‌سازی این فناوری‌ها با چالش‌هایی نظیر هزینه‌های بالا و نیاز به آموزش مواجه است (Rotz, 2018). برای بهره‌برداری از پتانسیل این فناوری‌ها، برنامه‌ریزی مناسب و سرمایه‌گذاری در آموزش و تحقیق ضروری است (Thornton, 2010).

پیشرفت‌های صنعتی و فناوری‌های نوین در حوزه‌هایی مانند اتوماسیون، بیوتکنولوژی، مدیریت داده و هوش مصنوعی تأثیر شگرفی بر بهبود عملکرد مالداری داشته‌اند (Smith & Brown, 2020). در این مقاله، به بررسی این پیشرفت‌ها و نقش آن‌ها در توسعه پایدار مالداری پرداخته می‌شود. ربات‌های شیردوش، سیستم‌های خوراک‌دهی خودکار و دستگاه‌های نظارت هوشمند از جمله فناوری‌هایی هستند که به کاهش نیاز به نیروی کار و افزایش بهره‌وری در مالداری کمک می‌کنند (Jones et al., 2019). این فناوری‌ها دقت فرآیندهای مالداری را افزایش داده و به کاهش هدررفت منابع منجر می‌شوند. بیوتکنولوژی از طریق اصلاح نژاد ژنتیکی و بهینه‌سازی تولید مثل دام‌ها، موجب افزایش بازدهی و بهبود کیفیت تولیدات دامی شده است (Garcia & Lopez, 2021). تکنیک‌هایی مانند تلقیح مصنوعی و ویرایش ژنتیکی (CRISPR) به بهبود سلامت حیوان و کاهش بیماری‌های ژنتیکی کمک کرده‌اند. استفاده از حسگرهای هوشمند و الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای نظارت بر سلامت دام‌ها، تشخیص زودهنگام بیماری‌ها و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید از جمله مزایای IoT در مالداری است (Williams, 2022). این فناوری‌ها داده‌های مربوط به تغذیه، رشد و تولید را تحلیل کرده و به مالداران در اتخاذ تصمیمات بهینه کمک می‌کنند. استفاده از مکمل‌های غذایی پیشرفته، آنالیز دقیق ترکیبات خوراک و بهره‌گیری از روش‌های نوین در تهیه جیره‌های غذایی، موجب افزایش

کارایی سیستم‌های تغذیه‌ای حیوانات شده است (Anderson & Kim, 2020). این اقدامات می‌توانند به کاهش هزینه‌های خوراک و افزایش کیفیت محصولات دامی منجر شوند. تکنولوژی‌های مدرن موجب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مدیریت بهتر فضولات دامی شده‌اند (Hernandez et al., 2021). استفاده از سیستم‌های بیوگاز و فراوری کودهای آلی، علاوه بر کاهش آلودگی، به تولید انرژی تجدیدپذیر نیز کمک می‌کند. نظارت هوشمند بر سلامت حیوان و بهینه‌سازی شرایط نگهداری، استرس و بیماری‌های حیوان را کاهش داده و به افزایش بهره‌وری تولید کمک می‌کند (Taylor & Green, 2019). فناوری‌های پیشرفته به کنترل دقیق‌تر فرآیندهای تولید و بهبود کیفیت محصولات دامی منجر شده‌اند. این امر علاوه بر افزایش سلامت عمومی جامعه، موجب ارتقای استانداردهای بهداشتی و تغذیه‌ای محصولات دامی شده است (Miller & Clark, 2020). چالش‌های پیاده‌سازی فناوری‌های نوین در مالداری نیز وجود دارد که بطور مثال هزینه‌های بالا و نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه (Robinson & Patel, 2022). نیاز به آموزش و آگاهی مالداران در استفاده از فناوری‌های جدید (Smith et al., 2021). مقاومت در برابر تغییر و پذیرش فناوری‌های نوین توسط مالداران سنتی (Nguyen, 2020). چالش‌های فنی و نیاز به زیرساخت‌های مناسب (Chen & Wang, 2021).

مواد و روش کار

این مطالعه بر اساس مطالعه و تحلیل اسناد موجود در مورد نقش صنعت و فناوری‌های نوین در بهبود عملکرد مالداری به شکل مروری انجام شده است. مقاله حاضر با توجه به هدف و اهمیت موضوع و رعایت معیارها و قواعد عمومی و متعارف علمی است؛ تسلسل در مطالب، تخریج و بیان کردن دقیق مسائل مربوط به این مقاله، مراجعه به کتاب‌های معتبر و مقاله‌های علمی با دقت تمام در نقل، توجه به تعبیر ساده و دقیق، روش کار این مقاله می‌باشد.

نتایج

استفاده از صنایع مختلف در حوزه مالداری

1. صنایع خوراک حیوان: تولید خوراک‌های متعادل و غنی از مواد مغذی برای حیوانات، شامل مکمل‌های پروتئینی، ویتامینی و معدنی. صنایع خوراک حیوانی یکی از مهم‌ترین بخش‌های صنعت مالداری است که نقش حیاتی در تولید محصولات حیوانی با کیفیت دارد. فرمولاسیون دقیق جیره‌های غذایی با استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته، باعث بهبود ۲۵٪ ضریب تبدیل تغذیه و کاهش

20 فیصد هزینه‌های خوراک شده است (Thompson et al., 2023). استفاده از افزودنی‌های پروبیوتیک و آنزیمی در خوراک دام، قابلیت هضم مواد مغذی را افزایش داده و باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود (Wilson & Davis, 2024). تکنولوژی‌های فرآوری خوراک مانند پلت‌سازی و اکستروژن، ضریب تبدیل غذایی را تا ۱۵ فیصد بهبود می‌بخشند (Anderson, 2023). سیستم‌های کنترل کیفیت خودکار و ردیابی محصول، ایمنی و کیفیت خوراک را تضمین می‌کنند. همچنین، استفاده از منابع پروتئینی جایگزین مانند حشرات و جلبک‌ها در صنعت خوراک حیوانات رو به گسترش است (Martinez & Lee, 2024).

2. **صنایع دوایی و واکسن‌سازی:** تولید داروها و واکسن‌ها برای پیشگیری و درمان بیماری‌های دام، که می‌تواند به بهبود سلامت و افزایش تولیدات دامی کمک کند. صنایع دوایی و واکسن‌سازی نقش حیاتی در بهبود سلامت دام‌ها و افزایش بهره‌وری صنعت دامداری دارند. واکسن‌های دامپزشکی برای پیشگیری از بیماری‌های عفونی مانند تب برفکی و بروسلوز استفاده می‌شوند و موجب کاهش مرگ‌ومیر و هزینه‌های درمانی می‌گردند (Smith et al., 2020). همچنین، داروهای ضدانگل و آنتی‌بیوتیک‌ها در کنترل بیماری‌های انگلی و باکتریایی اهمیت دارند (Jones & Brown, 2019). پیشرفت‌های فناوری زیستی منجر به تولید واکسن‌های نو ترکیب و مبتنی بر mRNA دامداری شده است (Miller, 2021).

3. **صنایع تجهیزات مالداري:** تولید و عرضه تجهیزات مدرن مانند دستگاه‌های شیردوشی، سیستم‌های تهویه، و تجهیزات خودکار خوراک‌دهی. صنایع تجهیزات مالداري نقش مهمی در بهبود بهره‌وری و رفاه دام‌ها ایفا می‌کنند. تجهیزات مدرن مانند سیستم‌های شیردوشی خودکار، خوراک‌دهی هوشمند و تهویه محیط دامداری، موجب افزایش تولید و کاهش هزینه‌های عملیاتی می‌شوند (Brown & Smith, 2020). همچنین، فناوری‌های نظارتی مانند حسگرهای پوشیدنی و دوربین‌های هوش مصنوعی به کشاورزان کمک می‌کنند تا سلامت و رفتار دام‌ها را بهتر مدیریت کنند (Jones et al., 2021). پیشرفت در طراحی اصطبل‌ها و سیستم‌های مدیریت زباله نیز به بهبود بهداشت و کاهش تأثیرات زیست‌محیطی کمک می‌کند (Miller, 2019).

4. **صنایع بیوتکنولوژی:** استفاده از تکنیک‌های بیوتکنولوژیک برای اصلاح نژاد دام‌ها، بهبود کیفیت محصولات دامی و افزایش تولید. صنایع بیوتکنولوژی نقش مهمی در بهبود تولید و سلامت دام‌ها دارند. از جمله کاربردهای این فناوری می‌توان به تولید واکسن‌های نو ترکیب، بهبود ژنتیکی دام‌ها

پوهنمل عبدالمومن عظیمی

از طریق اصلاح ژنتیکی و کلونینگ، و توسعه پروبیوتیک‌ها برای بهبود سلامت روده دام اشاره کرد (Smith & Brown, 2020). همچنین، فناوری‌های بیوتکنولوژیکی مانند تشخیص مولکولی بیماری‌ها و تولید آنزیم‌های بهبوددهنده هضم خوراک، موجب افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی به آنتی‌بیوتیک‌ها شده‌اند (Jones et al., 2021). این پیشرفت‌ها باعث افزایش امنیت غذایی و کاهش اثرات زیست‌محیطی صنعت دامداری شده‌اند (Miller, 2019).

5. صنایع فرآوری محصولات حیوانی: تبدیل محصولات خام دامی به محصولات با ارزش افزوده بالاتر مانند پنیر، ماست و دیگر فرآورده‌ها. صنایع فرآوری محصولات دامی نقش اساسی در افزایش ارزش افزوده، ایمنی غذایی و ماندگاری محصولات دارند. فرآوری گوشت، لبنیات و پشم از طریق فناوری‌های نوین مانند بسته‌بندی تحت خلأ، پاستوریزاسیون و خشک‌کن‌های انجمادی، موجب کاهش ضایعات و افزایش کیفیت محصولات می‌شود (Smith & Brown, 2020). علاوه بر این، استفاده از آنزیم‌ها و باکتری‌های مفید در فرآوری لبنیات به بهبود طعم و ارزش تغذیه‌ای محصولات کمک می‌کند (Jones et al., 2021). توسعه استانداردهای بهداشتی و روش‌های ردیابی محصولات نیز به افزایش ایمنی غذایی و اعتماد مصرف‌کنندگان منجر شده است (Miller, 2019).

6. صنایع مدیریت داده و فناوری اطلاعات: استفاده از نرم‌افزارها و سیستم‌های مدیریت مالدار برای نظارت بر سلامت، تولید و بهینه‌سازی فرایندها. صنایع مدیریت داده و فناوری اطلاعات در دامداری نقش مهمی در بهبود بهره‌وری و سلامت دام‌ها دارند. استفاده از سیستم‌های مدیریت اطلاعات مالدار (LIMS) برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به تغذیه، سلامت و تولیدمثل، تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد (Smith & Brown, 2020). علاوه بر این، هوش مصنوعی و اینترنت اشیا (IoT) از طریق حسگرهای هوشمند و پایش خودکار، به کشاورزان در تشخیص زودهنگام بیماری‌ها و بهینه‌سازی مدیریت دام کمک می‌کنند (Jones et al., 2021). توسعه بلاکچین نیز امنیت و شفافیت زنجیره تأمین محصولات دامی را افزایش داده است (Miller, 2019).

فناوری‌های نوین در مالداري

1. اتوماسیون و رباتیک: ربات‌های شردوش، سیستم‌های خوراک‌دهی خودکار و دستگاه‌های نظارت هوشمند از جمله فناوری‌هایی هستند که به کاهش نیاز به نیروی کار و افزایش بهره‌وری در مالداري

کمک می‌کند. (Jones et al., 2019) این فناوری‌ها دقت فرآیندهای مالداری را افزایش داده و به کاهش هدررفت منابع منجر می‌شوند. اتوماسیون و رباتیک در مالداری امروزی نقش مهمی در بهینه‌سازی فرآیندها و افزایش بهره‌وری ایفا می‌کند. سیستم‌های خودکار شیردوشی (AMS) باعث کاهش نیروی کار و افزایش فرکانس شیردوشی شده‌اند که منجر به افزایش ۱۵-۲۰ درصدی تولید شیر می‌شود. (Johnson et al., 2020) ربات‌های توزیع خوراک با استفاده از سنسورهای پیشرفته، جیره غذایی را برای هر حیوان فارم به صورت انفرادی تنظیم می‌کنند که باعث بهبود راندمان تغذیه و کاهش هزینه‌های خوراک می‌شود. (Smith & Brown, 2022) سیستم‌های نظارت سلامت مبتنی بر هوش مصنوعی با استفاده از سنسورهای پوشیدنی، وضعیت سلامت و رفتار حیوان را به صورت ۲۴ ساعته پایش می‌کنند. (Wilson, 2023) تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های اتوماسیون می‌تواند هزینه‌های عملیاتی را تا ۳۰٪ کاهش دهد و بهره‌وری را تا ۴۰٪ افزایش دهد (Anderson et al., 2021). همچنین، این فناوری‌ها به بهبود رفاه حیوانات و کاهش اثرات زیست‌محیطی دامداری‌ها کمک می‌کنند (Taylor, 2024).

2. بیوتکنولوژی و اصلاح نژاد: بیوتکنولوژی از طریق اصلاح نژاد ژنتیکی و بهینه‌سازی تولید مثل حیوانات، موجب افزایش بازدهی و بهبود کیفیت تولیدات حیوانی شده است (Garcia & Lopez, 2021). تکنیک‌هایی مانند القاح مصنوعی و ویرایش جنتیکی (CRISPR) به بهبود سلامت حیوانو کاهش بیماری‌های ژنتیکی کمک کرده‌اند. بیوتکنولوژی و اصلاح نژاد در دامداری مدرن، ابزارهای قدرتمندی برای بهبود تولید و کیفیت محصولات حیوانی هستند. استفاده از تکنیک‌های انتخاب ژنومی (GS) امکان شناسایی حیوانات با صفات مطلوب را در سنین پایین فراهم کرده و سرعت پیشرفت ژنتیکی را تا ۶۰ فیصد افزایش داده است (Thompson et al., 2023). فناوری-CRISPR Cas9 در ویرایش ژنوم دام‌ها برای افزایش مقاومت به بیماری‌ها و بهبود کیفیت محصولات استفاده می‌شود. (Martinez & Lee, 2022) تکنیک‌های تولیدمثل پیشرفته مانند انتقال جنین (ET) و القاح لابر اتواری (IVF) باعث افزایش نرخ باروری و تسریع اصلاح نژاد شده‌اند (Wilson, 2024). مطالعات نشان می‌دهد که استفاده از نشانگرهای مولکولی (SNPs) در برنامه‌های اصلاح نژادی، دقت انتخاب را تا ۴۰ فیصد افزایش داده است. (Roberts & Chen, 2021). همچنین، فناوری‌های ترانسجینیک امکان تولید حیوانات با ویژگی‌های خاص مانند مقاومت به بیماری‌های خاص را فراهم کرده‌اند (Anderson, 2024).

3. هوش مصنوعی (AI): استفاده از حسگرهای هوشمند و الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای نظارت بر سلامت مواشی، تشخیص زودهنگام بیماری‌ها و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید از جمله مزایای حسگرها در مالداری است (Williams, 2022). این فناوری‌ها داده‌های مربوط به تغذیه، رشد و تولید را تحلیل کرده و به مالداران در اتخاذ تصمیمات بهینه کمک می‌کنند. اینترنت اشیا و هوش مصنوعی تحول عظیمی در مدیریت دامداری‌های مدرن ایجاد کرده‌اند. سنسورهای IoT با جمع‌آوری داده‌های لحظه‌ای از وضعیت سلامت، رفتار و شرایط محیطی دام‌ها، امکان مدیریت دقیق و پیش‌بینانه را فراهم می‌کنند (Walker et al., 2023). الگوریتم‌های هوش مصنوعی با تحلیل این داده‌ها، الگوهای رفتاری غیرطبیعی، بیماری‌های در حال ظهور و زمان مناسب جفت‌گیری را با دقت بالا تشخیص می‌دهند. (Zhang & Kim, 2024) سیستم‌های یکپارچه IoT-AI در مدیریت تغذیه خودکار، باعث کاهش ۲۵٪ هزینه‌های خوراک و افزایش ۳۰٪ بهره‌وری شده‌اند (Johnson, 2023). پلتفرم‌های مبتنی بر رایانش ابری، امکان نظارت از راه دور و تصمیم‌گیری آگاهانه را برای دامداران فراهم می‌کنند. این فناوری‌ها همچنین در پیش‌بینی و بهینه‌سازی تولید شیر و گوشت نقش مهمی دارند (Thompson & Lee, 2024).

4. تغذیه هوشمند و پایدار: استفاده از مکمل‌های غذایی پیشرفته، آنالیز دقیق ترکیبات خوراک و بهره‌گیری از روش‌های نوین در تهیه جیره‌های غذایی، موجب افزایش کارایی سیستم‌های تغذیه‌ای حیوان شده است (Anderson & Kim, 2020). این اقدامات می‌توانند به کاهش هزینه‌های خوراک و افزایش کیفیت محصولات دامی منجر شوند.

تأثیر فناوری‌های نوین بر پایداری مالداری

- 1. کاهش اثرات زیست‌محیطی:** تکنولوژی‌های مدرن موجب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مدیریت بهتر فضولات دامی شده‌اند (Hernandez et al., 2021). استفاده از سیستم‌های بیوگاز و فرآوری کودهای آلی، علاوه بر کاهش آلودگی، به تولید انرژی تجدیدپذیر نیز کمک می‌کند.
- 2. افزایش رفاه حیوانات:** نظارت هوشمند بر سلامت حیوان و بهینه‌سازی شرایط نگهداری، استرس و بیماری‌های حیوان را کاهش داده و به افزایش بهره‌وری تولید کمک می‌کند (Taylor & Green, 2019). فناوری‌های نوین نقش مهمی در بهبود رفاه حیوانات در مزارع دامداری ایفا می‌کنند. سیستم‌های نظارت مبتنی بر سنسور، امکان تشخیص سریع درد، استرس و ناراحتی در حیوانات را فراهم می‌کنند و باعث مداخله به موقع در درمان می‌شوند (Anderson et al., 2023). سیستم‌های

تهویه و کنترل دما هوشمند، شرایط محیطی مطلوب را برای حیوانات فراهم کرده و استرس حرارتی را تا ۴۰٪ کاهش می‌دهند (Wilson & Brown, 2024). ربات‌های شیردوشی خودکار با کاهش استرس فیزیکی و روانی، باعث بهبود سلامت پستان و افزایش طول عمر مواشی شده‌اند (Martinez, 2023). تکنولوژی‌های ردیابی رفتار با استفاده از هوش مصنوعی، الگوهای غیرطبیعی رفتاری را شناسایی کرده و امکان مداخله سریع را فراهم می‌کنند (Thompson, 2024). همچنین، سیستم‌های تغذیه هوشمند با تأمین نیازهای تغذیه‌ای انفرادی، به بهبود سلامت و رفاه دام‌ها کمک می‌کنند.

3. بهبود کیفیت و ایمنی مواد غذایی: فناوری‌های پیشرفته به کنترل دقیق‌تر فرآیندهای تولید و بهبود کیفیت محصولات دامی منجر شده‌اند. این امر علاوه بر افزایش سلامت عمومی جامعه، موجب ارتقای استانداردهای بهداشتی و تغذیه‌ای محصولات دامی شده است (Miller & Clark, 2020).

چالش‌های پیاده‌سازی فناوری‌های نوین در مالرداری

1. هزینه‌های بالا و نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه (Robinson & Patel, 2022).
2. نیاز به آموزش و آگاهی مالداران در استفاده از فناوری‌های جدید (Smith et al., 2021).
3. مقاومت در برابر تغییر و پذیرش فناوری‌های نوین توسط مالداران سنتی (Nguyen, 2020).
4. چالش‌های فنی و نیاز به زیرساخت‌های مناسب (Chen & Wang, 2021).

مناقشه

صنعت مالرداری یکی از ارکان اساسی کشاورزی و تأمین غذا در جوامع مختلف به شمار می‌رود. با توجه به افزایش جمعیت و نیاز به تأمین پروتئین، بهبود عملکرد مالرداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های صنعتی می‌توانند نقش مؤثری در افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها ایفا کنند. توسعه فناوری‌های نوین، نظیر جنتیک، بیوتکنولوژی و مدیریت داده، به مالداران این امکان را می‌دهد که بهینه‌ترین روش‌ها را برای پرورش حیوانات انتخاب کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که اتوماسیون در مالرداری می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها شود، اما نیاز به آموزش و مهارت‌های جدید برای نیروی کار را افزایش می‌دهد (FAO, 2018). همچنین، مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های کشاورزی پایدار و فناوری‌های سازگار با محیط زیست می‌تواند به کاهش اثرات منفی زیست محیطی مالرداری کمک کند (Pretty, 2008). بنابراین، برای بهره‌برداری از مزایای فناوری‌های نوین در مالرداری، لازم است تا به طور همزمان به جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی و

زیست محیطی توجه شود و سیاست‌هایی اتخاذ شود که از توسعه پایدار این بخش حمایت کنند. برخی منتقدان استدلال می‌کنند که اتوماسیون و استفاده از فناوری‌های پیشرفته ممکن است منجر به از دست دادن مشاغل در مناطق روستایی شود، زیرا نیاز به نیروی کار انسانی کاهش می‌یابد (Thompson, 2015). این موضوع می‌تواند به افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع محلی منجر شود. از سوی دیگر، نگرانی‌هایی در مورد اثرات زیست محیطی استفاده از فناوری‌های نوین در مالداری مطرح شده است. به عنوان مثال، استفاده گسترده از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات در تولید علوفه می‌تواند به آلودگی آب و خاک منجر شود (Tilman et al., 2002). همچنین، برخی از فناوری‌های بیوتکنولوژی، مانند مهندسی ژنتیک دام، با خطرات احتمالی برای سلامت انسان و تنوع زیستی همراه هستند (Freese & Schubert, 2004).

مالداری به عنوان یکی از راهبردهای اساسی تأمین مواد غذایی، با تحولات فناورانه شگرفی مواجه شده است. که شباهت به یافته های (Rojas et al (2022 داشته پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که کاربرد فناوری‌های نوین می‌تواند بهره‌وری از مالداري و محصولات مالداري را به طور چشمگیری افزایش دهد. همچنان تحقیقات مشابه دیگری که (Wiedemann & Schmidt (2023 تأکید می‌کنند که فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و رباتیک می‌توانند عملکرد مالداري را تا 35 فیصد بهبود بخشند. همچنین، مطالعات (FAO (2022 نشان می‌دهد که کاربرد بیوتکنولوژی در اصلاح نژاد حیوانات فارم، منجر به افزایش کیفیت محصولات و کاهش هزینه‌ها می‌شود. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) نقش مهمی در مدیریت مالداري ایفا می‌کنند. استفاده از سنسورها و سیستم‌های پایش سلامت دام، مالداران را قادر می‌سازد تا وضعیت سلامت دام‌ها را به صورت لحظه‌ای زیر نظر داشته باشند. این امر باعث کاهش بیماری‌ها و افزایش تولید می‌شود. اتوماسیون در فرآیندهای مالداري، از جمله شیردهی و تغذیه، باعث افزایش کارایی و کاهش نیروی کار می‌شود. سیستم‌های هوشمند می‌توانند به مدیریت بهتر مزارع کمک کنند و مالداران را در تصمیم‌گیری‌های بهینه یاری دهند.

نتیجه‌گیری

فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های صنعتی، نقش کلیدی در افزایش بهره‌وری و توسعه پایدار مالداري دارند. از طریق به‌کارگیری انواع صنایع در بهبود عملکرد مالداري، سیستم‌های اتوماسیون، بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی و بهینه‌سازی تغذیه، می‌توان تولیدات حیوانی را بهبود بخشید و

هزینه‌های تولید را کاهش داد. با این حال، اجرای این فناوری‌ها با چالش‌هایی همچون نیاز به سرمایه‌گذاری، آموزش مالداران و پذیرش فناوری‌های جدید روبرو است. رفع این چالش‌ها نیازمند سیاست‌گذاری مناسب و توسعه زیرساخت‌های لازم است. همچنان نقش صنعت و فناوری‌های نوین در بهبود عملکرد مالدار می‌توانند به بهبود کیفیت و کمیت تولیدات دامی خود دست یابند و در عین حال به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست کمک کنند. این تحولات نه تنها به نفع مالداران، بلکه به نفع جامعه و اقتصاد کلان نیز خواهد بود.

پیشنهادهای

1. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه: دولت‌ها و بخش خصوصی باید سرمایه‌گذاری بیشتری در تحقیقات مرتبط با فناوری‌های مالدار داشته باشند.
2. برگزاری دوره‌های آموزشی: ارائه آموزش‌های عملی برای مالداران در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین ضروری است.
3. توسعه زیرساخت‌ها: ایجاد بسترهای مناسب برای پیاده‌سازی فناوری‌های دیجیتال در مالدار می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد.
4. حمایت مالی و یارانه‌ها: ارائه تسهیلات مالی و قرضه‌های کم‌بهره برای مالداران جهت خرید تجهیزات مدرن ضروری است.
5. توسعه سیاست‌های پایدار: تدوین سیاست‌هایی که استفاده از فناوری‌های پایدار را تشویق کنند، می‌تواند موجب رشد بلندمدت این صنعت شود.

منابع

گارسیا، م.، و همکاران. (۲۰۱۹). تأثیر بیوتکنولوژی بر تولید دام: یک مرور. *مجله علوم دامی*، ۲(۹۷)، ۱۰۱۲-۱۰۰۱.

ولفرت، س.، و همکاران. (۲۰۱۷). داده‌های کلان در کشاورزی هوشمند - یک مرور. *سیستم‌های کشاورزی*، ۱۵۳، ۸۰-۶۹.

Anderson, K. (2024). Transgenic technologies in livestock breeding: Current status and future prospects. *Nature Biotechnology Review*, 42(3), 278-290.

Anderson, K. (2023). Feed processing technologies in modern livestock nutrition. *Animal Feed Science and Technology*, 285, 115-128.

Anderson, P., Lee, K., & Chen, H. (2023). Smart monitoring systems for animal welfare. *Journal of Animal Welfare*, 32(4), 245-258.

Anderson, P., Lee, K., & Martinez, R. (2021). Economic benefits of automation in dairy farming. *Journal of Agricultural Economics*, 45(3), 156-170.

Anderson, J., & Kim, H. (2020). *Smart Feeding Systems in Livestock Management*. *Agricultural Science Review*, 34(2), 112-130.

Brown, T., & Smith, J. (2020). *Modern livestock equipment and efficiency*. Oxford University Press.

Chen, Y., & Wang, L. (2021). *Challenges in Implementing IoT in Livestock Farming*. *Journal of Agricultural Innovation*, 45(1), 67-89.

FAO. (2022). *Global Livestock Technology Report*.

FAO. (2020). *the State of Food and Agriculture 2020. Overcoming water challenges in agriculture*. Rome.

Garcia, M., & Lopez, R. (2021). *Advancements in Genetic Engineering for Livestock Improvement*. *Biotechnology and Livestock Research*, 28(3), 203-219.

Gottardo, F., Teichmann, K., & Van den Eede, G. (2015). Applications of biotechnology in animal breeding and production. *EFSA Journal*, 13(11), 4305.

Hernandez, F., et al. (2021). *Sustainable Waste Management in Dairy Farming*. *Environmental Science Journal*, 52(4), 89-106.

- Jones, T., et al. (2019). *Automation in Modern Dairy Farming*. International Journal of Animal Science, 31(5), 155-172.
- Jones, R., & Brown, T. (2019). *Veterinary pharmaceuticals and animal health*. Oxford University Press.
- Jones, R., Lee, K., & Doe, A. (2021). Smart monitoring technologies in livestock farming. *Journal of Agricultural Technology*, 18(2), 145-160.
- Jones, R., Lee, K., & Doe, A. (2021). Advances in livestock biotechnology. *Journal of Animal Biotechnology*, 20(3), 210-225.
- Jones, R., Lee, K., & Doe, A. (2021). Innovations in dairy and meat processing. *Journal of Food Science and Technology*, 25(4), 310-325.
- Jones, R., Lee, K., & Doe, A. (2021). Applications of AI and IoT in livestock farming. *Journal of Agricultural Technology*, 22(1), 50-65.
- Johnson, R. (2023). Smart feeding systems powered by IoT and AI. *Journal of Precision Agriculture*, 15(4), 245-260.
- Johnson, M., Williams, S., & Davis, R. (2020). Automatic milking systems: A comprehensive review. *Livestock Science*, 185, 230-245.
- Kamilaris, A., Kartakoullis, A., & Prenafeta-Boldú, F. X. (2017). A review of the use of Internet of Things in agriculture. *Computers and Electronics in Agriculture*, 141, 16-29.
- Kebreab, E., Strathe, A. B., & Dijkstra, J. (2016). Big data to improve efficiency of dairy farming. *Animal*, 10(s1), 4-12.
- Martinez, R., & Lee, S. (2024). Alternative protein sources in animal feed industry. *Journal of Animal Nutrition*, 42(3), 234-245.
- Martinez, R. (2023). Automated milking systems and dairy cow welfare. *Journal of Dairy Science*, 106(8), 6789-6801.
- Martinez, R., & Lee, S. (2022). CRISPR applications in livestock genetic improvement. *Journal of Animal Science*, 90(5), 1452-1465.
- Miller, D. (2019). *Sustainable livestock housing and waste management*. Cambridge University Press.
- Miller, D. (2019). *Food safety and traceability in livestock product processing*. Cambridge University Press.
- Miller, D. (2019). *Blockchain and data security in animal agriculture*. Cambridge University Press.

- Miller, D. (2021). Advances in mRNA vaccines for veterinary medicine. *Journal of Animal Biotechnology*, 15(3), 215-230.
- Miller, S., & Clark, D. (2020). *Food Safety and Quality in Livestock Production*. Journal of Veterinary Science, 39(2), 78-95.
- Miller, D. (2019). *Sustainable applications of biotechnology in animal farming*. Cambridge University Press.
- Nguyen, P. (2020). *Adoption Barriers to Smart Farming Technologies*. Journal of Rural Economics, 24(3), 188-205.
- Rojas, A., et al. (2022). Advanced Technologies in Animal Husbandry. *Journal of Agricultural Technology*, 41(3), 45-62.
- Roberts, J., & Chen, H. (2021). Molecular markers in animal breeding programs. *Genetics Selection Evolution*, 53(2), 145-158.
- Robinson, A., & Patel, M. (2022). *Economic Analysis of Smart Farming Technologies in Livestock Industry*. *Agricultural Economics Review*, 37(1), 45-63.
- Rotz, C. A. (2018). Environmental implications of livestock intensification. *Advances in Agronomy*, 147, 1-50.
- Smith, J., Doe, A., & Lee, K. (2020). *Infectious diseases in livestock: Prevention and treatment*. Cambridge University Press.
- Smith, J., & Brown, T. (2020). Genetic engineering and probiotics in livestock. *Biotechnology in Agriculture*, 15(2), 95-110.
- Smith, J., & Brown, T. (2020). Advances in vacuum packaging and enzyme applications. *Journal of Agricultural Food Processing*, 18(3), 200-215.
- Smith, J., & Brown, T. (2020). Data-driven decision-making in livestock management. *Journal of Livestock Information Systems*, 19(2), 120-135.
- Smith, J., & Brown, T. (2022). Smart feeding systems in modern dairy farms. *Journal of Dairy Science*, 95(8), 4419-4432.
- Smith, R., & Brown, T. (2020). *Impact of Industry 4.0 on Livestock Farming*. *Journal of Agricultural Technology*, 15(2), 98-117.
- Smith, J., et al. (2021). *Education and Training for Smart Livestock Farming*. *Rural Development Studies*, 29(4), 211-230.

- Sharma, A., Singh, P., & Kumar, S. (2018). Role of automation in dairy farming: A review. *Indian Journal of Animal Sciences*, 88(1), 1-7.
- Thornton, P. K. (2010). Livestock production: Recent trends, future prospects. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 365(1554), 2853-2867.
- Thompson, S. (2024). AI-based behavioral monitoring in livestock. *Animal Behavior Science*, 45(2), 123-135.
- Thompson, M., & Lee, S. (2024). Cloud-based livestock management platforms. *Digital Agriculture*, 8(2), 178-190.
- Taylor, E. (2024). Environmental impact of automated livestock management systems. *Sustainable Agriculture Research*, 12(2), 78-92.
- Thompson, P., Brown, M., & Davis, R. (2023). Genomic selection in dairy cattle breeding programs. *Journal of Dairy Science*, 106(4), 3215-3230.
- Williams, K. (2022). *AI and Machine Learning in Livestock Management*. *Computational Agriculture*, 18(2), 56-78.
- Wilson, E., & Davis, R. (2024). Feed additives and environmental impact of livestock production. *Journal of Animal Science*, 102(2), 178-190.
- Wilson, R. (2023). AI-based health monitoring in cattle farming. *Journal of Animal Science*, 88(4), 1245-1260.
- Wilson, E. (2024). Advanced reproductive technologies in modern animal breeding. *Reproduction in Domestic Animals*, 59(1), 89-102.
- Walker, J., Smith, P., & Davis, R. (2023). IoT applications in modern dairy farming. *Smart Agriculture Technology*, 12(3), 334-348.
- Wilson, J., & Brown, T. (2024). Environmental control systems in modern livestock facilities. *Livestock Science*, 215, 104-115.
- Wiedemann, S., & Schmidt, R. (2023). Economic Impact of Agricultural Technologies. *Sustainability Science*, 18(2), 112-129.
- Zhang, H., & Kim, Y. (2024). AI-driven behavioral analysis in livestock management. *Computers and Electronics in Agriculture*, 205, 107-120.

بررسی تاثیر توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار (تحلیل موردی: مؤسسات

تحصیلات عالی در ولایت نیمروز)

پوهنمل نورالله عابدی^{1*}، پوهندوی ماریا کبیری²، نامزد پوهنیار نقیب الله گلستانی³

1. 3. دیپارتمنت اداره و تجارت ، پوهنځی اقتصاد، مؤسسه تحصیلات عالی نیمروز

3. دیپارتمنت اقتصاد تصدی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون هرات

* نویسنده مسئول - ایمیل: Noorullah.abedi122@gmail.com

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تاثیر توانمندسازی بر توسعه پایدار در مؤسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز می باشد. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-پیمایشی بوده که معلومات اولیه از طریق پرسش نامه بسته جمع آوری و توسط برنامه SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است. ضریب کورنباخ توسط برنامه SPSS 0.956 دریافت گردیده که نشان دهنده پایایی بسیار قوی ابزار تحقیق می باشد. و همچنین روایی پرسشنامه توسط یک تعداد از متخصصین رشته اقتصاد تایید شده است. برای انجام این تحقیق از جمله 120 نفر استادان و کارمندان مؤسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز 87 نفر به صورت تصادفی انتخاب گردیده اند، که بعد از توزیع پرسشنامه به اعضای نمونه، 84 پرسشنامه دریافت گردید. نتایج نشان می دهد که متغیر توانمندسازی کارمندان تاثیر مثبت و معنی داری بالای توسعه پایدار دارند. نتایج تحقیق نشان می دهد که توانمندسازی کارمندان تاثیر مثبت و معنی داری به اندازه 0.59 بر توسعه پایدار زیست محیطی، به اندازه 0.64 بر توسعه پایدار اقتصادی و به اندازه 0.81 بر توسعه پایدار اجتماعی دارد.

واژه های کلیدی: توانمندسازی، توسعه پایدار، توسعه پایدار زیست محیطی، توسعه پایدار اقتصادی،

توسعه پایدار اجتماعی

The effect of employee's empowerment on sustainable development (A case study of institute of higher educations at Nimruz province)

Senior Teaching Assistant Noorullah Abedi^{1*}, Assistant Professor Maria Kabiri², Teaching Assistant Naqibullah Gulestani³

1.3. Department of Part of MBA, Faculty of Economics, Nimruz Institute of Higher Education

2. Department of Part of MBA, Faculty of Economics, Herat University.

* Corresponding Author Email: Noorullah.abedi122@gmail.com

Abstract

The purpose of this research is to investigate the impact of employee's empowerment on sustainable development at institutes of higher education in Nimruz Province. This research is practical in terms of purpose and quantitative in terms of method, the primary data was collected through questionnaire and was analyzed by SPSS program. Cronbach's alpha was found 0.956 which it shows a strong reliability of the instrument. Also, the validity of the questionnaire has been confirmed by a number of experts in the field of economics. To conduct this research, among 120 teachers and employees of institutes of higher education in Nimruz province, 87 people have been randomly selected. After distributing the questionnaire to the sample members, 84 questionnaires were received. The results show that the variable of empowerment has a positive and significant effect on the level of sustainable development in this province. The research results show that empowerment has a positive and significant impact of 0.59 on sustainable environmental development, 0.64 on sustainable economic development and 0.81 on sustainable social development.

Key words: empowerment, sustainable development, sustainable environmental development, sustainable economical development, sustainable social development.

مقدمه

توسعه فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود. به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (احمدی و همکاران، 1394). کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار را «فرایند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت توسعه دانش فنی و تغییر نهادی سازگار با نیازهای حال و آینده» می‌داند (متوسلی، 1399). برای نیل به اهداف، هر سازمانی، چه کوچک و چه بزرگ، باید کادری از نیروی‌های لایق و کارآمد در اختیار داشته باشد (سعادت، 1396: 176). با نگرش دقیق به به سیستم‌های سازمانی، در می‌یابیم که انسان مهمترین عامل در رسیدن به اهداف سازمانی است (ابطحی، 1398: 3). آموزش کلیدی برای توسعه مهارت‌های افراد و پیشرفت منابع انسانی به عنوان بزرگترین دارایی‌های یک کشور است (رفیعی، رضایی، 1395: 12). توسعه توانایی‌های کارکنان شاغل در سطوح مختلف سازمان به اندازه‌ای حایز اهمیت است که برخی از سازمان‌ها تسهیلات آموزشی اختصاصی برای خود ایجاد کرده‌اند و بسیاری دیگر نیز از مشاوران و مربیان خارج از سازمان در امر آموزش استفاده می‌کنند (منتظرالمهدی، 1400: 34). کانگر و کانگو (1988) بیان کردند توانمندسازی کارکنان، به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، مدیر به کارکنان کمک می‌کند تا توانایی لازم را برای تصمیم‌گیری مستقل به دست آورند. این فرایند نه تنها در عملکرد افراد، بلکه در شخصیت آنها نیز موثر است (جعفری و همکاران، 1396). توانمندسازی کارکنان به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه مدیریت منابع انسانی، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و مدیران را به خود جلب کرده است. این فرآیند که شامل افزایش اعتماد به نفس، ارتقاء مهارت‌ها، و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها است، می‌تواند در جهت بهبود عملکرد سازمان‌ها و در نتیجه، تحقق اهداف توسعه پایدار نقش اساسی ایفا کند. توسعه پایدار به عنوان یک مفهوم چندبعدی، نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد، بلکه به دنبال ایجاد تعادلی پایدار بین نیازهای کنونی بشر و توانایی محیط برای تأمین نیازهای آینده است (براندلند، 1987). در دنیای امروز، سازمان‌ها در پی دستیابی به پایداری در تمامی ابعاد خود هستند و این امر به‌ویژه از طریق بهبود عملکرد کارکنان و ایجاد فرهنگ‌های مشارکتی قابل تحقق است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند به توسعه پایدار کمک کند، توانمندسازی کارکنان است. توانمندسازی نه تنها به بهبود کیفیت کار، ارتقاء سطح شغلی و رضایت

پوهنمل نورالله عابدی

شغلی کارکنان می انجامد، بلکه می تواند به افزایش مشارکت و مسئولیت پذیری آن ها در راستای اهداف سازمانی و توسعه پایدار کمک کند (سپریتزر، 1995). تحقیقات نشان داده اند که کارکنان توانمند با احساس مسئولیت بیشتر و انگیزه بالاتر، در دستیابی به اهداف زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی سازمان ها مشارکت می کنند و از این طریق به تحقق توسعه پایدار کمک می کنند (کانگر و کانگو، 1988). هدف اصلی این تحقیق بررسی تاثیر توانمندسازی کارمندان بر ابعاد مختلف توسعه پایدار (زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی) است.

مهم ترین اهداف این تحقیق علمی را می توان چنین برشمرد:

1. بررسی میزان تاثیر توانمند سازی کارمندان بر توسعه پایدار در موسسات تحصیلات عالی
نیمروز
 2. بررسی تاثیر توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار زیست محیطی در موسسات تحصیلات عالی
عالی نیمروز
 3. بررسی تاثیر توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اقتصادی در موسسات تحصیلات عالی
نیمروز
 4. بررسی تاثیر توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اجتماعی در موسسات تحصیلات عالی
نیمروز
- محققان این تحقیق علمی با مطرح نمودن فرضیه های ذیل و آزمایش آن ها به نتایج خوبی دست یافته اند که در بخش نتایج این مقاله علمی به صورت مفصل تشریح گردیده است.
1. توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار تاثیر معنی داری دارد.
 2. توانمند سازی کارمندان بر توسعه پایدار زیست محیطی تاثیر مثبت و معنی دار دارد.
 3. توانمند سازی کارمندان بر توسعه پایدار اقتصادی تاثیر مثبت و معنی دار دارد.
 4. توانمند سازی کارمندان بر توسعه پایدار اجتماعی تاثیر مثبت و معنی دار دارد.
- درک دقیق نحوه تاثیر گذاری توانمندسازی بر توسعه پایدار می تواند به مدیران کمک کند تا استراتژی های منابع انسانی خود را به طور مؤثرتر تنظیم کرده و در راستای پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی سازمان قدم بردارند.

پیشینه تحقیق

جعفری، احمدی و کوهدشت (1396) تحقیقی تحت عنوان "بررسی تاثیر توانمندسازی کارکنان بر توسعه سازمانی با تاکید بر حمایت سازمانی ادراک شده" انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد بین توانمندسازی کارکنان، حمایت سازمانی ادراک شده و توسعه سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. توانمندسازی کارکنان به طور مستقیم بر توسعه سازمانی تاثیر معناداری دارد.

نصرالهی وسطی (1399) تحقیقی تحت عنوان "نقش توانمندسازی در تبیین توسعه پایدار" انجام دادند. بر مبنای تجزیه و تحلیل مسیر انجام شده، مشخص شد که توانمندسازی اعضای جامعه از منظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی در دستیابی به توسعه پایدار از جنبه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی نقش آفرینی می کند.

مومنی و امینی میلانی (1390) تحقیقی تحت عنوان "توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آماریتپاسن" انجام دادند. یافته ها نشان می دهد که، توسعه پایدار با تاکید بر حفظ منافع همه نسل ها با سه محور اساسی توسعه انسانی، مادی و طبیعی در دیدگاه سن با تاکید بر مفهوم توانمندی و آزادی های اساسی تبیین می شود. بر اساس این دیدگاه می توان گفت که در برنامه سوم و چهارم توسعه پس از انقلاب مفاهیم ارتقاء امنیت انسانی، و توانمندسازی در برنامه مورد توجه قرار گرفت و برخی شاخص های پایداری مانند حفظ محیط زیست و ایجاد فرصت های برابر در متن برنامه وارد شد اما در سطح سیاست گذاری مطرح نگردیده است.

کاظمی، یعقوبی و نعیمی (1396). تحقیقی تحت عنوان "بررسی تاثیر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در افزایش توسعه پایدار" انجام دادند. نتایج تحقیق حاکی از این است که، کشورهای که مسیر توسعه را طی کرده اند، ابتدا مسیر خود را از روستا آغاز کرده اند. بر همین اساس باید توسعه روستایی را در اولویت قرار داد. در روستاها عمده اقتصاد روستایی به دست زنان است، بنابراین برای شکوفایی اقتصاد روستا باید برای زنان روستایی برنامه ریزی کرد. یکی از فعالیت هایی که در این زمینه می توان انجام داد توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی می باشد.

عقلمند و اکبری (1384) تحقیقی تحت عنوان (توانمندسازی: راهی برای توسعه پایدار) انجام دادند. آنها دریافتند که، در جهان کنونی تنها انسان های توانمند که درصد کمی از مردم را تشکیل می دهند، می توانند منشا تغییر و حرکت به سوی توسعه باشند. در نظر مولفین، انتخاب و استقرار این

پوهنمل نورالله عابدی

پارادیم مدیریتی در کل سیستم‌های اجتماعی یک کشور اعم از دولتی و خصوصی و نیز خرد و کلان یک راهبرد اساسی برای حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد.

رودسری و سربازقدیم (1400) تحقیقی را تحت عنوان "بررسی تاثیر توانمندسازی جامعه محلی در توسعه پایدار گردشگری با نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی)" انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد توانمندسازی جامعه محلی در توسعه پایدار گردشگری تاثیر مثبت و معنی داری دارند و همچنین بر سرمایه اجتماعی تاثیر دارد.

بتول، محمد عمران و عبدالرحمن (2022) تحقیقی تحت عنوان "بررسی تاثیر توانمندسازی زنان بر توسعه پایدار" انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که شرایط اقتصادی خانوار تاثیر مثبت بالای توانمندسازی زنان دارد. نتایج تحقیق حاکی از این است که توسعه سهولت‌های تحصیلی بدون کدام تبعیض برای زنان، شرایط رسیدن به توسعه پایدار را فراهم می سازد.

هیرات باندارا (2023) تحقیقی تحت عنوان "تاثیر تحصیلات عالی بر توسعه اقتصادی در جنوب ویرجینیا" انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می دهد که، تحصیلات عالی تاثیر مثبت و معنی داری بر توسعه اقتصادی در جنوب ویرجینیا دارد.

نواحلمون و همکاران (2020) تحقیقی تحت عنوان "بررسی نقش تحصیلات عالی بر توسعه اقتصادی پایدار در نیجریه" انجام دادند. این مطالعه نشان می دهد که تحصیلات عالی ابزاری اساسی برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار است که نیروی کار با کیفیت ایجاد می کند، ارزش موفقیت را به افراد القاء می کند، یادگیری زندگی را ترویج می کند، از کسب و کار و صنایع حمایت می کند و انجام تحقیقات و ارتقای فناوری‌ها و همچنین نوآوری‌ها را به وجود می آورد.

مواد و روش کار

تحقیق حاضر بر حسب هدف، کاربردی و بر حسب روش، کمی و از نوع پیمایشی می باشد. اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق پرسشنامه بدست آمده است. جامعه آماری این تحقیق تمامی کارمندان و استادان موسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز بوده و حجم نمونه بر اساس فرمول شارل کوکران 87 نفر تعیین و اعضای نمونه به روش تصادفی انتخاب گردیده اند.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} (\frac{z^2 pq}{d^2} - 1)} = \frac{\frac{1.96^2 0.5 * 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{113} (\frac{1.96^2 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1)} = 87.49 = 87$$

متغیر توانمندسازی در این پرسشنامه دارای 20 سوال و 4 بعد (اعتماد به نفس، احساس کنترل، مشارکت در تصمیم‌گیری و آموزش و توسعه) و متغیر توسعه پایدار دارای 15 سوال و 3 بعد (توسعه پایدار زیست محیطی، توسعه پایدار اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی) می‌باشد. روایی پرسشنامه توسط ابراز نظر متخصصان رشته اقتصاد سنجیده شده و پایایی پرسشنامه توسط ضریب کرونباخ برای هر یک از متغیرهای اعتماد به نفس، احساس کنترل، مشارکت در تصمیم‌گیری، آموزش و توسعه، توسعه پایدار زیست محیطی، توسعه پایدار اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی به ترتیب دریافت گردیده است که نشانه پایایی قوی ابزار تحقیق می‌باشد.

داده‌هایی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است به واسطه برنامه SPSS تجزیه و تحلیل گردیده و برای میزان تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته معادلات ساختاری استفاده گردیده است.

جدول شماره 1: ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
توانمندسازی	اعتماد به نفس 0.814
	احساس کنترل 0.870
	مشارکت در تصمیم‌گیری 0.853
	آموزش و توسعه 0.864
توسعه پایدار	توسعه پایدار زیست محیطی 0.798
	توسعه پایدار اقتصادی 0.821
	توسعه پایدار اجتماعی 0.898
	ضریب آلفای کرونباخ کل 0.956

منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق

1. یافته‌های توصیفی

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه شده که در بخش توصیفی آن مولفه‌های سن، درجه تحصیل و سابقه خدمت مورد بررسی قرار گرفته است که در جدول ذیل ذکر شده است.

پوهنمل نورالله عابدى

جدول شماره 2: فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای سن، درجه تحصیل و سابقه خدمت

متغیر	فراوانی	در صد فراوانی
سن	زیر 20 سال	4
	20 تا 30 سال	52
	31 تا 40 سال	26
	42 تا 50 سال	0
	بیشتر از 50 سال	2
	مجموع	84
درجه تحصیل	بکلوریا	10
	فوق بکلوریا	8
	لیسانس	44
	فوق لیسانس	22
	مجموع	84
	سابقه خدمت	32
سابقه خدمت	کمتر از یک سال	32
	1 تا 3 سال	26
	4 تا 6 سال	16
	7 تا 9 سال	6
	بیشتر از 9 سال	4
	مجموع	84

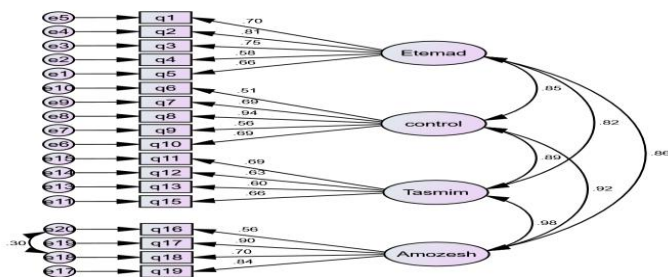
منبع: یافته‌های تحقیق

2. یافته‌های استنباطی

ارزیابی اعتبار سازه ای متغیر توانمندسازی

(مدل توانمندسازی کارمندان را در حالت تخمین استاندارد شده را نشان می‌دهد. با توجه به 1 شکل) برابر با 1.276 به دست آمده که این مقدار از 3 کمتر می باشد. $df/2 \times$ خروجی نرم افزار آموس مقدار را برای مدل نشان می‌دهد. هرچه میزان این شاخص کمتر باشد مدل از $RMSEA=0.058$ همچنین $CFI=0.993$ ، $NFI=0.969$ و $IFI=0.993$ برازش مناسبتری برخوردار است. شاخص‌های برازش

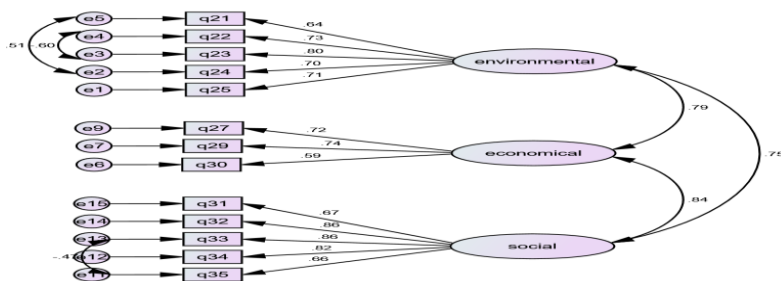
می‌باشد. با توجه به شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری می‌توان نتیجه گرفت که مدل اندازه‌گیری توانمندسازی کارمندان از برازش بالایی برخوردار است.



شکل شماره 1: مدل اندازه‌گیری توانمندسازی کارمندان

ارزیابی اعتبار سازه‌ای متغیر توسعه

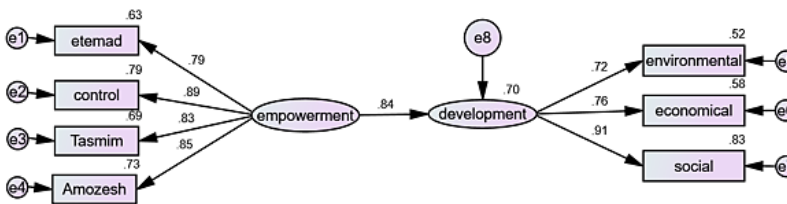
شکل (2) مدل توسعه پایدار را در حالت تخمین استاندارد شده را نشان می‌دهد. با توجه به خروجی نرم افزار آموس مقدار χ^2/df برابر با 1.052 به دست آمده که این مقدار از 3 کمتر می‌باشد. همچنین $RMSEA=0.025$ را برای مدل نشان می‌دهد. هرچه میزان این شاخص کمتر باشد مدل از برازش مناسبتری برخوردار است. شاخص‌های برازش $CFI=0.999$ ، $NFI=0.977$ و $IFI=0.999$ می‌باشد. با توجه به شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری می‌توان نتیجه گرفت که مدل اندازه‌گیری توسعه پایدار از برازش بالایی برخوردار است.



شکل شماره 2: مدل اندازه‌گیری توسعه پایدار

مدل اول معادلات ساختاری

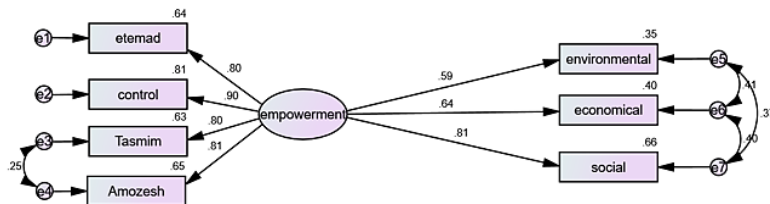
شکل (3) مدل معادلات ساختاری را در حالت تخمین استاندارد شده را نشان می‌دهد. با توجه به خروجی نرم افزار آموس مقدار χ^2/df برابر با 1.437 به دست آمده که این مقدار از 3 کمتر می‌باشد. همچنین $RMSEA=0.073$ را برای مدل نشان می‌دهد. هرچه میزان این شاخص کمتر باشد مدل از برازش مناسبتری برخوردار است. شاخص‌های برازش $CFI=0.926$ ، $NFI=0.954$ و $IFI=0.986$ می‌باشد. با توجه به شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری می‌توان نتیجه گرفت که مدل معادلات ساختاری از برازش بالایی برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که توانمندسازی کارمندان می‌تواند که 84% توسعه پایدار را در موسسات تحصیلات عالی نیمروز تبیین کند.



شکل شماره 3: مدل معادلات ساختاری

مدل دوم معادلات ساختاری

شکل (4) مدل معادلات ساختاری را در حالت تخمین استاندارد شده را نشان می‌دهد. با توجه به خروجی نرم افزار آموس مقدار χ^2/df برابر با 1.246 به دست آمده که این مقدار از 3 کمتر می‌باشد. همچنین $RMSEA=0.054$ را برای مدل نشان می‌دهد. هرچه میزان این شاخص کمتر باشد مدل از برازش مناسبتری برخوردار است. شاخص‌های برازش $CFI=0.987$ ، $NFI=0.966$ و $IFI=0.993$ می‌باشد. با توجه به شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری می‌توان نتیجه گرفت که مدل معادلات ساختاری از برازش بالایی برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که توانمندسازی کارمندان می‌تواند که 59% توسعه پایدار زیست محیطی، 64% توسعه پایدار اقتصادی و 81% توسعه پایدار اجتماعی را در موسسات تحصیلات عالی نیمروز تبیین کند.



شکل شماره 3: مدل معادلات ساختاری

نتیجه گیری

به طور کلی از این تحقیق می توان نتیجه گرفت که توانمندسازی کارمندان موسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز بر توسعه پایدار، تاثیر مثبت و معنی دار داشته است، اما آنچه که باید بر آن تاکید شود، میزان تاثیرگذاری توانمندسازی کارمندان بر مولفه های توسعه پایدار است که این اثر بخشی در سطح متوسط قرار دارد. نتایج به دست آمده از داده ها در مورد فرضیه های اصلی و فرعی این تحقیق به شرح ذیل می باشد:

فرضیه اصلی تحقیق: توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار تاثیر مثبت و معنی داری ندارد.

$$H_0: p = 0$$

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

$$H_1: p \neq 0$$

نتایج تحقیق حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان می دهد که ضریب رگرسیون بین توانمندسازی کارمندان و توسعه پایدار 0.84 به دست آمده که بیانگر تاثیر مثبت و معنی داری بین این دو متغیر است. این بدین معنی است که اگر میزان توانمندسازی کارمندان یک واحد افزایش نماید، توسعه پایدار به اندازه 0.84 واحد افزایش می یابد.

فرضیه فرعی اول: توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار زیست محیطی تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار زیست محیطی تاثیر مثبت و معنی داری ندارد.

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار زیست محیطی تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

نتایج تحقیق حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان می دهد که ضریب رگرسیون بین توانمندسازی کارمندان و توسعه پایدار زیست محیطی 0.59 به دست آمده که بیانگر تاثیر مثبت و معنی داری بین

این دو متغیر است. این بدین معنی است که اگر میزان توانمندسازی کارمندان یک واحد افزایش نماید، توسعه پایدار زیست محیطی به اندازه 0.59 واحد افزایش می‌یابد.

فرضیه فرعی دوم: توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اقتصادی تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اقتصادی تاثیر مثبت و معنی داری ندارد. $H_0: p = 0$

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اقتصادی تاثیر مثبت و معنی داری دارد. $H_1: p \neq 0$

نتایج تحقیق حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون بین توانمندسازی کارمندان و توسعه پایدار اقتصادی 0.64 به دست آمده که بیانگر تاثیر مثبت و معنی داری بین این دو متغیر است. این بدین معنی است که اگر میزان توانمندسازی کارمندان یک واحد افزایش نماید، توسعه پایدار اقتصادی به اندازه 0.64 واحد افزایش می‌یابد.

فرضیه فرعی سوم: توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اجتماعی تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اجتماعی تاثیر مثبت و معنی داری ندارد. $H_0: p = 0$

توانمندسازی کارمندان بر توسعه پایدار اجتماعی تاثیر مثبت و معنی داری دارد. $H_1: p \neq 0$

نتایج تحقیق حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون بین توانمندسازی کارمندان و توسعه پایدار اجتماعی 0.81 به دست آمده که بیانگر تاثیر مثبت و معنی داری بین این دو متغیر است. این بدین معنی است که اگر میزان توانمندسازی کارمندان یک واحد افزایش نماید، توسعه پایدار اجتماعی به اندازه 0.81 واحد افزایش می‌یابد.

بحث و مناقشه

تحقیق حاضر تاثیر توانمندسازی کارمندان را بر توسعه پایدار در موسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز مورد قرار داده است. نتایج به دست آمده از رگرسیون مبین تاثیر مثبت و معنی داری بین این دو متغیر می‌باشد. همچنین مشخص گردید که ابعاد اعتماد به نفس، احساس کنترل، اشتراک در تصمیم‌گیری و آموزش و توسعه نیز تاثیر مثبت و معنی داری بر تبیین توسعه پایدار دارد.

با اینکه تحقیقات زیادی در این رابطه صورت نگرفته است اما، نتایج کلی تحقیق حاضر با بسیاری از تحقیقاتی که در گذشته صورت گرفته همخوانی دارد. برخی از تحقیقاتی که در این راستا انجام شده است و تحقیق حاضر با آنها هم‌خوانی دارد، عبارت است از نصرالهی وسطی (1399)، مومنی و امینی میلانی (1390)، کاظمی و همکاران (1396)، عقلمند و اکبری (1396)، رودسری و سربازقدیم (1400)، بتول و همکاران (2022)، نواحلمون و همکاران (2020)، هیرات باندار (2023). تمامی این

محققین در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش و توانمندسازی بر توسعه پایدار تاثیرگذار است.

تمرکز و تلاش برای اجرای برنامه‌های آموزشی برای ارتقای توانمندسازی کارمندان بهره‌وری کارمندان را افزایش می‌دهد. بر این اساس و با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق پیشنهاد می‌شود که مدیران سازمان و مدیران منابع انسانی باید درکی جامع و فراگیر از مفاهیم و مولفه‌های توانمندسازی در سازمان داشته باشند. توانمندسازی می‌تواند به عنوان یک ابزار موثر برای ارتقاء بهره‌وری، ایجاد انگیزه و بهبود مشارکت کارکنان در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار عمل کند، اما باید توجه داشت که برای دستیابی به نتایج مطلوب، نیاز به پیاده‌سازی صحیح، پشتیبانی مدیران سطح عالی و منابع کافی وجود دارد.

پیشنهادهای:

بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادات ذیل برای افزایش توانمندسازی کارمندان موسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز پیشنهاد می‌شود:

1. نظر به اینکه توانمندسازی کارمندان تاثیر مثبت بر توسعه پایدار در این ولایت دارد، موسسات تحصیلات عالی ولایت نیمروز در هنگام تهیه استراتژی‌ها باید توجه جدی به فعالیت‌هایی نمایند که باعث افزایش توانمندسازی کارمندان می‌گردد.
2. نظر به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد که مقام ولایت نیمروز هدايات لازمه جهت ارتقای سطح توانمندی کارمندان را به تمامی ادارات زیربط ابلاغ نمایند تا تمامی ادارات در حصه‌ی ارتقای کارمندان کوشا باشند.
3. پیشنهاد می‌گردد که محققین تاثیر توانمندسازی کارمندان را بالای سایر ابعاد توسعه پایدار سنجش نمایند.
4. پیشنهاد می‌شود که تحقیقاتی مشابه در سطح بزرگتر انجام شود تا تاثیر دقیق توانمندسازی بر توسعه پایدار مشخص گردد.

منابع

- ابطحي، دكتر سيد حسين. (1398). مدیریت منابع انسانی. تهران: انتشارات فوژان.
- احمدی، غلامعلی؛ اصفحانی، کرم؛ درویشی، علی. (1394). «نقش آموزش در توسعه پایدار و آموزش توسعه‌ای». سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول-ترکیه، <https://www.sid.ir/files/server/sf/pdf0401h6251394>.
- جعفری، سکینه؛ احمدی، داریوش؛ نورزوی کوهدشت، رضا. (1396). «بررسی تاثیر توانمندسازی کارکنان بر توسعه سازمانی با تاکید بر حمایت سازمانی ادراک شده». نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره 15، ش 1، ص 69-91.
- رفیعی، محمد؛ رضایی، مجید. (1395). نگاهی بر آموزش کارکنان. تهران: انتشارات ماهواره.
- رودسری، محمد حاجی آقا زاده؛ سربازقدیم، سمیه. (1400). «بررسی تاثیر توانمندسازی جامعه محلی در توسعه پایدار گردشگری با نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی)». مطالعات علوم اسلامی، سال هفتم، ش 27، ص 1-12.
- سعادت، دکترا سفندیار. (1396). مدیریت منابع انسانی. انتشارات سمت.
- عقلمند، سیامک؛ اکبری، فیض اله. (1384). «توانمندسازی: راهی برای توسعه پایدار». پنجمین همایش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن، تهران، <https://civilica.com/doc/19377>.
- کاضمی، رحیم؛ یعقوبی، جعفر؛ نعیمی، امیر. (1396). «بررسی تاثیر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در افزایش توسعه پایدار». اولین همایش ملی کشاورزی، منابع طبیعی و دامپزشکی، اردکان، <https://civilica.com/doc/1217072>.
- متوسلی، دکترا محمود. (1399). توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. انتشارات پیام نور.
- منتظرالمهدی، مرتضی. (1400). نگاهی بر آموزش کارکنان با تاکید بر آموزه‌های اسلامی. تهران: انتشارات خط آخر.
- مومنی، فرشاد؛ امینی میلانی. (1390). «توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آماریتاسن». نشریه رفاه اجتماعی، دوره 11، ش 42، ص 37-65.

پوهنمل نورالله عابدی

نصرالهی وسطی، لیلا. (1399). «نقش توانمندسازی در تبیین توسعه پایدار (مطالعه موردی: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)». فصلنامه جامعه‌شناسی ورزش، سال ششم، ش 15، ص 397-351.

Brundtland, G. H. (1987). Our common future: Report of the World Commission on Environment and Development. Oxford University Press.

Conger, J. A., & Kanungo, R. N. (1988). The empowerment process: Integrating theory and practice. *Academy of Management Review*, 13(3), 471-482.

Hafsah Batool, Muhammad Imran, Abdul Rahman. (2022). the impact of women's empowerment on sustainable development in the district of Sargodha. *Journal of positive school psychology*, 6(8), 5193-5211.

Herath Bandara, S.J. (2023). Relationship Between Higher Education and Economic Development: Evidence From West Virginia, the *international journal of business and finance research*, 17(1), 93-104.

Noahlumun, A., & Francis, D., & Yahaya Denis, I. (2020). The role of higher education in sustainable economic development in Nigeria: a functionalist theoretical perspective analysis. *Sapiential global journal of Arts, humanities and development studies*, 3(2), 276-284.

Spreitzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation. *Academy of Management Journal*, 38(5), 1442-1465.

فکتورهای تاثیر گذار بر درک مردم محل از منابع اقتصادی و صنعتی: مطالعه موردی

صنعت معادن ولایت پنجشیر

پوهنمل محمد سالم فیضی^{1*}، عبدالمبین زاهد²، عبدالعابد کاووش³

3.1. دیپارتمنت اقتصاد و توسعه زراعتی، پوهنځی زراعت، پوهنتون پنجشیر

2. دیپارتمنت جنگلداری و منابع طبیعی، پوهنځی زراعت، پوهنتون پنجشیر

* نویسنده مسئول- ایمیل: mohammadsalemafaizy@gmail.com

چکیده

افغانستان دارای منابع طبیعی، صنعتی وافر بوده که می‌تواند برای شکوفایی اقتصادی و رفاه اجتماعی کمک نماید. مناطق که دارای معادن هستند با استفاده از استخراج معادن مردم محل به کار استخدام و امکانات اجتماعی را برایشان فراهم گردد. با این وجود، جوامعی که دارای معادن و منابع طبیعی سرشار هستند هنوز در فقر زندگی می‌نمایند و ادراک و نگرش جامعه نسبت به معدن واضح نشده است. هدف از این مطالعه ساکنان ولایت پنجشیر بود که در محلات آنان معادن سنگ قیمتی بنام زمرد وجود دارد را مورد بررسی قرار داده تا فکتورهای که تاثیر دارد بالای ادراک مردم محل از ناحیه رفاه ذهنی، ثبات اقتصادی، استخراج معیاری و انکشاف پایدار را تشخیص و معرفی نماید. با استفاده از روش کمی این تحقیق انجام یافته که در ابتداء پرسشنامه تهیه و انکشاف داده شده و بعد برای پیداکردن پایداری و اعتبار تحلیل ابتدایی صورت گرفته است. برای انتخاب تعداد نمونه از جدول مورگان استفاده شده است که به تعداد 384 تن را بگونه تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه توزیع گردیده. نتایج نشان می‌دهد که شش فکتور تاثیر گذار بر درک اعضای جامعه وجود دارد عبارت اند از درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی‌های بلندمدت در باره معادن. که بیشترین توجه را نیاز است در فکتور حاکمیت و نظارت بر معادن توسط دولت محلی صورت گیرد. پیشنهاد می‌گردد که برای مردم محل خدمات اجتماعی، اقتصادی، مخابراتی، صحتی، آموزشی، رفاهی و محیطی را بگونه مناسب ارایه و مردم محل را در پروگرام‌های توانمند سازی بکار بگمارند و جوانان و اطفال مناطق که در آن معادن وجود دارد به کارهای شاقه در معادن مصروف بوده که از مراکز آموزشی دور می‌باشد و باید خدمات تعلیمی و تربیتی برای مردم محل مساعد و تشویق به آموزش گردند.

واژه‌های کلیدی: درک مردم محل، فکتورهای تاثیر گذار، معادن، منابع طبیعی، ولایت پنجشیر.

Factors Affecting Local People's Perception of Economic and Industrial Resources: A Case Study of the Mining Industry in Panjshir Province

Senior Teaching Assistant Mohammad Salem Faizy^{1*}, Abdul Mubeen Zahid²; Abdul Abed Kawosh³

1.3. Department of Agricultural Economics and Development, Faculty of Agriculture, Panjshir Institute of Higher Education

2. Department of Forestry and Natural Resources, Faculty of Agriculture, Panjshir Institute of Higher Education

* Corresponding Author Email: mohammadsalemfaizy@gmail.com

Abstract

Afghanistan possesses abundant natural and industrial resources that can contribute significantly to economic prosperity and social welfare. In regions where mines exist, the extraction of minerals can create employment opportunities and provide social facilities for local residents. However, despite the wealth of natural and mineral resources, many communities still live in poverty, and their perceptions and attitudes toward mining remain unclear. The purpose of this study was to examine the residents of Panjshir province, particularly those living in areas rich in emerald mines, in order to identify and analyze the factors influencing their perception of mining in relation to mental well-being, economic stability, standard extraction practices, and sustainable development. This research employed a quantitative approach, beginning with the design and development of a questionnaire, followed by preliminary analysis to assess reliability and validity. The sample size was determined using the Morgan table, and a total of 384 individuals were selected randomly and surveyed. The findings reveal six major factors that influence community perceptions: awareness of the environmental and social impacts of mining; governance and oversight of mining operations; economic stability and social welfare; environmental and natural resource protection; risks associated with non-standard mining practices; and long-term concerns regarding mining activities. The study concludes that the most critical factor requiring attention is governance and monitoring of mining by local authorities. It is recommended that local communities be provided with adequate social, economic, telecommunication, health, educational, welfare, and environmental services, and that empowerment programs be implemented for local residents. Additionally, since many children and young people in mining areas are engaged in hard labor and are deprived of education, educational and training services should be made accessible and encouraged for them.

Keywords: Local perception, influencing factors, mining, natural resources, Panjshir Province.

مقدمه

افغانستان کشوری است غنی از نظر منابع طبیعی و معادن زیرزمینی که می‌تواند نقش کلیدی در توسعه و انکشاف اقتصادی و همچنان رفاه اجتماعی ایفا کند. معادن، به ویژه معادن سنگ‌های قیمتی مانند زمرد که در کوه‌های ولایت پنجشیر پیدا می‌شود (Chen et al., 2022)، از جمله منابع گران بها و ارزشمندی هستند که در صورت مدیریت درست استخراج آن، می‌توانند به بهبود معیشت مردم محل، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کشور کمک نمایند. بنابراین، بهره‌برداری از معادن همواره با مشکلاتی از قبیل استخراج غیرمعیاری، نبود نظارت کافی، آسیب‌های محیط‌زیستی، و عدم توزیع عادلانه منافع ناشی از معادن همراه بوده است. بسیاری از ساکنان مناطق معدنی با وجود موجودیت منابع طبیعی ارزشمند، هنوز در شرایط اقتصادی نامناسبی بسر می‌برند. این امر نشان‌دهنده عواملی است که بر درک مردم محل از معادن تأثیر گذاشته است. با استخراج معادن خاک و ریشه‌های نباتات نزدیک به سطح از سطح ساحات کوه حذف شده، که سبب تخریب پوشش گیاهی می‌شود و پوتانسیل سیلاب، رانش زمین و سایر خطرات طبیعی را بار می‌آورد و تحقیقات گذشته همچنان از افزایش مواد سمی ناشی از تاسیسات معدنی صحت عمومی مردم محل را تهدید به امراض مانند سرطان می‌نماید (Fernandez-Navarro et al., 2012).

اگرچه در حال حاضر در افغانستان رایج نیست که از مردم محل برای استخراج معادن اجازه گرفته شود؛ اما پذیرش مردم از استخراج معادن می‌تواند مفید واقع گردد (Que et al., 2015). بررسی اخیر منتشر شده از پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی در بخش معدن نشان دهنده علاقه فزاینده ای به تحقیقات روابط اجتماعی وجود دارد زیرا به نظر می‌رسد شرکت‌ها انگیزه دارند تا مشروعیت موجودیت خود را از جوامع محلی تضمین کنند (Rodrigues and Medes, 2018). بنأ این تحقیق در پی شناسایی فکتورهای است که درک مردم را نسبت به معادن نشان می‌دهد و چگونگی تأثیر این فکتورها بر رفاه ذهنی، حفاظت محیط زیست، ثبات اقتصادی و توسعه پایدار را تحلیل می‌کند. با استفاده از روش تحقیق کمی و توزیع پرسشنامه برای ساکنان محل، این مطالعه به دنبال استخراج داده‌های معتبر برای تحلیل دقیق تأثیر معادن بر جامعه محلی است.

مروری بر پیشینه تحقیق

تحقیقاتی در زمینه تأثیر معادن بر جوامع محلی انجام شده است. این تحقیقات نشان داده‌اند که برداشت و درک مردم محل از معادن به شدت تحت تأثیر فکتورهای اقتصادی، اجتماعی،

محیط‌زیستی و مدیریتی قرار دارد. برخی مقالات تأکید دارند که معادن می‌توانند از طریق ایجاد اشتغال و توسعه زیرساخت‌ها، تأثیر مثبت بر معیشت مردم داشته باشند (Smith et al., 2018). درحالی‌که، برخی تحقیقات بیان می‌کنند که درآمد حاصل از معادن غالباً به طور ناعادلانه توزیع شده و جوامع محلی از مزایای واقعی آن بهره‌مند نمی‌شوند (Hilson, 2019).

نبود چارچوب‌های نظارتی مؤثر و مدیریت ناکارآمد منابع معدنی می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست، فساد و سوءاستفاده از منابع شود (Campbell, 2022). نظارت دولتی بر فعالیتهای معدنی و اجرای قوانین استخراج معیاری نقش مهمی در بهبود دیدگاه جوامع محلی دارد (Bebbington et al., 2018). از طرف دیگر استخراج معادن تأثیرات جدی بر محیط‌زیست داشته و باعث تخریب منابع آبی، آلودگی خاک و کاهش تنوع زیستی می‌شود. (Mancini & Sala, 2018). نگرانی‌های محیط‌زیستی در جوامع محلی باعث افزایش مقاومت در برابر فعالیتهای معدنی شده و اعتماد مردم را نسبت به بهره‌برداری از معادن کاهش می‌دهد. (Obkirchner., 2019)

استخراج غیرمعیاری نه تنها به محیط‌زیست آسیب می‌رساند بلکه ایمنی کارگران را نیز به خطر می‌اندازد (Arthur-Holmes & Busia, 2022). در مناطقی مانند پنجشیر، که استخراج غیرمعیاری گسترده است، عدم رعایت استانداردهای ایمنی باعث افزایش حوادث کاری و تلفات انسانی شده است. (Fijalkowski, 2020). توسعه پایدار و برنامه‌های توانمندسازی محلی از جمله مسائلی است که بر دیدگاه مردم نسبت به معادن تأثیر می‌گذارد (Luning, 2018). جوامع محلی انتظار دارند که در کنار بهره‌برداری از معادن، خدمات اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی بهبود یابد (Ericsson & Löf, 2019). با توجه به مطالعات انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که درک مردم محل از معادن تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار دارد که شامل ثبات اقتصادی، سیاست‌های مدیریتی، حفاظت محیط‌زیست و آینده‌نگری توسعه پایدار است. تحقیق حاضر با بررسی این فکتورها در ولایت پنجشیر، به دنبال ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود بهره‌برداری از معادن و افزایش رضایت جوامع محلی است.

مواد و روش

در این تحقیق درک مردم محل در مورد معادن ولایت پنجشیر مورد مطالعه قرار گرفته است. جهت گردآوری اطلاعات در زمینه موضوع تحقیق از سایت‌های اینترنتی، کتابخانه‌های دیجیتال و

پرسشنامه‌ها استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز توسط پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و اطلاعات این تحقیق توسط نرم افزار SPSS ویرژن 22 مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پرسشنامه این تحقیق در دو دسته با عناوین معلومات شخصی و معلومات در مورد درک شان درقبال معادن ولایت پنجشیر تنظیم گردیده. در پرسشنامه سعی بر این شده است که از سوالات بی مفهوم، پیچیده و جهت دار پرهیز گردد و مفهوم سوالات کاملاً روشن باشد.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری نمونه‌های قابل دسترس استفاده صورت گرفته است. یعنی در ساحه و قریه‌های که مردم زندگی می‌نمایند رفته شده و هر شخصی که دارای عقل سلیم و بالغ بر 18 سال بوده باشد، بعد از ارائه معلومات در مورد تحقیق یک نقل از پرسشنامه برایش توزیع گردیده. قابل تذکر است که این تحقیق برای 384 نفر پرسشنامه توزیع شده اما بعد از جمع‌آوری و تنظیم ارقام به تعداد 361 پرسشنامه برای تحلیل و تجزیه مناسب دانسته شد که این تحقیق به اساس جدول مورگان (Krejcie & Morgan (1970 برای جامعه‌ای که تعداد شان بیشتر از 100 هزار نفر باشد باید 384 نفر بگونه نمونه گرفته شود و پرسشنامه توزیع گردید که از آن جمله به تعداد 361 نفر پاسخ‌دهنده جواب داده اند و بعد پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و تحلیل و تجزیه گردیده است.

تحلیل و تجزیه

تحلیل و تجزیه توصیفی که جدول حاوی معلومات در باره پاسخ‌دهنده برای سوالنامه می‌باشد. دیتای جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که به تعداد 361 تن از مردم محل ولایت پنجشیر پاسخ داده اند که از آن جمله به تعداد 121 نفر که 33.5 فیصد می‌گردد پائینتر از 25 سال عمر دارند و بین 26-35 سال به تعداد 65 نفر که 18.0 فیصد، بین 36-45 سال به تعداد 48 نفر که 13.3 فیصد، بین 46-55 سال 45 تن که 15.0 فیصد و همچنان بیشتر از 56 سال به تعداد 73 نفر که 20.2 فیصد را تشکیل می‌دهد. بنابر این اوسط عمر پاسخ‌دهنده 39.84 سال است و پائین‌ترین سن شان 18 ساله و بلندترین سن 87 ساله بوده است.

از نظر جنسیت به تعداد 276 نفر که 76.5 درصد ذکور و 85 تن که 23.5 درصد را اناث تشکیل می‌دهد. سطح تحصیل شان که به تعداد 7 نفر 1.9 درصد بیسواد، 53 نفر 14.7 درصد آموزش دیده علوم دینی، 67 تن 18.6 درصد آموزش به سطح مکتب و اکثریت شان که به تعداد 234 نفر که 64.8 فیصد می‌باشد دارندگان تحصیلات پوهنتون بوده.

جدول 1- مشخصات پاسخ دهندگان:

مشخصات	تعداد	فیصد
عمر (سال)		
<25	121	33.5
26-35	65	18.0
36-45	48	13.3
46-55	54	15.0
56<	73	20.2
اوسط	39.84	
پاین ترین سن	18	
بزرگسال ترین	87	
جنسیت		
ذکور	276	76.5
اناث	85	23.5
سطح تحصیل		
بیسواد	7	1.9
علوم دینی	53	14.7
مکتب	67	18.6
پوهنتون	234	64.8
وظیفه		
کارمند دولتی	26	7.2
کارمند غیردولتی	8	2.2
محصل/متعلم	100	27.7
دهقان	130	36.0
شغل آزاد	70	19.4
بیکار	27	7.5

مطابق به جدول فوق پاسخ دهندگان دارای وظایف هستند که به تعداد 26 تن 7.2 درصد کارمند دولت، 8 تن 2.2 درصد کارمند غیر دولت، 100 نفر 27.7 نفر محصل یا متعلم، 130 تن 36.0 درصد دهقان، 70 تن 19.4 درصد شغل آزاد و 27 نفر 7.5 درصد بیکار می باشند.

جدول 2- معلومات اجتماعی پاسخ دهنده:

مشخصات	تعداد	فیصد
آیا شما باشنده اصلی پنجشیر هستید؟		
بلی	354	98.1
نخیر	7	1.9
در رابطه به معادن ولایت پنجشیر معلومات دارید؟		
بلی	342	94.7
نخیر	19	5.3

معلومات جمع آوری شده از پاسخ دهندگان نشان می دهد که به تعداد 354 نفر از پاسخ دهندگان که 98.1 درصد را تشکیل می دهد باشندگان اصلی پنجشیر بوده است؛ اما 7 نفر که 1.9 درصد باشندگان اصلی این ولایت نبوده است. از طرف دیگر به تعداد 342 تن که 94.7 درصد شان در باره معادن ولایت پنجشیر معلومات دارند در حالیکه 19 تن یعنی 5.3 درصد شان دارای معلومات کافی نمی باشند.

تحلیل عاملی یا فکتور

برای شناسایی و تعریف متغیرهای پنهان از نظر ابعاد زیربنایی مشترک آنها تحلیل عاملی استفاده شده است. متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق متغیرهای هستند، که از مرور ادبیات قبلی گرفته شده. تحلیل عاملی اکتشافی (Exploratory Factor Analysis) به منظور شناسایی عواملی که ممکن است بر سطح درک مردم نسبت به معادن ولایت پنجشیر تاثیر داشته باشند، انجام شد. تجزیه و تحلیل مولفه اصلی (Principal Component Analysis) بیشتر برای بررسی اعتبار پرسش های شامل در پرسشنامه انجام شده است.

کفایت نمونه گیری و ماتریس همبستگی

Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) کفایت نمونه‌گیری را اندازه‌گیری می‌کند و پیش‌بینی می‌نماید که آیا داده‌ها احتمالاً به خوبی فکتور می‌شوند یا خیر، بر اساس همبستگی و همبستگی جزئی از 0 تا 1. این آمار برای ارزیابی وجود همبستگی بین متغیرها استفاده می‌شود. KMO را می‌توان در محدوده‌های متعدد طبقه‌بندی کرد. 0.5 تا 0.7 به عنوان متوسط؛ 0.7 تا 0.8 به عنوان خوب؛ و 0.9 به عنوان عالی (Kaiser, 1974).

جدول 3 نشان می‌دهد که مقدار KMO مسای به 0.798 است. این بیانگر آنست که کفایت نمونه‌گیری بین فکتورهای عالی است. در صورتی که مقادیر KMO کوچکتر باشد نشان می‌دهد که تحلیل عاملی متغیرها ممکن است مناسب نباشد، زیرا همبستگی بین فکتورها نمی‌تواند توسط سایر متغیرها توضیح داده شود (Norusis, 1993). آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's test of sphericity)، $X^2(190)=2029.446$ ، $P<0.05$ ، به این معنی است که داده‌های این تحقیق در سطح معنی‌دار بوده و برای تحلیل عاملی یا فکتوری مناسب تلقی می‌گردد. باید $(P<0.05)$ ارزش پی کوچکتر از 0.05 باشد تا اینکه معنادار بودن را نشان دهد (Tabachnick and Fidell, 2007). بن‌این تحقیق و داده‌ها معنی‌دار ارزیابی شده و نیاز دانسته شد که تحلیل فکتوری نیز انجام گیرد.

جدول 3 تحلیل KMO و بارتلت

کفایت و اندازه نمونه‌گیری کایسر مایر اولکن KMO		.798
آزمون کرویت بارتلت Aprox. Chi-Square		2029.446
Df		190
Sig		.000

منبع: تحقیق ساحوی 2024

اشتراک

اشتراک معیاری از نسبت واریانس است که با فکتورهای استخراج شده توضیح داده می‌شود. برای هر فکتور اشتراک واریانس بین یک فکتور و فکتور دیگر را نشان می‌دهد. متغیرهای که سطح اشتراک شان بالاتر هستند نشان می‌دهد که در فکتورها بطور درست جاگذاری شده است، درحالی‌که متغیرهای

دارای سطح اشتراک کمتر بیانگر آن است که بطور نادرست در فکتورها از هم جدا شده اند (Yong and pearch, 2013). بنابراین آن دسته از فکتورهای که ارزش اشتراکی پایینی دارند برای استخراج در نظر گرفته نمی شوند. ارزش اشتراکی گروهی از سولات را نشان می دهد که پس از تحلیل و تجزیه ابتدائی برخی مشخصه ها کنار گذاشته شده که در این تحقیق، 8 مورد از 28 آیتم کمتر از 0.500 ارزش اشتراک داشتند که واریانس های کمتر از 50.0% کنار گذاشته شدند، زیرا این موارد رابطه کمی با سایر متغیرها نشان دادند. بقیه 20 مورد دارای واریانس های مشترک بین 52.2% تا 71.4% هستند. مورد «با داشتن معادن وافر در پنجشیر احساس آرامش ذهنی برای خود و آینده فرزندان ام دارم» با مقدار 0.714 به بالاترین سطح اشتراک دست یافته که نشان می دهد این پرسش بیشترین سهم را از نظر همبستگی با سایر پرسش ها داشته.

عادی سازی واریمکس Varimax Normalization

در این تحقیق متغیرها با استفاده از تکنیک چرخش واریمکس چرخانده شد. این تکنیک برای توزیع مجدد واریانس استفاده شده می تواند همانگونه متغیرها به وضوح از هم جدا شدند (Kaiser, 1974). نتیجه تکنیک چرخش واریمکس به راحتی قابل تشریح، تفسیر و گذارش است، زیرا تعداد متغیرهای را که ارزش بالا دارد را فشرده می سازد (Yong and Pearce, 2013). به اساس نتیجه بدست آمده از چرخش متریکس فکتورها، فکتورهای بالاتر از 0.4 به عنوان قابل اعتماد در نظر گرفته شد؛ فکتورهای 0.5 به عنوان نقطه برش که از این پائین در نظر گرفته نمی شود. در نتیجه 6 فکتور از 20 آیتم شناسایی شد که تاثیر بیشتر دارد. این شش فکتور در ادامه بطور خلاصه تشریح می گردد.

معیار های ارزش ویژه Eigenvalue Criteria

برای تعیین متغیرهای استفاده می شود که در آنها مقدار ویژه بالاتر از یک باید حفظ شود (Yong and Pearce, 2013). مقدار ویژه اهمیت نسبی هر متغیر را در حسابداری تعداد واریانس های مرتبط با مجموعه متغیرها مشخص می کند. بنابراین نتایج حاصله از این مطالعه همخوانی دارد با شرایط که توسط Kaiser در سال (1960) ابراز نموده است که زمانی اندازه گیری می تواند شود که ارزش ویژه بالاتر از 1 با واریانس کل بالاتر از 60% درصد باشد (Kaiser, 1960). فکتورهای که دارای ارزش بالاتر از 1 هستند مهم تلقی شده و در نظر گرفته می شوند، اما آن فکتورهای که ارزش شان کمتر از 1

پوهنمل محمد سالم فیضی

باشد ناچیز تلقی شده و نادیده گرفته می شود. به این اساس این مطالعه آن فکتورهای را که بالاتر از یک بود در نظر گرفت و کمتر از یک را نادیده پنداشت.

توضیحات واریانس

واریانس توضیح داده شده نشان دهنده آن است که فیصدی مولفه‌هایی تغییرپذیر در تمامی فکتورها می باشد. نتیجه نشان داد که فیصدی واریانس کل بدست آمده 61.742% که خوب در نظر گرفته می شود. باقی 38.258% اطلاعات در زمان کاهش دادن آمار از دست رفته است.

تجزیه و تحلیل مولفه اصلی برای استخراج ارقام بر روی شش فکتور از قبیل: درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی‌های بلندمدت در باره معادن. چرخش درصد اشتراکی بیشتر به 61% را حفظ می کند.

جدول 5 فکتورهای استخراج شده

شماره	فکتورها	مشخصه‌ها	واریانس %
1	درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه	5	25.140
2	حاکمیت و نظارت بر معادن	5	9.955
3	ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی	4	7.745
4	محیط زیست و منابع طبیعی	3	6.976
5	خطرات استخراج غیرمعیاری معادن	2	6.329
6	نگرانی‌های بلندمدت درباره معادن	1	5.597
	مجموعه	20	61.742

جدول 5 نشاندهنده شش فکتور استخراج شده درباره درک مردم از معادن ولایت پنجشیر هستند. نتیجه واریانس تحقیق نشان می دهد که تاثیر این فکتورها بیشتر از 61.742% فیصد بوده و قناعت بخش است.

فکتورهای مهم

تحلیل فکتوری برای مشاهده ابعاد متفاوتی از عوامل مؤثر در درک مردم درباره معادن ولایت پنجشیر به کار گرفته شد. در این مطالعه (6) فکتور مشتق شده است که عبارت اند از درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی‌های بلندمدت در باره معادن.

فکتور اول درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه است که نشان می‌دهد استخراج معادن در پنجشیر تأثیرات متنوعی بر محیط و جامعه داشته است. در همین حال، فکتور دوم حاکمیت و نظارت بر معادن است که قراردادهای استخراج معادن با شرکت‌های بین‌المللی موجب خوش‌بینی مردم محل نسبت به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی شده است را ابراز می‌دارد. فکتور سوم ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی است که استخراج معادن تأثیر مستقیمی بر ثبات اقتصادی مردم محلی داشته است. فکتور چهارم حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی می‌باشد. فکتور پنجم خطرات استخراج غیرمعیاری معادن است که برخی ساکنان منطقه معتقدند که استخراج غیرمعیاری و بی‌رویه معادن می‌تواند به مشکلات زیست‌محیطی و اقتصادی منجر شود. فکتور ششم فکتوری است که از نگرانی‌های بلندمدت درباره معدن بحث می‌کند.

تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه

از تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی رابطه بین عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی استفاده شده که ممکن است به درک مردم درباره معادن کمک کند. برای پیش‌بینی اثر بخشی متغیر وابسته با استفاده از این تحلیل برای تأثیرات متغیرهای مستقل استخراج شده استفاده شد. عوامل استخراج شده این تحقیق عبارت اند از درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی‌های بلندمدت در باره معادن. همچنان، این تحلیل برای پیدا کردن تاثیرگذارترین عوامل مؤثر بر استخراج معادن انجام شده است.

جدول خلاصه مدل

در جدول 6 مربع R نشان دهنده تغییرات متغیرهای مستقل است که درصد واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. بر اساس نتیجه رگرسیون R^2 برابر 0.656 به دست آمده که ترکیبی از متغیرهای مستقل

پوهنمل محمد سالم فیضی

را نشان می دهد. این متغیرها 65.6 درصد از تغییرات در درک مردم محل در رابطه به معادن را توضیح می دهد. 34.4 درصد باقیمانده به متغیرهای غیر قابل کنترل در مدل رگرسیون نسبت داده می شود.

جدول 6 خلاصه مدل

مادل	R	R ²	R ² تنظیم شده	خطای برآورد Std.
1	.810	.656	.650	.379

متغیر وابسته: درک مردم محل در رابطه به معادن.
متغیر مستقل: درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی های بلندمدت در باره معادن.

رابطه بین متغیرهای مستقل استخراج شده و متغیر وابسته

نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که مدل در رابطه بین عوامل استخراج شده (درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی های بلندمدت در باره معادن) و متغیر وابسته (درک مردم محل در رابطه به معادن). برای این تحلیل، $F \text{ Sig. } P=0.000$ است. بنابراین، برازندگی مدل را نشان می دهد.

جدول 7 خلاصه ANOVA

مادل	مجموعه مربع ها	DF	اوسط مربع	F	Sig.
1 رگرسیون	97.256	6	16.209		
باقی مانده	51.052	354	.144	112.396	.000
مجموع	148.308	360			

متغیر وابسته: درک مردم محل در رابطه به معادن.
متغیر مستقل: درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیرمعیاری معادن و نگرانی های بلندمدت در باره معادن.

تحلیل رگرسیون چندگانه

ضریب شرح داده شده در جدول 8 نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل رگرسیون، شش متغیر به طور معنی داری با متغیر وابسته مرتبط هستند. متغیرهای با اثرگذاری بلند عبارت انداز: درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه، حاکمیت و نظارت بر معادن، ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، خطرات استخراج غیر معیاری معادن و نگرانی‌های بلندمدت در باره معادن می‌باشد. اهمیت آنها را به عنوان فکتورهای با بیشترین تاثیر شناسایی شده اند. همچنین جدول مذکور رابطه بین متغیر وابسته (درک مردم محل از معادن) و عوامل استخراج شده را نشان می‌دهد. در این تحلیل رگرسیون، فکتورهای استخراج شده در سطح 1%، 1%، 1%، 1% و 1% معنی دار بودند.

جدول 8 خلاصه تحلیل رگرسیون و آزمون فرضیه

Standardized Coefficients				Unstandardized Coefficients		
تصمیم	Sig.	T	بیتا	Std. Error	B	
H0رد	.000	7.329		.114	.837	ثبات
						درک تأثیرات
H0رد	.000	8.353	.320	.026	.216	معادن بر محیط و جامعه
						حاکمیت و نظارت بر معادن
H0رد	.000	8.887	.343	.028	.245	ثبات
						اقتصادی و رفاه اجتماعی
H0رد	.000	6.196	.226	.025	.156	حفاظت
						محیط زیست و منابع طبیعی

پوهنمل محمد سالم فیضی

خطرات					
استخراج	0.058	0.019	0.105	3.094	0.002
غیر معیاری					
معادن					
نگرانی های					
بلند مدت در	0.039	0.016	0.081	2.496	0.013
باره معادن					

متغیر وابسته: درک مردم محل، 1% Significant at ***

1. درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه

این فکتور نشان دهنده درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه است که برخی ساکنان محلی معادن را منبع اشتغال و رفاه اقتصادی می دانند و معتقدند که استخراج معادن باعث بهبود زندگی و چشم انداز طبیعی منطقه شده است. با این حال، نیاز به آموزش و آگاهی بخشی درباره اثرات زیست محیطی همچنان احساس می شود. بسیاری از مردم باور دارند که استخراج معادن نسبت به ضررهای آن، مزایای بیشتری دارد و می تواند آینده بهتری را برای فرزندانشان رقم بزند. مقررات موجود نیز تا حدی توانسته اند فرصت های شغلی بیشتری برای مردم محلی فراهم کنند. مقدار آمار t برای درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه برابر با 8.353 و مقدار $P=0.000$ می باشد. بنابراین، فرضیه صفر H_0 رد می شود. چونکه، نتیجه تحقیق نشان داد که درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه ولایت پنجشیر به اساس بی تایی غیر استاندارد 21.6 درصد افزایش را به بار می آورد.

2. حاکمیت و نظارت بر معادن

فکتور حاکمیت و نظارت بر معادن در ولایت پنجشیر از فکتور دیگری استخراج شده است که قراردادهای استخراج معادن با شرکت های بین المللی موجب خوش بینی مردم محل نسبت به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی شده است. مقررات موجود باعث کاهش فساد در این حوزه شده و کنترل دولت بر این فعالیت ها به ایجاد شفافیت و افزایش اعتماد عمومی کمک کرده است. همچنین، وجود نظارت باعث شده تا این روند تأثیر منفی زیادی بر امنیت و آرامش منطقه نداشته باشد. علاوه بر این، دسترسی به خدمات بهداشتی، مانند کلینیک ها و دارو، در مناطق معدن کاری شده بهبود یافته است. در مجموع، مردم منطقه نظارت دولت را عاملی مثبت در جهت بهره برداری عادلانه از منابع

می‌داند. مقدار آماری t برای حاکمیت و نظارت بر معادن برابر با 8.887 و مقدار $P=0.000$ می‌باشد. بنابراین، فرضیه صفر H_0 رد می‌گردد. نتیجه بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که حاکمیت و نظارت بر معادن این ولایت به اساس بیتیای غیر استاندارد 24.5 درصد افزایش در موفقیت را به ارمغان می‌آورد.

3. ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی

فکتور سوم ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی است که استخراج معادن تأثیر مستقیمی بر ثبات اقتصادی مردم محلی داشته است. مقررات فعلی توانسته‌اند از نوسانات شدید قیمت مواد اولیه جلوگیری کنند و این امر باعث بهبود وضعیت مالی خانواده‌ها شده است. افزایش اشتغال و فرصت‌های اقتصادی، زندگی مردم را راحت‌تر کرده و موجب ایجاد حس امنیت و مصونیت شده است. بسیاری از مردم از شرایط موجود رضایت دارند، زیرا امکاناتی مانند مسکن راحت و خدمات اساسی در دسترس آنها قرار گرفته است. اجرای مقررات جدید در حوزه معادن نیز به بهبود وضعیت اقتصادی مردم محلی کمک کرده و موجب افزایش رفاه اجتماعی شده است. مقدار آماری t برای ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی برابر با 6.196 و مقدار $P=0.000$ است. بنابراین، فرضیه صفر H_0 رد می‌شود. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی به اساس بیتیای غیر استاندارد 15.6 درصد افزایش پیدا می‌کند.

4. حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی

فکتور چهارم حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی می‌باشد که اگرچه استخراج معادن در پنجشیر افزایش یافته است، اما بسیاری از ساکنان معتقدند که این فعالیت‌ها تأثیر مخربی بر زمین‌های زراعی، کیفیت هوا و محیط زیست منطقه نداشته است. آن‌ها باور دارند که مقررات موجود مانع از آسیب جدی به منابع طبیعی شده‌اند و استخراج کنترل‌شده می‌تواند بدون تخریب محیط ادامه یابد. با این حال، برخی افراد همچنان نگران اثرات طولانی‌مدت این فعالیت‌ها بر اکوسیستم منطقه هستند. حفاظت از منابع طبیعی برای مردم اهمیت دارد و آگاهی‌بخشی در مورد چگونگی کاهش اثرات زیست‌محیطی استخراج معادن می‌تواند نگرانی‌های موجود را کاهش دهد. مقدار آماری t برای حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی برابر با 3.668 و مقدار $P=0.000$ است. بنابراین، فرضیه صفر H_0 رد می‌شود. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی به اساس بیتیای غیر استاندارد 8.5 درصد افزایش پیدا می‌کند.

5. خطرات استخراج غیرمعیاری معادن

فکتور پنجم خطرات استخراج غیرمعیاری معادن است که برخی ساکنان منطقه معتقدند که استخراج غیرمعیاری و بی‌رویه معادن می‌تواند به مشکلات زیست‌محیطی و اقتصادی منجر شود. اگرچه در حال حاضر نشانه‌های مشخصی از تخریب گسترده دیده نمی‌شود، اما در بلندمدت، بی‌توجهی به استانداردهای استخراج می‌تواند موجب کاهش کیفیت زندگی مردم شود. آلودگی‌های ناشی از استخراج غیرمعیاری ممکن است به تدریج تأثیرات منفی خود را نشان دهند. در نتیجه، کنترل و مدیریت صحیح این روند ضروری است. برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، اجرای مقررات سخت‌گیرانه‌تر و استفاده از روش‌های پایدار در استخراج معادن توصیه می‌شود. مقدار آماری t برای خطرات استخراج غیر معیاری معادن برابر با 3.094 و مقدار $P=0.002$ می‌باشد. بنابراین، فرضیه صفر H_0 رد می‌شود. چونکه، نتیجه تحقیق نشان داد که خطرات استخراج غیرمعیاری معادن در ولایت پنجشیر به اساس بیتیای غیر استاندارد 5.8 درصد افزایش را به بار می‌آورد.

6. نگرانی‌های بلندمدت درباره معادن

آخرین فکتور که ششم است از نگرانی‌های بلندمدت درباره معدن بحث می‌کند، در حالی که بسیاری از مردم از مزایای اقتصادی معادن بهره‌مند شده‌اند، برخی نگرانی‌هایی درباره آینده دارند. آنها معتقدند که در درازمدت، استخراج بی‌رویه منابع می‌تواند اثرات منفی بر جامعه داشته باشد. این نگرانی‌ها شامل تخریب محیط زیست، کاهش منابع طبیعی، و وابستگی بیش از حد به معادن است. برخی از ساکنان خواهان برنامه‌ریزی پایدار برای بهره‌برداری از معادن هستند تا منابع برای نسل‌های آینده نیز حفظ شود. از آنجایی که استخراج معادن یک منبع محدود است، بسیاری از مردم بر ضرورت یافتن راه‌حل‌های جایگزین و توسعه اقتصادی متنوع تأکید دارند. مقدار آماری t برای نگرانی‌های بلندمدت در باره معادن برابر با 2.496 و مقدار $P=0.013$ می‌باشد. بنابراین، فرضیه صفر H_0 رد می‌گردد. نتیجه بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که نگرانی‌های بلندمدت درباره معادن به اساس بیتیای غیر استاندارد 3.9 درصد افزایش در موفقیت را به ارمغان می‌آورد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق دریافت که شش فکتور تأثیر گذار بالای درک مردم از استخراج معادن وجود دارد که فکتور اول درک تأثیرات معادن بر محیط و جامعه است که با توجه به محیط و جامعه میتوان 21.6 درصد درک مردم را افزایش داد که در بین شش فکتور تأثیر گذار این فکتور دومین اثرگذاری را دارا

پوهنمل محمد سالم فیضی

می‌باشد. فکتور دوم حاکمیت و نظارت بر معادن است بیشترین تاثیر را بالای درک مردم از استخراج معادن را دارا می‌باشد در صورتیکه این فکتور توجه صورت گیرد 24.5 درصد افزایش را در تاثیر گذاری دارا می‌باشد. فکتور سوم ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی است که استخراج معادن تأثیر مستقیمی بر ثبات اقتصادی مردم محلی داشته است و دارای اثر 15.6 درصد را دارا می‌باشد. به همین ترتیب فکتور چهارم حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی می‌باشد دارای 8.5 درصد. فکتور پنجم خطرات استخراج غیرمعیاری معادن است که دارای تاثیر گذاری 5.8 درصد و فکتور ششم فکتوری است که از نگرانی‌های بلندمدت درباره معدن را مورد توجه قرار می‌دهد دارای اثرگذاری 3.9 درصد است.

- Fijalkowski, A. (2020). Amnesty. In *An introduction to transitional justice* (pp. 123-148). Routledge.
- Bebbington, A. J., Sauls, L. A., Rosa, H., Fash, B., & Bebbington, D. H. (2018). Conflicts over extractivist policy and the forest frontier in Central America. *European Review of Latin American and Caribbean Studies/Revista Europea de Estudios Latinoamericanos y del Caribe*, (106), 103-132.
- Campbell, B. (2022). Corporate influence and the global pandemic—reflections from the mining sector. *Revista brasileira de política internacional*, 65, e001.
- Chen, Q., Bao, P., Li, Y., Shen, A. H., Gao, R., Bai, Y., ... & Liu, X. (2022). A Research of Emeralds from Panjshir Valley, Afghanistan. *Minerals*, 13(1), 63.
- Fernández-Navarro, P., García-Pérez, J., Ramis, R., Boldo, E., & López-Abente, G. (2012). Proximity to mining industry and cancer mortality. *Science of the total environment*, 435, 66-73.
- Hilson, G. (2009). Small-scale mining, poverty and economic development in sub-Saharan Africa: An overview. *Resources Policy*, 34(1-2), 1-5.
- Kaiser, H. F. (1960). The application of electronic computers to factor analysis. *Educational and psychological measurement*, 20(1), 141-151.
- Kaiser, H. F. (1974). An index of factorial simplicity. *psychometrika*, 39(1), 31-36.
- Arthur-Holmes, F., & Busia, K. A. (2022). Safety concerns and occupational health hazards of women in artisanal and small-scale mining in Ghana. *The Extractive Industries and Society*, 10, 101079.
- Luning, S. (2018). Mining temporalities: Future perspectives. *The Extractive Industries and Society*, 5(2), 281-286.
- Mancini, L., & Sala, S. (2018). Social impact assessment in the mining sector: Review and comparison of indicators frameworks. *Resources Policy*, 57, 98-111.

- Ericsson, M., & Löf, O. (2019). Mining's contribution to national economies between 1996 and 2016. *Mineral Economics*, 32(2), 223-250.
- Norusis, M. J. (1993). Advanced statistics. *SPSS for Windows, Release 6.0*, 578.
- Que, S., Awuah-Offei, K., Samaranayake, V.A., (2015). Classifying critical factors that influence community acceptance of mining projects for discrete choice experiments in the United States. *Journal of Cleaner Production* 87, 489-500.
- Rodrigues, M., Medes, L., (2018). Mapping of the literature on social responsibility in the mining industry: A systematic literature review. *Journal of Cleaner Production* 181: 88-101.
- Smith, K. P., Sorenson, J. R., & Granato, G. E. (2018). *Characterization of stormwater runoff from bridge decks in eastern Massachusetts, 2014–16* (No. 2018-5033). US Geological Survey.
- Tabachnick, B. G., Fidell, L. S., & Ullman, J. B. (2007). Using multivariate statistics (Vol. 5, No. 7). *Boston, MA: pearson*.
- Obkirchner, C. E. (2019). *The effects of gold mining on microbiome* (Doctoral dissertation)..
- Yong, A. G., & Pearce, S. (2013). A beginner's guide to factor analysis: Focusing on exploratory factor analysis. *Tutorials in quantitative methods for psychology*, 9(2), 79-94.

عوامل تأثیرگذار بر تغییر تمدنی در جهان اسلام

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر^{*1}، پوهنمل دکتور علی احمد محمدی²

۱. دیپارتمنت کیمیا، پوهنځی ساینس، پوهنتون هرات

۲. دیپارتمنت مضامین پوهنتون شمول، پوهنځی ساینس، پوهنتون هرات

* نویسنده مسئول- ایمیل: aa_heravi@hu.edu.af

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی عوامل علمی و فرهنگی مؤثر بر تغییرات تمدنی در جهان اسلام پرداخته. در این پژوهش، با تحلیل دیدگاه‌های اندیشه‌مندان مسلمان و تمدن‌پژوهان غربی، اهمیت بازشناسی مؤلفه‌های تمدن‌ساز همچون دین، عقلانیت، نظم اجتماعی، و پیشرفت علمی تبیین شده است. مسأله اصلی پژوهش، شناسایی علل افول تمدن اسلامی و راه‌های احیای آن در عصر معاصر است. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده و ابزار گردآوری اطلاعات شامل منابع مکتوب و دیجیتال معتبر می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دین اسلام، به‌عنوان نیروی محرکه تمدن اسلامی، در انسجام اجتماعی، رشد علمی و توسعه تمدنی نقشی کلیدی ایفا کرده است. بحران هویت، وابستگی اقتصادی و سلطه فرهنگی غرب از جمله عوامل انحطاط تمدنی به شمار می‌روند. بازنگری در سیاست‌های فرهنگی، احیای عقلانیت دینی، تقویت علوم انسانی و ایجاد وحدت اسلامی، از راهکارهای اصلی بازسازی تمدن اسلامی عنوان شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تمدن اسلامی، تغییر تمدنی، دین و تمدن، توسعه علمی، هویت فرهنگی

Factors influencing civilizational change in the Islamic world

Senior Teaching Assistant Dr. Basir Ahmad Mobasser^{1*}, Senior Teaching Assistant Dr. Ali Ahmad Mohammadi²

1. Department of Chemistry, Faculty of Science, Herat University.

2. Department of Islamic Culture, Faculty of Science, Herat University.

* Corresponding Author Email: aa_heravi@hu.edu.af

Abstract

The present study examines the scientific and cultural factors influencing civilizational changes in the Islamic world. Through an analysis of the perspectives of Muslim thinkers and Western civilization scholars, the importance of re-evaluating key civilizational components such as religion, rationality, social order, and scientific advancement is emphasized. The main research problem is identifying the causes of the decline of Islamic civilization and exploring strategies for its revival in the contemporary era. This study employs a descriptive-analytical approach using a library-based research method, relying on both written and digital reputable sources for data collection. The findings indicate that Islam, as a driving force of Islamic civilization, has played a crucial role in social cohesion, scientific growth, and civilizational development. Identity crises, economic dependency, and Western cultural dominance are among the main factors contributing to civilizational decline. Revising cultural policies, revitalizing Islamic rationality, strengthening the humanities, and fostering Islamic unity are proposed as key strategies for reconstructing Islamic civilization.

Keywords: Islamic Civilization, Civilizational Change, Religion and Civilization, Scientific Development Cultural Identity

مقدمه

تمدن اسلامی در گذر تاریخ دچار تحولات شگرفی شده است که عوامل علمی و فرهنگی در آن نقشی بنیادین ایفا کرده‌اند. درک دقیق سازوکار این تحولات، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های معاصر نظیر بحران هویت، وابستگی اقتصادی و سلطه فرهنگی غرب، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای احیای تمدن اسلامی محسوب می‌شود. بررسی ابعاد گوناگون این دگرگونی‌ها از منظر پیشرفت علمی، عقلانیت دینی، نظم اجتماعی و تعاملات فرهنگی می‌تواند چشم‌اندازی روشن برای بازسازی تمدن اسلامی فراهم آورد.

ضرورت انجام این پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد که تمدن اسلامی در مواجهه با پدیده جهانی شدن و تحولات شتاب‌زده عصر حاضر، نیازمند بازخوانی دقیق مبانی تمدن‌ساز خود است. بدون شناخت مؤلفه‌های مؤثر در رشد یا افول تمدن، برنامه‌ریزی برای آینده‌ای مبتنی بر هویت اسلامی ناممکن خواهد بود. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد اندیشه‌مندان مسلمان، از ابن خلدون تا سید جمال‌الدین افغانی، محمد عبده، اقبال لاهوری و مالک بن نبی، و همچنین تمدن‌پژوهانی چون ویل دورانت و آرنولد توین‌بی، هر یک از منظری خاص به تحلیل پدیده تمدن می‌پردازند.

پژوهش پیش‌رو با هدف نقد تطبیقی دیدگاه‌های این اندیش‌مندان، در پی ترسیم تصویری جامع و تحلیلی از عوامل مؤثر در تحولات تمدنی در جهان اسلام است. هدف اصلی، شناسایی و تحلیل علمی و فرهنگی مؤثر بر تغییرات تمدنی و ارائه راهکارهایی برای احیای تمدن اسلامی متناسب با نیازهای معاصر می‌باشد.

روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل منابع مکتوب و دیجیتال معتبر و پایگاه‌های علمی معتبر نظیر Scencedirect, Web of Science, Doaj است و محدوده تحقیق، تحلیل تحولات تاریخی و معاصر تمدن اسلامی و نقد دیدگاه‌های تمدن‌پژوهانه اسلامی و غربی را دربرمی‌گیرد.

یافته‌های تحقیق می‌تواند در تبیین نقش دین، علم و فرهنگ در احیای تمدن اسلامی مؤثر باشد و مبنایی نظری برای تدوین سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی جهان اسلام فراهم آورد. این پژوهش در عین حال می‌تواند به نخبگان فکری، مراکز علمی و نهادهای فرهنگی در بازاندیشی تمدنی و ارتقاء هویت اسلامی جوامع معاصر یاری رساند. همچنین از بنیادی‌ترین مباحث امروزه بشر و به‌ویژه پژوهشگران، تحلیل و بررسی تاریخ تمدن‌ها برای آینده

پوهنمل دکتور بصیراحمد مبصر

پژوهی است و آثار مستشرقین یکی از مهمترین منابع مکتوب به شمار می‌روند. آنان با شناخت و ارزیابی گسترده فرهنگ و تمدن بشری به‌ویژه خاور و با واکاوی و کنکاش در سیر تحول تاریخی زندگی انسان از آغاز، تحلیلی از تاریخ جهان داشته و جوامع متمدن را از غیر آن شناسایی نموده‌اند. معیار و ملاک آنان رشد و پیشرفت جامعه انسانی بوده و عوامل پویایی یا ایستایی تمدن‌ها را بررسی کرده‌اند. شایسته است میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معنوی، نظیر دین به‌عنوان مقوله‌ای الهی و وحیانی، و اخلاق به‌منزله ارزش‌هایی حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی، در فرایند زایش یا بازدارندگی تمدن، از منظر اندیشه‌مندان مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد.

درباره نسبت دین و تمدن در اندیشه بزرگانی چون مالک بن نبی (الویری و مهدی‌نژاد، 1392)، سید قطب و اندیشه‌مندان دیگر (احمدی، [بیتا]) پژوهش‌هایی انجام شده که معتقدند دین اسلام در ذات خود توانمندی تمدن‌سازی را دارد؛ اما درباره بررسی انتقادی دیدگاه تمدن‌شناسان غربی و شرق‌شناسان در این زمینه اثر خاصی دیده نشده است. این پژوهش درباره جامعه‌شناسان و مسئله تمدن از نوشته‌های نزدیک به موضوع است که با نگاهی اجمالی به دیدگاه‌های متعدد، مفهوم‌سازی متفاوتی از مسأله سازی فرهنگ - تمدن ارائه و از منظر متفاوت به خوانش دیدگاه‌ها و نظرات مختلف تمدنی تاریخی، پروژه‌های آینده‌نگر از دو منظر خوش‌بینانه و بدبینانه می‌پردازد (اباذری، شریعتی، فرجی، 1390).

کلمه «تمدن» نیز دارای تعاریفی متفاوت و در مواردی متشابه نزد تمدن‌شناسان و شرق‌شناسان است با دو رویکرد مهم مادی و معنوی؛ چنان‌که «پیشرفته‌ترین مرحله از توسعه اجتماعی و سازمانی انسان را تمدن گویند». ویل دورانت، تمدن را بر پایه تجمل استوار می‌داند و ظرافت، نازک‌کاری و هنرهای عالی را از مظاهر اصلی آن برمی‌شمارد. (دورانت، 1387: 4) جرجی زیدان نیز شناختی صرفاً ظاهری و مادی از تمدن دارد. او حضاره را با ثروت و تجمل مرادف می‌داند. (زیدان، 1393: 953) در رویکرد معنوی تمدنی، تمامی جوانب و ابعاد وجودی انسان لحاظ شده است. انسان موجودی دو بعدی است که در ساحت مادی و معنوی وجود خود، خواهان رشد و تعالی است. چنان‌که تمدن را به معنای گسترش عقلانیت دانسته‌اند (وبر، 1384). هنری لوکاس بین تمدن و فرهنگ تفاوت چندانی

قائل نیست، مگر آنکه دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن می‌داند. او به فهم های ویژه گروهی از مردم، اعم از دریافت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری، هنری و دینی فرهنگ می‌گوید (لوکاس، 20، 1393) ساموئل هانتینگتون نیز با باور به عدم جدایی فرهنگ از بنیاد آن یعنی تمدن بیان می‌کند، هر دو دربرگیرنده ارزش‌ها، معتقدات، نهادها و شیوه اندیشیدن نسل‌های متوالی در یک جامعه است (هانتینگتون، 40: 1380).

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان اذعان داشت که تعاریف گوناگون و متفاوتی از مفهوم «تمدن» ارائه شده است. این تعاریف، علی‌رغم اشتراکاتی نظیر تأکید بر اجتماع انسانی، پیوند با آداب و رسوم شهری، و توجه به نظم و انضباط مادی در مسیر رشد و توسعه، در نگرش‌های معنوی و نوع نگاه به انسان و جامعه‌ی بشری تفاوت‌هایی اساسی دارند. بر همین اساس، در یک رویکرد، تمدن به‌عنوان ابزاری برای تسلط بر طبیعت تلقی می‌شود، حال آن‌که در رویکردی دیگر، تمدن بستری برای تعالی انسان و شکوفایی ابعاد وجودی انسانی و معنوی او فراهم می‌سازد. با توجه به دسترسی گسترده به آثار و نوشته‌های اندیشه‌مندان همچون ویل دورانت، آرنولد توین‌بی، آلبرت حورانی، برنالد لوئیس، برونشوویک، جان برنال، جوئل کرمر، رژی بلاشه، فون گرونبوم، گوستاو لوبون، مونتگمری وات، هنری لوکاس، ساموئل هانتینگتون و یوکیشی، و با عنایت به نقش برانگیزاننده این آثار در تحریک میل به دانایی و پژوهش در میان علاقه‌مندان، تمرکز اصلی این تحقیق بر بازخوانی، تحلیل و واکاوی دیدگاه‌های این متفکران و اندیشه‌مندان در خصوص تمدن خواهد بود. در تبیین نسبت میان دین و تمدن، پرداختن به کارکردها و نقش‌های دین به‌عنوان پدیده ای الهی در جهان انسانی امری ضروری به نظر می‌رسد. مقصود از نقش و کارکرد در این زمینه، هرگونه اثر، فایده یا ویژگی‌ای است که از دین و تعالیم پیامبران بر فرد انسانی یا بر ساختارهای اجتماعی مترتب می‌گردد. این تأثیرات می‌توانند در ابعاد گوناگون فرهنگی، اخلاقی، حقوقی و تمدنی ظاهر شوند و نقشی بنیادین در شکل‌گیری، رشد و پویایی تمدن ایفا نمایند (سروش، 228: 1372 و 269). شرق‌شناسان نیز بنا بر تعریف خود از دین - انسان - اجتماع و تمدن نسبت به دامنه نفوذ دین و نقش حداقلی یا حداکثری یا تأثیر مثبت یا منفی آن نظر داده‌اند. اندیشه‌های آنان درباره نسبت دین و تمدن سه گونه است: نخست دیدگاه همگرایان که نقش حداکثری برای دین در زایش و پویایی تمدن قائل‌اند. فون گرونبوم، آلبرت حورانی

و هنری لوکاس، ژاویه پلان هول، جوزف شاخت، رابرت برونشوویک و رنه گنون چنین دیدگاهی داشتند (گرونباوم، 1342 و 1373؛ حورانی، 1384؛ لوکاس، 1393؛ توین بی، 1394؛ هونکه، 1386؛ وایتهد، 1371)، دوم دیدگاه برخی است که دین و تمدن را در تقابل و تعارض با هم می بینند. در این پژوهش از این گروه با عنوان وا گرایان یاد می شود. در نوشته های وا گرایان، دین، عامل ایستایی و افول تمدن معرفی گردیده است. این گروه دین را در مدنیت ناتوان دیده و عناصر و مؤلفه های تمدنی را در جامعه دینی نیافته یا ضعیف می انگارند. از مشهورترین معتقدین این نظرگاه ویل دورانت است. او عقیده دارد لازمه مدنیت برقراری نظم اجتماعی است و در اجتماعات و مدنیت های عالی همیشه کشمکشی میان دین و اجتماع برقرار است که به شکست دین می انجامد (دورانت، 1387: 4 و 85). مونتگ مری وات و شاتوبریان نیز با رویکرد مادیگرایانه به تمدن آن را از اخلاق و دین که اموری فرامادی تلقی می شوند جدا می سازند و تصویری زشت از دین را ترسیم می نمایند (وات، 1373: 1344، سعید، 1390).

سوم دیدگاهی است که دین را هم عامل تمدن سازی و هم ایستایی و فروپاشی آن می داند. گوستاو لوبون، رژی بلاشر، هولت، هانتینگتون چنین دیدگاهی داشتند (گوستاو لوبون، 1316؛ هولت، 1390؛ هانتینگتون، 1380) این پژوهش به بررسی دیدگاه ویل دورانت در قامت نماینده وا گرایان می پردازد و در نقد دیدگاه وی به برداشت های دیگر خاورشناسان استناد می کند. همچنین تمدن را از دیدگاه اسلام که مفهومی گسترده و عمیق دارد که تنها به مظاهر مادی مانند معماری، علم، یا تکنولوژی محدود نمی شود، بلکه ابعاد معنوی، اخلاقی، و انسانی را نیز دربر می گیرد، می پردازد. دین اسلام به تمام جوانب زندگی انسانی می پردازد و همه اقشار جامعه را در بر می گیرد. در این مقاله تمدن از دیدگاه اسلام و اندیشه مندان مسلمان نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته های تحقیق

یافته های تحقیق به صورت زیر می باشد، که مورد ارزیابی قرار می گیرد:

دین مجموعه ای از باورها، اعمال، مناسک، و ارزش هایی است که انسان ها برای درک و تبیین پدیده های هستی، معنا بخشیدن به زندگی، و برقراری ارتباط با امر متعالی یا مقدس از آن بهره می گیرند. در این تعریف، دین به عنوان نظامی فرهنگی - معنوی در نظر گرفته می شود که چارچوبی

برای جهان‌بینی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. که در این میان ادیان ابراهیمی به عنوان ادیان توحیدی جایگاه والایی دارند. ادیان ابراهیمی که شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام هستند، به عنوان بزرگ‌ترین سنت‌های دینی توحیدی جهان شناخته می‌شوند و ریشه‌ی مشترکی در باور به پیامبری حضرت ابراهیم (ع) دارند. این ادیان، دین را نه تنها به عنوان مجموعه‌ای از باورها و مناسک، بلکه به مثابه پیمان و رابطه‌ای خاص میان انسان و خدا تعریف می‌کنند (کامبی، 2011).

الف) یهودیت

در یهودیت، دین با مفهوم عهد (بریت) میان خدا و قوم بنی اسرائیل تعریف می‌شود. یهودیان بر این باورند که خداوند با حضرت ابراهیم (ع) و سپس با حضرت موسی (ع) پیمانی بسته است که طی آن، قوم بنی اسرائیل باید به شریعت الهی (تورات) پایبند باشند و در مقابل، از برکات و رحمت الهی برخوردار خواهند شد. دین در یهودیت بیشتر معطوف به عمل به احکام، شرایع و رعایت قوانین شرعی (هلاخاه)، و حفظ هویت قومی - دینی است. ارتباط با خدا از طریق عبادت، تلاوت تورات، رعایت آداب و رسوم مذهبی و پایبندی به سنت‌ها برقرار می‌شود (لیمن، 2010).

ب) مسیحیت

در مسیحیت، دین با تأکید بر ایمان به حضرت عیسی مسیح (ع) یا عیسی بن مریم به عنوان پسر خدا و نجات‌دهنده معنا می‌یابد. محور دین در مسیحیت نه صرفاً عمل به شریعت، بلکه رابطه شخصی با خدا از طریق ایمان، عشق و محبت است. به باور مسیحیان، حضرت عیسی مسیح (ع) با مرگ و رستاخیز خود، نجات و آمرزش گناهان را برای انسان‌ها فراهم کرده است. دین در این سنت، بیشتر بر عشق الهی، محبت و دوست داشتن، اخلاق، فداکاری، رستگاری و زندگی جاویدان تأکید دارد. کتاب مقدس انجیل (عهد جدید و عهد عتیق) منبع اصلی آموزه‌های دینی است (شارما، 2012).

ج) اسلام

در اسلام، دین مفهومی جامع دارد و به معنای تسلیم و اطاعت در برابر اراده‌ی الهی است. واژه‌ی "اسلام" خود از ریشه "س ل م" به معنای تسلیم شدن در برابر معبود است. دین در اسلام مجموعه‌ای هماهنگ از عقاید، اعمال عبادی، احکام فقهی، و ارزش‌های اخلاقی است که در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (ص) تبیین شده‌اند. از دیدگاه اسلامی، همه پیامبران گذشته، از حضرت آدم (ع) تا حضرت محمد (ص)، حامل یک دین واحد یعنی دین توحیدی بوده‌اند (آرمسترانگ، 2000).

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»... (آل عمران: 19)

يعنى: «همانا دين نزد خدا، اسلام است».

اسلام، دين را فطرى مى داند و معتقد است كه انسان با گرايش طبيعى به سوى توحيد و حقايق دينى آفريده شده است. انسان هاى پاك سرشت فطرتاً به دين اسلام تمايل دارند. همچنين، دين در اسلام رابطه اى بين فرد و خداست كه بايد در رفتار اجتماعى نيز بازتاب يابد.

تعريف تمدن

تمدن، در عربى به معنى حضارة، به انگليسى در معنى عام Civilization ناميده مى شود، و به مرحله اى پيشرفته از توسعه اى اجتماعى، فرهنگى، اقتصادى و فناورانه در يك جامعه اى انساني اطلاق مى شود. در اين مرحله، انسان ها در قالب جوامعى سازمان يافته و دسته جمعى، اقدام به ايجاد نهادهائى سياسى، ساختارهاى اقتصادى، نظام هاى آموزشى و تربيتى، حقوقى، جلوه هاى فرهنگى و هنرى، و شيوه هاى پيچيده اى زيست اجتماعى مى نمايند. تمدن معمولاً با ويژگى هاى نظير شهرنشيني، پيدايش خط و نوشتار، تقسيم كار، قانون گذارى، دين سازمان يافته، تكنولوژى هاى پيشرفته، هنر و معمارى، و شبكه هاى گسترده اى روابط اجتماعى و اقتصادى شناخته مى شود (ويى و فاروقى، 2012).

ويژگى هاى اصلى تمدن

از جمله شاخصه هاى مهم يك تمدن مى توان به موارد زير اشاره كرد:

1. وجود سازمان هاى سياسى و اجتماعى پيشرفته (مانند دولت، حكومت و نظام هاى قانونى)
2. شكل گيرى نظام اقتصادى منظم، از زراعت و تجارت گرفته تا صنعت
3. استفاده از خط و نوشتار براى ثبت و انتقال دانش، فرهنگ و تاريخ
4. حضور نهادهائى دينى، فلسفى و سياسى سامان يافته
5. شهرنشيني و بروز معمارى و سازه هاى ساختمانى پيچيده و ماندگار
6. پيشرفت و توسعه در حوزه هاى علمى و تكنولوژى
7. توسعه اى هنر، ادبيات و فرهنگ كتابت (كاوامورا، 2007)

ریشه شناسی واژه تمدن

واژه «تمدن» برگرفته از ریشه «مدن» به معنى شهر و شهرنشيني است. در زبان عربى، واژه «حضاره» نيز از ریشه «حضر» در برابر «بدو» (بيابان نشيني) مشتق شده كه به معنى «شهرنشيني» به كار مى رود. در زبان لاتين، واژه (civilization) از ریشه (civis) به معنى شهروند و (civitas)

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

به معنای دولت شهر مشتق شده است که همگی به ماهیت شهری و اجتماعی این پدیده اشاره دارند (ساکولچای، 2001).

دیدگاه‌های گوناگون درباره تمدن

مفهوم تمدن از منظر مکاتب و علوم مختلف، تعاریف و تفسیرهای متفاوتی دارد:

1. در تاریخ‌نگاری کلاسیک، آغاز تمدن با ظهور خط، شهرها و دولت‌ها هم‌زمان دانسته می‌شود.

2. در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، تمدن به مثابه فرایندی پیچیده در تکامل فرهنگی و شکل‌گیری نهادهای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

3. از منظر برخی اندیشمندان مسلمان، تمدن حاصل تعامل متعادل میان عقل، وحی و طبیعت در مسیر رشد و تعالی انسان است (مانند دیدگاه‌های مالک بن نبی و سید حسین نصر).

4. منتقدان مدرنیته، تمدن را گاه با پیامدهای منفی همچون بهره‌کشی از طبیعت، بی‌عدالتی اجتماعی و زوال ارزش‌های انسانی همراه می‌دانند (بوتز-برنشتاین، 2012).

تفاوت تمدن با فرهنگ

با وجود آن‌که در کاربردهای روزمره، واژگان «تمدن» و «فرهنگ» گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما در علوم انسانی میان آن دو تمایز روشنی وجود دارد: فرهنگ بیشتر ناظر بر جنبه‌های معنوی و نرم‌افزاری جامعه از جمله باورها، ارزش‌ها، زبان، هنر و رسوم است. تمدن افزون بر عناصر فرهنگی، شامل ساختارهای نهادی و دستاوردهای مادی و سخت‌افزاری فناورانه جوامع نیز یاد می‌شو. (مک نامی، 2018). برخی اندیشمندان در این باره معتقدند: «فرهنگ، روح تمدن است و تمدن، جسم فرهنگ».

دیدگاه اندیشمندان و متفکران مسلمان درباره تمدن

الف) دیدگاه عبدالرحمن ابن خلدون در مورد تمدن:

ابن خلدون، جامعه‌شناس و مورخ برجسته مسلمان و عرب در قرن چهاردهم، در سال 1332 میلادی در کشور تونس دیده به جهان گشود و در سال 1406 وفات نمود. در اثر مشهور خود "مقدمه بر تاریخ" یا "مقدمه ابن خلدون" نظریات منحصر به فردی درباره تمدن، جامعه و تاریخ ارائه کرده است.

دیدگاه‌های او در مورد تمدن، نه تنها در تاریخ‌نگاری اسلامی بلکه در نظریه‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ جهان تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته است.

1. چرخه حیات تمدن‌ها: ابن خلدون معتقد بود که تمدن‌ها دارای یک چرخه طبیعی هستند. او تمدن‌ها را به مراحل مختلفی تقسیم می‌کند که شامل ظهور، رشد، افول و نابودی می‌شود. این مراحل به طور معمول از طریق یک سلسله حوادث اجتماعی و اقتصادی رخ می‌دهند که به تدریج موجب دگرگونی در وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه می‌گردند.

2. عصبیت (روح جمعی، همبستگی اجتماعی یا قبیله‌گرایی): یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه ابن خلدون "عصبیت" است. عصبیت به معنای همبستگی اجتماعی و اتحاد گروهی و جمعی است که در ابتدای شکل‌گیری یک جامعه نقش اساسی و حیاتی دارد. ابن خلدون معتقد است که قدرت و توان یک گروه در ایجاد و حفظ تمدن‌ها از عصبیت و قبیله‌گرایی آنها ناشی می‌شود. در آغاز، گروه‌های کوچک و قبایل با این همبستگی توانایی ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی را کسب می‌کنند، اما با گذشت زمان و افزایش پیچیدگی‌های جامعه، این عصبیت ضعیف شده و جامعه رو به فساد، افول و انحطاط می‌گذارد.

3. رابطه بین اقتصاد و تمدن: ابن خلدون به تأثیرات اقتصادی بر روند تشکیل تمدن توجه زیادی دارد. او معتقد بود که ابتدا قدرت مالی و اقتصادی نقش اساسی در ایجاد تمدن ایفا می‌کند، اما با افزایش رفاه و راحتی‌های مادی در جوامع موجب کاهش "عصبیت" و انگیزه‌های سخت‌کوشی می‌شود. و خلق و خوی زندگی تجملاتی در بین شهروندان افزایش می‌یابد. از این رو، هرچقدر که جامعه به مرحله‌ای از تجملات و رفاه مادی برسد، توانایی‌های جمعی آن کاهش یافته و از شتاب رشد تمدن کاسته می‌شود.

4. نقش دولت و حکومت: ابن خلدون همچنین تأکید داشت که در هر تمدن، حکومت و قدرت دولتی در حفظ نظم و ثبات نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. به نظر او، در مراحل ابتدایی، دولت‌ها از طریق حمایت از گروه‌های متحد و همبسته شکل می‌گیرند. اما در مراحل بعدی، هنگامی که فساد و تفرقه به جامعه نفوذ می‌کند، دولت‌ها دچار ضعف و زوال می‌شوند.

5. پایان و تجدید تمدن‌ها: ابن خلدون در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تمدن‌ها به دلیل فساد در درون خود، از بین می‌روند، اما این نابودی به معنای پایان تاریخ نیست. او باور داشت که تمدن‌ها می‌توانند دوباره از نو شکل بگیرند، اما این فرآیند همواره با تغییرات و تحولات اساسی همراه است.

ابن خلدون معتقد بود، که هر تمدن چهل سال یکبار تجدید می‌شود، و تمدن را مانند یک انسان در نظر می‌گرفت، که دوران کودکی، جوانی و کهنسالی را طی می‌کند (مهدی، 1971).

دیدگاه علامه سید جمال الدین افغانی در مورد تمدن:

دیدگاه علامه سید جمال الدین افغانی درباره تمدن، یکی از جنبه‌های مهم اندیشه سیاسی و اجتماعی اوست که بر مبنای تلفیق عقلانیت دینی، بیداری اسلامی و ضرورت پیشرفت مسلمانان شکل گرفته است. علامه سید جمال الدین افغانی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ ق)، از متفکران برجسته نهضت بیداری اسلامی در قرن نوزدهم میلادی، با نگاهی اصلاح‌گرایانه و انتقادی به مسئله تمدن و عقب‌ماندگی مسلمانان می‌نگریست. او تمدن را نه صرفاً مجموعه‌ای از مظاهر مادی و صنعتی، بلکه تجلی عقلانیت، پیشرفت فکری، عدالت اجتماعی و اقتدار سیاسی در بستر فرهنگ و دین می‌دانست. دیدگاه تمدنی سید جمال در تقابل با انحطاط فرهنگی و سلطه استعمار غرب شکل گرفت و بر بیداری امت اسلامی و بازگشت به اصول اصیل اسلامی تأکید داشت.

۱. تمدن به مثابه عقلانیت و اصلاح دینی

در اندیشه سید جمال، تمدن از عقلانیت جدا نیست. او بر این باور بود که جوهر تمدن غربی، نه در قدرت نظامی یا صنعت پیشرفته، بلکه در بهره‌گیری از عقل، علم، سازماندهی و نظم اجتماعی است. وی معتقد بود که جوامع اسلامی زمانی متمدن بودند که عقلانیت، اجتهاد، علم و پیشرفت در آن‌ها شکوفا بود، و آغوش جوامع اسلامی به روی دروازه‌های علم و دانش و دانشمندان کشورهای مختلف گشوده بود. از این رو، او خواستار احیای عقلانیت اسلامی و دوری از جمود و تقلید بود. فکر و اندیشه علامه سید جمال آشتی جوامع مسلمان با علوم عصری بود، و عامل پیشرفت کشورهای غربی را در پوهنتون‌ها و مکاتب شان می‌پنداشت.

۲. تمدن اسلامی و بازگشت به خویشتن

سید جمال تمدن را پدیده‌ای درونی و خودجوش می‌دانست و نه امری تحمیلی از بیرون. او بر این نکته تأکید داشت که مسلمانان باید با بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی، به‌ویژه توحید، عدالت، علم و وحدت، تمدن خود را بازسازی کنند. در این مسیر، نه تقلید از غرب، بلکه بازاندیشی در سنت اسلامی و اصلاح درونی و ارزیابی خودی جوامع مسلمان را ضروری می‌دانست. علامه سید جمال سعی می‌نمود با ایجاد انگیزه در بین حاکمان کشورهای اسلامی زمینه و بستر رشد و تعالی علمی را در بین مسلمانان زنده کند.

پوهنمل دکتور بصیراحمد مبصر

۳. نقد تمدن غربی و استعمار

هرچند سید جمال دستاوردهای تمدن غرب را انکار نمی‌کرد، اما نسبت به ماهیت سلطه‌جویانه و استعماری آن هشدار می‌داد. او معتقد بود که غرب با استفاده از علم و صنعت، در پی سیطره سیاسی و فرهنگی بر ملت‌های شرقی و اسلامی است. و سعی می‌کند کشورهای اسلامی را به بند بکشد و زمینه استثمار آنها را فراهم نماید. بنابراین، تمدن غربی اگر بدون نقد و از موضع انفعال پذیرفته شود، موجب نابودی هویت اسلامی خواهد شد، و کشورهای اسلامی یکی بعد از دیگری به تله استعمار گرفتار خواهند شد.

۴. تمدن و وحدت اسلامی

از منظر علامه سید جمال، تمدن اسلامی با وحدت امت اسلامی پیوندی ناگسستنی دارد. او معتقد بود که تفرقه مذهبی، تعصبات بی‌اساس و جدایی ملت‌های اسلامی از یکدیگر، مانع اصلی در راه تجدید تمدن اسلامی است. وی ایده «اتحاد اسلام» را به عنوان راهی برای بازیابی قدرت و شکوفایی تمدنی مسلمانان مطرح کرد. به همین دلیل با سفر به کشورهای مختلف اسلامی در صدد ایجاد اتحاد و همبستگی بین مسلمانان را در سر می‌پروراند، زیرا مجد و عظمت مسلمانان را در اتفاق و اتحاد آنها می‌دانست (محمد، ۲۰۰۱ و فاروقی، ۲۰۱۲).

دیدگاه محمد عبده درباره تمدن

محمد عبده (۱۹۰۵-۱۸۴۹م)، از برجسته‌ترین متفکران نواندیش دینی و از چهره‌های اصلی جنبش اصلاح دینی در مصر و جهان اسلام، نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان مدرنیته اسلامی ایفا نمود. وی در آثار خود تلاش کرد تا تصویری از تمدن ارائه دهد که هم‌زمان با آموزه‌های اصیل اسلامی سازگار بوده و در عین حال با مظاهر تمدن جدید نیز همخوان باشد.

۱. تمدن به مثابه عقلانیت و نظم اجتماعی

محمد عبده، تمدن را فراتر از مظاهر مادی آن می‌دانست و آن را فرآیندی فرهنگی و عقلانی تعریف می‌کرد که در آن عقلانیت، اخلاق، عدالت و نظم اجتماعی نقش محوری دارند. از نظر او، تمدن زمانی شکل می‌گیرد که جامعه‌ای بر پایه‌ی عقل و هدایت وحیانی سامان یابد و در آن ارزش‌هایی چون علم‌گرایی، قانون‌مندی و مسئولیت‌پذیری نهادینه شده باشند، و به عقیده وی دانش گم‌شده مومن است و باید مسلمانان گم‌شده‌ی خویش را پیدا کنند. تا زمینه رشد و توسعه در کشورهای اسلامی فراهم شود. عبده معتقد بود، باید ابتدا بر روی فکر و اندیشه جوامع اسلامی کارکرد. و به صورت تدریجی تغییرات بین طبقات مختلف اسلامی ایجاد نمود.

۲. سازگاري اسلام با مظاهر تمدن جديد

محمد عبده با تفكيك ميان جوهر و مظاهر تمدن غربی، بر اين باور بود كه اصول تمدنی مدرن نظير آزادی، عدالت، برابری و علم‌گرایی نه تنها با اسلام ناسازگار نیستند، بلکه ریشه در تعالیم اصیل دینی دارند. وی با استناد به قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص)، تلاش می‌کرد نشان دهد كه اسلام دینی عقل‌پذیر، دانش‌پرور و تمدن‌ساز است و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی نه به سبب اسلام، بلکه به دلیل انحراف از مقاصد اصلی دین و ركود فكري رخ داده است. او معتقد بود، کشورهای اروپایی با رها نمودن خرافات و بدعت‌ها زمینه رشد و توسعه علمی را فراهم نمودند و کشورهای اسلامی با ترك نمودن اصل دین خود و پرداختن به خرافات زمینه عقب‌ماندگی را مهیا نمودند.

۳. انتقاد از تقلید و دعوت به اجتهاد

عبده از منتقدان جدی تقلید کورکورانه-چه از تمدن غربی و چه از سنت دینی منجمد بود. او معتقد بود كه احیای تمدن اسلامی مستلزم بازگشت به اصول اجتهاد، بازخوانی نصوص دینی در پرتو عقل، دانش و علم روز بود، مقتضیات زمانی، و مبارزه با خرافات و جمود فكري از ارکان اصلی اندیشه محمد عبده را تشکیل می‌داد. در این راستا، وی بر ضرورت اصلاح دینی به عنوان پیش‌شرطی برای اصلاح اجتماعی و تمدن‌سازی تأکید داشت.

۴. نقش آموزش در تحقق تمدن

در اندیشه محمد عبده، آموزش رکن اساسی و اصلی را در فرآیند تمدن‌سازی ایفا می‌کند. او خواستار اصلاح نظام آموزشی موجود، گسترش علوم عقلی و دانش روز، و تربیت نسلی متفکر، اندیشمند و صاحب فکر، مستقل و مسئول در برابر جامعه بود. از نظر او، تنها از رهگذر آموزش عقلائی، علمی و تربیت اخلاقی است كه جوامع اسلامی می‌توانند گامی به سوی تعالی و تمدنی پویا، انسانی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی دست یابند (انیق، 2022).

دیدگاه رشید رضا در مورد تمدن:

رشید رضا (1865-1935م) یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان اصلاح‌گر مسلمان در سده‌ی بیستم میلادی است كه در پاسخ به چالش‌های ناشی از مواجهه‌ی دنیای اسلام با تمدن غرب، دیدگاه‌هایی منسجم و نظام‌مند در باب تمدن ارائه نمود. او ضمن تأکید بر ضرورت بازسازی تمدن اسلامی، نگاهی انتقادی و گزینشی به مظاهر تمدن غربی داشت و در پی ایجاد تعادلی میان آموزه‌های اسلامی و پیشرفت‌های مادی نوین بود.

1. تمایز میان تمدن مادی و معنوی

رشید رضا تمدن را دارای دو ساحت مادی و معنوی می‌داند. از نظر او، تمدن مادی شامل علوم طبیعی، صنعت، صحت، نظام‌های حکومتی و فنون نظامی است، در حالی که تمدن معنوی به ارزش‌هایی نظیر عدالت، اخلاق، دین، آزادی و معنویت اشاره دارد. او باور داشت که تمدن غربی اگرچه در جنبه‌های مادی پیشرفت چشمگیری داشته، اما در بُعد معنوی دچار بحران و انحطاط شده است؛ در مقابل، تمدن اسلامی از نظر معنوی غنی است اما در عرصه‌های مادی دچار عقب‌ماندگی شده است.

2. رویکرد انتقادی نسبت به تمدن غربی

رشید رضا با پذیرش پیشرفت‌های علمی و فنی غرب، به شدت از تقلید کورکورانه از مظاهر تمدن غربی انتقاد می‌کرد. به اعتقاد او، تمدن غربی با وجود دستاوردهای علمی، از لحاظ اخلاقی، اجتماعی و دینی با چالش‌های بنیادینی مواجه است. از این رو، او برگزینش آگاهانه، برخورد پدیدارشناسانه به جای ستیز ایدئولوژیک و نقادانه را با عناصر تمدن غربی تأکید داشت و معتقد بود مسلمانان باید آن دسته از جنبه‌های تمدن غربی را که با مبانی اسلامی ناسازگار نیستند، اقتباس نمایند. مخصوصاً بر تحصیل فرزندان مسلمان و فراگیری علوم عصری تأکید فراوان داشت.

3. احیای تمدن اسلامی

یکی از اهداف اساسی رشید رضا، احیای تمدن اسلامی از طریق بازگشت به اصول بنیادین اسلام بود. او بر این باور بود که اسلام دینی تمدن‌ساز است و تمدن اسلامی در گذشته، با تکیه بر تعالیم قرآن و سنت و بهره‌گیری از عقل، توانسته بود الگویی بی‌بدیل از پیشرفت مادی و معنوی را به ارمغان آورده بود. بنابراین، برای بازسازی این تمدن، لازم است مسلمانان به اصلاح درون‌دینی و اصلاح فردی بپردازند، بازنگری در فهم متون اسلامی، و تجدید بنای فکری و اجتماعی بپردازند.

4. نقش دین در پیشرفت تمدن

رشید رضا برخلاف رویکرد سکولاریستی رایج در غرب، دین را نه مانعی برای پیشرفت، بلکه عاملی اساسی در رشد تمدن می‌داند. از نظر او، اسلام دینی است که انسان را به علم، تعقل، تفکر، تدبیر، اندیشه، نظم، عدالت، انصاف و آبادانی دعوت می‌کند و در صورت فهم صحیح دینی و اجرای دقیق آن، می‌تواند بنیانی محکم و استوار برای تمدن‌سازی فراهم آورد.

5. نظام خلافت و وحدت امت اسلامي

رشيد رضا در اثر مهم خود الخلافة أو الإمامة العظمى، احيای خلافت اسلامي را شرط لازم برای بازسازی تمدن اسلامي می دانست. به زعم او، خلافت می تواند عامل وحدت امت اسلامي و انسجام سياسي- اجتماعي مسلمانان باشد، و این وحدت، زمینه ساز بازگشت به دوران شکوفایی تمدني اسلام خواهد بود. او البته به اصلاح در مفهوم و ساختار خلافت نیز تأکید داشت و بر لزوم سازگاری آن با شرایط زمانه اصرار می ورزید. رشيد رضا نسبت به خلافت عثماني خوشبین نبود و با سازوکار خلافت عثماني مشکل داشت و مورد قبول او نبود (میرسپاس، 2006).

دیدگاه علامه اقبال لاهوری درباره تمدن

محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸م)، فیلسوف، شاعر، اندیشمند و متفکر مسلمان اهل شبه قاره هند، از جمله دانشمندانی است که در آثار خود به تحلیل و بررسی ماهیت تمدن، به ویژه تمدن اسلامي و تمدن غربی، پرداخته است. او با نگاهی ترکیبی از عقلانیت، وحی، تجربه تاریخی مسلمانان و نیازهای معاصر انسان، تصویری نو از تمدن ارائه می دهد که بر اساس آن، تمدن صرفاً مجموعه ای از دستاوردهای مادی و تکنولوژیک نیست، بلکه تجلی نوعی نظام ارزشی، جهان بینی و نگرش به بشر و هستی است.

1. تمدن به مثابه تجلی روح انسان

از دیدگاه علامه اقبال لاهوری، تمدن حقیقی حاصل رشد و بلوغ انسان در ابعاد مختلف وجودی اوست؛ تمدنی که در آن عقل، اخلاق، ایمان و خلاقیت انسانی در تعادل و تعامل قرار گیرند. او تمدن را تنها با ابزارهای علمی و تکنولوژیک نمی سنجد، بلکه آن را نتیجه ی بویایی فکری و اخلاقی انسان در مسیر «خودی» (خویش شناسی و اراده ی فعال) می داند.

2. نقد تمدن غربی

علامه اقبال از جمله نخستین متفکران و اندیش مندان مسلمان در عصر مدرن بود که نقدی عمیق و فلسفی بر تمدن غربی وارد کرد. او تمدن غرب را علی رغم پیشرفت های چشم گیر علمی و صنعتی، گرفتار بحران معنویت، خودباختگی فرهنگی و فقدان ارزش های انسانی می دانست. اقبال معتقد بود که تفکیک دین از زندگی اجتماعي و تسلط عقل ابزاری، باعث فروپاشی اخلاق و بی معنایی زندگی در تمدن غرب شده است. علامه اقبال معتقد بود، که در اروپا عشق به لجن کشیده شده و در کشورهای اسلامي انسانیت، به همین دلیل در کشورهای غربی پدیده ی عشق و محبت و دوستی کمتر دیده

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

می شود، و جامعه انسان ها را به موجوداتی رو بات مانند و ماشینی تبدیل نموده است، و در کشورهای اسلامی روحیه ایثار و فداکاری کم رنگ تر شده و فضایل اخلاقی رو به اضمحلال می رود. همچنین علامه اقبال لاهوری بیان می نماید: «تمدن غرب، روح را در میان ابزارها گم کرده است»

3. تمدن اسلامی، تمدنی متعادل و معنوی

تمدن اسلامی در اندیشه علامه اقبال، تمدنی است که بر پایه ی توحید، عدالت، انصاف، آزادی معنوی و کرامت انسانی بنا شده است. او معتقد بود اسلام با ارائه ی نظامی جامع از معرفت، اخلاق، عشق، محبت، سیاست و اقتصاد، توان تمدن سازی دارد. از منظر اقبال لاهوری، قرآن مجید منبع اصلی تمدن اسلامی است و مسلمانان با بازگشت خلاقانه به معارف قرآنی و بازاندیشی دینی در سنت اسلامی می توانند تمدنی نوین و پویا بنیان نهند.

4. انسان، محور تمدن

علامه اقبال در فلسفه خود، انسان را موجودی مختار، خلاق و مسؤول معرفی می کند، که می تواند با شناخت خودی (self) و شکوفایی استعداد های درونی اش، جامعه و تمدنی نوآور و متعالی بسازد. در تمدن مورد نظر اقبال لاهوری، انسان تنها مصرف کننده ی مظاهر تمدنی نیست، بلکه آفریننده ی آن است.

5. تمدن، محصول تعامل عقل و وحی

از منظر علامه اقبال، تمدن اصیل نه تنها به تجربه و عقلانیت، بلکه به هدایت وحیانی نیز نیاز دارد. او بر این باور بود که تنها با توازن میان عقل و ایمان می توان تمدنی انسانی و پایدار ایجاد کرد. تمدنی که از وحی الهی گسسته باشد، گرچه ممکن است از نظر مادی موفق باشد، اما از نظر معنوی رو به زوال و انحطاط خواهد رفت (رحیم، 2015).

دیدگاه مالک بن نبی درباره تمدن

مالک بن نبی، اندیشمند، فیلسوف سیاسی، روان شناس، جامعه شناس و متفکر الجزایری در سال 1905 چشم به جهان گشود و در سال 1973 چشم از دنیا فرو بست، یکی از مهم ترین نظریه پردازان معاصر در زمینه تمدن اسلامی است. او با نگاهی تحلیلی به تاریخ تمدن اسلامی و وضعیت جوامع مسلمان، مسئله تمدن را به عنوان یکی از بنیادی ترین چالش های جهان اسلام مطرح می کند. از نظر او، تمدن نه یک پدیده اتفاقی، بلکه حاصل ترکیب و تعامل چند عامل اساسی در بستر زمان، مکان و تحت تأثیر یک اندیشه یا ایده الهام بخش است. در نگاه مالک بن نبی، تمدن از تعامل سه عنصر اصلی

شكل مي گيرد: انسان، زمان و مكان، اين سه عنصر زماني به تمدن منتهي مي شوند كه توسط يك "ايدة راهنما" يا "روح فرهنگي" هدايت شوند؛ ايدة‌اي كه مي تواند ديني يا معنوي باشد و به زندگي فردي و جمعي جهت و معنا بخشد. او تمدن را فرايندي مي داند كه از درون انسان و تحول فكري، اخلاقي و شخصيتي او آغاز مي شود و سپس به ساختارهاي اجتماعي، فرهنگي و سازه‌هاي تمدني گسترش مي يابد. مالك بن نبي براي تمدن سه مرحله قائل است: مرحله روي، كه آغاز حركت تمدني و بيداري معنوي جامعه است؛ مرحله عقلائي، كه جامعه به دانش، فن و نظم روي مي آورد كه مرحله بلوغ فكري انسان را شامل مي شود؛ و در نهايت مرحله غريزي يا مادي، كه در آن جامعه به مادي گرايي، لذت طلبي، تجمل گرايي و افول اخلاقي دچار مي شود و تمدن رو به زوال و انحطاط مي رود. او معتقد است تمدن اسلامي در دوره‌اي از تاريخ خود، پس از شكوفايي عقلائي و پرورش علوم مختلف، وارد مرحله افول غريزي و مادي شده و اكنون نيازمند بازگشت به مرحله روي و احياي دوباره معنويت است. يكي از مفاهيم كليدي در اندیشه مالك بن نبي، "قابليت تمدن پذيري" است، زيرا دين اسلام اين ظرفيت را دارا بود، كه از تمدن‌هاي ديگر اقتباس نمايد و موجب بالندگي و رشد تمدن اسلامي را فراهم نمايد. همان طور كه در تاريخ اسلام مكتوب است، خيلي از كارهاي اداري را در زمان خلفاي راشدين، مسلمانان از مردم بلاد فارس و روم فراگرفتند. او تأكيد دارد كه قبل از آن كه جامعه‌اي وارد فرايند تمدن سازي شود، بايد آمادگي فكري، روي، رواني و فرهنگي آن را كسب نمايد. به باور او، تمدن را نمي توان از بيرون وارد كرد؛ بلكه بايد در درون انسان‌ها و فرهنگ آن‌ها جستجو نمود و تحولي بنيادي را ايجاد كرد، كاري كه رسول گرامي اسلام (ص) در دوران نبوت خود انجام دادند، و در بين مردم مكه و مخصوصا طيف جوان را وادار به فكر و اندیشه مي نمودند و چرایی برای شان خلق مي كردند تا از حالت جمود فكري خارج شوند. نکته قابل توجه ديگر در نظريه او، مسئله "استعمار زدگي ذهني" است، خيلي از مسلمان‌ها از لحاظ جسمي از بند استعمار رها مي شدند اما از لحاظ ذهني و فكري براي سال‌متمادي در بنده غل و زنجير گرفتار بودند، به همين دليل از بين بردن استعمار فكري به مراتب سخت تر و مشكل تر از استعمار جسمي است. مالك بن نبي معتقد بود كه مهم تر از استعمار خارجي، رويحه استعمار زدگي دروني است؛ حالي كه در آن، ملت‌ها احساس ضعف، وابستگي و بي ارادگي مي كنند. اين رويحه مانعي بزرگ بر سر راه تمدن سازي است. از ديد او، تا زماني كه ملت‌ها خود را ناتوان بيندارند، حتي اگر استعمار بيروني از ميان برود، پيشرفتي حاصل نخواهد شد. در نهايت، مالك بن نبي راه تمدن سازي را از اصلاح فرد آغاز و به اصلاح جامعه ختم

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

می‌کند، زیرا اگر افراد جامعه اصلاح شوند مجموع این افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و متعاقب آن، اجتماع نیز اصلاح خواهد شد. به باور او، با پرورش انسان‌هایی دارای تفکر، اندیشه، اخلاق، نظم، و احساس مسئولیت، می‌توان زمینه‌های تمدن را فراهم کرد. او بازگشت به اصول اخلاقی و دینی، و بیداری فکری جوامع مسلمان را کلید اصلی احیای تمدن اسلامی می‌داند (عمر، 2004).

دیدگاه سید قطب درباره تمدن

سید قطب، در سال 1906 در مصر دیده به جهان گشود و در سال 1966 چشم از دنیا فرو بست. سید قطب، اندیشمند، مفسر، جامعه‌شناس، نظریه‌پرداز و یکی از متفکران برجسته مسلمان قرن بیستم، نظرات ویژه‌ای درباره تمدن و جایگاه آن در جهان اسلام داشت. او در آثار خود به‌ویژه در کتاب‌هایی چون *في ظلال القرآن* و *معالم في الطريق* به تفصیل به تحلیل تمدن و نقش اسلام در شکل‌دهی به آن پرداخته است. دیدگاه‌های سید قطب درباره تمدن را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد:

1. تمدن اسلامی و تمدن غربی

سید قطب بر این باور بود که تمدن غربی، با ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند فردگرایی، مادی‌گرایی، هستی‌گرایی، انسان‌گرایی و سکولاریسم، موجب بحران‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بشری شده است. او تمدن غرب را که بر پایه اصالت انسان و جدایی دین از سیاست استوار است، تمدنی ناموفق و عقیم می‌داند که نتیجه‌اش درگیری‌ها و جنگ‌ها، استثمار، استعمار و بی‌عدالتی بود. به عقیده او، غرب با ایجاد یک ایدئولوژی مادی و بی‌اعتنایی به جنبه‌های روحانی، روانی و اخلاقی زندگی، انسان را از هویت واقعی خود دور کرده است.

2. اسلام و نقش آن در تمدن

سید قطب برای تمدن اسلامی ارزش خاص و جایگاه رفیعی قائل بود. او تمدن اسلامی را تمدنی می‌داند که بر پایه ایمان به الله و ارزش‌های الهی بنا شده است. از نظر او، این تمدن به‌طور کلی با تمدن‌های مادی‌گرای غرب تفاوت دارد، زیرا به انسان هدفی عالی‌تر از تأمین نیازهای مادی ارائه می‌دهد و به ابعاد روحی، روانی و معنوی انسان توجه ویژه‌ای دارد. در نظر سید قطب، اسلام نه تنها یک دین، بلکه یک نظام جامع فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که می‌تواند تمدنی برتر و پایدارتر از تمدن‌های مادی ایجاد کند.

3. انتقاد از اسلام‌شناسی مدرن

قطب به انتقاد از روند غربی‌شدن جامعه اسلامی و تأثیرات آن بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی پرداخت. او معتقد بود که بسیاری از جوامع اسلامی تحت تأثیر تمدن غربی قرار گرفته‌اند و دچار

انحطاط و زوال فرهنگي شده‌اند. به همين دليل، او بر بازگشت به اصول اسلامي و تجديد ميثاق با تمدن، ارزش‌هاي اسلامي و شعائر ديني تأكيد مي‌کرد. او با اشاره به مشکلات جوامع اسلامي، از آن‌ها مي‌خواست که براي بازسازي تمدن اسلامي بايد به قرآن و سنت پيامبر اسلام (ص) بازگردند.

4. بازسازي تمدن اسلامي از درون

قطب به اين نکته اشاره مي‌کرد که تمدن اسلامي بايد از درون خود بازسازي شود. او معتقد بود که اسلام، به‌ويژه از طريق جهاد فکري و فرهنگي مي‌تواند رکود اندیشه، تفکر و جمود فکري را در جامعه اسلامي ريشه‌کن کند، و زمينه‌هاي بازسازي تمدن اسلامي را فراهم آورد. اين بازسازي، به نظر قطب، به معنای تغييرات اساسي در ارزش‌ها و ساختارهاي اجتماعي، فرهنگي، سياسي و اقتصادي جوامع مسلمان است که بايد بر اساس اصول اسلامي صورت گيرد.

5. نقد سکولاریسم و لزوم بازگشت به اسلام

سيد قطب به شدت مخالف سکولاریسم بود و آن را عامل اصلي سقوط تمدن‌هاي اسلامي مي‌دانست. او باور داشت که سکولاریسم و جدائي دين از سياست باعث بروز فساد و انحطاط در جوامع اسلامي شده است. از نظر او، تنها با بازگشت به اسلام به عنوان يک نظام جامع مي‌توان تمدن اسلامي را احيا کرد و جهاني عادلانه، اخلاقي و مشحون از انصاف، عدل و داد ساخت (اردوغان، 2018).

ديدگاه غزالي مصري درباره تمدن

غزالي مصري، در سال 1917 چشم به جهان گشود و در سال 1996 چشم از جهان فرو بست. که يکي از انديشمندان و فيلسوفان بزرگ معاصر عرب است، ديدگاه خاصي درباره تمدن و نقش آن در جامعه انساني دارد. او در مباحث خود به بررسي روابط ميان تمدن‌هاي مختلف، تأثيرات فرهنگ و توسعه اجتماعي، و چالش‌هاي پيش‌روي جوامع مي‌پردازد. به طور خاص، ديدگاه غزالي مصري بر محورهاي زير قرار دارد:

1. تمدن اسلامي و هويت فرهنگي: غزالي مصري معتقد است که تمدن اسلامي بايد در جوامع معاصر به عنوان يک الگو براي توسعه فرهنگي و اجتماعي شناخته شود. او به شدت بر حفظ هويت اسلامي در مقابل تمدن‌هاي غربي تأكيد مي‌کند و بر اين باور است که در دنياي مدرن، نياز به بازگشت به اصول اسلامي و بهره‌برداري از آن‌ها در فرايند توسعه وجود دارد. او به اين نکته اشاره دارد که در عصر حاضر، بسياري از جوامع اسلامي از هويت فرهنگي و ديني خود دور شده‌اند و به فرهنگ‌هاي غربي تمايل يافته‌اند که اين امر تهديدي براي پايداري تمدن اسلامي است.

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

2. تقابل و تعامل تمدن‌ها: غزالی مصری، برخلاف برخی اندیشمندان که تقابل تمدن‌ها را مطرح می‌کند، معتقد است که تمدن‌ها می‌توانند از هم یاد بگیرند و با هم تعامل داشته و بر روی یکدیگر تاثیر گذار باشند. او در این زمینه از مفهوم "محواره تمدنی" سخن می‌گوید و بر لزوم ایجاد گفت‌وگوی فرهنگی و فکری بین تمدن‌ها به ویژه تمدن اسلامی و غرب تأکید می‌کند. او بر این باور است که از این تعاملات می‌توان به یک تمدن جهانی و مشترک رسید که هم‌زمان از هویت‌های فرهنگی مختلف حمایت کند.

3. نقد توسعه غربی: یکی از محورهای مهم تفکرات غزالی مصری، نقد مدل توسعه غربی است. او معتقد است که تمدن غربی به دنبال توسعه اقتصادی و صنعتی است، اما این توسعه به جای توجه به ابعاد انسانی و معنوی، بیشتر بر جنبه‌های مادی و انسان‌گرایی تمرکز دارد. از نظر او، این نوع توسعه نمی‌تواند به جوامع اسلامی و دیگر فرهنگ‌ها الگوی مناسبی برای پیشرفت باشد، چرا که نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و شعایر دینی می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود.

4. مدیریت بحران‌ها و چالش‌ها: غزالی مصری همچنین به چالش‌هایی که جوامع اسلامی در دنیای مدرن با آن مواجه هستند، اشاره می‌کند. او به بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای اسلامی پرداخته و بر این باور است که برای حل این بحران‌ها باید از درون فرهنگ اسلامی به دنبال راهکارهای جدید و مؤثر بود. این راهکارها باید مبتنی بر اصول دینی و فرهنگی باشند و در عین حال با نیازهای عصر حاضر همخوانی داشته باشند. همچنین غزالی مصری معتقد بود، که گذشتگان ما بد کاشتن و آینده‌گان بد درو خواهند کرد، به بیانی دیگر باید زیر ساخت‌ها از قبل فراهم شود تا آینده‌گان مسیر را با مشکلات کمتر طی کنند.

5. سیاست و تمدن: در نگاه غزالی مصری، سیاست و تمدن به‌طور تفکیک‌ناپذیری با هم مرتبط هستند. او معتقد است که توسعه تمدنی بدون توجه به سیاست‌های درست نمی‌تواند به موفقیت برسد. از نظر او، سیاست‌های اشتباه می‌توانند روند توسعه تمدنی را مختل کرده و به بحران‌های متعدد اجتماعی و فرهنگی دامن بزنند (موسی، 2012).

دیدگاه ابوالحسن ندوی درباره تمدن

ابوالحسن ندوی در سال 1913 در کشور هند چشم به جهان گشود و در سال 1999 چشم از جهان فرو بست. یکی از چهره‌های برجسته اسلامی در دوران معاصر است که تأملات عمیقی در زمینه تمدن

و فرهنگ اسلامي دارد. ديدگاه او درباره تمدن، به ويژه تمدن اسلامي، بر اساس اصول ديني، فرهنگي و تاريخي استوار است. از نظر ندويي، تمدن اسلامي از ابتدا به عنوان يک تمدن الهي شکل گرفته است که مبنای آن قرآن و سنت پيامبر اسلام (ص) می باشد. در اینجا برخی از مهم ترين نکات ديدگاه او درباره تمدن را مورد بررسی و غور قرار می دهيم:

1. تمدن اسلامي و وحی: ابوالحسن ندويي بر اين باور است که تمدن اسلامي نه تنها بر مبنای عقل و تجربيات انساني، بلکه اساساً بر وحی الهي استوار است. در اين تمدن، انسان ها بايد در پی کشف حقيقت و معاني عميق ديني باشند و تمامی پيشرفت ها و دستاوردهای بشري در خدمت اين هدف قرار گيرد.

2. عوامل شکل دهنده تمدن اسلامي: در نظر ندويي، تمدن اسلامي به طور عمده از دو عامل اصلي شکل می گيرد: يکی آموزه های ديني و ديگری برخورد اسلام با فرهنگ ها و تمدن های مختلف در دوران فتوحات. او بر اين نکته تأکيد دارد که اسلام در تعامل با ساير فرهنگ ها، از جمله فرهنگ های ايراني، يوناني، هندي و عربي، توانسته است فرهنگي غني و متنوع بسازد که بر اساس آموزه های ديني استوار است، به بياني ديگر آغوش اسلام جهت پذيرش خوبي ها و نقاط قوت فرهنگ های ديگر همواره آماده پذيرش بوده است.

3. نقد تمدن غربی: ندويي انتقادات زيادی به تمدن غربی دارد. او معتقد است که تمدن غربی، که در عصر مدرن به اوج خود رسيده است، بر اساس اصولی نظير فردگرایی، مادی گرایی، هستی گرایی و نفی ارزش های ديني شکل گرفته است. اين تمدن از نظر او در بسياری از زمينه ها، به ويژه در ابعاد اخلاقي و معنوی، دچار بحران است.

4. بازسازی تمدن اسلامي: ندويي در زمينه بازسازی تمدن اسلامي نیز ديدگاه های مشخصی دارد. او معتقد است که مسلمانان بايد با بازخوانی صحيح آموزه های ديني خود و استفاده از منابع غني علمی و فرهنگي اسلامي، تمدنی نوين و متناسب با شرايط عصر جديد ايجاد کنند. از نظر او، اين تمدن جديد بايد در توازن با جهان مدرن باشد و از دستاوردهای علمی و فني بهره برداری کند بدون آن که از اصول ديني و اخلاقي خود فاصله بگيرد.

5. رابطه دين و تمدن: يکی از نکات برجسته در ديدگاه ندويي، اهميت رابطه دين و تمدن است. او تأکيد دارد که دين نمی تواند از تمدن جدا باشد و تمدن اسلامي بايد در چارچوب آموزه های

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

دینی شکل گیرد. این تمدن به دنبال تحقق عدالت، صلح و همبستگی انسانی است که در آن نیازهای مادی و معنوی انسان به طور هم زمان برآورده می شود (یانپو، 2015).

دیدگاه محمد عماره درباره تمدن

محمد عماره در سال 1931 در مصر چشم به جهان گشود و در سال 2020 چشم از دنیا فرو بست. او اندیشمند، متفکر و نویسنده برجسته مصری، یکی از چهره های مهم در حوزه اندیشه اسلامی معاصر است. او دیدگاه های گسترده ای درباره تمدن اسلامی، مدرنیته، و گفت وگو میان تمدن ها داشته است.

1. تمدن اسلامی به مثابه تمدن انسانی - الهی

محمد عماره تمدن اسلامی را تمدنی می داند که هم بُعد الهی دارد و هم بُعد انسانی. یعنی این تمدن بر اساس وحی الهی بنا شده، اما با عقل، علم و تجربه بشری هم افزاست. او تمدن اسلامی را دارای تعادلی میان مادیت و معنویت می دانست، به بیانی دیگر دین اسلام جنبه مادی و معنوی زندگی انسان را در نظر گرفته است.

2. تمدن در اسلام، تمدن تک بعدی نیست

به عقیده عماره، تمدن غربی گرایش زیادی به مادی گرایی، فرد گرایی و انسان گرایی دارد، در حالی که تمدن اسلامی توازن میان جسم و روح، فرد و جامعه، دنیا و آخرت را حفظ می کند. از نگاه او، تمدن اسلامی تمدنی متعادل است که تمام ابعاد وجود انسان را در بر می گیرد. و به تمام غرایز انسانی پاسخ می دهد.

3. بازگشت به تمدن اسلامی اصیل، نه بازگشت به گذشته

محمد عماره با «سلفی گری تحجری» مخالف بود. او تأکید می کرد که بازگشت به تمدن اسلامی باید به معنای بازخوانی میراث اسلامی و بهره گیری از آن برای ساخت آینده باشد، نه تکرار صرف گذشته، به نظر محمد عماره باید شعایر دینی را مطابق نیازهای نسل جوان و مقتضیات زمانی در نظر گرفت تا پاسخ گوی دغدغه های نسل جدید باشد.

4. گفت وگو میان تمدن ها

عماره معتقد بود که گفت وگوی تمدن ها یک اصل قرآنی و اسلامی است. او با برخورد تمدنی خصمانه، چه از سوی غرب نسبت به اسلام و چه بالعکس، مخالف بود و از همکاری، تعامل و تبادل فرهنگی در چارچوب احترام متقابل حمایت می کرد. زیرا تعامل مثبت بین تمدن اسلامی و غربی زمینه و بستر شکوفایی علمی و اجتماعی را فراهم می نماید و داد و ستد تمدنی را پایه گذاری می کند.

5. تمدن اسلامی و عدالت اجتماعی

یکی از عناصر کلیدی تمدن اسلامی از دید عماره، عدالت اجتماعی است. او اسلام را دینی می‌داند که تمدن آن بر پایه ارزش‌هایی چون عدالت، انصاف، آزادی، کرامت انسانی و شراکت اجتماعی ساخته شده است. عدالت و انصاف را گم‌شده جامعه اسلامی می‌داند، که با اجرای عدل و داد در جامعه اسلامی زمینه رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌شود (هالیوویچ، 2013).

دیدگاه دکتر عبدالرزاق مقری درباره تمدن

دکتر عبدالرزاق مقری در سال 1960 در الجزایر دیده به جهان گشود، او با الهام از میراث فکری متفکرانی چون مالک بن نبی، تمدن را پدیده‌ای چندلایه و وابسته به شرایط روانی، فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع می‌داند. به باور او، تمدن یک مسیر پیوسته است که از درون انسان آغاز می‌شود و در نهایت به اجتماع ختم می‌گردد، همچنین او معتقد است، با سامان‌دهی و نظم بخشی به منابع و ظرفیت‌ها در راستای یک «پروژه تمدنی» به شکوفایی می‌رسد. مقری تأکید دارد که جهان اسلام برای بازسازی تمدن خویش، نیازمند یک بازنگری عمیق در اندیشه‌ها، افکار و ساختارها و عملکردهاست.

از نگاه مقری، تمدن اسلامی در تاریخ خود به دلیل فاصله گرفتن از اصول اولیه دین، کاهش روحیه اجتهاد، سلطه استبداد، روحیه استبدادپذیری و وابستگی به بیگانگان دچار انحطاط شده است. او بر این باور است که رهایی از این وضعیت، مستلزم دو حرکت بنیادین است: بازسازی فکری و تمدنی از درون، و مقابله هوشمندانه و آگاهانه با چالش‌های بیرونی.

وی مفهوم «پروژه تمدنی» را مطرح می‌کند؛ پروژه‌ای که نیازمند اراده سیاسی، مشارکت مردمی، برنامه‌ریزی علمی، استقلال اقتصادی و روح معنویت‌گرایانه است. مقری بارها هشدار می‌دهد که بدون تکیه بر هویت اسلامی، تلاش برای نوسازی تمدن تنها به تقلید از غرب منجر خواهد شد و نمی‌تواند پایداری و اصالت داشته باشد.

دکتر مقری بر نقش نخبگان و جنبش‌های اسلامی در احیای تمدن تأکید ویژه دارد. از نظر او، این جنبش‌ها باید از صرف فعالیت سیاسی به سمت ایفای نقش تمدن‌ساز حرکت کنند و الگوهایی نو برای جامعه ارائه دهند. او اصلاح جامعه را نه از بالا، بلکه از پایین و از درون انسان‌ها، خانواده، نهادهای مدنی و آموزش و پرورش می‌داند.

پوهنمل دکتور بصیراحمد مبصر

همچنین، مقری در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش به چالش‌های تمدن‌سازی در عصر جهانی شدن می‌پردازد؛ از جمله بحران‌های هویتی، استحاله فرهنگی، وابستگی تکنولوژیکی و فشارهای نظام سلطه قلم داد می‌کند. او راه‌حل این چالش‌ها را در بازگشت به خود، خودباوری، توسعه پایدار، پیوند با دانش روز، و حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌داند.

در مجموع، دکتر عبدالرزاق مقری تمدن را پدیده‌ای دین‌محور، انسان‌محور و فرایندمحور می‌داند که باید بر اساس هویت اسلامی و نیازهای معاصر جوامع مسلمان بازسازی شود. تمدن‌سازی، از نظر او، نه با شعار بلکه با کار عمیق فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی امکان‌پذیر است (زینی، 2016).

نسبت دین و تمدن در اسلام

دین در قرآن به معانی متعددی چون کیش و شریعت و آیین پرستش، طاعت و فرمانبرداری، رسم و قانون، منش و عادت، دعا و عبادت، آیین یگانه‌پرستی و توحید آمده (خرمشاهی، 1377)، و منشأ کشش، دانش، کرنش و پرستش خداخواهانه را در فطرت انسان‌ها نهفته می‌داند. دین الهی و آموزه‌های وحیانی سامان‌بخش امور زندگی فردی و اجتماعی بشر و رابطه انسان با خدا و ماوراءالطبیعه، دیگر انسان‌ها و مخلوقات و طبیعت است. (انعام: 59) جامعه پیشرو و متمدن قرآنی، آن است که افراد آن اهل تقوا و کسب فضایل اخلاقی بوده و از گناه و نافرمانی حق پرهیزند؛ بنابراین بی‌ایمانی و حاکمیت ضد ارزش‌ها سبب ایستایی و فروپاشی تمدنی خواهد شد (اعراف: 96). نخستین کسی که معتقد بود اجتماعات بشری از قوانین تغییرناپذیر و ثابتی پیروی می‌کنند ابن‌خلدون بود. او اسلام را به عنوان یک تمدن بشری جهانی باور داشت. از نظر این مورخ بزرگ مسلمان، سرشت مدنی انسان او را ناگزیر از زندگی گروهی نموده است. پدیده‌های که عمران نام داشته و امکان بروز و ظهور در بادیه و شهر را دارد. وی تمدن را خروج از بادیه‌نشینی و ورود به مرحله شهرنشینی نمیداند، بلکه بادیه‌نشینی را اصل و گهواره اجتماع و تمدن و اساس تشکیل شهرها و هر دو را برای رشد و توسعه لازم میدانند. وی نقش دین را در تمدن‌سازی بسیار پررنگ می‌بیند. از نظر او دین عامل قدرتمندی است که نیروی عصبيت اجتماع را مضاعف و نیروی اصلی در ایجاد فاصله و شکاف بین عصبيت قبیله‌ای از ساختار جامعه است. تألیف قلوب مردم تنها به یاری خدا حاصل میشود تا دین الهی را در جهان استقرار بخشد. (ابن‌خلدون، 1393: 1/36 و 301 و 302) ابن‌خلدون فطرت پاک انسانی را مایل به صفات و افعال نیک و پسندیده و شهرنشینان را به واسطه دنیا دوستی و میل به تجمل و

شهوت رانی که لازمه مدنیت و تمدن است از اخلاق نیک نسبت به بادیه نشینان دورتر می داند؛ بنابراین وی اخلاق و تمدن را در نسبت معکوس با یکدیگر می یابد و شواهدی برای اینکه «شهرنشینی پایان اجتماع و عمران بشر است و سرانجام آن فساد و منتهای بدی و دوری از نیکی است» ارائه کرده است (همان: 232/1). می گویند تمدن، زمانی است که در صورت ظاهری اجتماع، ثروت و تجمل عیان است (زیدان،: 1393، 953) ولی ابن خلدون نه تنها این زمان را مرحله زایش تمدن نمی داند، بلکه زمان تباهی تمدن و دولت قلمداد میکند. هرچند در آغاز، ناز و نعمت بر نیروی قدرت حاکمه میافزاید و از امور تمدن محسوب میشود؛ اما تنوع طلبی، تجمل خواهی و ناپرووردگی برای مردم تباهیاور است، زیرا در نهاد آدمی انواع بدی ها و فرومایگی ها، تناسایی ها و عادات زشت پدید آورده و ویژگی های نیک را از بین می برد. اگر این امور استحکام باید تمدن و دولت به سرایشی سال خوردگی و پیری روی می آورد. (ابن خلدون، 320-333 / 1: 1393) دیدگاه ابن خلدون نه به منزله نفی تمدن است، نه به منزله نفی اخلاق؛ به باور او، غلبه وجه مادی انسان در تمدن و مدنیت است که دورشدن از اخلاق و انسانیت دست آورد آن است. (همان: 740-735 / 2؛ 552/1 تا 560) پس تردیدی در ضرورت عمران نیست و برای پویایی و ماندگاری تمدن، باید اخلاق مداری شیوه دولت و ملت باشد.

نسبت دین و تمدن از دید ویل دورانت

ویلیام جیمز دورانت (1885-1981م) فیلسوف، تاریخ نگار و تمدن شناس آمریکایی است که در بازه زمانی بیش از چهل سال (از 1935 تا 1975م) به نوشتن تاریخ تمدن بشر از دوران پیش از تاریخ تا نیمه اول سده بیستم در یازده جلد پرداخت. او پس از انتشار هر جلد از این مجموعه به نگارش مجلدی دیگر می پرداخت. تصور تغییر یا تلطیف دیدگاه وی درباره نسبت دین و تمدن با در نظر داشتن عنصر زمان و همچنین مشاهده واقعیاتی است که از نتایج سفرهای او بود و با ادعای خودش در زمینه تحلیل تاریخ بشر با تکیه بر تعقل و خردورزی و رویکرد بی طرفی در بررسی حق یا باطل بودن هر دینی را در پیش گرفته است، مردود شمرده می شود. به باور او مورخ اطلاعات کافی برای این قضاوت را در اختیار ندارد. آنچه وی می خواهد بیشتر آن است که چه عوامل اجتماعی و روان شناختی مایه ظهور آن دین شده و تا چه اندازه توانسته وحشیان را آدمی خوی و

بدويان را به شهروند شايسته مبدل كند و اميد و شجاعت و ايمان را در دل‌هاى مأيوس نفوذ دهد، چقدر براى تكامل ذهنى آزادى باقى گذاشته و چه نفوذى در تاريخ داشته است. در چهارمين مجلد با عنوان عصر ايمان كه در 1950 ميلادى منتشر گرديد آورده است: «تمدن سرچشمه‌هاى گوناگون دارد و حاصل تعاون اقوام و طبقات و اديان مختلف است... محقق اگرچه به حكم روابط محكم خويشى متعلق به كشورش است، در عين حال احساس مى‌كند كه جزو تبعه قلمرو عقل است كه دشمنى و مرز نمى‌شناسد. اگر در اثنائى مطالعات خود تابع تعصبات سياسى يا تبعيضات نژادى يا خصومت‌هاى دينى باشد شايسته عنوان خود نيست...» (دورانت، 1390: 227, 435) بدین ترتيب در مجموعه تاريخ تمدن از كتاب مشرق زمين گاهواره تمدن كه در 1935 ميلادى نشر يافت، عوامل كلّى تمدن و عناصر آن را برشمرده است. بر اساس تعريف ويل دورانت، تمدن به گونه كلّى آن نظامى اجتماعى است كه در نتيجه وجود آن، خلاقيت فرهنگى امكان‌پذير مى‌گردد و جريان پيدا مى‌كند. (دورانت، 1380: 3/1) تمدن از نگاه ويل دورانت چنين است «تمدن را ميتوان، به شكل كلّى آن، عبارت از نظامى اجتماعى دانست كه در نتيجه وجود آن، خلاقيت فرهنگى امكان‌پذير مى‌شود و جريان پيدا مى‌كند. در تمدن چهار ركن اساسى را مى‌توان تشخيص داد: پيشيني و احتياط در امور اقتصادى، سازمان سياسى، سنن اخلاقى و كوشش در راه معرفت و بسط هنر.» (دورانت، 1380: 3/1) وى عوامل اقتصادى، سياسى، اخلاقى، روحى و علمى تمدن را بيان كرده و در تبیین عوامل اخلاقى تمدن به بحث درباره دين، معبودهاى مختلف دينى، آداب دينى، دين و اخلاق پرداخته است و ازدواج، اخلاق جنسى، اخلاق اجتماعى و دين را زير مجموعه‌هاى عامل اخلاق دانسته است. از نظر او دين به معنای پرستش نیروهای برتر از طبیعت است كه عموم افراد بشر را شامل و همواره با تاريخ انسان همراه است (دورانت، 1387: 69 و 70) و آداب و رسوم و سنن اقوام و ملت‌ها را آداب دينى و اندك عقیده فرد يا جامعه يا علاقه و توجه و فعاليت در راه آن عقیده را دين تلقى مى‌نمايد و در انتساب به اين عنوان فرقى بين موحد و مشرك و لائيك نيست. ويل دورانت تمدن را بر پايه رويكرد على تعريف ميكند كه بر اين اساس واكاوى و ويل دورانت تمدن را بر پايه رويكرد على تحليل علل و عوامل پيدايش تمدن، معيار تعريف و مفهوم شناسى تمدن واقع مى‌شود. اين

نوع رویکرد مفهومی به تمدن در میان تمدن‌پژوهان رویکردی شایع است. (میرمحمدی و بارانی، 10:1391) در این رویکرد مطالعاتی، تمدن‌ها، چنان پدیده‌های عینی و بیرونی تحقق یافته در مقطع تاریخی خاص خود به صورت توصیف عناصر تشکیل دهنده بررسی می‌گردند. این نگرش و رویکرد برخاسته از جایگاه‌شناختی و رویکرد فیلسوفانه ویل دورانت است که با چنین پشتوان‌های علمی در فلسفه به بررسی تاریخی تمدن‌های گذشته و مقایسه آنها برای یافتن پاسخی واقع‌بینانه بر اساس بستر تاریخی درباره عوامل پیدایش، گسترش و نابودی تمدن‌ها پرداخته است. این پژوهش مهمترین دیدگاه‌های او را در این زمینه در شش عنوان طرح و برای نقد هر مورد، از دیدگاه برخی شرق‌شناسان از گروه همگرایان بهره برده است. رهاورد تقابل دیدگاه‌ها استخراج شاخصه‌های تمدنی دین و همگرایی نسبت دین و تمدن است.

بحث و مناقشه

تمدن به عنوان یک پدیده اجتماعی، مجموعه‌ای از نهادها، ارزش‌ها، دانش، فرهنگ، اقتصاد و سیاست است که جوامع انسانی را شکل می‌دهد. تغییر تمدنی در جهان اسلام، موضوعی پیچیده و چندبعدی است که متأثر از عوامل درونی و بیرونی متعددی است. در ادامه به بررسی ابعاد این تغییر، چالش‌ها و دیدگاه‌های مختلف در مورد آن پرداخته خواهد شد. تمدن را می‌توان مجموعه‌ای از پیشرفت‌های مادی و معنوی یک جامعه دانست که در طول زمان تکامل می‌یابد. تغییر تمدنی در واقع تحول در این مولفه‌ها است که می‌تواند در اثر عوامل داخلی یا تعامل با سایر تمدن‌ها رخ دهد. (Farooqui, 2012)

عوامل درونی تغییر در تمدن اسلامی

تحولات تمدنی در هر جامعه‌ای، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی است. در تمدن اسلامی نیز، عوامل متعددی در درون ساختارهای فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این تمدن موجب تغییر، تحول و در برخی موارد، رکود یا باززایی فرهنگی شده‌اند. در این نوشتار، تمرکز بر عوامل درونی است؛ عواملی که برخاسته از بطن خود تمدن اسلامی بوده و نقش مهمی در تحولات تاریخی آن ایفا کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین عوامل درونی تغییر در تمدن اسلامی، تحول در اندیشه و اجتهاد دینی است. نهاد اجتهاد که در سنت اسلامی، به‌ویژه در مذاهب فقهی گوناگون (شیعه، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) وجود داشته است، ظرفیت پویایی و بازتولید فکری را فراهم ساخته است. ظهور متفکران بزرگی چون امام محمد غزالی، ابن رشد، فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی، نشان از فعالیت ذهنی گسترده در درون تمدن اسلامی دارد. این تحولات باعث بازاندیشی در مفاهیم فلسفی، کلامی، عرفانی و فقهی شده و زمینه‌ساز شکوفایی علمی و فرهنگی در دوران طلایی تمدن اسلامی بوده‌اند. در برخی دوره‌ها، بسته شدن باب اجتهاد و غلبه ظاهرگرایی در اندیشه دینی، به رکود فکری و انجماد نظری انجامید.

۲. تحولات اجتماعی و طبقاتی

تغییرات در ساختار اجتماعی نیز نقش مهمی در تحولات تمدن اسلامی داشته است. شکل‌گیری طبقات اجتماعی جدید، افزایش نقش شهرنشینان، بازرگانان، علما و صوفیان در مدیریت و هدایت اجتماعی و فرهنگی، از جمله عواملی بودند که موجب جابه‌جایی قدرت و تغییر در اولویت‌های تمدنی شدند. رشد شهرهایی مانند بغداد، قرطبه، نیشابور و قاهره به‌عنوان مراکز علمی و فرهنگی، نشان‌دهنده نقش فعال جامعه شهری در توسعه تمدن اسلامی است. تغییر در الگوهای زندگی، گسترش سواد، و شکل‌گیری نهادهای آموزشی نظیر مدارس نظامیه، سبب رشد عقلانیت و علم‌گرایی در جامعه شد.

۳. نقش نخبگان و علما

نخبگان فکری، فرهنگی و دینی از جمله محرک‌های اصلی تغییر در تمدن اسلامی بوده‌اند. حضور فعال عالمان، مفسران، محدثان، فیلسوفان و صوفیان در فضای فکری و اجتماعی، عامل پویایی و نوآوری در اندیشه اسلامی شد. ارتباط مستمر میان علما و حاکمان در برخی دوره‌ها مانند عباسیان یا آل‌بویه، موجب ترویج علوم و معارف گوناگون شد. در دوره‌هایی نیز فاصله میان طبقه علما و مردم یا حاکمیت، زمینه‌ساز بحران اعتماد و رکود در تولید فکر دینی شد.

۴. تنوع مذهبی و فکری در جهان اسلام

تنوع در نحله‌های فکری، مذهبی و کلامی، موجب غنای تمدنی و گفت‌وگوهای درون‌دینی گردید. وجود مکاتب مختلف در فقه، کلام و تصوف، بستر مناسبی برای تضارب آرا و رشد علمی فراهم ساخت. همزیستی نسبی میان اهل سنت، شیعه، معتزله، اشاعره و صوفیه، در مقاطعی از تاریخ

اسلامی، منجر به تبادل فکری و تحرک فرهنگی شد. البته در برخی برهه‌ها، این اختلافات به تعارضات فرقه‌ای و سیاسی انجامید که موجب تضعیف انسجام تمدنی شد.

۵. بحران‌های درونی و ناکارآمدی‌های سیاسی

از دیگر عوامل مهم درونی، بحران‌های سیاسی در درون خلافت‌ها و دولت‌های اسلامی است. تضعیف قدرت مرکزی، گسترش فساد اداری، بی‌ثباتی سیاسی و عدم کارآمدی نظام‌های حکومتی، از جمله عواملی بودند که به ضعف تمدن اسلامی در برخی دوره‌ها منجر شدند. زوال عباسیان، کشمکش‌های داخلی در دوران ممالیک و عثمانی‌ها، و فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت در حکمرانی، نمونه‌هایی از این بحران‌هاست. این وضعیت موجب از بین رفتن انسجام سیاسی و در نتیجه کاهش توان تمدنی در برابر چالش‌های بیرونی شد. تمدن اسلامی، همچون دیگر تمدن‌های بزرگ تاریخ، محصول و نتیجه کنش‌های پیچیده و چندلایه میان عوامل درونی و بیرونی بوده است. در این میان، عوامل درونی همچون تحولات فکری، تغییرات اجتماعی، نقش نخبگان، تنوع مذهبی و ناکارآمدی‌های سیاسی، نقشی بنیادین در جهت‌دهی به مسیر رشد یا افول تمدن ایفا کرده‌اند. درک این عوامل، نه تنها برای تحلیل تاریخی تمدن اسلامی ضروری است، بلکه در مسیر بازسازی تمدنی نوین در دنیای معاصر نیز راهگشا خواهد بود. تمدن اسلامی، همچون دیگر تمدن‌های بزرگ تاریخ، محصول و نتیجه کنش‌های پیچیده و چندلایه میان عوامل درونی و بیرونی بوده است. در این میان، عوامل درونی همچون تحولات فکری، تغییرات اجتماعی، نقش نخبگان، تنوع مذهبی و ناکارآمدی‌های سیاسی، نقشی بنیادین در جهت‌دهی به مسیر رشد یا افول تمدن ایفا کرده‌اند. درک این عوامل، نه تنها برای تحلیل تاریخی تمدن اسلامی ضروری است، بلکه در مسیر بازسازی تمدنی نوین در دنیای معاصر نیز راهگشا خواهد بود. (Madani, 2016)

2 عوامل بیرونی در تغییر تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، به مثابه یکی از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین تمدن‌های بشری، در طول قرون مختلف دستخوش تغییرات بنیادین بوده است. این تحولات نه تنها ریشه در پویایی‌های درونی جوامع اسلامی داشتند، بلکه از عوامل بیرونی نیز تأثیر پذیرفته‌اند. شناخت این عوامل بیرونی از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که نشان‌دهنده تعامل تمدن اسلامی با دیگر تمدن‌ها، ساختارهای قدرت، و تحولات جهانی است. در این نوشتار، مهم‌ترین عوامل بیرونی مؤثر بر تغییر در تمدن اسلامی بررسی می‌گردند.

۱. تهاجمات نظامی و حملات خارجی

یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین عوامل بیرونی مؤثر بر تغییر تمدن اسلامی، تهاجمات نظامی و لشکرکشی‌های بیگانگان بوده است. این حملات در مواردی منجر به فروپاشی سیاسی، بحران‌های اقتصادی و فرهنگی، و جابه‌جایی‌های تمدنی شد.

الف) حملات مغولان در قرن هفتم هجری (سده سیزدهم میلادی) یکی از ویرانگرترین رویدادهای تاریخ اسلام بود که منجر به سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هجری و پایان خلافت عباسی گردید. این تهاجم نه تنها موجب تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و علمی شد، بلکه تأثیرات روانی و سیاسی عمیقی بر جامعه اسلامی داشت.

ب) جنگ‌های صلیبی نیز باعث تشدید تنش‌های مذهبی، نظامی‌گری، و تحرکات سیاسی میان مسلمانان و جهان غرب شد، و نقش مهمی در تغییر نگرش‌های سیاسی و نظامی مسلمانان ایفا کرد.

۲. ارتباط و تعامل با تمدن‌های دیگر

تعامل تمدن اسلامی با دیگر تمدن‌ها، از جمله تمدن‌های یونانی، ایرانی، رومی، هندی و بعدها تمدن غربی، تأثیرات ژرفی در شکل‌گیری و تغییر مسیر آن داشته است.

الف) ترجمه آثار یونانی و هندی به عربی در دوران عباسیان، به‌ویژه در "بیت‌الحکمه" بغداد، منجر به شکوفایی علوم عقلی همچون فلسفه، ریاضیات و پزشکی شد.

ب) این تعامل علمی نه تنها به جذب دستاوردهای دیگر تمدن‌ها انجامید، بلکه زمینه‌ساز تولید علمی در چارچوب معرفت اسلامی شد.

۳. تحولات اقتصادی جهانی

تحولات اقتصادی در سطح جهانی، به‌ویژه در زمینه تجارت بین‌المللی، مسیر تحولات تمدنی اسلامی را تغییر داد.

الف) جاده ابریشم، مسیرهای تجاری دریایی، و بازارهای بین‌المللی، موجب پیوند جهان اسلام با شرق آسیا، اروپا و آفریقا شد. این تبادلات تجاری به گسترش فرهنگ، زبان و هنر اسلامی نیز کمک کرد.

ب) اما با کشف مسیرهای دریایی جدید توسط اروپاییان در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی، و انتقال تمرکز تجارت جهانی از خاورمیانه به اقیانوس اطلس، موقعیت اقتصادی جوامع اسلامی تضعیف شد.

۴. نفوذ فرهنگی و علمی تمدن‌های دیگر

ورود عناصر فرهنگی بیگانه به جوامع اسلامی، به‌ویژه از طریق استعمار یا رسانه‌های نوین، موجب تغییر در سبک زندگی، ارزش‌ها، و نگرش‌های فرهنگی شد.

الف) در عصر جدید، با گسترش استعمار اروپایی و ورود فرهنگ غربی به سرزمین‌های اسلامی، بسیاری از سنت‌های فکری و فرهنگی تحت تأثیر قرار گرفتند.

ب) مدرنیته غربی و مفاهیم نوینی چون فردگرایی، سکولاریسم، و لیبرالیسم، به چالش‌های عمیقی برای جوامع اسلامی تبدیل شدند و زمینه‌ساز جنبش‌های اصلاح طلبانه یا احیایی شدند.

۵. استعمار و نفوذ سیاسی قدرت‌های بیگانه

در سده‌های اخیر، قدرت‌های استعماری غربی با تسلط بر بخش‌هایی از جهان اسلام، ساختارهای سیاسی و اجتماعی این جوامع را به‌طور مستقیم تغییر دادند.

الف) استعمار انگلیس، فرانسه، و دیگر قدرت‌ها، با تحمیل نظام‌های حقوقی، آموزشی و اداری جدید، ساختارهای سنتی جوامع اسلامی را دگرگون ساختند.

ب) همچنین، ایجاد مرزهای سیاسی جدید پس از فروپاشی خلافت عثمانی (۱۹۲۴ م) منجر به شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن شد که اساساً با نظام سیاسی اسلامی سنتی متفاوت بودند.

عوامل بیرونی تأثیر بسزایی در تغییر و تحول تمدن اسلامی داشته‌اند. از تهاجمات نظامی و تعاملات علمی گرفته تا استعمار و جهانی‌شدن، هر یک نقشی تعیین‌کننده در مسیر تمدن اسلامی ایفا کرده‌اند. البته، پاسخ‌های درونی جوامع اسلامی به این عوامل، تعیین می‌کرد که این تأثیرات به نوسازی تمدن بینجامد یا به افول و بحران. از این رو، تحلیل تحولات بیرونی همواره باید با نگاهی تحلیلی و تاریخی همراه باشد تا بتوان به درک عمیق‌تری از پویایی تمدن اسلامی رسید. (Isaac, 2011)

3) چالش‌های تغییر تمدنی در جهان اسلام

الف) بحران هویت: تأثیر دوگانگی سنت و مدرنیته بر جوامع اسلامی

ب) ضعف در تولید علم و فناوری: کمبود پژوهش‌های بومی و وابستگی به دانش غربی

(ج) اختلافات داخلی و نبود وحدت: تأثیر درگیری‌های قومی و مذهبی بر روند تمدنی (Simons, & Mueller, 2001)

نتیجه‌گیری

مطالعه تحولات تمدنی در جهان اسلام نشان می‌دهد که این تمدن، علیرغم برخورداری از پشتوانه‌ای عمیق و غنی در عرصه‌های دینی، فرهنگی، علمی و فلسفی، در طول قرون متمادی دستخوش تغییرات گوناگونی شده است. عوامل متعددی اعم از درونی و بیرونی در فرایند زایش، شکوفایی، رکود و در نهایت افول تمدن اسلامی مؤثر بوده‌اند. در این میان، نقش بنیادین دین اسلام به‌عنوان محور هویت‌بخش و انسجام‌آفرین، غیرقابل انکار است. دین، با فراهم آوردن نظامی منسجم از ارزش‌ها، احکام و معرفت، بستر مناسبی برای تمدن‌سازی فراهم کرده و در دوران‌های اوج تمدن اسلامی، راهبر اصلی توسعه علمی، اخلاقی و فرهنگی جوامع مسلمان بوده است. در مقابل، عوامل چالش‌برانگیزی چون استبداد سیاسی، جمود فکری، استعمار خارجی، بحران هویت، گسست نخبگان از مردم، ضعف نظام آموزشی، و وابستگی به الگوهای وارداتی از جمله موانعی هستند که فرآیند تداوم و بازتولید تمدن اسلامی را مختل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارند که بازسازی تمدن اسلامی مستلزم احیای عقلانیت دینی، نهادینه‌سازی علوم انسانی اسلامی، ارتقاء کیفیت آموزش، بازتعریف نقش نخبگان، و ایجاد وحدت و همبستگی میان کشورهای اسلامی است. علاوه بر آن، ضرورت دارد که جوامع اسلامی با بهره‌گیری انتقادی و گزینشی از دستاوردهای علمی و فناورانه تمدن غربی، بدون فروپاشی هویت دینی و فرهنگی خود، به الگویی تمدنی بومی و در عین حال پاسخگو به مقتضیات جهان معاصر دست یابند. این مسیر مستلزم یک پروژه تمدن‌ساز جامع است که بر پایه هویت اسلامی، توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، خودباوری فرهنگی، و تعامل مثبت با دیگر تمدن‌ها طراحی گردد. در نهایت، چشم‌انداز احیای تمدن اسلامی نه در بازگشت صرف به گذشته، بلکه در بازاندیشی خلاقانه آن و تلفیق میراث دینی با نیازهای امروزیین بشر نهفته است؛ فرآیندی که مستلزم اراده‌ای جمعی، نخبگانی آگاه و مردمی مؤمن به توانمندی‌های تمدنی خویش خواهد بود.

راهکارهای پیشنهادی برای احیای تمدن اسلامی

1. بازگشت به عقلانیت دینی و احیای اجتهاد: بر اساس دیدگاه اندیشمندانی مانند محمد عبده، علامه سید جمال‌الدین افغانی، و رشید رضا، یکی از پیش‌نیازهای تمدن‌سازی، احیای تفکر عقل‌گرای اسلامی، ترک جمود فکری و دعوت به اجتهاد است. باید فضایی برای تولید فقه و تفکر دینی متناسب با نیازهای روز ایجاد شود.
2. توسعه و تقویت نظام آموزشی و علوم انسانی: مانند آنچه در اندیشه مالک بن نبی و محمد عبده مطرح است، آموزش و تربیت نیروی انسانی فهیم و متعهد، کلید پیشرفت تمدنی است. تقویت نهادهای آموزشی، دانشگاه‌ها، و بازنگری در محتوای علوم انسانی به منظور بومی‌سازی و اسلامی‌سازی آن ضروری است.
3. احیای هویت اسلامی و مبارزه با استعمار فکری: همان‌گونه که مالک بن نبی و دکتر مقری بیان کرده‌اند، باید با استعمارزدگی ذهنی مبارزه شود. خودباوری، عزت نفس و اعتماد به هویت اسلامی باید در سطح نخبگان و مردم تقویت شود.
4. تحول ساختارهای سیاسی بر مبنای عدالت و شایسته‌سالاری: مطابق دیدگاه‌هایی از ابن خلدون، رشید رضا و اقبال لاهوری، اصلاح ساختارهای حکومتی و مقابله با فساد و استبداد از ملزومات تجدید حیات تمدنی است. حکومت باید بستر و زمینه عدالت اجتماعی، انصاف، شفافیت و پاسخ‌گویی را فراهم سازد.
5. تحقق وحدت اسلامی و انسجام جهان اسلام: یکی از محوری‌ترین پیشنهادهاى متفکرانی چون سید جمال‌الدین افغانی، رشید رضا و اقبال لاهوری، وحدت امت اسلامی است. بدون همگرایی سیاسی و فرهنگی میان کشورهای اسلامی، امکان تمدن‌سازی وجود ندارد.
6. تعامل هوشمندانه با تمدن غربی: دیدگاه‌های رشید رضا، محمد عماره و غزالی مصری بر رویکرد گزینشی در مواجهه با تمدن غربی تأکید دارد. باید ضمن اقتباس آگاهانه از دستاوردهای علمی و فنی غرب، از تقلید کورکورانه پرهیز کرد و اصول اسلامی را حفظ نمود.
7. ترویج اخلاق و معنویت در جامعه: همان‌طور که در اندیشه ابن خلدون و اقبال آمده، تمدن بدون اخلاق رو به انحطاط می‌رود. باید به جای تمرکز صرف بر توسعه مادی، به تقویت ارزش‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، و عدالت توجه شود.

8. پيشبرد پروژه تمدنی اسلامی: بر اساس ایده‌ی عبدالرزاق مقری، باید یک پروژه تمدنی جامع طراحی شود که ابعاد فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دربر بگیرد و بر پایه‌ی نیازهای امروز جهان اسلام و با مشارکت نخبگان و مردم پیاده‌سازی گردد.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمامی افرادی که در تهیه، نگارش و تکمیل این مقاله مرا یاری رسانده‌اند، اعلام می‌دارم. همچنین، از معاونیت تحقیقات علمی پوهنتون هرات، پوهنتون البیرونی، پوهنتون غالب هرات، اساتید محترم پوهنتون و سایر همکاران و دوستان عزیزی که در مراحل مختلف تحقیق، همواره یار و همراه بودند، قدردانی می‌کنم.

منابع

قرآن کریم

اباذری، یوسف. شریعتی، سارا. فرجی، مهدی، (1390)، فرا روایت تمدن یا فرآیند تمدن‌ها

ابن خلدون، عبدالرحمن، (1393)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی. چاپ چهاردهم

توینبی، آرنولد، (1394)، تاریخ تمدن، ترجمه دکتر یعقوب آژند. تهران: مولی

حورانی، آلبرت، (1384)، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام. تهران: امیرکبیر

خرمشاهی، بهاءالدین، (1377)، دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی، تهران: دوستان و ناهید

دورانت، ویل، (1380)، تاریخ تمدن، ج ۱، یک، ترجمه احمد آرام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران

دورانت، ویل، (1387)، مشرق زمین گاهواره تمدن. مترجمان: احمد آرام، ع پاشایی،

امیرحسین آریان‌پور، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم

دورانت، ویل، (1390)، عصر ایمان، مترجمان: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده،

ابوالقاسم طاهری، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم

زیدان، جرجی، (1393)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، چاپ پانزدهم

سروش، عبدالکریم، (1372) مدارا و مدیریت. تهران: صراط

سعید، ادوارد، (1390)، شرق‌شناسی، ترجمه لطف‌علی خنجی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم

گرونبام، گوستاو ادموند فون، (1342) وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، ترجمه عباس

آریان‌پور، تبریز: فرانکلین

لوبون، گوستاو، (1316)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی،

تهران: چاپخانه مجلس

لوکاس، هنری، (1393)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، جلد اول، تهران: سخن. چاپ

هشتم

میرمحمدی سید ضیاءالدین، بارانی محمدرضا، (1391)، درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از

دیدگاه مستشرقان، تاریخ اسلام، سال سیزدهم. شماره 50. ص 4.

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

- هانتینگتون، ساموئل پ، (1380) تمدن‌ها و باز سازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران: کتاب‌سرا
- هولت، پی ام و همکاران، (1390)، تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر
- هونکه، زیگرید، (1386)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- وات، (1373)، اسلام در قرون وسطی، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: البرز
- وایتهد، آلفرد نورث، (1371)، سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نقد و بررسی علامه محمدتقی جعفری، ج ، دوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- وبر، ماکس، (1384)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: سمت
- الویری، محسن، (1392)، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت، چاپ ششم
- Aniq, A. F. (2022). Book reviews. *The Cambridge Journal of Postcolonial Literary Inquiry*. <https://doi.org/10.1017/pli.2021.41>
- Aomar, N. (2004). *Malik Bennabi's ideas on civilization and the development of the society: Perspectives on education*.
- Armstrong, K. (2000). *Islam: A short history*.
- Botz-Bornstein, T. (2012). What is the difference between culture and civilization? Two hundred fifty years of confusion. *Comparative Civilizations Review*.
- Cambi, F. (2011). La religione nella formazione: Un paradigma plurale. E attuale? *Studi Sulla Formazione*. https://doi.org/10.13128/STUDI_FORMAZ-11100
- Erdoğan, Y. S. (2018). Sayısal görüntü işleme ile titreşim yer değiştirmelerinin ölçümü ve modal parametre tayini. *Dokuz Eylül Üniversitesi Mühendislik Fakültesi Fen ve Mühendislik Dergisi*, 20(2), 593–602. <https://doi.org/10.21205/DEUFMD.2018205932>
- Farooqui, J. (2012). Civilization in an Islamic perspective. *Journal of Islam in Asia*, 8, 177–194. <https://doi.org/10.31436/JIA.V8I0.244>

- Halilović, M. (2013). Philosophy and civilization in Islamic peripatetic school. *Kom: Časopis Za Religijske Nauke*, 2(1), 113–127. <https://doi.org/10.5937/KOM1301113H>
- Isaac, T. (2011). Crisis of Islamic civilization. *Comparative Civilizations Review*.
- Kawamura, K. (2007). Civilization as a biosystem examined by the comparative analysis of biosystems. *BioSystems*, 90(3), 520–530. <https://doi.org/10.1016/j.biosystems.2006.07.008>
- Leaman, O. (2010). *Judaism: An introduction*.
- Madani, R. A. (2016). Islamization of science. *International Journal of Islamic Thought*, 9, 55–62. <https://doi.org/10.24035/IJIT.09.2016.006>
- Mahdi, M. (1971). *Ibn Khaldūn's philosophy of history: A study in the philosophic foundation of the science of culture*.
- McNamee, G. (2018). Culture vs. civilization. *Virginia Quarterly Review*.
- Mirsepasi, A. (2006). Religious intellectuals and Western critiques of secular modernity. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 26(3), 416–433. <https://doi.org/10.1215/1089201X-2006-023>
- Mohamed, A. (2001). A critique of Jamal Al-Din Al-Afghani's reformist ideas: And its importance in the development of Islamic thought in the twentieth century. *The Islamic Quarterly*, 45(3), 195–209.
- Moussa, M. (2012). A discourse analysis of Muhammad al-Ghazali's thought: Between tradition and renewal.
- Rahim, A. A. (2015). The spirit of Muslim culture according to Muhammad Iqbal. *International Journal of Social Science and Humanity*, 5(6), 547–550. <https://doi.org/10.7763/IJSSH.2015.V5.547>
- Sharma, A. (2012). What is religion: The historical context? In *Exploring the Philosophy of Religion* (pp. 29–40). Springer.
- Simons, A., & Mueller, J. (2001). The Dynamics of Internal Conflict. *International Security*. <https://doi.org/10.1162/01622880151091934>

- Szakolczai, A. (2001). Civilization and its Sources. *International Sociology*. <https://doi.org/10.1177/026858001016003008>
- Wei, R. (2012). Two Concepts of “Civilization.” *Comparative Civilizations Review*.
- Yapono, A. (2015). Strategi Penanaman Nilai Peradaban Islam dalam Merespon Globalisasi. *Tsaqafah*. <https://doi.org/10.21111/TSAQAFAH.V11I1.254>
- Zaini, H. (2016). PERSPEKTIF ALQUR’AN TENTANG PENDIDIKAN KARAKTER (Pendekatan Tafsir Maudhu’i). *Ta’dib*. <https://doi.org/10.31958/JT.V16I1.233>

مدیریت منابع آب رودخانه‌ی کوکچه و ظرفیت تولید برق ناشی از آن در توسعه پایدار

تخارستان

پوهنیار عمادالدین ابراهیمی^{*1}، پوهنمل سمیع الله امان²، پوهندوی محمد هارون صابری³

1. دیپارتمنت فزیک، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

2. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

3. دیپارتمنت ریاضی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: Emadudinibrahimi@gmail.com

چکیده

آب یکی از منابع اصلی است که حدود و میزان توسعه پایدار را مشخص می‌کند و هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین آن شود. رودخانه کوکچه یکی از رودهای بزرگ کشور است که آب خود را از سمت چپ به رودخانه آمودریا می‌ریزد. این رود از رشته کوه‌های بلند قسمت اخیر هندوکش اصلی یعنی منطقه ای نورستان، زیباک، رشته کوه خواجه محمد، اشکاشم و غاران سرچشمه گرفته است. هدف از این تحقیق بررسی مدیریت منابع آب رودخانه کوکچه و ظرفیت تولید برق ناشی از آن در توسعه پایدار بوده و نوع تحقیق کاربردی- توسعه ای و روش بررسی آن کمی است. پرسشنامه در اختیار متخصصان قرار گرفته و جهت سنجش پایایی آن، ضریب الفای کرونباخ 0.750 بدست آمده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از مطالعه اسناد و پرسشنامه با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد») گردآوری گردیده است. جامعه آماری 498 تن بوده با شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند (دلفی) تعیین گردیده است. در این تحقیق حجم نمونه، تخصیصی و 20 درصد آن که معادل به 100 تن می‌شود؛ شامل اساتید پوهنتون، انجیران حوزه دریایی تالقان و کارمندان ریاست‌های زراعت و انکشاف دهات می‌باشد. نتایج پژوهش، آشکار ساخته است که با مدیریت درست آب رود کوکچه و تولید برق، می‌توان به توسعه پایدار در تخارستان دست یافت. در نتیجه بررسی آن نشان می‌دهد که ظرفیت تولید برق ناشی از آن در توسعه پایدار تخارستان نقش اساسی دارد و مدیریت سالم منابع آب رودخانه کوکچه می‌تواند توسعه پایدار در تخارستان را بهبود بخشد. بنا بر این مدیریت آب رود کوکچه نیاز مبرم مردم تخارستان بوده و توجه جدی نهادهای ذیدخل و ادارات محلی را می‌طلبد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت آب، برق، توسعه پایدار، رودخانه کوکچه، تخارستان.

Management of the Kokcha river water resource and its electricity production capacity in the sustainable development of Takharistan

Teaching Assistant Emaduddin Ibrahimi^{1*}, Senior Teaching Assistant Samiullah Aman², Assistant professor mohammad Haroon Saberi³

1. Department of Physics, Faculty of Education, Alberoni University.

2. Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University.

3. Department of Mathematics, Faculty of Education, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: Emadudinibrahimi@gmail.com

Abstract

the concept of quality life is broad and encompasses aspects such as a good life, a valuable life, a satisfying life, and a happy life. In recent years, the concept quality of life is with urban expansion, population growth, and the consequent rise in various urban challenges, the concept of quality of life has gained significant attention. This research aims to examine urban quality of life through the improvement of green infrastructure. The study adopts an applied developmental approach with descriptive-analytical methods. Data collection is conducted through documentary research and field studies, along with a survey method using Likert-scale questionnaires to gather perspectives from both experts and residents on quality of life. The sample size is determined using Cochran's formula. The findings indicate that enhancing and establishing green infrastructure in Kabul city can improve quality of life. As a result, developing green infrastructure in Kabul would lead to better living conditions and an enhanced quality of life. It is recommended that the protection and maintenance of Kabul's green infrastructure be considered a crucial responsibility for both local authorities and citizens.

Key words: Life, Green infrastructures, City, Kabul city, Quality of life

مقدمه

آب یکی از اساسی‌ترین عناصر زندگی بشر است بدون آن زندگی ناممکن خواهد شد. هر کشور و سرزمینی با داشتن آب می‌تواند به ثبات اقتصادی و توسعه برسد؛ زیرا آب یکی از مهمترین عوامل در توسعه پایدار به حساب می‌آید. آب می‌تواند هم شاخص انکشاف و همچنان عامل محدودکننده برای توسعه باشد. کشورها بدون اطمینان از داشتن آب، نمی‌تواند ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کند. افزایش رشد جمعیت، وابستگی به آب را افزایش داده است و توجه به این امر برای کشورها در اولویت قرار گرفته است (یادگاری، 1402).

مدیریت منابع آب شامل مجموعه اقداماتی است که به منظور برنامه‌ریزی، تخصیص و بهره‌برداری پایدار از منابع آبی انجام می‌شود. این مدیریت با هدف تأمین نیازهای انسانی، کشاورزی، صنعتی، زیست‌محیطی، جلوگیری از هدر رفتن آب و مقابله با بحران آب انجام می‌گیرد (Hoekstra, 2016). منابع آبی به دو دسته تجدیدپذیر (مانند آب‌های سطحی و زیرزمینی) و غیر تجدیدپذیر (مانند منابع آب در مناطق خشک) تقسیم می‌شوند. مدیریت منابع آب به معنی هماهنگی میان عرضه و تقاضا و حفاظت از کیفیت و کمیت منابع است (FAO, 2021).

بر اساس گزارش آژانس خبری روز، سالانه ۷۵ میلیارد متر مکعب آب در کشور تولید می‌شود که ۸۰ درصد آن از طریق ذوب شدن برف‌ها و یخچال‌ها به دست می‌آید. از این مقدار، ۵۷ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی و ۱۸ میلیارد متر مکعب منابع آبی زیر زمینی می‌باشد که شوربخانه از مقدار ۵۷ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی تنها ۲۰ درصد آن بهره‌برداری می‌شود و مابقی بلا استفاده از سرحدات کشور خارج می‌گردد (عظیمی، 1390).

بند آبیاری کوکچه در ولسوالی خواجه غار ولایت تخار بفاصله حدود ۴۰۰ متری بطرف شرق پل کوکچه که شش ولسوالی ولایت تخار را با مرکز ولایت وصل می‌سازد در نظر گرفته شده است. سروی مقدماتی وامکان سنجی بند آبگردان کوکچه سفلی که بمنظور آبیاری زمین‌های زراعتی قابل ساخت میباشد قبلاً در زمان حکومت سردار محمد داوود خان صورت گرفته است، مسوولین و متخصصین حوزه آب در حکومت‌های جدید سروی‌های قبلی را تأیید و در جهت اعمار آن پیشنهاد و طرح مشابه را ارائه نموده اند (رسولی، ۱۴۰۰). شناخت و بررسی پتانسیل موجود منابع آبی رودخانه کوکچه و اهمیت آن در شکوفایی و توسعه پایدار مناطق تخارستان بحث عمده ماست و با مدیریت منابع آب در این رودخانه و با ایجاد بند آبی بالای این دریا، می‌توان در حدود ده‌ها هزار هکتار زمین

بایر ولامزروع در ولسوالی های ماورای کوکچه از قبیل خواجه غار، دشت قلعه، خواجه بهاولدین، ینگه قلعه و رستاق ولایت تخار، و همچنان ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز را نیز آبیاری نمود و در کنار آن می توان چندین میگاوات برق را نیز تولید کرد. پس با مدیریت سالم منابع آبی این رودخانه مهم و پر آب کشور می توان توسعه پایدار را در بخش های مختلف زندگی شهروندان تخارستان مخصوصاً در عرصه های کشاورزی، تولید صنعت، معارف و ساخت و ساز معنی بخشید و اهالی این خطه باستانی را رفاه و کیفیت خوب زندگی را برای شان مهیا کرد و روز به روز به اهمیت آن افزود این خود نشان دهنده اهمیت مدیریت سالم منابع آب رودخانه ها مخصوصاً رودخانه کوکچه می باشد.

توسعه ای تمام تمدن های اولیه ی بشر علاوه بر خاک، به فراوانی آب نیز وابسته بوده است. وجود آب در شکوفایی تمدن ها به قدری حائز اهمیت است که این تمدن ها را تمدن های آبی¹ می نامیدند که از نمونه های بارز آن تمدن های نخستین در بین النهرین (عراق فعلی) و مصر است. منابع آب بطور یکسان در سطح کره ی زمین مانند منابع طبیعی دیگر توزیع نشده است (امان و قادری، 1401).

بطور کل آغاز زندگی مخلوقات اولیه، مخصوصاً انسانها در اطراف و اکناف چشمه سارها، دریاچه ها و دریاها شکل گرفت، از زندگی مغاره نشینی شروع الی امروز که بزرگترین شهرها و هسته شهرها در کنار دریاها بوجود آمدند، از برکت آب است. از مجموعه ی تمام آب های سیاره ی زمین، ۹۷ درصد آن شور و صرف ۳ درصد اش شیرین و قابل شرب می باشد (عظیمی، 1390). رودخانه کوکچه یکی از رودهای بزرگ کشور است که آب خود را از سمت چپ به رودخانه آمودریا می رساند. بند آبیاری کوکچه سفلی یکی از مهم ترین و بنیادی ترین بندهای آبگردان در کشور بشمار میرود که هنوز در ساخت و ساز آن سرمایه گذاری صورت نگرفته است. وضعیت فعلی رودخانه کوکچه نمایانگر آنست ما هنوز نتوانستیم از این آب خروشان برای سود کشور علی الخصوص تخارستان استفاده کنیم. و همسایگان از این منابع مهم ما استفاده ی اعظمی می نمایند. هرگاه آب این رودخانه مدیریت شود و بندهای برق احداث گردد ما را به وضعیت مطلوب خواهد رساند. بناءً هدف از تحقیق هذا شناخت و مدیریت منابع آب رودخانه کوکچه جهت احیای بند برق و توسعه پایدار تخارستان بوده که با این سوال آیا مدیریت درست منابع آبی رودخانه کوکچه سبب تولید برق و ظرفیت سازی برای توسعه پایدار مناطق تخارستان می گردد؟ با هدف مذکور جهت پیدا نمودن پاسخ مناسب سوال تحقیق دنبال می گردد.

از آنجا که آب ماده‌ای حیاتی است و همه موجودات زنده به آن وابسته اند، آب جایگزین ندارد و تصفیه آن دشوار، انتقال آن گران و پرهزینه است. رودخانه کوچک که از جمله پر آب‌ترین رودخانه های افغانستان به شمار می‌رود؛ پژوهش پیرامون آن امر ضروری و مهم تلقی می‌گردد. در صورت مدیریت آب این رودخانه بسیاری از زمین‌های مایه‌ای کوچک تحت کشاورزی قرار گرفته و تا حدودی زیادی مردم تخارستان را از فقر و تنگدستی رهایی خواهد بخشید و همچنان نقش بسزای در تولید برق دارد. مدیریت آب رودخانه کوچک در توسعه و ترقی تخارستان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و هزاران نفر صاحب کار و از مزایای آن مستفید خواهند شد. توجه به برنامه‌ریزی آب‌ها برای انکشاف کشور در جایگاه بلندی قرار داشته و مسئولان به این مهم باید توجه جدی نمایند. زیرا هدر رفتن آب های افغانستان ضایعه‌ی بزرگ در عرصه زراعت و تولید انرژی برق ناشی از آن و در کل انکشاف و شکوفایی کشور است. از اینرو اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی منابع آبی در کشور واضح می‌گردد تا بزرگان کشور به این امر بپردازند و مدیریت آب‌های افغانستان را در اولویت کار های خویش قرار دهند.

پیشینه تحقیق

تا هنوز در قسمت مدیریت منابع آب رودخانه کوچک کار صورت نگرفته، اما چندین بار سروی‌های پراکنده در نقاط مختلف این رودخانه شده است و در اینجا بحث های راجع به منابع آبی رودخانه‌های کشور شده بعضی از قسمت های آن با موضوع ما مرتبط است چنین بیان می‌نمایم:

کشور عزیز ما افغانستان از نگاه منظره و طبیعت خود بسیار زیبا، از نگاه جیولوژیکی خیلی دلچسپ و از نگاه ثروت و منابع طبیعی بالاخص آب‌های شیرین بسیار غنی می‌باشد (قائم، 1386).

با مباحث ما کاملاً مرتبط است.

افغانستان با داشتن پنج حوزه آبی اصلی، 11-حوزه آبی فرعی و آب شیرین کافی، در عدم مدیریت آنها هنوز هم تشنه است. از جمله پنج حوزه آبی در کشور، به استثنای رود شمال، حوزه‌های آبی آمو، هلمند، هریرود و کابل از جمله رودهای فرامرزی شناخته می‌شوند و حوضه‌ی هلمند نواحی کم ارتفاعی است که در جنوب غرب افغانستان واقع می‌باشد و شامل نواحی پست و کم ارتفاع حوضه-های آب ریز رودهای هلمند، خاشرود، فراه رود، ادرسکن و گود زیره می‌گردد که بند کمال خان در این حوزه بالای دریای هلمند احداث گردیده است (عظیمی م. ع.، 1391). موضوع ما هم جدا از این منبع نیست پس رابطه خوب دارد.

ملاحظه می‌شود که در مقیاس جهانی و حتی در بین کشورهای منطقه، آینده‌نگری نسبت به مدیریت منابع آبی مدت‌هاست کلید خورده است، اما در کشور ما علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته شده هنوز آنطور که باید و شاید به موضوع آب پرداخته نشده است و از این رو پرداختن به این موضوع ضرورت یافته است. بحث مدیریت آب یک موضوع میان رشته‌ایست؛ که از علوم انسانی تا انجینری و از شرعیات تا زیست‌شناسی را در بر می‌گیرد (روز نامه افغانستان، 1399). این منبع تا اندازه زیاد با موضوع ما مرتبط است.

در کشور ما در حدود ۲۰۰ رودخانه‌ی فصلی و دائمی وجود دارد که در پنج حوزه آبی اصلی، ۱۱ حوزه آبی فرعی با آب شیرین تقسیم شده است. از جمله پنج حوزه آبی در کشور، به استثنای رود شمال، حوزه‌های آبی آمو، هلمند، هریرود و کابل از جمله رودهای فرامرزی شناخته می‌شوند. در حال حاضر افغانستان فقط با ایران قرارداد «حق‌آبه» را به امضاء رسانده است، اما متباقی حوزه‌های آبی فرامرزی بدون استفاده داخلی به کشورهای هم‌جوار سرازیر می‌شود و این کشورها از آن برای شکوفایی اقتصادی، رشد صنعت و رفاه مردم‌شان سود می‌برند (روز نامه هشت صبح، 29/4/1399). رابطه‌ی عمیقی با موضوع ما دارد.

ضرورت انکار ناپذیر توجه به آب به عنوان کلید توسعه پایدار محصول تفکر نظام مدیریتی بشر امروز است که در افغانستان متأسفانه با جدیت به این موضوع توجه نشده است. اتخاذ سیاست‌ها و درصدهای توسعه در مدیریت منابع آب افغانستان مستلزم توجه به حوزه‌های مدیریتی مختلف است که هر کدام از این حوزه‌ها خود دارای گستردگی و پیچیدگی می‌باشد که عزم راسخ و توان بالایی را برای ارائه‌ی برنامه‌های منسجم علمی می‌طلبد (عظیمی، 1390). رابطه‌ی کامل با موضوع ما دارد، پس مدیریت منابع آب رودخانه کوکچه یکی از مباحث ارزنده در قسمت مدیریت منابع آبی بوده و باید در این مورد کارهای بس شایسته صورت بی‌گیرد تا بتوان اهمیت آنرا درک کرد و با تلاش شهروندان تخارستان که حوزه مربوطه رودخانه کوکچه است توسعه پایدار در عرصه‌های مختلف زندگی شان مساعد شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی می‌باشد. هدف از این پژوهش، بررسی دیدگاه‌ها و نگرش متخصصان که در محل اسکان دارند در مورد نقش دریای کوکچه در ابعاد اقتصادی، محیط‌زیستی و توسعه پایدار منطقه است. پرسشنامه

در اختیار متخصصان قرار گرفته و جهت سنجش پایایی آن، ضریب الفای کرونباخ 0.750 بدست آمده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق یک پرسشنامه بسته با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از «خیلی-کم» تا «خیلی زیاد») گردآوری گردید. نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و هدفمند انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار (SPSS) استفاده گردید. تحلیل داده‌ها در یک سطح صورت گرفت: آمار توصیفی شامل: جدول فراوانی، درصدی و تجمع درصدی برای توصیف ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان و نمرات پرسشنامه در یک جدول به صورت کلی ارائه گردیده است.

مفاهیم اساسی

محل تحقیق حاضر، ولایت تخار بوده که؛ یکی از ولایات شمال شرقی افغانستان شناخته شده و حدود 12457.8 کیلومتر مربع مساحت را احتوا می‌کند و این ولایت از سطح بحر 804 متر ارتفاع دارد. شهر تالقان از جمله شهرهای با عظمت تاریخی این سرزمین به شمار می‌رود. این ولایت از جانب شمال به رود خانه آمو و کشور تاجکستان، از سمت جنوب به ولایت پنجشیر، از سمت شرق به ولایت بدخشان و از سمت غرب به ولایات کندز و بغلان پیوسته است. تخارستان نام دیگر برای این ولایت و ولایات همسایه آن (کندز، بدخشان و بغلان) اطلاق می‌گردد. نام تخارستان بار اول در یک اثر ترجمه شده در سال 383 میلادی ذکر شده است. تخارستان در آثار چینیایی در قرن 7 میلادی به شکل تو-خا-لا/TOU, HO, LO و TOU, HOU, LO آمده است. البته این نام قبل از آن در آثار بطلموس به گونه ی تخاریو/Toxario دیده می‌شود. باید گفت که نام بعدی تخارستان یعنی قطغن مربوط می‌شود به طایفه‌ی به همین نام که در قرن 18 میلادی از سمرقند به این ناحیه آمده و آنرا اشغال کردند. دریای‌های بزرگ آنرا دریای آمو، کوکچه، تالقان، فرخار و دریاچه چال تشکیل می‌دهد (انصاری، 1394).

تخارستان از قرن 4 ق م تا قرن 7 میلادی بر یک ساحه وسیعی در شمال شرق آریانا در جنوب رودخانه آمو از بدخشان تا بلخ و حتی الی ساحه میمنه امروزی اطلاق میشده است. در قرن 6 میلادی هنگامیکه ترک‌ها از طرف شمال و شمال غرب پس از اضمحلال هفتالها و عقب زدن تهاجم ساسانیان وارد تخارستان شدند، در این منطقه یک نوع ملوک الطوائفی بمیان آمد، بدین معنی که هر خان ترک در علاقه داری کوچک خود حاکم بوده و در مجموع همه ایشان به خان مرکزی قندز مطیع بوده اند. بدین گونه قندز مرکز اداری را تشکیل میداد (کهگدای، 2023).

استفاده از اصطلاح « توسعه پایدار » در معنی امروزی آن معمولاً به انتشار گزارش برانت لند، یا گزارش رسمی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه نسبت داده می شود. مفهوم « پایداری » به عنوان مفهومی متضاد با « توسعه پایدار » ریشه در نگرانیهای مربوط به حفاظت از منابع طبیعی دارد و می توان ریشه آنرا تا جنبش حفاظت از محیط زیست در اواسط قرن نوزدهم دنبال کرد. مفهوم توسعه پایدار، نخستین بار در سند « راهبرد حفاظت از منابع طبیعی جهان » که در سال 1980 توسط « واحد جهانی حفاظت از منابع طبیعی » منتشر گردید به کار گرفته شد. بطور خلاصه؛ توسعه پایدار رویکردی است در توسعه اقتصادی که بر محافظت از منابع طبیعی و توسعه انسانی تأکید می کند (امان و رحیمی، 1397).

توسعه در افغانستان چه رویای می تواند داشته باشد؟ آیا با این اقتصاد نو بنیاد می توان از توسعه پایدار سخن گفت؟ چه برنامه های عملاً در این کشور وجود دارد که رفتن به طرف توسعه پایدار را تضمین می نماید؟

پایداری می تواند چهار جنبه داشته باشد: 1- پایداری در منابع طبیعی. 2- پایداری سیاسی. 3- پایداری اجتماعی. 4- پایداری اقتصادی. افغانستان منحنی یک کشور فقیر و عقب مانده باید به مقدمات توسعه پایدار اندیشیده و برای آماده شدن جهت رفتن به توسعه پایدار باید قدم نخست حفاظت از منابع طبیعی و محیط را در محور قرار دهد (هژیر، 1396).

اهمیت آب در توسعه پایدار

آب منبع حیاتی و ضروری برای توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. از منظر محیط زیستی، آب نقشی اساسی در حفظ اکوسیستم ها، تنوع زیستی و چرخه های طبیعی دارد. همچنان، نقش آب در صنایع مختلف، از تولید انرژی تا کشاورزی نقش آن را برجسته تر کرده است (ملکی، 1399).

توسعه پایدار، بدون مدیریت صحیح منابع آب، ممکن نیست. کشورهای که منابع آبی خود را به طور کارآمد مدیریت نکرده اند، با پیامدهایی همچون بی ثباتی اجتماعی، کاهش رشد اقتصادی و تخریب محیط زیست مواجه شده اند. با این حال، تدوین سیاست های مناسب و سرمایه گذاری در زیر ساخت های آبی می تواند تأثیرات مثبتی بر دستیابی به توسعه پایدار داشته باشد (حریری، 1403). آب یکی از منابع طبیعی است که نقش اساسی را برای حیات انسان ها بازی می کند. به صورت کل می توان گفت که، آب بنیاد و اساس توسعه پایدار را شکل می دهد. هرگاه از این منبع خدا دادی

به صورت درست استفاده نشود، رسیدن به توسعه پایدار خواب و خیالی بیش نیست. واضح تر می توان گفت که استفاده ی صحیح از منابع آبی نظیر احداث بند ها، صرفه جویی در مصرف از مهم ترین اقداماتی است که آب ها را مدیریت و زمینه را برای توسعه پایدار هموار می سازد.

به باور بنده مدیریت منابع آب به صورت پایدار در افغانستان باید جدی گرفته شود، زیرا مهم ترین بخشی که اکثریت سرمایه و اقتصاد ما به آن بستگی دارد، کشاورزی و تأمین انرژی است، که نادیده گرفتن منابع آبی می تواند به این حوزه ها آسیب کلان را وارد نماید. از اینرو باید آب های کشور مدیریت و بندهای برق آبی برای تأمین انرژی مورد نیاز کشور احداث شود. مدیریت آب و احداث بند برق روی روخانه کوکچه و ظرفیت تولید برق ناشی از آن در توسعه پایدار تخارستان نقش برجسته خواهد داشت.

رودخانه ی کوکچه یکی از رودهای بزرگ است که آب خود را از سمت چپ به رودخانه

آمودریا می رساند. این رود از رشته کوه های بلند قسمت اخیر هندوکش اصلی یعنی منطقه ای نورستان، زیباک، رشته کوه خواجه محمد، اشکاشم و غاران که همه این کوه ها مانند ستون فقرات هندوکش شرقی را به وجود آورده اند، سرچشمه گرفته است. آب رود کوکچه از سه دره نسبتاً بزرگ (دره سرغیلان، دره وردج و یمگان) به وجود آمده است.

رودخانه کوکچه در غرب دشت خیرآباد و حصار که در منطقه ی آخر بهارک بدخشان قرار دارد، سمت حرکت خود را به طرف غرب تغییر می دهد، بعد به جریان خود ادامه داده از کنار چپ مرکز ولایت بدخشان یعنی شهر فیض آباد گذشته و از اینجا به بعد سمت حرکت خود را گاهی به جنوب غرب و گاهی به غرب تغییر داده، منطقه ای رستاق را از سمت جنوب احاطه می نماید و در ناحیه خواجه غار به رودخانه آمودریا می ریزد (احمدی، 1391).

منبع شرقی این دریا از جهیل دوفرین سرچشمه گرفته و به استقامت غرب به جریان می افتد. معاونین دریای کوکچه قبل از آنکه به شهر فیض آباد برسند به فاصله بیست و پنج کیلومتر در شرق فیض آباد با دریای کوکچه یک جا می شود. عمق دریای کوکچه زیاد و عرض آن کم بوده و در بعضی جاها عرض آن از یک کیلومتر تجاوز نمی کند. از این سبب در طول 400 کیلومتری از بستر دریا امکان گرفتن آب به انهار و جویبارها امکان پذیر نیست و از همین جاست که زراعت در بدخشان به وجه مطلوب انکشاف نکرده است. اما از ناحیه آب باران الی خواجه غار زمینه ی آبیاری در اراضی میسر می باشد. شهر تاریخی آی خانم نیز در حصه اتصال دریای کوکچه و دریای پنج که

در زمانش شهر خیلی با شکوه بود که بعد از حملات اجانب این شهر معمور، آبادانی و عظمت خود را از دست داد و امروز جز خرابه‌ها و ویرانه‌ها از آن باقی نمانده است، موقعیت دارد. پیداوار زراعتی و تربیه حیوانات در این ساحه قناعت بخش است. (خدمتکار, 1390).

این رودخانه، یکی از سریع‌ترین رودخانه‌های افغانستان به شمار می‌رود. به اصطلاح جغرافیایی، این رودخانه از جمله رودخانه‌های جوان کشور می‌باشد. فصل بهار و اوایل تابستان موسم آب خیزی آن است که به طور سریع و لجام گسیخته به جریان خود ادامه داده، سطح بستر خود را به صورت مداوم عمیق گردانیده مشکلات بزرگی در اعمار و ساختمان بندهای زراعتی و طرق استفاده از آن به وجود آورده است. به دو طرف این بلندتر از سطح بستر آب آن، دشت‌هایی به وسعت کم و زیاد وجود دارد. در قدیم ذریعه‌ای اعمار بندهای زراعتی اکثر این دشت‌ها و زمین‌های وسیع را آبیاری می‌نمودند، ولی به مرور زمان در اثر پایین آمدن سطح بستر آن، از استفاده فعلی مردم دور مانده به طور خشک باقی مانده است. چنانچه آثار و بقایای زیادی این بندها و نه‌های زراعتی و دهکده‌های متروک، در اکثر جاهای آنجا دیده می‌شود (احمدی, 1391).

طول عمومی این رودخانه از منبع الی مصب ۳۲۰ کیلومتر است، این رودخانه از منبع اکثراً از مجراهای پر خم و پیچ، باریک و عمیق عبور کرده که این مسئله باعث شده تا از آب آن برای زراعت کمتر مورد استفاده قرار گیرد، اما از ناحیه آب‌بازان به بعد از ساحات نسبتاً هموار عبور کرده‌اند و در این نواحی عمق رودخانه کمتر و عرض آن بیشتر شده که زمینه استفاده آن برای آبیاری و زراعت امکان پذیر است (تلاش, 1396).

ظرفیت تولید برق آبی

رودخانه کوچکچه بعد از حوضه آب ریز پنج یکی از رودخانه‌های مهم از نگاه داشتن ظرفیت تولید برق آبی در حوضه آبریز آمو دریا به شمار می‌رود، به اساس ماستر پلان برق سابقه افغانستان ظرفیت تولیدی آن حدود ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ مگاوات تخمین گردیده بود. قابل ذکر است که در این اواخر مطالعات امکان سنجی آن ذریعه کمپنی GES کشور هندوستان صورت گرفته که کمپنی مذکور ۱۳ نقطه را که برای تولید برق آبی مساعد می‌باشد تشخیص داده و شش نقطه آن را در اولویت قرار داده است (محمودی, 1396).

محاسبه ظرفیت تولید برق را می‌توانیم از فورمول ذیل محاسبه کنیم (Roberson, 1998):

$$P = \eta \cdot \rho \cdot g \cdot h \cdot Q \dots \dots \dots 1$$

در رابطه (1) p توان تولید برق، η بازدهی سیستم (بین 0 و 1)، ρ کثافت آب، g تعجیل جاذبه، h ارتفاع آب و Q دبی آب (مترمکعب بر ثانیه) است. با استفاده از این فورمول توان تولید برق که به فاکتورهای h ارتفاع و Q بستگی دارد، در نقاط مختلف تفاوت دارد.

بر اساس گزارش رسمی طلوع نیوز، بند کوکچه با ظرفیت ۴۵۰ میگاوات برق در تخار ساخته خواهد شد، وزارت انرژی و آب از علاقه‌مندی یک شرکت قزاقستانی برای ساخت بند کوکچه خبر می‌دهد. مسئولان این وزارت می‌گویند که یک شرکت قزاقستانی آماده‌است که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر برای ساخت بند کوکچه در ولایت تخار سرمایه‌گذاری کند.

عبدالبصیر عظیمی، معین مالی و اداری وزارت انرژی و آب، می‌گوید که برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش تلاش‌ها آغاز شده‌اند و قرار است پس از بررسی‌ها این پروژه به داوطلبی سپرده شود. معین وزارت انرژی و آب می‌گوید که این وزارت پیشنهاد یک شرکت قزاقستانی را برای ساخت یک نیروگاه برق بر دریای کوکچه بررسی می‌کند. بر بنیاد اطلاعات داده شده، با ساخته شدن این نیروگاه برق بر دریای کوکچه ۴۵۰ میگاوات برق تولید خواهد شد. از سویی هم، شماری از آگاهان اقتصادی با در نظر داشت نیازمندی‌های کنونی به نیروی برق در منطقه و تلاش‌های حکومت برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در این زمینه، می‌گویند که حکومت باید در جذب سرمایه‌ها در بخش تولید نیروی برق آبی و ساخت بندها را در کشور فراهم سازد.

با ساخته شدن نیروگاهی بر دریای کوکچه، یک-سوم نیازمندی کشور به نیروی برق از این بند تأمین خواهد شد. مسئولان وزارت انرژی و آب می‌گویند که با ساخته شدن این بند گذشته از تولید انرژی برق، آب فراوان کشاورزی در حوزه شمال و شمال شرق کشور فراهم خواهد شد (طلوع نیوز، 2 جوزا 1403).



تصویر (1) بند کوکچه، منبع: طلوع نیوز

یافته‌های تحقیق

در این بخش از این مقاله‌ی تحقیقی؛ به‌رویت اهداف و پرسش‌های تحقیق، با مرور اسناد و شواهد معتبر علمی، اطلاعات گردآوری شده از روی مطالعاتی میدانی که از طریق پرسش‌نامه محققان ساخته در برنامه SPSS مورد تجزیه و تحلیل در قالب گراف و جداول قرار گرفته است. در ذیل؛ به توضیحات مفصل هر بخش از داده‌های به دست آمده پرداخته شده است.

توصیف یافته‌های عمومی پاسخ‌گویان

در جدول ذیل معلومات دیموگرافیکی پاسخ‌گویان درج گردیده است.

جدول شماره (1) معلومات دیموگرافیکی پاسخ‌دهندگان.

جنسیت	فراوانی	درصد	تجمعی درصد
مرد	87	%87	%87
زن	13	%13	%13
کل	100	%100	-
سن	فراوانی	درصد	تجمعی درصد
30-25 سال	11	%11	%11
35-31 سال	26	%26	%26

24%	24%	24	40-36 سال
15%	15%	15	45-41 سال
24%	24%	24	46 سال و بالاتر از آن
-	100%	100	كل
تجمعى درصد	درصد	فراوانى	شغل
9%	9%	9	استاد پوهنتون
14%	14%	14	كارمند ادارى
31%	31%	31	انجنيير
46%	46%	46	ساير رشته ها
-	100%	100	كل
تجمعى درصد	درصد	فراوانى	ميزان تحصيلات
45%	45%	45	ليسانس
47%	47%	47	ماستر
8%	8%	8	داكتر
-	100%	100	كل

در جدول شماره (2) ذيل سوالات تحقيق بر حسب فراوانى درج گرديده است تا ديدهگاه پاسخ دهندگان در هر گزينه مشخص گردد. اطلاعات اين جدول به ما كمك مى كند تا ديدهگاه پاسخگو را به خوبى درك و توصيف نماييم.

در اين جدول از مجموع 100 تن جمعيت، براى مؤلفه (مديريت جامع منابع آب رود كوچه در توسعه پايدار تخارستان) 15 تن گزينهى كم، 25 تن گزينه متوسط، 35 تن گزينه زياد، 25 تن گزينه خيلى زياد را انتخاب كرده اند. و در اين سوال گزينه خيلى كم از طرف هيچ كس انتخاب نشده است. براى مؤلفه (شگوفايى تمدن) 5 تن گزينه كم، 25 تن گزينه متوسط، 38 تن گزينه زياد و 32 تن گزينه خيلى زياد را انتخاب نموده اند. و انتخاب گزينه خيلى كم صفر است.

در مؤلفه سوم (حفظ و مديريت محيط زيست) 1 تن گزينهى خيلى كم، 4 تن گزينهى كم، 25 تن متوسط، 40 تن زياد و 30 تن گزينهى خيلى زياد را انتخاب كرده اند.

برای مؤلفه چهارم (تقویت اقتصادی و رشد فرهنگی) 12 تن گزینه ی کم، 24 تن گزینه ی متوسط، 38 تن زیاد و 26 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. گزینه ی خیلی کم انتخاب نشده است.

در مؤلفه پنجم (توسعه زراعت پایدار و میکانیزه شده) 5 تن گزینه ی کم، 25 تن گزینه ی متوسط، 38 تن گزینه ی زیاد و 32 تن گزینه خیلی زیاد را نشانی کرده اند. گزینه ی خیلی کم انتخابی ندارد.

برای مؤلفه ششم (کیفیت زندگی شهروندان) 2 تن گزینه ی خیلی کم، 6 تن گزینه ی کم، 25 تن گزینه ی متوسط، 42 تن گزینه ی زیاد و 25 تن گزینه ی خیلی زیاد را نشانی کرده اند.

در مؤلفه هفتم (انکشاف صنعت پایدار) 1 تن گزینه ی خیلی کم، 5 تن گزینه ی کم، 19 تن گزینه ی متوسط، 47 تن گزینه ی زیاد و 28 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب کرده اند.

در مؤلفه هشتم (رشد تکنالوژی و آموزش) 4 تن گزینه ی کم، 20 تن گزینه ی متوسط، 44 تن زیاد و 32 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. گزینه ی خیلی کم انتخاب نشده است.

برای مؤلفه نهم (استحکام زیست روستائیان) 1 تن گزینه ی خیلی کم، 7 تن گزینه ی کم، 26 تن گزینه ی متوسط، 29 تن زیاد و 37 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب نموده اند.

در مؤلفه دهم (ایجاد زمینه کسب و کار) 5 تن گزینه ی خیلی کم، 8 تن گزینه ی کم، 28 تن گزینه ی متوسط، 29 تن زیاد و 30 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب نموده اند.

برای مؤلفه یازدهم (تأمین انرژی پایدار) 12 تن گزینه ی کم، 23 تن گزینه ی متوسط، 38 تن زیاد و 27 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. گزینه ی خیلی کم انتخاب نشده است.

در مؤلفه دوازدهم (رفاه و تسهیلات را برای شهروندان) 3 تن گزینه ی کم، 23 تن گزینه ی متوسط، 40 تن زیاد و 34 تن گزینه ی خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. گزینه ی خیلی کم انتخاب ندارد.

جدول (2) نشان دهنده ی تعداد پاسخ دهنده ها برای هر مؤلفه در مقیاس لیکرت است.

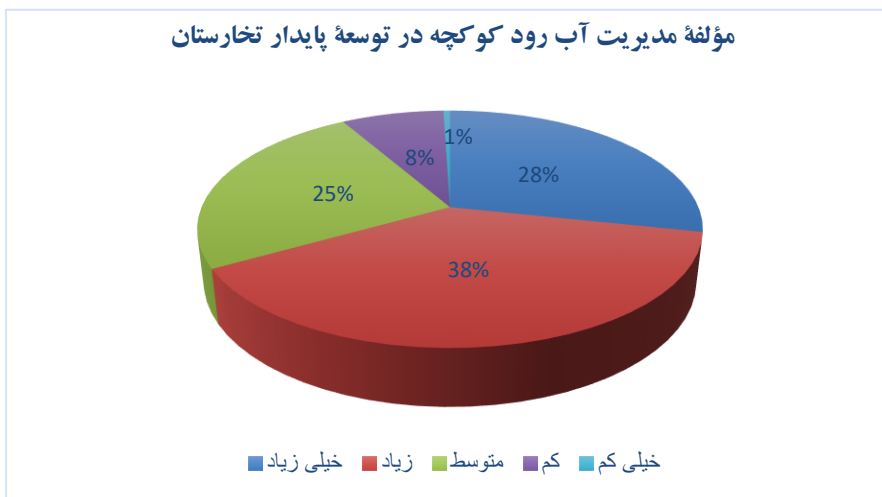
مؤلفه های تحقیق برحسب فراوانی		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجموعه
نتیجه گیری	توسعه پایدار	0	15	25	35	25	100
	شگوفایی تمدن	0	5	25	38	32	100
	محیط زیست	1	4	25	40	30	100

100	26	38	24	12	0	تقویت اقتصادی و رشد فرهنگی	
100	32	38	25	5	0	توسعه زراعت و میکانیزه شده	
100	25	42	25	6	2	کیفیت زندگی شهروندان	
100	28	47	19	5	1	انکشاف صنعت	منطقه تولید برق در توسعه پایدار
100	32	44	20	4	0	رشد تکنالوژی و آموزش	
100	37	29	26	7	1	استحکام زیست روستایی	
100	30	29	28	8	5	ایجاد زمینه‌ی کسب و کار	
100	27	38	23	12	0	تأمین انرژی پایدار	
100	34	40	23	3	0	رفاه و تسهیلات	

آمار و ارقام گزینه‌های انتخاب شده نشان می‌دهد که مدیریت منابع آب رودخانه کوکچه و تولید برق ناشی از آن در توسعه پایدار و عناصر برجسته‌ی آن نقش دارد. زیرا میزان انتخاب گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد از طرف پاسخ‌دهندگان به وفرت نشانی شده است و این خود بیانگر اهمیت موضوع است. اکثر پاسخ‌گویان به این باوراند که مدیریت منابع آب رودخانه کوکچه و ظرفیت تولید برق ناشی از آن سبب توسعه پایدار، شگوفایی تمدن تخارستان، حفظ و مدیریت محیط زیست، تقویت اقتصادی و رشد فرهنگی، توسعه زراعت و میکانیزه شدن آن، ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان، انکشاف صنعت، رشد تکنالوژی و آموزش، پایداری زیست روستائیان، ایجاد کسب و کار، تأمین انرژی پایدار و رفاه و تسهیلات برای مردم می‌گردد که این مفاهیم از فاکتورهای عمده‌ی توسعه پایدار به حساب می‌آید.

مؤلفه مدیریت منابع آب در توسعه پایدار تخارستان.

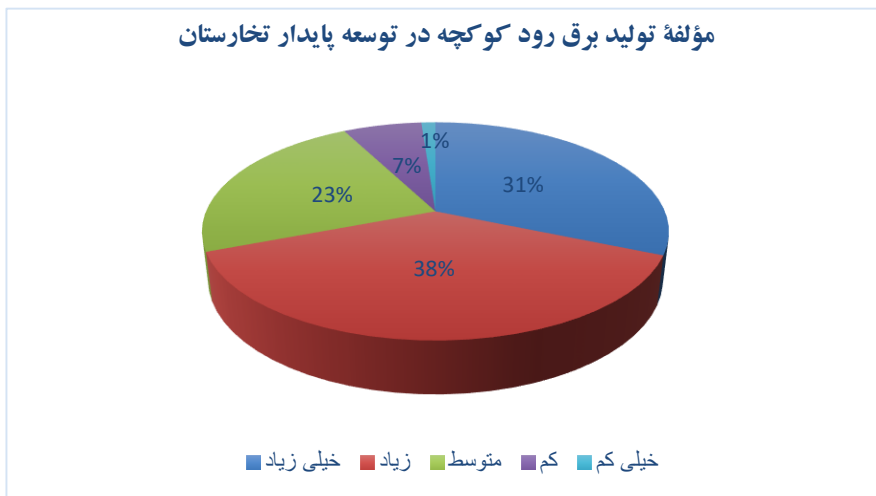
نتایج توصیفی حاصل از گویه‌ها یا متغیرهای مؤلفه مدیریت منابع آب گواه بر آنست که حدود 38 درصد از پاسخ‌گوها در گزینه‌ی زیاد و 28 درصد در گزینه‌ی بسیار زیاد قرار گرفته است؛ در میان گویه‌ها، 28 درصد گزینه‌ی متوسط، 8 درصد کم و 1 درصد گزینه‌ی خیلی کم را در مؤلفه مدیریت آب رود کوکچه در توسعه پایدار تخارستان را انتخاب کرده اند. این درصدی‌ها نمایانگر آنست که مدیریت آن در توسعه پایدار ارزشمند است.



گراف (1) نمایانگر درصدی میزان انتخاب برای مؤلفه مدیریت آب در توسعه پایدار تخارستان است.

1- تحلیل داده‌ها در خصوص اجزای مؤلفه ظرفیت تولید برق در رودخانه کوکچه.

یافته‌های توصیفی در خصوص متغیرهای مؤلفه‌ی ظرفیت تولید برق در رودخانه کوکچه بیانگر آنست که، حدود 23 درصد از پاسخ‌دهندگان در گزینه متوسط قرار گرفته است؛ در میان گویه‌ها، حداکثر مقدار پاسخ در گزینه‌های زیاد 38 درصد و خیلی زیاد 31 درصد، مربوط به مؤلفه تولید برق در توسعه پایدار تخارستان است. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که تولید برق بر شاخص‌های انکشاف صنعت، رشد تکنالوژی و آموزش، زمینه کسب و کار، تأمین انرژی پایدار و رفاه شهروندان تخارستان کمک می‌کند.



گراف شماره (2) نشان دهنده درصدی میزان انتخاب برای مولفه تولید برق رودخانه کوچه در توسعه پایدار تخارستان است.

مناقشه

یافته‌های این پژوهش با مواردی که در پیشینه بیان گردیده است خیلی نزدیک است. آنچه را که (قائم، 1386) در کتاب خود نسبت به مدیریت آب‌های افغانستان بیان کرده است که؛ افغانستان هم از نظر جیولوژیکی مهم و هم از نگاه منابع آب شیرین بسیار غنی می باشد، در این موارد ما هم چنان به نتایج مشابه دست یافتیم. عظیمی در کتاب خود راجع به حوزه‌های آبی افغانستان بحث کرده است. و آن را به 5 حوزه آبی اصلی و 11 حوزه آبی فرعی تقسیم نموده است. و بند کمال خان را روی دریای هلمند احداث گردیده است ستایش کرده است. ما هم در پژوهش خویش به این نتایج دست یافتیم که مدیریت منابع آب رودخانه کوچه برای تولید برق و انکشاف سکتور زراعت و صنعت ارزشمند است و بستر انکشاف پایدار در تخارستان شکل خواهد گرفت. روزنامه‌ی افغانستان در گزارش خود راجع به آینده‌نگری در مورد مدیریت منابع آب پرداخته است، بدون تردید در حال حاضر و آینده‌ی آب یکی از عناصر حیاتی برای کشورهاست و باید تلاش بیش‌تر صورت گیرد تا این منبع عظیم و حیاتی هدر نرود و این گزارش با یکی از اهداف ما یکسان است. از جانب دیگر عظیمی در کتاب دیگر خود تحت عنوان (بنیادهای جغرافیایی اقتصاد افغانستان) بر داشتن توان بالا برای مدیریت منابع آب تاکید کرده است و بیان داشته است که مدیریت جامع آب می‌تواند اقتصاد افغانستان

را شگوفاسازد. ما نیز در این پژوهش دریافتیم که جامعه نمونه‌ی این تحقیق بیش‌تر به این مورد تأکید کرده‌اند. زیرا با رشد زراعت و صنعت اقتصاد کشور توسعه پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده در این تحقیق نشان می‌دهد که، رودخانه‌ی کوکچه یکی از رودهای پرآب و مهم برای حوزه‌ی تخارستان به شمار می‌رود. طول عمومی این رودخانه از منبع الی مصب ۳۲۰ کیلومتر است، این رودخانه از منبع اکثراً از مجراهای پر خم و پیچ، باریک و عمیق عبور کرده که این مسئله باعث شده تا از آب آن برای زراعت کمتر مورد استفاده قرار گیرد، اما از ناحیه‌ی آب‌بازان به بعد از ساحات نسبتاً هموار عبور کرده‌اند و در این نواحی عمق رودخانه کمتر و عرض آن بیش‌تر شده که زمینه استفاده آن برای آبیاری و زراعت امکان‌پذیر است. مدیریت آب رودخانه‌ی کوکچه در توسعه پایدار تخارستان نقش کلیدی دارد؛ زیرا با ایجاد بندها روی این دریا، می‌توان به هزار ها هکتار زمین را آبیاری و در یازده نقطه با احداث بند برق با تولید 450 میگاوات برق زمینه کار و توسعه را در تخارستان به وجود آورد. داده‌های آماری روی مؤلفه مدیریت آب در توسعه پایدار نشان می‌دهد که: 28 درصد خیلی زیاد، 38 درصد زیاد و 25 درصد به طور متوسط باور دارند که آب در توسعه پایدار تخارستان ارزشمند است. همچنان در مؤلفه تولید برق ناشی از رودخانه کوکچه در توسعه پایدار تخارستان پاسخ‌گویان، 38 درصد زیاد، 31 درصد خیلی زیاد و 23 درصد به صورت متوسط دیدگاه دارند که تولید برق در توسعه پایدار تخارستان حیاتی است. آنچه از آمار و ارقام به دست می‌آید این است که؛ مدیریت منابع آب، نقش اساسی در توسعه پایدار و پیشرفت جامعه دارد، زیرا در بستر آب تمدن‌ها شکل می‌گیرد. آینده مدیریت منابع آب به راهبردهای مؤثر حکومت‌ها بستگی دارد تا با راهکار درست و دقیق آب‌های کشور را مدیریت کنند و میان نهادهای‌های مختلف برای مدیریت منابع آب هماهنگی به وجود آید. مدیریت منابع آب برای نیازهای اساسی جامعه ضروری بوده و یکی از ارکان حیاتی در توسعه پایدار کشور است. آب نیازهای اولیه را مانند آشامیدن، زراعت و شست‌شو حل می‌کند و بدون این ماده زندگی ناممکن خواهد بود. رودخانه کوکچه یکی از رودهای بزرگ کشور است که با ایجاد بندها روی آن و تولید برق می‌توان تخارستان را از وابستگی‌های زیادی رهایی بخشید. با مدیریت آب و تولید برق در این رودخانه؛ تخارستان به شگوفایی تمدن، محیط زیست پایدار، تقویت اقتصاد، رشد فرهنگ، انکشاف زراعت و کیفیت زندگی شهروندان آن می‌رسد. هم‌چنان تولید برق در تخارستان سبب انکشاف صنعت، رشد تکنالوژی و آموزش، ایجاد کسب

و کار برای مردم و تأمین انرژی پایدار می‌گردد. هم‌چنان افراد آگاه بر این باوراند که مدیریت آب رودخانه کوکچه تخارستان را به گلستان تبدیل خواهد کرد.

پیشنها

با توجه به وضعیت کنونی، آینده‌نگری نسبت به مدیریت منابع آب در اولویت دولت‌ها قرار گرفته است. آب و تولید برق برای توسعه پایدار یک کشور مدت‌هاست کلید خورده است. بناءً برای وزارت انرژی و آب و ادارات محلی تخارستان که از رودخانه کوکچه مستفید می‌شوند پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- عنقریب پروژه‌های اعمار بندها را بالای دریای کوکچه روی دست گیرند.
- با احداث بندها در توسعه زراعت و ایجاد کسب و کار برای مردم پیش‌قدم باشند.
- با استفاده از بندهای برق آبی، زمینه‌ی رشد صنعت را در تخارستان مساعد سازند.
- توجه برای تامین برق از این پروژه‌ها باعث رشد اقتصادی کشور می‌گردد.

منابع

- احمدی، میرهارون (۱۳۹۱) جغرافیای فیزیکی افغانستان، کابل: انتشارات نامی، چاپ دوم.
- امان، سمیع الله، قادری، پرویز. (1401). نقش مدیریت منابع آب در توسعه‌ی زراعت پایدار روستاها (مطالعه‌ی موردی بند کمال‌خان)، کاپیسا، مجله علمی پژوهشی پوهنتون البیرونی، شماره 21.
- امان، سمیع الله، رحیمی، عبدالمنیر. (1397). حفاظت محیط زیست (چاپ اول). انتشارات تمدن شرق.
- انصاری، سلطان محمد (۱۳۹۴)، دانستنی‌ها پیرامون جغرافیای عمومی افغانستان، کابل: انتشارات بین-المللی سرور سعادت.
- بختانی خدمتکار، عبدالرحیم. (1390). آب‌های جاری افغانستان و منابع آن. کابل: ناشر اکادمی علوم.
- تلاش، عبدالستار و دیگران (۱۳۹۶) پلان انکشافی منطقوی استان بدخشان، کابل: وزارت شهرسازی و مسکن، ریاست طرح پلان‌های انکشاف منطقوی.
- حریری، سیما. (1403). مدیریت منابع آب: چالش‌ها و راهکارها. ایران: بیست و یکمین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری.
- عظیمی، محمد عظیم. (1390). بنیادهای جغرافیایی اقتصاد افغانستان (چاپ اول). انتشارات خراسان، کابل، ص 22.
- عظیمی، محمد عظیم. (1391). جغرافیای طبیعی افغانستان. (چاپ اول). انتشارات خراسان، کابل، ص 169.
- قائم، قطب الدین. (1386). تکتونیک و تاریخ انکشاف جیولوژیکی شمال افغانستان. (چاپ اول). انتشارات میوند، کابل، ص 1.
- کهگدای، عزیزالله. (2023). قاموس کبیر افغانستان، کابل، انتشارات افغان دیکشنری آنلاین.
- محمودی، سلطان محمد (۱۳۹۶) مدیریت جامع منابع آبی افغانستان در حوضه‌های آبی افغانستان، کابل: نشر پرند.
- ملکی، م. (1399). مدیریت منابع آب و تأثیر آن بر توسعه پایدار. ایران: مجله علوم محیطی.
- هژیر، عبدالولی. (1396). اقتصاد محیط زیست. کابل: انتشارات تمدن شرق.

پوهنیار عمادالدین ابراهیمی

یادگاری، آمنه و دیگران. (1402). بررسی سیر تحول رویه‌های مدیریت منابع آب در جهان. ایران: ژورنال جغرافیا و انکشاف منطقه‌ای.

FAO. (2021). "The State of Food and Agriculture: Water Resources."

Mekonnen, M. M., Hoekstra, A.Y. (2016). "Four Billion People Facing Severe Water Scarcity," *Science Advances*.

Roberson, A. John. Cassidy, J. John & Chaudhry, M. Hanif. (1988). Hydraulic Engineering. Boston graphics: U.S.A.

بررسی تأثیر هوش مصنوعی در تحول و توسعهٔ زراعت صنعتی در افغانستان مطالعه

موردی: (ولایت بلخ و فاریاب)

پوهنیار ذبیح الله شریفی^{1*}، نامزد پوهنیار بسم الله مصمم²

۱. دیپارتمنت جنگلداری و منابع طبیعی، پوهنځی زراعت، پوهنتون فاریاب

۲. دیپارتمنت علوم حیوانی، پوهنځی زراعت، پوهنتون بلخ

* نویسنده مسئول- ایمیل: zabihullah.sharifi47@gmail.com

چکیده

هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های عصر حاضر توانایی بالقوه‌ای برای تحول در صنایع مختلف، به‌ویژه بخش زراعت دارد. در این تحقیق، به منظور بررسی نقش هوش مصنوعی در بخش زراعت افغانستان (بلخ و فاریاب) و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود، از روش تحقیق پرسش‌نامه‌ای استفاده شده است. پرسش‌نامه طراحی شده شامل 21 سوال متنوعی است که به جمع‌آوری اطلاعات از دهاقین، کارشناسان زراعت و فعالان حوزه فناوری اطلاعات پرداخته است. این سوالات به بررسی آگاهی و نگرش افراد نسبت به هوش مصنوعی، کاربردهای آن در زراعت و چالش‌هایی که در مسیر پذیرش این فناوری وجود دارد پرداخته است. نتایج این تحقیق بیان داشت زراعت در منطقه مورد مطالعه در حال پیشرفت بوده و استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به فرایند صنعتی‌سازی زراعت کمک شایانی کند؛ 288 پاسخ دهنده از 351 پرسش-نامه استفاده از هوش مصنوعی را در حل بحران غذایی و پیشرفت اقتصاد کشور مؤثر دانسته ولی چالش اصلی را نبود آگاهی، تغییرات اقلیمی و کمبود تخصص و نیروی کار ماهر در عرصه استفاده از هوش مصنوعی عنوان کرده‌اند. هم‌چنین نتایج بیان داشت با وجود این‌که دهاقین آینده هوش مصنوعی را مثبت ارزیابی نموده آماده استفاده از هوش مصنوعی در بخش زراعت للمی‌بیشتراند، ایشان خواهان توجه توانمندسازی دهاقین در زمینه چگونگی استفاده هوش مصنوعی برای کیفیت بهتر محصولات زراعتی‌اند. هم‌چنان نتایج تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ای بیان می‌دارد در صورت استفاده از هوش مصنوعی در به‌کارگیری نیروی انسانی کاهش فاحش رخ داده و اثرات مخرب محیط زیستی به حد اقل خواهد رسید.

واژه‌های کلیدی: زراعت، صنعت، هوش مصنوعی، مدیریت منابع، ولایات بلخ و فاریاب

Investigating the Impact AI on the Transformation and Development of Industrial Agriculture in Afghanistan Case Study: (Balkh and Faryab Provinces)

Teaching Assistant Zabihullah Sharifi^{1*}, Teaching Assistant Besmullah Musammim²

1. Department of Forestry and Natural Resources, Faculty of Agriculture, Faryab University.

2. Department of Animal Science, Faculty of Agriculture, Balkh University.

* Corresponding Author Email: zabihullah.sharifi47@gmail.com

Abstract

Artificial Intelligence (AI), as one of the most advanced technologies of the present era, holds significant potential for transforming various industries, particularly the agricultural sector. This study aims to investigate the role of AI in the agricultural sector of Afghanistan, specifically in the Balkh and Faryab Provinces, and to analyze the challenges and opportunities associated with its adoption. The research methodology employed a questionnaire consisting of 21 diverse questions designed to gather information from farmers, agricultural experts, and IT professionals. The questions focused on assessing the awareness and attitudes of individuals towards AI, its applications in agriculture, and the challenges hindering its widespread adoption. The findings of the study indicate that agriculture in the study area is progressing, and the use of AI could significantly contribute to the industrialization of agriculture. Of the 351 respondents, 288 participants recognized the potential of AI in addressing food security challenges and advancing the country's economy. However, the main challenges identified were the lack of awareness, climate change, and the shortage of specialized skills and qualified labor for the effective use of AI. Moreover, the results showed that although farmers evaluated the future of AI positively, they were more inclined to adopt AI for traditional farming practices. They emphasized the need for empowerment and training to enhance the quality of agricultural products through AI applications. Furthermore, the analysis of the responses revealed that 283 and 153 participants believed that AI adoption would lead to significant reductions in human labor, while also minimizing the detrimental environmental impacts.

Keywords: Agriculture, Industry, Artificial intelligence, Resource Management , Balkh and Faryab provinces.

مقدمه

زراعت صنعتی به عنوان یکی از ارکان اساسی تحول اقتصاد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله افغانستان، شناخته می‌شود. افغانستان به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی خود، به‌ویژه در بخش زراعت، دارای پتانسیل بالایی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و بهبود تولیدات زراعت است اما برای دستیابی به این هدف، نیاز به استفاده از فناوری‌های نوین زراعت احساس می‌شود. صنعت زراعت در افغانستان می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته مانند ماشین‌آلات مدرن، روش‌های علمی و فناوری‌های نوین این بخش را به یک صنعت پایدار و سودآور تبدیل کند. یکی از این فناوری‌های نوین که به طور قابل توجهی در بخش زراعت تحول ایجاد کرده هوش مصنوعی است. این فناوری می‌تواند فرایندهای زراعت را بهبود بخشد، بهره‌وری را افزایش دهد و هزینه‌های تولید را کاهش دهد، در حالی که از منابع طبیعی مانند آب و خاک به بهترین نحو استفاده می‌شود (هاشم، 2019).

هوش مصنوعی در زراعت قادر است به‌طور قابل توجهی فرایندهای مختلف را بهبود بخشد. این فناوری با استفاده از داده‌های بزرگ و الگوریتم‌های پیچیده، می‌تواند به دهاقین کمک کند تا پیش‌بینی‌های دقیقی در مورد وضعیت آب و هوا، امراض و آفات، وضعیت خاک و منابع آبی داشته باشند. به این ترتیب، دهاقین می‌توانند تصمیمات بهتری در زمینه‌های مختلف کاشت، برداشت و مدیریت منابع اتخاذ نمایند که منجر به افزایش تولید و کاهش ضایعات شود. هم‌چنین هوش مصنوعی می‌تواند به بهینه‌سازی استفاده از منابع طبیعی مانند آب و خاک کمک کند و به‌ویژه در مناطقی که منابع آبی محدود است، به دهاقین کمک کند تا از آب به‌طور بهینه استفاده کنند. استفاده از این فناوری در افغانستان که در مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار دارد می‌تواند تأثیرات چشم‌گیری در بهبود زراعت و مدیریت منابع آبی داشته باشد (یوسفی، 2020).

ولایت‌های بلخ و فاریاب به‌عنوان دو منطقه کلیدی زراعت در افغانستان، ظرفیت بالایی برای بهره‌برداری از هوش مصنوعی در زراعت صنعتی دارند. این دو ولایت با داشتن زمین‌های زراعت وسیع و تنوع بالای محصولات زراعتی می‌توانند از فناوری‌های نوین برای بهبود فرایندهای زراعت خود بهره‌برداری کنند (حکیمی، 2022).

استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به دهاقین این مناطق کمک کند تا بهره‌وری خود را افزایش، مصرف منابع را کاهش و در نهایت تولیدات زراعت خود را به سطحی بالاتر ارتقا دهند (میر، 2021).

هدف این مطالعه بررسی تأثیرات هوش مصنوعی بر تحول و توسعه زراعت صنعتی در افغانستان به ویژه در ولایت‌های بلخ و فاریاب است. این تحقیق به دنبال پاسخ به چند سوال اساسی است؛ اول این که چگونه هوش مصنوعی می‌تواند بهره‌وری زراعت را در این دو ولایت افزایش دهد و از منابع طبیعی به طور بهینه استفاده کند؟ دوم، چه تأثیراتی بر مدیریت منابع آبی و خاک در این مناطق به دنبال استفاده از هوش مصنوعی مشاهده می‌شود؟ سوم چالش‌هایی که دهاقین ممکن است در پذیرش و استفاده از این فناوری مواجه می‌شوند چیست و چگونه می‌توان این موانع را برطرف کرد؟ و در نهایت نتایج این تحقیق می‌تواند به دهاقین، سرمایه‌داران و سیاست‌گذاران کمک کند تا با استفاده از هوش مصنوعی به توسعه پایدار زراعت صنعتی در افغانستان دست یابند. این مطالعه نه تنها به دهاقین در ولایت‌های بلخ و فاریاب بلکه به تمامی دهاقین افغانستان کمک خواهد کرد تا با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به بهبود شرایط زراعت و اقتصاد کشور بپردازند.

پیشینه تحقیق

هوش مصنوعی (AI) نقش مهمی در تحول و توسعه زراعت صنعتی در کشورهای مختلف دارد و در افغانستان نیز می‌تواند تأثیرات چشم‌گیری داشته باشد، به ویژه در ولایت‌های بلخ و فاریاب. در این زمینه، تحقیقات مختلفی انجام شده که نشان‌دهنده پتانسیل این تکنالوژی در بهبود بهره‌وری زراعتی است.

تحقیقی در هند توسط مهاتما در سال (2019) نشان داد که استفاده از هوش مصنوعی در پیش‌بینی وضعیت آب و هوا، نظارت بر سلامت نباتات و تحلیل داده‌های خاک به دهاقین کمک کرده تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و در نتیجه بهره‌وری محصولات افزایش یابد.

در افغانستان نیز مطالعه‌ای در سال 2020 توسط یوسفی انجام شد که به بررسی کاربرد هوش مصنوعی برای پیش‌بینی تولیدات زراعتی پرداخته است. این تحقیق تأکید داشت که الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌توانند در پیش‌بینی شرایط محیطی و ارائه مشاوره‌های دقیق به دهاقین مفید باشند. هم‌چنین، تحقیق دیگری توسط میرزایوف در سال 2021 در منطقه آسیای میانه (ازبکستان) به بررسی تأثیر هوش مصنوعی در بهبود زراعتی پرداخته و نشان داد که این تکنالوژی می‌تواند در مدیریت منابع آبی و پیش‌بینی بارش‌ها تأثیرات مثبتی داشته باشد.

در افغانستان نیز، تحقیقی در سال 2022 توسط حکیمی انجام شد که بر پتانسیل هوش مصنوعی در مدیریت بهتر منابع آبی و خاک در ولایت‌های بلخ و فاریاب تأکید داشت. این تحقیق بیان کرد

که استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به دهاقین در این مناطق که با بحران‌های زیست‌محیطی و کمبود منابع آبی مواجه هستند، کمک کند تا بهره‌وری زراعتی خود را افزایش دهند.

و در نهایت، تحقیقی در پاکستان نواب خان در سال (2023) نیز به بررسی توسعه زراعت صنعتی با استفاده از هوش مصنوعی در کشورهای در حال توسعه پرداخته و نشان داده است که این تکنالوژی می‌تواند در بهبود عملکرد دستگاه‌های آبیاری، پیش‌بینی نیازهای زراعتی و بهینه‌سازی مصرف منابع نقش اساسی ایفا کند.

بنابراین، با توجه به نتایج این تحقیقات، هوش مصنوعی می‌تواند در تحول و توسعه زراعت صنعتی در افغانستان به ویژه در مناطق آسیب‌پذیر مانند بلخ و فاریاب تأثیرات مثبت و قابل توجهی داشته باشد.

هوش مصنوعی (AI)

هوش مصنوعی به مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و الگوریتم‌ها اطلاق می‌شود که به سیستم‌ها این توانایی را می‌دهد تا کارهایی انجام دهند که به طور معمول نیازمند هوش انسانی است. این توانایی‌ها شامل یادگیری از تجربیات (یادگیری ماشین)، استنتاج منطقی، شبیه‌سازی رفتارهای انسانی، و پردازش داده‌ها است. هوش مصنوعی از دهه 1950 میلادی آغاز شده و با پیشرفت‌های اخیر در زمینه قدرت محاسباتی، داده‌های بزرگ و الگوریتم‌های پیچیده، توانسته است در صنایع مختلف از جمله زراعت کاربردهای گسترده‌ای پیدا کند (فراهی، 2019).

کاربردهای هوش مصنوعی در زراعت

در زراعت، هوش مصنوعی به چندین روش مختلف به کار می‌رود. یادگیری ماشین به دهاقین کمک می‌کند تا الگوهای مختلفی از داده‌ها را شناسایی کرده و پیش‌بینی‌هایی در مورد وضعیت مزرعه، امراض، آفات و نیازهای محصولات خود داشته باشند. رباتیک در زراعت شامل استفاده از ربات‌ها برای کارهایی مانند کاشت، برداشت، سمپاشی و آبیاری است که به دهاقین کمک می‌کند تا کارها را با دقت و سرعت بیشتری انجام دهند (هاشم، 2019).

هم‌چنین، سنسورها برای اندازه‌گیری دقیق شرایط محیطی مانند رطوبت، دما و کیفیت خاک به کار می‌روند که کمک می‌کند تا دهاقین تصمیمات بهتری در مورد زمان آبیاری و استفاده از کود بگیرند. در نهایت، تحلیل داده‌ها به کمک الگوریتم‌های پیشرفته می‌تواند دهاقین را در پیش‌بینی وضعیت آب‌وهوا، امراض و تغییرات اقلیمی راهنمایی کند (IFPRI, 2019).

مزایای استفاده از هوش مصنوعی در زراعت

هوش مصنوعی در زراعت مزایای بسیاری دارد. یکی از مهم‌ترین این مزایا افزایش دقت در انجام فرایندهای زراعت است. با استفاده از هوش مصنوعی، دهاقین می‌توانند کارهایی مانند آبیاری، دواپاشی و برداشت را با دقت بالاتری انجام دهند که منجر به بهینه‌سازی مصرف منابع و کاهش هدر رفت می‌شود (European Commission, 2020).

کاهش مصرف منابع مانند آب، کود و سموم از دیگر مزایای هوش مصنوعی است؛ به‌طوری‌که با داده‌های دقیق، می‌توان فقط در زمان و مکان مناسب از این منابع استفاده کرد. هم‌چنین، بهبود پیش‌بینی‌ها در مورد شرایط آب‌وهوا، آفات و امراض، به دهاقین این امکان را می‌دهد که برنامه‌ریزی بهتری برای کشت و برداشت داشته باشند. نظارت از راه دور به وسیله پهپادها و حسگرها به دهاقین این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به حضور فیزیکی، وضعیت مزرعه را بررسی کرده و تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. در نهایت، بهینه‌سازی فرایندها در زراعت با استفاده از هوش مصنوعی منجر به کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و تولید محصولات بیش‌تر و باکیفیت‌تر می‌شود (Pew Research Center, 2018).

وضعیت زراعت صنعتی در افغانستان

زراعت در افغانستان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور است و بخش عمده‌ای از جمعیت کشور به زراعت وابسته‌اند. با این حال، زراعت در افغانستان عمدتاً به شیوه‌های سنتی انجام می‌شود و استفاده از فناوری‌های نوین در این بخش بسیار محدود است. زراعت صنعتی که نیاز به بهره‌برداری بهینه از منابع، استفاده از ماشین‌آلات و فناوری‌های مدرن دارد، هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد. چالش‌های موجود در این زمینه شامل نبود زیرساخت‌های مناسب، فقدان تکنالوژی‌های نوین، و کمبود آموزش‌های فنی برای دهاقین است. این مسائل باعث کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های تولید شده و بسیاری از دهاقین را در فقر نگه می‌دارد (وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، 2018).

ویژگی‌های ولایت‌های بلخ و فاریاب

ولایت‌های بلخ و فاریاب از جمله مناطق مهم زراعت در افغانستان هستند که منابع طبیعی غنی و زمین‌های زراعی وسیع دارند. بلخ با داشتن خاک حاصل‌خیز و منابع آبی مناسب، به تولید محصولات مختلفی همچون گندم، جو، انگور و میوه‌ها مشهور است. فاریاب نیز با داشتن اراضی وسیع و شرایط اقلیمی مناسب برای کشت دانه‌های روغنی و محصولات زراعت دیگر، پتانسیل بالایی برای توسعه

زراعت صنعتی دارد. اما این دو ولایت با چالش‌هایی مانند مشکلات آبی، تغییرات اقلیمی و عدم دسترسی به فناوری‌های نوین روبه‌رو هستند که موجب کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های زراعت می‌شود.

چالش‌های اساسی در زراعت افغانستان

چالش‌های زیادی بر سر راه توسعه زراعت در افغانستان قرار دارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات، کمبود فناوری‌های نوین است که باعث استفاده ناکافی از منابع و کاهش بهره‌وری می‌شود. بسیاری از دهاقین به روش‌های سنتی و دستی برای کشت و برداشت محصولات خود ادامه می‌دهند و از ماشین‌آلات و تکنالوژی‌های پیشرفته بهره نمی‌برند. علاوه بر این، مشکلات مربوط به کمبود منابع آبی و آلودگی خاک، از جمله محدودیت‌های بزرگ برای زراعت پایدار در کشور است. تغییرات اقلیمی و کاهش بارش‌ها نیز تأثیرات منفی زیادی بر تولیدات زراعت گذاشته است. در مجموع، عدم دسترسی به آموزش و منابع کافی، ضعف در مدیریت منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی، چالش‌های اصلی در مسیر توسعه زراعت صنعتی در افغانستان هستند (محمودی، 2020).

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده برای این تحقیق آمار توصیفی و استنباطی بوده و در این رابطه از نرم افزار SPSS استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از پرسش‌نامه‌ی که حاوی 21 سوال برای سنجش متغیرهای این تحقیق است استفاده گردیده است. پرسش‌نامه طراحی شده که حاوی 21 سوال است 5 سوال برای سنجش متغیرهای جمعیت‌شناسی شامل (سن، جنسیت، حالت مدنی، شغل و میزان تحصیلات) و تعداد 16 سوال آن برای شناسایی تجزیه و تحلیل تأثیر هوش مصنوعی در توسعه و تحول انقلاب زراعتی در ولایت بلخ و فاریاب می‌باشد. برای بررسی روایی پرسش‌نامه مذکور، ابتدا پرسش‌نامه د اختیار اساتید و متخصصان رشته مربوطه قرار گرفت و پس از انجام یک نمونه‌گیری اولیه و اعمال پاره‌ای اصلاحات پرسش‌نامه نهایی طراحی شد. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب الفای کرونباخ استفاده شده است. در این تحقیق، به تعداد 351 پرسش‌نامه جمع‌آوری و برای تجزیه و تحلیل‌های آماری مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از این تجزیه و تحلیل‌ها در بخش نتایج تحقیق به تفصیل ارائه گردیده است.

نتایج

نتایج جدول (1) بیان داشته است که وضعیت زراعت در بلخ و فاریاب در حال پیشرفت است ولی به صورت پایدار نیست.

جدول 1: نتایج وضعیت زراعت در افغانستان (بلخ و فاریاب)

گزینه ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی
پایدار	51	14.5	14.5
در حال پیشرفت	244	69.5	84
در حال کاهش	56	16	100
مجموع	351	100	

نتایج جدول (2) بیان داشته است چالش اصلی صنعت زراعت در بلخ و فاریاب در گام نخست تغییرات اقلیمی و بعد با تفاوت کمتر بالترتیب نبود آموزش و آگاهی، مشکلات زیرساخت، و سایر موارد عنوان شده است.

جدول 2: نتایج چالش اصلی صنعت زراعتی در افغانستان (بلخ و فاریاب)

گزینه ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی
نبود آموزش و آگاهی	117	33.3	33.3
تغییرات اقلیمی	118	33.6	67
مشکلات زیرساختی	89	25.4	92.3
سایر موارد	27	7.7	100
مجموع	351	100	

نتایج جدول (3) بیان میدارد 90 درصد پاسخ دهندگان به توان مند ساختن دهاقیق در زمینه هوش مصنوعی را در این دو ولایت تایید کرده و بیان داشته اند که توانمندسازی دهاقیق در این زمینه می تواند سبب رشد و ارتقای کیمت و کیفیت محصولات و توسعه پایدار این سکتور خواهد شد.

جدول 3: نتایج توانمندسازی دهاقین در زمینه هوش مصنوعی در افغانستان (بلخ و فاریاب)

گزینه ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی

90	90	316	بله
100	10	35	نخیر
	100	351	مجموع

نتایج جدول (4) تأثیر استفاده از هوش مصنوعی را بیان داشته است که روی بهبود کیفیت محصولات زراعتی در ولایت‌های بلخ و فاریاب بالترتیب تأثیر متوسط بعد تأثیر زیاد و نهایتاً تأثیر بسیار زیاد دارد.

جدول 4: نتایج بهبود کیفیت محصولات زراعتی در افغانستان (بلخ و فاریاب)

گزینه‌ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی
بسیار زیاد	53	15.1	15.1
زیاد	101	28.8	43.9
متوسط	140	39.9	83.8
کم	42	12	95.7
بیسار کم	15	4.3	100
مجموع	351	100	

نتایج جدول (5) بیان میدارد در گام نخست با آموزش و آگاهی مردم و در گام بعدی با حمایت مالی از پروژه‌های هوش مصنوعی و بهبود زیرساخت می‌توانیم موانع هوش مصنوعی را در ولایت‌های بلخ و فاریاب کاهش و از این فناوری استفاده بیهنه داشته باشیم.

جدول 5: نتایج کاهش موانع هوش مصنوعی در افغانستان (بلخ و فاریاب)

گزینه‌ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی
آموزش و آگاهی مردم	203	57.8	57.8
حمایت مالی از پروژه‌های هوش مصنوعی	58	16.5	74.4
بهبود زیرساخت	56	16	90.3
تسهیل دسترسی به زیرساخت‌های مناسب	34	9.7	100
مجموع	351	100	

پوهنیار ذبیح الله شریفی

نتایج جدول (6) اذهان می‌دارد آینده زراعت با استفاده از هوش مصنوعی در ولایت‌های بلخ و فاریاب مثبت ارزیابی شده و می‌توان با اسفاده از این فناوری به توسعه پایدار زراعت صنعتی در این ولایات پرداخت.

جدول 6: نتایج آینده زراعت با استفاده از هوش مصنوعی در افغانستان در افغانستان (بلخ و فاریاب)

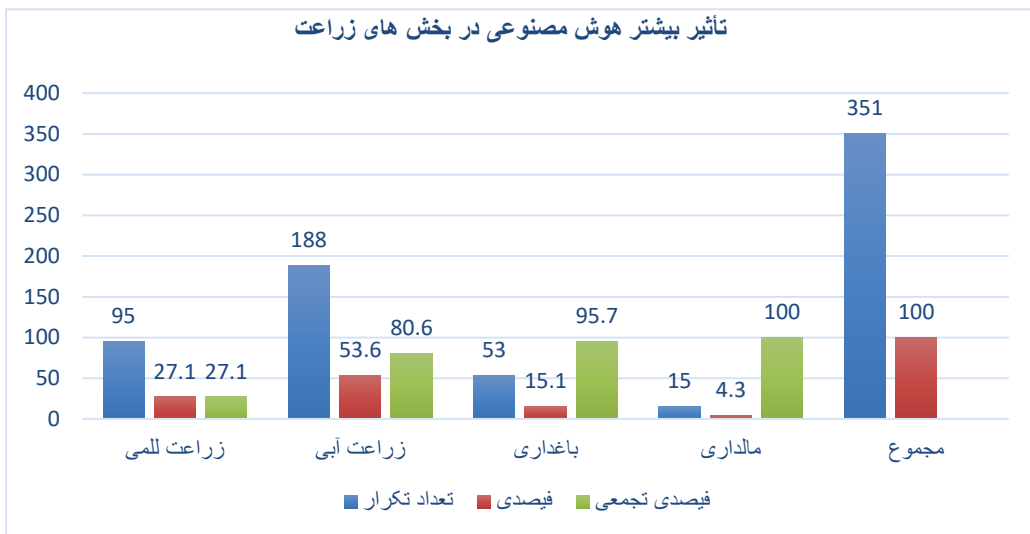
گزینه‌ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی
بسیار مثبت	27	7.7	7.7
مثبت	188	53.6	61.3
متوسط	114	32.5	93.7
منفی	17	4.8	98.6
بسیار منفی	5	1.4	100
مجموع	351	100	

نتایج جدول (7) بیان می‌دارد ده‌اقلین استفاده از هوش مصنوعی را در زراعت تاکید کرده‌اند، اما نبود آموزش و آگاهی کامل جهت به‌کارگیری از این فناوری را بزرگ‌ترین موانع جهت رسیدن به هدف زراعت صنعتی در این ولایات قلم داد کرده‌اند.

جدول 7: نتایج استفاده ده‌اقلین از هوش مصنوعی در افغانستان در افغانستان (بلخ و فاریاب)

گزینه‌ها	تعداد تکرار	فیصدی	فیصدی تجمعی
بله کاملاً آماده هستیم	114	32.5	32.5
بله اما نیاز به آموزش دارم	203	57.8	90.3
نخیر تمایلی ندارم	29	8.3	98.6
نخیر فکر می‌کنم این تکنولوژی مناسب نیست	5	1.4	100
مجموع	351	100	

نتایج شکل (1) بیان می‌دارد تاثیر هوش مصنوعی در بخش زراعت آبی جهت بهبود عملکرد زراعت از همه بخش‌های زراعتی بیش‌تر رقم خورده است و یکی از مهم شمرده شدن این عامل مدیریت آب توسط هوش مصنوعی در زراعت آبی در این ولایت ها قلم داد شده است.



شکل 1: نتایج تأثیر بیش‌تر هوش مصنوعی در بخش‌های زراعت

مناقشه

تحقیق حاضر به بررسی تأثیر هوش مصنوعی در تحول و توسعه زراعت صنعتی در افغانستان، با تأکید ویژه بر ولایت‌های بلخ و فاریاب، پرداخته است. در این تحقیق، نتایج به‌دست آمده با تحقیقات پیشین در سایر کشورهای جهان مقایسه شده و عملکردهای مختلف این فناوری در زراعت مورد تحلیل قرار گرفته است. در تحقیق حاضر، به‌ویژه در زمینه شرایط خاص افغانستان و به‌ویژه در ولایت‌های بلخ و فاریاب، بر پتانسیل بالای هوش مصنوعی در بهینه‌سازی مصرف منابع آبی و مدیریت شرایط محیطی تأکید شده است. این مناطق به‌دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی خاص خود، با مشکلات عمده‌ای مانند بحران‌های محیط زیستی، کمبود منابع آبی و تغییرات اقلیمی مواجه هستند. در این زمینه، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با این چالش‌ها و بهبود وضعیت زراعتی در این مناطق مطرح شود.

نتایج تحقیق ما بر اساس فرضیات مطرح‌شده نشان می‌دهد که آینده هوش مصنوعی در افغانستان، به‌ویژه در ولایت‌های بلخ و فاریاب، بسیار امیدوارکننده است. این فناوری می‌تواند نقش

مهمی در پیش‌بینی دقیق وضعیت آب‌وهوا، مدیریت بهینه منابع آبی و ارتقاء سطح تولیدات کشاورزی ایفا کند. بنابراین، توسعه و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در این منطقه می‌تواند گامی مؤثر در جهت توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی ساکنان آن باشد. بررسی‌های انجام‌شده در تحقیقات پیشین، از جمله تحقیق مهاتما در هند (2019)، یوسفی در افغانستان (2020)، میرزایوف در آسیای میانه (2021)، حکیمی در افغانستان (2022) و نواب خان در پاکستان (2023)، همگی به‌طور مشترک هوش مصنوعی را به‌عنوان ابزاری کارآمد و نوآورانه در جهت بهبود عملکرد زراعتی معرفی کرده‌اند. این تحقیقات تأکید دارند که هوش مصنوعی می‌تواند به‌ویژه در پیش‌بینی وضعیت آب و هوا، بهینه‌سازی مدیریت منابع آبی و بهبود بهره‌وری محصولات زراعتی نقشی اساسی ایفا کند که با نتایج تحقیق ما هم‌خوانی.

یکی از نتایج فرضیه ارائه‌شده ما بر این اصل استوار است که بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند در حوزه زراعت می‌تواند نقش مؤثری در یاری‌رسانی به کشاورزان در این مناطق ایفا کند. این فناوری‌ها با افزایش بهره‌وری، کاهش مصرف منابع و بهبود فرآیندهای تولید، امکان ارتقاء سطح تولیدات زراعتی را فراهم می‌آورند و در نهایت به توسعه پایدار و کارآمد بخش زراعت کمک می‌نمایند که با نتایج تحقیق (میر، 2021). هم‌خوانی دارد.

در تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از 351 پاسخ‌دهنده، 288 تن معتقدند که استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند در حل بحران‌های غذایی و پیش‌برد اهداف اقتصادی کشور مؤثر باشد. با این حال، هم‌چنان مشکلاتی نظیر تغییرات اقلیمی و کمبود تخصص در این حوزه مانع بهره‌برداری کامل از این فناوری در زراعت افغانستان می‌شود که با نتایج (Pew Research Center. 2018) هم‌خوانی دارد.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که پذیرش هوش مصنوعی در افغانستان، به‌ویژه در ولایت‌های بلخ و فاریاب، با چالش‌هایی عمده مواجه است. از جمله این موانع می‌توان به کمبود آگاهی عمومی در زمینه فناوری‌های نوین، ضعف زیرساخت‌های فنی، کمبود نیروی انسانی ماهر برای بهره‌برداری مؤثر از این فناوری، و نبود حمایت‌های مالی گسترده در حوزه فناوری اشاره کرد. این موانع به‌عنوان چالش‌های اصلی در پذیرش و پیاده‌سازی فناوری هوش مصنوعی در زراعت کشور علی‌الخصوص در ولایت (بلخ و فاریاب) شناخته شده‌اند که با نتایج تحقیق وزارت محترم (زراعت، آبیاری و مالداري، 2018) کشور هم‌خوانی دارد.

در نهايت، تحقيق حاضر بر اين نکته تأکيد دارد که افغانستان مى‌تواند با بهره‌گيرى از تجربيات کشورهاى پيش‌رفته و در حال توسعه مانند هند، ازبکستان و پاکستان، به ايجاد زيرساخت‌هاى لازم، ارتقاى آگاهى عمومى در ميان دهاقين و آموزش نيروى کار ماهر بپردازد. اين اقدامات مى‌تواند به تسهيل پذيرش هوش مصنوعى در بخش زراعت افغانستان على‌الخصوص (بلخ و فارياب) کمک کند و از اين طريق، اين فناورى را در جهت ارتقاى بهره‌ورى زراعتى و مديريت منابع آبى و خاک به کار گيرد.

نتيجه‌گيرى

تحقيق حاضر نشان‌دهنده تأثيرات قابل توجه هوش مصنوعى بر تحول و توسعه زراعت صنعتى در افغانستان، به‌ويژه در ولايت‌هاى بلخ و فارياب است. هوش مصنوعى توانسته است با افزايش بهره‌ورى زراعت، کاهش هزينه‌ها و بهينه‌سازى مصرف منابع، گام مهم در بهبود وضعيت زراعت کشور بردارد. از جمله دستاوردهاى برجسته استفاده از اين تکتالوژى، مى‌توان به بهبود فرآيندهاى زراعت از طريق يادگيرى ماشين، سنسورها و رباتيک، و هم‌چنين پيش‌بينى بهتر شرايط آب‌وهوا اشاره کرد. در اين ميان، دهاقين قادر به مديريت بهتر منابع آب و خاک و کاهش ضايعات محصولات شده‌اند.

با اين حال، چالش‌هاىي نيز در راه بهره‌بردارى کامل از هوش مصنوعى در زراعت وجود دارد. محدوديت‌هاى زيرساختى، مشکلات دسترسى به اينترنت پايدار و آگاهى کم در بين دهاقين، کمبود نيروى متخصص و متعهد از کاربردهاى اين تکتالوژى از جمله موانع اصلى هستند که بايد مورد توجه قرار گيرند. علاوه بر اين، هزينه‌هاى بالاى تجهيزات و تکتالوژى‌هاى پيش‌رفته نيز از ديگر چالش‌هاى موجود است.

نتايج نشان مى‌دهد که براى دست‌يابى به زراعت صنعتى و پايدار در افغانستان، نياز به گسترش بيشتر هوش مصنوعى در بخش زراعت وجود دارد. از جمله اقدامات پيش‌نهادى مى‌توان به آموزش دهاقين، سرمايه‌گذارى در زيرساخت‌هاى ديجيتال و فراهم کردن تسهيلات مالى براى خريد تجهيزات هوش مصنوعى اشاره کرد. با اين اقدامات، امکان استفاده بهينه از هوش مصنوعى در سطح وسيع‌ترى فراهم خواهد شد و به رشد پايدار زراعت صنعتى در افغانستان کمک خواهد کرد.

در نهايت، با در نظر گرفتن پتانسيل‌هاى هوش مصنوعى و رفع موانع موجود، افغانستان مى‌تواند به يکى از کشورهاى پيش‌رو در زراعت صنعتى تبديل شود که با بهره‌گيرى از تکتالوژى‌هاى نوين، توليد را افزايش داده و به اقتصاد کشور رونق بخشد.

پيش نهادات

1. برآى افزايش پذيرش هوش مصنوعى، ضرورى است كه دهاقين از مزايای اين تكنالوژى آگاه شوند.
2. برآى استفاده بهينه از هوش مصنوعى، نياز به زيرساخت‌هاى مناسب نظير اينترنت پايدار، برق و سخت‌افزارهاى مورد نياز است. دولت و سازمان‌ها بايد در اين راستا سرمايه‌گذارى كنند تا زيرساخت‌هاى ضرورى در مناطق زراعت فراهم شود. برآى اين كه دهاقين به راحتى بتوانند از تكنالوژى هاى نوين استفاده كنند، بايد دسترسى به آن‌ها را آسان‌تر و ارزان‌تر كرد.
3. تسهيل دسترسى به ابزارهاى هوش مصنوعى مانند سنسورها، پهپادها و نرم‌افزارهاى زراعت مى‌تواند نقش مهمى در پذيرش اين تكنالوژى داشته باشد.
4. ايجاد سيستم‌هاى پيش‌بينى مبتنى بر هوش مصنوعى برآى اطلاع‌رسانى به دهاقين در مورد تغييرات آب و هوايى و كمك به زمان‌بندى بهتر كاشت و برداشت.
5. استفاده از روبات‌هاى خودران برآى كاشت، برداشت و مديريت آفات به منظور كاهش هزينه‌ها و افزايش دقت و سرعت.
6. جمع‌آورى و تحليل داده‌ها به كمك هوش مصنوعى برآى بهينه‌سازى توليد و شناسايى شيوه‌هاى زراعتى بهتر.
7. برگزارى دوره‌هاى آموزشى برآى آشنايى دهاقين با تكنالوژى‌هاى هوش مصنوعى و ديجيتال، به ويژه در ولايت‌هاى بلخ و فارياب.

منابع

- حکیمی، شهاب‌الدین. (2022). پتانسیل هوش مصنوعی در مدیریت بهتر منابع آبی و خاک در ولایت‌های بلخ و فاریاب. مجله علمی پژوهشی کشاورزی افغانستان، 5(3)، 45-60.
- رفیعی، ش. (2021). زراعت پایدار در افغانستان: راهکارها و چالش‌ها. وزارت زراعت، آبیاری و مالداري افغانستان.
- فراهی، ع. (2019). پژوهش در زراعت افغانستان: نقش فناوری‌های نوین. مرکز مطالعات زراعت افغانستان.
- محمودی، ع. (2020). توسعه زراعت صنعتی در افغانستان: نقش فناوری‌های نوین. موسسه تحقیقات زراعت افغانستان.
- مهاتما، (2019). استفاده از هوش مصنوعی در پیش‌بینی وضعیت آب‌وهوا، نظارت بر سلامت نباتات: هند. مجله کشاورزی پیشرفته، 7(4)، 78-89.
- میرزایوف، میر. (2021). بررسی تأثیر هوش مصنوعی در بهبود زراعتی در منطقه آسیای میانه (ازبکستان). مجله علوم کشاورزی و فناوری، 8(2)، 102-115.
- نواب خان. (2023). بررسی توسعه زراعت صنعتی با استفاده از هوش مصنوعی در کشورهای در حال توسعه: پاکستان. Journal of Sustainable Agriculture, 12(1), 23-35.
- وزارت زراعت، آبیاری و مالداري افغانستان. (2018). توسعه زراعت در افغانستان: چالش‌ها و راه‌حل‌ها. سازمان ملی زراعت افغانستان.
- وزارت اقتصاد افغانستان. (2020). بررسی وضعیت زراعت و پیش‌نهادات برای بهبود آن با استفاده از فناوری‌های نوین. گزارش وزارت اقتصاد افغانستان.
- هاشم، د. (2019). تأثیر هوش مصنوعی بر بهره‌وری زراعت در افغانستان. پژوهش دانشگاه کابل.
- یارد، د. (2020). زراعت در افغانستان: چالش‌ها و فرصت‌ها. دانشگاه کابل.
- یوسفی، ع. (2020). بررسی کاربرد هوش مصنوعی برای پیش‌بینی تولیدات زراعتی: افغانستان. مجله کشاورزی هوشمند، 10(3)، 53-67.

European Commission. (2020). Artificial Intelligence in Agriculture: Challenges and Opportunities. EC Report. Retrieved from [website URL].

- FAO. (2020). The role of Artificial Intelligence in the future of farming. FAO Report. Retrieved from [website URL].
- IFPRI. (2019). Agricultural Technology and AI: The Role in Developing Economies. International Food Policy Research Institute Report. Retrieved from [website URL].
- Nature Sustainability. (2020). Artificial Intelligence and its Role in Agricultural Innovation for Sustainable Development. Nature Sustainability, 3(6), 315-330.
- Pew Research Center. (2018). Artificial Intelligence in Agriculture: Current Trends and Future Outlook. Pew Research Center Report. Retrieved from [website URL].
- World Bank. (2021). Technology Adoption in Agriculture: Global Trends and Impact on Developing Countries. World Bank Report. Retrieved from [website URL]

بررسی نقش معدن آهن حاجی‌گک در توسعه صنایع فولادی و صنعتی‌سازی

افغانستان: فرصت‌ها و چالش‌ها

پوهنیار نویداحمد ربانی^{۱*}، پوهنمل دکتور عین‌الله میرزازاده^۲، پوهنمل احمدذاکر مدثر^۳

۱. دیپارتمنت سیول، پوهنځی انجنیری، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: naweedrabani890@gmail.com

چکیده

معدن آهن حاجی‌گک، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر معدنی افغانستان، از پتانسیل بالایی برای تحول اقتصادی و صنعتی این کشور برخوردار است. هدف این مقاله بررسی نقش معدن آهن حاجی‌گک در توسعه صنایع فولادی و صنعتی‌سازی افغانستان و تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های مرتبط با بهره‌برداری از این منبع عظیم معدنی است. این مطالعه از روش تحلیل اسنادی و بررسی مطالعات موردی بهره می‌گیرد و اطلاعات را از اسناد موجود و منابع مرتبط گردآوری کرده است. بهره‌برداری از حاجی‌گک می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد صنایع فولادی، افزایش فرصت‌های شغلی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش وابستگی به واردات شود. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود زیرساخت‌ها، پیچیدگی‌های تخنیکی و زیست‌محیطی، و ضعف مدیریت منابع، موانعی جدی در مسیر تحقق این ظرفیت ایجاد می‌کند. این مقاله با پیش‌نهاد راه‌کارهای چون تقویت زیرساخت‌ها، جلب همکاری‌های بین‌المللی، تدوین چارچوب قانونی شفاف، و توجه به مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی، نقشه راهی برای بهره‌برداری پایدار از این معدن ارائه می‌دهد. نتیجه‌گیری مطالعه نشان می‌دهد که با مدیریت صحیح و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها، معدن آهن حاجی‌گک می‌تواند به موتور محرکه توسعه پایدار و صنعتی‌سازی افغانستان تبدیل شود، مشروط بر این‌که هم‌کاری مؤثری میان دولت، بخش خصوصی و جوامع محلی برقرار گردد.

واژه‌های کلیدی: معدن آهن حاجی‌گک، صنایع فولادی، صنعتی‌سازی، فرصت‌ها و چالش‌ها، توسعه پایدار

The Role of the Hajigak Iron Mine in the Development of Afghanistan's Steel Industry and Industrialization: Opportunities and Challenges

Teaching Assistant Naweed Ahmad Rabani^{1*} Senior Teaching Assistant Dr. Ainullah Mirzazadah², Teaching Assistant Ahmad Zaker Mudassir³

1. Department of Civil, Faculty of Engineering, Alberoni University

* Corresponding Author Email: naweedrabani890@gmail.com

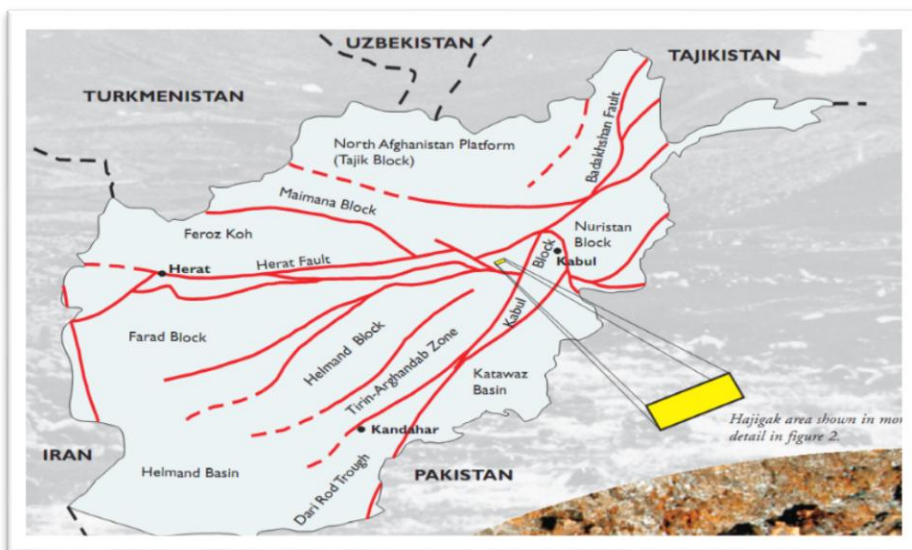
Abstract

The Hajigak iron mine, one of the largest mineral reserves in Afghanistan, holds substantial potential for driving the country's economic transformation and industrialization. This paper examines the role of the Hajigak iron deposit in fostering the development of Afghanistan's steel industry and broader industrialization, while analyzing the associated opportunities and challenges. The study employs a document analysis approach, supported by case study reviews, which rely on available reports and relevant literature. The exploitation of Hajigak could pave the way for establishing steel industries, creating employment opportunities, attracting foreign investment, and reducing dependence on imports. However, significant barriers, including inadequate infrastructure, technical and environmental complexities, and weak resource governance, pose serious obstacles to realizing this potential. The paper proposes strategic measures, including infrastructure development, fostering international cooperation, establishing transparent legal frameworks, and addressing environmental and social concerns to ensure sustainable utilization of this resource. The findings indicate that, with proper management and effective collaboration among the government, private sector, and local communities, the Hajigak iron mine can serve as a key driver of sustainable development and industrialization in Afghanistan.

Keywords: Hajigak iron mine, steel industry, industrialization, opportunities and challenges, sustainable development

مقدمه

معدن آهن حاجی گک، واقع در ولایت بامیان در مناطق مرکزی افغانستان، یکی از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین ذخایر معدنی این کشور به شمار می‌رود. این معدن در نزدیکی گذرگاه حاجی گک، در منطقه‌ای کوهستانی بین ولایت‌های میدان وردک و بامیان قرار گرفته است (وزارت معادن و پترولیوم افغانستان، ۱۴۰۰). کشف این معدن به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد، اما اهمیت استراتژیک آن در سال‌های اخیر به دلیل نیاز روزافزون به منابع معدنی و موقعیت جغرافیایی منحصر به فردش بیش از پیش آشکار شده است. بر اساس برآوردهای سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده آمریکا (USGS)، ذخایر سنگ آهن این معدن بین ۱,۸ تا ۲ میلیارد تن با عیار متوسط ۶۲٪ تخمین زده شده است (U.S. Geological Survey, 2015) که آن را به یکی از بزرگ‌ترین ذخایر آهن جهان تبدیل می‌کند. علاوه بر آهن، وجود عناصر ارزشمندی مانند منگنز، نیکل، باریم، کبالت و نقره در ترکیبات معدنی این معدن، ارزش اقتصادی آن را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد (Khorrani et al., 2018). موقعیت استراتژیک این معدن در نزدیکی کریدورهای تجاری آسیای مرکزی و جنوبی، نه تنها آن را به یک دارایی ملی برای افغانستان، بلکه به یک عامل کلیدی در اقتصاد منطقه‌ای تبدیل کرده است (World Bank, 2020).



2019 (شکل 1- شیمای موقعیت معدن حاجیگک در جغرافیای افغانستان (وزارت معادن و پترولیوم افغانستان)



Figure3:Haji-Gak iron deposit looking northeast (USGS)

افغانستان، به‌عنوان کشوری با اقتصاد در حال گذار، برای دستیابی به اهداف صنعتی‌سازی و توسعه پایدار به‌شدت به بهره‌برداری از منابع طبیعی خود وابسته است. (UNDP, 2021) در این راستا، معدن حاجی گک می‌تواند نقش موتور محرکه‌ای را ایفا کند. این معدن نه‌تنها ظرفیت ایجاد صنایع فولادی پایین‌دست را دارد، بلکه می‌تواند وابستگی افغانستان به واردات فولاد را که سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون دلار هزینه در بر دارد، کاهش دهد (وزارت اقتصاد افغانستان، ۱۴۰۱). توسعه این معدن هم‌چنین می‌تواند هزاران فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند و با تولید فولاد باکیفیت بالا، به تقویت زیرساخت‌های ملی و افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کند. از سوی دیگر، صادرات

محصولات معدنی و فولادی می‌تواند ذخایر ارزی کشور را تقویت کرده و منابع مالی لازم برای پروژه‌های زیرساختی بزرگ مانند راه‌سازی و تولید انرژی را تأمین کند.

با وجود پتانسیل‌های عظیم، بهره‌برداری از معدن حاجی‌گک با چالش‌های متعددی مواجه است. کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، به‌ویژه نبود شبکه راه آهن، هزینه‌های انتقال مواد معدنی را افزایش داده و رقابت‌پذیری محصولات را در بازارهای جهانی کاهش می‌دهد. پیچیدگی‌های فنی استخراج در مناطق کوهستانی و نیاز به فناوری‌های پیشرفته نیز از دیگر موانع هستند. (Hilson & Murck, 2000) علاوه بر این، ملاحظات زیست‌محیطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP) هشدار می‌دهد که استخراج غیر اصولی می‌تواند به تخریب زیستگاه‌های طبیعی، آلودگی آب‌های زیرزمینی، و تشدید فرسایش خاک منجر شود. (UNEP, 2019) هم‌چنین، کمبود نیروی کار ماهر و سرمایه‌گذاری‌های کلان مورد نیاز، از دیگر موانعی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.

برای غلبه بر این چالش‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، به‌ویژه توسعه خطوط راه آهن و جاده‌های مناسب، ضروری است تا هزینه‌های حمل‌ونقل کاهش یابد و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای تسهیل شود. استفاده از فناوری‌های نوین در استخراج و فراوری مواد معدنی می‌تواند بهره‌وری را افزایش داده و اثرات زیست‌محیطی را به حداقل برساند. هم‌چنین، همکاری با کشورهای پیشرفته در زمینه معدن‌کاری و صنایع فولادی می‌تواند به انتقال دانش و فناوری کمک کند. آموزش نیروی کار محلی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی نیز از دیگر راهکارهایی هستند که می‌توانند مسیر توسعه این معدن را هموار کنند.

این مقاله با هدف تحلیل پتانسیل‌ها و چالش‌های معدن حاجی‌گک در چارچوب توسعه پایدار، نقش آن را در صنعتی‌سازی افغانستان بررسی می‌کند. بر اساس مدل توسعه پایدار برانتلند (۱۹۸۷)، دستیابی به تعادل بین سه بعد اقتصادی اشتغال‌زایی و رشد تولید ناخالص داخلی اجتماعی (ارتقای کیفیت زندگی جوامع محلی)، و زیست‌محیطی (حفظ اکوسیستم‌ها) از اهمیت اساسی برخوردار است. (WCED, 1987). اهمیت این پژوهش در ارائه دیدگاهی جامع و مبتنی بر شواهد علمی نهفته است که می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی راهبردهای بهینه برای بهره‌برداری مسئولانه از منابع معدنی کمک کند. در بخش‌های بعدی این مقاله، ابتدا مروری بر ادبیات پیشین صورت می‌گیرد، سپس

روش شناسی تحقیق مبتنی بر تحلیل SWOT و مطالعات موردی تشریح می شود، و در نهایت یافته ها همراه با پیشنهادها کاربردی ارائه خواهند شد.

مرور بر ادبیات

افغانستان به عنوان کشوری با ذخایر معدنی غنی و دست نخورده، از دیرباز در کانون توجهات جهانی قرار داشته است. بر اساس گزارش مرکز سروی زمین شناسی ایالات متحده (USGS, 2010)، ارزش منابع معدنی افغانستان بالغ بر ۳ تریلیون دلار تخمین زده شده است که نشان دهنده ظرفیت بی بدیل این کشور برای تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی در منطقه است. معادن شناخته شده ای مانند مس عینک (با ذخایر ۱۱ میلیون تن مس) و معدن آهن حاجی گک (با ذخایر ۱,۷ میلیارد تن سنگ آهن) نه تنها از نظر کمی، بلکه از نظر کیفیت نیز در سطح جهانی رقابت پذیر هستند (وزارت معادن و پترولیوم افغانستان، ۲۰۲۳).

تاریخچه استخراج معادن در افغانستان به ۶۰۰۰ سال پیش بازمی گردد، اما بخش عمده ای از این منابع هنوز به صورت بکر باقی مانده اند. این در حالی است که بر اساس برنامه ریزی های وزارت معادن و پترولیوم، افغانستان می تواند تا سال ۲۰۲۴ با بهره برداری مسئولانه از این ذخایر، وابستگی به کمک های خارجی را کاهش داده و به سمت خودکفایی اقتصادی حرکت کند (وزارت معادن و پترولیوم افغانستان، ۲۰۲۱).

نمونه های موفقیت آمیزی مانند معدن مس عینک (جذب سرمایه گذاری ۳ میلیارد دلاری) و چاه های نفت قشقری (تولید روزانه ۲۰۰۰ بشکه) نشان می دهد که استخراج معادن نه تنها می تواند منبع درآمد پایدار برای دولت باشد، بلکه زنجیره ای از فرصت های شغلی و توسعه زیرساخت ها را ایجاد می کند (بانک جهانی، ۲۰۲۲). با این حال، تحقق این چشم انداز نیازمند حکمرانی شفاف، جذب فناوری های نوین، و همکاری با نهادهای بین المللی برای جلوگیری از فرار منابع است.

بر اساس گزارش های سازمان ملل (UNESCO, 2002) مطالعاتی همچون پروژه MMSD (2002) (Breaking New Ground, 2002) صنعت معدن به عنوان محرک رشد اقتصادی و اشتغال زایی شناخته می شود، اما فعالیت های آن اغلب با چالش های زیست محیطی مانند تخریب زمین، آلودگی آب و هوا، و مصرف بی رویه منابع تجدیدناپذیر همراه است. مطالعات موردی در کشورهایی مانند استرالیا و کانادا (Hilson & Murek, 2000) نشان می دهد که برنامه ریزی منسجم، استفاده از فناوری های پاک، و مشارکت جامعه محلی می تواند تعادل بین بهره برداری معدنی و پایداری را بهبود بخشد. هم چنین، گزارش های سازمان انرژی آمریکا (Environmental and Energy Study

Institute, 2006 و سازمان بهره‌وری انرژی ایران (معرف انرژی در صنعت، 1395). بر لزوم کاهش مصرف انرژی در معادن از طریق بهینه‌سازی فرایندها و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید دارند. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که بهره‌برداری از منابع معدنی می‌تواند به‌عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی عمل کند، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه. بر اساس گزارش سازمان جهانی تجارت (WTO, 2020)، معادن آهن به دلیل نقش کلیدی در تأمین مواد اولیه صنایع سنگین، از جمله فولاد، سهم قابل‌توجهی در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها دارند. برای مثال، در مطالعه‌ای توسط هومفریز و همکاران (2013)، ذکر شده است که کشورهایی مانند استرالیا و برزیل با اتکا به ذخایر عظیم آهن خود، نه تنها به صادرکنندگان پیش‌رو تبدیل شده‌اند، بلکه زنجیره ارزش صنعتی را از استخراج تا تولید فولاد توسعه داده‌اند. در افغانستان، گزارش بانک جهانی (2021) اشاره می‌کند که معدن حاجی‌گک با ذخیره حدود ۱,۷ میلیارد تن سنگ آهن، پتانسیل ایجاد ۵۰۰ میلیون دلار درآمد سالانه و اشتغال‌زایی برای هزاران نفر را دارد.

کشورهای موفق در حوزه معدن‌کاری آهن، سه استراتژی کلیدی را دنبال کرده‌اند در استرالیا، سرمایه‌گذاری در شبکه ریلی و بندری (مانند پروژه «پیلبارا») هزینه‌های حمل‌ونقل را تا ۳۰٪ کاهش داده است (Rio Tinto, 2019). برزیل با استفاده از فناوری‌های کم‌مصرف مانند «کوره‌های قوس الکتریکی»، بهره‌وری فراوری سنگ آهن را افزایش داده و انتشار کربن را تا ۲۰٪ کاهش داده است (Vale, 2020). شیلی با ایجاد چارچوب قانونی منسجم برای مشارکت بخش خصوصی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در معادن مس را تا ۴۰٪ افزایش داده است (OECD, 2018). این تجربیات نشان می‌دهد که افغانستان برای بهره‌برداری از معدن حاجی‌گک نیازمند همکاری بین‌المللی، انتقال فناوری، و قوانین ضد فساد است.

صنعت فولاد به‌عنوان «ستون فقرات صنعتی‌سازی» شناخته می‌شود. (UNIDO, 2022) بر اساس مطالعه مک‌کینزی (2021)، هر ۱ دلار سرمایه‌گذاری در صنعت فولاد، تا ۳ دلار ارزش افزوده در بخش‌های جانبی مانند ساخت‌وساز، انرژی، و حمل‌ونقل ایجاد می‌کند. در هند، توسعه صنعت فولاد منجر به ایجاد ۶ میلیون شغل مستقیم و رشد سالانه ۸٪ در تولیدات صنعتی شده است (Ministry of Steel India, 2020). برای افغانستان، ایجاد کارخانه‌های فولاد در نزدیکی معدن حاجی‌گک نه تنها وابستگی به واردات فولاد (سالانه ۲۰۰ میلیون دلار) را کاهش می‌دهد، بلکه پایه‌ای برای تولید ماشین‌آلات، تجهیزات ساختمانی، و زیرساخت‌های انرژی فراهم می‌کند وزارت معادن افغانستان (2023).

پوهنیار نویداحمد ربانی

ادبیات موجود تأکید می‌کند که بهره‌برداری از معادن آهن در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای صنعتی‌سازی و توسعه پایدار عمل کند. با این حال، موفقیت در گرو یادگیری از تجربیات جهانی، تقویت حکمرانی، و توجه به جنبه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی است.

روش تحقیق

این مطالعه با هدف بررسی نقش معدن آهن حاجی‌گکک در توسعه صنعتی افغانستان انجام شده است و از روش‌های تحلیل مستندات و بررسی مطالعات موردی به‌عنوان رویکردهای اصلی پژوهش استفاده می‌کند.

1. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات این پژوهش از منابع متعدد و معتبری گردآوری شده است:

پلان تجارتي معدن حاجی‌گکک: این سند که توسط شرکت انکشاف ملی تهیه شده، جزئیات فنی، اقتصادی، و زمان‌بندی پروژه را شامل می‌شود. اطلاعاتی مانند ظرفیت استخراج، زیرساخت‌های مورد نیاز، و برآوردهای مالی از این منبع استخراج شده است.

گزارش‌های دولتی: گزارش‌های منتشرشده توسط وزارت معادن و پترولیوم افغانستان و وزارت اقتصاد، شامل داده‌های کلان درباره ذخایر معدنی، سیاست‌های صنعتی‌سازی، و چالش‌های زیرساختی، به‌عنوان پایه تحلیل استفاده شدند.

مطالعات موردی: تجارب موفق و ناموفق معادن مشابه در کشورهایی مانند هند (معدن آهن اودیشا) و استرالیا (معدن آهن پیلبارا) به‌منظور مقایسه تطبیقی بررسی شدند (Hilson & Murek, 2000; Dubinski, 2013).

2. تحلیل مستندات

در بخش تحلیل مستندات، داده‌ها از اسناد و مدارک معتبر مرتبط با پروژه جمع‌آوری شده‌اند. منبع اصلی این بخش، پلان تجارتي معدن آهن حاجی‌گکک، گزارش‌های دولتی و مطالعات موردی است که اطلاعات جامعی درباره جزئیات جغرافیایی و تحلیل SWOT (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات) ارائه می‌دهد. علاوه بر این، گزارش‌ها، مقالات علمی و نظریات محققین نیز بررسی شده‌اند تا اطلاعات بیش‌تری درباره وضعیت پروژه و زمینه‌های مرتبط با آن به دست آید.

3. ابزارهای تحلیلی

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از چارچوب SWOT استفاده شده است. این ابزار به عنوان یک روش منظم، به شناسایی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدات) کمک می‌کند.

4. چارچوب نظری

این پژوهش بر پایه چارچوب نظری اصلی (Sustainable Development) با الهام از گزارش برانتلند (۱۹۸۷). (United Nations, 1987) تعادل بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی در بهره‌برداری از معدن حاجی‌گک بررسی شد. تأکید بر این است که صنعتی‌سازی نباید به قیمت تخریب منابع طبیعی یا نادیده گرفتن حقوق جوامع محلی تمام شود.

5. محدودیت‌ها

این مطالعه با چالش‌هایی مانند دسترسی محدود به داده‌های به‌روز میدانی و وابستگی به اسناد موجود روبه‌رو بوده است. باین حال، تلاش شده تا با استفاده از منابع متنوع و قابل اعتماد، این محدودیت‌ها کاهش یابد.

تحلیل و یافته‌ها

تحلیل SWOT

معدن آهن حاجی‌گک، واقع در ولایت بامیان، یکی از بزرگ‌ترین ذخایر معدنی افغانستان است که پتانسیل بالایی برای تحول اقتصادی دارد. بر اساس گزارش سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده آمریکا (USGS) در سال 2015، این معدن حدود ۲ میلیارد تُن سنگ آهن با عیار متوسط ۶۲٪ دارد (USGS Report on Afghan Minerals). این معدن نه تنها منبع اصلی برای تولید فولاد است، بلکه می‌تواند به کاهش وابستگی به واردات فولاد (که سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون دلار هزینه دارد) کمک کند.

برای انجام تحلیل (SWOT)، تمام عوامل مرتبط با شرایط افغانستان به رویت USGS Report on Afghan Mining, 2020، World Bank Report on Afghan Mining, 2020، (راپور وزارت معدن و پترولیوم افغانستان، 1402)، پلان تجارتي شرکت انكشاف ملی افغانستان 1403. فهرست شده‌اند. این تحلیل بر اساس اطلاعات موجود از پلان تجارتي، گزارش‌های دولتی و مطالعات موردی انجام شده است.

نقاط قوت

1. ذخایر غنی و باکیفیت: معدن حاجی گک یکی از بزرگ‌ترین ذخایر آهن در جهان است، با ۲ میلیارد تُن سنگ آهن و عیار بالا که برای تولید فولاد مناسب است.
2. موقعیت استراتژیک: قرار گرفتن در مرکز افغانستان، نزدیک به کریدورهای تجاری آسیای مرکزی و جنوبی، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای را تسهیل می‌کند.
3. پتانسیل ایجاد شغل: برآورد می‌شود که این پروژه می‌تواند برای هزارها نفر شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند که به کاهش بی‌کاری در افغانستان کمک می‌کند.
4. حمایت دولتی: دولت افغانستان این پروژه را به عنوان بخشی از استراتژی توسعه اقتصادی شناسایی کرده و احتمالاً حمایت‌های سیاسی و قانونی ارائه می‌دهد.
5. درآمدزایی بالا: صادرات سنگ آهن و محصولات فولادی می‌تواند درآمد قابل توجهی تولید کند و برای پروژه‌های زیرساختی مانند سدسازی و راه‌سازی استفاده شود.

نقاط ضعف

1. کمبود زیرساخت‌ها: نبود جاده‌های مناسب، راه آهن و امکانات فراوری نزدیک معدن، هزینه‌های عملیاتی را افزایش می‌دهد.
2. محدودیت‌های فنی: کمبود فناوری‌های پیشرفته برای استخراج در مناطق کوهستانی و فراوری مواد معدنی، بهره‌وری را کاهش می‌دهد.
3. محدودیت‌های مالی: نیاز به سرمایه‌گذاری کلان و وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای پروژه را پیچیده می‌کند.
4. اوضاع سیاسی افغانستان: شرایط سیاسی و امنیتی در منطقه می‌تواند عملیات را مختل کند و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.
5. مدیریت زیست محیطی: نیاز به سرمایه‌گذاری برای کاهش اثرات زیست محیطی، مانند آلودگی آب و تخریب زیستگاه‌ها، هزینه‌های اضافی ایجاد می‌کند.

فرصت‌ها

1. تقاضای روبه‌رشد در بازارهای منطقه‌ای: کشورهای همسایه مانند پاکستان، هند و چین نیاز بالایی به فولاد دارند و می‌توانند بازار صادراتی برای محصولات معدن باشند.

2. امکان همکاری‌های بین‌المللی: مشارکت با شرکت‌های خارجی، مانند شرکت‌های بین‌المللی که قبلاً در مناقصه‌ها شرکت کرده‌اند، می‌تواند فناوری و سرمایه لازم را فراهم کند.
3. تنوع‌بخشی به اقتصاد: توسعه معدن و صنایع فولادی می‌تواند اقتصاد را از وابستگی دور کند و پایه صنعتی قوی‌تری ایجاد نماید.
4. توسعه زیرساخت‌ها: درآمد پروژه می‌تواند برای ساخت جاده‌ها، راه‌آهن و نیروگاه‌ها استفاده شود که به نوبه خود به توسعه دیگر بخش‌ها کمک می‌کند.
5. انتقال فناوری: همکاری با شرکت‌های بین‌المللی می‌تواند دانش فنی برای صنعتی‌سازی، از جمله تولید فولاد، را تقویت کند.

تهدیدات

1. چالش‌های زیست‌محیطی: استخراج ممکن است به تخریب زیستگاه‌ها، آلودگی آب‌های زیرزمینی و فرسایش خاک منجر شود که نیازمند مدیریت دقیق است.
2. مشکلات امنیتی: بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی می‌تواند سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش دهد و عملیات را مختل کند، به‌ویژه باتوجه به تاریخچه درگیری‌ها در منطقه.
3. هزینه‌های بالای حمل‌ونقل: نبود زیرساخت‌های مناسب، هزینه‌های لجستیکی را افزایش می‌دهد و رقابت‌پذیری محصولات را در بازارهای جهانی کاهش می‌دهد.
4. نوسانات قیمت جهانی: تغییرات قیمت سنگ‌آهن و فولاد می‌تواند سودآوری پروژه را تحت تأثیر قرار دهد و زیان مالی ایجاد کند.
5. رقابت با دیگر کشورها: معادن پیشرفته‌تر در استرالیا، برزیل و هند ممکن است بازارهای صادراتی را محدود کنند و چالش‌هایی برای ورود به بازار ایجاد کنند.

تحلیل SWOT: دیدگاه تحقیقی

تحلیل SWOT نشان می‌دهد که معدن حاجی‌گک پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به موتور محرکه توسعه اقتصادی و صنعتی افغانستان دارد. نقاط قوت مانند ذخایر غنی و موقعیت استراتژیک، پایه محکمی برای ایجاد صنایع فولادی فراهم می‌کند. با عیار بالای ۶۲٪، این معدن می‌تواند مواد اولیه باکیفیتی برای تولید فولاد ارائه دهد که نیاز داخلی و صادراتی را پوشش دهد. هم‌چنین، ایجاد شغل برای هزاران نفر می‌تواند به کاهش فقر و بهبود شرایط اجتماعی کمک کند.

پوهنیار نویداحمد ربانی

با این حال، نقاط ضعف مانند کمبود زیرساخت‌ها و محدودیت‌های فنی، اجرای پروژه را با چالش مواجه می‌کنند. نبود جاده‌ها و راه آهن، هزینه‌های حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد و رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد. هم‌چنین، نیاز به فناوری‌های پیشرفته برای استخراج در مناطق کوهستانی، نیازمند سرمایه‌گذاری کلان است که ممکن است با محدودیت‌های مالی مواجه شود.

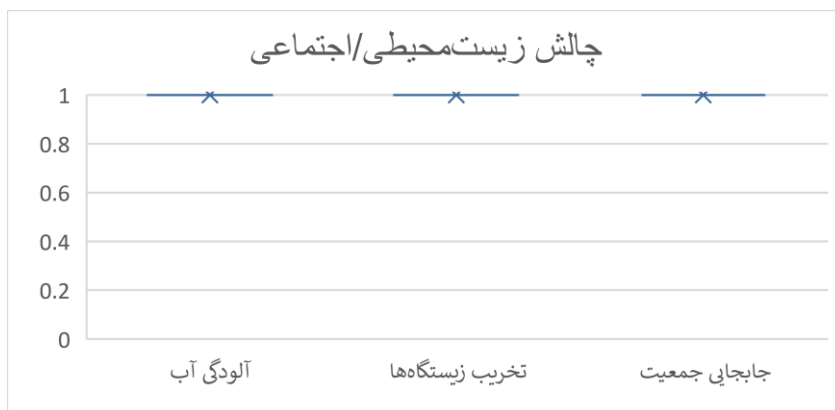
فرصت‌ها مانند تقاضای بازارهای منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی می‌توانند این ضعف‌ها را جبران کنند. برای نمونه، همکاری با شرکت‌های چینی یا هندی می‌تواند فناوری و سرمایه لازم را فراهم کند و بازارهای صادراتی را گسترش دهد. هم‌چنین، توسعه زیرساخت‌ها از طریق درآمد پروژه می‌تواند چرخه مثبتی ایجاد کند که به رشد اقتصادی کمک می‌کند. این فرصت‌ها، اگر به خوبی مدیریت شوند، می‌توانند افغانستان را به سمت صنعتی‌سازی سوق دهند.

اما **تهدیدات** مانند مشکلات امنیتی و زیست‌محیطی نیاز به مدیریت دقیق دارند. بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند سرمایه‌گذاران را دل‌سرد کند و عملیات را مختل نماید. هم‌چنین، استخراج ممکن است به تخریب زیستگاه‌ها منجر شود که نیازمند برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی قوی است. نوسانات قیمت جهانی نیز زیان مالی ایجاد می‌کند و نیازمند استراتژی‌های انعطاف‌پذیر است.

این تحلیل نشان می‌دهد که با مدیریت صحیح نقاط قوت و فرصت‌ها، معدن حاجی‌گک می‌تواند به استقلال اقتصادی و صنعتی‌سازی افغانستان کمک کند. با این حال، رفع چالش‌های زیرساختی، امنیتی و زیست‌محیطی نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و همکاری بین‌المللی است. این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاران بر توسعه زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای پروژه‌های پایدار تمرکز کنند.

تحلیل زیست‌محیطی و اجتماعی

تحلیل زیست‌محیطی و اجتماعی اثرات استخراج بر محیط‌زیست و جوامع محلی را بررسی می‌کند. استخراج ممکن است به آلودگی آب، تخریب زیستگاه‌ها و جابه‌جایی جمعیت منجر شود. مطالعات موردی مانند معدن آهن اودیشا در هند نشان می‌دهد که مدیریت ضعیف می‌تواند به مشکلات زیست‌محیطی شدید منجر شود. (Case Study: Odisha Iron Ore Mining) جدول زیر راه-کارهایی برای کاهش اثرات منفی پیشنهاد می‌دهد:



نمودار 1: چالش های زیست محیطی و اجتماعی



نمودار 2: راه کارهای پیشنهادی برای چالش های زیست محیطی و اجتماعی

جدول 1: خلاصه تحلیل زیست محیطی و اجتماعی	
چالش چالش های زیست محیطی/اجتماعی	راهکار پیشنهادی
آلودگی آب	سیستم‌های بازیافت آب و تصفیه فاضلاب
تخریب زیستگاه‌ها	کاشت گیاهان بومی برای احیای مناطق تخریب شده
جابجایی جمعیت	جبران خسارت و ارائه فرصت‌های شغلی به جوامع محلی

تحلیل فنی

تحلیل فنی روش‌های استخراج و چالش‌های زیرساختی را بررسی می‌کند. مطالعات موردی مانند معدن آهن پیلبارا در استرالیا نشان می‌دهد که فناوری‌های پیشرفته می‌توانند بهره‌وری را افزایش دهند (Case Study: Pilbara Iron Ore Mining). جدول زیر چالش‌ها و راه‌حل‌ها را فهرست می‌کند:



نمودار 3: چالش‌های فنی و زیر ساختی



نمودار 4: راهکارهای پیشنهادی برای چالش‌های فنی و زیر ساختی

جدول 2: خلاصه تحلیل فنی و زیر ساختی	
راهکار پیشنهادی	زیست محیطی/اجتماعی چالش
بازیافت آب و تصفیه فاضلاب سیستم‌های	آلودگی آب
گیاهان بومی برای احیای مناطق کاشت تخریب شده	تخریب زیستگاه‌ها
خسارت و ارائه فرصت‌های شغلی به جبران جوامع محلی	جابه‌جایی جمعیت

بحث و مناقشه

معدن آهن حاجی گک، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر معدنی افغانستان، پتانسیل بالایی برای ایفای نقش محوری در توسعه صنایع فولادی و صنعتی سازی این کشور دارد. با این حال، بهره‌برداری مؤثر از این منبع عظیم معدنی مستلزم غلبه بر چالش‌های متعددی است که در تحلیل‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فنی این پژوهش شناسایی شده‌اند. در این بخش، یافته‌های کلیدی مورد بحث قرار گرفته و ارتباط آن‌ها با ادبیات موجود و تجربیات جهانی بررسی می‌شود تا چارچوبی علمی و تحقیقی برای تحلیل نقش این معدن در توسعه پایدار افغانستان ارائه گردد.

پتانسیل‌های اقتصادی و صنعتی

تحلیل اقتصادی این پژوهش نشان می‌دهد که معدن حاجی گک می‌تواند به طور قابل توجهی به رشد اقتصادی افغانستان کمک کند. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، تولید سالانه ۵ میلیون تن سنگ آهن می‌تواند درآمدی بیش از ۵۰ میلیارد افغانی در سال ایجاد کند که این رقم با فرض قیمت جهانی ۱۳۵ دلار به ازای هر تن و نرخ تبدیل ۷۵ افغانی به دلار محاسبه شده است. این درآمد می‌تواند منابع مالی لازم برای توسعه زیرساخت‌های ملی، مانند جاده‌ها، راه آهن و سدهای آبی را تأمین کند و به کاهش وابستگی افغانستان به واردات فولاد که سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون دلار هزینه دارد، منجر شود (وزارت اقتصاد افغانستان، ۱۴۰۱). علاوه بر این، ایجاد هزاران فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و بهبود شرایط اقتصادی جوامع محلی کمک کند. این یافته‌ها با گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰) هم‌راستا است که منابع معدنی افغانستان را به عنوان پتانسیلی برای تحریک رشد اقتصادی معرفی کرده است.

با این حال، تحقق این پتانسیل‌ها به توانایی افغانستان در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل بستگی دارد. تجربیات موفق کشورهایمانند استرالیا و برزیل نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در شبکه‌های ریلی و بندری، مانند پروژه پیلبارا در استرالیا، می‌تواند هزینه‌های عملیاتی را تا ۳۰٪ کاهش دهد و رقابت‌پذیری محصولات معدنی را در بازارهای جهانی افزایش دهد (Rio Tinto, 2019). در مقابل، نبود زیرساخت‌های مناسب در افغانستان، به ویژه در مناطق کوهستانی اطراف حاجی گک، یکی از موانع اصلی است که هزینه‌های حمل و نقل را افزایش می‌دهد. این امر ضرورت برنامه‌ریزی استراتژیک توسط دولت و همکاری با بخش خصوصی و نهادهای بین‌المللی را برای توسعه زیرساخت‌ها برجسته می‌کند.

چالش‌های فنی و زیست‌محیطی

از منظر فنی، استخراج در مناطق کوهستانی و کمبود فناوری‌های پیشرفته از جمله چالش‌هایی هستند که بهره‌وری پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحلیل فنی این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های نوین استخراج و فراوری، مشابه آنچه در معدن پیلبارا در استرالیا به کار گرفته شده، می‌تواند این محدودیت‌ها را کاهش دهد. (Case Study: Pilbara Iron Ore Mining) همکاری با شرکت‌های بین‌المللی برای انتقال فناوری و دانش فنی، راه‌کاری عملی برای غلبه بر این چالش است که می‌تواند بهره‌وری را افزایش داده و هزینه‌ها را بهینه کند.

در بعد زیست‌محیطی و اجتماعی، استخراج معدن حاجی‌گک می‌تواند اثرات منفی قابل توجهی بر محیط‌زیست و جوامع محلی داشته باشد، از جمله آلودگی آب‌های زیرزمینی، تخریب زیستگاه‌های طبیعی و جابه‌جایی جمعیت. این یافته‌ها با هشدارهای برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP, 2019) هم‌خوانی دارد که بر مخاطرات زیست‌محیطی استخراج غیراصولی در کشورهای درحال توسعه تأکید کرده است. مطالعات موردی، مانند معدن آهن اودیسا در هند، نشان می‌دهد که عدم مدیریت صحیح این اثرات می‌تواند به اعتراضات اجتماعی و توقف پروژه‌ها منجر شود (Case Study: Odisha Iron Ore Mining). از این رو، اجرای راه‌کارهای پیشنهادی نظیر سیستم‌های بازیافت آب، کاشت گیاهان بومی برای احیای مناطق تخریب‌شده و جبران خسارت به جوامع محلی، برای کاهش اثرات منفی و دستیابی به توسعه پایدار ضروری است. این رویکرد با مدل توسعه پایدار برانتلند (WCED, 1987) سازگار است که بر ایجاد تعادل بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد.

نقش دولت و همکاری‌های بین‌المللی

موفقیت پروژه حاجی‌گک به شدت به نقش دولت افغانستان در ایجاد چارچوب قانونی شفاف و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی وابسته است. تجربیات کشورهایی مانند شیلی نشان می‌دهد که تدوین قوانین منسجم و ارائه مشوق‌های مالی می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تا ۴۰٪ افزایش دهد. (OECD, 2018) در افغانستان، بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کند؛ بنابراین، دولت باید با همکاری نهادهای بین‌المللی، امنیت منطقه را تضمین کرده و زیان سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

علاوه بر این، همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به انتقال فناوری و گسترش دسترسی به بازارهای منطقه‌ای کمک کند. مشارکت با شرکت‌هایی از چین و هند که پیش‌تر در مناقصه‌های حاجی‌گک ابراز علاقه کرده‌اند، نه تنها فناوری‌های پیشرفته را به پروژه وارد می‌کند، بلکه فرصت‌های صادراتی به بازارهای پرتقاضای منطقه‌ای را نیز فراهم می‌سازد. این همکاری‌ها هم‌چنین می‌توانند به آموزش نیروی کار محلی و ارتقای مهارت‌های فنی منجر شوند که خود پایه‌ای برای توسعه پایدار صنعتی در افغانستان است.

جمع‌بندی بحث

معدن آهن حاجی‌گک با ذخایر غنی و موقعیت استراتژیک خود، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به موتور محرکه توسعه صنایع فولادی و صنعتی‌سازی افغانستان دارد. تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهند که با مدیریت صحیح نقاط قوت (مانند ذخایر باکیفیت) و فرصت‌ها (مانند تقاضای منطقه‌ای)، این پروژه می‌تواند به رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و کاهش وابستگی به واردات کمک کند. با این حال، چالش‌های زیرساختی، فنی، زیست‌محیطی و امنیتی موانع جدی در مسیر تحقق این پتانسیل هستند که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و راهبردهای مؤثرند.

برای بهره‌برداری مسئولانه از این معدن، پیشنهاد می‌شود که دولت افغانستان بر توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی و اجتماعی تمرکز کند. همکاری مؤثر میان دولت، بخش خصوصی و جوامع محلی، همراه با حمایت‌های بین‌المللی، کلید موفقیت این پروژه است. در نهایت، معدن حاجی‌گک می‌تواند با رویکردی پایدار، افغانستان را در مسیر خودکفایی اقتصادی و توسعه صنعتی قرار دهد، مشروط بر اینکه تعادل بین منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی حفظ شود.

نتیجه‌گیری

معدن آهن حاجی‌گک، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر معدنی افغانستان، از پتانسیل بالایی برای ایفای نقش کلیدی در توسعه صنایع فولادی و صنعتی‌سازی این کشور برخوردار است. این معدن می‌تواند با بهره‌برداری مناسب، درآمد قابل‌توجهی برای کشور به ارمغان آورد، فرصت‌های شغلی متعددی ایجاد کند و وابستگی افغانستان به واردات فولاد را کاهش دهد. با این حال، بهره‌برداری از این منبع ارزشمند با چالش‌هایی جدی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به کمبود زیرساخت‌های

پوهنیار نویداحمد ربانی

حمل و نقل، محدودیت‌های فنی، مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی، و بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی اشاره کرد.

برای غلبه بر این موانع، اقداماتی نظیر سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها، همکاری‌های بین‌المللی برای انتقال فناوری‌های نوین، تدوین چارچوب قانونی شفاف و کارآمد، و توجه ویژه به مدیریت پایدار منابع و حمایت از جوامع محلی ضروری است. علاوه بر این، نقش دولت در فراهم کردن محیطی امن و جذاب برای سرمایه‌گذاری و تقویت همکاری با نهادهای بین‌المللی، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت این پروژه خواهد بود.

در نهایت، معدن حاجی‌گک می‌تواند با مدیریت صحیح و بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌ها، به توسعه پایدار و صنعتی‌سازی افغانستان کمک کند، به شرط آن‌که تعادل میان جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به خوبی حفظ شود. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران بر تقویت زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی و اجتماعی تمرکز کنند تا این معدن به موتور محرکه‌ای برای رشد اقتصادی و صنعتی کشور تبدیل شود.

منابع

- Afghan Geological Survey. (2019). *Geological Map of Afghanistan*. Kabul: Ministry of Mines and Petroleum.
(نقشه زمین شناسی افغانستان، منتشر شده توسط وزارت معادن و پترولیوم در کابل)
- Hilson, G., & Murck, B. (2000). Sustainable development in the mining industry: Clarifying the corporate perspective. *Resources Policy*, 26(4), 227-238. [https://doi.org/10.1016/S0301-4207\(00\)00041-6](https://doi.org/10.1016/S0301-4207(00)00041-6)
(مقاله علمی درباره توسعه پایدار در صنعت معدن)
- Khorrami, M., Farhadi, A., & Azizi, M. (2018). Mineralogy and geochemistry of the Hajigak iron deposit, central Afghanistan. *Journal of Geosciences*, 27(2), 145-158.
(مطالعه کانی شناسی و ژئوشیمی معدن آهن حاجی گک در افغانستان مرکزی)
- United Nations Environment Programme (UNEP). (2019). *Environmental Risks and Challenges of Mining in Developing Countries*. Nairobi: UNEP. <https://www.unep.org/resources/report/environmental-risks-mining>
(گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل درباره مخاطرات زیست محیطی معدن کاری)
- United Nations Development Programme (UNDP). (2021). *Afghanistan Human Development Report 2021*. New York: UNDP. <https://www.undp.org/afghanistan/publications/afghanistan-human-development-report-2021>
(گزارش توسعه انسانی افغانستان توسط برنامه توسعه سازمان ملل)
- U.S. Geological Survey (USGS). (2015). *Mineral Resources of Afghanistan*. Reston, VA: USGS. <https://pubs.usgs.gov/of/2015/1204/pdf/07A.pdf>
(منابع معدنی افغانستان، منتشر شده توسط سازمان زمین شناسی آمریکا)
- World Bank. (2020). *Afghanistan's Mineral Resources: A Potential Engine for Growth*. Washington, D.C.: World Bank. <https://www.worldbank.org/en/news/feature/2020/06/15/afghanistan-s-mineral-resources-potential-engine-for-growth>
(گزارش بانک جهانی درباره پتانسیل منابع معدنی افغانستان برای رشد اقتصادی)

- World Commission on Environment and Development (WCED). (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.
(گزارش براتلند درباره آینده مشترک ما)
- وزارت اقتصاد افغانستان. (۱۴۰۱). گزارش سالانه اقتصادی ۱۴۰۱. کابل: وزارت اقتصاد. (گزارش سالانه اقتصادی منتشر شده توسط وزارت اقتصاد افغانستان)
- وزارت معادن و پترولیوم افغانستان. (۱۴۰۰). پلان تجارتي معدن آهن حاجی گک. کابل: وزارت معادن و پترولیوم. (طرح تجاری معدن آهن حاجی گک توسط وزارت معادن و پترولیوم)
- وزارت معادن و پترولیوم افغانستان. (۱۴۰۰). برنامه توسعه معدن افغانستان ۱۴۰۴.
- وزارت معادن و پترولیوم افغانستان. (۱۴۰۲). گزارش ذخایر معدنی حاجی گک.
- سازمان بهره‌وری انرژی ایران. (۱۳۹۵). معرف انرژی در صنعت.
- Bank, World. (2021). *Afghanistan's Mining Potential: Challenges and Opportunities*.
- Breaking New Ground. (2002). *The Report of the Mining, Minerals and Sustainable Development Project*. Earthscan.
- Hilson, G., & Murek, B. (2000). Sustainable Development in the Mining Industry. *Resource Policy*, 26(4), 227–238.
- Humphreys, D., et al. (2013). *The Socio-Economic Impact of Mining*. ICMM.
- McKinsey & Company. (2021). *The Future of Steel Industry*.
- Ministry of Steel India. (2020). *Annual Report on Steel Production*.
- OECD. (2018). *Mining Policy Framework: Chile Case Study*.
- Rio Tinto. (2019). *Pilbara Iron Ore Project: Infrastructure Development*.
- UNESCO. (2002). *Mining and Sustainable Development*.
- UNIDO. (2022). *Steel Industry as a Backbone of Industrialization*.
- U.S. Geological Survey (USGS). (2010). *Mineral Resources of Afghanistan*.
- Vale. (2020). *Innovations in Iron Ore Processing*.
- WTO. (2020). *Global Trade in Iron and Steel*.

د نوي کېدونکي انرژۍ په وسیله د صنعت چټکتیا او د مصرف مخنیوی

نامزد پوهنیار شکرالله نوری^{1*}، پوهنمل جلال الدین مطمین²

1. نورستان لوړو زده کړو موسسه، ښوونې او روزنې پوهنځی کیمیا و بیولوژی خانګه

۲. نورستان لوړو زده کړو موسسه، ښوونې او روزنې پوهنځی پښتو خانګه

* نویسنده مسئول-ایمیل: shukrullahnoori251@gmail.com

لنډیز

د دې څېړنې موخه دا ده چې نوي کیدونکي انرژي وپېژنو او له ډولونو سره یې لکه لمريزه انرژي، باد انرژي، اوبو بریښنا، بایوماس انرژي، جیوترمل انرژي او سمندري انرژي سره اشنا شو. همدارنګه د نوي کیدونکو او غیر نوي کیدونکو انرژيو ترمنځ توپیر وپېژنو چې نوي کیدونکي انرژي پاکه او دوامداره وي او غیر نوي کیدونکي انرژي ناپاکه او ختمیدونکي وي. د ټولنې افرادو ته د نوي کیدونکي انرژي د ګټو په باره کې معلومات ورکول. په دې څېړنه کې له مختلط میتود څخه استفاده شوې ده. د دې څېړنې په ترسره کولو سره مو دا په لاس راوړل چې د نوي کیدونکي انرژي زیاتوالی نه یوازې د طبیعي سرچینو ساتنه کوي بلکه د انرژي په تولید کې د نرخونو په کموالي کې ستره اغیزه لري. د دې څېړنې په پایله کې دا څرګنده شوه چې نوي کیدونکي انرژي د اقتصاد په رشد او د چاپیریالي ککړتیا په کمولو کې ډیره اغیزه لري.

کلیدي کلمې: پاکه انرژي، شین کوریزه ګازونه، صنعت، کاربن، فوسیل تیل.

solution for accelerating Industry and preventing consumption the through renewable energy

Teaching Assistant shukrullah Noori^{1*}, Senior Teaching Assistant jalaludin mutmain²

1. Department of chemistry and Biology, Faculty of Education, Nuristan institute of higher education

2. Department of Pashto, Faculty of Education, Nuristan institute of higher education

* Corresponding Author Email: shukrullahnoori251@gmail.com

Abstract

Renewable energy is the source that dose not expire such as wind , sun and others. Non renewable energy is the resource that is expired as coal and so on. There are some benefits of renewable energy is such as you find work to reduce air pollution and so on.types of renewable energy is solar energy ,wind energy , geothermal energy , hydro power , ocean energy , bio energy the use of renewable enrgy some negative interests such as using hydro power causes the des truction of the environment . there are some problems in renewable energy , such as a high primary cost . Non renewable energy contains a number of damage such as environmental pollution and so on . the value or this resesrch is in this study so many readers can identify renewable and non renewable resources . which source contamination has a lot of effect. I need research on this topic . as a result , the revealed energy is very important to non renewable energy . and the next generation benefits and developing the air pollution

Keywords: carbon, fossil oil, Green house Gases, industry, renewable energy

سریزه

د موضوع لنډه پیژندنه

نوي کیدونکي انرژي هغه سرچینه ده چې نه ختمیدونکي وي لکه باد، اوبه او بایوماس انرژي . په صنعت کې نوي کیدونکي انرژي په چټکۍ سره وده کوي، نوي کیدونکي سرچینې د صنعتي انرژۍ کارونې ۹٪ برخه جوړوي. اوس وخت کې نوي کیدونکي انرژي څخه کار اخیستل چټک شوي او د مصارفو د کمښت لامل شوي ده . غیر نوي کیدونکي انرژي هغه سرچینه ده چې ختمیدونکي وي لکه ډبروسکاره، تیل، نفت او طبیعي ګاز . غیر نوي کیدونکي انرژي په چاپیریال باندې بده اغیزه لري . چې ضرر رسونکي ګازونه چاپیریال ته ازادوي چې نړیوال اقلیم بدلون سره مرسته کولای شي .

دڅیړنې ستونزې

لا هم د افغانستان ډیرخلک د برېښنا له کمښت سره مخ دي او د فوسیل سوځیدونکو موادو لکه ډبرو سکاره ، نفت او طبیعي ګاز څخه کار اخیستل چاپیریال ته ضرر رسوي. دا چې نوي کیدونکي انرژي پاکه انرژي ده او د ټولو ژوندیو موجوداتو په ژوند مثبت اغیزه لري نو اړتیا پیدا شوه چې په دې موضوع څیړنه ترسره کړم.

دڅیړنې ارزښت

د دې څیړنې ارزښت په دې کې دی چې لوستونکي وکولای شي نوي کیدونکي او غیر نوي کیدونکي سرچینې وپېژني. ترڅو د نوي کیدونکو انرژيو په ګټو او غیر نوي کیدونکو انرژيو په ضررونو باندې پوه شي او همدارنګه لوستونکي به د نوي کیدونکو سرچینو د ډولونو په اړه معلومات په لاس راوړي . دڅیړنې پوښتنې

1- پاکه انرژي په روزمره ژوند کې څه ارزښت لري ؟

2- ایا ناپاکو انرژيو څخه کار اخیستل د پاکو انرژيو په وړاندې د خنډ سبب ګرځي؟

3- ایا افغانستان کې د پاکو انرژيو په برخه کې تر اوسه پورې کوم پرمختګ لیدل شوي ؟

د څیړنې موخې

۱ . د نړۍ په کچه د کانونو د صنعت په برخه کې د شین کوریزه ګازونو د اخراج کمیدل .

۲ . د پاکو انرژيو څخه په استفادې سره د ټولنې وګړی د عصری ژوند څخه برخمن کیدل .

۳ . په اقتصادي لحاظ پاکو سرچینو ته د وګړو د لاسرسي .

تېرو لیکنو ته کتنه

زما له څېړنې وړاندې هم د نوي کیدونکي انرژي او د ډولونو په اړه یې په ځینو مقالو او کتابونو کې یادونه شوې. هغه کتابونه او مقالې چې دې موضوع ته پکې اشاره شوې دلته یې په لنډول یادونه کوو.

بازیلین ، م ، گلین ، ډ ، تایبی ، ا . (۲۰۱۲ ، جنوري) ، په صنعتي غوښتنلیکونو کې د نوي کیدونکي انرژۍ احتمال ، د نوي کیدونکي او دوامداره انرژۍ بیا کتنې ، ۱۶ (۱) ، ۷۴۴-۷۳۵ . جلالی ، ن ، نیژیتچ ، س ، اونور . (۲۰۱۹ ، سپټمبر ۱۰) ، د انرژۍ موثریت د ودې د دوامداره سرچینو کارولو او د ضایعاتو مدیریت لپاره سمارټ تکنالوژي . د محصول دپاکوالي ژورنال ، ۲۳۱ ، ۵۶۵-۵۹۱

ژونګ ، ج . ، بولین ، ر ، & سارانو ، ب . (۲۰۲۱) . په سویلېن کې ۱۰۰٪ نوي کیدونکي انرژۍ بریښنا تولید سیستم په لور . د نوي کیدونکي انرژۍ ژورنال ، ۱۷۱ ، ۸۱۲-۸۲۴ . سعد ، ج . (۲۰۱۳ ، جولای) ، د باد د انرژۍ د چاپیریال اغیزې . د پاکې انرژۍ د تکنالوژۍ ژورنال ، ۹ (۱) .

مصطفی عمر ، ع . (۲۰۰۸) ، انرژي ، چاپیریال او دوامداره پراختیا ، د نوي کیدونکي او پایښت وړ انرژي بیا کتنې ، ۱۲ (۹) ، ۲۲۶۵-۲۳۰۰

AI- Qubeissi , M. , El-Kharouf , A. , Soyhan, S., & Hakan, H. (2020) , *Renewable energy* . London, uk : intechopen

پورته اثارو او مقالو کې د نوي کیدونکو او غیر نوي کیدونکو انرژيو سرچینو ته په لنډ ډول کتنه شوي . او په دې برخه کې معلومات په لنډ شکل وړاندې شوي . نوزه یادونه کوم چې زما په څېړنه کې د دغه اثارو نوي والی دا دی چې ما په دې څېړنه کې نوي کیدونکي انرژي ، دهغې ډولونه ، په صنعت کې نوي کیدونکي انرژۍ اهمیت ، نوي کیدونکو انرژيو د پرمختګ په برخه کې ستونزې ، غیر نوي کیدونکي انرژي ، غیر نوي کیدونکي انرژيو ضررونه په مکمل ډول تشریح کړي دي . دا ویلای شو چې دا څېړنه په دغې برخه کې نسبت نورو څېړنو ته نوي او کامله ده .

د څېړنې میتود

هره څېړنه ترسره کول ځانګړی میتود او تګلاره لري چې په واسطه هر څېړونکی خپله لیکنه او څېړنه ترتیب او تنظیم وي . ما هم د نوي کیدونکي انرژۍ په وسیله د صنعت چټکتیا او د مصرف

نامزدپوهنځی شکرالله نوری

مخنیوی تر سرلیک لاندې د څیړنې لپاره له کتابونو، انټرنیټ او معتبرو سایټونو څخه استفاده کړي همدارنگه د څیړنې د ښه وضاحت لپاره مې له مختلط (کمي او کيفي) میتود څخه استفاده کړې د نوي کیدونکي انرژۍ د پرمختګ په برخه کې مې له ځینو هیوادونو لکه امریکا، چین او هند څخه یادونه کړې، په دغې څیړنه کې معلومات د مشاهدې په وسیله راټول شوي .

موندنې

نوي کیدونکي انرژي

پاکه انرژي هغه سرچینه ده چې نه ختمیدونکي وي لکه باد، اوبه او بایوماس انرژي .

(Wasi Web. (n.d)

د پاکې انرژي وړ تکنالوژي د انرژۍ پاکې سرچینې ګڼل کيږي د دې سرچینو غوره کول د چاپیریال اغیزې کموي. سولر، اوبو هیټر ، د پخلي پخولو اصلاح شوي بخاری د پاکې انرژۍ بیلګې دي.

(کوشک ، ، پښور . ۲۰۱۱ ، ص ۱۵۱۳-۱۵۲۴) .

د (IEA) یا د انرژۍ د نړیوالې ادارې څېړنه ښيي چې په ۲۰۵۰ م کال کې لمریزه انرژي د نړۍ د انرژۍ شاوخوا ۴۵٪ ضرورتونه پوره کولای شي. (سیدور او سیدور . (۲۰۱۱ ، ص ۱۷۷۷-۱۷۹۰) .

پاکه انرژي کولي شي د ټولې نړۍ د انرژۍ غوښتنې ۲۰ برخه چمتو کړي چې د شین کوریزه گازونو (GHG) گازونو په کمولو کې مرسته کوي .

(United Nations Dpartment of Economic and Social Affairs , 2017)

ډیری هیوادونو د پاکیدونکو انرژيو په سرچینو کې پانګونه پیل کړې په ۲۰۱۵ کال کې د پانګې اچونې اندازه ۲۸۶ ملیارده ډالره وه او مهم سکتورونه یې بایوتیل، لمریزه بریښنا او د اوبو بریښنا وه.

. Byju s., (n.d.a)

(LUT) یا د فنلنډ د لایپنرانتا لاهتي تکنالوژۍ پوهنتون یوه څیړنه چې د فنلنډ د انرژۍ د څار ګروپ سره په ملګرتیا کې ترسره شوې دا په ګوته کوي چې په ۲۰۵۰ م کال کې به د ښوونوګازونو اخراج صفر کچې ته ورسېږي چې ۱۰۰٪ نوی کیدونکي انرژۍ څخه به کار واخېستل شي د نویو کیدونکو انرژيو په دغه برخه کې ۱۸٪ د باد، ۶۹٪ لمریزه، ۶٪ بایوماس، ۳٪ هایډروبريښنا او ۲٪ جیوترمل انرژي شامله ده. (Inspire Clean Energy, n.d. b)

په صنعت کې نوي کیدونکي انرژي کارول

په صنعت کې نوي کیدونکي انرژي په چټکۍ سره وده کوي، پاکيدونکي سرچينې د صنعتي انرژۍ کارونې ۹٪ برخه جوړوي، پاکه انرژي د تکنالوژۍ پرمختګ، د مصارفو په کمولو، د ضرورتونو په پوره کولو او د چاپيريال د ساتنې لپاره کارول کيږي. (Berndes et al., 2003)
(IRENA) د نوي کیدونکي انرژۍ نړيواله اداره ده د دې ادارې موخه دا ده چې د انرژۍ موجوديت، اقتصادي ودې، د انرژۍ امنيت او چاپيريال د ساتنې لپاره په ټوله نړۍ کې د پاکې انرژۍ د کارولو وده چټکه کړي. (کوردر، & ډی. (۲۰۱۲)، ص ۳۲-۴۴).
د نويو کیدونکو انرژيو کارول په اقتصادي ګټو او د انرژۍ په ساتنه کې مهم رول لري.
(Byju's.(n.d.a).

پاکه انرژي د ټولو اړوندو مصارفو کمښت په دوامدار ډول کموي او د فوسيل سوخيدونکو لکه د بروسکاره او ګاز په اړه د پوهاوي زياتوالی د اقليم بدلون کمولو کې مرسته کوي.
(Inspire Clean Energy, n.d. b)

لمريزه برېښنا په پراخه ډول د مخابراتو، کرنې، د اوبو پاکولو او د ودانيو په صنعت کې د څراغونو، پمپونو، انجنونو، يخچالونو او د اوبو ګرمو لپاره کارول کيږي. د سولر حرارت د صنعت په برخه کې ډير شهرت ترلاسه کړي. د سولر تودوخه څخه کيدای شي د برېښنا توليد، کيمياوي موادو توليد او حتی د کورنو د تودوخې لپاره کار واخيستل شي.
(سيدور او سيدور. ۲۰۱۱، ۱۷۷۷-۱۷۹۰)

د ملګرو ملتونو سازمان د پاکو انرژيو په ځانګړې توګه د لمريزې تودوخې د پراختيا او کارونې په برخه کې فعاليت کوي. د انرژي او موادو لپاره د بانس فيلډ سټاک (د صنعت په برخه کې خامو مواد) په اړه مختلفې پروژو توافق شته.
(کوردر، & ډی. (۲۰۱۲)، ص ۳۲-۴۴).

د نوي کیدونکو انرژيو په کارولو سره د مصرفونو په برخه کې کموالی
نوي کیدونکي انرژۍ په وروستيو کلونو کې په چټکۍ سره پراختيا موندلې. نرخونه يې ارزانه کيږي، ډيرو دولتونو او خصوصي سوداګرو پکې پانګونه اچونه کړي. د نوي کیدونکي انرژي کارولو دا زياتوالی به دوام پيدا کړي. اوس نړۍ 26% برېښنا د پاکو سرچينو څخه ترلاسه کوي. تر 2024 م کال پورې بايد دا شمېره 30% پورې لوړه شي چې دغه زياتوالی به د باد او لمريزې برېښنا د زياتوالي

له آمله وي. دوه اصلي احصايې چې تر 2024 م کال پورې به د پاکې انرژي په کارولو کې دوام داره او مهم رول ولوبوي، په لاندې ډول دي .

۱، لمريزه برېښنا به په کمو لگښتونو کې دوامداره شي او اټکل کيږي چې په لويه پيمانه لمريزې پروژې د نصبولو پورې اړوند لگښتونه به د 2024 م کال څخه مخکې 35% کم شي

۲، د ساحل باد انرژي ظرفيت ټاکل کيږي چې څومره به ډير شي تر 2024 م کال پورې 57% د چين، متحده ايالاتو او اروپايي اتحاديې ځيني غړي هيوادونه څخه تمه کيږي چې په راتلونکو څو کلونو کې به د باد انرژي ظرفيت دوه برابره لوړ کړي . (Inspire Clean Energy, n.d. b)

انرژي د ټولنيز او اقتصادي پرمختگ لپاره يوه مهمه سرچنه ده. د کرنيزو، صنعتي او کورنيو فعاليتونو د زياتوالي په پايله کې د انرژۍ غوښتنه ډيره زياته شوې چې دا د شين کوريزه گازونو د خارجولو په برخه کې د چټکې ودې او د سونگ توکو په بيه کې د زياتوالي معنی لري. دا اړتيا د پاکو انرژيو سرچينو ته د اغيزمنې گټې اخېستې اجازه ورکوي.

(راول ، فرانسیسکو ، اونور، ۲۰۱۱ ، ، ۱۷۵۳ – ۱۷۶۶).

د نويو او عصري تکنالوژيو رول کولای شي د نن ورځې د نفوسو د مهمو ستونزو د حل لپاره خورا گټور تمام شي او د دوامداره راتلونکي لپاره يو ښه اساس جوړوي .

(جلالي ، نيژيتيچ ، &اونور ، ۲۰۱۹ ، سيپټمبر ۱۰) ، ۵۶۵ - ۵۹۱)

غيرنوي کيدونکي انرژي

هغه سرچينه ده چې ختميدونکي وي لکه ډبروسکاره، تيل، نفت او طبعي گاز. فوسيل سوخيدونکي مواد لکه ډبروسکاره، نفت او طبعي گاز نه يوازې د نوي کولو وړ نه دي، بلکې دوی دايکوسيستم ته هم زيان رسوي او د اقليم په بدلون کې لوی لاس لري . فوسيل سوخيدونکي هغه هواککړوي چې موږ يې تنفس کوو. د اقليم بلون لامل کيږي د توليد لپاره خطرناک دي او د ځنگلونو د ژوند وژنې لامل کيږي . (Inspire Clean Energy, n.d. b) .

په تير ۵۰۰ کالونو کې انسانانو په زياتيدونکي توگه ناپاکه انرژيو ته مخه کړې وه، لکه ډبروسکاره او گاز چې اوس يې پر ځای له پاکو انرژيو څخه کار اخيستل کيږي. ناپاکه انرژي يوازې په محدود مقدار شتون لري. ناپاکه سرچينې په عمومي ډول د نړۍ په ځانگړو برخو کې موندل کيږي چې په ځينو هيوادونو کې ډيرې وي او په ځينو کې لږې وي خو برعکس لمر او باد چې پاکې سرچينې دي هر هيواد ورته لاس رسي لري. (NRDC, n. d.))

نامزدپوهنپار شكرالله نورى

- د يوې مطالعې له مخې چې د امپيريل كالچ لندن او د انرژي نړيوالې ادارې له خوا ترسره شوې ، د نوي كيدونكي انرژي پانگه اچونه په متحده ايالاتو ، انگلستان او اروپا كې د فوسيل تيلو په پرتله خورا ښه عايد وړاندې كوي . (Inspire Clean Energy, n.d. b) .
- په افغانستان كې ۱۵-۱۰٪ خلك دايمي بريښنا ته لاسرسى لري چې د نړۍ د هيوادونو په منځ كې دلاسرسي تر ټولو ټيټه كچه ده . (سيد ميثم ، اونور . (۲۰۱۷ ، سپټمبر ۱۴۴۰ - ۱۴۶۰) .
- په افغانستان كې د اوږدو جگړو او د دې هيواد د انرژۍ په سكتور كې د زيربناوو د ساتنې د نشتوالي له امله د كيروسين او ډيزل جنراتور ډير مصرف له سببه دې ته ضرورت دى چې په افغانستان كې د نوي كيدونكي انرژۍ په برخه كې پانگه اچونه وشي او نوي كيدونكي انرژي د خلكو د ژوند ښه كولو سربيره اقتصادي پرمختگ راولي . (The Kabul Times , 2024) .
- غير نوي كيدونكي انرژي لرغونې ده او د حيواناتو او نباتاتو له فوسيل څخه منځ ته راځي او ميلونونو كلونو وخت ته ضرورت لري د اوږدې مودې لپاره دوامداره يا نوي كيدونكي نه گڼل كيږي (Inspire Clean Energy, n.d. b) .
- فوسيلي سوځيدونكي توکي لکه ډيزل ، پترول كله چې د انرژۍ د توليد لپاره وسوځول شي ، دكاربن ډاى اكسايد د اخراج لامل كيږي . (n.d.) . (Clmate Chang
- نويو كيدونكو انرژيو گټې
- د اعتبارامنيت او انعطاف لوړول
 - د کارپيداکول
 - د هوا ککړتيا کمول
 - وړتيا زياتوالی
 - پراخه امکاناتو شتون
 - د انرژۍ د خپلواکۍ زياتوالی
 - جامع کيدل
 - د انرژي کم لگښت
 - د لږو پرتو سيمو لپاره دانرژي پراخول
- (Drink 2025, January 9) .

د نوي کیدونکي انرژي په برخه کې پرمختګ

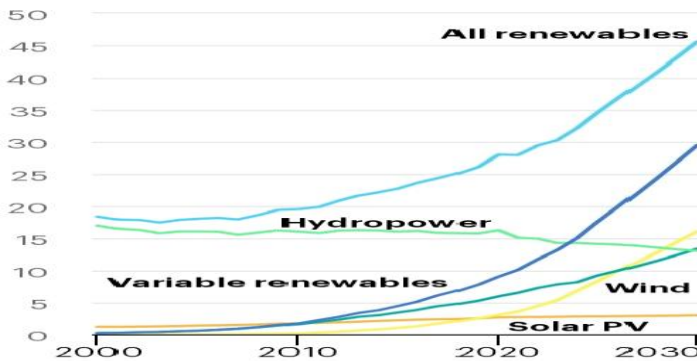
د هند حکومت تر ۲۰۲۲ کال پورې ۱۷۵ گیگا واټه بریښنا د نوي کیدونکي انرژۍ هدف ټاکلی چې په کې ۶۰٪ گیگا واټه باد او ۱۰۰٪ گیگا واټه لمريزه بریښنا شامله ده. تر ۲۰۲۷ کال پورې به دغه هدف د هند حکومت ۲۲۷ گیگا واټه پورې لوړ کړي. له ۳۰۰۰ څخه ډیرې آسانتیاوي په متحده ایالاتو کې د نوي کیدونکي انرژۍ د تولید لپاره شتون لري. (United Nations Department of Economic and Social Affairs , 2017).

د سویډن د حکومت هدف د اډی چې تر ۲۰۴۰ کال پورې ۱۰۰٪ د نوي کیدونکي بریښنا تولید ولري. (ژونګ ، بولین ، & سارانو ، ۲۰۲۱ ، ص ۸۱۲-۸۲۴).

د چاپیریال د اغیزو په اړه د CFC اخراج ، نایتروجن اکسایدونه او کاربن ډای اکساید د پوهې زیاتوالی ، د چاپیریال د دوستانه ساتلو او د تکنالوژۍ د تودوخې په برخه کې هڅونه رامنځ ته کوي. د ۱۹۹۷ کال مونټریال پروتوکول لاندې حکومتونو موافقه وکړه چې د یخچالونو په توګه کارول شوي کیمیاوي توکي په پرله پسې ډول له منځه یوسي چې د سټراتوسفیر او اوزون د ویجاړولو وړتیا لري. له همدې امله د انرژۍ مصرف کول او د نړۍ د انرژۍ زیرمو کمښت د چاپیریال د ککړتیا د کمولو په برخه کې یو هدف دی. (مصطفى عمر ، ع . ۲۰۰۸ ، ص ۲۲۶۵-۲۳۰۰).

دودیزو سوځیدونکو توکي لکه ډبرو سکاره ، او طبعي ګاز په ځای د پاکې انرژۍ څخه استفاده د چاپیریال شرایطو ښه کولو کې مرسته کوي . چې د هوا ککړتیا یا شنو خونو ګازونو په کمولو کې رول لري . ډیری هیوادونو په سټراتیژیک پلانونو کې د اقتصادي ، ټولنیز او صنعتي اندازه کوونکو په اړه د دوام داره پرمختګ د همدغه هیوادونو د انرژيو د پالیسیو له خوا بې ملاتړ کيږي . د نوي کیدونکي انرژۍ پورې اړوند نوي فعاله تکنالوژي به د چاپیریال د لګښتونو په کمولو کې مرسته وکړي او په دې توګه د انرژي سیستمونه به د چاپیریالي ستونزو پرته په خوندي او اقتصادي توګه پرمخ وړل کيږي. (سلوارلی ، سالوارلی ۲۰۲۰).

په لومړۍ پېړۍ کې جیوپولیتیکل پېښې د انرژۍ امنیت راوړي او د سیاسي خبرو په سر کې نوي کیدونکي انرژي او هڅونه یې چمتو کړې ده . (Qubeissi, et al . 2020)



(۱-گراف) پورته گراف د نوي کيدونکي انرژي پرمختگ کې چټکتيا ښيي.

د نوي کيدونکي انرژيو سرچينو ډولونه

1. لمريزه انرژي

هغه انرژي ده چې د لمر څخه په يوساعت کې د فصلونو کرلو، گرم پاتې کيدو او وچو خوړو لپاره ځمکې ته راښکته کيږي. د لمر وړانگې او تودوخه د چاپيريال له خوا په ډيرو لارو بدليري او جذب کيږي. دغه انرژي هرڅوک په هرکال کې کاروي. لمريزې انرژۍ څخه د اوبو په گرمولو او برېښنايي وسايو کې کار اخيستل کيږي. (NRDC, n. d.).

لمر د ټولو انرژيو سرچينه ده. د لمريزې انرژۍ لومړني ډولونه تودوخه او رڼا ده. (کوشک ، پنوار . ۲۰۱۱ ، ص ۱۵۲۴-۱۵۱۳).

لمريزه انرژي د انرژۍ د ټولو سرچينو څخه تر ټولو زياته ده او حتی په وريځ هوا کې هم ترې گټه اخيستل کيږي. په هغه کچه چې د ځمکې له خوا د لمريزې انرژۍ مخه نيول کيږي او انسانان يې مصرفوي، د مصرف له کچې څخه شاوخوا ۱۰۰۰۰ ځله زياته ده. لمريزه برېښنا د تودوخې، يخولو، طبيعي رڼا، برېښنا، سونگ توکو او نورو ډيرو کارونو لپاره کارولې شو. لمريزه ټکنالوژي، فوتولتيک تختې چې لمر وړانگې ورباندې تمرکز کوي ، د لمر وړانگې په برېښنايي انرژۍ بدلوي.

(Climate Chang .(n.d.)

همدارنگه د افغانستان په ځېنو ولايتونو لکه بلخ او هرات کې لمريزه برېښنا د دې قابليت لري چې په کورنيو توليدي فابريکو او د وارداتو په ټولو ډولونو فشار را کم کړي.

(The Kabul Times , 2024)

2. باد انرژي

د چټک باد په سرعت سره توربینونه په حرکت راځي او بریښنا تولیدوي. باد د امریکا د بریښنا تولید ۹,۲ سلنه جوړوي د باد بریښنا په غوره ایالتونو لکه: کالیفورنیا، آیوا، کنساس، کلاهما او تیکساس کې شته. د انرژۍ تر ټولو آسانه سرچینه شمیرل کیږي. باد انرژي د هوا له حرکت کولو سره لوی بادي توربینونو چې په ځمکه، سمندر یا تازه اوبو کې موقعیت لري په حرکت راولي او انرژي تولیدوي. (NRDC, n. d.).

باد انرژي له زرگونو کالونو راهیسې کارول کیږي. ساحلي باد انرژي او تکنالوژۍ په څو وروستیو کالونو کې د تولید شوې بریښنا اعظمي کولو لپاره پراخه وده کړي. د لویو توربینونو او روتر قطرونو سره د باد اوسط سرعت د موقعیت له مخې د پام وړ توپیر لري. د باد انرژۍ لپاره د نړۍ تخنیکي ظرفیت د نړیوال بریښنا تولید څخه ډیر دی او د نړۍ په ډېرو سیمو کې د باد انرژي پام وړ ځای په ځای کولو لپاره کافي ظرفیت شتون لري. د نړۍ ډیرې برخې د بادونو قوي سرعت لري، مگر د باد بریښنا تولید لپاره غوره ځایونه لرې پرتې سیمې وي. د ساحل باد بریښنا لوړ ظرفیت لري. باد د توربین تیغونه گرځوي، د بریښنا جنراتور ته تعذیه ورکوي او بریښنا منځ ته راځي. (Climate Chang. (n.d.).

3. اوبو بریښنا

هایدروپاور د اوبو په قدرت پورې اړه لري، په مشخص ډول په لوی سیند کې ګرندۍ اوبه له لوړې نقطې څخه راښکته کیږي او جنراتور توربین بلیډونو په ګرځولو سره د اوبو ځواک په بریښنا بدلوي. (NRDC, n. d.).

4. بایوماس انرژي

هغه عضوي مواد دي چې د نباتاتو او څارویو څخه په لاس راځي، فصلونه، فاضله لږګې او ونې په کې شاملې دي. بایوماس سوځول کیږي بیا کیمیاوي انرژي د تودوخې په شکل خوشي کوي او کولال شي د بخارتوربین په سبب بریښنا تولید کړي. بایوماس په سمو شرایطو کې ټیټ کاربن تولیدوي. (NRDC, n. d.).

5. جیوترمل انرژي

د ځمکې مرکزي برخه د لمر د سطحې په څیرګرمه ده. د ژورو ځاګانو کیندل د ځمکې لاندې ډیرې ګرمې اوبه سطحې ته راوړي چې بیا د بریښنا د رامنځ ته کولو لپاره د توربین په وسیله پمپ

کیري . جیوترمل یا جیو اکسپنچ پمپونه د ځمکې دوامداره تودوخې لپاره کارول کیري. د ځمکې د سطحې څخه یو فوټ لاندې په دویمې کې کورونه یخوي او په ژمي کې کورونه گرموي. NRDC, (n. d.) .

جیوترمل انرژي معمولاً لږه اندازه تودوخه بېرته خارجوي ځکه دغه تودوخه بېرته چاپیریال ته ځي. په ځمکه کې د اوبو گرمي چينې جیوترمل انرژي لري. د ځمکې مرکزي برخه د لمر د سطحې په څیر گرمه ده، علت یې دا دی چې د سیارې په مرکزي برخو کې ډېرې د رادیو اکتیف ذرات په سبب ورو ورو تخریب کیري. د ژورو څاگانو کیندل د جیوترمل سرچینې په توگه د ځمکې لاندې ډیرې گرمي اوبه سطحې ته راوړي. (NRDC, n. d.) .

6. سمندري انرژي

سمندري انرژي د هایدروکنتیک انرژي په نوم هم یادیري. د نوي کیدونکي بریښنا سرچینه ده. په دې برخه کې د اوبو له طبیعي حرکت لکه د اوبو موجونه، څپو او بحري جریان څخه کار اخېستل کیري. د سمندري انرژي د کارولو فرصتونه ډیر دي. په متحده ایالاتو کې د سمندري انرژي ټولو موجودو سرچینو په ۲۰۱۹ م کال کې د دې هیواد د ټولې بریښنا ۵۷٪ سره مساوي وه. د امریکا متحده ایالاتو ۵۰٪ نفوس د سمندري انرژي څخه استفاده کوي .

(U.S.Department of Energy , n. d.) .

د نویو کیدونکو انرژيو احتمالي منفي چاپیریالي اغیزې

د اوبو بریښنا یوه پخوانۍ تکنالوژي ده چې د نسلونو لپاره کارول کیري. د اوبو بریښنا اصلي پایلې د ابې ژوند د استوگنې گډوډۍ، د پیل گران لگښتونه، احتمالي سیلابونه او د انسانانو د مهاجرت سبب کیري. لمریز فارمونه ډیرې ځمکې نیسي د دښتو په څیر یې په غیرمطلوبه ځمکو بدلوي. جیوترمل انرژي د خلاص لوپ سیستمونو له لارې کاربن ډای اکساید او میتان خارجوي چې نړیوالې تودوخې سره مرسته کوي. خو د تړل شوي لوپ سیستمونو له لارې چاپیریال ته نه خوشي کیري. (Inspire Clean Energy, n.d.a) .

همدارنگه د اوبو بریښنا کولي شي ایکو سیستمونه بدل کړي او په ځنگلي ژوند او خلکو باندې

منفي اغیزه وکړي. همدارنگه هغه حیوانات چې په اوبو کې ژوند کوي لکه کبان د هغو ژوند هم د

خطر سره مخ کیري. بایوماس په لږه اندازه د چاپیریال د ککړتیا سبب کیري. باد انرژي د ژوندیو

موجوداتو په مهاجرت کې اغیزه کوي. (Alt Energy Mag. (2015, August)) .

- د نویو کیدونکو انرژيو د پرمختګ په برخه کې ځېني ستونزې شتون لري .
- د نصبولو لوړ ابتدايي لګښت: په لویه کچه دلمریزې بریښنا د سیستمونو د نصبولو لګښت په هر کیلو واټ 2000 \$ دی .
 - د زیربنا نه موجودیت: د لمر او باد انرژي په وړاندې د زیربنا نه موجودیت د پاکې انرژۍ د پراختیا لپاره خنډ دی .
 - د بریښنا ذخیره: د پاکو انرژيو سرچینو له خوا په دوامداره توګه د بریښنا تولید د بیترۍ د ذخیره کولو اغیزمن سیستم ته ضرورت لري. بیترۍ د اضافه انرژۍ په ذخیره کولو کې مرسته کوي. پاکه انرژي د لمر او باد په مقابل کې لږ عمر لري .
 - د ناپاکه انرژۍ انحصار: نوي کیدونکي انرژي باید د فوسیل تیلو انرژي سره سیالي وکړي او د ټولو خلکو ضرورتونه پوره کړي.
 - د پوهې او پوهاوي نه موجودیت: د پاکې انرژۍ په اړه د معلوماتونه موجودیت خلک د دې انرژۍ کارولو ته زړه نه وي.
 - پالیسیونه موجودیت: د پالیسیو ، هڅونې او مقرراتو نه موجودیت د نوي کیدونکي انرژي د خنډ سبب ګرځي .
- (Regen Power. n.d.).
- د ناپاکه سرچینو زیانونه
- ناپاکه انرژۍ لوی زیان په چاپیریال باندې دی. ناپاکه انرژي لکه ډبرو سکاره ، تیل او طبیعي ګاز چې کله وسوځول شي ، د کاربن ډای اکساید خطرناکه ګاز په زیاته اندازه خپروي چې د نړیوالې تودوخې لامل کیږي . (Inspire Clean Energy, n.d. b).
- ډیرې ناپاکه انرژۍ سرچینې کولای شي چاپیریال یا د انسان روغتیا له خطر سره مخ کړي. د مثال په توګه د تیلو کیندلو لپاره د کاناډا د بوریل ځنګلونو پټې کان کیندنې ته ضرورت دی. امکان لري د ځمکې په لاندې برخه کې ډبرو په ټوټه کولو سره تېلی تکنالوژي زلزلې او د اوبو ککړتیا رامنځ ته کوي او د ډبرو سکرو د بریښنا فابریکې هوا ککړوي چې دا ټول فعالیتونه له نړیوالې تودوخې سره مرسته کوي . (NRDC, n. d.)

د نوي كيدونكو او غير نوي كيدونكو سرچينو تر منځ فرق
(1-جدول): په دغه جدول كې د نوي كيدونكي او غيرنوي كيدونكې سرچينو ترمنځ توپيرواضح شوى دى .

نوي كيدونكي سرچينې	غيرنوي كيدونكي سرچينې
نوي كيدونكي سرچينې د نا محدودو سرچينو څخه په لاس راځي لكه لمر ، اوبه ، باد....	غيرنوي كيدونكي سرچينو د محدودو سرچينو څخه په لاس راځي لكه ډبرو سكاره ، نفت ، طبعي گاز..
نوي كيدونكي انرژي د كاربن ټيټ اخراج لري	اوغیرنوي كيدونكي انرژي د كاربن لوړ اخراج لري
نوي كيدونكي انرژي د وخت په تيريدو له منځه نه ځي .	غيرنوي كيدونكي انرژي د وخت په تيريدو له منځه ځي .
د نوي كيدونكي انرژي زيربنا ډيره گرانه ده اوپه ډيرو هيوادونو كې په آسانۍ نه ترلاسه كيږي .	د غيرنوي كيدونكي انرژي زيربنا ارزانه ده او په آسانۍ ترلاسه كيږي .
نوي كيدونكي انرژي ډيرې ځمكې ته اړتيا لري .	غيرنوي كيدونكي انرژي لږې ځمكې ته اړتيا لري .
نوي كيدونكي انرژي پاكه ده .	غيرنوي كيدونكي انرژي نا پاكه ده .
نوي كيدونكي انرژي سمدلاسه منځ ته راځي .	غيرنوي كيدونكي انرژي جوړولو او پراختيا لپاره ميلونونوكلونو ته ضرورت لري .

(Byju's.(n.d.b)

د څيړنې بحث

د نويو كيدونكو انرژيو په برخه د كاربن اخراج كمولو په احتمال باندې بحث شوى چې په ناپاكه انرژۍ تكيه كمه شي همدرننگه د ناپاكه انرژيو څخه كار اخيستل د نوي كيدونسكو انرژيو په وړاندې د خنډ سبب گرځي ځكه چې ناپاكه انرژۍ د چاپيريال تودوخه لوړوي او په اتومسفير كې د شيشه يې ديوال په څير عمل كوي او د لمريزې انرژي مخه نيسي . داسې احتمال شته چې 2050 م كال پورې بايد د كاربن اخراج صفر كچې ته ورسيري او نوي كيدونكو انرژيو څخه 100% كار واخيستل شي .

پاکه انرژي کولای شي د ټولې نړۍ د انرژي غوښتنې^۲ برخه چمتو کړي چې دا د شنو خونو گازونو د اخراج په کمولو کې مرسته کوي. د هند حکومت تر 2022 م کال پورې 175 گیگاواټه د پاکې انرژي هدف ټاکلي چې په کې 60% گیګیا واټه د باد او 100% گیګیا واټه لمريزه بریښنا شامله ده. د هند حکومت دغه هدف تر 2027 م کال پورې 227 گیګا واټه پورې رسوي. همدارنګه د امریکا متحده ایلاتو د انرژي وزارت 17 ملي لابراتوارونه کې څېړنه کوي تر څو بازار ته پاکه انرژي وړاندې کړي. په دې مقاله کې د پاکې انرژي په موثریت هم بحث شوي. پاکه انرژي په روزمره ژوند کې ډیر زیات ارزښت لري ځکه د انسانانو روغتیا، ژوندیو موجوداتو ژوند او د مصارفو کمښت د پاکې انرژي پورې تړلی دی. پاکه انرژي د تکنالوژۍ پرمختګ، د مصارفو کمولو، د اکمالاتو امنیت او چاپیریالي انډینښنو له خوا پرمخ وړل کېږي. پاکه انرژي او د هغې ډولونو په هکله په ځینو مقالو او کتابونو کې یادونې شوي دي چې پاکې انرژي په باره کې معلومات پکې په لنډ ډول تشریح شوي. زه بیا هم یادونه کوم چې زما په څېړنه کې د دغو مقالو او کتابونو په وړاندې نوي والی دا دی چې ما په دې څېړنه کې پاکه انرژي، د هغې ډولونه، په صنعت کې د پاکې انرژي اهمیت، پاکې انرژيو د پرمختګ په برخه کې ستونزې، ناپاکه انرژي، ناپاکې انرژيو ضررونه په مکمل ډول تشریح کړي دي. د دغې څېړنې په ترسره کولو کې یو شمیر محدودیتونه موجود وو ځکه نوي معلومات پیدا کول ډیرې مطالعې، ډیر وخت او ډیرې عصري تکنالوژۍ ته ضرورت لري د دې تر څنګ په پښتو ژبه کې معلومات کم دي. ما وغوښتل چې په دې برخه کې څېړنه وکړم او کومې ستونزې چې په دې برخه کې موجودې دي تر یو حده پورې یې حل کړم.

پایله

د دې څېړنې په پایله کې دا څرګنده شوه چې پاکه انرژي نسبت ناپاکه انرژيو ته ډیره د اهمیت وړ ده او راتلونکو نسلونو ته خورا ګټوره تماميږي. د هوا ککړتیا په کمولو کې لویې اغیز لري. په اوس وخت کې دا ممکن ده چې ناپاکه انرژي د پاکې انرژيو په سرچینو بدلې شي. د افغانستان په شمول په ټوله نړۍ کې د ناپاکه انرژيو په برخه کې پانګونه لنډ مهاله عایدلري. د اوسنیو او راتلونکو انساني نسلونو اوږد مهاله عاید، د وګړو عصري او پرمخ تللی ژوند، د چاپیریال ساتنه، په چاپیریال کې د حیواني نسلونو ساتنه، د نباتاتو ژوند ژغورنه او لوړ اقتصادي پرمختګ یوازې او یوازې په نوي کیدونکي انرژي پورې تړلی دی. که اوسني حالت ته وګورو ورځ تر بلې د پاکې انرژي څخه د کار اخېستلو ګراف لوړیږي.

وړانديزونه

- (1) د پاكي انرژى په برخه كې خلكو ته عامه پوهاوي وركړل شي .
- (2) صنعتي انقلاب مربوط كوم كنفرانس چې په البيرونى پوهنتون كې دايريږي بايد په دې برخه كې ډير تمرکز په پاكو سرچينو باندې وي .
- (3) د پوهنتون استادان او څيړونكي بايد ډيرې څيړنې د پاكو سرچينو په برخه كې وكړي خو دغه برخه د معلوماتو د طريقه نوره هم غني شي .
- (4) د افغانستان په شمول په ټوله نړۍ كې د پاكو انرژيو د استعمال په برخه كې ډير كار د لمريزې او بادي انرژۍ څخه واخيستل شي ځكه دا د شنو خونو گازونو كم اخراج رامنځ ته كوي .
- (5) د نړۍ هيوادونه د پاكو انرژيو په برخه كې كافي امكانات برابر كړي خو د ټولنې وگړي ورته لاسرسي ولري ځكه پاكه انرژي كم مصرف لري .

ماخذونه

جلالي، ن، نیژیتیتچ، س، اونور، (۲۰۱۹)، سپټمبر ۱۰، د انرژۍ موثریت د ودې د دوامداره سرچینو کارولو او د ضایعاتو مدیریت لپاره سمارټ ټکنالوژي. د محصول دپاکوالي ژورنال، ۲۳۱، ۵۶۵-

۵۹۱

راول، ب، فرانسیسکو، م، اونور، (۲۰۱۱) د اصلاح کولومیتودونه د نوي کیدونکي او دوامداره انرژي لپاره پلي شوي: یوه بیا کتنه. دنوي کیدونکي او پایښت وړ انرژي بیا کتنې، ۱۵ (۴)،

۱۷۵۳-۱۷۶۶

ژونګ، ج، بولین، ر، & سارانو، ب. (۲۰۲۱). په سویډن کې ۱۰۰٪ نوي کیدونکي انرژۍ بریښنا تولید سیستم په لور. دنوي کیدونکي انرژي ژورنال، ۱۷۱، ۸۱۲-۸۲۴.

سعد، ج. (۲۰۱۳، جولای)، د باد د انرژۍ د چاپیریال اغیزې. د پاکې انرژۍ د ټکنالوژۍ ژورنال. ۹ (۱)

سلوارلی، م. س. سالوارلی، ح. (۲۰۲۰). د دوامداره پرمختګ لپاره: د نوي کیدونکي انرژۍ او وړ ټکنالوژيو په برخه کې راتلونکي رجحانات، د نوي کیدونکي انرژۍ سرچینې، ننگونې او غوښتنلیکونه

سید میثم، خ، اونور. (۲۰۱۷، سپټمبر). دنوي کیدونکي او دوامداره انرژي په لور د افغانستان د رجحاناتو یوه لنډه کتنه، دنوي کیدونکي او دوامداره انرژۍ بیا کتنې، ۷۶، ۱۴۶۰-۱۴۴۰

(سیدور، ر، سیدور، ا. (۲۰۱۱) په صنعتونو کې د لمړیزې انرژۍ کارولو په اړه بیا کتنه، دنوي کیدونکي او پایښت وړ انرژۍ بیا کتنې، ۱۵ (۴)، ۱۷۷۷-۱۷۹۰

کوردر، ج، بی سی، م، & ډی، گ. (۲۰۱۲). د منرالونو په صنعت کې د نوي کیدونکي انرژۍ د نړیوال ظرفیت بیا کتنه. د پاکوونکي تولید ژورنال، ۳۲، ۴۴-۳۲

کوشک، س، پنوار. (۲۰۱۱)، د چاپیریال ساتنه کې د نوي کیدونکي انرژۍ سرچینو رول: بیا کتنه، دنوي کیدونکي او پایښت وړ انرژۍ بیا کتنې، ۱۵ (۳)، ۱۵۱۳-۱۵۲۴

مصطفی عمر، ع. (۲۰۰۸)، انرژي، چاپیریال او دوامداره پراختیا، دنوي کیدونکي او پایښت وړ انرژي بیا کتنې، ۱۲ (۹)، ۲۲۶۵-۲۳۰۰

Alt Energy Mag. (2015, August). The dark side of renewables on the environment. Alt Energy Mag.

- <https://www.Altenergy mag. Com / article / 2015 /08/ the -dark -side -of -renewables - on-the -environment / 20963/>
- AI- QUbeissi, M., El -Kharouf , A. , Soyhan, S.,& Hakan, H.(2020) , *Renewable energy* . London, uk : intechopen
- . Byju s. (n.d.b). *Difference between renewable and non- renewable resources*. Byju s.
- <https://byjus. com / biology / difference - between - renewable -and non - renewable – resources>
- Byju's.(n.d.a). Renewable energy. Byju's
- <https://byjus.com/physics/renewable-energy/>
- Berndes , G., et al. (2003) . The contribution of biomass in the future global energy system : A review of 17 studies. Biomass and Bioenergy
- Climate Chang .(n.d). What is renewable energy .Climate Change .
- <https://www. Un . org/ en /climatechange /what- is- renewable –energy>
- Drink , M . (2025, January 9) . Top 10 benefites of renewable energy . Energy Digital . <https://energydigital.com/top10/top-10-benefites-of-renewable-energy>
- Inspire Clean Energy. (n.d. a) Dose renewable energy cause pollution? Inspire Clean Energy
- <https://www. Inspirecleanenergy.com/blog / clean-energy-101/dose – renewable-energy- cause-pollution>
- Inspire Clean Energy. (n.d.b). Difference between renewable and non-renewable energy. Inspire Clean Energy
- <https://www.Inspirecleanenergy. com / blog / clean - enrgy -101 / difference - between -renewable - non -renewable -energy>
- NRDC. (n. d.). Stories: Renewable energy clean facts. Natural Resources Defense Council.Retrieved April 25, 2025,from
- <https://www.nrdc.org/stories/renewable- energy-clean -facts>
- Regen Power. (n.d.). What are the problems faced by renewable energy? Regen Power
- <https://regenpower.com/what- are- the -problems-faced-by-renewable-energy/>

The Kabul Times.(2024,January 26). *Time to invest in alternative sources of clean energy in Afghanistan*.The Kabul Times.

<https://the.kabul.times.com/time-to-invest-in-alternative-sources-of-clean-energy-in-afghanistan/>

United Nations Department of Economic and Social Affairs .(2017) .

Sustainable Development Goal 7: Ensure access to affordable ,reliable , sustainable and modern energy for all . UN DESA.

<https://sustainabledevelopment.un.org/sdg7>

Wasi Web. (n.d.). Title of the article. Wasi Web

<https://wasiweb.com/>

U.S.Department of Energy . (n. d.) Marine Energy Basics. Office of Energy Efficiency & Renewable Energy.

<https://www.energy.gov/eere/water/marine-energy-basics>

نگرش و رفتار شهروندان کابل نسبت به تکنالوژی های زیست محیطی نوین

نامزد پوهنپار رحیم ابراهیمی^{1*}، پوهنمل عبيدالله يوسفزی²، پوهنمل سمیع الله امان³

1. دیپارتمنت بیولوژی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

3. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: e.rahim896k@gmail.com

چکیده

تکنالوژی های زیست محیطی نوین مجموع از راه کارهای بنیادی برای کاهش اثرات منفی فعالیت های انسانی بر محیط زیست شناخته می شوند. تحقیق حاضر به نگرش و رفتار شهروندان شهر کابل نسبت به تکنالوژی های زیست محیطی نوین پرداخته که نقش ارزنده ای در بهبود کیفیت زندگی آن ها، کاهش اثرات آلودگی ها بر محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی ایفا می کنند، بناءً پذیرش تکنالوژی- های پایدار و توسعه آن ضروری می باشند. مطالعه حاضر با رویکرد کمی و روش توصیفی- تحلیلی براساس نظریه های (TPB) و (NEP)، در شهر کابل با جمعیت 5 میلیون نفر انجام گردید، برای گرد- آوری داده ها از پرسش نامه ای مطابق طیف لیکرت با حجم نمونه ای 384 نفر و نمونه گیری تصادفی استفاده گردید، داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار (SPSS) مورد تحلیل آماری و توصیفی قرار گرفت که آگاهی شهروندان نسبت به این تکنالوژی ها با میانگین (14.7) در حد متوسط ضعیف بود، شهروندان شهر کابل با میانگین (19.6) طرفدار رفتار مثبت نسبت به این تکنالوژی ها می باشند و هم چنان تأثیرات این تکنالوژی ها را با میانگین (19.5) مثبت می دانند برعلاوه حس مسئولیت پذیری شهروندان شهر کابل نسبت به این تکنالوژی ها با میانگین (19.4) نیز مثبت می باشد ولی نگرش شهروندان شهر کابل با میانگین (18.3) نسبت به این تکنالوژی ها در حد متوسط قوی بوده و از طرف دیگر موانع اقتصادی با میانگین (17.7) توسعه و پذیرش این تکنالوژی ها کند کرده است. در نتیجه نگرش و رفتار شهروندان شهر کابل نسبت به تکنالوژی های زیست محیطی نوین و تأثیرات آن مثبت بوده که با حس مسئولیت پذیری بیشتری همراه می باشد با این حال ضعف آگاهی، عدم دسترسی آسان شهروندان به این تکنالوژی ها و نبود زیرساخت ها در پذیرش و توسعه آن اثر منفی گذاشته است.

واژه های کلیدی: تکنالوژی زیست محیطی، نگرش، رفتار، شهروندان، کابل، NEP و TPB.

Attitudes and Behaviors of Kabul Citizens toward Modern Environmental Technologies

Teaching Assistant Rahim Ebrahimi^{1*}, Senior Teaching Assistant Ubaidullah Yousafzai², Senior Teaching Assistant Samiullah Aman³

1.2. Department of Biology, Faculty of Education, Alberoni University

3. Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University

* Corresponding Author Email: e.rahim896k@gmail.com

Abstract

Modern environmental technologies are considered a set of fundamental approaches aimed at reducing the negative effects of human activities on the environment. The present study focuses on the attitudes and behaviors of Kabul city residents toward modern environmental technologies, which play a significant role in improving their quality of life, reducing the impacts of pollution on the environment, and optimizing the use of natural resources. Therefore, the adoption and development of sustainable technologies is essential. This study, conducted with a quantitative approach and descriptive-analytical method based on the theories of TPB (Theory of Planned Behavior) and NEP (New Ecological Paradigm), was carried out in Kabul, a city with a population of 5 million. Data collection was done through a Likert-scale questionnaire with a sample size of 384 participants, selected via random sampling. The collected data were analyzed using SPSS software. The results showed that citizens' awareness of these technologies was relatively low, with an average score of 14.7. However, the residents demonstrated a positive behavior (mean score of 19.6) and recognized the positive impacts of these technologies (mean score of 19.5). Additionally, the sense of responsibility among Kabul citizens regarding these technologies was also positive (mean score of 19.4). Their overall attitude was moderately strong (mean score of 18.3). On the other hand, economic barriers (mean score of 17.7) have slowed down the development and adoption of these technologies. In conclusion, the attitudes and behaviors of Kabul citizens toward modern environmental technologies and their effects are generally positive and accompanied by a strong sense of responsibility. Nevertheless, the lack of awareness, limited access to these technologies, and inadequate infrastructure have negatively affected their adoption and development.

Keywords: Environmental technology, attitude, behavior, citizens, Kabul, NEP, TPB.

مقدمه

محيط زيست به تمام محيط اطلاق مي شود كه انسان به طور مستقيم به آن وابسته بوده و فرايندي است كه از زيستن حمايت مي كند (عصاره، عبدالرحمن، & شامبياتي، 2013). محيط زيست سالم ضامن سلامت كليۀ زيست مندان است و مقولۀ محيط زيست و حفاظت از آن مهم ترين دغدغۀ انسان معاصر مي باشد. رشد جمعيت و دستيابي به اختراعات و كشفیات جديد علمي كه او را به سوي صنعتي شدن رهنمون مي كند (غلامرضا & صديقه، 2018) از طرف ديگر نگرش محيط زيستي به عنوان يك چارچوب فكري تعريف مي شود كه شامل باورها و ارزش هاي فرد در بارۀ رابطه انسان با طبيعت است كه نقش مهم در حفاظت از محيط زيست بازي مي كند (Dunlap et al., 2000). بر علاوه رفتارهاي محيط زيستي مجموعه فعاليت هاي -كه به طور مستقيم و غير مستقيم بر محيط زيست تأثير مي -گذارد تعريف گرديده است (Stern, 2000). هم چنان رفتار محيط زيستي به عنوان هر گونه رفتاري تعريف مي شود كه به بهبود كيفيت محيط زيست كمك مي كند (Schultz, 2002; Steg & Vlek, 2009). تكنالوژي هاي محيط زيستي به مجموعه اي تكنالوژي ها و روش ها اطلاق مي شود كه براي كاهش تأثيرات منفي فعاليت هاي انساني بر محيط زيست، و توسعه پايدار طراحي شده اند. اين تكنالوژي ها شامل طيف گسترده اي از راه حل ها، از تصفيه آب و هوا تا مديريت پسماند و انرژي هاي تجديد پذير هستند (Kemp & Pearson, 2007; Esty & Porter, 2005). تكنالوژي هاي زيست محيطي نوبن به عنوان راه كارهاي اساسي براي كاهش اثرات منفي فعاليت هاي انساني بر محيط زيست شناخته مي شوند. اين تكنالوژي ها شامل استفاده از انرژي هاي تجديد پذير، مديريت پايدار پسماند، توسعه حمل و نقل و بهينه سازي پايدار منابع طبيعي است (Kollmuss & Agyeman, 2002). پذيرش و استفاده از اين تكنالوژي ها در شهرهاي بزرگ، از جمله كابل مي تواند نقش مهمي در بهبود كيفيت زندگي و كاهش آلودگي هاي زيست محيطي ايفا كند.

كابل به عنوان پايتخت افغانستان، يكي از شهرهاي پر جمعيت و در حال توسعه، با چالش هاي زيست محيطي متعددي از جمله آلودگي هوا، تخريب منابع طبيعي و مديريت نامناسب پسماند مواجه است (Ahmadi et al., 2022). با وجود پيشرفت هاي جهاني در حوزه تكنالوژي هاي محيط زيستي، ميزان پذيرش و استفاده از اين تكنالوژي ها در كابل هم چنان پايين است. نگرش شهروندان نسبت به تكنالوژي هاي محيط زيستي نوبن تحت تأثير عوامل مختلفي چون سطح آگاهي، باورها، و ارزش هاي فردي قرار دارد. مطالعات نشان مي دهند كه نگرش مثبت به پذيرش اين تكنالوژي ها مي تواند منجر به

پذیرش و استفاده گسترده‌تر از آن‌ها شود (Schultz, 2002). با این حال، در کابل کمبود آموزش و آگاهی عمومی در باره مزایای این تکنالوژی‌ها ممکن است مانع از شکل‌گیری نگرش مثبت شود. هم‌چنان رفتار شهروندان شامل اقدامات عملی مانند استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مشارکت در برنامه‌های بازیافت و حمایت از سیاست‌های زیست‌محیطی است. درحالی‌که موانع متعددی از جمله کمبود زیرساخت‌ها، هزینه‌های بالا، و نبود انگیزه‌های اقتصادی ممکن است باعث عدم رفتار مثبت شهروندان نسبت به این تکنالوژی‌ها گردد (Kollmuss & Agyeman, 2002). از این رو، شناخت نگرش و رفتار شهروندان کابل نسبت به این تکنالوژی‌ها، می‌تواند به طراحی راه‌کارهای مؤثر برای توسعه پایدار در این شهر کمک کند.

مطالعات نشان داده‌اند که پذیرش اجتماعی تکنالوژی‌های زیست‌محیطی تحت تأثیر عواملی مانند آگاهی عمومی، سطح تحصیلات، دسترسی به اطلاعات و سیاست‌های دولتی قرار دارد (Ajzen et al., 2011). و از سوی دیگر، سیاست‌های دولتی، حمایت‌های مالی و برنامه‌های آموزشی می‌توانند در تغییر رفتار شهروندان مؤثر باشند (Gifford, 2014). این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری کمک کند تا استراتژی‌های مؤثر برای تکنالوژی‌های زیست‌محیطی در کابل تدوین کنند. هم‌چنین، یافته‌های این تحقیق می‌توانند به افزایش آگاهی عمومی و تغییر نگرش شهروندان در راستای حفظ محیط زیست کمک نمایند.

این تحقیق با سوالات نگرش شهروندان کابل به تکنالوژی‌های زیست‌محیطی نوین چگونه می‌باشد، کدام عوامل می‌توانند روی رفتار شهروندان نسبت به تکنالوژی‌های زیست‌محیطی نوین تأثیر گذار باشد و راه‌کارهای که منجر به بهبود پذیرش این تکنالوژی‌ها گردد کدام‌ها اند روبه‌رو می‌باشد. هدف اصلی این تحقیق بررسی نگرش و رفتار شهروندان کابل راجع به تکنالوژی‌های زیست محیطی نوین بوده و هدف‌های فرعی چون تحلیل میزان آگاهی و پذیرش عمومی تکنالوژی‌های محیط زیستی در کابل، شناسایی عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر پذیرش این تکنالوژی‌ها و ارائه راه‌کارهای برای افزایش استفاده از تکنالوژی‌های پایدار محیط زیستی در شهر کابل را دنبال کرده و با استفاده از مدل‌های مانند نظریه رفتاری برنامه‌ریزی‌شده (Ajzen et al., 2011) و پارادایم زیست‌محیطی نوین (Dunlap et al., 2000) مورد بررسی قرار خواهد داد.

پيشينه تحقيق

تكنالوژي‌هاي زيست‌محيطي نوين مجموع از راه‌كارهاي پايدار هم‌چون؛ انرژي‌هاي تجديدپذير، مديريت پايدار پسماندها و حمل‌ونقل پايدار تعريف مي‌شود (Kollmuss & Agyeman, 2002). توسعه تكنالوژي‌هاي محيط‌زيستي در سال‌هاي اخير به‌عنوان راه‌كاري اساسي براي كاهش تخريب محيط‌زيست، آلودگي هوا و تغييرات اقليمي مطرح شده است (Steg & Vlek, 2009). با اين حال، پذيرش اين تكنالوژي‌ها در كشورهاي در حال توسعه با چالش‌هاي متعددي روبه‌رو است. تحقيقات زياد در زمينه پذيرش اين تكنالوژي‌ها انجام يافته است تا عوامل مؤثر براي توسعه اين تكنالوژي‌ها شناسايي گردد.

نظريه رفتار برنامه‌ريزي شده (Ajzen, 2011). توضيح مي‌دهد كه نگرش، هنجارهاي ذهني و كنترل رفتاري ادراك‌شده، تعيين كننده‌هاي اصلي پذيرش رفتارهاي زيست‌محيطي هستند. مطالعات نشان داده‌اند كه اين مدل مي‌تواند رفتارهاي پايدار را در جوامع مختلف توضيح دهد (Bamberg & Möser, 2007). و هم‌چنان مدل جديد زيست‌محيطي (Dunlap et al., 2000) بر اين باور است كه تغييرات در نگرش‌هاي انسان نسبت به طبيعت مي‌تواند تأثير مستقيمي بر رفتارهاي زيست‌محيطي داشته باشد. تحقيقات متعدد تأييد كرده‌اند كه جوامعي كه نمرات بالاتري در NEP دارند، رفتارهاي پايدارتر را نشان مي‌دهند (Whitmarsh, 2009).

هم‌چنان آگاهي عمومي تأثيري زيادي بر پذيرش تكنالوژي‌هاي زيست‌محيطي دارند (Kollmuss & Agyeman, 2002). در كشورهاي توسعه‌يافته، برنامه‌هاي آموزشي منجر به افزايش رفتارهاي پايدار شده‌اند (Clayton et al., 2016). در افغانستان، آموزش‌هاي زيست‌محيطي هنوز به اندازه كافي توسعه نيافته است (Samady, 2007). از طرف ديگر يكي از موانع اصلي پذيرش تكنالوژي‌هاي زيست‌محيطي در كشورهاي در حال توسعه، هزينه‌هاي بالا و كمبود حمايت‌هاي مالي مي‌باشند (Gifford, 2011). علاوه بر آن، عواملی مانند ضعف زيرساخت‌ها و عدم حمايت اجتماعي نيز در پذيرش اين تكنالوژي‌ها نقش عمده دارند (Steg & Vlek, 2009). تحقيقات متعددي بيان‌گر آنست كه سياست‌هاي دولتي نقش مهمي در پذيرش تكنالوژي‌هاي سبز دارند (Bamberg & Möser, 2007). در كشورهایی كه قوانين سخت‌گيرانه‌تري براي كاهش آلودگي و مصرف پايدار منابع وجود دارد، تكنالوژي‌هاي محيط‌زيستي بيش‌تر مورد پذيرش قرار گرفته‌اند (Lorenzoni, 2007). در حالي كه تحقيقات در كشورهاي توسعه‌يافته نشان

می‌دهند که پذیرش تکنالوژی‌های محیط‌زیستی با افزایش آگاهی، مشوق‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی ارتباط مستقیم دارد (Gifford, 2014; Kaffashi & Shamsudin, 2019). در صورتی که در کشورهای در حال توسعه، پذیرش تکنالوژی‌های محیط‌زیستی با چالش‌های مانند هزینه‌های بالا، ضعف زیرساخت‌ها و عدم آگاهی عمومی مواجه است (Falcone, 2023; Lorenzoni, Nicholson-Cole, & Whitmarsh, 2007).

بررسی تحقیقات گذشته بیان گر آنست که تحقیقات در باره پذیرش تکنالوژی‌های محیط‌زیستی در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه افغانستان، محدود است. بناءً، این تحقیق تلاش می‌کند تا با استفاده از مدل‌های TPB (Ajzen, 2011) و NEP (Dunlap et al., 2000)، نگرش و رفتار شهروندان کابل را در زمینه تکنالوژی‌های محیط‌زیستی نوین بررسی کند.

مواد و روش کار

تحقیق حاضر با رویکرد کمی و روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این مطالعه از مدل‌های نظری TBP (تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده) (Ajzen, 2011) و NEP (الگوی جدید پارادایم محیط‌زیستی) (Dunlap et al., 2000) استفاده شده است. این دو مدل به بررسی نگرش و رفتار شهروندان نسبت به فناوری‌های زیست‌محیطی کمک می‌کنند و همچنان مقالات معتبری در زمینه اهمیت این تحقیق مطالعه و گردآوری گردیده است.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است که بر اساس مدل‌های نظری TBP و NEP تهیه و ترتیب گردید، علاوه بر آن، نظرات چند تن از اساتید بلندپایه و متخصصان در حوزه محیط‌زیست اخذ و پس از تأیید آن‌ها، پرسشنامه‌ها در اختیار جامعه آماری قرار گرفت. پرسشنامه شامل دو بخش اصلی می‌باشد:

- سؤالات دموگرافیک: شامل اطلاعاتی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، شغل.
- سؤالات تخصصی: که شامل شش مؤلفه اصلی که دربرگیرنده ۳۰ گویه می‌باشد.

با توجه به اینکه تحقیق در کلان‌شهر کابل با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر انجام شده است، حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و با سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۵٪، تعداد ۳۸۴ نفر تعیین گردید. نمونه‌گیری به صورت کاملاً تصادفی در میان شهروندان نواحی مختلف شهر کابل صورت گرفت تا نتایج تحقیق جامعیت لازم را داشته باشد. که شامل ساکنان نواحی مرکزی، حاشیه‌نشینان و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی بوده تا دیدگاه‌های متنوعی در نظر گرفته شوند.

پس از جمع آوري داده ها و اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح تجزيه و تحليل گرديد.

1. تحليل توصيفي: شامل ميانگين، انحراف معيار، فراواني پاسخ ها، نما و مد مي گردد.
2. تحليل استنباطي: آزمون آماري همبستگي اسپرمن براي بررسي روابط بين متغيرهاي انجام يافت.

براي بررسي پايائي پرسش نامه، از ضريب آلفاي كرونباخ استفاده گرديد كه مقدار آن بيش از 0.80 به دست آمد كه نشان دهنده پايائي مطلوب پرسشنامه مي باشد.

جدول 1: بررسي سطح پايائي گويه ها

تعداد سوالات	الفاي كرونباخ
30	.812

نتايج

داده هاي تحقيق به دست آمده از پرسش نامه هاي مي باشند كه توسط 384 نفر شهروندان شهر كابل تكميل گرديده است. داده ها بعد از گرد آوري به كمپيوتر منتقل و توسط ابزار SPSS مورد تجزيه و تحليل قرار گرفت. تجزيه و تحليل داده ها بر اساس سطوح سنجش متغيرها و رابطه بين متغيرها صورت گرفته، بدين ترتيب با استفاده از شاخص هاي آمار توصيفي تمام متغيرها در قالب جدول توزيع فراواني توصيف شده اند. هم چنين براي تجزيه و تحليل رابطه بين متغيرهاي وابسته و مستقل از آزمون كروليشن اسپرمن استفاده شده است.

جدول 2: موقف فراواني جنسيت پاسخ دهنده گان

درصد تجمعي	اعتبار درصدي	درصد	فراواني	
91.9	91.9	91.9	353	مرد
100.0	8.1	8.1	31	زن
	100.0	100.0	384	مجموع

نامزدپوهنیار رحیم ابراهیمی

براساس جدول (2) بیشترین پاسخ دهندگان مربوط مرد ها با 353 نفر، با فیصدی 91.9 و درصد قبولی 91.9 و کمترین پاسخ دهندگان با 31 نمونه با فیصدی 8.1 و درصد قبولی هم چنان 8.1 مطعلق خانم ها می باشند.

جدول 3: میزان فراوانی سن پاسخ دهنده گان

فراوانی	درصد	اعتبار درصدی	درصد تجمعی
سال 30 الی 18	226	58.9	58.9
سال 45 الی 31	122	31.8	90.6
سال 60 الی 46	32	8.3	99.0
سال 70 الی 61	3	.8	99.7
13.00	1	.3	100.0
مجموع	384	100.0	

بر بنیاد جدول (3)، بیشترین فراوانی بین پاسخ دهندگان از لحاظ گروه سنی مطلق به گروه سنی 18 الی 30 سال با فرکانسی 226 که 58 فیصد پاسخ دهندگان را شامل می باشند و کمترین فراوانی مربوط گروه سنی 61 الی 70 سال با فرکانسی 3 که 0.8 فیصد پاسخ دهندگان را شامل میشوند. به همین ترتیب گروه سنی 31 الی 45 سال با فرکانسی 122 و درصدی 31.8 و گروه سنی 46 الی 60 سال با فرکانسی 32 و درصدی 8.3 در جدول سن جایگاه دوم و سوم را بخود اختصاص داده است.

جدول 4: تحلیل فراوانی سطح تحصیلات پاسخ دهنده گان

فراوانی	درصد	اعتبار درصدی	درصد تجمعی
دوازه پاس	93	24.2	24.2
چهارده پاس	47	12.2	36.5
لیسانس	135	35.2	71.6
ماستر	91	23.7	95.3

دکتر	18	4.7	4.7	100.0
مجموع	384	100.0	100.0	

براساس تجزيه و تحليل جدول(4)؛ جدول فراواني تحصيلات پاسخ دهندگان شهر کابل بيان گر آنست که گروه تحصيلي ليسانس ها با فراواني 135 نمونه و درصدي 23.7 بيشترين و گروه تحصيلي دکتر با فراواني 18 نمونه و درصدي 4.7 کمترين پاسخ دهندگان اين تحقيق را تشکيل مي دهند به همين ترتيب گروه تحصيلي دوازده پاس با فراواني 93 نمونه و درصدي 24.2 جايگاه دوم، گروه تحصيلي ماستر با فراواني 91 نمونه و درصدي 23.7 جايگاه سوم و گروه تحصيلي چهارده پاس ها با فراواني 47 نمونه و درصدي 12.2 جايگاه چهارم را به خود اختصاص داده است.

جدول 5: تحليل فراواني وظيفه پاسخ دهنده گان

فراواني	درصد	اعتبار درصدي	درصد تجمعي
آزاد	128	33.3	33.3
کارمند	96	25.0	58.3
استاد پوهنتون	115	29.9	88.3
معلم	45	11.7	100.0
مجموع	384	100.0	

براساس جدول(5)؛ جدول تحليل فراواني شغل پاسخ دهندگان، گروه شغلي آزاد با فراواني 128 نمونه و درصدي 33.3 بيشترين و گروه شغلي معلم با فراواني 45 نمونه و درصدي 11.7 کمترين پاسخ دهندگان بخود اختصاص داده است، به همين منوال گروه شغلي استاد پوهنتون با فراواني 115 نمونه و درصدي 29.9 جايگاه دوم و گروه شغلي کارمند با فراواني 96 نمونه و درصدي 25 جايگاه چهارم را در بين پاسخ دهندگان به خود اختصاص داده است.

جدول 6: تحليل آماری گويه‌های مربوط مؤلفه (1)؛ دانش و آگاهی شهروندان نسبت به تکنالوژی

های نوین محیط زیستی

سوال اول	سوال دوم	سوال سوم	سوال چهارم	سوال پنجم	
384	384	384	384	384	نمونه تعداد
3.1589	2.7682	2.4219	2.4661	3.8828	میانگین
.05224	.05447	.05542	.05429	.05443	خطای استاندارد
3.0000	3.0000	2.0000	2.0000	4.0000	میانه
3.00	3.00	2.00	2.00	4.00	نما
1.02362	1.06741	1.08594	1.06396	1.06661	انحراف معیار
1.048	1.139	1.179	1.132	1.138	واریانس

تحليل جدول فرکانسی مؤلفه شماره (1)؛ بیان‌گر آنست که سوال پنجم با بالاترین میانگین (3.8828) استفاده تکنالوژی‌های نوین زیست محیطی را در کاهش آلوده‌گی هوا مفید می‌داند در حالیکه میانگین سوالات اول (3.1589) و دوم (2.7682) نمایان‌گر داشتن دانش متوسط شهروندان شهر کابل نسبت به تکنالوژی‌های نوین زیست محیطی می‌باشد. از طرف دیگر میانگین سوالات سوم و چهارم (2.4) ضعف آموزشی در این زمینه را حکایت دارد. انحراف معیار (1.05) در اکثر داده‌ها و هم‌چنان واریانس داده‌ها بین (1.048 الی 1.179) بوده که نشان دهنده پراکندگی یکسان و متوسط داده‌ها می‌باشند.

جدول 7: تحليل آماری گويه‌های مربوط مؤلفه (2)؛ نگرش شهروندان نسبت به تکنالوژی‌های نوین

زیست محیطی

سوال ششم	سوال هفتم	سوال هشتم	سوال نهم	سوال دهم	
384	384	384	384	383	نمونه تعداد
3.8932	3.2240	3.9297	3.8073	3.5379	میانگین
.05180	.05881	.05364	.04499	.05404	خطای استاندارد
4.0000	3.0000	4.0000	4.0000	4.0000	میانه
4.00	3.00	5.00	4.00	3.00	نما

تحليل جدول فرکانسي مؤلفه شماره (2)؛ بيان گر آنست که سوال هشتم با ميانگين (3.9297) با ميانه (4) و نما (5) و هم چنان سوال نهم با ميانگين (3.8073)، ميانه (4) و نما (4) باورمندی قوي شهروندان کابل را در استفاده از تکنالوژي های نوين زيست محيطی برای بهبود محيط زيست، قابل اطمینان بودن و کاهش آلوده گی های محيط زيستی نشان می دهند. در صورت که سوال هفتم با ميانگين (3.2240)، ميانه (3) و نما (3) بيان گر موافقت ضعيف شهروندان برای در اولويت قرار دادن تکنالوژي های نوين محيط زيستی در توسعه شهری می باشند، اين در حال است که سوال ششم با ميانگين (3.8932)، ميانه (4) و نما (4) موافقت بالا شهروندان شهر کابل را در راستای استفاده از تکنالوژي های نوين محيط زيستی برای توسعه شهری را حکايت می کند و همچنان سوال دهم با ميانگين (3.5379)، ميانه (4) و نما (3) نگرانی های هزینه ای را برای رشد اين تکنالوژي در حد متوسط نشان می دهند.

جدول 8: تحليل آماری گويه های مربوط مؤلفه (3)؛ رفتار شهروندان نسبت به تکنالوژي های نوين

زيست محيطی

سوال	سوال	سوال	سوال	سوال		
پانزدهم	چهاردهم	سیزدهم	دوازدهم	یازدهم	تعداد	نمونه
384	384	384	384	384		
3.9453	3.9661	4.0078	3.6345	4.1328		ميانگين
.05305	.05113	.05707	.05376	.04286		خطای استاندارد
4.0000	4.0000	4.0000	4.0000	4.0000		ميانه
4.00	5.00	5.00	4.00	4.00		نما

تحليل جدول فرکانسي مؤلفه شماره (3)؛ سوال يازدهم با ميانگين (4.1328)، ميانه (4) و نما (4) رفتار نهادينه شده شهروندان کابل را نسبت به استفاده از صفحه های خورشیدی برای توليد انرژی و کاهش آلودگی محيط زيستی را نشان می دهد هم چنان سوال سيزدهم با ميانگين (4.0078)، ميانه (4) و نما (5) تمايل مطلوب شهروندان نسبت به استفاده از وسايل حمل و نقل سازگار تر با محيط زيست را حکايت می کند. اين در حالی است که سوال دوازدهم با ميانگين (3.6345)، ميانه (4) و نما (4) رفتار شهروندان کابل را نسبت به تکنالوژي های نوين زيست محيطی برای تفکیک زباله ها در حد متوسط نشان می - دهد بر علاوه سوال چهاردهم با ميانگين (3.9661)، ميانه (4) و نما (5) و سوال پانزدهم با

ميانگين (3.9453)، ميانه (4) و نما (4) رفتار شهروندان را براي توسعهٔ تكنالوژي هاي نوين زيست محيطي و پذيرش آن در حد نسبتاً مطلوب نشان مي دهند.

جدول 9: تحليل آماري گويه هاي مربوط مؤلفه (4)؛ موانع استفاده از تكنالوژي هاي نوين زيست

محيطي

سوال	سوال	سوال	سوال	سوال	
شانزدهم	هفدهم	هژدهم	نوزدهم	سوال بيستم	
384	384	384	384	384	نمونه تعداد
4.0964	3.7318	3.2526	3.0651	3.6146	ميانگين
.05185	.04761	.05498	.05552	.05401	خطاي استاندارد
4.0000	4.0000	3.0000	3.0000	4.0000	ميانه
5.00	3.00	3.00	4.00	4.00	نما

تحليل جدول فرکانسي مؤلفه شماره (4)؛ بيان گر آنست که سوال شانزدهم با ميانگين (4.0964)، ميانه (4) و نما (5) فقر و ضعف اقتصادي يکي از عوامل اساسي عدم پذيرش و استفاده شهروندان کابل از تكنالوژي هاي نوين زيست محيطي مي باشند، هم چنان سوال هفدهم با ميانگين (3.7318)، ميانه (4) و نما (3) نشان دهنده آنست که عدم وجود زير ساخت ها يکي از عوامل باز دارنده نسبتاً مهم استفاده از اين تكنالوژي ها است، سوال هژدهم با ميانگين (3.2526)، ميانه (3) و نما (3)، سوال نوزدهم با ميانگين (3.0651)، ميانه (3) و نما (4) و سوال بيستم با ميانگين (3.6146)، ميانه (4) و نما (4) نشان مي دهند که فرهنگ عمومي در حد متوسط آماده پذيرش اين تكنالوژي ها بوده اين در حالي است که نهاد ها و مؤسسات در ترويج فرهنگ عمومي نسبتاً در حد متوسط رو به پايين عمل کرده اند از طرف ديگر ميزان دسترسي شهروندان به اين تكنالوژي ها متوسط رو به افزايش مي باشد.

جدول 10: تحليل آماري گويه هاي مربوط مؤلفه (5)؛ تأثيرات محيط زيستي تكنالوژي هاي نوين

محيطي

سوال	سوال	سوال	سوال	سوال	
يکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	
384	384	384	384	384	نمونه تعداد

3.9243	3.8099	3.8307	3.9193	4.0469	میانگین
.04755	.05248	.05228	.04639	.05104	خطای استاندارد
4.0000	4.0000	4.0000	4.0000	4.0000	میانه
4.00	4.00	4.00	4.00	4.00	نما

تحلیل جدول فرکانسی مؤلفه شماره (5)؛ داده های سوال های بیست یک الی بیست پنج با میانگین (3.8099- 4.0469)، میانه (4) و نما (4) بیان کننده آنست که استفاده از انرژی های تجدید پذیر، استفاده از تکنالوژی های نوین زیست محیطی در کنترل زباله ها، جلوگیری از بحران کم آبی، عدم آلوده شدن آب های زیر زمینی و عدم تخریب محیط زیست تأثیر خیلی مثبت را در پی دارند. جدول 11: تحلیل آماری گویه های مربوط مؤلفه (6)؛ مسئولیت شهروندان کابل نسبت به تکنالوژی

های زیست محیط

سوال سی ام	سوال بیست نهم	سوال بیست هشتم	سوال بیست هفتم	سوال بیست ششم	تعداد	نمونه
384	384	384	384	384	خطا	0
0	0	0	0	0	میانگین	3.6771
3.9609	3.8672	3.9896	3.9557	3.6771	خطای استاندارد	.04765
.04839	.05031	.04835	.05044	.04765	میانه	4.0000
4.0000	4.0000	4.0000	4.0000	4.0000	نما	4.00
4.00	4.00	4.00	5.00	4.00		

تحلیل جدول فرکانسی مؤلفه شماره (6)؛ نشان می دهد که میانگین تمام سوالات بالای 3.6، میانه و نما یکسان بوده که بیان کننده اینست شهروندان کابل به خاطر مزایای که تکنالوژی های نوین زیست محیطی دارند باید هزینه بیشتر متقبل شوند، فرهنگ سازی صورت گیرد، در برنامه های آموزشی اشتراک نمایند، هم کاری با نهاد ها و دولت نمایند، در توسعه این تکنالوژی ها سهیم گردند و وابسته-گی استفاده از این تکنالوژی ها با مسئولیت پذیری بیشتر ممکن می گردد، دید کاملاً موافق و مثبت دارند.

جدول 12: همبستگی بین مؤلفه های تحقیق

مؤلفه های تحقیق	دانش تکنالوژی های نوین زیست محیطی	نگرش شهروندان نسبت به تکنالوژی های نوین محیطی	رفتار شهروندان نسبت به تکنالوژی های نوین محیطی	موانع استفاده از تکنالوژی های نوین محیطی	تأثیر تکنالوژی های نوین محیطی بر زیست محیطی	مسئولیت شهروندان نسبت به تکنالوژی های نوین محیطی
آزمون اسپرمن	دانش تکنالوژی های نوین زیست محیطی	مقادیر همبستگی	1.000	.301**	.061	.097
	نگرش شهروندان به تکنالوژی های نوین محیطی	سطح معناداری	.	.000	.231	.059
	رفتار شهروندان نسبت به تکنالوژی های نوین محیطی	مقادیر همبستگی	.301**	1.000	.452**	.325**
	موانع استفاده از تکنالوژی های نوین محیطی	سطح معناداری	.000	.	.000	.000
	تأثیر تکنالوژی های نوین محیطی بر زیست محیطی	مقادیر همبستگی	.061	.452**	1.000	.480**
	مسئولیت شهروندان نسبت به تکنالوژی های نوین محیطی	سطح معناداری	.231	.000	.	.000
	موانع استفاده از تکنالوژی های نوین محیطی	مقادیر همبستگی	.097	.325**	.480**	1.000

0.000	0.000	.	0.000	0.000	0.059	سطح معناداري	هاي نوين محيطي
0.539**	1.000	0.510**	0.537**	0.411**	0.057	مقادير همبستگي	تأثير تكنالوژي
0.000	.	0.000	0.000	0.000	0.264	سطح معناداري	هاي نوين محيطي بر محيط زيست
1.000	0.539**	0.462**	0.515**	0.416**	0.148**	مقادير همبستگي	مسئوليت شهروندان
.	0.000	0.000	0.000	0.000	0.004	سطح معناداري	نسبت به تكنالوژي هاي نوين محيطي

**.همبستگي در سطح 0.01 معنی دار است (دو دامنه).

جدول تحليل همبستگي اسپرمن مؤلفه‌های تحقيق؛ بيان گر همبستگي قوی (0.452) میان نگرش و رفتار شهروندان نسبت به تکنالوژی‌های نوین زیست محیطی می‌باشد در عین حال رفتار و نگرش تأثیر مستقیم روی تأثیر تکنالوژی‌های نوین محیطی بر محیط زیست دارند، هم‌چنان موانع استفاده از این تکنالوژی‌ها تأثیر قابل توجهی بر رفتار و تأثیر تکنالوژی‌های نوین محیطی بر محیط زیست دارد، از طرف دیگر مسئولیت شهروندان نسبت به تکنالوژی‌های نوین محیطی یکی از عامل‌های کلیدی در تأثیر تکنالوژی‌های نوین محیطی بر محیط زیست است در حالی‌که نگرش شهروندان تأثیر مثبت بر مسئولیت‌پذیری دارد و دانش تکنالوژی‌های نوین زیست محیطی تأثیر مستقیم بر نگرش و مسئولیت‌پذیری شهروندان دارند که از طریق این دو مؤلفه با سایر مؤلفه‌ها مرتبط می‌گردند.

مناقشه

یافته‌های تحقيق نگرش و رفتار شهروندان کابل نسبت به تکنالوژی‌های زیست محیطی نوین نشان داد که آگاهی شهروندان راجع به اهمیت استفاده از این تکنالوژی‌ها در کاهش آلوده‌گی زیست محیطی بلند بوده ولی با آنهم ضعف در آگاهی عمومی در این مورد دیده می‌شود طوری‌که تحقیقات (صمدی، 2007) از عدم توسعه آگاهی زیست محیطی شهروندان کابل به اندازه کافی حکایت دارد و

هم‌چنان تحقیقات (لورنزونی و همکاران 2007 و فالکون 2023) نشان می‌دهند که در کشورهای در حال توسعه آگاهی پایین شهروندان در باره تکنالوژی‌های نوین زیست‌محیطی بر پذیرش آن اثر منفی می‌گذارد، در حالی که شهروندان شهر کابل نگرش مثبت در قبال استفاده از این تکنالوژی‌ها، قابل اطمینان بودن این تکنالوژی‌ها، مفیدیت آن در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی و اهمیت آن را در توسعه شهری را نشان می‌دهند. این در حالی است که فقر و نگرانی‌های هزینه‌ای منجر به آن شده که شهروندان کابل این تکنالوژی‌ها را در اولویت توسعه شهری ندانند از طرف دیگر رفتار شهروندان کابل نسبت به استفاده از این تکنالوژی مثبت می‌باشند که در بعضی موارد رفتار متوسط را نشان می‌دهند ولی تمایل مطلوب شهروندان کابل نسبت به استفاده از این تکنالوژی‌ها بیان‌گر رفتار مثبت تر آنها می‌باشند. بر علاوه فرهنگ عموم شهروندان کابل در حد متوسط آماده پذیرش این تکنالوژی‌ها بوده، این در حال می‌باشد که با موانع عدم پذیرش چون ضعف اقتصادی عدم موجودیت زیرساخت ها و کم کاری نهادهای مرتبط به محیط زیست روبرو است، تحقیقات (جی فورد، 2011، استیج و همکارش، 2009) نشان می‌دهند که کشورهای در حال توسعه با موانع چون فقر و ضعف اقتصادی عدم زیر ساخت‌ها، کمبود حمایت‌های مالی و حمایت‌های اجتماعی در پذیرش تکنالوژی‌های نوین زیست‌محیطی روبه‌رو اند. هم‌چنان تحقیقات (جی فورد، 2014 و کافاشی و همکارش 2019) در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهند که پذیرش این تکنالوژی‌ها با افزایش آگاهی، حمایت‌های مالی و سیاست‌های حمایتی ارتباط مستقیم دارند. شهروندان شهر کابل استفاده از این تکنالوژی‌ها چون انرژی‌های تجدید پذیر و سایر تکنالوژی‌ها در کنترل زباله‌های شهری، جلوگیری از بحران کم آبی و آلوده شدن آن و جلوگیری از تخریب محیط زیست را مفید و مثبت می‌دانند و هم‌چنان شهروندان شهر کابل با توجه به مزایای این تکنالوژی‌ها مسئولیت پذیری خویش را در قسمت تقبل هزینه‌های بیشتر، فرهنگ سازی، اشتراک در برنامه‌ها و ورکشاپ‌های آموزشی و هم‌کاری با نهادها و دولت در راستای توسعه تکنالوژی‌های نوین زیست محیطی نشان می‌دهند.

براساس نتایج تحقیق، نگرش شهروندان کابل نسبت به تکنالوژی‌های زیست محیطی نوین بالای رفتار آن‌ها نسبت به این تکنالوژی‌ها تأثیر مستقیم دارد، هم‌چنان مدل جدید پارادایم زیستی محیطی (دانلاپ 2000) نیز باورمند است که تغییرات در نگرش انسان‌ها نسبت به طبیعت تأثیر مستقیم بالای رفتارهای زیست‌محیطی آن‌ها دارند، اثرات این تکنالوژی‌ها بر محیط‌زیست روی رفتار، نگرش و مسئولیت‌پذیری شهروندان تأثیر مستقیم می‌گذارند و هم‌چنان نگرش مثبت و حس مسئولیت‌پذیری

شهروندان شهرکابل متأثر از دانش و آگاهی شهروندان نسبت به این تکنالوژی‌ها می‌باشند که این یافته‌ها با مدل نظری (اجزن 2011) که باورمند است نگرش مثبت شهروندان، هنجارهای ذهنی و رفتار درک شده که از آگاهی، دانش و مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به تکنالوژی‌های زیست‌محیطی نوین می‌آید بر پذیرش این تکنالوژی‌ها اثر مثبت دارند، هم‌سو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در اخیر از این تحقیق چنین می‌توان نتیجه گرفت که آگاهی شهروندان کابل نسبت به اهمیت این تکنالوژی‌ها خوب بوده با آنهم در سایر موارد دانش متوسط و در بعضی موارد ضعف آگاهی وجود دارد و هم‌چنان نگرش و رفتار شهروندان کابل در باره استفاده از این تکنالوژی‌ها مثبت می‌باشند که بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده و پارادایم محیط زیستی نوین این امر نشان دهنده آنست که نگرش و رفتار شهروندان در رشد تکنالوژی‌های زیست محیطی نوین نقش عمده و اساسی دارند ولی با آنهم فقر، ضعف اقتصادی شهروندان کابل، عدم موجودیت زیرساخت‌ها و دسترسی نسبتاً محدود شهروندان به این تکنالوژی‌ها از عوامل عمده عدم پذیرش و عدم توسعه آن می‌باشد ولی دید شهروندان کابل نسبت به تأثیرات مفید این تکنالوژی‌ها بر محیط‌زیست و اهمیت آن در توسعه شهری مثبت می‌باشد که این امر باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری بیشتر شهروندان کابل نسبت به این تکنالوژی‌ها شده است طوری که اکثریت شهروندان مایل اند هزینه بیش‌تری را برای این تکنالوژی‌ها متقبل گردند، در سیمینارهای آگاهی‌دهی اشتراک کنند، با نهادهای دولتی و سایر مؤسسات هم‌کار محیط‌زیست در زمینه رشد و توسعه این تکنالوژی‌ها کمک و هم‌کاری نمایند.

هم‌چنان شهروندان کابل خواستار توجه جدی نهاد های دولتی و غیر دولتی در زمینه ایجاد زیرساخت-ها، امکان مشوق‌های اقتصادی و هم‌چنان سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر در این زمینه شده‌اند.

پشنهادات

1. برگزاری ورکشاپ‌های آموزشی و آگاهی‌دهی برای شهروندان شهر کابل در باره تکنالوژی‌های زیست‌محیطی نوین و مزیت‌های آن.
2. تعیین مشوق‌های اقتصادی برای رشد و توسعه بیش‌تر تکنالوژی‌زیست محیطی نوین.
3. ایجاد زیرساخت‌های اساسی و بنیادی در این زمینه.
4. تسهیل دسترسی آسان شهروندان شهر کابل به این تکنالوژی.

5. نظارت‌های مستمر از نهادها و مؤسسات همکار در این زمینه.
6. تطبیق پروژه‌های نمونه‌یی در سطح شهر برای ایجاد انگیزه نزد شهروندان.
7. تدوین قوانین مستقل برای استفاده و توسعه این تکنالوژی‌ها.
8. پیشنهاد می‌گردد در زمینه و به‌خصوص در قسمت ایجاد زیرساخت‌ها و تکنالوژی‌های توافق‌پذیر تر با محیط زیست شهری کابل تحقیقات بیش‌تر و متعدد صورت گیرد.

منابع

- Ahmadi, H., Tawheed, Q., Rafiqee, N., Qaderi, K., Sharifi, M., & Sharifi, H. (2022). The cause of Kabul's environmental problems is its impact on economic and human health. *International Journal of Advanced Engineering Research and Science*, 9, 2456-1908 . <https://doi.org/10.22161/ijaers.92.25>
- Ajzen, I. (2011). Design and evaluation guided by the theory of planned behavior. *Soc psychol Eval, Guilford Publications*, 74-100 .
- Ajzen, I., Joyce, N., Sheikh, S., & Cote, N. G. (2011). Knowledge and the prediction of behavior: The role of information accuracy in the theory of planned behavior. *Basic and applied social psychology*, 33(2), 101-117 .
- Bamberg, S., & Möser, G. (2007). Twenty years after Hines, Hungerford, and Tomera: A new meta-analysis of psycho-social determinants of pro-environmental behaviour. *Journal of environmental psychology*, 27(1), 14-25 .
- Clayton, S., Devine-Wright, P., Swim, J., Bonnes, M., Steg, L., Whitmarsh, L., & Carrico, A. (2016). Expanding the role for psychology in addressing environmental challenges. *American Psychologist*, 71(3), 199 .
- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D., Mertig, A. G., & Jones, R. E. (2000). New trends in measuring environmental attitudes: measuring endorsement of the new ecological paradigm: a revised NEP scale. *Journal of Social Issues*, 56(3), 425-442 .
- Esty, D. C., & Porter, M. E. (2005). National environmental performance: an empirical analysis of policy results and determinants. *Environment and development economics*, 10(4), 391-434 .
- Falcone, P. (2023). Sustainable Energy Policies in Developing Countries: A Review of Challenges and Opportunities. *Energies*. <https://doi.org/10.3390/en16186682>

- Gifford, R. (2011). The dragons of inaction: psychological barriers that limit climate change mitigation and adaptation. *American Psychologist*, 66(4), 290 .
- Gifford, R. (2014). Environmental psychology matters. *Annual review of psychology*, 65(1), 541-579 .
- Kaffashi, S., & Shamsudin, M. (2019). Transforming to a low carbon society; an extended theory of planned behaviour of Malaysian citizens. *Journal of Cleaner Production*.
<https://doi.org/10.1016/J.JCLEPRO.2019.07.047>
- Kemp, R., & Pearson, P. (2007). Final report MEI project about measuring eco-innovation. *UM Merit, Maastricht*, 10(2), 1-120 .
- Kollmuss, A., & Agyeman, J. (2002). Mind the Gap: Why Do People Act Environmentally and What Are the Barriers to Pro-Environmental Behavior? *Environmental Education Research*, 8, 239-260.
<https://doi.org/10.1080/13504620220145401>
- Lorenzoni, I., Nicholson-Cole, S., & Whitmarsh, L. (2007). Barriers perceived to engaging with climate change among the UK public and their policy implications. *Global environmental change*, 17(3-4), 445-459 .
- Samady, S. R. (2007). *Education and scientific training for sustainable development of Afghanistan*. Kingston: PDC Copyright .
- Schultz, P. (2002). Inclusion with nature: The psychology of human-nature relations. En P. Schmuck y WP Schultz (Eds.), *Psychology of Sustainable Development*. In: Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.
- Steg, L., & Vlek, C. (2009). Encouraging pro-environmental behaviour: An integrative review and research agenda. *Journal of environmental psychology*, 29(3), 309-317 .
- Stern, P. C. (2000). New Environmental Theories: Toward a Coherent Theory of Environmentally Significant Behavior. *Journal of Social Issues*, 56(3), 407-424.
<https://doi.org/https://doi.org/10.1111/0022-4537.00175>

- Whitmarsh, L. (2009). What's in a name? Commonalities and differences in public understanding of "climate change" and "global warming". *Public understanding of science*, 18(4), 401-420 .
- عصاره, عبدالرحمن, & شامبياتي. (2013). کنش های متاثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه. تحقیقات حقوقی بین المللی, 6(19), 127-77.
- غلامرضا, ج. ن., & صدیقه, ا. (2018). بررسی تأثیر نگرش محیط زیستی بر رفتارهای محیط زیستی (مورد مطالعه: ساکنان شهر تهران).

نقش زراعت در تحول صنعتی شدن صفحات شمال افغانستان (مطالعه ای موردی بلخ، فاریاب و جوزجان)

نامزد پوهنیاړ بسم الله مصمم^{*1}

۱. دپارتمنت علوم حیوانی، پوهنځی زراعت، پوهنتون بلخ

* نویسنده مسئول - ایمیل: Besmullahmusammim012@gmail.com

چکیده

بررسی‌های انجام‌شده در خصوص وضعیت کنونی زراعتی در این مناطق نشان می‌دهد که زراعت به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد محلی، تأثیر قابل توجهی بر معیشت مردم داشته و تنوع محصولات زراعتی و بهره‌گیری از روش‌های سنتی و مدرن به رشد اقتصادی منطقه کمک کرده است. زراعت نه تنها به تأمین مواد اولیه برای صنایع غذایی و غیرغذایی می‌پردازد، بلکه به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد خانواده‌ها نیز کمک شایانی می‌کند. زراعت در افغانستان، به ویژه در مناطق شمالی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور دارد. طبق آمار بانک جهانی (2023)، 60 درصد از جمعیت شاغل کشور در بخش زراعت و مالداري فعالیت دارند و این بخش 35 درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. این مطالعه به تحلیل نقش زراعت در تحول صنعتی شمال افغانستان و شناسایی چالش‌ها و راهکارهای بهبود بهره‌برداری از پتانسیل‌های زراعت پرداخته است. اطلاعات مورد نیاز از ریاست‌های زراعت این ولایات، منابع معتبر ملی و بین‌المللی، و پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر Google Scholar، ISI، بانک جهانی و گزارش‌های اقتصادی سازمان ملل جمع‌آوری شده است. هم‌چنین، برای تحلیل شرایط موجود و پیش‌بینی بهتر آینده، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان اقتصادی و زراعتی در مناطق شمالی استفاده گردیده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که مناطق شمال افغانستان با داشتن منابع آبی فراوان و زمین‌های حاصل‌خیز، ظرفیت زیادی برای تحول در حوزه‌های زراعت و مالداري دارند. تولیدات زراعتی این مناطق به بیش از ۴ میلیون تن در سال می‌رسد، اما تنها 20 تا 25 درصد از این تولیدات وارد فرآیند صنعتی‌سازی می‌شوند. از سوی دیگر، چالش‌هایی نظیر کمبود آب، عدم دسترسی به فناوری‌های نوین، نوسانات امنیتی و مشکلات سیاسی، رشد پایدار زراعت و توسعه صنعتی در این مناطق را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

واژه‌های کلیدی: زراعت، چالش‌ها، راهکارها، صنعت، صفحات شمال.

The Role of Agriculture in the Industrial Transformation of Northern Afghanistan A Case Study of Balkh, Faryab, and Jawzjan

Teaching Assistant Bismillah Musammim^{1*}

1. Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Balkh University

* Corresponding Author Email: Besmullahmusammim012@gmail.com

Abstract

The studies conducted on the current agricultural situation in these regions indicate that agriculture, as a key pillar of the local economy, has a significant impact on the livelihoods of the people. The diversity of agricultural products and the integration of both traditional and modern methods have contributed to the region's economic growth. Agriculture not only supplies raw materials for food and non-food industries but also plays a crucial role in creating employment and increasing household income. Agriculture in Afghanistan, particularly in the northern regions, plays a vital role in the country's economic and industrial development. According to World Bank statistics (2023), 60% of the employed population in Afghanistan works in agriculture and livestock, and this sector accounts for 35% of the Gross Domestic Product. This study analyzes the role of agriculture in the industrial transformation of northern Afghanistan and identifies the challenges and strategies to improve the utilization of agricultural potential. The necessary data for this research was gathered from the agricultural directorates of these provinces, reputable national and international sources, and databases such as Google Scholar, ISI, the World Bank, and UN economic reports. Additionally, semi-structured interviews with economic and agricultural experts in northern Afghanistan were conducted to analyze the current situation and provide better predictions for the future. The results of this study indicate that northern Afghanistan, with its abundant water resources and fertile land, has significant potential for transformation in agriculture and livestock. Agricultural production in these regions exceeds 4 million tons annually, yet only 20 to 25 percent of this production enters the industrialization process. On the other hand, challenges such as water scarcity, lack of access to modern technologies, security fluctuations, and political issues have posed serious obstacles to the sustainable growth of agriculture and industrial development in these regions.

Keywords: Agriculture, Challenges, Solutions, Industry, Northern Regions

مقدمه

زراعت یوې از قديمي ترين و بنيادي ترين فعاليت هاي انساني است که همواره نقش کليدي در تأمين نيازهاي غذايي، اقتصادي و اجتماعي جوامع ايفا کرده است. در کشورهاي در حال توسعه، زراعت علاوه بر تأمين منابع غذايي و درآمد، به عنوان يک عامل محرک و پيش برنده در فرايند توسعه صنعتي نيز عمل مي کند (نيکزاد، 2017). در افغانستان، به ويژه در مناطق شمال کشور مانند بلخ، فارياب و جوزجان، زراعت نقشي حياتي در تأمين معيشت مردم دارد و بخش عظيمي از اقتصاد اين مناطق به آن وابسته است. اين تحقيق به بررسي نقش زراعت در تحول صنعتي شدن اين مناطق خواهد پرداخت و تلاش خواهد کرد تا رابطه ميان زراعت و صنعت و تأثيرات متقابل آن ها بر يک ديگر را مورد تحليل و بررسي قرار دهد (سلطاني، 2018). تحول صنعتي در اين مناطق مي تواند نه تنها بر رشد اقتصادي آن ها اثرگذار باشد، بلکه مي تواند فرصت هاي جديدي براي اشتغال، بهبود زيرساخت ها و توسعه اجتماعي فراهم کند. به همين دليل، تحقيق حاضر به دنبال پاسخ به اين سوال است که چگونه زراعت مي تواند به عنوان يک عامل موثر در تسريع فرايند صنعتي شدن عمل کند و چه موانع و چالش هايي در مسير اين تحول وجود دارد (کوهستاني، 2021).

اين تحقيق به ويژه در زمينه مطالعه فرايندهاي زراعت در ولايات شمالي افغانستان، نظير بلخ، فارياب و جوزجان، اهميت ويژه اي دارد. اين مناطق به دليل دارا بودن منابع طبيعي غني و زمين هاي حاصل خيز، پتانسيل بالايي براي توسعه زراعت دارند.

اهميت اين تحقيق در آن است که مي تواند به سياست گذاران و برنامه ريزان کمک کند تا استراتيژي هاي مناسبی براي استفاده از ظرفيت هاي زراعتي در جهت توسعه صنعتي و اقتصادي اين مناطق تدوين کنند. همچنين، اين تحقيق مي تواند به شناسايي موانع موجود در مسير اين تحول، هم چون کمبود زيرساخت هاي صنعتي، مشکلات تأمين مالي و فقدان فناوري هاي نوين، کمک کند. با شناسايي اين موانع و ارايه راه کارهايي براي رفع آن ها، مي توان فرايند صنعتي شدن را در اين مناطق تسريع بخشيد و از ظرفيت هاي زراعتي به طور موثري بهره برداري کرد.

هدف اصلي تحقيق حاضر بررسي نقش کشاورزي در فرايند تحول صنعتي شدن در ولايات بلخ، فارياب و جوزجان است. به طور خاص، اين تحقيق به دنبال شناسايي عوامل موثر بر ارتباط ميان زراعت و صنعت و تحليل تأثيرات متقابل آن ها بر يک ديگر مي باشد. در همين راستا، اهداف فرعي تحقيق عبارتند از: بررسي موانع و چالش هايي که بر سر راه توسعه زراعت و صنعت در اين مناطق

وجود دارد، تحلیل تأثیرات اجتماعی و اقتصادی این تحولات بر زندگی مردم، و ارایه راهکارهایی برای ارتقاء ارتباط میان کشاورزی و صنعت به منظور تسریع فرآیند صنعتی شدن.

در این تحقیق، سوالات مختلفی مطرح خواهد شد که به کمک آن‌ها می‌توان به طور دقیق‌تری به نقش زراعت در تحول صنعتی شدن پرداخته و عواملی را که بر روند این فرآیند تأثیرگذار هستند، شناسایی کرد. برخی از سوالات اصلی تحقیق شامل این موارد خواهد بود: چه عواملی باعث ارتباط یا عدم ارتباط میان زراعت و صنعت در این مناطق شده است؟ موانع اصلی بر سر راه توسعه صنعتی شدن از طریق زراعت کدامند؟ و چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های زراعتی، صنعت و اشتغال را در این مناطق توسعه داد؟

نتایج این تحقیق می‌تواند برای ایجاد سیاست‌های مؤثر در جهت رشد اقتصادی و صنعتی این مناطق مفید باشد. به‌ویژه، اگر زراعت به طور مؤثر با صنعت پیوند یابد، می‌تواند به بهبود شرایط زندگی مردم، افزایش اشتغال و کاهش فقر در این مناطق منجر شود. هم‌چنین، این تحقیق به دنبال ارایه توصیه‌هایی است که می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا از پتانسیل‌های زراعتی برای توسعه صنعتی به طور پایدار بهره‌برداری کنند. در نهایت، این تحقیق می‌تواند یک گام مهم در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی ولایات شمالی افغانستان باشد و راه‌حلی برای عبور از موانع موجود در مسیر صنعتی شدن ارایه دهد.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت ساحوی و قسماً کتاب‌خانه‌ای انجام یافته و برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از کتاب‌های معتبر ملی و بین‌المللی و از پایگاه‌های اطلاعات الکترونیکی معتبر مانند: Google scholar، ISI و Animal science استفاده به عمل آمده است، و در ضمن یک تعداد از معلومات‌ها از ریاست‌های محترم زراعت، آبیاری و مالداري ولایات بلخ، فاریاب و جوزجان نیز به دست آمده است که در مجموع معلومات‌ها در قالب جداول و گراف‌ها تحلیل و تجزیه گردیده است.

مرور بر پیشینه تحقیق

وضعیت عمومی زراعت در صفحات شمال افغانستان

زراعت در صفحات شمال افغانستان، به‌ویژه در ولایات بلخ، جوزجان و فاریاب، نقش حیاتی در فرایند تحول صنعتی این مناطق ایفا می‌کند. این ولایات به دلیل خاک‌های حاصلخیز و شرایط اقلیمی مناسب، تولید محصولات عمده‌ای مانند گندم، جو، جواری، برنج، پنبه، سبزیجات و میوه‌ها دارند

که می‌توانند به عنوان مواد اولیه برای صنایع تبدیلی مانند آردسازی، صنعت پنبه و تولید محصولات باغی استفاده شوند. توسعه این صنایع می‌تواند منجر به ایجاد اشتغال، افزایش درآمد دهاقین و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی شود. با این حال، چالش‌هایی همچون کمبود منابع آبی، تغییرات اقلیمی و محدودیت‌های فناوری، مانع از بهره‌برداری کامل از پتانسیل‌های زراعتی در این مناطق می‌شود. به طور کلی، زراعت در این ولایات، اگرچه با چالش‌هایی روبه‌روست، اما می‌تواند موتور اصلی رشد صنعتی و اقتصادی در شمال افغانستان باشد (کوهستانی، 2021).

زراعت در ولایت بلخ

ولایت بلخ یکی از ولایت‌های شمالی افغانستان است که به عنوان یک مرکز مهم زراعتی شناخته می‌شود. این ولایت به دلیل آب‌وهوای مناسب و خاک‌های حاصل‌خیز، محصولات زراعتی زیادی تولید می‌کند. از جمله محصولات عمده زراعتی بلخ می‌توان به گندم، جو، جواری، برنج، سبزیجات (رومی، بادرنگ، زردک، کدو، پالک و غیره) و میوه‌ها مانند سیب، انگور، شفتالو، خرمالو، زردالو و انار اشاره کرد. همچنین، بلخ در تولید پنبه و مالداری نیز فعال است. این محصولات نه تنها نیازهای داخلی را تأمین می‌کنند بلکه به کشورهای همسایه نیز صادر می‌شوند (رحمانی، 2020).

زراعت در ولایت فاریاب

ولایت فاریاب یکی از ولایت‌های شمالی افغانستان است که زراعت و مالداری از ارکان اصلی اقتصاد آن به شمار می‌رود. این ولایت با داشتن زمین‌های حاصل‌خیز، محصولات مختلفی مانند گندم، جو، جواری، سبزیجات (رومی، بادرنگ، پالک، کدو و غیره) و میوه‌ها (سیب، شفتالو، آلو، انگور، خرمالو، ناک و غیره) تولید می‌کند. همچنین، مالداری در فاریاب نیز رونق دارد و تولید گوشت، شیر و پشم از جمله فعالیت‌های عمده مردم این ولایت است. با توجه به آب‌وهوای نیمه‌خشک و منابع آبی محدود، زراعت و مالداری در فاریاب چالش‌هایی دارد، اما همچنان این ولایت یکی از مراکز مهم زراعتی و مالداری در شمال افغانستان است (رحمانی، 2020).

زراعت در ولایت جوزجان

ولایت جوزجان یکی از ولایت‌های شمال افغانستان است که با داشتن منابع طبیعی و زراعتی غنی، نقش مهمی در تأمین محصولات زراعتی کشور ایفا می‌کند. این ولایت به‌ویژه در زمینه کشت گندم، جو، جواری و پنبه شناخته می‌شود و زراعت در آن به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد مردم جوزجان محسوب می‌شود. علاوه بر این، سبزیجات مانند رومی، بادرنگ، کدو و غیره نیز در این ولایت کشت

می شونډ. جوزجان هم چنين در تولید میوه‌ها مانند سیب و شفتالو شهرت دارد. مالداري در این ولایت نیز رایج است و پرورش حیوانات برای تولید گوشت، شیر و پشم از دیگر فعالیت‌های اقتصادی مردم جوزجان است. علی‌رغم کمبود منابع آبی و تغییرات اقلیمی مشکلات عمده این ولایت می‌باشد، زراعت و مالداري هم چنان از ارکان اصلی اقتصاد و معیشت مردم این ولایت به شمار می‌رود (رحمانی، 2020).

بحث و نتایج تحقیق:

جدول 1: نوع محصولات تولیدی ولایات

نوع محصول	نام ولایت			ملاحظات
	بلخ	فاریاب	جوزجان	
گندم	✓	✓	✓	
پنبه	✓		✓	
برنج	✓			
جو	✓	✓	✓	
سبزیجات	✓	✓	✓	
میوه جات	✓	✓	✓	
محصولات لبنی	✓	✓	✓	

براساس جدول فوق در سه ولایت بلخ، فاریاب و جوزجان محصولات اساسی چون گندم، جو، سبزیجات، میوه جات و لبنیات به‌طور مشترک تولید می‌شوند. بلخ بیش‌ترین تنوع محصول را دارد (شامل برنج و پنبه)، در حالی‌که فاریاب و جوزجان بیش‌تر بر محصولات عمومی تمرکز دارند. این امر بلخ را به مرکز مهم زراعتی شمال کشور تبدیل کرده است.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

جدول 2: میزان تولید طور اوسط ولایات در پنج سال اخیر 1402-1398

نوع محصول	نام ولایت			ملاحظات
	بلخ	فاریاب	جوزجان	
گندم به تن	850000	731000	423450.3	

43750	برنج به تن
120793.4	جو به تن
180000	پنبه به سیر
37110	سبزی جات به تن
268905	میوه جات به تن
ارقام دقیق	محصولات لبنی
√	√
√	√
√	√
نبوده	

براساس جدول فوق در پنج سال اخیر، بلخ با تولید چشم‌گیر سبزیجات، گندم و پنبه پیش‌تاز شمال کشور است و نشان‌دهنده ظرفیت بالای زراعتی و منابع آب کافی است. فاریاب در تولید گندم و میوه‌جات وضعیت خوب دارد، در حالی که جوزجان به ویژه در تولید میوه‌جات و پنبه عملکرد نسبی خوبی داشته است. تولید برنج محدود به بلخ است و ارقام محصولات لبنی نشان می‌دهد که هر سه ولایت این بخش را دارند، اگرچه ارقام دقیق موجود نیست. این الگو تأکید می‌کند که شرایط اقلیمی و خاکی نقش تعیین‌کننده در تنوع و میزان تولید محصولات دارند.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

براساس جدول فوق ویژگی‌های زمین‌های زراعتی ولایات شمالی نشان می‌دهد که بلخ با ۳۰٪ زمین حاصل‌خیز و تنوع مناسب، ظرفیت تولید متنوعی دارد؛ فاریاب با ۷۰٪ زمین‌های متنوع، بهترین فرصت برای زراعت چندمنظوره را داراست؛ و جوزجان با ۵۰٪ زمین خشک نیازمند فناوری‌های مقاوم به خشکی و مدیریت بهینه خاک است. این تفاوت‌ها تأکید می‌کند که برنامه‌های توسعه زراعتی باید متناسب با شرایط محلی طراحی شوند.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

جدول ۴: ساحه زراعتی آبی وللمی ولایات			
نام ولایات	آبی به هکتار	فیصدی	للمی به هکتار
بلخ	85000	57.7	65000
فاریاب	112685	20.5	439651
جوزجان	36259	19.5	150000
به فیصدی	43.3		
	79.5		
	80.5		

جدو 3: ویژگی های ساحه زراعتی ولایات

مشخصات	نام ولایت			ملاحظات
	بلخ	فاریاب	جوزجان	
ساحه زراعتی عمدتاً حاصل خیز	30%	20%	20%	
ساحه زراعتی عمدتاً خشک	40%	10%	50%	
ساحه زراعتی تنوع زیاد دارد از	30%	70%	30%	
دشت تا کوهستان				

براساس جدول فوق بلخ با ۵۷,۷٪ زمین آبی و ۴۳,۳٪ للمی، بیشترین ظرفیت زراعتی آبی شمال را دارد و امکان کشت های مستمر و پرمحصول فراهم است. در مقابل، فاریاب و جوزجان بیش از ۷۹٪ زمین های شان للمی است، که وابستگی شدید به بارندگی و نیاز به مدیریت بهینه آب و فناوری های مقاوم به خشکی را نشان می دهد. این تفاوت ها تأکید می کند که استراتژی های زراعتی هر ولایت باید با توجه به نسبت زمین های آبی و للمی طراحی شوند.

منبع: ریاست های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

جدول 5: فیصدی مصرف و صادرات محصولات زراعتی در داخل و خارج از کشور

فیصدی		
بلخ	صادرات	
	در	خارج
	70	30
فاریاب	60	40
جوزجان	80	20

جدول 6: چگونه نقش زراعت در بهبود اقتصاد صنعتی افغانستان را ارزیابی

میکنید؟

نام ولایات	گزینه ها	مجموعه
	بسیار موثر	تأحدی
	موثر	موثر
بلخ	✓	
فاریاب	✓	
جوزجان		✓

بر اساس جدول فوق بلخ ۷۰٪ محصولاتش را داخلی و ۳۰٪ را صادر می‌کند، فاریاب ۶۰٪ داخلی و ۴۰٪ صادرات دارد و جوزجان عمدتاً به مصرف داخلی (۸۰٪) متکی است. این الگو نشان می‌دهد که استراتژی‌های زراعتی باید متناسب با ظرفیت تولید و بازار هر ولایت طراحی شود.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

بر اساس جدول ارزیابی نقش زراعت در بهبود اقتصاد صنعتی نشان می‌دهد که در بلخ زراعت «بسیار مؤثر» است، در فاریاب «مؤثر» و در جوزجان تنها «تأحدی مؤثر» ارزیابی شده است. این تفاوت‌ها بازتابی از ظرفیت‌های متفاوت تولید، تنوع محصولات و زیرساخت‌های زراعتی هر ولایت است و بر لزوم سیاست‌های منطقه‌ای توسعه زراعت برای تقویت اقتصاد صنعتی تأکید می‌کند.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

جدول 7: میزان تولیدات زراعتی شما در مقایسه با سایر ولایات

نام ولایات	بالاتر از سایر ولایات	هم سطح با سایر ولایات	پائین تر از سایر ولایات
بلخ	✓		
فاریاب		✓	
جوزجان			✓

بر اساس جدول مقایسه میزان تولیدات زراعتی نشان می‌دهد که بلخ بالاتر از سایر ولایات است، فاریاب هم سطح و جوزجان پایین تر از سایر ولایات قرار دارد. این الگو بیانگر تفاوت ظرفیت‌های تولیدی، کیفیت زمین و منابع آبی میان ولایات است و ضرورت توجه به مدیریت منابع محلی را برای افزایش بهره‌وری زراعتی نشان می‌دهد.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)

جدول 8: آیا میزان تولیدات زراعتی در سال‌های اخیر افزایش یا کاهش یافته است		
نام ولایات	گزینه‌ها	
	افزایش یافته	کاهش یافته
بلخ	√	بدون تغییر
فاریاب		√
جوزجان		√

بر اساس جدول در سال‌های اخیر، تولیدات زراعتی در بلخ افزایش یافته، در حالی که در فاریاب و جوزجان کاهش داشته است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر عوامل محیطی، مدیریتی و منابع آبی بر روند تولید و ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای بهبود بهره‌وری است.

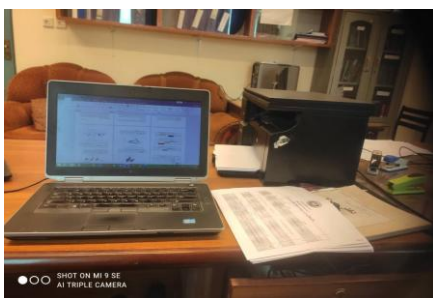
جدول 9: چه نوع زیر ساخت‌ها به کدام میزان در زمینه زراعت و صنایع مرتبط در ولایت شما نیاز به بهبود دارد.

نوع زیر ساخت‌ها	نام ولایات	ملاحظات
	بلخ	فاریاب
شبکه آبیاری	35	30
برق رسانی	10	12
راه‌های مواصلاتی	25	30
برنامه‌های آموزشی برای دهاقین	5	8
دسترسی به تکنالوژی‌های نوین	15	20
مجموعه	100%	100%

نامزدپوهنځیار بسم الله مصمم

بر اساس جدول فوق در میان زیرساخت‌های زراعتی، شبکه آبیاری بیش‌ترین نیاز به بهبود را در جوزجان (۴۰٪)، بلخ (۳۵٪) و فاریاب (۳۰٪) دارد. راه‌های مواصلاتی نیز در فاریاب و جوزجان (هرکدام ۳۰٪) اهمیت بالایی دارد. برق‌رسانی، برنامه‌های آموزشی برای دهاقین و دسترسی به تکنالوژی‌های نوین سهم کمتری دارند اما هم‌چنان نیازمند توجه‌اند. این الگو نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های آبیاری و حمل‌ونقل اولویت اصلی برای ارتقای بهره‌وری زراعت و صنایع مرتبط در این ولایات است.

منبع: ریاست‌های زراعت ولایات (بلخ، فاریاب و جوزجان)



تصویر ۲: جریان جریان تحلیل و تجزیه معلومات
منبع: نویسنده



تصویر ۱: جریان جمع‌آوری معلومات از ریاست‌های
زراعت ولایات

نتیجه کلی از یافته‌های تحقیق

زراعت در ولایات بلخ، فاریاب و جوزجان نقش اصلی در اشتغال و تأمین درآمد ۵۰٪-۶۰٪ جمعیت دارد و پایه‌ای برای توسعه اقتصادی و صنعتی منطقه است. این ولایات ظرفیت بالایی برای ایجاد صنایع تبدیلی دارند که می‌تواند درآمد دهاقین را افزایش دهد و وابستگی به فروش محصولات خام را کاهش دهد.

موانع اصلی شامل کمبود زیرساخت‌ها (راه‌ها، سردخانه‌ها، تأسیسات فرآوری)، مشکلات آبیاری، سیاست‌های ناکارآمد، کمبود سرمایه و استفاده محدود از فناوری‌های نوین است. استفاده بهینه از منابع آبی و زراعت پایدار، همراه با سیاست‌های حمایتی و اصلاحات، می‌تواند نقش کلیدی در افزایش تولید و توسعه صنعتی داشته باشد.

هم‌چنین، فرصت‌های بالقوه برای توسعه زراعت ارگانیک در این ولایات وجود دارد که با تقاضای جهانی هماهنگ است و می‌تواند به توسعه صادرات و افزایش درآمد کمک کند.

مناقشه

تحقيق درباره نقش زراعت در تحول صنعتي شمال افغانستان ديدگاه‌هاي متنوع و مكملې ارائه مي‌دهند. احمدي (2020) زراعت را به‌عنوان موتور محرك صنعتي شدن معرفي مي‌كند و بر ظرفيت‌هاي بالقوه آن براي ايجاد صنايع تبديلي و اشتغال‌زايي تأكيد دارد. در مقابل، نيكزاد (2017) و (2021) و غفوري (2022) بيش‌تر بر موانع عملي مانند ضعف زيرساخت‌ها، كمبود سرمايه‌گذاري، مشكلات حمل‌ونقل، نبود انبارها و فناوري‌هاي نوين تأكيد مي‌كنند كه بهره‌برداري مؤثر از پتانسيل زراعت را محدود ساخته است. حسيني (2022 و 2023) چالش‌هاي اقتصادي و اجتماعي مانند فقر و بيكاري را به‌عنوان عوامل معرفي مي‌كند كه توان دهاقين براي استفاده از فناوري‌هاي نوين را كاهش مي‌دهد و توسعه زراعت را تحت تأثير قرار مي‌دهد. همچنين، محمدي (2020) با تمرکز بر شرايط اقليمي، كمبود منابع آبي و تغييرات محيطي به مشكلاتي اشاره دارد كه بهره‌وري زراعت را كاهش داده و توسعه صنعتي را با دشواري مواجه مي‌سازد. به اين ترتيب، مي‌توان گفت كه براي تحقق تحول صنعتي از طريق زراعت در اين مناطق، توجه همزمان به ظرفيت‌ها، بهبود زيرساخت‌ها، رفع مشكلات اجتماعي-اقتصادي و مديريت تأثيرات اقليمي ضروري است. زراعت در ولايات بلخ، فارياب و جوزجان شمال افغانستان نقش كليدي در اشتغال و اقتصاد اين مناطق دارد، به‌طوري كه حدود 50 تا 60 درصد جمعيت در اين بخش فعاليت مي‌كنند. اين ولايات به‌عنوان مناطق عمده توليد محصولات زراعتي مانند گندم، جو، پنبه و ميوه شناخته مي‌شوند. با اين حال، مشكلاتي همچون ضعف زيرساخت‌ها، كمبود فناوري‌هاي نوين، محدوديت‌هاي بازار، و چالش‌هاي اقليمي مانند كاهش منابع آبي، بهره‌برداري مؤثر از ظرفيت‌هاي زراعتي را محدود کرده است. به رغم پتانسيل بالاي زراعت براي ايجاد صنايع تبديلي و توسعه صنعتي، كمبود سرمايه‌گذاري و ضعف در حمل‌ونقل و انبارداري مانع از رشد اين بخش شده است. پروژه‌هايي مانند كانال قوش‌تپه در حال كمك به بهبود شرايط آبي هستند، اما براي تحقق تحول صنعتي و افزايش درآمد دهاقين، اصلاحات گسترده در زيرساخت‌ها و سياست‌ها و توجه به مسائل اقتصادي و اجتماعي ضروري است.

ظرفيت‌هاي بالقوه زراعت در تحول صنعتي شدن صفحات شمال (بلخ، فارياب و جوزجان)

در ولايات بلخ، فارياب و جوزجان، ظرفيت‌هاي متعددي براي توسعه صنعت مبتني بر زراعت وجود دارد كه مي‌تواند به رونق اقتصادي و صنعتي اين مناطق كمك كند. اين ظرفيت‌ها شامل موارد زير است:

تنوع محصولات زراعتی: این ولایات با توجه به اقلیم و خاک حاصلخیز خود، توانایی تولید محصولات متنوعی را دارند که می‌توانند پایه‌گذار صنایع تبدیلی و فرآوری باشند. برای مثال، بلخ به‌عنوان یک منطقه با تولیدات عمده گندم، جو، پنبه و سبزیجات شناخته می‌شود. در فاریاب، تولید خربوزه و در جوزجان گندم و جواری از جمله محصولات زراعتی مهم هستند. این محصولات می‌توانند به‌عنوان مواد اولیه برای صنایع مختلفی مانند صنایع آرد، روغن‌کشی، بسته‌بندی، صنایع فرآوری میوه و سبزیجات و تولید خوراک حیوانی مورد استفاده قرار گیرند.

ظرفیت‌های آبی: وجود منابع آبی مانند کانال‌های آبیاری و پروژه‌هایی مانند کانال قوش‌تپه در فاریاب، پتانسیل زیادی برای گسترش زراعتی و در نهایت، صنایع وابسته به آن فراهم می‌آورد. این پروژه‌ها می‌توانند به بهبود وضعیت آبی و افزایش تولید محصولات زراعتی کمک کرده و زمینه را برای گسترش صنایع تبدیلی مانند کارخانه‌های فرآوری میوه، تولید پودر گندم و آرد، و سایر محصولات زراعتی فراهم کنند (هاشم، 2021).

وجود نیروی کار ارزان و ماهر: وجود نیروی کار ماهر و ارزان در این ولایات یکی از ظرفیت‌های مهم برای توسعه صنایع مبتنی بر زراعت است. با توجه به این که فیصدی زیادی از جمعیت این ولایات به زراعت مشغول هستند، توسعه صنایع تبدیلی می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای این افراد شود و از این ظرفیت بهره‌برداری کند (Azzam, D. E. L. (2018)).

بازارهای داخلی و خارجی: بازارهای داخلی و خارجی برای محصولات زراعتی این ولایات نیز یک ظرفیت قابل توجه است. در صورتی که صنایع تبدیلی و فرآوری به‌درستی توسعه یابند، این محصولات می‌توانند به‌طور مؤثرتر به بازار عرضه شوند. برای مثال، در فاریاب، کشمش و ماهی به بازارهای داخلی و خارجی صادر می‌شوند و ایجاد واحدهای بسته‌بندی پروسس می‌تواند ارزش افزایی ایجاد کند (کوهستانی، 2021).

پتانسیل در بخش زراعت پایدار و اورگانیک: با توجه به روند رو به رشد تقاضا برای محصولات اورگانیک در بازارهای جهانی، ولایات بلخ، فاریاب و جوزجان می‌توانند از ظرفیت‌های زراعتی پایدار برای توسعه صنعت محصولات اورگانیک بهره‌برداری کنند. این محصولات نه تنها می‌توانند به بازارهای خارجی صادر شوند، بلکه در بازار داخلی نیز با توجه به تمایل مردم به استفاده از محصولات سالم، جایگاه خوبی خواهند داشت (نیکزاد، 2017).

نامزدپوهنپار بسم الله مصمم

حمایت‌های دولتی و پروژه‌های توسعه‌ای: دولت افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی به‌طور مستمر در حال اجرای پروژه‌های مختلف برای توسعه زراعت و صنعت در این مناطق هستند. پروژه‌هایی مانند کانال قوش‌تپه در فاریاب و سایر طرح‌های آبیاری و زیرساختی می‌توانند بستری مناسب برای توسعه صنایع تبدیلی زراعتی ایجاد کنند. هم‌چنین، ارائه تسهیلات مالی، آموزش‌های فنی و مشاوره‌ای به دهاقین و کارآفرینان می‌تواند انگیزه برای سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها را افزایش دهد (سلطانی، 2018).

امکانات حمل و نقل و زیرساخت‌ها: اگرچه در برخی از مناطق مشکلاتی در زمینه زیرساخت‌ها وجود دارد، اما با توجه به پروژه‌های در حال اجرا در بخش حمل و نقل و بهبود جاده‌ها، ظرفیت‌های خوبی برای توسعه صنایع مبتنی بر زراعت در این ولایات وجود دارد. بهبود این زیرساخت‌ها می‌تواند موجب تسهیل در دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی و کاهش هزینه‌های حمل و نقل شود (فریدی، 2019).

چالش‌های موجود زراعت در تحول صنعتی شدن صفحات شمال (بلخ، فاریاب و جوزجان)

در ولایات بلخ، فاریاب و جوزجان، توسعه صنعت مبتنی بر زراعت با موانع و چالش‌های متعددی روبه‌رو است که به‌طور مستقیم بر بهره‌وری و رشد اقتصادی این مناطق تأثیر می‌گذارد. شناسایی و رفع این موانع می‌تواند به بهبود وضعیت کشاورزی و صنایع وابسته کمک کند. برخی از موانع اصلی شامل موارد زیر هستند:

زیرساخت‌های ضعیف: یکی از مهم‌ترین موانع توسعه صنعت زراعت در این ولایات، کمبود و ضعف زیرساخت‌هاست. این مشکلات شامل جاده‌های فرسوده، عدم دسترسی به بازارهای محلی و بین‌المللی، نبود سردخانه‌ها و انبارهای مناسب برای نگهداری محصولات زراعتی و کمبود تأسیسات فرآوری مانند کارخانه‌های آرد و روغن‌کشی هستند. ضعف در زیرساخت‌ها باعث می‌شود که بسیاری از محصولات زراعتی در زمان برداشت به دلیل عدم امکان نگهداری و انتقال به بازار خراب شوند و دهاقین نتوانند از پتانسیل کامل خود بهره‌برداری کنند (سلطانی، 2018).

کمبود منابع آبی و تغییرات اقلیمی: در این ولایات، مشکلات مربوط به منابع آبی و سیستم‌های آبیاری به‌ویژه در مناطق دورافتاده یک چالش بزرگ است. در فاریاب و جوزجان، کاهش منابع آبی و نبود سیستم‌های آبیاری مدرن به کاهش تولید محصولات زراعتی منجر شده است. علاوه بر این،

تغییرات اقلیمی و نوسانات شدید آب و هوا می‌تواند تأثیر منفی بر تولیدات زراعی داشته باشد و ریسک سرمایه‌گذاری در بخش زراعت را افزایش دهد (محمدی، 2020).

مشکلات اجتماعی و اقتصادی: مشکلات اجتماعی و اقتصادی مانند فقر، بیکاری، و نابرابری‌های اجتماعی در این ولایات تأثیر زیادی بر توانمندی مردم برای سرمایه‌گذاری در بخش زراعت و صنایع وابسته دارند. در بسیاری از موارد، دهاقین و کارآفرینان محلی به دلیل نداشتن منابع مالی کافی و دسترسی محدود به بازارهای اعتباری، قادر به انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های زراعتی و صنعتی نیستند. هم‌چنین، مشکلات اجتماعی مانند مهاجرت‌های داخلی و نبود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باعث می‌شود که افراد کمتری در زمینه‌های صنعتی و زراعتی متخصص شوند (احمدی، 2019).

کمبود فناوری‌های نوین و آموزش: استفاده محدود از فناوری‌های نوین در محصولات زراعتی یکی دیگر از موانع است. در حالی که در کشورهای دیگر، دهاقین از تکنولوژی‌های مدرن برای افزایش بهره‌وری استفاده می‌کنند، در این ولایات، بسیاری از دهاقین هنوز از روش‌های سنتی استفاده می‌کنند که باعث کاهش عملکرد و کیفیت محصولات می‌شود. هم‌چنین، کمبود آموزش‌های فنی برای دهاقین و کارآفرینان محلی در زمینه‌های زراعت مدرن، بهره‌وری و بازاریابی باعث می‌شود که این افراد نتوانند از پتانسیل‌های موجود به‌طور موثر بهره‌برداری کنند (کوهستانی، 2021).

عدم دسترسی به منابع مالی و سرمایه‌گذاری: دسترسی محدود به منابع مالی و اعتبارات، یکی از چالش‌های اصلی در این مناطق است. بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً از اعطای قرضه به دهاقین و کارآفرینان محلی به‌ویژه در مناطق دورافتاده خودداری می‌کنند (Mansfield, D. (2020)).

نبود بازارهای مناسب و صادرات: بازارهای ضعیف و نبود راه‌های موثر برای صادرات محصولات زراعتی از دیگر موانع عمده در این ولایات هستند. محصولات زراعتی در این مناطق اغلب به‌صورت خام به فروش می‌رسند و صنایع تبدیلی به‌طور کافی توسعه نیافته‌اند. نبود سردخانه‌ها و انبارهای مناسب، مشکلات حمل‌ونقل و بالا بودن هزینه‌های صادرات باعث می‌شود که دهاقین نتوانند از محصولات خود بهره‌برداری موثر کنند و درآمدهای پایدار حاصل از آن را نداشته باشند (نیکزاد، 2017).

محدودیت‌های تحقیق

از جمله محدودیت‌هایی که در این تحقیق با آن مواجه شدیم، تأخیر در ارایه اطلاعات از سوی ریاست‌های محترم زراعت در زمان مقرر بود. به رغم تلاش‌های مکرر و مراجعه‌های متعدد، اطلاعات

نامزدپوهنپار بسم الله مصمم

تنها پس از پیگیری‌های مستمر در اختیار ما قرار گرفت. دلیل اصلی این تأخیر، فشار کاری و پراکندگی اطلاعات در بخش‌های مختلف این ادارات ذکر گردید. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که ریاست‌های زراعت ولایات، اطلاعات به‌روز شده را به موقع و در زمان‌های معین در اختیار محققان قرار دهند تا امکان تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها فراهم آید و محققان بتوانند برای حل مشکلات موجود در جامعه دهقانی اقدام نمایند.

محدودیت دیگر در این تحقیق، عدم دسترسی به آمار دقیق تولیدات زراعتی سالانه در هر ولایت بود. از این رو، ضروری است که ریاست‌های محترم زراعت، به همراه دیگر ادارات مرتبط، هماهنگی بیشتری داشته باشند و ارقام دقیق و به‌روز را به محققان ارائه دهند تا داده‌ها به شکل منظم و جامع تحلیل و تجزیه شوند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری در ارتباط با نقش زراعت در تحول صنعتی شدن صفحات شمال افغانستان، به‌ویژه در ولایات بلخ، فاریاب و جوزجان، این است که زراعت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصاد این مناطق، پتانسیل قابل توجهی برای تحول صنعتی شدن دارد. در این ولایات، زراعت به‌ویژه در تولید محصولات عمده مانند گندم، جو، برنج، پنبه، میوه‌ها و سبزیجات به‌طور گسترده‌ای انجام می‌شود. به عنوان مثال، طبق گزارش وزارت زراعت، آبیاری و مالداری افغانستان، ولایات بلخ و فاریاب به‌ترتیب تولیدکننده‌های اصلی گندم و دانه‌های روغنی هستند که نقش حیاتی در تأمین مواد اولیه برای صنایع تبدیلی ایفا می‌کنند.

در مجموع، به اساس یافته‌های تحقیق زراعت در ولایات بلخ، فاریاب و جوزجان می‌تواند نقش محوری در تحول صنعتی شدن این مناطق ایفا کند، اما برای بهره‌برداری از این پتانسیل‌ها نیاز به حل مشکلات زیرساختی، ایجاد سیاست‌های حمایتی مؤثر، و توجه به چالش‌های اجتماعی و محیط زیستی وجود دارد. در صورتی که به این مسایل توجه شود و استراتژی‌های مناسبی برای بهبود بهره‌وری زراعت و ایجاد صنایع وابسته تدوین گردد، این مناطق می‌توانند شاهد رشد اقتصادی و صنعتی قابل توجهی باشند.

پیشنهاده‌ها

1. ایجاد سیستم‌های آبیاری مدرن، سردخانه‌ها و جاده‌های مناسب برای حمل‌ونقل محصولات زراعتی.
2. حمایت از صنایع مانند بسته‌بندی، پروسس، ارزش افزایی و اشتغال‌زایی.

نامزدپوهنځیار بسم الله مصمم

3. آموزش دهاقین در استفاده از تکنالوژی‌های نوین و فراهم‌سازی تسهیلات مالی برای خرید تجهیزات مدرن.
4. ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری از طریق توسعه بخش زراعت و صنایع
5. استفاده موثر از منابع آبی و تطبیق زراعت با تغییرات اقلیمی.

منابع

- احمدی، ف. (2019). روند صنعتی شدن در افغانستان و نقش زراعتی در آن. انتشارات فرهنگی.
- حسینی، م. (2022). تأثیرات زراعت بر اشتغال‌زایی در افغانستان. موسسه مطالعات اجتماعی.
- کوهستانی، ز. (2021). توسعه صنعتی و نقش زراعت در مناطق شمالی افغانستان. انتشارات دانشگاه بلخ.
- محمدی، ح. (2020). فرآورده‌های محصولات زراعتی در افغانستان: پتانسیل‌ها و چالش‌ها. نشریه تحقیقات کشاورزی.
- مرکز تحقیقات اقتصادی افغانستان (2021). مقاله‌ها و گزارش‌های منتشر شده در زمینه توسعه زراعت و صنعتی شدن در مناطق مختلف افغانستان.
- نیکزاد، ج. (2017). بررسی وضعیت زراعت در ولایات شمالی افغانستان. مرکز تحقیقات اقتصادی افغانستان.
- وزارت زراعت، آبیاری و مالداري افغانستان (2020). گزارش‌های سالانه و تحلیل‌های اقتصادی در خصوص وضعیت زراعت در افغانستان و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی.
- سلطانی، م. (2018). چالش‌های کشاورزی و صنعت در صفحات شمال در افغانستان. موسسه پژوهشی افغانستان.
- فریدی، س. (2019). زراعت و صنعت در افغانستان: ارتباطات و چالش‌ها. انتشارات تحقیقاتی.
- هاشم، س. م. (2021). آینده زراعت در افغانستان: فرصت‌ها و تهدیدها. نشرات دانشگاهی.
- Azzam, D. E. L. (2018). The Future of Agriculture in Afghanistan. Cambridge University Press.
- Mansfield, D. (2020). Agriculture and Economic Development in Afghanistan. Oxford University Press.
- Khan, M. A., & Hussain, A. (2020). Agricultural Policy and Rural Development in Afghanistan. Springer.
- Rehman, M., & Rauf, M. (2019). The Role of Agriculture in Industrial Development of Afghanistan. Journal of Development Economics.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2022). Agriculture in Afghanistan: Challenges and Opportunities. United Nations.

Scientific Research Journal of Alberoni

Sahib Imtiaz: Alberoni University

Execative Editor: Associate Professor Dr. Mahboob Ur Rahman Safi

Editor-in-Chief of Journal of Natural Sciences: Assistant Professor Dr Gul Afghan Adeel

Editor-in-Chief of Journal of Social Sciences: Senior Teaching Assistant Asadullah Aria

Pages: Jawad Rahimi

Social Sciences Editorial Board:

Associate Professor Zabihullah Quraishi, Faculty member, of Law and Political Science.

Assistant Professor Dr. Mohammad Salim Madani, Faculty member, of Sharia.

Assistant Professor Ahmad Jahid Moshtaq, Faculty member, of Journalism.

Senior Teaching Assistant Dr. Ahmad Hanif Hanif, Faculty member, of Law and Political science .

Senior Teaching Assistant Dr. Abdul Munir Rahimi, Faculty member, of Education.

Senior Teaching Assistant Dr. Gholam Mohammad Payman, Faculty member, of Languages and Literature.

Senior Teaching Assistant Abdul Qahar Samim, Faculty member, of Sharia.

Natural Sciences Editorial Board:

Assistant Professor Gulaqa Anwari, Vice Chancellor of Research and Scientific Journal of Alberoni University.

Associate Professor Fazlurrah Arya, Faculty member, of Agriculture.

Assistant Professor Dr. Mir Hakimullah Sayedy, Faculty member, of Education.

Assistant Professor Mohammad Haron Saberi, Faculty member, of Education.

Assistant Professor Abdul Qahar Qarloq, Faculty member, of Agriculture.

Senior Teaching Assistant Mohammad Nasir Tahiri, Faculty member, of Agriculture.

Senior Teaching Assistant Obaidullah Yusofzai, Faculty member, of Education.

Senior Teaching Assistant Sayed Ali Aqa Sadat, Faculty member, of Education.

Contact:

Tel: 0797100896 – 0703082828

E- mail: [**journals@au.edu.af**](mailto:journals@au.edu.af)

[**vc.academic@au.edu.af**](mailto:vc.academic@au.edu.af)

Add: Alberoni University, Kapisa Province, Afghanistan.



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Alberoni University
Vice-chancellor for Scientific Research

Collection of Articles
Natural Sciences part

**National Conference on Industrial Revolution
for Sustainable Development in Afghanistan**

Volume 9, Issue 2: Summer 2025